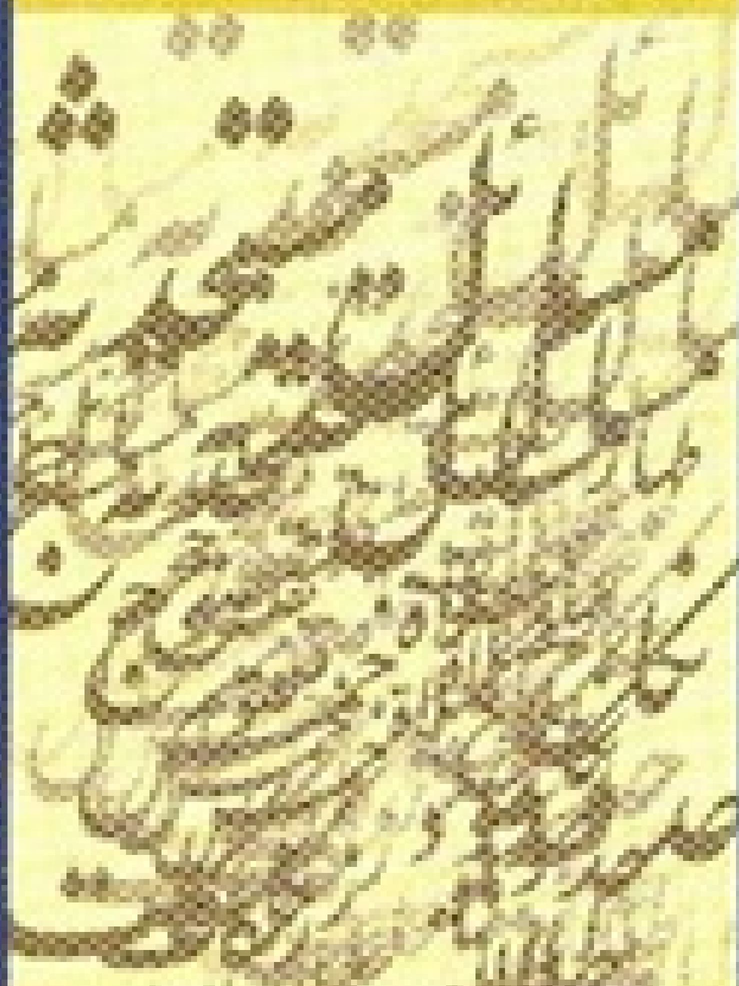
رسالهٔ استفتائات

جلد سوم

مطابق با فتاوی

فقیه عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی منتظری



بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله شیخ حسینعلی منتظری

نویسنده:

آیت الله شیخ حسینعلی منتظری

ناشر چاپی:

تفکر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله استفتائات (منتظری) جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱ - ۱۳۸۸.

عنوان و نام پدیدآور : رساله استفتائات/ منتظری.

مشخصات نشر : تهران: نشر تفکر، ۱۳۷۳.

مشخصات ظاهری : ۳۲۸ ص.: نمونه.

شابک : ۲۵۰۰ ریال

یادداشت : چاپ دوم : تابستان ۱۳۷۳.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : فتوا های شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۸ر۴۸ ۱۳۷۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۳-۳۵۰۰

مقدمهٔ ناشر:

مجموعهٔ حاضر بخشی از مسائل فقهی است که در طول سال های گذشته از حضرت آیت اللّه العظمی منتظری استفتا شده و معظم له پاسخ داده اند.

این مجلد که جلد سوّم استفتائات است، همانند دو مجلد پیشین، دربردارندهٔ بسیاری از ابواب فقهی و نیز ابواب جدید و مسائل مستحدثه می باشد که شمارهٔ سؤال های آنها در ادامهٔ شماره های جلد دوّم است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳

اجتهاد و تقلید

[ملاک اجتهاد]

«سؤال ۲۶۰۱» ملاک مجتهد بودن فرد چیست؟ خودش باید بفهمد و بگوید یا دو نفر از عدول علما یا اساتید ایشان و یا ...؟

جواب: برای مقلد باید یکی از راه های بیان شده در توضیح المسائل ثابت شود و برای خودش، باید اطمینان پیدا کند.

«سؤال ۲۶۰۲» محدودهٔ توانایی فقیه در فتوا دادن را بیان فرمایید؟

جواب: محدودهٔ فتوا دادن فقیه فقط احکام کلی فرعی دین و نیز بیان حدود و شرایط موضوعات شرعی، مانند نماز، روزه و مانند آنهاست و تشخیص مصادیق و موضوعات عرفی بر عهدهٔ فقیه نیست.

«سؤال ۲۶۰۳» در مورد مرجع تقلید که فرموده بودید: ممکن است نظرش عوض شود، به نظر می رسد در صورتی نظر یک نفر در مورد مسأله ای می تواند عوض شود که آن مسأله نیز به نوعی تغییر کرده باشد، مثلًا زمان صدر اسلام که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زبیر لقب سیف الاسلام داده بود. زبیر آن موقع واقعاً شخص خوبی بود، ولی زمان حضرت علی علیه السلام از امتحانات خداوند سرافراز بیرون نیامد و به صف مخالفان خداوند پیوست.

نظر انسان در این مورد باید عوض شود، ولی وقتی یک مسألهٔ ثابت اتفاق افتاده و هیچ تغییری در ماهیت آن واقع نشده، چگونه شخصی روزی با

آن موافق و روزی مخالف آن است و ربطی هم به معصوم و غیر معصوم ندارد؟

جواب: تغییر نظر، منحصر به موارد تغییر موضوع حکم نیست. همهٔ انسان ها در زمان های مختلف و شرایط گوناگون یکسان فکر نمی کنند و مجتهدین نیز از این قانون کلی مستثنی نیستند. ممکن است در زمانی از ادلّهٔ مربوطه استنباطی کنند و در شرایط دیگری استنباطشان عوض شود و استنباط دوم حجّت است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴

«سؤال ۲۶۰۴» یک نظریهٔ فقهی می گوید: در بعضی شرایط که حاکم واجد شرایط در بین نباشد، عدول مؤمنین ولایت پیدا می کنند. مطابق این نظریه، آیا تشخیص مصالح سیاسی و اجتماعی نیز به عهدهٔ آنان است؟

جواب: مرجع تشخیص مصالح در هر حال با اهل خبره و کارشناسان صالح است، و شأن فقیه و تخصص او فقط در استنباط احکام کلی فقه و تشخیص آنها و نظارت بر اجرای احکام دین در کشور است و تصدّی اجرائیات شأن او نیست. اجرائیات نیاز به اموری دارد که از عهدهٔ فقیه از جهت فقاهت او خارج است؛ ولی اگر در مورد خاصّی در اثر تزاحم ملاکات نیاز به اعمال ولایت و حکم قطعی باشد اعمال آن در درجهٔ اوّل شأن فقیه و اگر نباشد عدول مؤمنین می باشد.

ضرورت تقلید

«سؤال ۲۶۰۵» علت لزوم و ضرورت اجتهاد در احکام شریعت اسلام چیست؟

جواب: به علّت فاصلهٔ زمانی با عصر تشریع، استنباط از منابع نیازمند تخصصهای متعددی است، و همچون عصر اولیه استفاده از آن منابع برای همگان با اطلاعات معمولی و غیر تخصصی ممکن نیست؛ اجتهاد در احکام شریعت همان استنباط تخصصی احکام از منابع مربوطه است.

«سؤال ۲۶۰۶» بر طبق نظر مرحوم

ملاصدرا، تقلید تا حدود زیادی جایز نیست، محدودۀ آن چیست؟

جواب: منظور از تقلید مذموم، مراجعه به متخصص در مسائل فرعی دینی نیست، زیرا مراجعه به متخصصین، امر عقلایی است و انسان ها به طور طبیعی در کارهایی که به آنها آشنایی ندارند، به اهل فنّ مراجعه می کنند، مانند مراجعۀ به پزشک. آنچه مورد مذمّت است تقلید کورکورانه و تقلید در عقاید دینی است که هر کسی باید خود تحقیق کرده و کسب آگاهی و اطمینان کند و تقلید کورکورانه جایز نیست. رجوع به کارشناس و متخصص نوعی تعلّم و یادگرفتن اجمالی است نه رجوع کورکورانه و تعبّدی، و اصولًا عقلا در این قبیل امور تعبّد ندارند، بلکه تا به صحت نظر متخصص

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵

– هرچند بخاطر اعتماد به تخصص او– مطمئن نشوند و سکون نفس پیدا نکنند به او رجوع نمی کنند. در مسائل فرعی دین نیز رجوع به مجتهد جامع الشرائط برای تعلّم و یادگیری احکام از فرد آگاه و خبیر است که به خاطر تخصص به گفته اش اطمینان پیدا می شود، نه تبعیت کورکورانه از او.

«سؤال ۲۶۰۷» در خودِ تقلید کردن، آیا شخص باید تقلید کند؟ آیا این بخش از شرایط مرجع و مقلد در ابتدای رسالۀ شما فقط بیان نظرات شماست یا الزام آور برای مقلدین شما هم می باشد؟

جواب: اصل تقلید، تقلیدی نیست، بلکه سیرۀ عقلا ـ در هر زمان و مکانی چنین است که جاهل نسبت به هر موضوعی به کارشناس آن موضوع مراجعه می کند و فقها کارشناسان و متخصصین فقه می باشند. عقلا نیز در هر کار مهمی به کارشناس مراجعه می کنند که از دیگران بهتر و عالم ترند. احکام دین از امور

مهم است، پس قهراً مطابق سیرهٔ عقلا باید به فقیه اعلم مراجعه شود. و آنچه راجع به شرایط تقلید در رساله ذکر شده است نظر این جانب بوده و برای مقلدین عمل به آن لازم است.

«سؤال ۲۶۰۸» آیا عمل و اعتنا به حکم و فتوای فقهی و شرعی توسط ولیّ فقیه و مجتهد جامع الشرایط در زمان حیات وی فرض و واجب است، یا زمان مماتش نیز لازم الاتّباع است؟

جواب: جواز عمل به فتوای مجتهد، مختص به زمان حیات وی است، ولی کسانی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده اند با شرایطی می توانند بعد از آن نیز به آن عمل کنند. البته نفوذ و ثبات حکم قضایی حاکم جامع الشرایط و یا منصوبین ولایتی او اختصاص به زمان حیات وی ندارد.

«سؤال ۲۶۰۹» به چه دلیل بعضی می گویند: در تقلید، اعلمیت شرط نیست؟ و دلیل بر تقدم اورع بر اعلم چیست؟

جواب: آنها دلیل هایی دارند، مانند اطلاق ادلّهٔ جواز رجوع به فقیه، حرجی بودن تقلید اعلم، سیرهٔ متشرعه و ارجاع ائمه علیهم السلام به غیر اعلم که این دلیل ها در کتاب های

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶

زیادی، همراه با جوابشان آمده اند. در باب تقلید هم، تقدم اورعیت بر اعلمیت دلیلی ندارد و چون عمده دلیل بر تقلید، سیرهٔ عقلاست؛ سیرهٔ عقلا در مسألهٔ اختلافی، تقدم نظر اعلم است.

«سؤال ۲۶۱۰» مبنای حضرت عالی در بحث تقلید کتاب «ولایه الفقیه» سیرهٔ عقلاست که در هر امری به متخصص آن رجوع می کنند و شارع مقدس این سیره را امضا فرموده است و فرموده اید: «عقلا در کارهایشان تعبّد نیست، بلکه ملاک حصول اطمینان است».

بااین مبنا اگر مقلدی که اهل فضل و تحقیق

است، ولی هنوز به حدّ اجتهاد نرسیده است، به خاطر تحقیق در اطراف یک موضوع فقهی نتوانست به فتوای مرجع خود مطمئن شود که واقعاً حکم خداوند است تکلیفش چیست؟

جواب: مبنای تقلید به نظر این جانب همان است که در سؤال آمده است؛ ولی این که هر کس چند کلمه ای خواند یا شنید بتواند در فتاوای قطعی مجتهد اعلم تشکیک بکند صحیح و منطقی نیست. بلی فرض سؤال در مورد کسی است که واقعاً به قواعد فقهی و مبانی فتوای مجتهد آشنا و نیز اهل تشخیص باشد و وظیفهٔ چنین کسی در فرض ذکر شده مراجعه به فتوای مجتهد دیگری است که به فتوای او اطمینان پیدا کرده باشد، یا عمل به احتیاط کند.

شناخت اعلم

«سؤال ۲۶۱۱» بنده مدتی مرجعی را اعلم دانسته و از او تقلید می کردم، اما اکنون فهمیده ام مرجع اعلم شخص دیگری است. آیا اعمالی را که بر طبق فتوای مرجع اولی عمل کرده ام و طبق نظر مرجع جدید باطل است باید دوباره به جا آورم؟

جواب: آنچه به نظر مرجع دوم باطل است باید قضا شود، ولی در نماز اگر ارکان آن به نحو صحیحی انجام شده قضا لازم نیست.

«سؤال ۲۶۱۲» فرموده اید: روش شناخت اعلم فقهاء بدین صورت است که باید دو نفر از اهل خبره شخصی را معرفی کنند، به شرط عدم تعارض توسط دو خبرهٔ عادل دیگر و یا این که خود مکلف اهل شناخت باشد و اعلم را بشناسد. اما با توجه به معیارهای مذکور

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷

این جانب در شناخت مرجع تقلید جامع الشرایط دچار سرگردانی گشته ام چرا که در مقابل هر دو نفر خبرهٔ عادل که مرجعی را معرفی می کنند، دو

نفر دیگر می توان یافت که شخص دیگری را معرفی می کنند. لذا مستدعی است در این مهم (شناخت اعلم در زمان حاضر) این جانب را یاری کرده و دلایل آن را بیان کنید.

جواب: راه های شناخت اعلم، علم، یا اطمینان شخصی به اعلمیت او، یا شیاع مفید علم، یا اطمینان و یا بیّنه در صورت عدم معارض است و اگر علم یا اطمینان به اعلمیت یکی از آن دو حاصل نشود، ظن به اعلمیت یکی از آنها کافی است؛ بلکه اگر احتمال دهیم که فقط یکی از آن دو نفر اعلم است همان فرد مقدم می شود و اگر در هر دو احتمال اعلمیت باشد، احوط در مسائل اختلافی بین این دو مرجع، عمل کردن به فتوای مرجعی است که فتوای او به احتیاط نزدیک تر باشد.

«سؤال ۲۶۱۳» آیا اساساً انتخاب مرجع به معنای ضرورت تبعیت از یک فرد در کلیهٔ امور و مسائل است یا در صورت وجود و حضور چند مرجع جامع الشرایط، افراد مخیر بین عمل به فتاوای هر یک از آنان در آن دسته از مسائل هستند که ظن احاطه بیشتر یا اعلمیت بر آن مسائل را دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب در مسائل اختلافی باید احتیاط کرده و یا از اعلم تقلید کرد و اگر هر یک در یک رشته اعلم است باید در آن رشته از او تقلید کرده و اگر اعلم مردد بین چند نفر است و تشخیص آن میسر نیست عمل به احوط الاقوال از آنان شود و بالاخره تعیین شخص خاص در همه امور وجهی ندارد.

کیفیت کشف فتوای مجتهد

«سؤال ۲۶۱۴» اگر انسان مسأله ای را در رساله ببیند و یا از فردی سؤال کند و به

گمان این که درست فهمیده به آن عمل کند، اما بعداً متوجه شود که اشتباه فهمیده است در این صورت آیا شخص قاصر به حساب می آید یا مقصّر؟

جواب: در فرض مذکور جاهل قاصر است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸

تقلید در امر رؤیت هلال

«سؤال ۲۶۱۵» در زمان حضور بقیه اللّه الاعظم ارواحنافداه با اعلام روز عید، تمام مسلمین عید خواهند گرفت؛ ولی در زمان حاضر، با این اختلاف نظر که حتماً یکی به اشتباه رفته و غیر عید را بر مسلمین، اعلام عید کرده است، با عنایت به این که همگی اعلام کنندگان با تقوا و صادق هستند، تکلیف مردم که هر دو را صادق و عادل می دانند چیست؟

جواب: وضعیت اعلام روز عید در زمان حضرت ولیّ عصر «عجّل اللّه تعالی فرجه» برای ما روشن نیست، ولی اختلاف فقها در بسیاری از این موارد به اختلاف در فتوا و استنباط حکم کلی مربوط می شود، که امری فنّی است و چه بسا با تبادل نظر حل می شود، زیرا چه بسا اختلاف در مبانی اجتهاد و مسائل مربوط به اصول فقه وجود دارد و گاه به اختلاف در موضوع و این که آیا هلال ماه رؤیت شده است یا نه، مربوط می شود که البته با تبادل اطلاعات و رجوع به کارشناسان تا حدود زیادی قابل رفع است. در هر حال در صورتی که حاکم شرع جامع الشرایط، حکم به اول ماه بودن کند و در مبانی و منابع حکم او تشکیک نشود، باید از آن، تبعیت شود و اعلان نظر دیگران اثری ندارد.

«سؤال ۲۶۱۶» همان گونه که استحضار دارید در رابطه با استهلال ماه مبارك رمضان و شوال و اعلام روز اول ماه مبارك رمضان

یا عید سعید فطر، هر ساله با مشکلاتی روبه رو هستیم؛ این اشکال و اختلاف میان مراجع، امسال نمود بیشتری یافته بود. نکته ای که در این خصوص به ذهن می رسد این است که با وجود مبنای تقلید از فقهای عظام در مسائل شرعی که در کتاب «دراسات فی ولایه الفقیه» پذیرفته اید، چگونه می توان فقها و مراجع معظّم تقلید را در امر استهلال ماه، محل رجوع دانست، در حالی که نوعاً هیچ یک از این بزرگواران متخصص و کارشناس در این امر نیستند؟ آیا نظر فقیه از حیث فقیه بودن- و نه از حیث واجد شرایط بودن- برای مقلّدان او حجت شرعی است؟

جواب: هلال و امثال آن از موضوعات خارجیه است و تشخیص موضوعات به فقیه- بما هو فقیه- که شأن او استنباط احکام از ادلّهٔ آنهاست ارتباط ندارد، بلکه به علم

و اطمینان شخص مکلّف یا شهادت دو مرد عادل به رؤیت یا قول اهل خبره که اطمینان آور باشد ثابت می شود؛ ولی اگر حاکم شرع جامع الشرایط، حکم به ثبوت هلال کند بر دیگران لازم است ترتیب اثر دهند، مگر این که بطلان مستندات او ثابت گردد.

راه کسب اجتهاد

«سؤال ۲۶۱۷» به نظر جناب عالی راه صحیح استنباط و کسب قوّهٔ اجتهاد چیست؟

جواب: تحصیل قوّهٔ استنباط به طور صحیح، علاوه بر آموزش علوم مقدماتی، اصول، فقه، رجال و درایه، احتیاج به تتبع و آشنایی کامل به زمان و محیط تشریع و اهداف آن و شناخت درست موضوعات کلی احکام شرع دارد.

محدودهٔ فتوای مجتهد

«سؤال ۲۶۱۸» این جانب محقق دانشگاه لندن هستم، مطالعاتم در رشتهٔ شرق شناسی است و به روش شناسی مسائل دینی علاقه مندم. اگر روش شناسی مورد وفاق و عینی در رسیدن به حکم در اسلام وجود دارد، همگی علما باید آن را طی کنند تا به حکم برسند، پس چرا یک مجتهد با استدلال نمی تواند ثابت کند که حکم مجتهد دیگر غلط است؟

جواب: بین حکم و فتوا فرق است، حکم در مقام قضاوت بین متخاصمین در موضوعات است و همچنین حکم حاکم شرع جامع الشرایط در موضوعاتی است که برای حفظ نظام اجتماعی ضرورت داشته باشد و راهی جز آن در میان نباشد. این قبیل احکام برای همه، حتی مجتهدین دیگر حجت و معتبر است و بر آنها لازم است ترتیب اثر بدهند، مگر این که ثابت شود که حاکم در مقدمات حکم اشتباه کرده است؛ ولی مورد فتوا، مسائل کلی فقه است که به طور روشمند و بر اساس منطق اجتهاد شیعی از ادلّهٔ فقه- کتاب، سنّت، عقل و اجماع- استنباط می شوند. فرقهٔ «مصوّبهٔ» اهل سنت، فتوای مجتهد را حکم اللّه واقعی در حق او و مقلدانش می دانند و طبعاً حکم اللّه واقعی در حق افراد، متفاوت است؛ ولی علمای شیعه و برخی از علمای اهل

سنت «مخطّئه» می باشند؛ یعنی می گویند: حکم اللّه واقعی در هر موضوعی

برای همه یکسان است و ممکن است مجتهد در استنباط خود به آن برسد و ممکن است خطا کند و لذا گفته اند:

«للمصیب أجران و للمخطیء أجر واحد»

؛ یعنی برای کسانی که به واقع رسیدند دو اجر است و برای آنهایی که نرسیدند، یک اجر می باشد.

فتوای یک مجتهد برای مجتهدین دیگر حجت نیست و ممکن است علم به اشتباه و خطای او پیدا کند و به خاطر اختلاف در مبانی اصولی و نیز اختلاف ساختار ذهنی افراد، نتواند دیگری را قانع کند. در این صورت نزاع و درگیری به مصلحت نیست، ولی دوستانه هر کسی ادلّهٔ خود را تذکر می دهد و استظهار خود را از آیات و روایات مربوطه، به دیگری یاد آوری می کند. اما نمی تواند فهم خود را به او تحمیل کند. هر کسی در فهمیدن مطالب علمی آزاد است و فهم و استنباط دیگری برای او حجت نیست، هرچند چهارچوبه استنباط آنها یکسان یا قریب به هم می باشد. برای اطلاع بیشتر از مسائل اجتهاد و تقلید می توانید به جلد دوم کتاب این جانب «دراسات فی ولایه الفقیه» یا ترجمهٔ آن، از فصل چهارم به بعد مراجعه کنید.

«سؤال ۲۶۱۹» اگر کسی به لحاظ معرفتی و سلوک عرفانی فانی ذات شود، دیگر چه نیازی به تقلید در احکام دارد؟ چون عده ای معتقدند کسی که به این مقام می رسد باب های علوم بر او گشوده می شود. در این صورت آیا در مورد احکام شرعی باید مقلد باشد؟

جواب: سلوک عرفانی و معرفتی ارتباطی به فقه و احکام عملی اسلام ندارد و باید انسان یا خودش متخصص و مجتهد فقه برای به دست آوردن مسائل باشد و یا از متخصص و مجتهد

تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید.

تجزی در اجتهاد

«سؤال ۲۶۲۰» آیا کسی که به مرحله ای رسیده است که می تواند بعضی مسائل شرعی را از ادلّه آنها استنباط کند می تواند تقلید کند؟

جواب: هر کسی در هر مسأله ای شرعی به درجهٔ اجتهاد رسیده باشد، در آن مسأله نمی تواند از دیگری تقلید کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱

شرایط مجتهد

«سؤال ۲۶۲۱» آنچه بین فقهاء عظام ادام اللّه ظلّهم علی رؤوس المسلمین مشهور است این است که باید از مجتهد اعلم تقلید کرد، بنابراین آیا هر کدام از این بزرگان که متصدی امر فتوا می شوند باید بینی و بین اللّه، خود را اعلم از بقیه بدانند؟

جواب: تقلید در مسائل اختلافی مشروط به اعلمیت است بنابراین زمانی که مجتهد عادل، متصدی فتوا و مرجعیت می شود- در حالی که اعلمیت را شرط تقلید می داند- لابد در آنچه که در مورد آن فتوا می دهد خود را اعلم می داند.

تقلید در غیر احکام

«سؤال ۲۶۲۲» در مورد تکفیر افراد، آیا نظر مجتهد برای مقلد حجت است، یا این که تکفیر امری تقلیدی نیست و لازم نیست مقلد در این مورد از مجتهد خود پیروی کند؟

جواب: تکفیر و کافر دانستن کسی و نیز اهل حق یا اهل باطل بودن کسی از امور تقلیدی نیست.

تقلید از فالاعلم

«سؤال ۲۶۲۳» این جانب در موردی که حضرت عالی فتوا نداده و احتیاط واجب کرده اید بر خلاف احتیاط عمل کرده و پس از مدتی متوجه شدم عمل این جانب مطابق نظر فالاعلم است. آیا وظیفه ام را انجام داده ام و یا این که زمان انجام عمل قصد مطابقت با وظیفه ام لازم بوده است؟

جواب: در فرض سؤال، عمل بر خلاف احتیاط گرچه با التفات و توجه انجام گیرد نوعی تجری و قبیح است، ولی صرف انطباق آن با فتوای فالاعلم فعلی مجزی است.

«سؤال ۲۶۲۴» در صورتی که برای یافتن فالاعلم با مشکلاتی مواجه شویم، مثل تعدد مراجع و یا محافظه کاری افرادی که می توان از آنها سؤال کرد و ...، در این صورت برای یافتن فالاعلم چه راه کاری را ارائه می فرمایید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲

جواب: همان طوری که برای تشخیص اعلم باید تحقیق کرد برای تشخیص فالاعلم هم باید تحقیق کنید و اگر به نتیجه نرسیدید از مظنون الاعلمیه باید تقلید کنید.

«سؤال ۲۶۲۵» اگر مجتهد اعلم در مسأله ای احتیاط واجب کند، با رجوع به فالاعلم می بینیم او هم مثل مجتهد اعلم، احتیاط واجب کرده است و همین مسأله را در فالاعلم دوم هم مشاهده می کنیم و همین طور در فالاعلم سوم و چهارم، در این صورت آیا می توان به آخرین اعلم و یا اعلم های قبل از او رجوع کرد؟

جواب: اگر

اعلم دومی یا سومی یا بعد از او مجتهد عادل فالاعلم باشند رجوع به او مانعی ندارد.

اصطلاحات توضیح المسائل

«سؤال ۲۶۲۶» در مسائلی که حضرت عالی احتیاط واجب کرده اید تکلیف چیست و به چه کسی رجوع کنیم؟

جواب: احتیاط واجب را می توانید به فالأعلم که واجب نمی داند مراجعه کنید و تشخیص فالاعلم هم مثل تشخیص خود اعلم با خود مقلد است که تحقیق کرده و انتخاب کند.

«سؤال ۲۶۲۷» در مسألهٔ ۲۱ رسالهٔ توضیح المسائل چنین آمده: «با توجه به گستردگی رشته های فقه و تخصصی بودن آنها، اگر در بین چند مجتهد هر کدام در یک یا چند رشته از مسائل فقهی از دیگران اعلم باشد، وجوب تقلید از او در همان رشته بعید نیست».

سؤال این است: آیا لفظ بعید نیست دلالت بر جواز عمل به این روش است؟

جواب: «بعید نیست» فتواست و می توانید بر طبق آن عمل کنید.

«سؤال ۲۶۲۸» اگر کسی بخواهد عمل واجب خود را بنابر احتیاط یا بر طبق وظیفه (مثلًا وقتی که عمل باطل بوده و می خواهد آن را انجام دهد) تکرار کند. آیا لازم است در نیت خود زمان آن را قید کند و آیا وقتی که برای انجام آن نایب می گیرد چطور؟ آیا نایب باید زمان آن را بداند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳

جواب: همین که توجه دارد که عمل مخصوص را که مکلّف بوده می خواهد قربه الی اللّه انجام دهد تا بری ء الذمه شود کافی است و نیت زمان لازم نیست. و نایب باید قصد نیابت از مکلّف خاص را داشته باشد، البته در اعمالی که قابل نیابت باشد.

«سؤال ۲۶۲۹» آیا ولایت فقیه از مسائل تقلیدی است و اگر تقلیدی است یعنی چه؟

جواب:

ولایت فقیه از مسائل اصول دین نیست و تقلیدی است؛ یعنی نظر مرجع تقلید برای مقلد او حجت است.

«سؤال ۲۶۳۰» من دوران بلوغ خود را در خانواده ای گذرانده ام که در آن کسی به وظایف شرعی و آموزش آن اهمیتی نمی داد از این رو از مسائل تکلیف و بلوغ بی اطلاع بودم، اما پس از رسیدن به ۱۶ سالگی کلیهٔ وظایف شرعی خودم را در دبیرستان آموزش دیدم و به جا آورده ام، با این شرایط آیا بنده تا قبل از رسیدن به ۱۶ سالگی جاهل مقصر بوده ام یا قاصر؟

جواب: اگر به ذهن شما خطور نمی کرد که تکلیف دارید و خیال می کردید که وظیفه ای ندارید، جاهل قاصر بوده اید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴

مسائل نجاست و طهارت

[رطوبت مُسریه]

«سؤال ۲۶۳۱» منظور از رطوبت مُسریه چیست؟ مثلًا اگر ادرار بچه به شلوار او سرایت کرده، اما ملحفه ای که با شلوار بچه در تماس بوده خشک باشد تکلیف چیست؟

جواب: معنای مسریه، سرایت کننده است اگر آن شی ء از طرف چیز نمدار، نم پیدا کند به آن سرایت می گویند و اگر شک داریم سرایت کرده یا نه، محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۳۲» دختری هستم ۲۲ ساله که در هنگام دست شویی کردن قبل از این که خود را به دست شویی برسانم احساس می کنم که خودم را نجس کرده ام و به پزشک مراجعه کرده ام. پزشک می گوید از لحاظ پزشکی هیچ مشکلی ندارم و گاهی وقت ها می شود که در طول روز چهار یا پنج بار لباس عوض می کنم، هم خودم و هم اطرافیان از این وضعیت ناراحتیم و هر موقع به دست شویی می روم نجس از دست شویی بر می گردم و الآن چند ماهی است که دچار وضعیت بدی شده ام هم از

لحاظ روحی و هم از لحاظ جسمی. لطفاً مرا راهنمایی کنید. دیگر این که نمی دانم که چه موقع دست شویی می کنم و خود را نجس می کنم و چه موقع مربوط به ترشحاتی است که از بدن خارج می شود.

ضمناً وقتی که به خودم می گویم که حالا دیگر نجس شدم و بعداً لباس عوض می کنم، دیگر دچار مشکلی نمی شوم.

جواب: تا یقین نکنید که لباستان نجس شده باید لباس را پاک حساب کنید و اگر ترشح هم مشکوک باشد که ادرار است یا چیز دیگر آن هم پاک است. در عین حال این مرض درمان هم دارد و باید به متخصص آن مراجعه کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵

بول و غائط

«سؤال ۲۶۳۳» آیا بول خفاش نجس است؟

جواب: مشهور بین فقها نجاست بول خفاش است و روایات در این مسأله متعارض می باشند و احوط اجتناب است.

«سؤال ۲۶۳۴» حکم رطوبتی که از محل غائط گاهی در مواقع دوچرخه سواری، پیاده روی، ورزش های با فشار به شکم و گاهی بدون علت خاص بر روی لباس زیر احساس و دیده می شود و رنگی ندارد از نظر طهارت چیست؟

جواب: هر گونه رطوبت و کثافت که به هر کیفیت، از مقعد خارج شود نجس است، و اگر یقین به خروج آن از مقعد ندارد محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۳۵» ما در منطقه ای زندگی می کنیم که مارمولک زیاد بوده و تقریباً هر روز از در و دیوار و وسایل ما بالا- می روند، فضله آنها چه حکمی دارد؟

جواب: مارمولک چون خون جهنده ندارد، فضله اش پاک است، ولی امور بهداشتی را نیز رعایت کنید.

منی

«سؤال ۲۶۳۶» گفته شده در ساخت برخی از کِرِم های آرایشی داخلی و خارجی از اسپرم استفاده می شود، در این صورت آیا این گونه کِرِم ها نجس می باشند؟

جواب: اگر شک دارید کرم از اسپرم تهیه شده است محکوم به طهارت می باشد و تفحص از چگونگی تهیهٔ کرم هم لازم نیست؛ ولی چنانچه بدانید از اسپرم تهیه شده است چون استحاله شدن آن معلوم نیست کرم هم محکوم به نجاست است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶

مردار

«سؤال ۲۶۳۷» گاهی کنار ناخن دست یا پا، ریشه گوشت کوچکی پیدا می شود که حیات ندارد و با ناخن گیر آن را جدا می کنند و دور می اندازند. آیا بعد از جدا شدن پاک است یا نجس؟

جواب: اگر گوشت باشد نجس است، ولی اگر پوستی بدون روح باشد که موقع چیده شدن درد نیاید، پاک است.

«سؤال ۲۶۳۸» آیا فسیل جانداران پاک است؟

جواب: فسیل ها معمولًا مربوط به مردهٔ حیواناتند که قهراً پاک نیستند، مگر استحاله شده باشند، یا احیاناً یقین به ذبح شرعی آن حیوان داشته باشید.

خون

«سؤال ۲۶۳۹» اگر خون در داخل دهان و بینی باشد اخلاطی که از بینی و رطوبتی که از دهان بیرون می آید در صورتی که به خون آلوده نباشد پاک است. اگر آب از خارج وارد بینی و دهان شود و با خون ملاقات کند، بعد از این که از بینی و دهان خارج شد، خون نداشته باشد؛ آیا این آب هم پاک است؟

جواب: در رابطه با جسم خارج اگر در مثل دهان و بینی- که از بواطن محضه نیستند- ملاقات با خون حاصل شد احوط اجتناب است.

«سؤال ۲۶۴۰» خونی که بر اثر ضربه، زیر پوست می میرد، آیا پاک است؟ و چطور می شود خون مرده را تشخیص داد؟

جواب: اگر خون مرده به گونه ای باشد که در عرف دیگر به آن خون نگویند و یا به تشخیص پزشک متخصص خون نباشد، پاک است وگرنه نجس بوده، ولی تا زمانی که زیر پوست است برای وضو و غسل اشکال ندارد.

«سؤال ۲۶۴۱» گاهی قسمتی از بدن زخم می شود و احتمال نود و نه درصد می رود که اگر دستمال کاغذی روی آن قرار داده شود به دستمال خون

پس بدهد، ولی از طرف

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷

دیگر بـا چشم، خون دیـده نمی شود، آیـا چنین زخم هـایی محکوم به طهارتنـد، یا نجس می باشـند؟ و آیا قرار دادن دسـتمال کاغذی و بررسی بیشتر، لزومی دارد یا خیر؟

جواب: میزان اطمینان و علم است، چنانچه اطمینان نداریـد که خون آمـده باشد اجتناب لازم نیست، ولی چنانچه مطمئنید خون آمـده است بایـد از آن اجتناب کنیـد، هرچند خون با چشم دیده نشود و در هر حال باید از وسواس پرهیز شود و چنانچه دچار وسواس هستیـد، به احتمال نجاست اعتنا نکنیـد، ولی اگر وسواس ندارید در مواردی که احتمال می دهید بعداً متوجه نجاسـت شوید و تکلیفتان زیاد شود بهتر است تا اندازه ای تفحص کرده و جانب احتیاط را رعایت کنید.

کافر

«سؤال ۲۶۴۲» در زمان جنگ با شوروی سابق جمعی از مردم افغانسـتان از ترس و یا به طمع مال و مقام در جبهـهٔ شوروی فعال بودنـد و یـا در صـحنهٔ جنگ حضور داشـتند در میان آنها برخی مسـلمان با نماز و روزه بودنـد و از عقیـدهٔ جمعی دیگر اطلاع نـداریم، اما با توجه به این که به ارتداد هیچ کدام یقین نداریم با همهٔ آنها همچون دیگر مسـلمانان معاشـرت می کنیم. آیا این کار ما صحیح است؟

جواب: وظیفه همین است که در مورد شک، حمل بر صحت کرده و ترتیب آثار ارتداد داده نشود.

«سؤال ۲۶۴۳» آیا بهایی نجس است یا خیر، و اگر بهایی قرآن را پاره کند چه حکمی دارد؟

جواب: بهایی که منکر خاتمیت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و احکام ضروری اسلام است مسلمان نیست، بلکه دارای هیچ یک از ادیان الهی نیست؛ بنابراین

حکم به طهارت او محل اشکال است و پاره کردن قرآن توسط او اگر در حالت عادی و با عناد و قصد اهانت باشد موجب حدّ اعدام است. البته ثبوت موضوع و صدور حکم و اجرای آن متوقف بر نظر و حکم قاضی جامع الشرایط و مبتنی بر شرایط خاصی است که بدون

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸

آن کسی حق اجرای آن را ندارد و وظیفه دیگران نیز ابراز انزجار و تنفّر و قطع ارتباط با او و به طور کلی تا حدّ ممکن از تکرار چنین اعمالی جلوگیری شود.

«سؤال ۲۶۴۴» نظر حضرت عالی دربارهٔ طهارت یا نجاست بهایی ها چیست؟ و آیا غذایی را که فرد بهایی طبخ نموده می توانیم مصرف کنیم؟

جواب: بهایی ها چون منکر خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و احکام ضروری دینند محکوم به کفرند و غذایی که آنها طبخ می کنند اگر با بدن آنها تماس پیدا نکرده و اجزای حیوانی که خودشان ذبح کرده اند هم نباشد پاک است.

«سؤال ۲۶۴۵» دوست من ملحد و منکر خدا و مادرش مسیحی کاتولیک است. او از مذهب چیزی نمی داند و غسل تعمیدش نداده اند. آیا ما می توانیم او را مسیحی و پاک بدانیم یا او نجس است؟

جواب: اگر دوست شما اقرار به مسیحی بودن دارد- هرچند غسل تعمیدش نداده اند- و به نجاساتی همچون شراب و گوشت خوک آلوده نباشد، محکوم به طهارت است، ولی اگر رسماً خدا و دین، حتی مسیحیت را انکار می کند محکوم به طهارت نیست.

«سؤال ۲۶۴۶» کافر به چه کسی گفته می شود؟ بهایی، یهودی، مسیحی، زردشتی، بی دین، ملحد، بت پرست، بودایی و ...؟ و آیا اقلیت های مورد اشارهٔ قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران از کفار محسوب می شوند؟

جواب: در اصطلاح فقه، کافر کسی است که وجود خداوند، یا وحدانیت او، یا پیامبری حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم یا خاتمیت او، یا معاد و یا یکی از ضروریات اسلام را که ضروری بودن آن محرز است، با توجه به ضروری بودن آن از روی عناد و جحد انکار کند.

«سؤال ۲۶۴۷» در کشورهای کمونیستی، مثل چین زندگی کردن و معاشرت با آنها چگونه است؟ آیا ذبایح آنها محکوم به طهارت است؟ غذاهایی که در آنها از گوشت استفاده نمی شود چه حکمی دارد؟ البسه و ظروف آنها که در هتل ها با ماشین های لباس شویی یا ظرف شویی شسته و بعضاً با همان دستگاه خشک می شود. آیا این قبیل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹

اشیا محکوم به طهارت است؟

جواب: از غذای گوشتی کفار اجتناب کنید، مگر این که احراز شود ماهی و میگو در خارج آب مرده اند و اشیای دیگر در صورت شک در طهارت و نجاستشان محکوم به طهارتند.

«سؤال ۲۶۴۸» در مسافرت های خارج از کشور با توجه به رسمی بودن سفر، دست دادن و مواجهه با افراد- که بعضاً اضطراری هم هست- در صورت رطوبت دست و ترشح آب دهان چه حکمی دارد؟ و در ضمن چه حدی از ضرورت موجب اباحهٔ مصرف غذای نجس است؟ همچنین حکم استفاده از غذای متنجس چگونه است؟

جواب: اهل کتاب (یهود، نصارا و مجوس) اگر از شراب و خنزیر و دیگر نجاست ها اجتناب کنند، محکوم به طهارتند و در غیر اهل کتاب احتیاط کنید و در حال اضطرار به نجس یا متنجس، به مقدار حفظ بدن از تلف شدن و یا

مرض غیر قابل تحمل جایز است مصرف کنید، ولی برای وضو و نماز بدن را بشویید. البته چنانچه با متنجس بتوان رفع اضطرار کرد، باید از نجس اجتناب شود.

«سؤال ۲۶۴۹» چرا در آیهٔ ۸۲ از سورهٔ مائده، قرآن نصارا را به مسلمانان نزدیک تر از یهود تعریف کرده در حالی که یهودیان یگانه پرست، ولی مسیحیان قائل به تثلیثند؟

جواب: اولًا: بعید نیست مقصود از نزدیک تر بودن نصارا به مسلمانان، از نظر عاطفی و اخلاقی باشد نه از لحاظ عقیدتی و دینی.

ثانیاً: یهود نیز گرفتار شرک شده و عزیر را فرزند خدا خواندند که در آیهٔ ۳۰ سورهٔ توبه می خوانیم: «وَ قالَتِ الْیَهُودُ عُزَیْرٌ ابْنُ اللّٰهِ ...».

«سؤال ۲۶۵۰» من در کانادا زندگی می کنم یک فرزندی دارم که به کودکستان می رود.

چون در آن جا بچه هایی هستند اهل چین که پدران و مادران آنها مسلمان نیستند و همچنین مربی این بچه ها اهل چین است و هیچ دینی ندارد و این مربی به بچه ها غذا می دهد و در بعضی مواقع هم در آن جا آب بازی (آب تنی) می کنند. تکلیف من در این مورد چیست؟ چون من تمام بدن و لباس بچه را بعد از مراجعت از کودکستان آب می کشم.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰

جواب: اگر علم نداشته باشید که بدن یا لباس او با عین نجس در حال رطوبت برخورد کرده است محکوم به نجاست نیست و در موارد علم نیز لازم نیست همهٔ بدن او را آب بکشید. بنابراین خود و نیز او را اذیّت نکنید و ممکن است گرفتار وسواس شوید. البته می توانید تنها به تطهیر مواضعی مانند دست و دهان او اکتفا کنید. و با لباس هایی که یقین

به نجاست آنها پیدا کرده اید معامله طهارت نکنید.

«سؤال ۲۶۵۱» با توجه به آیهٔ ۲۸ سورهٔ توبه که می فرماید: «مشرکان نجسند»؛ آیا بهتر نیست بگوییم آنها از نظر روحی و فکری نجسند نه از جهت جسمی و بدنی؟

جواب: منظور از نجاست مشرکین در آیـهٔ مذکور، نجاست اصـطلاحی نیست، بلکه منظور قذارت و ناپاکی معنوی است که با وارد شدن به مسجدالحرام که خانهٔ خداست و دارای طهارت معنوی است نمی سازد.

«سؤال ۲۶۵۲» با توجه به آیهٔ شریفه: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» آیا مقصود نجاست ظاهری است یا نجاست باطنی را هم شامل می شود؟ و آیا مقصود آیه، نجاست همـهٔ مشـرکان و کفار در همه زمان هاست؟ و در این صورت آیا فقط غـذاهای گوشتی آنان نجس و حرام است یـا شامـل غـذاهای دیگر هم می شود؟ در این جـا (هندوسـتان) مسـلمانان در مورد غیر غـذاهای گوشتی با کفار معامله و معاشرت دارند. آیا می توان به این رفتار آنان تأسی کرد؟

جواب: کافری که معتقـد به خـدا و پیامبری از پیامبران اولوالعزم نباشـد، نجس است و ذبیحهٔ هر غیر مسـلمان هم نجس و حرام است؛ امـا مأکولات دیگر که تماسـی با آنها نداشـته، مثل تخم مرغ و میوه جات اشـکال ندارنـد و همچنین هر چیز دیگری که یقین نداریم که به جهت تماس با آنها نجس شده یا نه، محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۵۳» معمولًا در خوابگاه های دانشجویی افرادی پیدا می شوند که نسبت به نماز بی اعتنا بوده و نماز نمی خوانند. حال سؤال این است که آیـا این افراد از لحـاظ طهـارت پـاک می باشـند یـا خیر و با توجه به این که معمولًا معاشـرت با یک انسان خاص در هر دو طرف، اثراتی از طرف

مقابل به جا می گذارد به نظر شما آیا معاشرت با این افراد به صلاح است یا نه؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱

جواب: افراد بی نماز اگر از نجاسات مـذکور در رساله اجتناب می کنند محکوم به طهارتند و معاشـرت با آنان به نحوی که به تدریج موجب هدایت آنان شود نیز چه بسا لازم است، ولی اگر موجب تقویت روحیه بی دینی باشد، اشکال دارد.

احکام مسکرات

«سؤال ۲۶۵۴» آیا می توان برای تهیهٔ سـرکه، انگور را داخل ظرفی ریخت که در سال قبل سرکه درست شده و هنوز نصف آن سرکه است و تفاله های آن هم جدا نشده است؟

جواب: خلاف احتیاط است و باید انگور برای سرکه شدن خالص باشد.

«سؤال ۲۶۵۵» اگر در تهیهٔ سرکه به همراه انگور میوه های دیگری از قبیل سیب، انار و ...

استفاده شود. آیا مصرف سرکه به دست آمده اشکال دارد؟

جواب: محل اشکال است. با انگور چیز دیگری قبل از سرکه شدن نریزید.

«سؤال ۲۶۵۶» در مسأله شـماره ۸۸ توضـیح المسائل و ۳۵۵ از احکام پزشـکی دربارهٔ الکل فرموده ایـد که اگر یقین نـداریم از مسـکر تهیه شـده، یـا نه پـاک است، در این صورت آیـا الکل هایی را که به عنوان الکل اتیلیک صـنعتی استفاده می کنیم نیز نجس است؟

همچنین اگر در تهیـهٔ دارویی از الکـل «ایزوپروپیلیـک» که کلًا سـمی است و مصـرف خوراکی نـدارد اسـتفاده شود آیا باز هم نجس است؟

جواب: همه الکل ها نجس نیستند، آنچه نجس است مسکر مایع بالاصاله می باشد، یعنی چیز مایعی که در همان حال معمولی میعان، واجد صفت اسکار است.

الکل اتیلیک مادهٔ مست کننده ای است که در همهٔ مشـروبات الکلی اعم از شـراب، عرق، ویسکی، ودکا و مانند اینها به نسبت وجود دارد؛

پس طبعاً مصداق مسکر مایع بالاصاله است و اگر فرضاً بر آن چیزی اضافه کنند که مانع از شرب آن شود، باز حکم نجاست آن باقی است. البته اگر چیزی را شک داریم که مصداق مسکر مایع باشد محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۵۷» دکتر، دارویی برای جلوگیری از ریزش موی سر، برایم تجویز کرده است که باید بر پوست سر مالیده شود و حاوی الکل سفید است. آیا این دارو نجس است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲

و اصلًا آیا شما الکل سفیدی که در امور پزشکی به کار می رود را نجس می دانید؟

جواب: الکل اتیلیک ظاهراً خلاصه ای از مسکر مایع بالاصاله است و حکم نجاست بر آن بار است، ولی معالجه به وسیلهٔ چیز نجس مانعی ندارد.

عرق جنب از حرام

«سؤال ۲۶۵۸» لطفاً حکم عرق جنب از حرام را بیان کرده و بفرمایید آیا برخورد این عرق با اجسام باعث نجسی آنها می شود؟

جواب: همان طور که در رسالهٔ توضیح المسائل آمده است، عرق کسی که از راه حرام جنب شده است، مانند عرقی که در حال زنا، لواط یا استمناء و یا بعد از آن و قبل از غسل کردن، از بدن او بیرون می آید، بنابر احتیاط واجب نجس است و باید از آن اجتناب شود و نباید با بدن و لباس آلوده به این عرق، نماز بخواند. بلکه بنابر احتیاط واجب باید از عرق جنابت کسی که با زن خود در وقتی که نزدیکی با او حرام است مانند وقت حیض و نفاس و یا در حال روزه ماه رمضان نزدیکی کرده، اجتناب کند و اگر جنب از حرام به جای غسل تیمم کند و پس از آن عرق

نماید بنابر احتیاط واجب از آن نیز باید پرهیز کند.

«سؤال ۲۶۵۹» آیا عرق جنب از حرام اگر خشک شود حکم عرق جنب از حرامی را دارد که در نماز از آن نهی شده است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب عرق جنب از حرام محکوم به نجاست است هرچند خشک شده باشد و تطهیر آن لازم است.

احکام متفرقهٔ نجاسات

«سؤال ۲۶۶۰» آیا گرگ نجس العین است؟

جواب: گرگ نجس العین نیست و مانند سگ و خوک نمی باشد ولی حرام گوشت است.

«سؤال ۲۶۶۱» مادر پیری دارم که از قوهٔ شنوایی و گویایی محروم است و همین طور

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳

قادر به رعایت وظایف شرعی خصوصاً در مورد مطهرات نیست به طوری که این جانب به نجاست بدن و وسایل ایشان یقین دارم و همین موضوع موجب اشکال در رفت و آمد و مراوده حقیر با ایشان شده، زیرا حضور ایشان در منزل حقیر موجب نجس شدن اثاث زندگی خواهد شد، اسباب و وسائلی که یا امکان تطهیر آنها وجود ندارد (مانند وسایل برقی) و یا تطهیر آنها با عسر و حرج همراه است، در هر حال بنده بین دو امر سرگردان شده ام، احسان به مادر و عدم رعایت طهارت و نجاست در زندگی روزمره و یا رعایت طهارت و نجاست و بی حرمتی به مادر و رنجاندن مادر، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

جواب: پاک بودن وسایل برقی و مانند آن ها و تطهیر آنها برای شما واجب نیست، برای نماز باید لباس و بدن و محل سجده و مانند آن پاک باشد و پاک نگاه داشتن اینها کار چندان مشکلی نیست. و هم چنین از خوردن چیزهای نجس باید اجتناب شود، ولی در حدّ امکان باید

رعایت احترام مادر بشود و از وسواس نیز پرهیز گردد.

«سؤال ۲۶۶۲» اگر قسمتی از بدن انسان نجس باشد و بدن طوری عرق کند که عرق آن متصل و روان باشد، اما نقطهٔ نجس قسمت پایین بدن باشد، آیا قسمت های بالای آن هم نجس می شود؟

جواب: قسمت بالا نجس نمی شود و قسمت پایین هم اگر عرق از روی نجس به پایین جریان نداشته باشد نجس نمی شود.

«سؤال ۲۶۶۳» مرغ هایی که در بازار به فروش می رسد با فرض این که نمی دانیم که محل ذبح آنها تطهیر شده است. آیا می توان آنها را به عنوان مرغ پاک مورد استفاده قرار داد؟

جواب: اگر اخبار به طهارت دهند کافی است.

«سؤال ۲۶۶۴» اشیای متنجس با رطوبت تا چند واسطه نجس می باشند؟

جواب: در مایعات هرچند واسطه زیاد باشد نجس می شوند و در غیر مایعات با عدم سرایت عین نجاست از سه و چهار واسطه که بگذرد دلیلی بر نجاست نداریم هرچند احتیاط خوب است.

«سؤال ۲۶۶۵» از آن جا که در خیلی از موارد، مایهٔ پنیر استفاده شده منشأ حیوانی دارد،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴

آیا خوردن آن جایز است یا نه؟ در صورتی که مشخص نباشد مایهٔ پنیر، منشأ حیوانی دارد یا منشأ گیاهی و یا شیمیایی، آیا خوردن آن جایز است یا خیر؟ و آیا تحقیق برای تشخیص منشأ آن لازم است؟

جواب: اگر یقین داشته باشید مایهٔ پنیر از حیوان حرام گوشت است خوردن پنیر آن جایز نیست و اگر شک داشته باشید که منشأ حیوانی دارد یا نه و یا حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، تفحص لازم نیست و استفاده از پنیر آن مانعی ندارد.

«سؤال ۲۶۶۶» آیا مصرف داروهایی با شرح

زیر اشکال دارد؟ همیوپاتی روشی درمانی است که طی پرسش و پاسخ های شخصی که در این مورد انجام می گیرد و در آن از داروهایی استفاده می شود که منشأ الکلی دارد. در روش تولید این دارو چنین نوشته شده: منشأ این داروها طبیعی بوده و بیش از ۷۰ درصد از مواد گیاهی، ۲۰ درصد از عناصر و بقیه از مواد حیوانی (شامل: سموم مار، زنبور و...) است؛ سپس این مواد را له کرده و آن را در یک حلّال ۶۰ درصد مثل الکل گندم قرار می دهند. برای کم کردن و در واقع از بین بردن مواد سمّی، آن را بارها و بارها رقیق می کنند. گفته شده اگر حتی ۱۲ بار این ماده را رقیق کنیم به این معنی است که حتی یک ملکول از این ماده در محلول وجود ندارد و در پایان آمده که به موارد احتیاطی زیر توجه کنید: اگر در دوران بارداری به سر می برید یا به هر دلیلی باید از مصرف الکل اجتناب کنید از مصرف داروهای همیوپاتی که پایه الکلی دارند خودداری کنید.

جواب: چنانچه داروهای ذکر شده، مست کننده نباشند و از چیزی که اصالتاً مست کننده است هم گرفته نشده باشند نجس نیستند. مصرف آنها هم جز در مواردی که ضرر قابل توجه دارند حرام نیست و اگر در این امور شک باشد، پاک و حلالند.

«سؤال ۲۶۶۷» آیا «انسولین» پاک است یا نجس؟

جواب: هر چیزی را که نمی دانیم نجس است و یا از نجس گرفته شده، پاک است.

«کل شی ء نظیف حتّی تعلم انّه قذر»

«(۱)».

---

(۱)- وسائل الشیعه (آل البیت)، ج ۳، ص ۴۶۷، ابواب النجاسات، باب ۳۷، ح ۴.

رساله استفتاءات (منتظری)،

احکام طهارت

آب کُر

«سؤال ۲۶۶۸» ما آب کشیدن اشیا را این طور آموخته ایم که مثلًا پا و کفش را با هم یکجا طوری آب بکشیم که آب قطع نشود. حالا اگر بخواهیم دیواری را که خیس و نجس است آب بکشیم، آیا می توانیم با استفاده از شیلنگ آب یک قسمت را ابتدا تطهیر کنیم و آب را قطع کنیم و بار دیگر قسمت دیگر آن را تطهیر کنیم؟

جواب: اگر عین نجاست به دیوار نباشد یا برطرف شود، قسمتی که با شلنگ مثلًا شسته می شود پاک می گردد.

«سؤال ۲۶۶۹» آیا اعضای بدن انسان که نجس است با قرار گرفتن در زیر آب کر یا جاری بعد از برطرف شدن عین نجاست در همان زیر آب پاک می شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر رنگ یا بو یا مزه آب کر یا جاری به واسطهٔ نجاست شی ء نجس تغییر نکند، در زیر آب پاک می شود و بیرون آمدن از آب شرط طهارت آن نیست.

«سؤال ۲۶۷۰» اگر لباس نجسی را با آب متصل به کر، آب بکشیم و قبل از گرفتن غسالهٔ آن، آب داخل لباس با مایع دیگری مخلوط شود و دیگر خالص نباشد در این صورت آیا لباس نجس است؟

جواب: اگر همهٔ لباس با آب مطلق پاک تطهیر شد؛ یعنی آب پاک مطلق کر به آن احاطه کرد استخراج غساله لازم نیست و اگر قبل از احاطهٔ آب پاک به همهٔ اجزای آن، آب مضاف شود پاک نشده است.

برطرف شدن عین نجاست

«سؤال ۲۶۷۱» اگر کسی داخل بینی اش خون باشد و انگشت خود را داخل بینی کند و به خون آلوده شود و دوباره همان انگشت آلوده شده را داخل بینی کند، پس از برطرف

شدن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶

خون های داخل بینی. آیا باید داخل بینی را آب بکشد و یا این که نیاز به آب کشیدن ندارد؟

جواب: داخل بینی با برطرف شدن عین نجاست پاک می شود.

غایب شدن مسلمان

«سؤال ۲۶۷۲» این جانب در سالن عمومی مدرسه، شاهد بودم که قسمتی از زمین آن جا نجس شده است. حال در صورتی که کف سالن با تی تمیز شود طبیعتاً این نجاست به سایر نقاط سالن سرایت می کند، در این صورت آیا می توان به نجاست کل سالن حکم کرد، بلکه همهٔ نقاطی که دانش آموزان تردد می کنند و در نتیجه زمین منزل ما، بلکه فرش های منزل ما نجس شده است، چرا که با چند واسطه به فرش های منزل ما می رسد و کلًا آیا نجاست با چند واسطه قابل سرایت است؟

جواب: اگر خادم یا مسئول مربوطه با آن معاملهٔ پاکی می کند و احتمال می دهید او، سالن را در غیاب شما از خون تطهیر کرده باشد آن مکان محکوم به طهارت است، و با فرض شک در سرایت به سایر نقاط هم تفحص لازم نیست؛ و در صورت عدم احراز تطهیر آن قسمت تنها اجتناب از چیزهایی که با یک یا دو یا سه واسطهٔ مرطوب با خون مرتبط شده باشند لازم است؛ و وسواس هم- که موجب تضییع عمر و غفلت از مقاصد اصلی و موجب امراض روحی خطرناك و برهم زدن آسایش دیگران می شود- حرام است.

موارد شک در طهارت

«سؤال ۲۶۷۳» در برخی از لوازم آرایشی ساخت خارج روغن به کار می رود و ما نمی دانیم چه نوع روغنی در آن به کار رفته، حکم این گونه لوازم آرایش از نظر نجاست و پاکی چیست؟

جواب: اگر مشکوك باشد محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۷۴» اگر بین تعداد زیادی لباس (بیش از دو لباس) کسی بداند که یکی از لباس ها نجس است، ولی نداند کدام یک، حکم لباس ها چیست؟

جواب: باید همه را تطهیر کند، مگر

آن که لباس ها به قدری زیاد باشد که عرفا از قبیل شبههٔ غیر محصوره حساب شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷

«سؤال ۲۶۷۵» در خارج از کشور، ما وارد هر خانه ای که می شویم معلوم نیست قبل از ما چه کسی در آن جا بوده، ممکن است داخل یخچال، اجاق گاز و کابینت های آشپزخانه که اشخاص قبلی از آن استفاده کرده اند با غذا یا گوشت حرام و یا مشروب آلوده باشد به خصوص روی اجاق گاز ممکن است از غذاهای نجس حاوی گوشت حرام ریخته باشد؛ با این فرض، آیا باید همهٔ آنها را نجس بدانیم، یا می توان آنها را پاک حساب کرد؟

جواب: هر مورد مشکوک، محکوم به طهارت است و در مورد سؤال تا از قرائن، یقین به نجاست حاصل نشود محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۷۶» ما در کشور خارجی در بین مردمی زندگی می کنیم که شراب برای آنها مثل نوشابه است و سگ های آنها مثل بچه هایشان به آنها نزدیکند و از طرفی محل سکونت ما خانه هایی است که به دست بعضی از همین مردم رنگ آمیزی شده و نمی توانیم بگوییم: دست آنها حتی یک بار هم به رنگ نخورده وظیفهٔ ما چیست؟ آیا باید خانه هایمان را از بالا تا پایین آب بکشیم یا این که مثل برخی مردم همه چیز را پاک حساب کنیم؟

جواب: اهل کتاب ذاتاً نجس نیستند، ولی اگر یقین کردیم که دستشان با رطوبت با سگ یا خوک یا شراب مثلًا تماس داشته و بعد با رطوبت به چیزی تماس گرفته اند آن چیز نجس است؛ ولی با شک، حکم نجاست بار نمی شود و تفحص هم لازم نیست، بلکه اگر موجب وسواس شود پرهیز از وسواس لازم

است.

«سؤال ۲۶۷۷» افرادی که در بلاد کفر زندگی می کنند و خروج آنها به عللی ممکن نیست. آیا در مسائلی همچون خوردن حیوان حرام گوشت، مصافحهٔ با اجنبیه و ...

می توانند تقیه کنند؟

جواب: خوردن حیوانات حرام گوشت یا حیوان حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده، حرام است؛ مگر با فرض اضطرار و خوف ضرر جانی که بسیار فرض بعیدی است؛ چون می توان از تخم مرغ و کنسرو و امثال آن استفاده کرد.

مصافحهٔ با زن غیر مسلمان اگر ضرورت عرفی داشته باشد و ترک آن موجب وهن گردد و فساد اخلاقی، یا التذاذی در پی نداشته باشد به مقدار ضرورت جایز است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸

البته اگر از روی لباس یا دستکش مصافحه ممکن باشد، احتیاط خوب است. تقیه کردن با فرض خوف ضرر و اضطرار به مقدار ضرورت لازم است.

«سؤال ۲۶۷۸» نظر حضرت عالی در مورد خوردن قرص های خارجی که پوشش ژلاتینی دارند و نمی دانیم که ژلاتین آن گیاهی است یا حیوانی چیست؟

جواب: پرهیز از اشیای خارجی که نمی دانیم گیاهی است یا حیوانی، لازم نیست.

«سؤال ۲۶۷۹» اگر کسی بداند که قسمتی از یک زمین وسیع نجس است، ولی نداند کجای آن نجس است حکم تمام قسمت های زمین چیست؟

جواب: اگر زمین مسجد باشد باید تطهیر شود وگرنه تطهیر لازم نیست و ملاقی شبهه محکوم به طهارت است.

«سؤال ۲۶۸۰» استفاده از شامپوهای فرش شویی که در این زمان رایج شده است چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی اگر فرش نجس باشد، شامپو هم نجس شده و باید تطهیر کرد.

«سؤال ۲۶۸۱» با توجه به این که در وضوخانه های عمومی (مثل مدارس و حرم مطهر) وقتی افراد از دست شویی بیرون می آیند

تَه کفش آنها تر است و با آن در اطراف وضوخانه راه می روند، آیا می توان گفت کف چنین وضوخانه هایی نجس است؟ تا در نتیجه آب هایی که وقت وضو گرفتن از کف وضوخانه به لباس انسان پاشیده می شود نجس باشد؟

جواب: هر جایی که مشکوک باشد، حتی کف دست شویی ها محکوم به طهارت است.

احکام تخلی

«سؤال ۲۶۸۲» اگر کسی در قسمت مجرای ادرار، دچار بیماری باشد مثلًا مرض پروستات داشته باشد که ادرار در این گونه بیماران به صورت کامل از مجرای ادرار خارج نمی شود؛ آیا در این موارد برای آنها حکم استبراء صدق می کند و بعد از استبراء آبی که

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹

بیرون می آید پاک است یا در این مورد حکم متفاوت است.

جواب: استبراء در جایی مفید است که رطوبت خارج شده مردّد بین ادرار و مذی باشد، ولی در جایی که یقین داریم رطوبت ادامهٔ ادرار است فایده ندارد و محکوم به نجاست است.

«سؤال ۲۶۸۳» اگر پس از اجابت مزاج، مدفوع را با آب شستشو دهیم و دست هم بکشیم و یقین پیدا کنیم که پاک شده است. آیا لازم است باز هم وارسی کنیم؟ چون در بیشتر اوقات پس از انجام مراحل فوق اگر با دستمال کاغذی امتحان شود هنوز مقداری از ذرات مدفوع باقی است. در این صورت وظیفه چیست؟

جواب: با فرض یقین وارسی لازم نیست، بلکه اگر از روی وسواس و یا موجب وسواس باشد به شدت باید از آن پرهیز کرد و با عزم جدّی با حالت وسواس مبارزه کنید که عواقب بسیار خطرناک و بدی به دنبال دارد و زندگی و عبادت را به کامتان تلخ خواهد کرد.

«سؤال ۲۶۸۴» این جانب

از زخم در ناحیهٔ مخرج مدفوع رنج می برم که گاهی ایجاد می شود و گاهی خوب است. آیا لازم است بعد از هر بار اجابت مزاج خونریزی را وارسی کنم؟ یا اگر احتمال دهم که خون نمی آید لازم نیست وارسی کنم؟

جواب: وارسی لازم نیست، وسواس نداشته باشید.

وسواس در طهارت و نجاست

«سؤال ۲۶۸۵» شخصی دچار وسواس شدید شده است، راه پرهیز از وسواس چیست؟

چون هنگام وضو و یا نماز احساس می کند وضوی او باطل شده است.

جواب: برای نجات از وسواس تنها راه بی اعتنایی است، فرد وسواسی باید به خود بگوید: می خواهم عملم باطل باشد و به نحو متعارف عمل کرده و از شک و تردیدها پرهیز کند، اگر مدتی بی اعتنایی کند خوب می شود و در مورد تجدید وضو، اگر واقعاً- نه از روی خیال و توّهم- ادرار و یا مدفوع خارج می شود به نحو متعارف تجدید وضو کند و اگر واقعاً مریض است و از کنترل ادرار و مدفوع عاجز است به پزشک متخصص رجوع کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰

«سؤال ۲۶۸۶» این جانب جوانی هستم که دچار وسواس شدید در مسائل پاکی و نجسی شده ام به طوری که به مشکلات فراوانی گرفتار گردیده و نمی توانم به احکام شرعی به راحتی عمل کنم و همان طور که شما در رسالهٔ توضیح المسائل پیش بینی فرموده اید نزدیک است ایمان و اعتقاداتم را هم از دست بدهم؛ اینک از محضر حضرت عالی استدعا دارم که ضمن ارشاد و راهنمایی من به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا این که برخی می گویند شخص وسواسی حالش با بقیه مردم فرق می کند و نباید برای یقین خود اعتبار قائل باشد صحیح است؟

۲- آیا اگر حال شخصی به هر طریقی

با حالت عادی فرق کند، مثلًا هر شب جنب می شود، احکام او با دیگران متفاوت است؟

۳- مقداری از خاک های کنار خانه ما قبلًا با آب متنجس نجس شده و این خاک ها در طول مدت زمان، قدری جابه جا شده و با خاک های دیگر مخلوط شده اند و ما هم می خواهیم در این جا بنایی کنیم؛ اگر بخواهیم خاک ها را نجس حساب کنیم به سختی می افتیم، بفرمایید در این زمینه وظیفه چیست؟

۴- یکی از مشکلات من در هنگام وضو و غسل وجود سیاهی های ریز در دست و پا و اطراف ناخن هاست و دیگران به آن توجهی ندارند، آیا اگر بدانم که اینها مانع به حساب می آیند نیز نباید به آنها توجه کنم؟

جواب: به طور اجمال اگر شما یک ماه بنا بگذارید که با بدن نجس و وضوی باطل نماز بخوانید بهتر است از این که یک عمر گرفتار باشید و کم کم وسوسه به اعتقادات شما هم سرایت کند

۱- همان گونه که بزرگان نوشته اند «لا اعتبار بعلم الوسواسی»، شما به نحو متعارف بین مردم در باب وضو، غسل، طهارت و نجاست عمل کنید و بیشتر از این تکلیف ندارید و آن گفته نیز صحیح است.

۲- اگر واقعاً هر شب محتلم می شود باید احکام جنابت را عمل کند، ولی اگر یقین به جنابت ندارد و احتمال می دهد مذی باشد، غسل واجب نیست و در غسل به نحو متعارف عمل کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱

۳- خاک متنجس اگر مرطوب باشد و با آفتاب خشک شود و نیز با آمدن باران پاک می شود و دقت در این قبیل امور لازم نیست. از کجا می دانید که همهٔ خاک ها نجس شده باشد!

۴- اگر واقعاً

جسمیت داشته باشند باید برطرف کرد و اگر فقط رنگ باشد برطرف کردن آن لازم نیست و این یک امر عرفی است و شخص وسواسی باید به متعارف بین مردم رجوع کند.

«سؤال ۲۶۸۷» یکی از همسایگان، پاکی و نجاست را رعایت نمی کند و از طرفی با ما رفت و آمد زیادی هم دارد که قادر به قطع رابطه نیستیم، چون کدورت به وجود می آید.

در این مورد باید چه کنیم؟

جواب: دقت در کارهای آنها نکنید و تا یقین پیدا نکرده اید که چیزی نجس است بگویید ان شاء اللّه پاک است.

طهارت و نجاست مسجد

«سؤال ۲۶۸۸» اگر در مسجد نماز می خوانیم و خوف این باشد که بچه مسجد را نجس کند، آیا می شود نماز را شکست؟

جواب: شکستن نماز در فرض سؤال اشکال ندارد.

«سؤال ۲۶۸۹» حکم طهارت مسجد علاوه بر زمین، فرش، سقف، روی پشت بام و سمت داخلی دیوار مسجد؛ در مورد اجزای دیگر مسجد، اعم از منقول یا غیر منقول، مثل درب و پنجره چیست؟

جواب: طهارت مسجد از قبیل زمین، دیوار، سقف، درب و پنجره لازم است، ولی اشیای منقول متعلق به مسجد اگر طهارت شرط استفاده از آنها نباشد، نجس شدن آنها اشکال ندارد؛ ولی در مورد فرش مسجد بنابر احتیاط تطهیر آن لازم است و پشت بام مسجد هم حکم مسجد را دارد، مگر این که واقف هنگام وقف، آن را جزء وقف نیاورده باشد.

«سؤال ۲۶۹۰» حسینیه ای در حال حاضر محل نماز جماعت است. آیا احکام مسجد را پیدا می کند، مثل ثواب نماز، پاک نگاه داشتن و پاک کردن جایی از آن که نجس شده و یا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲

این که حسینیه، حسینیه است، چه در

آن نماز بخوانند، چه نماز نخوانند و نماز در آن ثواب نماز مسجد را ندارد؟

جواب: هرچند حسینیه حکم مسجد را ندارد، ولی بهتر است شرایط مسجد از نظر طهارت و احترام در آن رعایت شود و امید است ثواب هم داشته باشد.

احکام وضو

[أحکام وضو]

کیفیت وضو

«سؤال ۲۶۹۱» فردی فقط سه کف دست آب برای وضو دارد آن را هم برای وضو مصرف می کند، در زمان مسح سر، آب مسح سر با آب پیشانی متصل می شود تکلیف او چیست؟

جواب: در فرض مذکور باید با قسمتی از کف دست که با آب صورت مخلوط نشده مسح کند.

«سؤال ۲۶۹۲» اگر در اواسط وضو گرفتن، فقط از نیت خود برگردم و بخواهم دوباره از اول وضو بگیرم، آیا وضویی که نصف کاره رها کرده ام فقط با تغییر نیت باطل شده است؟

جواب: به مجرد نیت رها کردن، اعمال گذشته باطل نمی شود، مگر آن که موالات به هم بخورد.

«سؤال ۲۶۹۳» در سؤال ۱۱۵۷، رسالهٔ استفتائات سؤال شده: «در انجام غسل و وضو بیش از حدّ معمول محتاط شده ام» و در جواب فرموده اید: «اشکال دارد ممکن است به حدّ وسواس برسد» منظور از این اشکال چیست؟ آیا وضو و غسل او باطل است؟

جواب: اگر به حدّ وسواس برسد که از نظر عرف با این که شستن انجام شده، باز هم بشوید و دست بکشد وضو صحیح نیست، زیرا بعد از شستن دست چپ باید بلافاصله مسح سر و پا انجام شود، بدون این که باز آب روی دست ریخته شود.

«سؤال ۲۶۹۴» من در هنگام وضو گرفتن برای شستن صورت و دست ها دو سه مشت آب می ریزم، سپس شیر را بسته و با دست روی عضو می کشم

تا آب به همه جا برسد و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳

بعد از رسیدن آب به همه جای عضو برای احتیاط و اطمینان دوباره دست می کشم (البته بدون ریختن آب) در این صورت آیا این وضو صحیح است؟

جواب: در شستن دست چپ پس از یقین به شسته شدن همهٔ آن، از دست کشیدن اضافی پرهیز کنید. چون آب دو دست مخلوط می گردد، در صورتی که مسح سر و پای راست باید با رطوبت دست راست انجام شود.

«سؤال ۲۶۹۵» هنگام وضو اگر دست را از بالا به پایین شسته و قبل از این که قسمت بعد را شروع کند متوجه مانعی در زیر آرنج خود شود؛ آیا با برطرف کردن مانع، وضوی این قسمت کامل شده یا باید دوباره دست خود را از بالا تا پایین بشوید؟

جواب: باید تمام عضو را در وضو به گونه ای که شستن از بالا به پایین صدق کند بشوید.

«سؤال ۲۶۹۶» در قرآن آمده: در وضو دست ها را تا آرنج بشویید. از کجای قرآن چنین استفاده شده که باید از بالا به پایین بشویید؟

جواب: این مسأله به تفصیل در کتب استدلالی بحث شده که آیا کلمه «الی» در «إِلَى الْمَرافِقِ» در آیهٔ وضو، غایت غسل است، یا غایت مغسول که دست باشد و با توجه به روایات مفسِّر قرآن، استفاده شده که غایت مغسول است، و متعارف در غسل دست، شستن از بالا به پائین است و امر شرع به غسل متعارف انصراف دارد.

«سؤال ۲۶۹۷» آیا بعد از آب ریختن بر روی دست ها در وضوی ترتیبی، دست کشیدن هم لازم است؟

جواب: برای اطمینان به این که آب به همهٔ اعضا برسد اشکال ندارد.

وضو قبل از وقت

«سؤال ۲۶۹۸» آیا می توان بیست دقیقه قبل از اذان به نیت نماز مشخصی که هنوز وقت آن نرسیده وضو گرفت و با همان وضو نماز خواند؟ و در حالت کلی تا چه مدت قبل از اذان، برای نماز می توان وضو گرفت؟

جواب: در مفروض سؤال، وضو صحیح است و می توان با آن نماز خواند، ولی در صورتی که فاصلۀ زمانی زیاد باشد بنابر احتیاط به قصد حصول طهارت وضو بگیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴

«سؤال ۲۶۹۹» در صورتی که بخواهیم قبل از وقت نماز، برای نماز وضو بگیریم، چگونه نیت کنیم؟

جواب: می توانید به قصد استحباب و با وضو بودن، وضو بگیرید و چنانچه به قصد نماز هم وضو بگیرید اشکالی ندارد.

کیفیت مسح

«سؤال ۲۷۰۰» هنگام ریزش شدید باران و تنگی وقت، طریقۀ مسح سر و پاها چگونه است؟

جواب: برای مسح سر، سر را خشک کرده و برای مسح پا، پاها را خشک کنید.

«سؤال ۲۷۰۱» آب خارج از آب وضو اگر در اثنای وضو به اعضا ریخته شود، آیا مبطل وضوست؟

جواب: مبطل نیست ولی بعد از شستن دست چپ باید برای مسح سر و پاها رطوبتی خارج از آب وضو به کف دست ها نرسد.

«سؤال ۲۷۰۲» در مسح پا، آیا ترتیب معتبر است یا این که می شود در یک لحظه هر دو پا را با هم مسح کرد و با توجه به مسألۀ ۲۶۹ توضیح المسائل آیا می شود برداشت غیر ترتیب کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید ترتیب رعایت شود.

موالات در وضو

«سؤال ۲۷۰۳» موالات در وضو به چه معناست؟ آیا تر بودن عضو قبلی کافی است یا باید تمام اعضای قبلی خشک نشده باشند؟

جواب: موالات در وضو عدم جدایی عرفی بین کارهای وضوست، به طوری که وقتی عضوی را شسته یا مسح می کند، رطوبت عضو سابق بر آن یا رطوبت عضوی دیگر غیر از عضو سابق بر عضوی که می شوید باقی باشد و لازم نیست حتماً رطوبت خصوص عضو سابق بر عضوی که می شوید باقی باشد همان طور که اگر شستن اعضای وضو به طور متعارف پشت سر هم انجام گیرد؛ ولی بر اثر باد یا گرمای زیاد هوا یا بدن، رطوبت اعضا بر طرف شود مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵

موانع موجود در اعضای وضو

«سؤال ۲۷۰۴» در برخی از مشاغل همچون رنگ کاری، صحافی و ... که با مواد شیمیایی سر و کار دارند؛ در موارد بسیاری به خاطر ظرافت کاری، امکان استفادهٔ از دستکش نیست و معمولًا موادی در اعضای وضو باقی می ماند که بر طرف کردن آن موانع برای هر روز یا هر وعدهٔ نماز، امری بس دشوار است؛ تکلیف این افراد در مورد وضو و غسل چیست؟

جواب: تا می تواند باید از دستکش ظریف و مناسب با کار خود استفاده کند و اگر ممکن نیست به اندازه ای که موجب ضرر و مشقت عرفی نباشد موانع را بر طرف کند و اگر رفع موانع موجب ضرر و حرج عقلایی باشد بنابر احتیاط، هنگام وضو و غسل، دستش را- علاوه بر شستن- به قصد مسح دستی نیز بر روی آن محل بکشد.

«سؤال ۲۷۰۵» کسانی که به موهای خود ژل می مالند، آیا اگر آب به خودِ سر

برسد کفایت می کند یا باید به موهای روی سر هم آب برسد؟

جواب: برای مسح بنابر احتیاط بایـد به مقدار سه انگشت روی سـر یا موهای جلوی سـر مسح شود و اگر به موها چیزی مالیده که مانع رسیدن رطوبت مسح به این مقدار از موهاست اشکال دارد.

«سؤال ۲۷۰۶» شخصـی است که به دلیل ناتوانی جسـمانی قادر به راه رفتن و وضو گرفتن نیست، اما اصرار دارد که حتماً وضو بگیرد، آیـا می توانـد به جـای وضو تیمم کرده و در صورت عـدم دسترسـی به خـاک تیمم از آجر و یـا موزاییک یا جایگزین دیگری استفاده کند؟

جواب: اگر توان وضو داشـته باشد ولو به این که آب برایش حاضـر کنید و در ظرفی مثل تشت وضو بگیرد باید وضو بگیرد و اگر به هیچ وجه توان وضو ندارد و می خواهد تیمم کند خاک پاک در اتاق ایشان همیشه باشد و بر آن تیمم کند.

«سؤال ۲۷۰۷» آیا بلند بودن ناخن مشکلی برای وضو ایجاد می کند؟

جواب: اگر زیر ناخن چرکِ مانع وجود نداشته باشد به وضو ضرر نمی زند، بلکه

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶

برای زن ها مستحب است ناخن ها را از ته نزنند.

«سؤال ۲۷۰۸» آیا آرایش تاتو برای وضو و غسل، مانع به حساب می آید؟ (تاتو نوعی آرایش است که خانم ها انجام می دهند به طوری که رنگ ابرو، خط چشم و لب تا مدت ها ثابت می ماند).

جواب: اگر عرفـاً رنگ باشـد، ماننـد رنگ حنا پس از شسـتن مانع نـدارد و مانع وضو و غسل نیست و اگر جسـمیت دارد نباید انجام دهند، چون مانع رسیدن آب برای وضو و غسل می شود، ولی اگر احیاناً انجام دادند باید غسل و وضو

جبیره ای انجام دهند؛ بدین معنا که روی آن محل آب بریزند و دست نیز بمالند و اگر مانند خال کوبی زیر پوست باشد به طور کلی اشکال ندارد.

«سؤال ۲۷۰۹» آیا لاک روی انگشتان پا برای وضو و نماز اشکال ایجاد می کند؟

جواب: لاک اگر پاک باشد به نماز ضرر نمی زند، ولی اگر جسمیت داشته باشد به مسح پا ضرر می زند و باید حداقل یکی از انگشت ها را لاک نزد و اگر رنگ باشد، مانند حنا پس از شستن مانعی ندارد.

غصبی نبودن آب

«سؤال ۲۷۱۰» در مسألهٔ ۲۸۴ توضیح المسائل چنین آمده است: «وضو با آب غصبی و آبی که معلوم نیست صاحبش راضی است یا نه، حرام و باطل است». حال آیا این حکم شامل موردی که انسان منزلی را اجاره یا رهن می کند و بعداً معلوم می شود که منزل مورد اجاره فاقد کنتور آب است هم می شود یا خیر؟ حکم نمازهایی که خوانده و روزه هایی که گرفته چیست؟ همچنین حکم منازلی که برق آنها از تیر برق گرفته شده و فاقد کنتورند چیست؟

جواب: تصرف در آبی که بدون اجازهٔ سازمان از شبکهٔ آب منشعب شده است جایز نبوده و وضو و غسل از آب غصبی صحیح نیست، اما اگر توجه به غصبیت آب نداشته اید و با قصد قربت، وضو و غسل انجام شده صحیح است، ولی ضامن پول آب می باشید و اگر آب را از همسایه گرفته اید و نمی دانید با اجازه سازمان آب است یا نه

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷

برای شما اشکال ندارد. تصرف در برق نیز بدون اجازهٔ سازمان برق جایز نیست و موجب ضمان است، ولی به وضو و غسل ضرر نمی زند.

موارد وجوب وضو

«سؤال ۲۷۱۱» لمس کردن عبارت «بسمه تعالی» بدون وضو چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۲۷۱۲» کلمهٔ مبارک «اللّه» یا دیگر اسما و صفات حضرت حق جلّ و علا اگر به عنوان اسم شخص معیّن باشد، لمس آن کلمه بدون وضو چه حکمی دارد؟

جواب: خلاف احتیاط است.

«سؤال ۲۷۱۳» نظر حضرت عالی دربارهٔ میزان انطباق لفظ جلاله بر آرم جمهوری اسلامی ایران و احکام و حرمت های مربوط به آن چیست؟

جواب: حکم لفظ جلاله بر آن بار است و بی احترامی و مسّ آن بی وضو

جایز نیست.

وضوی ارتماسی

«سؤال ۲۷۱۴» آیا زیر شیر آب می توان وضوی ارتماسی گرفت؟ چگونه؟

جواب: در شستن اعضای وضو کیفیت خاصی معتبر نیست. فقط باید از بالا به پایین شسته شوند، پس ممکن است دست را از مرفق تا انگشتان زیر شیر آب گرفت تا آب بر آن احاطه کند، حال عنوان ارتماس صادق باشد یا نه.

«سؤال ۲۷۱۵» در مورد وضوی ارتماسی دو نظر از شما نقل شده است، اول: وضوی ارتماسی باید داخل حوض یا استخر انجام شود؛ بنابراین زیر شیر آب صحیح نیست.

دوم: زیر شیر آب هم می توان وضوی ارتماسی انجام داد؛ تقاضامندم مرا راهنمایی کنید.

جواب: وضوی ارتماسی وضویی است که عضو وضو در آنِ واحد زیر آب قرار می گیرد بنابراین اگر آب مثلًا از لولۀ چهار اینچ و بیشتر جریان دارد به طوری که دفعتاً تمام عضو را فرا گیرد در این صورت ارتماسی ممکن است، ولی کمتر از آن بعید است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸

«سؤال ۲۷۱۶» اگر در یکی از اعضای وضو، مثل صورت زخمی سطحی ایجاد شود و در جای زخم، مقداری خون خشک شده باقی بماند به طوری که اگر آن را جدا کنیم دوباره از زخم خون می آید در این صورت برای وضو چه باید کرد؟

جواب: چنانچه تطهیر موضع وضو از خون، مشقت داشته باشد احتیاط واجب آن است که دست تر روی آن کشیده و سپس دست را تطهیر کرده و روی زخم، پارچه یا پلاستیك پاکی بسته و روی آن نیز دست تر کشیده و تیمم هم بکند.

تیمم

«سؤال ۲۷۱۷» با توجه به مسأله ۵۷۶ توضیح المسائل، کسی که وظیفه اش تیمم است با تیمم چه کارهایی را می تواند انجام

دهد؟ آیا مس کلمات قرآن کریم و یا ورود به مسجدالحرام و مسجدالنبی هم جایز است؟

جواب: تیمم کسی که وظیفه اش تیمم است تا زمانی که عذر او باقی است (جز تیمم برای تنگی وقت) برای همهٔ عباداتی که شرط صحت آن، وضو و غسل است کفایت می کند؛ مگر عباداتی که وقت آن موسّع است و احتمال دهد تا آخر وقت عذر او برطرف شود. بنابراین برای نماز قضا و مانند آن، اگر احتمال بدهد بعداً بتواند با وضو و غسل انجام دهد، بنابر احتیاط باید صبر کند و نسبت به مس قرآن کریم و دخول مسجدالحرام و مسجدالنبی یا مکث در سایر مساجد در غیر مورد ضرورت احتیاط کند.

احکام غسل

«سؤال ۲۷۱۸» آیا در غسل ترتیبی دست کشیدن لازم است، یا اگر زیر دوش، آب بدن را فراگیرد کافی است؟

جواب: دست کشیدن لازم نیست، آنچه لازم است رسیدن آب غسل به همهٔ بدن با نیت و قصد اجمالی است.

«سؤال ۲۷۱۹» چرا با غیر غسل جنابت نمی شود نماز واجب خواند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹

جواب: بر حسب مرسلهٔ «ابن ابی عمیر» که مشهور اصحاب آن را تلقی به قبول کرده اند غیر از غسل جنابت، بقیهٔ غسل های واجب و مستحب مجزی از وضو نیستند و به نظر این جانب احتیاط واجب، عمل به آن است و در این جهت بین نماز واجب و مستحب تفاوتی نیست.

(سؤال ۲۷۲۰» بنده مدتی غسل های واجب خود را بدین صورت انجام می دادم که ابتدا تمام طرف راست بدن و سپس تمام طرف چپ را غسل می دادم و چون این طور به من آموزش داده شده بود سر و گردن را جداگانه غسل نمی دادم. آیا

غسل های من باطل است؟ و در صورت باطل بودن تکلیف نمازها و روزه هایی که در این مدت انجام داده ام چگونه است؟

جواب: در غسل، اول باید سر و گردن را با قصد سر و گردن غسل داد، بعد طرف راست و سپس طرف چپ و اگر انجام نشده نمازهایی که خوانده شده، باطل است و باید قضا کرد، ولی در روزه ها اگر از روی جهل بوده قضا واجب نیست.

«سؤال ۲۷۲۱» فردی هنگام شستن اعضا برای غسل ترتیبی چنین نیت می کند: سر و گردن، سر و گردن و نیمهٔ راست، سر و گردن و نیمه چپ. آیا این غسل صحیح است.

جواب: در فرض سؤال غسل صحیح است، ولی در شستن طرف راست و چپ شستن سر لازم نیست، اما احوط شستن گردن است.

«سؤال ۲۷۲۲» اگر کسی در غسل کردن، آب زیاد مصرف می کند. آیا غسل او صحیح است؟ و آیا در این مورد فتوای حضرت عالی عوض شده است؟

جواب: اصل غسل صحیح است، ولی اسراف در ریختن آب اشکال دارد و در فتوای مزبور تغییری حاصل نشده است.

«سؤال ۲۷۲۳» اگر پس از اتمام غسل، متوجه مانع در ناخن یا موی سمت چپ بدن خود شد و ناخن یا مو را چید، با توجه به این که اکنون (پس از غسل) موضوع برای غسل مجدد منتفی شده است- چون دیگر ناخن یا مویی وجود ندارد که به خاطر آن غسل را تجدید کند- آیا تجدید غسل لازم است؟

جواب: در فرض مذکور ظاهراً شستن محل جدا شدن مو یا ناخن جدا شده، کافی است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۰

«سؤال ۲۷۲۴» در مورد کسی که جهلًا در مکان غصبی نماز بخواند

در مسأله ۷۸۵ توضیح المسائل فرموده اید: نماز او صحیح است. آیا در مورد غسل در مکان غصبی هم همین طور است؟

جواب: اگر علم به غصبیت مکان نداشته، نماز و غسل او صحیح است.

«سؤال ۲۷۲۵» اگر انسان عمداً یا سهواً غسل جنابت را انجام ندهد؛ آیا غسل های واجب دیگر که انجام داده از غسل جنابت کفایت می کند؟

جواب: غسل جنابت از غسل های واجب دیگر کفایت می کند هرچند انسان به آنها توجه نداشته باشد، ولی غسل های دیگر از غسل جنابت کفایت نمی کند.

«سؤال ۲۷۲۶» آیا می شود در روز پنج شنبه غسل جمعه را انجام داد، در چه شرایطی این کار صحیح است؟

جواب: اگر می داند روز جمعه برای غسل به آب دسترسی ندارد، می تواند روز پنج شنبه آن را انجام دهد و نیز اگر می ترسد دسترسی به آب نداشته باشد، یا موانع دیگری وجود داشته باشد، می تواند آن را قبل از روز جمعه، رجائاً انجام دهد.

«سؤال ۲۷۲۷» آیا هنگام انجام غسل ارتماسی لازم است آلت تناسلی در حال نعوظ باشد؟ آیا باز بودن چشم ها لزومی دارد؟ و اگر به فضای بین دو پا آب نرسد غسل باطل است؟

جواب: در غسل ارتماسی باید آب در آنِ واحد به همهٔ ظاهر بدن حتی کف پاها و بین پاها برسد، ولی نعوظ آلت تناسلی یا باز بودن چشم ها لازم نیست.

«سؤال ۲۷۲۸» من هر روز بی دلیل جنب می شوم و هر روز هم نمی توانم حمام بروم، در مورد نماز و روزه باید چه کار کنم؟

جواب: اگر واقعاً جنب می شوید باید برای نماز و نیز قبل از اذان صبح برای روزه غسل کنید و اگر توان ندارید و برای شما ضرر مهمی دارد باید تیمم کنید.

(منتظری)، ج ۳، ص: ۵۱

استمناء

«سؤال ۲۷۲۹» اگر کسی در طول سال حتی یک بار هم محتلم نشده باشد، آیا برای اطمینان از سلامتی اش می تواند استمناء کند.

جواب: استمناء حرام است و محتلم نشدن مرض نیست.

«سؤال ۲۷۳۰» خانمی در دورۀ نوجوانی بدون اطلاع از مفهوم استمناء و حرمت و مسائل دیگر آن، این کار را انجام می داده و در این مدت غسلی هم به عنوان جنابت انجام نداده است، حکم نمازها و روزه هایی که در این مدت انجام داده چیست؟

جواب: از زن ها به این زودی منی خارج نمی شود و چنانچه رطوبتی خارج شود و شک کنند منی بوده یا نه، حکم منی را ندارد؛ مگر با شهوت مخصوص به حالت انزال خارج شود و پس از آن هیجان برطرف شود. در این صورت احتیاطاً هم غسل کند و هم وضو بگیرد. پس اگر شک دارد رطوبتی با چنین اوصافی خارج شده یا نه، نسبت به اعمال گذشته تکلیفی ندارد و اگر می داند اوصاف فوق را داشته باید نمازهای پس از آن را (چنانچه غسل جنابت نکرده است) قضا کند ولی روزه ها قضا ندارد.

«سؤال ۲۷۳۱» اگر کسی استمناء کند و حال شهوت به او دست دهد ولی از بیرون آمدن منی جلوگیری کند؛ آیا باز هم مرتکب گناه شده است؟

جواب: قصد گناه نیز یکی از مراتب تجری است و تجری بر مولا عقلًا قبیح است هرچند با استغفار جبران می شود.

«سؤال ۲۷۳۲» شخصی در نوجوانی چند بار استمناء کرده و یک بار هم در روز ماه رمضان بدون اطلاع از این که این کار موجب کفارۀ جمع می شود این کار را انجام داده است. همچنین این شخص نمی دانسته که با حالت

جنابت نماز صحیح نیست و با این حالت نماز خوانده، با توجه به این که شخص مذکور در آن موقع شک داشته است که آیا به سن تکلیف رسیده، چون بیش از سیزده سال نداشته و اگر می دانست که این کار حرام است آن را انجام نمی داد؛ حکم نمازها و روزه هایی که در این مدت انجام داده چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۲

جواب: استمناء هم حرام است و هم مضر و شخص مذکور از این عمل نزد خدا توبه کند و لازم نیست به کسی اظهار کند و اگر منی خارج شده، خودش یکی از نشانه های بلوغ است و نمازهایی را که یقین دارد در حال جنابت خوانده شده قضا کند و اگر جاهل قاصر بوده؛ یعنی در یادگرفتن تکالیف کوتاهی نکرده و نمی دانسته استمناء در ماه رمضان مبطل روزه است کفاره لازم نیست، اما قضا لازم است و اگر مقصر بوده علاوه بر قضا بنابر احتیاط واجب کفارهٔ جمع لازم است و اگر با توجه به جنابت روزه گرفته روزه ها را نیز قضا کند.

«سؤال **۲۷۳۳**» مدتی است دچار افسردگی مزمن شده ام، علتش یک گناه است به اسم استمناء، پیش روان پزشک که رفته ام می گوید: «این امر طبیعی برای جوان امروز است، اما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علت ازدواج زودرس یک امر غیر طبیعی و یک انحراف بود، در حال حاضر خود ارضایی جلوی گناهان بزرگ تری مثل زنا را می گیرد» تقاضا دارم با توجه به شرایط زمان و مکان، جواب را بیان فرمایید.

جواب: استمناء در همهٔ شرایط حرام است و راه پرهیز از گناهان جنسی ارتکاب گناه دیگری

نیست، بلکه ازدواج و یـا تحفظ به وسـیلهٔ روزه گرفتن و ورزش کردن زیاد و نیز نخوردن غـذاهای مشـهّی و دوری از مشاهـدهٔ صحنه ها و فیلم های محرک جنسی است.

احکام حیض

«سؤال ۲۷۳۴» بعضـی از بانوان به وسـیلهٔ عمل جراحی، رحم را خارج کرده اند با این حال در بعضـی مواقع خون دارای صفات حیض می بینند؛ تکلیف آنان چیست؟

جواب: اگر واجد شرایط و صفات حیض باشد حکم حیض بر آن جاری است.

«سؤال ۲۷۳۵» خانمی جهت جلوگیری از بارداری از دسـتگاه «آی یو دی» داخل رحم اسـتفاده کرده است؛ این شـی ء خارجی چون به دیوارهٔ رحم برخورد می کنـد منجر به خونریزی می شود و از روزی که وی این دسـتگاه را گذاشـته هرچنـد روز یک بار دچار خونریزی و یا لکهٔ خون می بیند و ممکن است خونریزی گاهی حتی دو روز طول بکشد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۳

و پیوسـته هم باشد. با توجه به این که این خون جزء هیچ یک از خون های حیض و اسـتحاضه نیست، جهت انجام فرائض، آیا صرف طهارت و وضو کافی است یا نیاز به غسل است؟

جواب: با فرض سؤال غسل واجب نمی شود.

« سؤال ۲۷۳۶» معمولًا دورهٔ قاعـد گی همسر بنـده هفـت روز است، ولی بعضـی وقت هـا به ده روز نیز می رسـد. اخیراً پس از گـذشت هفت روز قاعـد گی، پاک شـده و غسل حیض را انجام داده و بعـد از آن عمل زناشویی صورت گرفته، پس از مدتی متوجه می شود که لباس او به خون آلوده شده، مجدداً غسل می کند، اما بعد از آن دیگر خونی مشاهده نمی کند. اکنون پس از مدت ها متوجه شدیم که صاحب فرزند شده ایم، اما نمی دانیم که نطفهٔ منعقد شده در زمان حیض بوده

یا دفعات بعدی به همین جهت تقاضامندم حکم جنین تشکیل شده را بیان فرمایید.

جواب: در فرض سؤال که جریـان خون بیش از ده روز نیست خونی که پس از ایـام عـادت دیـده می شود، اگر آن صـفات را نداشـته باشـد بنـابر احتیـاط بایـد بین احکام حیض و اسـتحاضه جمع شود و به هر صورت چون اطمینان به پاکی کرده بوده اید گناهی نکرده اید و جنین مذکور هم فرزند شرعی و طبیعی شماست و سقط آن حرام و موجب پرداخت دیه می شود.

«سؤال ۲۷۳۷» خانمی در اوایل دورهٔ بارداری، ده روز پشت سـر هم و بـدون سـقط جنین دچار خونریزی شده است و روز دهم از صـبح تا ظهر خونی ندیـده، اما بعـد از ظهر دوباره خون می بیند. بفرمایید حکم این خون چیست؟ و آیا می توان با آن نماز خواند؟

جواب: اگر خون ها نشانه ها و شـرایط حیض را داشـته باشد نباید نماز بخواند و روزه هم صـحیح نیست و از شرایط حیض این اسـت کـه بیش از ده روز نمی شـود و اگر پس از ده روز ادامه داشـته باشـد پس اگر عـادت دارد مقـدار عـادت حیض، و بقیه اسـتحاضه است که بایـد همراه غسـل نمـاز بخوانـد و روزه بگیرد که اگر کثیره یا متوسـطه باشـد تفاوت دارد که شـرح آن در توضیح المسائل بیان شده است.

«سؤال ۲۷۳۸» خانمی خونریزی وی قطع می شود، ولی تا روز هشتم ترشحاتی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۴

زرد رنگ و قهوه ای مشاهده می کند. آیا اینها دلیل عادت است؟ و آیا نزدیکی با او در این ایام حرام است؟

جواب: آنچه بعد از عادت و قبل از روز دهم خارج می شود اگر صفات حیض از قبیل رنگ و

غیره در آن وجود دارد محکوم به حیضیّت است و اگر زرد و قهوه ای باشد بنابر احتیاط بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند؛ یعنی در مسجد نرود و نزدیکی نکند و در عین حال اعمال مستحاضه را انجام دهد.

«سؤال ۲۷۳۹» با توجه به این که برخی شرایط اقلیمی و مصرف بعضی از غذاهای جدید ممکن است موجب ادامه پیدا کردن عادت ماهیانهٔ خانم ها به طور طبیعی تا پنجاه سالگی یا بالاتر شود؛ احکام این گونه خانم ها برای یائسگی چگونه است؟

جواب: اگر بعد از پنجاه سالگی خون واجد شرایط حیض باشد بنابر احتیاط تا شصت سالگی، بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند؛ یعنی نماز را با اعمال مستحاضه انجام دهد و مثلًا دست روی خط قرآن نگذارد و در مسجد نیز نرود.

«سؤال ۲۷۴۰» من زن ۳۰ ساله ای هستم که قبل از دوران قاعدگی کامل، یک تا سه روز لکه های زرد رنگِ متمایل به قهوه ای می بینم. این لکه ها در حالی به تدریج متمایل به قهوه ای می شود که مقدار آن کم بوده و شبیه استحاضهٔ قلیله است. اگر این مدت را جزء حیض حساب کنم مدت حیض ده روز می شود. سؤال این است که این مدت جزء حیض است و یا استحاضه حساب کنم و تکلیف نماز و روزهٔ من در این مدت چیست؟

جواب: در صورتی که شما صاحب عادت عددیه و وقتیه می باشید؛ یعنی در وقت معینی از ماه- مثلًا اول ماه- به عدد مشخصی- مثلًا هفت روز- خون می بینید یا صاحب عادت وقتیه فقط هستید؛ یعنی در وقت معینی از ماه- مثلًا اول ماه- خون می بینید، ولی عادت عددیه ندارید؛ یعنی یک ماه- مثلًا

۵ روز- و ماه دیگر- مثلًا ۶ روز- خون می بینید در صورتی که لکه هایی که قبل از وقت حیض خود به مدت یک یا دو روز می بینید خون باشد، گرچه صفات و نشانه های خون حیض را نداشته باشد و در حیضیّت طوری است که گفته می شود حیض شما جلو افتاده باید در آن مدت به احکامی که برای زن حائض گفته شده عمل کنید؛ یعنی نماز نخوانید و روزه هم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۵

نگیرید، ولی بعداً قضای روزه ها را به جا آورید و اگر شما صاحب عادت عددیه فقط هستید؛ یعنی تعداد روزهای عادت شما ثابت است- مثلًا هفت روز- ولی وقت هر بار متفاوت است- مثلًا یک بار از اول ماه و بار دیگر از پنجم ماه- پس روزهایی که خون در آنها نشانهٔ حیض را دارد و با عادت شما مساوی است را حیض و بقیه روزهایی که خون دیده اید، ولی نشانه حیض ندارد را استحاضه قرار دهید، اما در تمام صورت های گفته شده، اگر به لکه هایی که در آن یکی دو روز می بینید خون گفته نمی شود، بلکه فقط به صورت ترشحات زرد رنگ است در آن مدت شما حیض نبوده و باید نماز و روزه ها را انجام دهید.

«سؤال ۲۷۴۱» کلاس اول دبیرستان بودم که متوجه شدم غسل هایی که از اول تکلیف (شروع حیض) تاکنون انجام داده ام همه باطل بوده است و یادم نیست که پس از ماه رمضان آن سال متوجه اشتباهم شده ام یا قبل از آن. با توجه به این که قبل از آگاهی به طریقهٔ صحیح غسل، در اشتباه محض بوده ام و اصلًا از تکلیف خود آگاه نبوده ام؛ تکلیف من

نسبت به عبادات دوران جهل چیست و چه مدت از آن را باید قضا کنم؟

جواب: چون بقای بر حیض عمدی نبوده اید روزه ها قضا ندارد، ولی نمازها را به مقداری که یقین دارید کمتر از آن نیست باید قضا کنید.

«سؤال ۲۷۴۲» خانمی هستم که مدتی غسل های حیض را اشتباه انجام می دادم به این صورت که ابتدا سمت چپ را غسل می دادم و سپس سمت راست را. بفرمایید حکم نمازها و روزه هایی که در این مدت انجام داده ام چیست؟

جواب: بنابر احتیاط واجب غسل شما صحیح نبوده، ولی چون مبنی بر احتیاط است می توانید این احتیاط را به فالاعلم مراجعه بفرمایید.

«سؤال ۲۷۴۳» قسمتی از یک آیه از سوره های قرآن که سجدهٔ واجب دارد در دعای کمیل آورده شده است. آیا زن حائض می تواند این بخش از دعا را بخواند؟

جواب: در مفروض سؤال، بنابر احتیاط واجب، زن حائض هیچ جزئی از آیه های سوره های سجده را نیز حتی به قصد دعا نخواند.

«سؤال ۲۷۴۴» با توجه به این که برای زن حائض خواندن بیش از هفت آیه از قرآن کریم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۶

اشکال دارد؛ اگر نذر، محدود به زمان خاص باشد مثلًا نذر کنم که ۴۰ روز هر روز پشت سر هم سورهٔ «یس» را بخوانم و یا در ماه مبارک رمضان ختم قرآن بردارم و یا به مناسبتی به عهده ام گذارند، وظیفه ام چیست؟ و اگر اشکال دارد و تا امروز که نمی دانستم؛ آیا کفاره باید بدهم؟ و آیا می توانم تا هفت آیه را بلند و بقیه را آهسته بخوانم؟

جواب: خواندن بیش از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارند بر حائض کراهت دارد، ولی حرام نیست؛ و

اگر نـذر کرده باشـد که بیش از هفت آیه در زمان خاصـی بخوانـد و در آن زمان حائض باشـد، ظاهراً نـذر منعقد نمی شود و وظیفه ای ندارد؛ و اگر ختم قرآن به عهده می گیرد چنانچه مجانی باشد و سوره های سـجده دار تلاوت نشود اشکال ندارد، و اگر به نحو اجاره باشد چنانچه متعارف چنین است که ختم قرآن در حال حیض نباشد صحت عمل به اجاره در آن حال، محل اشکال است.

« سؤال ۲۷۴۵» خوانـدن زیـارت عاشورا و دعای توسل و رفتن به مهـدیه و نشسـتن سـر سـفره حضـرت ابوالفضل با وجود عـذر شرعی (مثل حیض و جنابت) چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۲۷۴۶» آیا زن حائض می تواند سجدهٔ زیارت عاشورا و یا سجده های دیگر را به جا آورد؟

جواب: سـجده زیـارت عـاشورا برای او مـانعی نـدارد و سـجده های واجب قرآن را نیز پس از شـنیدن لازم است انجام دهـد و طهارت در آنها شرط نیست، البته قرائت سوره های سجده دار جایز نیست

«سؤال ۲۷۴۷» اگر خانمی در حال حیض، غسل جنابت به عهـده اش باشد؛ آیا می تواند در همان حال غسل جنابت انجام دهد یا این که باید پس از پاکی از حیض غسل جنابت کند؟

جواب: صـحیح بودن غسل جنابت در حال حیض مشکل است، پس هنگامی که از حیض پاک شد و غسل جنابت انجام داد از غسـل حیض هم کفایت می کنـد و لازم نیست برای حیض جـداگانه غسل کنـد، هرچنـد خوب است در هنگام غسل، هم نیت جنابت و هم نیت حیض را کند؛ و چنانچه در حال حیض، غسل جنابت کرده است احتیاطاً بعداً نیز علاوه بر غسل حیض غسـل جنابت نیز انجام دهد و برای نماز وضو هم

بگیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۷

احکام استحاضه

«سؤال ۲۷۴۸» کسی که اهل تشخیص وقت نیست ظاهراً باید پنج دقیقه پس از اذان، نماز را شروع کند، در مورد مستحاضه چطور؛ آیا می تواند به محض شروع اذان، خود را وارسی و غسل کند؟

جواب: بعد از اطمینان به داخل شدن وقت، غسل کند.

«سؤال ۲۷۴۹» در توضیح المسائل مسألهٔ ۴۸۴ فرموده اید: مستحاضه، نماز قضا را در حال استحاضه بنابر احتیاط واجب به جا نیاورد. آیا این حکم در مورد روزهٔ قضا نیز جاری است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، روزه نیز حکم نماز را دارد؛ مگر این که وقت قضای روزه تنگ شده باشد.

«سؤال ۲۷۵۰» اگر زن مستحاضه به وظیفهٔ خود برای ادای نماز واجب عمل کرده و نماز را به جای آورد و بعد از نماز بفهمد که اصلًا پاک شده و دیگر خونی نمی بیند؛ آیا باید برای نمازهای بعدی چون از خون پاک شده، دوباره به وظیفه اش عمل کند؟ یا این که چون بعد از نماز قبلی دیگر خونی ندیده است همان غسل یا وضویی که گرفته کافی است؟ مثلًا در مورد استحاضهٔ قلیله آیا باید بعد از پاک شدن از خون، برای اولین نمازی که می خواند برای هر نماز یک وضو بگیرد یا این که اگر از نماز سابق وضو دارد و خونی ندیده است این وضو برای نمازهای بعدی کفایت می کند؟

جواب: با فرض عمل به وظیفه و ندیدن خون پس از آن، لازم نیست آن وظیفه را دوباره انجام دهد.

«سؤال ۲۷۵۱» اگر زن مستحاضه به وظیفهٔ خود برای انجام نماز عمل کند، ولی در بین روز بخواهد عمل واجب دیگری غیر از نماز به جا آورد، مثلًا نذر کرده باشد قسمتی از

قرآن را بخوانـد. آیا واجب است وضو یا غسل کند و آن عمل را انجام دهد و اگر بین نماز و عمل واجب دیگر خون نبیند چه حکمی دارد؟ و آیا اعمال واجب با مستحب تفاوتی دارد؟

جواب: بر زن مستحاضه برای قرائت قرآن و زیارت عاشورا و مانند آن، چه با نذر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۸

واجب شده یا نه؛ وضو و غسل واجب نیست هرچند در هر صورت وضو گرفتن مستحب است، مگر این که نذر کرده باشد آن امور را با وضو یا غسل انجام دهـد که در این صورت بایـد طبق نـذر خود عمل کند و اگر بخواهد کار دیگری غیر از نماز که نیاز به وضو دارد انجام دهد بنابر احتیاط واجب، وضوی دیگری بگیرد.

«سؤال ۲۷۵۲» اگر بعد از غسل استحاضه و قبل از وضو و نماز، حدث اصغر سر زد؛ آیا غسل او باطل شده است؟

جواب: مستحاضهٔ متوسطه و کثیره- بنابر احتیاط- وضو را پیش از غسل انجام دهد.

«سؤال ۲۷۵۳» اگر مسـتحاضهٔ کثیره یا متوسـطه برای نماز به وظیفه اش عمل کرده، اما پس از نماز اول، اسـتحاضهٔ او قلیله شـده است، آیا برای نماز بعدی به خاطر خروج از حالت کثیره یا متوسطه به قلیله، غسل لازم است؟

جواب: برای اولین نماز بعد از آن هم، طبق وظیفهٔ حالت قبل عمل کند، ولی برای نمازهای بعد از آن به وظیفهٔ مسـتحاضهٔ قلیله عمل کند.

«سؤال ۲۷۵۴» در روزهٔ مسـتحاضهٔ قلیله، در صورتی که جلوگیری از خروج خون ضـرر نداشـته باشـد؛ آیا باید در مجرای خون مانعی بگذارد تا لکه نبیند و خون خارج نشود؟

جواب: اگر ضرر ندارد احتیاطاً در طول مدت

روزه، از بیرون آمدن لکه های خون جلوگیری کند.

«سؤال ۲۷۵۵» اگر در ماه رمضان بعد از نماز مغرب و عشا، استحاضهٔ متوسطه یا کثیره شود چه تکلیفی برای روزهٔ فردا دارد؟ آیا کافی است که غسل، فقط بعد از اذان صبح و برای نماز صبح باشد؟

جواب: در فرض مذکور نیز احتیاطاً برای جهت صحیحی، مثل نماز شب، قبل از اذان صبح غسل کند.

«سؤال ۲۷۵۶» در استحاضهٔ متوسطه در ماه رمضان، آیا باید برای نماز یا روزه، قبل از اذان صبح یا بعد از اذان صبح غسل کرد؟

جواب: مستحاضهٔ متوسطه یا کثیره احتیاطاً قبل از فجر برای جهت صحیحی مثل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۹

نماز شب و مانند آن غسل کند و اگر بعد از آن خون خارج شد، بعد از اذان برای نماز صبح نیز آن را اعاده کند.

احکام میّت

[نوشتن آیات قرآن و دعا بر کفن]

«سؤال ۲۷۵۷» با توجه به آیهٔ شریفهٔ «لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» «۱» آیا نوشتن آیات قرآن و دعاهای وارده، بر کفن میّت و کفن و دفن میّت با چنین کفنی جایز است؟ خصوصاً وقتی به این نکته توجه کنیم که میّت پس از مدتی کوتاه، متعفن شده و از او نجاست خارج شده و آیات قرآن و اسماء اللّه به نجاست آلوده می شود؟ در صورت جایز بودن این امر، نوشتن کدام آیه و دعا بر کفن میّت مستحب است.

جواب: دفن میّت با کفن هایی که مشتمل بر آیات قرآن و دعای جوشن است اشکالی ندارد، بلکه از بعضی روایات استحباب آن نیز استفاده می شود «۲» ولی بنابر احتیاط واجب، باید به نحوی باشد که در معرض آلوده شدن به نجاست نباشد، مثلًا در قسمت سینه و

سر باشد و از آیهٔ شریفهٔ قرآن می توان حکم کلی حرمت تلویث و آلوده کردن قرآن را استفاده کرد.

«سؤال ۲۷۵۸» آیا از افراد متوفی هنگام دفن اجزای مصنوعی، مانند دندان های مصنوعی و هر چیز غیر طبیعی را باید جدا کرد؟

جواب: لازم نیست.

نبش قبر

«سؤال ۲۷۵۹» والدهٔ این جانب سی سال پیش در زاهدان به رحمت ایزدی پیوست ایشان در زمان حیات وصیت کردند که پس از فوت، او را در زادگاهش، یعنی رفسنجان به خاک بسپارند. متأسفانه چون محل کار این جانب در آن زمان شهرستان چابهار بود و

---

(۱)- سورهٔ واقعه (۵۶): آیهٔ ۷۹.

(۲)- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱- ۵۳، ابواب التکفین، باب ۲۹ و ۳۰؛ و مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۳۲، ابواب الکفن، باب ۲۸، ح ۱.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۰

ارتباط تلفنی بسیار کم و ایاب و ذهاب به سختی انجام می شد زمانی که مطلع شدم و به زاهدان رسیدم مراسم سوم آن مرحومه انجام شده بود و نتوانستم به وصیت او عمل کنم.

اکنون پس از گذشت سی سال، خود را موظف می دانم که آن دین را انجام دهم و به همین جهت از محضر جناب عالی تقاضا دارم تا در صورت امکان به بنده اجازهٔ نبش قبر دهید تا اگر چیزی از جسد آن مرحومه باقی مانده آن را به رفسنجان منتقل کنم و در آن جا به خاک بسپارم.

جواب: در فرض سؤال نبش قبر جایز نیست و شما تکلیفی ندارید.

«سؤال ۲۷۶۰» شخصی در اثر سکتهٔ قلبی و حکمِ پزشک معالج مبنی بر فوت او، غسل داده شده و کفن می شود. اکنون پس از دفن، برخی نزدیکان مدّعی هستند که قبل از دفن در

زمان وداع با بوسیدن شخص مزبور احساس کرده اند که بدن وی دارای حرارت است آن هم حرارتی که در انسان زنده احساس می شود. با وجود احتمال عقلایی بر زنده بودن فرد مزبور، آیا نبش قبر واجب است؟

جواب: با احتمال عقلایی زنده بودن، نبش قبر واجب است.

«سؤال ۲۷۶۱» در صورتی که چند میّت در یک قبر در حالی دفن شوند که استخوان های آنها مخلوط شده و در میان آنها برخی هستند که غسل داده نشده و یا بر آن نماز خوانده نشده است در این صورت آیا نبش قبر واجب است؟

جواب: در صورتی که بر میّت نماز نخوانده، یا نمازی که خوانده اند باطل باشد باید نماز را بر قبر او بخوانند؛ ولی اگر بدون غسل یا با غسل باطل دفن کرده باشند، در صورتی که بدن میّت متلاشی نشده باشد، باید نبش قبر شود و او را غسل دهند.

«سؤال ۲۷۶۲» این جانب وکیل مرحوم ... می باشم پس از سال ها که از دفن ایشان می گذرد فعلًا قبر این مرحوم وسط خیابان قرار گرفته و محل تردد ماشین ها و افراد گردیده و باعث هتک حرمت ایشان و ناراحتی فرزندان آن مرحوم شده است. آیا می شود مقبرهٔ ایشان را طوری که باعث نبش قبر نگردد، مثلًا بتون ریزی کرد و به جای دیگر منقل کرد؟

جواب: با فرض مذکور، اشکالی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۱

«سؤال ۲۷۶۳» قبری بر اثر آب و یا رانش زمین، مخروبه شده و استخوان هایی هم به چشم می خورد. البته از اهل آن شهر و دیار نیستم و کسی را هم نمی شناسم، ولی می دانم قبرستان مسلمین است حکم چیست؟

جواب: اگر می توانید مقداری خاک روی آنها بریزید.

«سؤال

۲۷۶۴» در شهرستان فرخ شهر یک قبرستان قدیمی وجود دارد که حدوداً ۳۰ سال است میتی در آن دفن نمی شود. اخیراً شهرداری اقدام به تسطیح آن کرده است.

از طرفی مردم از ترس احتمال تخریب قبور اموات، اقدام به نبش قبر اقوام و اموات خود کرده و امواتی که بیش از ۳۰ یا ۴۰ سال قبل دفن شده اند را در جای دیگر دفن می کنند.

آیا این کار جایز است؟

جواب: نبش قبر جز در موارد ضروری آن هم قبل از این که جسد متعفّن و یا متلاشی شود جایز نیست و مورد سؤال هم از موارد ضروری نیست.

«سؤال ۲۷۶۵» حکم نبش قبرهای دسته جمعی و حکم استخوان های مردگانی که این چنین دفن شده اند چیست؟ با علم به این که این استخوان ها هنگام نبش قبر و استخراج آنها با هم مختلط شده. و نیز با علم به این که نماز، بر جنازهٔ کسانی که توسط حکومت طاغوت اعدام و این چنین دفن شده اند، خوانده نشده است؟

جواب: در فرض مذکور، جواز نبش قبر مشکل است، زیرا مظنون این است که جنازه ها متلاشی شده و نبش قبر موجب هتک آنها می شود و در صورت جواز نبش، چنانچه استخوان ها مربوط به غیر سینهٔ میّت باشند، غسل داده شده و بنابر احتیاط با کفن دفن گردند و اگر مربوط به سینهٔ میّت باشند، علاوه بر غسل و کفن، نماز هم بر آنها خوانده شود و سپس دفن شوند.

احکام شهید

«سؤال ۲۷۶۶» آیا با دست گذاشتن به جنازهٔ شهید غسل میّت بر من واجب می شود؟

جواب: بنابر احتیاط واجب غسل کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۲

«سؤال ۲۷۶۷» شهید به چه کسی گفته می شود؟

جواب: شهید به معنای عام به

کسی می گویند که در راه انجام وظیفهٔ شرعی و عقلی خود کشته شده و شهید به معنای خاص کسی است که علاوه بر آن در جبههٔ نبرد نظامی با دشمنان اسلام و مسلمین کشته شده باشد.

«سؤال ۲۷۶۸» آیا طواف دادن مرده ها در اطراف قبور ائمهٔ اطهار علیهم السلام دلیلی دارد؟

جواب: طواف دادن میّت به گِرد قبور ائمّه علیهم السلام دلیلی ندارد، ولی در روایات است که امام حسن به امام حسین علیهما السلام وصیت کرده که پس از مرگم مرا به سوی قبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم متوجه ساز تا با او تجدید عهد کنم؛ سپس مرا به سوی مادرم منصرف ساز و پس از آن برگردانده و در بقیع دفن کن «۱» و تأسی به معصوم علیه السلام گرچه به قصد رجا و امید ثواب، نیکو و مستحب است و می توان به این قصد اموات مسلمان را به قبور معصومین علیهم السلام و مشاهد مشرّفه نزدیک کرد.

«سؤال ۲۷۶۹» در پی دفن دسته جمعی اجساد قربانیان حادثهٔ بم- برخی از علما- عکس برداری از اجساد مجهول الهویهٔ حادثه را غیر شرعی اعلام و این مسأله برای مأموران اجرایی که قصد دارند با دفن فوری اجساد مشکل بهداشتی منطقه را حل کنند مشکلاتی را ایجاد کرده است و شناسایی بعدی میّت را هم غیر ممکن می سازد. حکم جناب عالی در این مورد راهگشا خواهد بود.

جواب: عکس برداری از مجهول برای این که بعداً شناخته شود ذاتاً مانعی ندارد، ولی نسبت به زن ها به مقدار ضرورت اکتفا شود.

«سؤال ۲۷۷۰» آیا طواف کردن گِرد قبور ائمه علیهم السلام و تبرک اشیا و مالیدن آنها به ضریح آن بزرگواران

دلیلی دارد.

جواب: خصوص طواف، دلیل معتبری ندارد وشیعیان هم به قصد طواف اطراف مشاهد مشرّفه نمی گردند و تنها قصدشان زیارت است که امر مستحبی می باشد و خصوص تبرک اشیا هم دلیل خاصی ندارد.

---

(۱)- کافی، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۳

نماز میّت

«سؤال ۲۷۷۱» فردی که در زمان حیاتش جز دروغ، ستم و بدی چیز دیگری از او ندیده ایم، اکنون پس از مرگ می خواهیم برای او نماز میّت بخوانیم و طبیعتاً در نماز میّت چنین می خوانیم «لا نعلم منه الّا خیراً» آیا یک دروغ واضح نیست؟

جواب: ممکن است مراد از کلمهٔ «خیر» در آن اسلام و اعتقادات صحیح میّت باشد نه اعمال و رفتارش.

«سؤال ۲۷۷۲» اگر نماز میّت بیست نفر را نخوانده اند و آنها را در یک ردیف به خاک سپرده اند؛ آیا می شود به همهٔ آنها یک نماز خواند و یا باید برای هر کدام یک نماز میّت جداگانه خواند؟

جواب: بنابر احتیاط باید برای هر کدام یک نماز میّت جداگانه خوانده شود.

«سؤال ۲۷۷۳» در صورت عدم دسترسی به مرد مطّلع جهت اقامهٔ نماز میّت و تلقین آن، آیا می توان نماز مذکور را توسط خانم به جا آورد؟

جواب: بلی زن می تواند به میّت نماز بخواند و کفایت می کند، بلکه بعید نیست زنان بتوانند به او اقتدا کنند، ولی همچون اقتداء به مردها اذکار را باید خودشان بخوانند.

«سؤال ۲۷۷۴» چرا در نماز میّت بعد از نیت و گفتن اللّه اکبر اول، متن نماز بدون ذکر بسم اللّه الرحمن الرحیم آغاز و قرائت می گردد و نام طیبهٔ مذکور لحاظ نشده است؟

جواب: نماز میّت در حقیقت نماز نیست، بلکه دعا برای میّت است و مطابق دستور

شرع بعد از تکبیر اول باید شهادتین گفته شود و در شهادتین بسم اللّه وارد نشده است.

نماز وحشت

«سؤال ۲۷۷۵» آیا می شود هر شب به نیت مردگان از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام در جهان به عنوان شب اول قبر، نماز وحشت خواند؟

جواب: به قصد رجا و ثواب اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۴

[احکام نماز]

مسائل نماز

رابطهٔ خدا با بندگان

«سؤال ۲۷۷۶» اگر نماز رابطه فرد با خداست پس نماز استیجاری چه معنا دارد؟ مگر معاذاللّه خداوند به نماز احتیاج دارد که اگر کسی مُرد برایش شخصی را اجیر کنند تا برایش نماز و روزه انجام دهد؟ همین سؤال در مورد وجوب نماز و روزه بر فرزند بزرگ هم مطرح است.

جواب: اولًا: این که خداوند هیچ نیازی به بندگانش ندارد قابل تردید نبوده و نماز خواندن برای رفع نیاز خداوند نیست، بلکه برای رفع نیاز نمازگزار است، زیرا او با خواندن نماز صحیح و مقبول به کمال روحی و قرب معنوی که نداشت می رسد.

ثانیاً: در رسیدن انسان به کمال و قرب معنوی در عبادات، مباشرت لازم نیست و ممکن است با انجام عبادت توسط دیگری، نفع معنوی و ثواب آن عائد انسان گردد و این معنا با معادلات بشری و مادی قابل فهم نیست، بلکه امر آن در اختیار خداوند است که علاوه بر مالک مطلق بودن همهٔ چیزها دارای صفات منّت، رحمت و فضل عظیم نیز می باشد و فهم این که در چه مواردی نفع معنوی عمل دیگری به انسان می رسد و شرایط آن، جز از راه وحی امکان ندارد. روایات دال بر این که ثواب نماز و روزه و حج اجیر و یا اولاد، به میّت می رسد؛ از معصومین علیه السلام رسیده است و علم آنان منتهی به علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

می شود که به وحی مرتبط است. بنا بر این در این زمینه هیچ جای استبعاد وجود ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۵

اوقات نماز

«سؤال ۲۷۷۷» منظور از مغرب که در رسالهٔ شما آمده است غروب آفتاب است یا اذان مغرب و اگر منظور اذان مغرب است حکم نمازهایی که تا به حال بین غروب آفتاب و اذان مغرب خوانده ام چیست؟ چون من گمان می کردم منظور اذان مغرب است.

جواب: مغرب شرعی حدود پانزده دقیقه بعد از غروب خورشید است که سرخی سمت مشرق به تدریج از بین رفته باشد و نماز ظهر و عصر تا مغرب ادا می باشند و وقت نماز مغرب بعد از مغرب است و اگر نماز مغرب را جلوتر خوانده اید باید قضا کنید.

« سؤال ۲۷۷۸» در برخی از کتاب هایی که برای تعیین اوقات شرعی وجود دارد زمان اوقات شرعی، دارای اختلاف است خصوصاً با اذانی که از رادیو و تلویزیون پخش می شود. وظیفهٔ ما در قبال اوقات شرعی چیست؟ و چگونه تشخیص داده شود؟

جواب: برای ادای نماز باید یقین به وارد شدن وقت حاصل شود و برای روزه تا یقین به طلوع فجر نشده امساک لازم نیست.

«سؤال ۲۷۷۹» در برخی از مناطق کرهٔ خاکی، نواحی جغرافیایی وجود دارد که در بعضی روزهای سال، شاهد شبی به طول ۲۳ ساعت و سپیدهٔ یک ساعته و نیز پس از ۶ ماه دارای روز ۲۳ ساعته و سپیدهٔ یک ساعته می باشیم، اوقات شرعی نماز در این مناطق را توضیح دهید.

جواب: در فرض اول که ۲۳ ساعت شب و یک ساعت سپیده است هنگام سپیده نماز صبح خوانده می شود و بنابر احتیاط نسبت به نمازهای دیگر و همچنین

روزهـای مـاه مبـارک رمضـان، طبق منـاطق معتـدل و یـا منـاطق اسـتوا که روز و شب آنها دائماً مساوی است عمل می شود، و احتیاطـاً نمازهـا و نیز روزه ها در مناطق دیگر قضا شود. و در فرض دوم که عکس فرض اول است نمازها و روزه ها در اوقات شرعی خود ادا می گردد و اگر نسـبت به روزه هـا عسـر و حرج وجود دارد و نمی توانـد بگیرد قضـای آن در منـاطق دیگر که عسر و حرج ندارد انجام گیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۶

«سؤال ۲۷۸۰» فضانوردان مسـلمانی که به فضا می روند با توجه به این که هر ۹۰ دقیقه یک بار به دور زمین می چرخنـد وقت نماز و کیفیت آن چگونه است؟

جواب: در هر ۲۴ ساعت هر یک از نمازهای پنج گانه را یک مرتبه با ترتیب شرعی آن انجام دهند و بهتر است فاصلهٔ متعارف زمانی بین اوقات نمازها در زمین را رعایت کنند.

«سؤال ۲۷۸۱» محل زنـدگی من بلاد کفر است در چنین سـرزمینی که اوقات شـرعی را بیان نمی کنند چگونه اوقات نماز را به دست آورم؟ آیـا می توانم از طلوع تا غروب خورشـید را حساب و تقسـیم به دو قسـمت مساوی کنم و شـروع نیمه دوم را اول ظهر بدانم؟

جواب: برای این که مطمئن شویـد نمـاز را در وقت خوانـده، احتیاطـاً نمـاز ظهر را تـا زمـان کوتـاهی پس از نیمه حقیقی تأخیر بیندازید.

«سؤال ۲۷۸۲» آقایی می گوید: در شرایط عادی، جمع بین نمازهای یومیه، مطلوب شریعت محمدی نبوده و مکروه است و اگر نشانگر سـبک شـمردن نماز باشد جایز نیست (یعنی باید نماز ظهر را در وقت ظهر، عصـر در وقت عصر و مغرب و عشا هم هر کدام در وقت

خود خوانده شوند) نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: ظاهراً فاصله انداختن بین نمازها به خودی خود استحباب ندارد آنچه استحباب دارد تأخیر نماز برای انجام آن در وقت فضیلت است و وقت فضیلت نماز عصر از زمانی است که سایهٔ شاخص به اندازهٔ مثل شاخص بلند شود؛ هرچند محتمل است پس از اذان و گذشتن وقت به اندازهٔ وقت نماز ظهر نیز وقت فضیلت محسوب شود و وقت فضیلت نماز عشا از هنگامی است که سرخی طرف مشرق از بین برود.

«سؤال ۲۷۸۳» آیا مقلدین شما روزهای جمعه اگر به نماز جمعه نرفتند حق خواندن نماز ظهر در اول وقت را ندارند و باید صبر کنند تا نماز جمعه شهرشان تمام شود؟ و اگر اول وقت بخوانند نمازشان باطل است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۷

جواب: اگر نماز جمعهٔ واجد شرایط، اقامه شود شرکت در آن برای افراد واجد شرایط واجب است و در صورت عدم شرکت از خواندن نماز ظهر قبل از اتمام نماز جمعه خودداری شود و در صورت خواندن نماز ظهر همزمان با جمعه، صحت آن محل اشکال است.

«سؤال ۲۷۸۴» لطفاً معنای اصطلاحات زیر را بیان فرمایید.

۱- وقت زوال. ۲- وقت چاشت. ۳- وقت پهن شدن آفتاب. ۴- صدر نهار جمعه.

جواب: منظور از وقت زوال هنگام ظهر شرعی است. چاشت اوایل صبح بعد از گذشت ساعتی از طلوع آفتاب است. مقصود از پهن شدن آفتاب ساعتی بعد از طلوع خورشید است. مقصود از صدر نهار نیز هنگامی است که خورشید بالا می آید.

نمازهای مستحبی

«سؤال ۲۷۸۵» برای درک ثواب نماز غفیله، آیا می توان دو رکعت از نافلهٔ مغرب را به نیت نماز غفیله خواند؟

جواب: نماز غفیله غیر

از چهار رکعت نافلهٔ مغرب است و جمع آنها در قصد مشکل است.

«سؤال ۲۷۸۶» برای فرار از ریا، آیا می توان نافلهٔ عشا را ایستاده خواند؟

جواب: محل اشکال است.

«سؤال ۲۷۸۷» با توجه به این که نمازهای مستحبی نوافل را در هر شرایطی می توان به جا آورد لطفاً بفرمایید: مثلًا خانمی که در آشپزخانه مشغول کار است، آیا می شود در عین کار کردن نوافل را هم بخواند؟ و در این صورت شرایطی همچون قبله و حجاب را چگونه رعایت کند؟

جواب: کسی که نمی تواند ایستاده و رو به قبله نماز مستحبی را بخواند اشکال ندارد که در حال حرکت و با اشاره نماز بخواند، ولی شرایط دیگر طهارت و پوشش را باید رعایت کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۸

احکام قبله

«سؤال ۲۷۸۸» با توجه به این که امام زادهٔ مدفون در روستا حدود ۴۰ درجه از قبله منحرف است و اقامهٔ نماز جماعت و یا فرادا به طرف قبله باعث بروز اختلاف و تشنج در روستا می شود؛ آیا می توان به خاطر حفظ وحدت- هنگام اقامهٔ- نماز حداقل تا ۱۵ درجه از مسیر قبله منحرف شد؟

جواب: با فرض علم به جهت قبله رعایت آن هم در جماعت و هم در فرادا لازم است و اگر اقامهٔ جماعت، موجب نزاع و اغتشاش باشد موقتاً از اقامهٔ آن پرهیز شده و با استدلال و گفتگوی منطقی اختلاف برطرف شود.

«سؤال ۲۷۸۹» کسی که جهت قبله را می داند که طرف جنوب است، اما درجهٔ آن را نمی داند تکلیف او چیست؟

جواب: باید برای تشخیص جهت قبله تفحص کرد و با عدم امکان تحصیل علم، عمل به مظنه کافی است و اگر بعداً کشف خلاف شد تا انحراف

۴۵ درجه، نماز صحیح می باشد.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۶۸

«سؤال ۲۷۹۰» در نیمکرهٔ غربی، مناطقی است که به هر سه یا چهار طرف که بایستید قبله است در این مناطق در چه جهتی اعمال شرعی را باید انجام داد؟

جواب: در فرض سؤال، ایستادن به هر طرف از آن جهات مجزی است هرچند بهتر است برای انسجام صفوف مسلمین بنای محراب مساجد و نیز نمازهای جماعت به سمت واحدی باشند.

پوشش در نماز

«سؤال ۲۷۹۱» آیا می شود با چادر نازک در تاریکی نماز خواند به طوری که چیزی مشخص نباشد؟

جواب: اگر فقط در نور بدن نمایان باشد در تاریکی هم اشکال دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۶۹

«سؤال ۲۷۹۲» در مورد پوشش بانوان در نماز، آیا چادر کافی است؟ مثلًا اگر بانویی با آستین کوتاه، اما زیر چادر یا روسری نماز بخواند در چنین حالتی وقتی به سجده می رود طبق نظر بعضی از فقها، گردن یا سینهٔ او ساتر ندارد و زمین، ساتر آن خواهد بود، لطفاً در این مورد و در مورد پوشیدن دامن بلند بدون شلوار، نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: برای پوشش از نامحرم، هر نحو پوششی که زن را از نگاه نامحرم حفظ می کند کافی است، ولی برای نماز بنابر احتیاط واجب پوشش بدن حتی از خود انسان لازم است و انداختن چادر روی سر، مثل رفتن زیر خیمهٔ کوچک است و کافی نیست، بنابراین باید چادر را به دور خود بپیچید که بدن حتی از خود او پوشیده شود.

«سؤال ۲۷۹۳» اگر شخصی بعد از چند روز بفهمد ساعتی که

در دست دارد دارای طلاست نمازهای خوانده شده حکمش چیست؟

جواب: در صورت جهل به موضوع یا جهل به حکم و در صورت قصور نه تقصیر، اعاده لازم نیست و گرنه احوط اعاده است.

«سؤال ۲۷۹۴» الف: نماز خواندن با اجسام غصبی کوچکی، مانند عینک، قلم، ساعت، دفترچه و ... که حکم پوشش واجب را ندارد، آیا اشکال دارد؟

ب: آیا نمازهایی که این طوری خوانده است باید قضا کند؟

جواب: الف: چون به حرکات صلاتی متحرک می شود محل اشکال است.

ب: باید نمازها را قضا کند مگر این که علم به غصبیت آنها نداشته و خودش هم غاصب نباشد.

«سؤال ۲۷۹۵» اگر موی گربه در بین لباس ناپدید شود، آیا نماز با این لباس صحیح است؟

جواب: اشکال دارد و باید یقین کند لباسی که در آن نماز می خواند موی گربه در آن نیست.

«سؤال ۲۷۹۶» آیا چانهٔ زن جزء وجه است که پوشاندن آن هنگام نماز واجب نیست؟

جواب: مقداری کمی که جزء صورت به حساب آید پوشیدن آن لازم نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۰

اذان و اقامه

«سؤال ۲۷۹۷» با توجه به مسأله ۱۱۴ توضیح المسائل، آیا کشیدن صدا باعث زیاد شدن مدّ در کلمات اذان نمی شود؟

جواب: کشیدن صدا ملازم با مد نیست و اگر فرضاً هم بشود نباید صدا را بکشد.

«سؤال ۲۷۹۸» برخی از اعتقادات ما چرا در اذان و اقامه نیامده است؟ آیا گفتن این گونه شهادات در اذان و اقامه به قصد رجا جایز است؟

جواب: چنین نیست که هر چه حق است و ما به آن اعتقاد داریم بتوان آن را در اذان و اقامه ذکر کرد. فقرات اذان و اقامه توقیفی است.

«سؤال ۲۷۹۹» گروهی از اهل سنت ادعا می کنند که طبق نظر

مراجع شیعه، گفتن «أشهد أنّ علیاً ولی اللّه» در اذان به قصد اذان حرام است. آیا این موضوع صحت دارد؟

جواب: شهادت به ولایت علی علیه السلام جزء اذان و اقامه نیست. پس نباید آن را به قصد جزئیت گفت، ولی اصل گفتن آن اشکال ندارد.

واجبات نماز

[واجبات نماز]

تکبیره الاحرام

«سؤال ۲۸۰۰» منظور از این جمله «اللّه اکبر اول نماز را باید به عربی صحیح تلفظ کرد» چیست؟ آیا منظور درست تلفظ کردن لام در اللّه است یا رعایت فتحه و ضمه؟

جواب: منظور این است که خود جمله که عربی است به نحو صحیح تلفظ شود و ترجمهٔ آن کافی نیست.

«سؤال ۲۸۰۱» هنگام گفتن تکبیره الاحرام مستحب است دست ها در چه حالتی باشد؟

جواب: بهترین وجه این است که با شروع گفتن تکبیر، دست ها به طرف بالا در حالی که کف دست ها باز و رو به قبله باشد حرکت کند تا مقابل صورت برسد و با خاتمهٔ تکبیر، دست ها هم پایین برگشته باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۱

«سؤال ۲۸۰۲» این جانب مدتی به اشتباه ذکر تکبیر را هنگام برخاستن از رکوع و سجده، یعنی در حال حرکت می گفتم، البته سعی می کردم که پس از رکوع و سجود آرامش بدن را رعایت کنم، تکلیف نمازهای خوانده شده چیست؟

جواب: در صورت جهل و عدم توجه به مسأله، قضا لازم نیست و مشمول حدیث

«لا تعاد»

است.

قرائت

«سؤال ۲۸۰۳» در مورد قرائت نماز در مسأله ۸۴۰ می فرمایید: اگر در بین خواندن حمد و سوره و یا تسبیحات، بدن نمازگزار بی اختیار حرکت کند، احتیاط آن است که دوباره همان جمله را بگوید؛ اما در مسأله ۹۱۲ می فرمایید به قصد قربت مطلقه بگوید. سؤال این است که آن جمله را دوباره بگوید بدون قید قصد قربت مطلقه، یا لازم است قصد قربت مطلقه کند. باز هم در صورتی که بی اختیار حرکت کند اگر شک کند که از حال آرام بودن بدن خارج شده یا نه تکلیفش چیست؟

جواب: فرض مسأله در جایی است

که در حال حرکت، ذکر گفته شود و الّا نفس حرکت، موجب تکرار ذکر نیست و در هر حال به قصد قربت مطلقه بگوید؛ یعنی به قصد جزئیت نماز نباشد تا زیادی در نماز حساب شود.

«سؤال ۲۸۰۴» اگر موقعی که ذکر واجب را می گویم بی اختیار یا از روی اشتباه، بدن حرکت کند اگر شک کنم که بدن از حال آرام بودن خارج شده یا نه، آیا لازم است که آن ذکر را دوباره بگویم؟

جواب: اگر شک در اصل خارج شدن از آرامی باشد اصل عدم، جاری است و در عین حال، اعادهٔ ذکر از باب احتیاط ضرر ندارد.

«سؤال ۲۸۰۵» در نماز فرادا، کدام یک از این امور جایز نیست؟

۱- بلند خواندن «بسم اللّه» در نمازهای ظهر و عصر.

۲- گفتن «الحمد للّه ربّ العالمین» بعد از سوره حمد.

۳- گفتن «کذلک اللّه ربی» بعد از سوره توحید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۲

۴- گفتن «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم» بعد از تکبیره الاحرام.

۵- گفتن

«و تقبّل شفاعته و ارفع درجته»

بعد از صلوات در تشهد.

جواب: بنابر احتیاط در نماز ظهر و عصر فرادا «بِسْمِ اللّٰهِ»* را آهسته بگوید. اما موارد ۲ تا ۵: گفتن همهٔ اینها بی اشکال است.

«سؤال ۲۸۰۶» آیا ادغام تنوین و نون ساکنه در یکی از حروف «یرملون» واجب است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب ادغام تنوین و نون ساکنه در حروف یرملون ترک نشود.

«سؤال ۲۸۰۷» اگر در رکعت سوم یا چهارم اشتباهاً شروع به خواندن سورهٔ حمد کرد، آیا آن را ادامه دهد؟ آیا سجده سهو واجب می شود؟

جواب: اگر در رکعت سوم، سورهٔ حمد را به نیت نماز به جا آورد کافی است هرچند قبلًا قصد داشته است تسبیحات

بخوانـد و نبایـد آن را رها کنـد، ولی اگر بدون قصد، حمد به زبانش بیاید، باید آن را از همان جا که متوجه شد رها کند و با قصد، تسبیحات اربعه و یا حمد را بخواند.

«سؤال ۲۸۰۸» اگر شخصـی فکر کرده که جملهٔ «کذلک اللّه ربی» در رکعت دوم بعد از هر سوره ای مسـتحب است و در نماز بعد از سوره «انا انزلناه» نیز «کذلک اللّه ربی» می گفته است. آیا نمازش اشکال دارد و باید قضا کند؟

جواب: اگر جاهل قاصر باشد مشمول

«لا تعاد»

است و قضا ندارد، بلکه بعید نیست در مقصر هم جاری باشد.

«سؤال ۲۸۰۹» اگر کسی هنگام نماز پس از قرائت حمد یکی از سوره های «توحید» یا «کافرون» را شروع کرد نمی تواند آن را رهـا کرده و سورهٔ دیگری بخوانـد حـال اگر در نمـازی خـاص باشـیم که بایـد سوره ای مخصوص غیر از این دو سورهٔ فوق را بخوانیم تکلیف چیست؟ و اگر از روی فراموشـی و حواس پرتی «بسم اللّه» را به نیت سورهٔ توحیـد گفتیم. آیـا نمی شود آن را رها کرد و سورهٔ مخصوص را خواند؟

جواب: در نمازهای مسـتحبی مانعی نـدارد، ولی سوره ای را که بعداً شـروع می کند به قصد اسـتحباب خاص آن نماز نخواند، بلکه به قصد قربت مطلقه بخواند و در

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۳

نمازهای واجب غیر از نماز جمعه که می تواند به سورهٔ جمعه و منافقین عدول کند.

احتیاطاً سورهٔ توحیـد را تمام کرده و بعـد سورهٔ مورد نظر را به قصـد قربت مطلقه (یعنی به قصد قرائت قرآنی که در همه جا از جمله در نماز استحباب دارد) بخواند.

«سؤال ۲۸۱۰» آیا در پایان قرائت می شود «صدق اللّه

العلی العظیم» گفت؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۲۸۱۱» در نماز واجب، آیا خواندن حمد و سوره از روی نوشته جایز است؟

جواب: مانع ندارد.

«سؤال ۲۸۱۲» آیا انسان می تواند دعا یا سوره ای را در نماز واجب یا مستحبی از روی کتاب بخواند و آیا می تواند در هنگام نماز خواندن خم شده قرآن یا کتاب دعا را از روی زمین بردارد و از رو بخواند؟

جواب: خواندن دعا یا قرآن در نماز از روی کتاب مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط کتاب را روی میز یا صندلی یا طاقچه بگذارد که نخواهد خم شود.

«سؤال ۲۸۱۳» دختری هستم ۲۴ ساله که برای خواندن نماز دچار مشکل شده ام و برای این که کلمات نماز را درست ادا کنم چندین مرتبه آنها را تکرار می کنم و نماز خواندن برایم یک معضل شده است، آیا می توانم به یک بار ادا کردن اکتفا کنم و خود را از این مهلکه نجات دهم.

جواب: چون دچار وسواس هستید نباید به شک های خود اعتنا کرده و به یک مرتبه ادا کردن الفاظ باید اکتفا کنید.

«سؤال ۲۸۱۴» این جانب چند ماهی است که به خاطر کسالت، توان خواندن حمد و سوره را ندارم. آیا می توانم نمازم را بدون حمد و سوره بخوانم؟

جواب: هرچند حمد و سوره و سایر اذکار از ارکان نماز نیست، ولی واجب است به هر نحو ممکن خوانده شوند؛ اما اگر منظور شما فراموش کردن بعضی کلمات و جملات حمد و سوره است می توانید به خاطر محذور مذکور، آن را به وسیلهٔ نوشته یا وسیلهٔ صوتی و یا کسی که آن را به شما تفهیم کند بخوانید و اگر مقصود شما ناتوانی به خاطر ضعف جسمی است به هر طور که

می توانید ولو با فاصله، کلمات را ادا کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۴

«سؤال ۲۸۱۵» گاهی انسان زیاد سرفه می کند به طوری که در قرائت نماز- موقع گفتن ذکر و از کثرت سرفه- از حالت آرام بودن خارج می شود، آیا ذکری را که در این حالت گفته باید دوباره به قصد قربت مطلقه بگوید یا تکرار لازم نیست؟

جواب: اگر کلمات صحیحاً و در حال آرامش ادا نشد باید به قصد قربت مطلقه تکرار شود.

«سؤال ۲۸۱۶» در مسألهٔ ۹۱۹ توضیح المسائل می فرمایید: «مستحب بلکه احوط است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و حتی الامکان ترک نشود و برای تکبیر دست ها را بلند کند». آیا این احتیاط واجب است یا مستحب؟ و آیا این احتیاط شامل بلند کردن دست ها هنگام گفتن تکبیر هم می شود؟

جواب: احتیاط نسبت به اصل تکبیر ترک نشود و نسبت به بلند کردن دستها مستحب است.

«سؤال ۲۸۱۷» آیا حضرت عالی تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم سه مرتبه فتوا می دهید، یا احتیاط می کنید که بتوانیم به «فالاعلم» رجوع کنیم.

جواب: این حکم در حقیقت فتواست و از موارد جواز رجوع به غیر نیست.

سجده

«سؤال ۲۸۱۸» در سجده علاوه بر کف دست ها، آیا باید کف انگشت ها هم بر روی زمین باشد؟

جواب: علاوه بر کف دست، کف انگشت ها به صورت معمولی نیز باید بر روی زمین گذاشته شود.

«سؤال ۲۸۱۹» اگر مکلف در حال سجده شک کند که سجدهٔ اول است یا دوم، تکلیفش چیست؟

جواب: باید یک سجده دیگر انجام دهد تا نسبت به دو سجده یقین حاصل شود.

«سؤال ۲۸۲۰» در هنگام سجده اگر ناگهان دوبار سرمان به مهر بخورد حکم

چیست؟

جواب: اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۵

یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد باید به قصد قربت مطلقه؛ یعنی بدون قصد وجوب یا استحباب بگوید.

«سؤال ۲۸۲۱» اگر در سجده بدون جدا شدن پیشانی از مهر، با حرکت دادن پیشانی بر روی مهر مانعی، مانند چادر را بر طرف کند آن سجده چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد، اما در حال حرکت ذکر سجده را نگوید.

«سؤال ۲۸۲۲» آیا کرم یا لوازم آرایشی که خانم ها به صورتشان می زنند برای سجده مانع حساب می شود یا خیر؟ پودر و کرم پودر نیز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر کرم و مانند آن در پیشانی باشد جسمیت دارد نباید با آنها سجده کند.

«سؤال ۲۸۲۳» اخیراً تسبیح هایی درست کرده اند که زیر شیخک آن مهر کوچکی به شکل دایره و به قطر یک و نیم سانتی متر می باشد آیا این مقدار مُهر برای سجده کفایت می کند؟

جواب: ظاهراً مانعی ندارد.

«سؤال ۲۸۲۴» با توجه به این که نماز مستحبی، برخی از احکام نماز واجب را ندارد، مثل نماز در حال حرکت و امثال آن، آیا در نماز مستحبی می توان بر فرش سجده کرد؟

و حکم سجده بر دستمال کاغذی چیست؟

جواب: از نظر آنچه سجده بر آن صحیح است فرقی بین نماز مستحبی و واجب نیست و در مورد دستمال کاغذی اگر معلوم نباشد که از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده است اشکال دارد، ولی در صورت نبودن چیزی که سجده بر آن صحیح است [دستمال کاغذی] بر موکت و قالی تقدم دارد.

«سؤال ۲۸۲۵» پس از شنیدن آیهٔ سجده دار

از نوار ضبط، آیا سجده واجب می شود؟

و اگر قاری چند مرتبه آیهٔ سجده دار را تکرار کند، آیا برای هر بار تکرار یک سجده لازم است و یا در مجموع یک سجده کافی است؟

جواب: در صورت گوش دادن، سجده واجب است و در صورتی که صدای آن به گوش انسان بخورد نیز بنابر احتیاط سجده واجب می شود و با تکرار خواندن و شنیدن، تکرار سجده لازم است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۶

تشهد

«سؤال ۲۸۲۶» گفتن «و عجّل فرجهم» بعد از صلوات تشهد چه حکمی دارد؟

جواب: گفتن آن به قصد مطلق ذکر ظاهراً اشکال ندارد و در هر جای نماز، خواندن قرآن، ذکر و دعا بی اشکال است.

«سؤال ۲۸۲۷» با توجه به نظر مساعد برخی عرفا، آیا شهادت بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در تشهد نماز مشروع است.

جواب: خلاف احتیاط است.

سلام

«سؤال ۲۸۲۸» بعد از سلام نماز، آیا باید سر را از قبله برگرداند و نماز بعد را آغاز کرد؟

جواب: خیر، سلام، انسان را از نماز خارج می کند.

«سؤال ۲۸۲۹» در نماز واجب، پس از قضای تشهد یا سجدهٔ فراموش شده، آیا سلام هم لازم است؟

جواب: در تشهد فراموش شده یا سجدهٔ فراموش شده تنها تشهد یا سجده را قضا کند و سلام لازم نیست، ولی پس از قضا، دو سجدهٔ سهو نیز انجام دهد.

ذکر

«سؤال ۲۸۳۰» این که در رساله در مورد برخی از ذکرها فرموده اید: «آنها را به قصد رجا بیاورد» مقصود چیست؟

جواب: منظور آن است که اذکاری را که دلیل معتبری بر استحباب آنها در خصوص قنوت، یا رکوع، یا سجود و یا موقعیت خاص دیگری وجود ندارد، می توان به امید ثواب و احتمال این که عنداللّه مستحب باشد انجام داد، ولی نمی توان آنها را به عنوان جزء قطعی نماز یا قصد استحباب خاص در این موقعیت خاص انجام داد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۷

«سؤال ۲۸۳۱» تکرار «اللّه اکبر» در بین ارکان نماز برای توجه و مراقبه چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به قصد مطلق ذکر باشد نه به قصد استحباب در این محل خاص، اشکالی ندارد، مگر آن که به قدری طولانی شود که عرفاً او را از صورت نمازگزار خارج کند.

«سؤال ۲۸۳۲» تفسیر نمونه (به نقل از روح المعانی) ذیل آیات ۵۹، ۶۴، ۶۹ و ۷۲ سورهٔ واقعه در مورد امیر المؤمنین علیه السلام چنین نقل می کند:

آن حضرت پس از خواندن آیات فوق، سه مرتبه فرمودند: «بَل انتَ یا ربِّ». آیا این کار در نماز مستحب است؟

جواب: گفتن جمله مذکور به قصد ذکر اشکال ندارد، در

هر جای نماز جایز است ذکر یا دعایی را انجام داد و یا آیه ای را از قرآن بخوانید.

«سؤال ۲۸۳۳» آیا هنگام نماز، گفتن «بحول اللّه تعالی و قوته اقوم و اقعد» اضافه کردن «تعالی» در ذکر مزبور اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد، ولی نه به قصد ورود، بلکه به قصد ذکر مطلق.

«سؤال ۲۸۳۴» اگر کسی در نماز، قنوت یا تشهد یا سلام یا ذکر بیجایی را اشتباهاً بگوید؛ آیا باید هر جا که متوجه شد فوراً بدون این که یک حرف هم زیادتر بگوید توقف کند؟

جواب: بله، مگر این که آنچه می گوید ذکر باشد و آن را به قصد مطلق ذکر بگوید.

قنوت

«سؤال ۲۸۳۵» در نماز واجب چند قنوت می توان خواند؟

جواب: نمازهای واجب جز نمازهای عید، جمعه و آیات، بیش از یک قنوت ندارد هرچند می توان در همان یک قنوت ادعیهٔ متعددی خواند.

«سؤال ۲۸۳۶» شنیده ام که در حدیث وارد شده است که گناهکار هنگام قنوت بر خلاف بقیهٔ مردم پشت دست هایش را به طرف آسمان بگیرد. آیا چنین کاری بدعت نیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۸

جواب: کیفیت مذکور گرچه در حال دعا، در بعضی از روایات «۱» آمده است، ولی در قنوت بهتر است، بلکه احتیاط آن است که به همان کیفیت متعارف باشد؛ یعنی کف دست ها را به طرف آسمان بگیرد.

«سؤال ۲۸۳۷» آیا طول دادن قنوت نماز، امری مستحب است؟

جواب: طول دادن قنوت مستحب است و از بعضی روایات استفاده می شود که هر اندازه قنوت در دنیا طولانی باشد در قیامت راحتی بیشتر است.

«سؤال ۲۸۳۸» آیا سلام دادن به ائمه اطهار علیهم السلام در قنوت اشکال دارد؟

جواب: اگر به صورت دعا باشد مانعی ندارد.

«سؤال ۲۸۳۹» اگر

انسان در رکعتی که قنوت ندارد قنوت بخواند؛ آیا نمازش صحیح است و آیا سجدهٔ سهو بر او واجب می شود؟

جواب: در مفروض سؤال، نمازش صحیح است و بنابر احتیاط دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

«سؤال ۲۸۴۰» آیا کسی که فکر کرده که در قنوت جایز است ادعیه به فارسی خوانده شود باید نمازهایش را اعاده کند؟

جواب: اگر جاهل قاصر بوده و هیچ احتمال خلاف نمی داده اعاده لازم نیست.

تسبیحات اربعه

«سؤال ۲۸۴۱» آیا به فتوای شما در هیچ حالی خواندن یک بار تسبیحات اربعه کافی نیست؟ حتی در تنگی وقت؟ اگر چنین است پس در تنگی وقت چه باید کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب در تنگی وقت نیز باید تسبیحات اربعه را سه بار بگوید و گفتن آن چند ثانیه بیشتر نمی شود.

«سؤال ۲۸۴۲» اگر در نماز، به جای تسبیحات، سورهٔ حمد را شروع کردیم و سپس متوجه شدیم؛ آیا می توانیم آن را رها کرده و شروع به خواندن تسبیحات کنیم؟

---

(۱)- کافی، ج ۲، ص ۴۸۰.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۷۹

جواب: در رکعت سوم و چهارم انسان مخیر است بین حمد تنها و تسبیحات اربعه، پس در حال عمد هم می تواند سورهٔ حمد را بخواند.

تعقیبات نماز

«سؤال ۲۸۴۳» با توجه به سفارش جمعی از بزرگان، چون: شیخ صدوق به برخی دعاها به عنوان تعقیبات پس از نماز، به نظر حضرت عالی آیا بهتر از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام چه تعقیباتی سفارش شده است؟

جواب: مستحب است تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بعد از نماز و قبل از آن که از جای خود حرکت کند بگوید و بنابراین خواندن قرآن و دعاهای دیگر قبل از آن منافاتی با آن ندارد.

[خلل در نماز]

مبطلات نماز

«سؤال ۲۸۴۴» فعل کثیر که مبطل نماز است چه معیاری دارد. آیا مثلًا پاک کردن اشک چشم و یا آب بینی از مصادیق فعل کثیر است؟

جواب: ملاک این است که در نظر عرف با صورت نماز منافات داشته باشد و مثال های مذکور اشکال ندارد.

«سؤال ۲۸۴۵» در نماز راه رفتن تا چه حدی اشکال ندارد همین که برخی به مرور و یا یک مرتبه جای خود را عوض می کنند و احیاناً هیأت نماز را به هم می زنند؛ آیا موجب بطلان نماز نمی شود؟

جواب: حرکت کم به گونه ای که انسان را از صورت نمازگزار خارج نسازد مانعی ندارد، ولی در حال حرکت از گفتن اذکار خودداری کنید.

موارد جواز شکستن نماز

«سؤال ۲۸۴۶» در موارد مختلف می توان نماز را شکست، مثل خطر جانی، مالی، حضور طلبکار و ... در صورتی که ناموس انسان در خطر باشد چطور؟ آیا آن جا هم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۰

می توان نماز را شکست؟

جواب: هر خطر و ضرر جانی و مالیِ قابل توجه، مجوز شکستن نماز است و البته خطر ناموس از آنها بلکه از مهمترین خطرهاست و در چنین موردی نه تنها می توان، بلکه باید نماز را شکست و از ناموس دفاع کرد.

شکیات نماز

«سؤال ۲۸۴۷» اگر فردی پس از نماز در صحت نماز شک کند و نماز دیگری با این نیت بخواند که اگر نماز قبلی باطل بوده این نماز ادای او باشد و اگر نماز قبلی صحیح بوده این نماز، نماز قضا باشد؛ آیا چنین نمازی صحیح است؟

جواب: اشکال دارد.

«سؤال ۲۸۴۸» اگر نمازگزار در حال خواندن حمد و سوره شک کند که در رکعت دوم است یا رکعت سوم، تکلیف چیست؟

جواب: جزء شک های باطل است، زیرا شک بین دو و سه قبل از اتمام سجدتین مبطل است.

نماز احتیاط

«سؤال ۲۸۴۹» در مواردی که نماز احتیاط واجب است خوانده شود؛ آیا این نماز احتیاط، متمم نماز است یا این که آن را واجب مستقل می دانید؟

جواب: نماز احتیاط متمم احتمالی نماز است؛ هرچند دارای تکبیرهالاحرام است.

سجدهٔ سهو

«سؤال ۲۸۵۰» اگر پس از سجدهٔ سهو شک کند که یک سجده انجام داده یا دو سجده تکلیف چیست؟ و اگر مدت ها به این شک اعتنا نکرده است؛ آیا نمازهای گذشته قضا دارد؟

جواب: ترک سجدهٔ سهو یا بطلان آن موجب بطلان نماز نیست و اگر احتمال

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۱

می دهد سجدهٔ سهوهای سابق را صحیح انجام داده یا نه، قضای آنها لازم نیست و اگر یقین دارد باطل بوده اند آنها را صحیحاً انجام دهد.

«سؤال ۲۸۵۱» آیا گفتن تکبیر در ابتدای سجدهٔ سهو واجب است؟

جواب: واجب نیست.

«سؤال ۲۸۵۲» گفته شده: هر زیاده و نقیصه ای که در نماز رخ دهد موجب سجدهٔ سهو است. بفرمایید این زیاده و نقیصه به چه چیزی گفته می شود؟

جواب: به چیزهایی که رکن نماز، مثل تکبیره الاحرام، رکوع و سجود در یک رکعت نباشند.

«سؤال ۲۸۵۳» فردی در نماز چهار رکعتی قبل از رکوعِ رکعت سوم یقین می کند که یکی از سجود و تشهدِ مربوط به رکعت قبل را نخوانده است. آیا اول باید سجده و سپس تشهد را بخواند؟ و در این صورت آیا زیاد کردن عمدی جزء، صدق نمی کند؟

جواب: اول، سجده و به دنبال آن تشهد را به جا آورد و زیادی عمدی در این جا صادق نیست.

احکام مسافر

«سؤال ۲۸۵۴» به نظر می رسد تشریع نماز مسافر در قرآن، آیهٔ ۱۰۱ از سورهٔ نساء باشد، با این که از این آیه وجوب شکستن نماز مسافر فهمیده

نمی شود، بلکه تخییر است؛ پس چرا فقها حکم وجوب از آن فهمیده اند؟

جواب: ادلّهٔ وجوب شکسته خواندن نماز در سفر و نحوهٔ استفادهٔ آن از قرآن با توجه به تفسیر آن در روایات وارده، به تفصیل در کتب فقهی استدلالی و از جمله کتاب «البدر الزاهر» این جانب ذکر شده است.

«سؤال ۲۸۵۵» اگر کسی در مسافرت، به جای نماز دو رکعتی، نماز چهار رکعتی بخواند و بعد از وقت متوجه شود که بجای دو رکعتی، چهار رکعتی خوانده؛ آیا آن نماز چهار رکعتی، مجزی و مکفی است یا باید قضا کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۲

جواب: اگر اصل حکم، یعنی این که بر مسافر نماز قصر واجب است را می دانسته است باید نماز خود را قضا نماید.

«سؤال ۲۸۵۶» آیا در سفرهای تلفیقی مقصد مسافر، انتهای سفر و جایی که کار دارد محسوب می شود یا اول شهر مقصد؟

جواب: مبدأ حساب مسافت، آخرین ساختمان های شهر یا روستای مبدأ است و منتهای مسافت، اول شهر یا روستای مقصد است و در این حکم فرقی بین بلاد کبیره و صغیره و نیز فرقی بین مسافت سفر امتدادی و تلفیقی نیست.

« سؤال ۲۸۵۷» الف: آیا در تحقق قصد اقامهٔ ده روز، نماز خواندن و روزه گرفتن دخالت دارد؟ یعنی چنانچه مثلًا زنی می خواهد در جایی قصد اقامهٔ ۱۰ روز نماید و علم هم دارد که روز پنجم خون حیض می بیند، با این وجود می تواند قصد اقامهٔ ده روز نماید؟

ب: چنانچه همین خانم از ابتدا قصد دارد که در ۵ روز آخر که معفوّ از نماز و روزه هست به مادون مسافت شرعی و بیرون از محلّ قصدِ اقامه رفت و آمد داشته باشد،

آیا قصد اقامه تحقق پیدا می کند یا حکم سایر افراد را دارد؟

جواب: الف: خواندن نماز چهار رکعتی و یا روزه گرفتن در تحقق قصد اقامهٔ ده روز دخالتی ندارد. بله، خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا در صورتی اثر دارد که کسی قصد ده روز ماندن در محلی داشته باشد و یک نماز چهار رکعتی ادا بخواند و بعد از آن در ادامهٔ اقامهٔ ده روز تردید پیدا کند و یا منصرف شود، در این صورت تا وقتی در محلّ اقامت می ماند لازم است نمازها را تمام بخواند. بنابراین در فرض سؤال اگر واقعاً قصد ماندن ده روز را دارد هرچند می داند چند روز از خواندن نماز معذور است تا زمانی که می تواند نماز بخواند باید تمام بخواند.

ب: در فرض سؤال که هنگام قصد اقامه قصد دارد به خارج از محل اقامت رفت و آمد داشته باشد هرچند مادون مسافت شرعی باشد قصد اقامهٔ او محقق نمی شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۳

[نماز مسافر]

وطن

«سؤال ۲۸۵۸» ضرورت تحصیلی باعث شده که از سه سال پیش در شهر گنبد ساکن شوم و در آن جا خانه ای هم خریده ام، اکنون تصمیم دارم پس از یکی دو سال دیگر که فارغ التحصیل می شوم به وطن اصلی خود برگردم؛ آیا گنبد وطن دوم من به حساب می آید؟

جواب: در صدق وطن، نه سابقه ملاک است نه آینده و وطن به معنای اقامتگاه فعلی انسان است که انسان در آن جا بساط زندگی را پهن کرده است و خود را در آن جا مسافر نمی داند. و در صورت شک، حکم وطن بار نیست.

«سؤال ۲۸۵۹» بنده و همسرم متولد یکی از شهرستان ها هستیم، اما ضرورت شغلی همسرم

باعث شده که در قم ساکن شویم؛ اکنون حدود دوازده سال است که در قم زندگی می کنیم و برای دیدار اقوام و آشنایان به شهرستان می رویم، با توجه به این که آن شهرستان وطن اصلی ما بوده است، وظیفه ما در مورد نماز و روزه، هنگام مسافرت به آنجا چیست؟

جواب: وطن به معنای اقامتگاه فعلی انسان است؛ اگر شما عملًا مقیم قم می باشید و به آن شهرستان گاهی برای دیدار می روید، آنجا دیگر وطن شما نیست؛ ولی اگر در سال چندین ماه هم در آنجا می مانید، که طبعاً دو اقامتگاه دارید باید در آن جا نیز نماز را تمام بخوانید.

«سؤال ۲۸۶۰» شما در جواب استفتایی فرموده اید «برای صدق وطن قصد اقامت چند ساله لازم است» منظور از چند سال چیست، آیا قصد دو سال کافی است؟

جواب: کفایت قصد اقامهٔ دو سال در صدق وطن مشکل است، اقلًا باید چهار یا پنج سال باشد به شرطی که مانند شخص مواطن در آن جا زندگی کند و خود را مسافر نبیند.

«سؤال ۲۸۶۱» از جهت قصر و اتمام، تا چه زمانی فرزندان تابع پدر و مادرند؛ آیا فرزند، قبل از جدا شدن از خانواده می تواند برای خود وطن دیگری انتخاب کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۴

جواب: فرزندان تا زمانی که با انتخاب خود زندگی مستقل پیدا نکرده اند و عملًا تابع پدر و سرپرستِ خود می باشند در احکام وطن تابعند و اگر زندگی مستقل دارند از تابعیت خارج می گردند.

اعراض از وطن

«سؤال ۲۸۶۲» در نماز مسافر مقصود از اعراض عملی چیست؟ آیا مراد قطع علقهٔ قلبی است یا این که مقصود ترک وطن است؟

جواب: در وطن، نه سابقه ملاک است نه لاحقه، بلکه

فعلیت ملاک است. همین که محل زندگی تغییر داده شده و در جایی غیر از وطن اصلی مثل اهالی آن محل مشغول زندگی است به طوری که تا کاری برایش پیش نیاید از آن جا خارج نمی شود حکم وطن پیدا می کند؛ و وطن اصلی را که رها کرده تا به آنجا بر نگردد و عرفاً اقامتگاه فعلی او محسوب نشود، حکم وطن را ندارد.

قصد اقامت

«سؤال ۲۸۶۳» وطن اصلی خودم شاهرود و محل زندگی خود و خانواده ام کرج است، با توجه به این که در شاهرود و کرج نمازم تمام است تکلیف فرزندان من چیست؟

جواب: در مفروض سؤال که بچه ها سابقهٔ اقامت در شاهرود را نداشته اند در آن جا مسافرند مگر این که قصد ده روز کنند، بلکه خود شما نیز اگر شاهرود فعلًا اقامتگاهتان نیست و فقط برای دیدن خویشان گاهی به آن جا می روید نماز و روزهٔ شما شکسته است.

«سؤال ۲۸۶۴» مسافری وقتی به شهر قم رسید قصد اقامت ده روزه کرد و نماز ظهر را چهار رکعتی خواند؛ پس از نماز ظهر در حالی که می خواست نماز عصر را شروع کند با تصمیم هم سفران برای خروج از قم او هم تصمیم به مسافرت گرفت، اما چون قبل از نماز ظهر با قصد اقامت نماز ظهر را تمام خوانده بود (یعنی قصد اقامت او محقق شده بود) نماز عصر را تمام خواند. وی پس از نماز عصر یقین کرد که یکی از دو نمازهای

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۵

خوانده شده باطل بوده است. لطفاً تکلیف او را در مورد نمازهای خوانده شده و نمازهای بعدی بیان فرمایید؟

جواب: بنابر احتیاط به مقتضای علم اجمالی به بطلان یکی از

دو نماز، ظهر را شکسته و عصر و نمازهای آینده را هم شکسته و هم تمام بخواند. هرچند ممکن است گفته شود: در مفروض سؤال، علم اجمالی به بطلان یکی از دو نماز ظهر و عصر منحل می شود، زیرا یقین دارد به بطلان عصر [یا از آن جهت که خودش بنفسه مصداق علم اجمالی است و یا از آن جهت که شاید نماز ظهر باطل بوده، پس نماز عصر نیز باطل می باشد] بنابراین، قاعدهٔ فراغ در ظهر بدون معارض جاری است، پس حکم به صحت ظهر می شود و عصر را تماماً اعاده کرده و نمازهای آینده را نیز تماماً به جا می آورد.

«سؤال ۲۸۶۵» در محل زندگی ما اروپا در خارج شهر، شهرک های کوچکی به فواصل یک تا ۲۰ کیلومتر هستند که محل کار و تردد بنده بوده و برخی از این شهرک ها دارای تشکیلات اداری و شهرداری اند. آیا تردد به این شهرک ها موجب شکسته شدن نمازها نمی شود؟

جواب: اگر عرفاً شهرک ها از محله های شهر مورد سکونت محسوب شده و همگی یک شهر حساب می شوند تردد در آنها بی اشکال است، مانند تردد در محله های تهران بزرگ و حکم سفر ندارد و اگر فرضاً جدا محسوبند تردد در مسافت کمتر از چهار فرسخ شرعی- حدود ۲۲/۵ کیلومتر- نماز شکسته نمی شود.

«سؤال ۲۸۶۶» در سفر حج ده روز در مکه قصد اقامت کردم و پس از آن به عرفات رفتم و مجدداً به مکه باز گشتم، با توجه به این که پس از بازگشت به مکه کمتر از ده روز در مکه مانده ام تکلیف نمازم پس از بازگشت به مکّه چیست؟

جواب: بنابر احتیاط، در مورد مذکور هم شکسته و هم تمام

بخوانید، هرچند بنابر اقوی وظیفهٔ شما شکسته است، زیرا از عرفات قصد سفر به وطن را دارد.

«سؤال ۲۸۶۷» همان گونه که مستحضرید: جلال آباد با نجف آباد مقدار کمی فاصله دارد، ما از جلال آباد به قصد قم حرکت کرده و به نجف آباد که رسیدیم نماز را تمام خواندیم، چون فاصلهٔ بین دو شهر بسیار کم است. آیا نماز ما صحیح بوده است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۶

جواب: اگر نجف آباد وطن و اقامتگاه فعلی شما نیست و از حدّ ترخّص جلال آباد خارج است در مفروض سؤال، نماز شما شکسته است.

«سؤال ۲۸۶۸» با توجه به مسألهٔ ۱۱۰۵ توضیح المسائل حضرت عالی در مورد مسافری که رفتن او سه فرسخ و برگشتن او پنج فرسخ باشد، فرموده اید که نماز او تمام است، اما در درس خارج چنین مواردی را از مصادیق سفر امتدادی دانسته و در نتیجه حکم به قصر نماز کردید، آیا فتوا عوض شده است؟

جواب: آنچه در بحث مطرح شد سیر سه فرسخ و پنج فرسخ دوری بود که در واقع مسیر هشت فرسخی امتدادی است نه تلفیقی، پس فتوا عوض نشده است.

«سؤال ۲۸۶۹» با توجه به این که «قصد سفر» از جمله شروط شکسته شدن نماز است، لذا اگر کسی را در حال خواب یا بیهوشی به اندازهٔ مسافت شرعی، نقل مکان دهند در حالی که قصد مسافت نداشته باشد؛ آیا موجب شکسته شدن نماز یا جواز افطار روزه می شود؟

جواب: نماز در صورتی شکسته می شود که قصد مسافت با دیگر شرایط آن وجود داشته باشد و در فرض سؤال چنین نیست، پس نماز شکسته نیست.

«سؤال ۲۸۷۰» برای شکسته شدن نماز آیا سفر موضوعیت دارد یا شغل؟ و همچنین چه

فرقی است بین کسی که شغلش در سفر است با کسی که شغلش سفر است؟ و آیا دانشجو شغلش در سفر است یا شغلش سفر است؟

جواب: به نظر این جانب فرق بین سفری که در ارتباط با شغل باشد با سفری که خودش شغل باشد نیست و موضوع سفر شغلی است که از حکم قصر در سفر، استثنا شده است. بنابراین اگر دانشجو مدتی طولانی در محلی سکونت داشته باشد که مثل اهل آن محل مرکز زندگی اش آن جاست، آن جا حکم وطن را دارد و نمازش تمام است و در راه رفتن به چهار فرسخ نمازش در بین راه شکسته است اگر به وطن یا محلی که قصد اقامه ده روز را دارد بخواهد سفر کند، ولی اگر مرتب در کمتر از ده روز رفت و آمد می کند در همه جا نمازش تمام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۷

دائم السفر

«سؤال ۲۸۷۱» حداقل مدتی را که برای کثیرالسفر معتبر می دانید چقدر است؟

جواب: برای تحقق عنوان کثیرالسفر، چنانچه کسی هفته ای یک بار بخواهد به مدت ۴ ماه رفت و آمد کند، ظاهراً چنین شخصی عرفاً کثیرالسفر است.

«سؤال ۲۸۷۲» دائم السفر که در سفر اول (مثلًا از قم به ورامین) نمازش شکسته است اگر در سفر دوم (از ورامین به قصبات) به کمتر از مسافت شرعی مسافرت کند، آیا سفر دوم محسوب می شود که نماز تمام باشد؟

جواب: در فرض سؤال، سفر از ورامین به قصبات، سفر دوم حساب نمی شود.

«سؤال ۲۸۷۳» اگر کسی که به خاطر موقعیت اجتماعی برای انجام کارهای مردم سفرهای متعدد انجام می دهد و این سفرها برای او درآمد چندانی ندارد؛ آیا دائم السفر محسوب می شود؟ در صورتی که سفر

او همراه با زیارت باشد چطور؟ و اگر صرفاً برای زیارت سفر می کند تکلیف او چیست؟

جواب: اگر حداقل در هر هفته یک روز برای انجام کار یا کارهایی به سفر می رود چه برای کسب درآمد و چه برای کارهایی که درآمد ندارد، مانند خدمت به دیگران یا تبلیغ، نماز و روزه اش تمام است؛ هرچند در ضمن سفرها زیارت یا تفریح هم وجود داشته باشد، ولی اگر صرفاً برای زیارت یا تفریح و مانند آنها سفر می کند حکم سفر دارد و نماز و روزه اش شکسته است.

«سؤال ۲۸۷۴» محل زندگی ام شیراز و محل کارم اهواز است و چون پیمانکارم، زمان و مدت تردد به اهواز مشخص نیست لطفاً در مورد نماز و روز مرا راهنمایی کنید.

جواب: اگر شما معمولًا نه در شیراز و نه در اهواز ده روز نمی مانید و مرتب بین محل زندگی و محل کار در رفت و آمد هستید و از باب مثال هر هفته یک بار به اهواز برای کارتان سفر می کنید نماز و روزه شما تمام است، ولی اگر ده روز در محل زندگی می مانید پس، در سفر اول نماز و روزه شما شکسته می شود و در سفرهای بعدی نماز و روزهٔ شما تمام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۸

«سؤال ۲۸۷۵» این جانب مدیر یک مجموعه اقتصادی هستم که جهت انجام امور محوله، معمولًا روزها مسافرت می کنم تکلیف این جانب در خصوص نماز و روزه چیست؟ آیا اگر ده روز مسافرت نداشتم در اولین سفر بعد از ده روز، نمازم شکسته است؟

جواب: اگر مسافرت در مسافت شرعی در ارتباط با شغل شما باشد به طوری که همه روزه یا لااقل در کمتر از ده

روز به سفر می روید نماز و روزهٔ شما صحیح و تمام است و اگر بر حسب اتفاق ده روز توقف کردید باید در سفر اول شکسته بخوانید.

«سؤال ۲۸۷۶» این جانب دانشجو در شهرستان قزوین می باشم که جهت ادامهٔ تحصیل به تهران می روم گاهی از اوقات قبل از اذان مجبور می شوم به تهران عزیمت کنم؛ خواهشمندم با توجه به سکونت این جانب در قزوین و تحصیل در تهران بیان فرمایید نماز و روزهٔ بنده به چه صورت است؟

جواب: اگر در کمتر از ده روز به تهران رفت و آمد می کنید به این معنا که نه در تهران و نه در قزوین ده روز توقف ندارید نماز و روزهٔ شما تمام است در غیر این صورت اگر قصد اقامهٔ ده روز در تهران نداشته باشید نماز و روزهٔ شما شکسته است.

«سؤال ۲۸۷۷» این جانب ساکن تهران و محل کارم قزوین است که هفته ای دو یا سه روز به آن جا رفت و آمد می کنم و وطن اصلی من نیز شهر دیگری است؛ در ضمن یک یا دو هفته یک بار جهت دیدار با همسرم به اصفهان می روم. طبق استفتاء قبلی، حضرت عالی فرموده بوده اید: در تهران و قزوین و وطن اصلی، نماز تمام است؛ سؤال این است که حکم نماز و روزهٔ من در اصفهان چگونه است؟

جواب: سفرهایی که مربوط به شغل و کار نیست، مانند سفر برای دیدار همسر یا اقوام، مشمول احکام کثیرالسفر نیست، بلکه نماز و روزه در این قبیل سفرها شکسته می شود و همچنین است سفرهای زیارتی.

«سؤال ۲۸۷۸» این جانب در حال خدمت سربازی هستم و پنج روز هفته را به مقدار ۸۰ کیلومتر از محل سکونت خود تا محل

خدمت مسافرت می کنم و در محل خدمت نیز به مناطق اطراف، با فواصل مختلف به مأموریت می روم؛ نظر به این که خدمت سربازی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۸۹

شغل محسوب نمی شود خواهشمند است بفرمایید حکم نماز و روزهٔ این حقیر به چه صورت خواهد بود؟

جواب: نفس انجام خدمت سربازی یک نحوِ شغل محسوب است، اگر در مدت سربازی همهٔ هفته ها سفر می کنید بگونه ای که هیچ گاه ده روز در یک جا اقامت ندارید، از سفر دوم به بعد حکم دائم السفر جاری است و نماز و روزهٔ شما تمام است.

«سؤال ۲۸۷۹» آیا نوافل ظهر و عصر برای مسافری که به مکه یا مدینه سفر کرده و اقامتش کمتر از ده روز است ساقط است یا این که اگر مایل باشد می تواند آنها را بخواند؟

جواب: مشروعیت نافلهٔ ظهر و عصر در سفر، حتی در مثل مکهٔ مکرّمه و مدینهٔ منوره محل اشکال است و همچنین است نافلهٔ عشا، اما نافلهٔ صبح و مغرب در سفر مشروعیت دارد. البته خواندن نماز به قصد استحباب مطلق (نه به قصد نافلهٔ ظهر و عصر) مانعی ندارد.

«سؤال ۲۸۸۰» من به طور متوسط در هفته یک بار از حد ترخص خارج می شوم، حکم نماز و روزه من چیست؟

جواب: به مجرد خارج شدن از حد ترخص که حدود یک کیلومتر از محل سکونت خارج است انسان مسافر نشده و نماز و روزهٔ او شکسته نمی شوند، ولی اگر همهٔ هفته ها در حد سفر شرعی برای شغل و کاری خارج می شوید شما دائم السفر بوده و نماز و روزهٔ شما شکسته نمی شوند.

[احکام نماز قضا]

قضای نماز

«سؤال ۲۸۸۱» هر گاه وقت نماز فرا رسید و زن به کارهای روزمرهٔ خود مشغول شد و به

خواندن نماز مبادرت نکرد و دوران قاعدگی او شروع شد؛ آیا قضای این نماز پس از پاک شدن بر او واجب است؟

جواب: بلی، قضای این نمازها بر زن واجب می شود.

«سؤال ۲۸۸۲» با توجه به این که تاریخ و تعداد نمازهای قضا شده را به طور دقیق می دانم؛ آیا می توانم هنگام خواندن نماز قضا از آخر شروع کنم؛ یعنی از آخرین نماز

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۰

قضا شده، شروع به خواندن کنم و سپس نمازهای قبل از آن را به ترتیب به صورت معکوس بخوانم؟

جواب: بنابر احتیاط به ترتیبی که فوت شده است قضا کنید.

«سؤال ۲۸۸۳» در زمانی که به سن بلوغ رسیده ام احتمال می دهم یکی دو سال سهواً یا از روی غفلت، نماز نخوانده ام و همین طور در سال های پس از آن فکر می کنم که تعدادی نماز به عهده دارم، اما مدت هیچ کدام را نمی دانم. تکلیف من چیست؟

جواب: مقداری را که مظنه دارید ترک شده است قضا کنید.

«سؤال ۲۸۸۴» کسی که نماز قضا به عهده دارد؛ آیا می تواند به خاطر حل مشکلاتش ساعاتی از وقت روزانهٔ خود را به برنامهٔ دعا اختصاص دهد یا این که خواندن نمازهای قضا اولویت دارد؟

جواب: عجله در قضای نمازها واجب نیست، ولی نباید به نحوی باشد که منجر به سستی و بی اعتنایی به قضا کردن نمازها شود و در هر حال بهتر آن است که قضای نمازها را مقدم بدارد.

«سؤال ۲۸۸۵» اگر فردی به جای چند روز نماز فقط تعداد رکعات نمازهای قضا شده را می داند (مثلًا ۲۰۰ رکعت) اما نمی داند که چند روز بوده و نمی داند که از صبح شروع می شود یا ظهر یا مغرب، در این صورت

تکلیف چیست؟

جواب: بهتر است از نماز ظهر شروع شود و پنج نماز را مرتباً بخواند تا آن مقدار مظنون را قضا کند.

«سؤال ۲۸۸۶» در صورتی که تعداد نمازها و روزه های قضا شده را ندانیم تکلیف چیست؟

جواب: به مظنه عمل کنید.

قضای نماز والدین

«سؤال ۲۸۸۷» سال گذشته پدرم از دنیا رفت و من می دانم که ایشان چند سال نماز و روزه نخوانده است، برادر بزرگ تر هم از انجام نماز و روزه های پدر امتناع می کند با

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۱

توجه به این که از پدر ارثیه ای نمانده تا برای قضای نماز و روزه هایش کسی را استیجار کنیم، لطفاً تکلیف من و دیگر ورثه را بیان فرمایید.

جواب: در فرض سؤال نماز و روزه فوت شده از پدر شما بر عهدهٔ پسر بزرگ تر است و اگر او انجام ندهد به عهدهٔ دیگران نیست؛ گرچه اگر برای آن مرحوم استیجار کنید نسبت به پدر خدمت کرده و اجر اخروی دارید.

«سؤال ۲۸۸۸» با توجه به این که قضای نمازهای پدر به عهدهٔ بزرگ ترین فرزند مرد است در صورتی که در زمان حیات پدر در مورد قضای نمازهایش به او تذکر دهند، اما وی به این تذکرات گوش ندهد، پس از مرگ پدر آیا از مال او می توان برای قضای نمازهایش کسی را اجیر کرد؟

جواب: در مفروض سؤال، پسر بزرگ تر، بلکه بنابر احتیاط بزرگ ترین وارث مرد نمازهای او را به جا آورد یا برای انجام آنها از مال خود اجیر بگیرد، مگر این که میّت از مال خود برای انجام آنها مالی را تعیین کرده باشد.

احکام نیابت

نایب گرفتن برای نماز و روزه

«سؤال ۲۸۸۹» شخصی در ایام پیری، مریضی و ناتوانی متوجه می شود که ده سال نمازهایش باطل بوده است با توجه به این که کسی را ندارد که او را وصی خود قرار دهد تا پس از مرگ برای نمازهایش اجیر بگیرد؛ آیا می تواند در حال حیات برای این ده سال اجیر بگیرد؟

جواب: در حال حیات به هر نحو می تواند

خودش قضای نمازها را انجام دهد و استیجار برای خود در زمان حیات جایز نیست، فقط در حج جایز است البته می تواند از پول مخمس خود نزد شخص امینی امانت گذارد تا او پس از وفات برای او استیجار کند.

«سؤال ۲۸۹۰» این جانب برای خانم مرحومه ای جهت خواندن نمازهای او اجیر شده ام

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۲

و با استناد به نظر روحانی که مورد وثوقم بوده تمام نمازهای این خانم را به صورت اخفات می خوانده ام؛ اکنون متوجه اشتباه خود شده ام، آیا باید نمازهای خوانده شده را قضا کنم؟

جواب: هرچند در مسألۀ جهر و اخفات اگر از روی سهو یا جهل بر خلاف عمل شود اعاده لازم نیست، ولی چون شما نایب غیر بوده اید و به وظیفۀ نیابت به نحو مطلوب عمل نکرده اید احوط اعادۀ گذشته هاست.

«سؤال ۲۸۹۱» مادرم به علت بیماری، ده سال نماز نخوانده است و اکنون پس از وفات او، من موظف شده ام نمازهای او را قضا کنم، اما در این مورد سؤالی همواره ذهنم را مشوش کرده است و آن این که آیا نماز «تَنْهىٰ عَنِ الْفَحْشٰاءِ وَ الْمُنْكَرِ» نیست؟ اگر فردی از دنیا برود نماز دیگری برای میّت چگونه او را از گناه و فحشا دور می کند؟ آیا انسان پس از مرگ قابل تغییر و تحول است و نماز استیجاری برای او چه اثری دارد؟ آیا خداوند به نماز این مرحوم نیازمند است؟ اگر من شخص نیازمندی را بشناسم که به این پول نیازمند است؛ آیا خداوند طلب خود را به این فرد نمی بخشد؟ وقتی در افراد عادی امکان گذشت است؛ آیا ممکن نیست خداوند این فرد را ببخشد و من پول را

به فرد نیازمند بدهم و یا این که خداوند این فرد را بخشیده و ما اطلاع نداریم؟ لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: اجتهاد جناب عالی، اجتهاد مقابل نص است، در احادیث معتبره وارد شده:

چه چیزی مانع شما می شود که به پدر و مادر خود نیکی کنید زنده باشند یا مرده از طرف آنها نماز بخوانید، صدقه بدهید، حج به جا آورید و روزه بگیرید؛ هم آنها بری ءالذمه می شوند هم خود شخص بهره می برد؟ مادر شما دستش از دنیا کوتاه است، اگر شما او را بری ءالذمه کنید بزرگ ترین خدمت به اوست. وانگهی نمازهای استیجاری و روزه های استیجاری را معمولًا افراد نیازمند انجام می دهند و این امر کمکی است به آنها و از این جا اهمیت نماز روشن می شود. شما نمازها و روزه های او را می توانید خود انجام دهید و اگر توانایی دارید به آن فرد نیازمند نیز کمک کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۳

«سؤال ۲۸۹۲» در نماز استیجاری در مورد خواندن مستحبات، آیا نمایندهٔ ورثه مستقلًا می تواند در این مورد تصمیم بگیرد و بر اجیر شرط کند؟

جواب: اگر کسی که برای نماز اجیر می گیرد وکیل تام الاختیار ورثه باشد می تواند خود شرط کند و گرنه تابع شرط ورثه است.

«سؤال ۲۸۹۳» اگر فردی در روز، بیش از اندازه نماز استیجاری بخواند به طوری که باعث سردرد شود؛ آیا نمازها صحیح است؟

جواب: در فرض مذکور، نماز باطل نیست، ولی اگر ضرر شدید و قابل توجه محسوب گردد صحت نمازها مشکل است.

«سؤال ۲۸۹۴» در صورتی که مکلف در کفاره مخیر بین روزه و اطعام باشد، اما توانایی جسمی برای گرفتن شصت روز روزه را ندارد و همچنین توانایی مالی اطعام فقیر را ندارد

چنین مکلفی، آیا می تواند روزهٔ استیجاری بگیرد؟

جواب: چون گرفتن روزه در فرض سؤال، به عنوان کفاره؛ واجب تعیینی نیست، بلکه واجب تخییری است، می تواند روزهٔ استیجاری بگیرد.

«سؤال ۲۸۹۵» در نماز استیجاری گفتن

«سمع اللّه لمن حمده»

و

«بحول اللّه و قوته، اقوم و اقعد»

و همچنین گفتن دو تکبیر در بین دو سجده، آیا متعارف است؟

جواب: اذکار مذکور جزء مستحبات متعارف است.

«سؤال ۲۸۹۶» در نماز استیجاری کدام یک از اذکار زیر متعارف است که گفتن آن لازم است؟

الف: «اعوذ باللّه ...» اول نماز؛

ب: صلوات در رکوع؛

ج: گاه خواندن یک دعا در قنوت؛

د: برخی ذکرها بین اقامه و نماز؛

و: ذکر مستحبی در سجدهٔ آخر.

جواب: ذکر و یا دعا هرچند صلوات در قنوت ظاهراً متعارف است.

«سؤال ۲۸۹۷» اگر وقت نماز استیجاری بگذرد، آیا تصرف در پول آن حرام است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۴

جواب: در صورتی که از کسی که شما را اجیر کرده است اذن جدید بگیرید تصرف شما مانعی ندارد.

«سؤال ۲۸۹۸» اگر فردی نماز و روزه ای را اجاره کند و بعد از چند ماه یا چند سال پول آن را برگرداند و بگوید: نماز و روزه ها را انجام نداده ام، آیا ضامن است؟

جواب: کسـی که برای انجام نماز و روزه اجیر شـده است بـدون رضایت مسـتأجر نمی توانـد اجاره را به هم بزند و در صورت رضایت او، چنانچه در اثر طولانی شـدن زمان تأخیر، قیمت نماز و روزهٔ استیجاری بیشتر شـده است، بنابر احتیاط واجب باید با توجه به قیمت روز، با مستأجر مصالحه کند.

احکام جماعت

«سؤال ۲۸۹۹» آیا منع از اقامهٔ نماز جماعت برای امامی که در جای دیگر اقامهٔ جماعت کرده فتواست یا مبنی بر احتیاط است

و در صورت اول تکلیف نمازهای خوانده شده چیست؟ و آیا برای کسی که اقامهٔ دوم نماز را جایز می داند اعلام بر مأمومین لازم است؟

جواب: اقامهٔ نماز جماعت دوم محل اشکال بوده و احوط ترک آن است؛ مگر این که نماز امام جماعت، قضای یقینی (نه احتیاطی) از خودش باشد که در این صورت اقتدای به او جایز است و اما آگاه کردن مأمومین به موضوع، از سوی کسی که اقامه دوم را جایز می داند لازم نیست.

«سؤال ۲۹۰۰» چنانچه صف اول، خانم ها باشند فاصله میان صف اول با امام جماعت چقدر است؟ و آیا مانعی مانند پرده میان صف اول با امام جماعت مشکلی ایجاد می کند؟

جواب: مأموم چه مرد باشد یا زن بنابر احتیاط باید بین جای سجدهٔ او و جای پای امام جماعت یا صف جلو، بیشتر از یک گام معمولی فاصله نباشد و اگر امام مرد باشد و مأموم زن، فاصله شدن پرده و مانند آن اشکال ندارد، در صورتی که یک اجتماع محسوب شوند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۵

«سؤال ۲۹۰۱» آیا در نماز جماعت اگر امام در تشهد آخر است، ولی مأموم در رکعت سوم است باید به حالت نیم خیز بنشیند یا می تواند بلند شود و اگر باید بنشیند آیا تا آخر سلام باید بنشیند یا تا آخر تشهد؟

جواب: بلی مأموم باید بنابر احتیاط تا آخر سلام امام، به حالت نیم خیز بنشیند و می تواند در آن حال ذکر تشهد را با امام بخواند، ولی سلام را نگوید.

«سؤال ۲۹۰۲» شرکت در نماز جماعت در صورتی که حضور قلب در نماز نداشته باشیم و بعد از نماز احساس سبکی نکنیم افضل است یا به جا

آوردن نماز به صورت فرادا در منزل با تمرکز و حضور قلب و احساس سبکی بعد از نماز؛ هرچند می دانیم از لحاظ ثواب، جماعت برتر است اما از لحاظ قرب به خدا کدام برتر است؟

جواب: گرچه ممکن است در نماز فرادا حضور قلب بیشتری برای نمازگزار حاصل شود، ولی از روایاتی که دربارهٔ کثرت ثواب نماز جماعت وارد شده است، استفاده می شود که قرب حاصل از نماز جماعت نیز بیشتر است، زیرا کثرت ثواب با قرب زیاد، متلازمند و شایسته است نمازگزار به قدر امکان بین جماعت و حضور قلب و رفع و دفع پریشانی خاطر، جمع کند.

«سؤال ۲۹۰۳» ماه مبارك رمضان گذشته امام جماعت نماز ظهر و عصر در دو مدرسه بودم، نماز اول را به نیت خودم و نماز دوم را به نیت نماز قضای پدرم خوانده ام. آیا خواندن یک ماه نماز قضای ظهر برای میّت صحیح است؟

جواب: اقتدا به نمازی که برای میّت خوانده می شود محل اشکال است.

«سؤال ۲۹۰۴» در نماز جماعت اگر فردی که توسط او به امام جماعت متصل می شویم زودتر از امام جماعت افعال نماز را انجام می دهد؛ آیا جماعت ما اشکال پیدا می کند؟

جواب: اگر احتمال می دهید عمل مذکور را سهواً انجام می دهد و یا فاصلهٔ شما با نفر بعدی به قدری نیست که مانع اتصال شود نماز جماعت شما اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۹۰۵» خواندن تشهد در جایی که وظیفهٔ مأموم حالت تجافی [نیم خیز] است (مثلًا رکعت دوم امام و رکعت اول مأموم است) چه حکمی دارد؟

جواب: به قصد متابعت اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۶

«سؤال ۲۹۰۶» در نمازهای مغرب و عشا مأموم از امام جماعت عقب تر است

(در رکعت سوم یا چهارم امام) و مأموم باید حمد و سوره بخواند؛ آیا باید آهسته خوانده شود یا بلند بخواند؟

جواب: مأموم در جماعت باید قرائت را آهسته بخواند.

«سؤال ۲۹۰۷» الف: نظر حضرت عالی در مورد تکرار نماز توسط امام یا مأموم؛ آیا فتواست یا احتیاط واجب؟

ب: در صورت صحیح بودن نماز دوم امام جماعت مطابق فتوای مرجع تقلیدش؛ آیا اقتدا و شرکت مقلدین حضرت عالی در این جماعت صحیح است؟

جواب: الف: بنابر احتیاط واجب است.

ب: مقلدین باید به احتیاط عمل کرده، یا به فالاعلم رجوع کنند.

«سؤال ۲۹۰۸» در نماز ظهر و عصر گفتن «الحمد للّه رب العالمین» توسط مأموم پس از «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ»* سوره که توسط امام جماعت گفته می شود، آیا به نماز ضرر می زند؟

جواب: خلاف احتیاط است، مگر این که به قصد ذکر مطلق گفته شود.

«سؤال ۲۹۰۹» در نماز جماعت که مأموم رکعت سوم یا چهارم را می خواند اگر بخواهد سه بار تسبیحات اربعه را بگوید به رکوع امام نمی رسد؛ آیا یک بار خواندن کافی است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید سه مرتبه تسبیحات را بخواند و اگر به رکوع نرسیده به سجده برسد کافی است.

«سؤال ۲۹۱۰» اگر امام جماعت نمازش شکسته باشد زمانی که امام جماعت می خواهد سلام دهد؛ آیا صحیح است که یکی از مأمومین صف اول کمی جلو برود و بقیۀ مأمومین دنبالۀ نمازشان را به او اقتدا کنند؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۱۱» اگر امام جماعت در رکعت دوم نماز، تمام حمد و سوره را فراموش کند و هیچ سوره و آیۀ دیگری به ذهن او خطور نکند در این جا تکلیف امام و مأمومین چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۷

جواب: مأمومین اگر بتوانند

باید او را آگاه کنند و الّا باید خودشان نماز را فرادا تمام کنند و امام جماعت هم نماز را رها کند.

«**سؤال ۲۹۱۲**» در رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت اگر مأموم به رکوع امام نرسد، ولی به سجدهٔ اول برسد حکم نماز او چگونه است؟ اگر به سجده دوم برسد چطور؟ و آیا رسیدن به سجده؛ یعنی درک کردن قسمت اول آن؟ و یا درک کردن قسمت آخر آن هم کافی است؟

جواب: در رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت که مأموم از امام عقب است و باید حمد و سوره را بخواند چنانچه وقت دارد باید حمد و سوره را بخواند و با امام به رکوع برود و چنانچه می داند برای خواندن سوره، وقت ندارد فقط حمد را بخواند تا به رکوع امام برسد و چنانچه با خواندن حمد به رکوع امام نمی رسد و در سجده به امام می رسد- چه سجده اول باشد یا دوم، و چه اول آن باشد یا آخر آن- خود را به سجده امام برساند و نماز را با او تمام کند و احتیاطاً نماز را دو مرتبه بخواند.

[نماز جماعت]

شرایط امام جماعت

«**سؤال ۲۹۱۳**» این حقیر خوف آن دارم که اقتدا کردن به افراد عادلی که مواضع سیاسی آنها را قبول ندارم تقویت آنها و افکارشان باشد لذا به آنها اقتدا نمی کنم؛ لطفاً مرا راهنمایی فرمایید؟

جواب: اگر واقعاً موجب تقویت افکار غلط باشد جایز نیست.

«**سؤال ۲۹۱۴**» لطفاً بفرمایید ملاک تشخیص عدالت امام جماعت چیست؟ آیا مواضع سیاسی در تشخیص عدالت نقش دارد؟ آیا صرف حسن ظاهر و معمم بودن در احراز عدالت کافی است؟ اگر انسان وارد مسجدی شود و ببیند که نماز

جماعت در آن برقرار است؛ آیا می تواند بدون شناختن امام به او اقتدا کند.

جواب: عدالت به این معناست که شخصی دارای ملکه و روحیه ترس از خدا باشد به گونه ای که واجبات الهی را انجام داده و از محرمات اجتناب می کند و باید انسان اطمینان و وثوق پیدا کند که امام جماعت این ملکه را واجد است و اگر از کثرت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۸

مأمومین و شناخت برخی از آنها وثوق به عدالت پیدا شود کافی است، ولی معمم بودن، محرز عدالت نیست و بدون احراز عدالت، اقتدا صحیح نیست.

«سؤال ۲۹۱۵» لطفاً ضمن بیان معنای عدالت شرایط امام جماعت را بیان فرمایید؟

جواب: امام جماعت باید عادل باشد و لازم نیست معصوم از خطا و گناه باشد.

عادل کسی است که دارای نیروی ایمان باشد به گونه ای که در حال عادی واجبات خدا را انجام داده و از محرمات و گناهان پرهیز می کند هرچند ممکن است در شرایط غیر عادی خلافی انجام دهد، ولی فوراً نادم شده و جبران می کند. در مقابل عادل، افراد لاابالی اند که هیچ باکی از خلاف و گناه ندارند.

و حسن ظاهر معمولًا نشانهٔ عدالت است، و چون نماز جماعت ثواب و برکات زیاد دارد شیطان نوعاً نسبت به اشخاص وسوسه می کند، ولی اگر کسی در ظاهر، رعایت دستورات خدا را نمی کند عادل نیست و بر همهٔ مردم واجب است که برای خود تحصیل عدالت کنند.

«سؤال ۲۹۱۶» در صورتی که عدم عدالت امام برای یک نفر احراز شود آیا لازم است اطرافیان خود را نیز با خبر کند تا به وی اقتدا نکنند یا لازم نیست؟

جواب: لازم نیست، بلکه در بعضی

موارد که موجب مفسده ای می شود، جایز هم نیست.

«سؤال ۲۹۱۷» این جانب یک دانشجو هستم با توجه به این که در خوابگاه، روحانی وجود ندارد بر فرض که من بدانم شرط عدالت را ندارم اما بچه ها مرا عادل دانسته و اصرار دارند که امامت جماعت را به عهده بگیرم؛ آیا می توانم این مسؤلیت را قبول کنم؟

جواب: اولًا: عدالت به معنای عصمت نیست همین که انسان مقید باشد در حال عادی موازین اسلامی را رعایت کند و چنانچه گناه کرده است توبه کند در تحقق عدالت کافی است و ثانیاً: اگر دیگران شما را عادل بدانند می توانند به شما اقتدا کنند و لازم نیست امام جماعت خود را عادل بداند؛ البته اگر کسی یقین داشته باشد که عادل نیست احتیاط آن است که متصدی امامت نشود و اگر دیگران به او اقتدا کردند خودش قصد امامت نکند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۹۹

«سؤال ۲۹۱۸» شوهرم طلبه است و چون او را به عدالت قبول دارم ما در خانه نماز جماعت برگزار می کنیم، اما برخی اوقات بین من و شوهرم مشاجره ایجاد می شود و او عصبانی شده و حرف هایی رد و بدل می شود. آیا این مشاجره ها به عدالت او ضرر نمی زند؟

جواب: اگر او را به عدالت قبول دارید و فقط گاهی در مشاجره با شما عصبانی می شود و صحبت هایی رد و بدل می شود ضرر ندارد.

«سؤال ۲۹۱۹» هنگام شرکت در نماز جماعت اگر نماز امام به نظر مرجع خودش صحیح باشد، اما به نظر مرجع مأموم صحیح نباشد؛ آیا می شود به چنین امامی اقتدا کرد؟

جواب: مأموم در صورتی می تواند به امام اقتدا کند که نماز او را صحیح بداند هرچند به

حکم صحیحهٔ

«لا تعاد»

باشد و اگر نماز او را باطل بداند اقتدا جایز نیست.

«سؤال ۲۹۲۰» اگر امام جماعت در حالی نماز می خواند که ۴۰ درجه از قبله منحرف شده است؛ آیا می توان به طرف قبله ایستاد و به او اقتدا کرد؟

جواب: در این صورت صحت نماز محل اشکال است.

«سؤال ۲۹۲۱» فردی به اجتهاد خویش در بیش از مسافت (۵/ ۲۲ کیلومتر) نماز را تمام می خواند بنده با ایشان همسفر بودم و به او اقتدا می کردم؛ آیا نمازهایی که بدین صورت خوانده ام صحیح است؟

جواب: اشکال دارد.

«سؤال ۲۹۲۲» با توجه به این که این جانب فاقد دو انگشت دست چپ هستم و انگشت دیگرم هم هنگام سجده کاملًا روی زمین قرار نمی گیرد، اما کف دست روی زمین قرار می گیرد؛ آیا می توانم امامت جماعت را به عهده گیرم؟

جواب: در فرض سؤال، امامت جماعت برای شما اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۲۳» امام جماعت در حال خواندن نماز جهریه است و مأموم برای تمرکز حواس به قرائت امام گوش می دهد و متوجه می شود که امام جماعت اصول قرائت را رعایت نمی کند؛ آیا جایز است که دقت کند؟ و در صورت مجاز بودن، آیا می تواند به امام حاضر اقتدا کند؟

جواب: اگر امام جماعت نماز و قرائت آن را غلط می خواند، اقتدا به او صحیح نیست و باید از باب امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط به او تذکر دهند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۰

«سؤال ۲۹۲۴» انگشت بزرگ پای این جانب در جنگ تحمیلی قطع شده است؛ آیا می توانم امام جماعت شوم؟

جواب: اشکال دارد خودداری کنید.

«سؤال ۲۹۲۵» اگر تولیت مسجد با امام جماعت مخالف است؛ آیا امام جماعت شرعاً مجاز به اقامه

نماز جماعت می باشد؟

جواب: محل اشکال است.

«سؤال ۲۹۲۶» اگر کسی اقدام به غصب محلی نماید، آیا حق اقامۀ نماز جماعت در آن محل را دارد؟ آیا نماز خواندن در چنین محلی جایز است؟

جواب: در مفروض سؤال، جایز نیست.

«سؤال ۲۹۲۷» اگر امام جماعت اقدام به غصب تولیت مسجد نماید، آیا شرط عدالت برای او جاری است؟

جواب: متولّی شرعی به تولیت باقی است و مزاحمت او جایز نیست؛ مگر این که از صلاحیت بیفتد و حاکم شرع او را عزل کند.

جماعت اهل سنت

«سؤال ۲۹۲۸» اهل سنت که به صورت دست بسته، نماز می خوانند و یا به جای مسح، پاها را می شویند این عمل آنها از کجا ناشی می شود؟

جواب: بنابر آنچه گفته شده است منشأ دست بسته نماز خواندن بسیاری از اهل سنت این بوده که وقتی عمر با اهل فارس برخورد کرد دید آنان در مقابل رؤسا و بزرگان خود دست خود را بسته به سینه می گذارند، عمر از این کار خوشش آمد و دستور داد در هنگام نماز نیز که انسان در برابر خدای عالم ایستاده است دست خود را به سینه بگذارد و اما منشأ شستن پا به نظر اهل سنت، علاوه بر روایاتی که آنان به طرق خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند، این است که «وَ أَرْجُلَكُمْ»* که در آيۀ شریفۀ ۶ سورۀ مائده: «وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ...» می باشد را به نصب خوانده و می گویند: عطف به «وُجُوهَكُمْ»* است که در صدر آیه آمده. و مفعول

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۱

«فَاغْسِلُوا» است. این معنا علاوه بر این که مخالف روایات معتبره وارده از امامان علیهم

السلام است، مخالف سیاق آیۀ شریفه نیز می باشد، زیرا سیاق آیه این است که در ابتدا حکم شستن صورت و دست ها را بیان کرده و سپس حکم آنچه را باید مسح کرد مشخص کرده است و فاصله انداختن بین آنچه باید شست و آنچه باید مسح کرد- که لازمۀ کلام اهل سنت است- خلاف فصاحت قرآنی است. جهت اطلاع بیشتر به تفاسیر شیعه در مورد آیۀ فوق مراجعه شود.

«سؤال ۲۹۲۹» هنگام شرکت در جماعت اهل سنت در نمازهای جهریه، چگونه می توان بین انصات (گوش دادن به قرائت امام) و حدیث نفس جمع کرد؟

جواب: حدیث نفس به معنای گذراندن از ذهن است و در نمازهای جهریه نیز لازم است و منافات با انصات ندارد.

«سؤال ۲۹۳۰» آیا ما شیعیان در نماز می توانیم به اهل سنّت بدون تقیه اقتدا کنیم؟

جواب: تقیه بر چند نوع است: یکی از آنها تقیۀ مداراتی است و آن در جایی است که مصلحت شیعه و شیعیان و اسلام، مقتضی تقیه و مدارا کردن با اهل سنت باشد.

نوع دیگر، تقیۀ خوفی است و آن در جایی است که ترک تقیه، موجب خوف رسیدن ضرر باشد. اگر هیچ کدام از دو نوع تقیۀ مذکور در بین نباشد صحت اقتدا محل اشکال است.

«سؤال ۲۹۳۱» وقتی در نماز جماعت اهل سنت شرکت می کنیم آیا می توانیم مثل آنها با دست های بسته نماز بخوانیم و بر چیزهایی غیر از خاک و سنگ سجده کنیم؟

جواب: در تقیۀ مداراتی قطعاً جایز نیست و همۀ اهل سنت نیز دست بسته نماز نمی خوانند، ولی اگر در موردی تقیۀ خوفی در بین باشد در حد رفع خوف ضرر اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۹۳۲» در نماز جماعت

مسجدالحرام و مسجد النبیّ اگر قنوت را در رکعت آخر و پس از رکوع بخوانند؛ آیا این قنوت کفایت از قنوت مستحب می کند؟

جواب: در صورت حضور در جماعت آنها باید از باب متابعت از آنها پیروی شود و تکلیف استحبابی بر خواندن قنوت در محل خود ساقط است نه از باب این که قنوت در غیر محل کافی از قنوت است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۲

«سؤال ۲۹۳۳» در صورتی که بیشتر صحن مسجدالحرام سنگ فرش باشد به طوری که نماز خواندن در قسمت های بدون فرش موجب انگشت نما شدن نشود؛ آیا لازم است در قسمت های سنگ فرش نماز خواند و یا این که می توان در قسمت های دیگر هم، روی فرش نماز خواند؟

جواب: اگر بر روی سنگ ها سجده کردن بر خلاف تقیه نباشد باید روی سنگ ها سجده کند.

«سؤال ۲۹۳۴» دانشجویی هستم که در یکی از دانشگاه های انگلستان در حال تحصیل هستم در دانشگاه نمازخانه ای داریم که برادران اهل سنت در آن نماز می خوانند، آیا می توانم در جماعت آنان شرکت کنم و مثل آنان بر فرش سجده کنم؟

جواب: شرکت در جماعت آنان علاوه بر این که جایز است ثواب هم دارد، ولی به وظیفهٔ انفرادی خود عمل کنید، حمد و سوره را ولو آهسته ولو به نحو گذراندن در دل بخوانید و سعی کنید روی سنگ یا حصیری سجده کنید و در نماز مغرب اگر اول غروب شروع می کنند شرکت در جماعت آنان مشکل است و اگر ناچار شدید خودتان هم بعداً بخوانید.

«سؤال ۲۹۳۵» با توجه به این که شرکت در نماز جماعت اهل سنت و معیت با آنها مستحب است و از طرف دیگر حضرت عالی خواندن حمد و سوره را

ولو به نحو حدیث نفس واجب می دانید، آیا در این نماز همراه با آنها سایر شرایط جماعت، مثل اتصال صفوف و عدم تقدم بر امام، باید رعایت شود یا نه؟ لازم به توضیح است که گاهی امام جماعت مسجدالحرام در صحن ایستاده و بین صحن و سالن ها فاصله می شود و گاهی امام در سالن ها ایستاده و مردم در صحن و حول کعبه اقتدا می کنند و به هر حال نزد اهل سنت این شروط رعایت نمی شود و شاید اصلًا لازم هم نباشد.

جواب: در فرض سؤال، در صورت حضور در جماعت آنها اعادۀ نماز لازم است.

«سؤال **۲۹۳۶**» در نماز جماعت با اهل سنت که قرائت حمد و سوره را ولو به نحو حدیث نفس واجب می دانید، اولًا: آیا گوش کردن به قرائت حمد امام در نماز صبح و مغرب و عشا کفایت از حدیث نفس نمی کند؟ و ثانیاً: اگر بعد از اتمام حمد در فاصلۀ بین

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۳

حمد و سوره، سوره ای را خواندیم و بعداً امام جماعت سورۀ کاملی خواند، آیا این تعدد سوره است و مکروه است یا نه؟

جواب: گوش کردن به قرائت امام کافی از حدیث نفس نیست و حکم تعدد سوره را ندارد.

«سؤال **۲۹۳۷**» شرکت در نمازهای جمعه و جماعت برادران اهل سنت با انگیزۀ تقویت وحدت و همبستگی بین کلیۀ مسلمانان از نظر شرعی چه صورتی دارد و در صورت شرکت، آیا می توان به امام جماعت اقتدا کرد؟

جواب: در مورد حضور در جمعه و جماعات اهل سنت زیاد تأکید شده است و در برخی اخبار معتبره وارد شده که هر کس در صف اول نماز آنان شرکت کند، مانند

کسی است که در صف اول پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز بخواند، ولی اگر در نماز جمعه شرکت کردید نماز ظهر را نیز قبل از نماز جمعه و یا بعد از آن بخوانید و اگر در نمازهای دیگر شرکت کردید، حمد و سوره را- هرچند به نحو حدیث نفس- خوانده و یا نماز را قبل، یا بعد نیز خودتان فرادا بخوانید و در حقیقت، صورت جماعت برای حفظ وحدت است.

«سؤال ۲۹۳۸» در جماعت اهل سنت که شرکت کرده ام حمد و سوره را به صورت حدیث نفس نخوانده ام اکنون که مسأله را یاد گرفته ام؛ آیا نمازهای قبلی صحیح است؟

جواب: نماز صحیح است ان شاء اللّه.

«سؤال ۲۹۳۹» پس از اتمام نماز جماعت اهل سنت، آیا انسان می تواند نماز دوم را با این که فرادا می خواند بر فرش سجده کند؟

جواب: اگر ناچار نباشد نمی تواند بر فرش سجده کند.

«سؤال ۲۹۴۰» آیا بلافاصله پس از غروب آفتاب می توان نماز مغرب را خواند؟

جواب: بنابر مشهور بین فقهای شیعه نماز مغرب را باید تأخیر انداخت تا حُمرهٔ مشرقیه زایل شود که حدوداً ده تا پانزده دقیقه بعد از غروب آفتاب محقق می شود.

«سؤال ۲۹۴۱» با توجه به این که حضرت عالی در زمان اقتدا به جماعت اهل سنت فرموده اید که باید حدیث نفس کرد؛ آیا باید همان سوره را خواند که امام جماعت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۴

می خواند؟ اگر امام بخشی از آیات سوره ای را خواند که ما حفظ نیستیم تکلیف چیست؟

آیا می توان سورهٔ توحید را خوانده و در بقیهٔ مدت مکث کرد تا سورهٔ امام تمام شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اقتدا کردن اشکالی ندارد، ولی باید حمد

و سوره- هرچند به طور حدیث نفس- خوانده شود و لازم نیست همان سورۀ امام جماعت باشد و مکث کردن برای تمام شدن سورۀ امام نیز اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۹۴۲» با توجه به این که اهل سنت در قرائت خود یک سورۀ کامل نمی خوانند؛ آیا هنگام شرکت در جماعت آنان و رعایت تقیه می توان ساکت بود و سوره را نخواند؟

جواب: در هر مکانی که تقیه و شرایط آن وجود داشته باشد باید تقیه کرد و عمل صحیح است، اما در حدی که تقیه اقتضا می کند. بنابراین قرائت حمد و سوره را در نمازهای اخفاتیه باید بخوانند و در جهریه هم به ذهن خطور دهند.

«سؤال ۲۹۴۳» با توجه به مسائل ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ در رسالۀ استفتائات، آیا احتیاط در عدم تخییر بین قصر و اتمام در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، حرم ابی عبداللّٰه علیه السلام وجوبی است یا استحبابی و مقصود از مساجد، مسجد قدیم است یا شامل بخش توسعه یافته هم می شود و مقصود از حرم ابی عبداللّٰه علیه السلام فقط حائر حسینی است یا شامل بخش توسعه یافته هم می شود؟

جواب: در اماکن چهارگانۀ فوق گرچه تخییر است، اما در قسمت قدیم آنها قصر، مستحب مؤکد است و نسبت به بخش توسعه یافتۀ این اماکن به احتیاط واجب نماز را شکسته بخواند. در مورد حرم ابی عبداللّٰه هم به احتیاط واجب صرفاً در حائر حسینی تخییر است.

«سؤال ۲۹۴۴» ساختمان طبقۀ دوم مسجدالحرام کاملًا روی طبقۀ اول نیست بنابراین بین صفوف طبقۀ اول و صفوف طبقۀ دوم فاصله وجود دارد؛ آیا برای اقتدا کردن اشکال دارد؟ در مسجدالنبی نیز بین صفوف بانوان و صفوف آقایان دیوار

چوبی وجود دارد، همچنین گاه بین صف های آقایان و بانوان چندین متر فاصله است؛ آیا برای نماز جماعت اشکال دارد؟

جواب: در غیر مورد تقیه اشکال دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۵

نماز جمعه

«سؤال ۲۹۴۵» از موارد عدم وجوب شرکت در نماز جمعه، دور بودن از محل نماز جمعه است، لطفاً حدود آن را معیّن فرمایید.

جواب: اگر فاصلهٔ بین انسان و نماز جمعهٔ واجد شرایط، بیش از دو فرسخ باشد شرکت در نماز جمعه واجب نیست.

«سؤال ۲۹۴۶» شرایط امام جماعت و امام جمعه چیست؟

جواب: در امام جمعه و جماعت عدالت شرط است و امام جمعه باید علاوه بر عدالت، مجتهد و یا منصوب از ناحیه حاکم شرع جامع الشرایط باشد و اگر کسی عادل بود و در خروج او از عدالت شك کردیم استصحاب عدالت جاری است.

«سؤال ۲۹۴۷» اگر خطبه های نماز جمعه به خاطر اختلاف زبان امام و مأموم برای برخی مؤمنین قابل فهم نباشد؛ آیا نماز جمعهٔ این عده صحیح است؟

جواب: چون که در خطبه ها، واجب است امام دعوت به تقوا و موعظه کند، لازم است به زبان مستمعین باشد تا دعوت به تقوا صدق کند؛ و چنانچه عده ای از مستمعینِ خطبه، دعوت به تقوا را بفهمند و بعضی دیگر نفهمند، نماز جمعهٔ آنها اشکال ندارد.

نماز عید و آیات

«سؤال ۲۹۴۸» آیا می توان ثواب نماز عید فطر و قربان را به دیگری هدیه کرد؟

جواب: هر عمل مستحبی را می توان به نیابت دیگری زنده باشد و یا مرحوم شده باشد انجام داد و نیز می توان ثواب آن را برای او هدیه کرد.

«سؤال ۲۹۴۹» اگر نماز عید را بدون قنوت های آن بخوانیم، آیا اشکالی دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید در نماز عید بعد از هر تکبیر، قنوت هم خوانده شود با هر دعایی، ولو مختصر باشد.

«سؤال ۲۹۵۰» با توجه به گسترش فن آوری اطلاعات؛ آیا افرادی که با این وسیله به بررسی آیات

الهی، همچون: کسوف، خسوف و مسائلی از این قبیل می پردازند و از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۶

کیلومترها فاصله، تصویر زندهٔ این رویدادها را دریافت می کنند لازم است نماز آیات بخوانند.

جواب: تنها برای کسانی که در منطقهٔ وقوع آن آیات، ساکن هستند نماز آیات واجب است.

«سؤال ۲۹۵۱» نمازهای آیات بر ذمّهٔ کسی بوده و الآن می خواهند نیابت بدهند، آیا نایب باید هر یک از نمازها را معیّن کند که مثلًا مال کسوف بوده یا مال زلزله و یا ...؟

جواب: نیت نماز آیات کافی است و معیّن کردن مورد لازم نیست.

نماز در اماکن مقدسه

«سؤال ۲۹۵۲» آیا نماز خواندن در مقام های بزرگان و ائمه علیهم السلام چون مقام امام سجاد علیه السلام و ... بدعت است؟ و اگر مشروع است مدرک آن چیست و به چه نیتی باید اقامه شود؟

جواب: تفصیل نمازهای مذکور در کتاب «مصباح الزائر» اثر عالم بزرگ شیعه، سید بن طاوس رحمه الله مذکور است. بهتر است این گونه اعمال به قصد رجا انجام گیرد و اساساً اعمال عبادی که در کتاب بزرگان یا بعضی از روایات غیر معتبر ذکر گردیده، اگر به امید ثواب آورده شود نمی توان آن را بدعت «که نوآوری به نام دین است» نام گذاشت.

تکتُّف در نماز

«سؤال ۲۹۵۳» براساس روایتی از مالک، جمعی معتقدند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نمازهای یومیه را به صورت تکتُّف (مثل اهل سنت) خوانده، ولی بقیهٔ نمازهای خود را با دست باز (مثل شیعه) می خواندند و این را علامت نوع نماز خود قرار داده بودند. نظر شما چیست؟

جواب: بر حسب اخبار معتبرهٔ مأثوره از ائمهٔ معصومین علیهم السلام نماز، واجب باشد یا مستحب، با تکتُّف (دست بسته) حرام و بدعت بوده و طبعاً باطل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۷

نماز معذور

«سؤال ۲۹۵۴» پدر من در سال ۱۳۶۱ در جبههٔ جنگ، از هفت ناحیهٔ بدنش زخمی شد و پس از مدتی به لطف خدا بهبود یافت، اما در سال ۷۶ ترکش های آن موقع، اثر خود را کرد و به شدت مریض شد به طوری که نه تنها قوهٔ ماسکه را از دست داده، بلکه دچار تشنج و فراموشی شده است و توان انجام تکلیف شرعی خود را ندارد، تکلیف فرزندان در مورد نماز و روزهٔ

او چیست؟

جواب: اگر پـدر شـما به طوری حـال و حواسـش نـامرتب است که حتی اوقـات نمـاز را تشـخیص نمی دهـد نماز و روزه بر او واجب نیست، ولی اگر اوقـات نمـاز را تشـخیص می دهـد نماز به هر کیفیتی که می توانـد بر او واجب است، ولی قضای روزهٔ سـال هایی که در تمام طول سال مریض بوده بر او واجب نیست و بایـد برای هر روز یک مـد طعام (۷۵۰ گرم) گندم یا جو به فقیر بدهید.

«سؤال ۲۹۵۵» شوهرم نماز را خیلی سبک می شمارد بفرمایید چگونه و از چه راهی امر به معروف و نهی از منکر در او مؤثر

است؟

جواب: وظيفهٔ شما همان امر به معروف و نهی از منکر است با زبان خوش و يادآوری عوارض دنيوی و اخروی اين کارها.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۸

مسائل روزه

مبطلات روزه

«سؤال ۲۹۵۶» اگر روزه دار می داند که در صورت مسافرت با اتومبيل قی خواهد کرد؛ آيا چنين مسافرتی برای او جايز است؟

جواب: در روزهٔ واجب معيّن چنانچه مضطر نباشد بايد از مسافرت با اتومبيل خودداری کند.

«سؤال ۲۹۵۷» آيا موقعی که روزه هستيم لبهايمان را با زبان تر کنيم و دوباره که هنوز لبهايمان خشک نشده اين کار را انجام دهيم روزه مان باطل می شود؟

جواب: اگر رطوبت معمولی و غير محسوس باشد مانعی ندارد.

«سؤال ۲۹۵۸» آيا فرو بردن مقداری از آب دهان که معمولًا هنگام صحبت کردن به گوشه های لب آمده، برای روزه دار اشکال دارد؟

جواب: اگر به خارج لب و دهان نرسد اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۹۵۹» آيا تر کردن لب ها و اطراف دهان به وسيله زبان برای روزه دار اشکال دارد و اگر احياناً بعد از اين رطوبتی فرو رود باعث ابطال روزه می شود؟

جواب: تر کردن لب ها و اطراف دهان اشکالی ندارد، ولی اين رطوبت نبايد به دهان برگردد و فرو رود.

«سؤال ۲۹۶۰» بنده در فرودگاه يکی از کشورهای اروپايی مشغول به کار هستم.

شرايط آن جا به نحوی است که هيچ امکان ندارد خانمی حجاب را رعايت کند، يا بايد کار را کنار بگذارد و يا حجاب را رعايت نکند، ولی من مشتاق گرفتن روزه هستم و امروز دوازده روز است که با اين وضع روزه می گيرم حکم روزه ها و وظيفهٔ من چيست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۰۹

جواب: اولًا: حجاب منحصر به چادر نيست تا مزاحم کار شما باشد و حجاب،

با پوشیدن جوراب و یک مقنعه کوچک که سرو گردن را بپوشاند محقّق می شود.

ثانیاً: بر خانم ها لازم است حتی الامکان ولو با تغییر محیط و شغل، حجاب را رعایت کنند. زن متاع نفیسی است که مورد رغبت واقع شده. و عقلای جهان، متاع های نفیس و با ارزش را از چشم اغیار می پوشانند.

ثالثاً: حجاب شرط صحت نماز است، ولی شرط صحّت روزه نیست، پس با فرض عدم رعایت حجاب، روزه اگر با شرایطش محقّق شود صحیح است.

«سؤال ۲۹۶۱» اگر بدانیم قطره هایی که به چشم می ریزیم به حلق می رسد در زمان روزه آیا می توان این قطره ها را به چشم ریخت؟

جواب: در فرض مذکور، احتیاطاً خودداری کنید مگر در صورت اضطرار که در این صورت احتیاطاً آن را قضا کنید.

«سؤال ۲۹۶۲» آیا روزه دار حق دارد آب بینی را از طریق سینه عمداً فرو دهد؟

جواب: چنانچه در فضای دهان نیاید مبطل روزه نیست.

«سؤال ۲۹۶۳» آیا روزه دار مجاز است آدامس بدون قند بجود؟

جواب: اگر در اثر جویدن اجزا و ذراتی از آن جدا و خورده می شود جایز نیست و مبطل روزه است.

«سؤال ۲۹۶۴» حکم نسوار کشیدن (قرار دادن ناس در دهان) در ماه رمضان در صورتی که به حلق نرسد را بیان فرمایید؟

جواب: تعیین موضوع شأن فقیه نیست و اجمالًا این که اگر ماده ای را در دهان بگذارد، ولی چیزی از آن وارد گلو نشود برای روزه اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۶۵» کسی که دندان مصنوعی دارد و هنگام روزه در ماه مبارک رمضان می خواهد دهان خود را بشوید؛ آیا پس از بیرون ریختن آب از دهان، می تواند آب دهان را فرو دهد یا باید دندان مصنوعی را بیرون آورد؟

جواب: همین که همهٔ آب

غیر آبِ دهان را بیرون ریخته، کافی است و بیرون آوردن دندان مصنوعی لازم نیست و می تواند آب دهان را فرو دهد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۰

وجوب امساک

«سؤال ۲۹۶۶» در کدام یک از موارد زیر امساک واجب است؟

الف: مسافری که بعدازظهر به وطن یا محل اقامت خود برسد و از اذان صبح تا آن موقع مبطل روزه انجام نداده باشد؟

ب: کسی که در یوم الشک روزه نگرفته، ولی در وسط روز یقین کند که امروز روز اول ماه مبارک رمضان است؟

ج: روزه داری که در ماه رمضان هر روز بی اختیار قی کند؟

جواب: الف: روزه نیست و امساک هم واجب نیست.

ب: روزه نیست ولی امساک احتراماً لازم است.

ج: قی کردن بی اختیار روزه را باطل نمی کند، ولی باید آنچه را وارد دهان شده فرو نبرد.

قضا و کفارۀ روزه

«سؤال ۲۹۶۷» کسی در اوایل انقلاب در اثر حضور در کشور بیگانه و تبلیغات علیه دین دچار انحراف عقیده شده و مدتی به حساب این که به احکام اسلام معتقد نیست روزه نگرفته، اما اکنون مستبصر شده است؛ آیا با امکان قاصر بودن در زمان انحراف عقیده باز کفارۀ روزه ها واجب است؟

جواب: بر جاهل، یعنی کسی که خیال می کرده است مکلف به روزه و مانند آن نیست، کفاره واجب نیست و با شک در تکلیف نیز کفاره واجب نمی شود.

«سؤال ۲۹۶۸» فردی چند سالی روزۀ قضا دارد و یقین دارد که توان گرفتن همۀ روزه ها را ندارد، آیا باید شروع به گرفتن روزه ها کند یا تکلیف دیگری دارد؟

جواب: در فرض مذکور تا مقداری که می تواند و خوف ضرر ندارد باید روزه ها را قضا کند و باید قضای روزه های سال اخیر را مقدم کند.

«سؤال ۲۹۶۹» با توجه به مسائل ۱۵۶۴ و ۱۵۸۳ توضیح المسائل: زنی که وضح حمل او نزدیک است و نمی تواند در ماه رمضان روزه بگیرد پس از ماه رمضان هم طبعاً به

خاطر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۱

وضع حمل و شیر دادن بچه، توان قضای روزهٔ ماه رمضان را نـدارد و عذر او تا رمضان بعدی ادامه دارد؛ آیا باید برای هر روز دو مد طعام (یکی برای نگرفتن روزه و یکی هم کفارهٔ تأخیر) به فقیر بدهد یا یک مد کافی است؟

جواب: برای اصل خوردن روزه یک مد و بنابر احتیاط واجب برای تأخیر قضا از سال اول هم یک مد طعام باید بدهد.

«سؤال ۲۹۷۰» خانمی می دانسته که خون روز یازدهم قاعدگی خون استحاضه است، ولی نمی دانسته باید روزه اش را بگیرد و این روز را روزه نگرفته؛ آیا کفاره بر او واجب است؟

جواب: اگر در ندانستن مسأله مقصر نباشد کفاره بدهکار نیست و فقط باید روزه را قضا کند.

«سؤال ۲۹۷۱» خـانمی در شب ماه رمضان به نیت این که قبل از اذان بیـدار شـده و غسل خود را انجام می دهـد، به رختخواب رفته است. پس از نیمـهٔ شب که بیـدار شده و به حمام رفته، همراه غسل، مقداری آب هم نوشـیده است. وی در حالی از حمام خارج شده که خیال کرده پس از اذان صـبح آب نوشیده؛ لذا روزهٔ آن روز را باطل دانسته و افطار کرده است، آیا کفاره بر او واجب است؟

جواب: اگر در ندانستن مسأله، مقصر نباشد کفاره بدهکار نیست و فقط باید روزه را قضا کند.

«سؤال ۲۹۷۲» شخصی که کفارهٔ روزه را چند سال به تأخیر می اندازد؛ آیا معصیت کار است؟

جواب: اگر از روی مسامحه و سهل انگاری نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۷۳» این جـانب دانشـجویی هسـتم که به عللی- دو سـال اول بلوغ- تکـالیفم را انجـام نـداده ام، اکنون هم توان ادای کفارهٔ

دو سال روزه را ندارم، چون هم فقیرم و هم توان گرفتن کفارهٔ روزه ها را ندارم لطفاً مرا راهنمایی فرمایید؟

جواب: اعمال عبادی نماز و روزه را باید قضا کنید و غیر عبادی که امکان جبران دارد را باید جبران کنید و هر موقع که بتوانید باید به یکی از دو طریق که در سؤال

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۲

آمده است کفاره را انجام داده و لازم نیست همه را به یک مرتبه انجام دهید.

«سؤال **۲۹۷۴**» اگر زنی به خاطر شیر دادن به فرزندش نتوانسته است روزه بگیرد، در حالی که قضای آن روز بر آن زن واجب بوده است، ولی تا رمضان بعدی، قضای روزه را نگرفته است؛ آیا علاوه بر این که باید یک مد طعام کفاره بدهد؛ کفارهٔ تأخیر را هم بدهکار است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر روزه برای بچهٔ شیرخوار ضرر دارد علاوه بر قضای روزه باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و بنابر احتیاط واجب کفارهٔ تأخیر را هم بدهد و اگر روزه برای خود زن ضرر دارد علاوه بر قضا بنابر احتیاط واجب هم یک مدّ طعام و هم کفارهٔ تأخیر را- که یک مدّ است- بدهکار است.

«سؤال **۲۹۷۵**» در مورد روزهٔ کفارات سه گانهٔ میّت؛ آیا باید فقط یک نفر «سی و یک روز» را پی در پی روزه بگیرد یا این که دو نفر هم به نوبت می توانند این کار را انجام دهند؟

جواب: بنابر احتیاط یک نفر کفاره را به نحو لازم انجام دهد.

رؤیت هلال

«سؤال **۲۹۷۶**» آیا مکلف برای تشخیص این که چه روزی عید فطر است باید از مرجع تقلید خود سؤال کند یا

منتظر اعلام ولیّ فقیه باشد. به طور کلی اگر ولیّ فقیه روزی را به عنوان عید فطر اعلام کرد باید روزهٔ خود را افطار کند یا صبر کند تا ببیند مرجع تقلیدش چه روزی را به عنوان عید، تعیین می کند؟

جواب: به طور کلی اول ماه به پنج راه ثابت می شود:

۱- خود انسان، ماه را بدون استفاده از دوربین یا تلسکوپ ببیند.

۲- دو مرد عادل گواهی دهند که در شب در آن منطقه، ماه را رؤیت کرده اند؛ به شرط آن که شهادت هر یک خلاف دیگری یا خلاف واقع نباشد.

۳- از گفته عده ای یا از هر چیز دیگر اطمینان حاصل شود.

۴- سی روز از آغاز ماه گذشته باشد، مثلًا اگر سی روز از آغاز ماه رمضان گذشته

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۳

باشد، به واسطه آن، اول ماه شوال (عید فطر) ثابت می شود.

۵- حاکم شرع جامع الشرایط حکم کند که اول ماه است، ولی اگر حکم نکند و فقط نظر خود را بیان کند یا کسی بداند که حاکم شرع اشتباه می کند و یا کسی او را جامع الشرایط نداند نباید به آن عمل کند.

«سؤال ۲۹۷۷» آیا رؤیت هلال در مناطق ایران برای کشور افغانستان کفایت می کند؟

جواب: رؤیت هلال در بلاد ایران برای بلاد شرقی مانند افغانستان کافی نیست، ولی رؤیت در بلاد شرقی برای بلاد غربی کافی است

اعتکاف

«سؤال ۲۹۷۸» اگر کسی به اعتکاف برود، آیا می تواند برای غسل مستحب جمعه و یا نماز جمعه از مسجد خارج شود؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۷۹» اگر شخصی روز سوم اعتکاف را برای راهپیمایی خارج گردد، ولی در برگشت تعلل ورزد در صورتی که می توانسته زودتر برگردد وظیفه اش چیست؟

جواب:

باید اعتکاف را اعاده کند.

«سؤال ۲۹۸۰» آیـا در مراسم اعتکـاف می توان روزه هـای آن را روزهٔ قضا گرفت و پس از آن اعمال اعتکاف را انجام داد؟ و در این صورت روزهٔ قضا و اعتکاف، کدام صحیح است.

جواب: یکی از شـرایط صحت اعتکاف گرفتن روزه در ایام اعتکاف است خواه روزهٔ مستحبی یا واجب و خواه برای خود یا به نیابت از دیگری؛ پس در فرض مذکور، روزه هایی که بابت قضای ماه مبارک رمضان گرفته اید صـحیح بوده و اعتکاف شـما نیز صحیح است.

تقیه در روزه

«سؤال ۲۹۸۱» من یک دوست سُنی دارم که واقعاً شیعه شده است، ولی نمی خواهد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۴

فامیل و نزدیکان او بفهمند؛ آیا در ماه مبارک رمضان اجازه دارد مثل اهل سنت افطار کند؟

جواب: در غیر حالت ضرورت اشکال دارد.

روزهٔ استیجاری

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۱۱۴

«سؤال ۲۹۸۲» کسی که روزهٔ قضا را در بعد از ظهر باطل کرده و هنوز کفارهٔ آن را نگرفته است؛ آیا می تواند روزهٔ استیجاری بگیرد؟

جواب: اگر روزه استیجاری مانع قضای روزه و کفارهٔ آن نشود مانعی ندارد.

روزهٔ با حَرَج

«سؤال ۲۹۸۳» نـانوایی که روزه برای او عسـر و حرج دارد و یـا کشـاورزی که به خاطر خطر آتش سوزی بایـد سـریع محصول خود را جمع کند، اما با زبان روزه نمی تواند این کار را انجام دهد؛ آیا روزه در این موارد واجب است؟

جواب: بایـد گرچه بـا کـار کردن در شب روزه بگیرد و یا اگر می توانـد خود را مسافر کنـد و اگر مضـطر است و هیـچ راهی

ندارد، روزه بگیرد و در هر وقت از روز عسر و حرج غیر قابل تحمل برایش پدید آمد به مقدار ضرورت افطار کرده و بعد آن را قضا کند.

«سؤال ۲۹۸۴» دختری که تازه به سن تکلیف رسیده است و به تشخیص پدر، روزه برای او ضرر دارد، آیا می توان به زور او را از روزه گرفتن منع کرد؟

جواب: روزه در صورت عسر و حرج واجب نیست و اگر احتمال عقلایی ضرر وجود داشته باشد، نباید روزه بگیرد و در هر صورت بعداً آن را قضا می کند و پدر و مادر این مسأله را باید به فرزند تذکر دهند.

«سؤال ۲۹۸۵» آیا معتادی که اگر روزه بگیرد نمی تواند کار کند و هیچ ذخیره ای هم ندارد و فرضاً هیچ راهی جز کار کردن ندارد و توان کاری اش هم منحصر به این است که

چند بار در روز دود بکشد تکلیف او چیست؟

جواب: باید هرچند با تغییر وقت و محل کار خود روزه بگیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۵

مسائل متفرقهٔ روزه

«سؤال ۲۹۸۶» اگر کسی با زنش در ماه مبارک رمضان جماع کند و به واسطهٔ ندانستن مسألهٔ شرعی به خیال خود اگر انزال منی نشود جنب نمی شود بعداً بفهمد که اشتباه کرده؛ آیا علاوه بر قضای روزه، کفاره نیز بر این زن و شوهر واجب است؟

جواب: اگر جاهل قاصر بوده اند به گونه ای که یقین داشته اند این عمل جایز است و احتمال خلاف نمی دادند کفاره لازم نیست، ولی بنابر احتیاط واجب قضای روزه را بگیرند.

«سؤال ۲۹۸۷» در مسائل روزه اگر در مسأله ای جاهل بوده باشیم از کجا بدانیم که جاهل مقصر بوده ایم یا جاهل قاصر؟

جواب: اگر در صدد یاد گرفتن مسأله نبوده و امکان آن را داشته اید، ولی مسامحه کرده و دنبال یاد گرفتن مسأله نرفته اید؛ تخلف کرده و خلاف وظیفه عمل کرده اید، پس جاهل مقصر هستید و در غیر این صورت جاهل قاصر شناخته می شوید.

«سؤال ۲۹۸۸» اگر خانم ها در ماه مبارک رمضان وظیفهٔ شرعی خود را انجام دهند بهتر است یا این که سعی کنند تمام ماه را روزه بگیرند ولو با استفاده از قرص و ...؟

جواب: با توجه به این که عادت ماهانهٔ خانم ها امری طبیعی و مطابق حکمت و مصلحت است و بسا جلوگیری مضر باشد، بجاست به وظیفهٔ شرعی خویش عمل کرده و ایام عادت را روزه نگیرند و قضای آنها را انجام دهند.

«سؤال ۲۹۸۹» آیا زن مستحاضه می تواند روزهٔ قضا بگیرد؟

جواب: صحت آن در وسعت وقت، محل اشکال است بویژه اگر روزهٔ استیجاری باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳،

مسائل خمس

[خمس در زمان پیامبر]

«سؤال ۲۹۹۰» نظر شریف جناب عالی در مورد خمس چیست؟ در زمان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام که همه در بیت المال برابر بودند و حضرت علی علیه السلام آتش را به دست برادر خویش نزدیک می کرد، آیا اعتقادی به پرداخت خمس بجز در غنائم جنگی بوده؟ و آیا پرداخت خمس مال، به سید مستطیع جایز است؟ و اصولًا می توان بین فقرای سید و غیر سید فرقی قائل شد؟ آیا شک در خمس یا انکار آن و یا عدم پرداخت آن با مسلمانی منافات دارد یا در حد ارتداد است؟

جواب: در تواریخ، گرفتن خمس ارباح مکاسب، توسط پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام دیده نمی شود، شاید علت آن، با وجود غنائم جنگی و زکوات، عدم نیاز به آن بوده است؛ اما در زمان امامان بعد علیهم السلام غنائم در حدّی که در زمان صدر اسلام بود وجود نداشت و زکوات نیز به کلی در دست خلفای غاصب بود، از این جهت حکم خمس ارباح مکاسب توسط امامان علیهم السلام به اجرا درآمد.

به سید غیر نیازمند، نمی توان خمس داد و از نظر فقر، بین سید و غیر سید فرقی نیست، منتهی مطابق بعضی روایات، سادات به خاطر انتساب به پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی توانند از زکوات استفاده کنند.

اگر ضروری بودن وجوب خمس در مذهب، برای کسی روشن و قطعی باشد به نحوی که بداند جزء احکام قطعی دین است و از روی عناد با حق، آن را انکار کند حکم مرتد بر او جاری است.

رساله استفتاءات

(منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۷

خمس غنائم

«سؤال ۲۹۹۱» خمس در قرآن در مورد غنیمت در جنگ بدر نازل شده است، پس چرا این لفظ، عمومیّت پیدا کرده و به موارد دیگر نیز تعلق پیدا کرده است؟

جواب: هرچند آیهٔ شریفه مربوط به خمس، در جنگ بدر نازل شده است، ولی کلمهٔ «ما» در آیهٔ شریفهٔ: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ ...» «۱» و نیز صله آن، یعنی کلمهٔ: «غَنِمْتُمْ»* و کلمه: «مِنْ شَيْ ءٍ»* عمومیّت دارد و شامل هر آنچه عنوان غنیمت و فایده بر آن صدق می کند می شود و شأن نزول نمی تواند مخصص باشد و گرنه بسیاری از آیات مربوط به سایر احکام شریعت نیز چنین است و التزام به این مطلب با خاتمیت و ابدی بودن دین اسلام منافات دارد.

«سؤال ۲۹۹۲» در قرآن تنها یک آیه در مورد خمس وارد شده آن هم مربوط به غنایم جنگ است، پس چرا فقها به نحو عموم از آیه استفاده می کنند؟ و چرا بعد از نماز در قرآن زکات آمده، اما نامی از خمس نیامده است؟

جواب: بعید نیست مراد از زکات در قرآن مطلق مالی باشد که باید در راه خدا داده شود که قهراً شامل خمس نیز می شود و نیز مراد از صلاه نیز مطلق عبادات باشد که موجب ارتباط و نوعی اتصال معنوی با عالم غیب و خداوند می شود؛ به علاوه، خمس درآمدهای کسب و تجارت ها از عموم آیهٔ شریفهٔ: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْ ءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ ...» نیز استفاده می شود، زیرا اولًا: کلمهٔ «ما» در «إِنَّما»* عام است و ثانیاً:

کلمهٔ «غَنِمْتُمْ»* نیز شامل مطلق درآمد و بهره می شود و منحصر به غنائم جنگی که شأن

نزول آیه بوده است نیست و گرنه از هیچ آیهٔ قرآن که به مناسبتی نازل شده است نمی توان برای سایر ازمنه، حکمی را استفاده کرد و این مطلب مستلزم اشکالات زیادی است. البته تعلق خمس به درآمدها شرایطی دارد که در رسالهٔ توضیح المسائل ذکر شده است.

---

(۱)- سورهٔ انفال (۸): آیهٔ ۴۱.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۸

«سؤال ۲۹۹۳» آیا به پول دیه خمس تعلق می گیرد؟

جواب: بر دیه، عنوان غنیمت صادق نیست و خمس تعلّق نمی گیرد.

متعلق خمس

«سؤال ۲۹۹۴» اگر مرجع تقلید قائل به زکات در سکه های طلا نباشد؛ آیا خمس به سکه های طلا تعلق می گیرد؟

جواب: مسألهٔ خمس جدای از مسأله زکات است و خمس به هر درآمدی که در طول سال، صرف زندگی نشود تعلق می گیرد، ولی زکات با شرایطی بنابر نظر مشهور فقها به نُه چیز تعلق می گیرد.

«سؤال ۲۹۹۵» اگر کسی به خاطر پرداخت خمس به مضیقه افتد و امرار معاش بر او سخت شود؛ آیا باز هم خمس بر او واجب می شود؟

جواب: فرض تعلق خمس جایی است که چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید؛ پس با این فرض مضیقه وجود ندارد، مگر در موردی که قبلًا بدهکار شده و در حال حاضر نمی تواند پرداخت کند که در این صورت هر وقت که توانست باید بپردازد و یا این که اگر بتواند با دستگردان کردن با حاکم شرع، تدریجاً بپردازد.

«سؤال ۲۹۹۶» کسی که مخارج او را دیگران می دهند و خرجش بیش از دخلش است؛ آیا باید حساب خمس داشته باشد؟

جواب: اگر در آخر سال از درآمد سال مبلغی خرج نشده باقی ماند، متعلق خمس است.

«سؤال ۲۹۹۷» مکلفی به عنوان سهمین مبلغی را بدهکار می شود و

توان پرداخت آن را بـا اموال منقول و یـا غیر منقول دارد، اما به خاطر این که به اموال وی لطمه ای وارد نشود آن را با نماینـدهٔ مرجع، دستگردان و یـا آن را به صورت اقساط طولانـی قرار می دهـد؛ وظیفه شـرعی مکلف و نماینـدهٔ مرجع، چگونه خواهد بود؟

جواب: خمس، متعلق به عین مال است و لازم است هر چه زودتر پرداخت شود ولو به فروختن قسمتی از اموال، مگر این که با فروش مال، شخص در عسر و حرج

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۱۹

بیفتـد و چـاره ای جز دسـتگردان و امهـال در میان نباشـد. در این صورت می توانیـد به دفتر و یا یکی از نماینـدگان این جانب مراجعه فرمایید.

« سؤال ۲۹۹۸» اگر مکلفی از مجتهـدی تقلیـد می کرده کـه خمس در مـوردی خـاص را واجـب نمی دانسـته، ولی اکنـون از مجتهـدی تقلیـد می کنـد که خمس را در آن مورد واجب می داند؛ آیا باید خمس مواردی را که نداده بدهد یا اگر از این به بعد موردی پیدا شد خمس بدهد؟

جواب: از باب بقا بر تقلید میّت در صورت وجود شرایط بقا می تواند به همان فتوا باقی بماند.

«سؤال ۲۹۹۹» اگر چیزی را از افرادی مثل بهایی ها بخرد؛ آیا با پرداخت خمس، تصرف در آن جایز می شود؟

جواب: معاملهٔ با بهایی ها اگر تقویت بهائیت باشد جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد و خمس هم تعلق نمی گیرد، مگر اینکه از مؤونه سال زیاد بیاید.

«سؤال ۳۰۰۰» در کشورهای خارجی که فروشنده خمس نمی دهد؛ آیا باید خمس اجناسی را که می خریم شخصاً بپردازیم؟

جواب: از کسی که به خمس اعتقاد ندارد اگر چیزی خریدید خمس آن چیز بر شما واجب نیست.

«سؤال ۳۰۰۱» کسی که

از اول تکلیف تا حال، یعنی حدود ۳۰ یا ۴۰ سال حساب سال نداشته و اکنون می خواهد خمس اموال خود را حساب کند، آیا تمام اجناس مورد ضرورت منزل از قبیل فرش، ظرف و سایر لوازم منزل را که در اختیار دارد- یعنی به تمام مایملک وی- خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر اجناس و لوازم منزل را تدریجاً با درآمد هر سال تهیه کرده باشد خمس آنها را بدهکار نیست و اگر از درآمد سال های قبل تهیه کرده باشد باید تخمیس شود.

«سؤال ۳۰۰۲» مکلفی به حج مشرف شده و سهمین خود را دستگردان کرده و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۰

بضاعت پرداخت آن را هم دارد که به اساس کار او ضرری نمی زند، ولی در عین حال می گوید: بازار کساد است. حضرت عالی لطف فرموده در باب تأکید دادن سهمین ارشاد فرمایید.

جواب: خمس مانند سایر بدهکاری ها است و لازم است هر چه زودتر پرداخت شود و ما از عزرائیل ضمانت نگرفته ایم که تا کی زنده باشیم.

«سؤال ۳۰۰۳» افرادی در زمان حیات امام خمینی رحمه الله با مراجعه به دفتر ایشان برای پرداخت خمس درخواست حسابرسی کردند، محاسبین دفتر نیز خمس اموال و زمین های خریداری شدهٔ آنها را به قیمت خرید محاسبه کرده و آنان پرداخت کردند و نظر محاسبین این بوده که مازاد بر قیمت خرید را در زمان فروش اموال و املاک باید بدهند. اولًا: آیا فتوای امام رحمه الله این گونه بوده است؟ و ثانیاً: آیا مقلدین ایشان فعلًا می توانند در صورت بقا بر تقلید به این شکل عمل نمایند؟

جواب: اگر اموال را چه با عین درآمد یا به ذمّه خریده باشد باید به قیمت فعلی

خمس آن را بدهد و بقا بر فتوای مرحوم امام- بر فرض این که چنان باشد که در سؤال ذکر شده- در صورتی جایز است مقلدین معظم له این مسأله را در زمان حیات ایشان عمل کرده باشند یا حداقل برای عمل کردن یاد گرفته باشند.

«سؤال ۳۰۰۴» آیا خمس و زکات مانند بقیهٔ عبادات فقط بر مسلمانان واجب بوده و اعتنا و عمل به آنها از مسلمانان صحیح و پذیرفته است، یا کفار (چه حربی و چه ذمّی) و اقلیت های دینی (ارمنی، کلیمی و زرتشتی) نیز مکلف به فروع و احکام اسلام هستند؟

جواب: از آن جهت که شریعت اسلامی خاتم شرایع و ناسخ همه آنهاست، احکام و قوانین آن همگانی و مشترک بین همه انسان های بالغ و عاقل است؛ از این رو کسانی که به حقانیت اسلام پی برده اند، چه مسلمان باشند یا غیر مسلمان باشند و حتی کسانی که احتمال حقانیت این دین را داده و بدون تحقیق و بررسی به احکام آن عمل نمی کنند، عملًا معذور نمی باشند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۱

«سؤال ۳۰۰۵» فردی مبلغی خمس به دفتر امام خمینی رحمه الله بدهکار بوده و دستگردان هم کرده است، الآن که می خواهد آن را به مرجع فعلی بدهد چه مقدار باید بدهد؟

جواب: بنابر احتیاط قدرت خرید پول را در وقت حساب در نظر بگیرد و همچنین در سایر بدهکاری ها.

«سؤال ۳۰۰۶» علمای عظام- همگی- فتوا می دهند که تصرف در سهم امام بدون اجازهٔ مراجع جایز نیست، لطفاً دلیل آن را مرقوم فرمایید؟

جواب: ائمه علیهم السلام خمس را به خود نسبت داده اند:

«لی منه الخمس» «۱»

و از خمس به عنوان حق الاماره یاد شده، پس طبعاً خمس باید

به نایب امام پرداخت شود و او آن را در مصارف لازم صرف کند.

خمس اتومبیل

«سؤال ۳۰۰۷» این جانب سه مرتبه در سال های گذشته خودروی شخصی ام را فروخته و خودروی دیگر خریده ام؛ آیا در زمان فروش هر خودرو باید خمس پرداخت کنم؟ البته خرید و فروش ها به خاطر خرید خودروی بهتر بوده و شغلم خرید و فروش خودرو نبوده است.

جواب: چنانچه خودروی بهتر در شأن شما باشد خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۰۸» این جانب مستأجرم و از بابت رهن و اجاره مبلغی را به عنوان ودیعه و یا قرض الحسنه به صاحبخانه داده ام. لطفاً بفرمایید از بابت محاسبهٔ خمس مبلغ فوق چه حکمی دارد؟

جواب: راه صحیح مسأله این است که خانه را به قیمتی ولو نازل اجاره کنید و در ضمن عقد اجاره، شرط کنید که مبلغی را قرض الحسنه به طرف بدهید و اگر تهیهٔ خانهٔ مسکونی شما متوقف باشد بر قرض الحسنهٔ مذکور، بعید نیست فعلًا مؤونه محسوب شود و پس از باز پس گرفتن پول خمس آن را بدهید.

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۰، ابواب ما یجب فیه الخمس، باب ۸، ح ۲ و ۳.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۲

خمس اجارهٔ موقوفه

«سؤال ۳۰۰۹» فردی وصیت کرده است که عمارت معینی از ماترک خود را به عنوان کتابخانهٔ عمومی برای طلّاب و دانشجویان تخصیص یابد. وصی برای تحقق وصیت موصی به هزینهٔ معتنابهی احتیاج دارد؛ لذا برای تأمین هزینهٔ تبدیل و تجهیز کتابخانه، فعلًا عمارت مزبور را اجاره داده است تا با جمع آوری مال الاجارهٔ آن در طول چند سال بتواند به وصیت عمل کند. بنابراین آیا به مال الاجارهٔ فوق الذکر در صورت گذشت سال خمس تعلق می گیرد؟ با عنایت به این که درآمد فوق الذکر صرفاً به منظور تأمین مخارج تجهیز و تعمیر کتابخانه

نگه داری می شود.

جواب: در مفروض سؤال به درآمد حاصل از اجارهٔ موقوفه، خمس تعلق نمی گیرد.

خمس بخشش

«سؤال ۳۰۱۰» از محل دریافت حقوق ماهیانه، گاهی اوقات مبلغی را به همسرم هدیه می دهم و ایشان ضمن پس انداز در مواقع ضروری هزینه کرده و یا احیاناً سرمایهٔ زندگی آیندهٔ فرزندان می کند؛ آیا به ترتیبی که ایشان اتخاذ کرده خمس تعلق می گیرد؟

جواب: هدیه، حکم سایر درآمدها را دارد و اگر در طول سال صرف مؤونهٔ زندگی نشود خمس دارد، ولی اگر ایشان مثلًا مبلغ مذکور را صرف خرید طلاهای زینتی متعارف در حدّ شأن فعلی کرده و از آن استفاده کند خمس ندارد، گرچه بعداً بخواهد در موارد نیاز آن را بفروشد. و همچنین اگر در خرید جهیزیهٔ فرزندان، هزینه شود خمس ندارد.

خمس درآمد و کسب

«سؤال ۳۰۱۱» دانشجویی هستم که در کانادا مشغول تحصیلم. تمام دارایی خود را فروخته و به کانادا آورده ام و با آن پول، بخشی از وسایل ضروری زندگی را تهیه کرده ام،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۳

ولی چون بورسیه هستم برای هر ماه دولت مبلغی را به حساب ما واریز می کند که پرداخت آن ۶ ماه یک بار است. امسال پس از گذشت یک سال از آن تاریخی که به کانادا آمده ام سال خمسی برای خود قرار دادم، مقداری پول به صورت پس انداز برایم منظور کرده اند. البته ما هنوز خیلی از وسایل مورد نیاز زندگی را نداشته و به آن نیاز داریم.

نکته ای که قابل ذکر است این که دولت سر سال خمسی ما پول ۶ ماه آیندهٔ ما را که ما به آن نیاز داریم پرداخت می کند؛ آیا به پول ما خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به هر درآمدی که در طول همان سالِ درآمد، صرف نیازهای زندگی نشده باشد خمس تعلق می گیرد و پولی که به

عنوان بورسیه می دهند اگر در مقابل کار است که بعداً باید انجام دهید خمس ندارد، مگر این که بعد از انجام کار مانده باشد.

«سؤال ۳۰۱۲» شخص روستایی که حساب سالیانه نداشته مقداری گوسفند دارد که برای معاش خود و عیالاتش احتیاج به شیر و دوغ آنها دارد. در موقع حساب دارایی خود، آیا باید خمس آن حیوانات را بدهد؟

جواب: تعدادی گوسفند و مانند آن (مثلًا ۲ الی ۳ رأس) که برای شیر و ماست مورد نیاز خانواده لازم است خمس ندارد، ولی بقیهٔ آنها خمس دارد.

«سؤال ۳۰۱۳» گوساله ای خریده ایم که گاو شود و از شیر و فروش بچهٔ آن استفاده کنیم که تاکنون نه شیر داده و نه بچه؛ آیا به این گوساله، خمس تعلق می گیرد و اگر بعد آن را بفروشیم آیا به پول آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر داشتن گاو برای استفاده از شیر آن، جزء نیازهای متعارف آن منطقه محسوب می شود خمس ندارد و اگر بعداً خود آن را بفروشید و قبل از رسیدن سال خمسی تبدیل به مؤونهٔ دیگری نشود خمس دارد.

«سؤال ۳۰۱۴» این جانب در یک شرکت دولتی کار می کنم که هر دو ماه یک بار و در روز نامشخصی حقوق ما را می دهند به این ترتیب ما هر روزی از سال را که به عنوان ابتدای سال خمسی تعیین کنیم ممکن است روز قبل از آن حقوق دو ماه خود را دریافت کنیم. در این حالت آیا باید خمس حقوق دریافت شده را بدهیم و یا به این دلیل که مورد احتیاج می باشد جزء مؤونه محسوب می شود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۴

جواب: پس از اختیار سال که مبدأ آن اولین حقوق

است باید آنچه در آخر سال باقی مانده است و صرف مؤونه نشده تخمیس شود؛ البته بعد از کسر بدهی های مربوط به همین سال.

«سؤال ۳۰۱۵» کسی که از پول شخصی خود به زیارت عتبات عالیات و یا به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می شود؛ آیا باید خمس هزینه های زیارت را هم پرداخت کند؟

جواب: اگر مخارج زیارت از درآمد همان سال که به زیارت می رود باشد خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۱۶» شخصی به زیارت عتبات عالیات مشرف شده و حدوداً دویست هزار تومانی که خمس آن را نداده بود را صرف زیارت کرده است. از این پول مقداری هم سوغات خریده است؛ آیا خمس آن را لازم است پرداخت کند؟

جواب: اگر خمس به آن مبلغ تعلق گرفته باشد صرف آن در راه زیارت کربلای معلّا کافی نیست و خمس را باید بدهد، ولی اگر از درآمد همان سال بوده خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۱۷» معمولًا در هر خانه ای پس از اتمام سال، مقدار کمی خوراکی مثلًا یک کیلو برنج، نیم کیلو چای و کم و بیش از چیزهای دیگر باقی می ماند که گاهی حسابرسی آن مشکل است؛ آیا در حساب مال این قبیل موارد هم باید منظور شوند؟

جواب: به اشیای مصرفی باقی مانده خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۱۸» شخصی در ایران به وسیله کار کردن مبلغ یک میلیون تومان به دست آورده، ولی در افغانستان یک میلیون و شاید هم بیشتر از آن مبلغ بدهکار است، اما به دلیل موانعی نتوانسته آن را به طلبکاران در افغانستان برساند و آن پول را در ایران بعد از سال خمسی صرف ازدواج خود کرده است؛ آیا باید خمس یک میلیون تومان

را بدهد؟

جواب: اگر بدهکاری مربوط به همان سال کسب درآمد باشد، بدهی از درآمد همان سال کسر شده و قهراً متعلق خمس نمی باشد.

«سؤال ۳۰۱۹» فرد بازنشسته ای یک دستگاه تاکسی به صورت اقساط خریده است، وی از حقوق بازنشستگی، اقساط تاکسی را پرداخت می کند و نصف درآمد تاکسی را به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۵

وام های دیگر اختصاص داده است. حال با توجه به این که این تاکسی پس از مدتی از وسایط نقلیه اسقاطی محسوب شده و دولت در قبال آن صرفاً مبلغی پرداخت می کند؛ آیا درآمدهای مزبور مشمول خمس می شود؟

جواب: وسیلهٔ کسب (تاکسی) متعلق خمس است پس در فرض مذکور، سر سال خمسی هر مقدار از تاکسی را که اقساطش را پرداخته است به مقدار ارزش فعلی تاکسی باید خمس آن را بپردازد، ولی اگر تاکسی، هم وسیلهٔ کسب و هم برای رفت و آمد خانوادگی است نصف آن متعلق خمس است و در هر حال صرف این که پس از مدتی ارزش آن کم می شود مانع تعلق خمس نیست. همچنین هر مقدار از درآمدها که سر سال از مخارج آن سال زیاد بیاید، متعلق خمس است.

«سؤال ۳۰۲۰» تعدادی سهام به ارزش دویست هزار تومان خریداری کردم که سال نیز از آن گذشته و ارزش فعلی آن متغیر است. نسبت به قبل و اضافهٔ آن چگونه خمسش را محاسبه کنم؟ در ضمن مقداری از سهام که فروخته شده و صرف خرید منزل یا ضروریات دیگر منزل شده چگونه عمل کنم؟

جواب: سهام، سرمایه است و به قیمت روز متعلق خمس است، ولی اگر در همان سالی که سهام را خریده، باز بفروشید و منزل بخرید خمس تعلق

نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۲۱» کسی که برای مصارف عروسی پسرش پول تهیه کرده و قبل از آن که پول را در این راه هزینه کند سال خمسی او فرا رسیده، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به آنچه در ظرف سال صرف نشده باشد خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۲۲» شخصی بدون وصیت از دنیا رفته است و چند ورثۀ صغیر و کبیر دارد.

یکی از روحانیون محل بدون این که سهم و حصۀ صغار را جدا کند خمس اموال را جدا کرده است در حالی که شخص متوفی سال خمسی داشته است؛ علاوۀ بر آن اموالی چون ماشین سواری شخصی و موتور سیکلت و یک عدد تلویزیون که مورد استفادۀ ایشان و همسر و فرزندان بوده و همین طور موتور آب (پمپ) مورد استفاده در کشاورزی، همه را حساب کرده است؛ آیا به اموال مذکور مخصوصاً که با اموال صغیر مخلوط بوده خمس تعلق گرفته؟ و اگر خمس تعلق نگرفته و بابت خمس اموال زیادی گرفته شده، آیا

می توان آنها را پس گرفت؟

جواب: وسایل و لوازمی که زمان حیات متوفی جزء مؤونه زندگی او بوده است و از جمله ماشین سواری، خمس ندارد و به ورثه می رسد، ولی سرمایۀ کسب و کار و از جمله پمپ آب که خمس آن بر متوفی واجب بوده است و بدانیم خمس آن را نپرداخته و همچنین بنابر احتیاط واجب آنچه احتمال دهیم خمس آن را نپرداخته است باید قبل از تقسیم ارث خمس آن پرداخت شود و همچنین است آنچه از درآمد بین سال خمسی او بوده است و تا زمان حیات صرف در مؤونه زندگی نکرده است

و دیون میّت، چه حق اللّه و چه حق الناس و از جمله خمس، باید از ترکه کم شود؛ یعنی اساساً جزء اموال ورثه صغیر و یا سایر ورثه نخواهد شد.

در ضمن آنچه اشتباهاً از بابت خمس محاسبه شده است را با مرجع مذکور یا نمایندهٔ ایشان مطرح کنید.

«سؤال **۳۰۲۳**» اگر شخصی ماشینِ بارکشی دارد که درآمدش فقط به اندازهٔ مخارج زندگی اوست؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: خود ماشینِ کار، متعلق خمس است و اگر خمس آن را نپرداخته به تمام درآمد آن هم خمس تعلق می گیرد.

«سؤال **۳۰۲۴**» آیا درآمد متعلق خمس، اختصاص به اغنیا دارد یا مربوط می شود به هر کسی که درآمدش بیش از مخارج سالیانه اش باشد ولو آن درآمد اضافی بسیار ناچیز باشد؟

جواب: انسان از درآمد سالیانه خود مخارج سالیانه خود و عائله اش را به نحو متعارف تأمین می کند؛ آنچه از درآمد سالیانه زاید بر مخارج سالیانه باشد متعلق خمس است و این دستور، شامل همهٔ انسان ها می باشد. برای تفصیل به رسالهٔ عملیهٔ اینجانب می توان مراجعه کرد.

«سؤال **۳۰۲۵**» این جانب مقداری پول نزد خود دارم که مخمس است و مقداری نیز در بانک دارم که غیر مخمس می باشد؛ آیا می توانم آنچه را نزد خود دارم غیر مخمس و مقدار مساوی آن را که در بانک دارم، مخمس فرض کرده و برای مخارج خود از آن

خرج کنم، تا قهراً پول موجود در بانک مشمول خمس نشود؟

جواب: با صرف فرض و اعتبار، پول مخمس، غیر مخمس نمی شود. بنابراین اگر از همان پول مخمس، صرف هزینه و مخارج خود کردید نمی توانید آن مقدار را در آخر سال جزء

مؤونه حساب کنید.

«سؤال ۳۰۲۶» پولی را پدر به فرزند خود جهت خرید خانه داده و او خانه ای کوچک و کمتر از نیاز خود تهیه کرده است؛ سپس خانه را فروخته و ترقی قیمت پیدا کرده است.

اگر بخواهد ترقی قیمت را خمس دهد دیگر نمی تواند خانه ای بزرگ تر از آن خانۀ قبل بخرد، آیا باز هم خمس دارد؟

جواب: اگر در همان سالی که خانۀ کوچک تر را می فروشد خانه بزرگ تر را بخرد چیزی به عنوان خمس بدهکار نمی شود.

«سؤال ۳۰۲۷» هزینۀ تحصیلات دانشگاه خواهرم از درآمد مغازه و کسب و کار پدر تأمین شده و اکنون خواهرم پس از اخذ مدرک، مشغول به کار شده است؛ آیا پول هایی که برای خواهرم هزینه شده متعلق خمس است؟ و در این مورد خواهرم تکلیفی دارد؟

جواب: مخارج تحصیل جزء مؤونۀ زندگی محسوب می شود و اگر از درآمد بین سال صرف آن شود خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۲۸» اوایل استخدام- حدود بیست و سه سال پیش- عضو تعاونی فرهنگیان شده ایم و هر سال سود خرید و سود سهام محاسبه شده و به سهام ما اضافه می شود.

وظیفۀ ما در مقابل این سودی که سالیانه اضافه می شود چیست؟ آیا می شود پس از آن که عضویتمان لغو شد خمس آن را بدهیم و یا هم اکنون باید بپردازیم و آیا باید یک چهارم بدهیم یا یک پنجم و چنانچه یک بار خمس دادیم سال های بعد باید اضافه آن را خمس بدهیم یا همین امسال کفایت می کند؟

جواب: خود سهام تعاونی سرمایه است و باید خمس آن پرداخت شود، و سود سهام در زمانی که قابل وصول باشد فایده محسوب می شود و سر سال خمس آن را باید بپردازد و اگر نپردازید

علاوه بر خمس آن بایـد سودی که بعـداً به همان مبلغ خمس تعلق می گیرد را نیز به عنوان خمس بپردازیـد و در صورتی که تعیین آن مشکل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۸

است می توانیـد به نماینـدهٔ این جانب رجوع و مصالحه کنیـد و آنچه خمس آن داده شـده بعـداً خمس ندارد هرچند سودهای سال های بعد خمس دارد.

«سؤال ۳۰۲۹» آیا به منفعت کسب کسی که شغل موقت دارد خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر منفعت کسب در همان سال کسب، صرف مؤونهٔ زندگی نشود متعلق خمس است.

«سؤال ۳۰۳۰» کسـی که دسـتمزد هر ماه را آخر ماه می گیرد، اگر سال خمسـی او وسط ماه تمام شود؛ آیا همـهٔ دسـتمزدی که آخر ماه خواهد گرفت درآمد سال بعد او محسوب می شود.

جواب: اگر متعارف باشد که در سال بعد بدهند و مطالبهٔ آن در آخر سال قبل ممکن نیست از درآمد سال بعد محسوب است.

«سؤال ۳۰۳۱» این جانب به صورت ماهیانه حقوق دریافت می کنم و دارایی ها و بدهی های این جانب نیز به شرح زیر است:

الف: دارایی ها: مقداری نقدینگی و مقداری آذوقه و سهام واگذاری بانک و طلبی هم از اشخاص حقیقی و ....

ب: بدهی ها: بدهکاری به اشـخاص حقیقی، به همسرم، به مسـتأجر، به شـهرداری و مقداری هم بدهی به بانک بابت دریافت وام.

سؤال این است اگر قسـمت یـا تمـام وام دریـافتی، موجـود باشـد بـا توجه به این که آن را می بـایست به صورت اقسـاطی بـاز پرداخت کنم؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: خود مبلغ وام، فایـده و درآمد محسوب نمی شود و خمس ندارد؛ ولی مقداری از مبلغ وام که تا سـر سال خمسـی باقی مانده و اقساطش پرداخت شده است و در مقابل

آن هم بدهی دیگر مربوط به مؤونه های صرف شده در همان سال نداشته باشد باید خمس آن را بپردازد.

«سؤال ۳۰۳۲» خانمی که خیاطی می کند پس از پایان سال خمسی اش مثلًا چند عدد سوزن، نصف قرقرهٔ نخ، مقداری نخ گلدوزی، یک تکّه پارچه و چیزهای ریز دیگری برایش باقی مانده است؛ آیا خمس اینها را باید بدهد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۲۹

جواب: به اشیای مصرفی باقی مانده خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۳۳» پدر بنده هر سال مقدار پولی که از درآمدِ کسب و کار به دست می آورد و اضافهٔ این درآمد را خمس می دهد؛ آیا جایز است که برای ادامهٔ تحصیل این جانب که دانشجو هستم از آن خمس استفاده کنم.

جواب: فرزند، واجب النفقهٔ پدر است و خمس را جایز نیست به واجب النفقه بدهند.

«سؤال ۳۰۳۴» بنیاد جانبازان- چند سال پیش- با هزینهٔ خود برای ما سهام خریده و سالیانه این سهام، اضافه گردیده که نامهٔ آن برای ما پست می شود و ما هیچ دخل و تصرفی و استفاده ای از آن نداریم؛ آیا خمس این سهام را آخر بار که دریافت کردیم باید بدهیم؟ یا هر سال باید حساب کرده و خمس آن را بدهیم؟

جواب: اگر آنچه را به حساب شما ریخته اند می توانید آن را دریافت کنید باید هر سال حساب کنید و خمس آن را بدهید.

«سؤال ۳۰۳۵» شخصی با این که حساب سال دارد؛ آیا می تواند ماهیانه مازاد هزینهٔ زندگی خود را تخمیس کند و مبلغ سهمین را بر دو قسمت کرده و در یکی از بانک ها به صورت مجزّا در حساب دفترچه پس انداز واریز کند تا مبلغ قابل ملاحظه ای شود بعداً آن را برداشت کرده خدمت حضرت عالی برساند

و در صورت مجاز بودن، آیا بقیهٔ پول تخمیس شده در پایان سال مجدداً باید تخمیس شود؟

جواب: میزان در خمس که باید زاید بر مؤونه سال باشد غالباً قبل از پایان سال معلوم نمی شود و بهتر است همان آخر سال به حساب رسیدگی شود گرچه زودتر هم اگر حساب و پرداخت شود اشکال ندارد.

«سؤال ۳۰۳۶» آیا پاداش پایان خدمت که از طرف دولت به کارکنان بازنشسته پرداخت می گردد مشمول سهم مبارک امام علیه السلام می گردد؟

جواب: پولی که به عنوان پاداش داده می شود حکم حقوق همان سال را دارد که اگر تا آخر سال خرج مؤونهٔ زندگی نشود متعلق خمس می گردد، که نصف آن سهم سادات و نصف دیگر آن سهم امام می باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۰

«سؤال ۳۰۳۷» دانشجویان شاغل و غیر شاغل اگر کتاب هایی از آنها از سال های قبل بلااستفاده باقی باشد؛ آیا پس از گذشت سال، خمس تعلق می گیرد؟ کیفیت تخمیس آن چگونه است؟

جواب: اگر کتاب های درسی به طور کلی از استفاده خارج شده باشد در صورتی که از درآمدهای سال های قبل پیش از تخمیس خریده شده باشد بنابر احتیاط واجب از عین آنها یا از قیمت فعلی آنها خمس آنها پرداخت شود.

«سؤال ۳۰۳۸» کتاب هایی در آینده مورد نیاز یا مراجعه است. اگر فعلًا تهیه شود و سال بر آنها بگذرد، آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر فعلًا یا در آینده مورد نیاز باشد و نتواند در آن موقع تهیه کند خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۳۹» شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همهٔ کتاب ها را مطالعه نکرده و به مرور زمان مطالعه می کند. اگر سر سال رسید؛ آیا به آنها خمس تعلق

می گیرد؟

جواب: اگر کتاب ها در معرض استفاده بوده هرچند از آنها در طول سال استفاده نکرده باشد خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۴۰» کاسبی هستم که سر سال دو میلیون تومان بـدهی حالّ دارم در حالی که دارایی فعلی پانصد هزار تومان است؛ آیا یک و نیم میلیون تومان بقیه را می توانم از درآمد سال بعد یا سال های بعد کسر کنم؟ و در صورتی که بدهی حالّ نباشد چطور؟

جواب: بـدهی باید مربوط به همین سال باشد و الّا کسر نمی شود، ولی اگر بدهی امسال را از درآمد سال آینده پرداخت کند از مؤونهٔ همان سال حساب شده و متعلق خمس نمی شود و فرقی بین بدهی حال و مأجل نیست.

«سؤال ۳۰۴۱» اگر کاسبی حساب تک تک اجناس خود را داشته باشد؛ آیا می تواند برای هر جنسی یک حساب سال جداگانه قرار بدهد یا باید سر سال حساب تمام اجناس را جمع آوری کرده ولو سودی تازه به دست آورده باشد؟

جواب: آخر هر سال باید مجموع درآمد در طول سال را یکجا حساب کنند.

«سؤال ۳۰۴۲» اگر از سال قبل مثلًا صد هزار تومان مخمس دارم و امسال ده هزار تومان

درآمـد داشـته و به همین مقـدار در مؤونه هزینه کرده ام؛ آیا می توانم مؤونـهٔ امسال را از درآمـد امسال کسـر کنم و در نتیجه خمس بدهکار نشوم؟

جواب: اگر مـال مخمس را جـدا نکرده ایـد، بلکه بـا همـهٔ موجودی تجارت کرده ایـد و در آخر سال دوم چیزی اضافه بر مال مخمس سال قبل ندارید خمس بر شـما واجب نیست، ولی اگر عین خمس داده را جدا گذاشـته اید و آن را صرف مؤونه سال دوم کرده اید برداشتن مقدار آن از

درآمد سال دوم محل اشکال است.

خمس سرمایه و ترقی قیمت

«سؤال ۳۰۴۳» اگر اموالی داشته باشد که خمس به آنها تعلق نگرفته یا خمس آنها را داده و قیمت بازار آنها بالا ـ رود؛ آیا خمس آن زیادی واجب است؟ آیا در صورت فروش باید خمس بدهد؟

جواب: اگر مال التجاره و سرمایهٔ کسب باشد ترقی قیمت هم باید حساب شود.

«سؤال ۳۰۴۴» آیا به وسایل زنی که شغلش آرایشگری است خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به ابزار کسب و شغل خمس تعلق می گیرد.

« سؤال ۳۰۴۵» مدتی است هرچند وقت یک بار از طرف دولت و مؤسسات و شرکت ها و ... مدل هایی از اتوبوس های مسافربری و کامیون های از رده خارج شده اعلام می شود و صاحبان این وسایل مجبورند وسیلهٔ خود را به قیمت نازلی بفروشند و احیاناً با زحمت فراوان مدلی بالاتر را بخرند و با آن کار کنند. حال سخن این است که مثلًا اگر شخصی مدل قبلی را چند سال قبل به پنج میلیون خریده و خمس آن را هم پرداخته، ولی الآن مجبور است آن را به قیمت شش میلیون بفروشد- که اگر وضعیت جدید پیش نیامده بود پانزده میلیون ارزش داشت- و مدل بالاتری را به قیمت بیست میلیون بخرد (که همین هم احیاناً یک سال نگذشته ممکن است ارزان تر شود) و با سختی و مشقّت و فروختن تمام اموال خود و قرض گرفتن پول آن را بدهد؛ آیا چنین افرادی مصداق سؤال ۱۴۳۱ از استفتائات هستند که اگر بخواهند خمس این سرمایه را بدهند فلج می شوند و چیزی به عهده شان نیست؟ لطفاً نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۲

جواب: در فرض مذکور با توجه به تورّم، به

پول فروش ماشین خمس تعلق نمی گیرد، بلکه اگر ارزان تر شدن آن بر اثر وضعیت جدید، ضرر به سرمایه محسوب می شود می توانـد مقـدار ضـرر را از منافع همان سال ضـرر، جبران کند و به اندازهٔ آن مقدار خمس ندارد، ولی مقدار اضافه ای را که صرف خریـد ماشـین جدیـد می کنـد چنانچه از طریق فروش اشـیایی بوده است که از درآمـد خود خریـده است، ولی به دلیل مؤونه بودن، خمس آنهـا واجب نبوده است بایـد خمس آن را بدهـد و وام نیز تـا زمانی که اقساط آن را نپرداخته است خمس ندارد و بعداً هر مقدار را ادا کرد سر سال به همان مقدار خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۴۶» افرادی بـا هم به صورت شـراکت کارگـاه ها یا کارخانه هایی با سـرمایه های کمی راه انـدازی کرده و برای راه انـدازی آن شـرکت ها مجبور شـده اند از بانک های متفاوت وام بگیرند و در نتیجه اصل وام ها و بهرهٔ بانکی که به بانک می پردازنـد بیشتر از اصل سـرمایه و حتی ارزش کارخانه و درآمـد آن است و تنها سودی که این گونه شـرکت ها داشـته انـد این بوده که عده ای مشغول به کار شده و حقوقی می گیرند و برای کارفرما، هیچ گونه سودی نداشته و ندارد. وظیفهٔ صاحبان این شرکت ها در مورد وجوهات شرعی چیست؟

جواب: چنـانچه کارگـاه یـا کارخانه، در رأس سال، سودی نداشـته باشـد تنها به آن مقـدار از سـرمایه که در مقابل آن بـدهی ندارنـد و اقساط آن پرداخت شـده است خمس تعلق می گیرد و بهرهٔ بانکی که به بانک پرداخت می گردد خمس نـدارد و با فرض عدم تمکن فعلی از پرداخت خمس، باید با مرجع تقلید خود یا وکیل وی محاسبه و دستگردان کنند.

خمس مهریه و جهیزیه

«سؤال ۳۰۴۷» اگر

شوهر در پرداخت مهر، مقداری بیشتر از مهر مقرّر بپردازد، آیا به آن مازاد خمس تعلق می گیرد؟

جواب: مازاد بر مهر اگر به عنوان هبه و بخشش باشد و زائد بر شأن او نباشد خمس ندارد ولی زن او اگر مقدار هبه را در سال صرف نکند باید خمس آن را بدهد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۳

«سؤال ۳۰۴۸» آیا قبل از سال مالی می توان جهیزیهٔ دختر و یا برای عروس، طلا و یا غیر آن تهیه کرد یا بر چنین خریدهایی خمس تعلق می گیرد؟

جواب: جهیزیهٔ دختر را اگر موقع آن رسیده باشد می توانند از درآمد هر سال در همان سال تهیه کنند.

«سؤال ۳۰۴۹» پولی را که پدر دختر از داماد می گیرد و آن را مهریهٔ دخترش قرار می دهد به این معنا که پدر مبلغی را از داماد اخذ کند و از این پول هر مبلغی را که صلاح دید به دختر به عنوان مهریه پرداخت می کند و چه بسا مقداری را برای خود و یا دیگران بر می دارد؛ آیا گرفتن این پول حلال است؟ و اگر حلال است خمس آن بعد از یک سال به عهدهٔ پدر است یا دختر؟

جواب: در فرض سؤال، کلّ مبلغ، مهریهٔ دختر و مال اوست و مهریه خمس ندارد، ولی آنچه را دختر به پدر یا به دیگران هبه می کند آنان پس از مؤونهٔ سال باید تخمیس کنند.

«سؤال ۳۰۵۰» دو فرزند دختر در خانه دارم که برای جهیزیهٔ آنها تدارک ندیده ام و درآمد آنچنانی هم ندارم که بتوانم به صورت یک جا برای آنها چیزی بخرم و چون امیدی به آیندهٔ خود ندارم که زنده باشم و می خواهم حق آنها

را بـدهم که محروم نشوند؛ آیا می شود ملکی و یا زمینی و ... به عنوان جهیزیه به آنها بدهم و در این صورت اگر زمین مزبور را بفروشند، آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: ملك یا زمین را اگر به آنها ببخشید و در همان سال صرف در جهیزیه شود خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۵۱» در بین بعضـی از اقوام مرسوم است که تمام جهیزیه و لباس عروس را داماد تهیه کنـد و داماد هم توان و قـدرت مالی ندارد که هم جهیزیهٔ عروس و هم لباس داماد و هزینهٔ مراسم عروسـی را یک جا تهیه کند؛ لذا مجبور است طی چند سال کم کم مقداری پول برای مصارف یاد شده پس انداز کند؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر پول را نگه دارد متعلق خمس می شود، ولی اگر تدریجاً جهیزیه را بخرد خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۵۲» فردی به جای جهیزیه برای دختر خود یک آپارتمان خریداری کرده است؛ آیا باید خمس آن را پرداخت کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۴

جـواب: خریـد خـود جهیزیه برای دختـر اشـکال نـدارد و مؤونه محسوب است، ولی آپارتمـان و یـا پول نگه داشـتن برای تهیهٔ جهیزیه مؤونه محسوب نیست و باید خمس آن پرداخت گردد.

خمس صدقه

«سؤال ۳۰۵۳» بنده چند سالی است که مرض قلبی دارم و وضع اقتصادی خوبی هم ندارم؛ لذا از طریق جمع آوری کمک های مردمی، هزینـهٔ بیمارسـتان را تهیه کرده و در میان آنها ممکن است صـدقه باشد. با توجه به این که نظر حضـرت عالی در مورد صدقه این است که به آن خمس تعلق می گیرد حال وضع این صدقات که نزد این جانب است چگونه است؟

جواب: اگر صدقه و

هر درآمد دیگر در همان سال پیدایش، صرف نیازهای زندگی بشود خمس تعلق نمی گیرد.

خمس ارث

«سؤال ۳۰۵۴» اگر مطمئن باشیم مالی که به وسیله ارث یا مهر به ما رسیده، خمس آنها داده نشده، آیا باز هم خمس و زکات به آنها تعلق نمی گیرد؟

جواب: مالی مانند ارث و مهریه هرچند به خودی خود خمس ندارد، ولی اگر قبل از آن که ارث یا مهریه گردد متعلّق خمس بوده و خمس آن پرداخت نشده باشد، مقدار خمس آن به ورّاث یا زن، انتقال شرعی نمی یابد و وراث باید قبل از تقسیم مقدار خمس آن را بپردازند و زن هم معادل آن مقدار را از شوهر طلبکار است.

«سؤال ۳۰۵۵» اگر شخصی مالی را به ارث برده باشد و مدت ۲۰ سال اصلًا در آن تصرفی نکند؛ آیا باید خمس آن را بپردازد؟ و اگر آن را صرف ساختن مسجد کند بازپرداخت خمس واجب است؟

جواب: ارث هرچند بماند و گران هم بشود متعلق خمس نیست ولی اگر مال متعلق خمس را بخواهند صرف ساختن مسجد کنند باید اول خمس آن را بپردازند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۵

« سؤال ۳۰۵۶» به قصد سهم الارث به دوتا از دخترهایم که ازدواج کرده اند برای هر کدام مبلغی جهت خریدن خانه و گشایش در امر زندگی آنها به حساب پس انداز مسکن که به نامشان افتتاح شده، از محل وجوه پس انداز شده واریز کرده ام. آیا به مبالغ فوق که به عنوان سهم الارث پرداخت شده خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به وجوه پس انداز شده که در همان سال صرف مؤونه نشده خمس تعلق می گیرد و بخشش در زمان حیات حکم ارث را ندارد.

خمس اموال میّت

«سؤال ۳۰۵۷» پدر همسرم، ملکی را در زمان حیات خود به نام فرزندانش کرده و وصیت کرده که

خمس آن را بدهید بعضی می گویند: وصیت کرده پس از فروش، خمس آن را بدهیم؛ ولی هنوز فروش نرفته است. همسرم سهم خود را قیمت کرده و خمسش را با نمایندهٔ شما دستگردان کرده و در سال بعد آن را پرداختیم. اخیراً شنیده ایم که می گویند: چون از اصل مال خمس نداده اید و از پول خودتان خمس می دهید باید یک چهارم بدهید. حال وظیفهٔ ما در مقابل خمس ملکی که یک پنجم آن را داده ایم چیست؟ و آیا باید بعد از فروش آن ملک افزایش قیمت را خمس بدهیم یا یک بار کفایت می کند؟

جواب: در این موارد اگر آن ۱۵ ملک را که معادلش را به عنوان خمس پرداخت کرده اید مورد نیاز شما بوده است پرداخت همان مبلغ کافی است، ولی اگر مورد نیاز شما نبوده است باید سر سال خمس آن ۱۵ را نیز بپردازید و پس از پرداخت اگر باز هم مورد نیاز نباشد باید هنگام فروش آن، خمس افزایش قیمت آن را نیز بپردازید.

«سؤال ۳۰۵۸» دو برادر پس از مرگ پدرشان مال و اموال او را تقسیم نمی کنند و با هم به نحو اشتراک از اموال به ارث رسیده در آن کار می کنند. حال اگر یک قطعه زمین با درختانی که ارث پدرشان بوده را با زمین و درختان همسایه معامله کنند (معاملهٔ کالا به کالا) آیا زمین و درختان این قطعه زمین که در عوض درختان و زمین ارثی گرفته اند مشمول خمس می شود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۶

جواب: اگر معاوضه بدون پرداخت اضافه بوده خمس تعلق نگرفته، ولی اگر پولی اضافه داده باشند به آن مبلغ که سر داده اند خمس تعلق گرفته

است.

خمس هدیه

« سؤال ۳۰۵۹» این جانب کارمند بانک ملت می باشم. در ایام عید، مبلغی عیدی از طرف مشتریان به کارمندان می دهند. بفرمایید چه حکمی دارد؟ و اگر از طرف مشتریانی باشد که پایبند به مسائل دینی و خمس و زکات نیستند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر نمی دانید که آن عیدی ها متعلق خمس بوده و خمس آن داده نشده برای شما اشکال ندارد.

«سؤال ۳۰۶۰» فرزندی که به حدّ تکلیف نرسیده است از فردی که می دانیم خمس می دهد پولی به عنوان هدیه گرفته و به نام خود پس انداز کرده است و سال بر آن گذشته، وی پس از مدتی مقروض می شود و از این پول قرض خود را ادا می کند. مسألهٔ خمس چگونه است؟ اگر فرزند به حدّ تکلیف رسیده باشد چگونه است؟

جواب: انسان اگر به حدّ تکلیف رسیده باشد چنانچه به او هدیه دادند حکم سایر درآمدها را دارد. اگر در وسط سال صرف مؤونهٔ سال شد خمس ندارد و اگر باقی ماند باید خمس آن را بدهند. در مورد بچهٔ نابالغ چنانچه به او هدیه داده شد و سال بر آن گذشت بنابر احتیاط واجب پس از بلوغ خمس آن را بپردازد.

«سؤال ۳۰۶۱» اگر کسی به انسان هدیه ای بدهد و ما شک کنیم که آیا خمس آن را پرداخته است یا نه، چه کنیم؟ و اگر در حال حاضر پولی را به ما هدیه داده و سال بر آن گذشته است و خانواده به عنوان هزینهٔ زندگی از آن استفاده می کند؛ وظیفهٔ ما چیست؟

جواب: اگر شک داریم هدیه دهنده، خمس هدیه را داده یا نه و می دانیم متعلق خمس شده است باید خمس آن را بدهیم و در

نزد هدیه گیرنده اگر در ظرف یک سال، صرف مؤونه شده خمس ندارد وگر نه او هم باید خمس آن را بدهد، ولی اگر شک دارید که خمس بدان تعلق گرفته لازم نیست خمس آن را پرداخت کنید.

«سؤال ۳۰۶۲» این جانب آموزگارم و در روز معلم هر سال، دانش آموزان وسایلی از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۷

قبیل خودکار، تسبیح و امثال آن برایم هدیه می آورند که فقط در حدّ امتحان رنگ و نرمی از آن استفاده می کنم. تا به حال گمان می کردم فتوای آن حضرت با فتوای حضرت امام رحمه الله مطابق است، لکن حال که دریافتم این طور نیست؛ تکلیف شرعی این جانب چیست؟

جواب: اگر اشیای مذکور مورد نیاز شما بوده و در طول سال در معرض استفاده شما بوده است، خمس ندارد و در غیر این صورت پس از گذشت سال خمس دارد و اگر قبلًا این مسأله را در زمان حیات امام از ایشان یاد گرفته اید و فراموش نکرده اید می توانید به فتوای ایشان باقی باشید.

«سؤال ۳۰۶۳» مالی که براساس فتوای مرجع تقلید میّت، متعلق خمس نبوده (هبه بوده است) و در نتیجه خمس آن را پرداخت نکرده، اما براساس فتوای مرجع تقلید وارث، باید خمس آن پرداخت می شده؛ آیا وارث باید خمس این مال را بپردازد؟

جواب: در فرض سؤال، میّت بدهکار نبوده و وارث هم بابت ارث، خمس بدهکار نمی شود.

«سؤال ۳۰۶۴» ملاک عرفی بودن هدیه چیست، یعنی اگر هدیه را دریافت کند و در شأن عرفی او باشد، اما آن را در طول سال مصرف نکند؛ آیا بدان خمس تعلق می گیرد؟

به عنوان مثال پارچه ای را به او هدیه می دهند با این که نیاز دارد، اما تا

پس از گـذشت سـال آن را نمی دوزد و یا این که ظروفی که در شأن عرفی اوست برای او هـدیه می آورنـد، اما در طول سال مورد مصرف قرار نمی دهد.

جواب: اگر در معرض نیاز و استفاده بوده هرچند تصادفاً در طول سال از آن استفاده نشده خمس واجب نیست.

«سؤال ۳۰۶۵» آیا مرد می توانـد با توجه به مسائلی چون: کم بودن اصل مهریه، یا فعالیت اقتصادی زن در خانه از درآمـد سال خود مبلغی یا چیزی را به عنوان مهریه به زن خود ببخشد و آیا به این سرمایهٔ زن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: بخشـش مرد اگر موافق شأن او باشـد و برای فرار از خمس نباشد مانعی ندارد، ولی درآمد زن و از جمله بخشـش به او اگر زاید بر مخارج سال باشد متعلق خمس است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۸

«سؤال ۳۰۶۶» این جانب در زمان حیات حضـرت امام رحمه الله مقلـد ایشان بودم و در زمان جنگ تحمیلی ماهیانه حقوقی که به من پرداخت می شـد آن را به پـدرم که بسـیار فقیر و تنگـدست بود می دادم نه به نیّتی که آن را پس بگیرم، صـرفاً به خاطر فقرِ پـدرم به او می دادم و در زمان بعد از جنگ که دانشـجو شدم، ازدواج کردم؛ ولی حقوق دانشـجویی کفاف زندگی ما را نمی داد طبیعتاً خمس هم به عهـدهٔ من نیامده تا این که پدرم وضـعش سـر و سامان گرفت و مقدار پولی که در زمان جنگ به وی داده بودم به من برگرداند. فعلًا که مقلد شما هستم، آیا این پول متعلق خمس است؟

جواب: پول هایی را که به پدر داده اید اگر به او بخشیده اید طبعاً او بعداً از پول خودش

به شـما داده و مصـرف کرده اید، پس خمس به شـما تعلق نگرفته است، ولی اگر از باب قرض به پدر داده اید پس از دریافت باید بلافاصله خمس آنها را بدهید، چون از درآمدهای سال های سابق بوده است.

«سؤال ۳۰۶۷» اگر انسان مالی را به منظور اهدای به دیگران از اموالش جدا کند تا هرگاه به او دسترسـی پیدا کرد آن را به وی تحویل دهد چنانچه سال خمسی وی فرا رسد و آن مال هنوز در نزدش باشد، آیا خمس به آن پول تعلق می گیرد؟

جواب: تا هبه را شخص موهوب له قبول نکند و تحویل نگیرد در ملك واهب باقی است. بنابراین به آن خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۶۸» شخصـی منزلی دارد که فرسوده شـده و نیاز مبرم به تعمیر و بازسازی دارد. صاحب این منزل مقـداری پول دارد که برای تعمیر و بازسـازی منزل کفـایت نمی کنـد و لازم است حـداقل یـك سـال صبر کنـد تا به آن بیفزایـد؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر پول از درآمـد سـالی باشـد که در آن سـال خانه را بازسازی می کنیـد خمس تعلق نمی گیرد، ولی چنانچه پول را صرف تعمیر منزل نکردید و سال بر آن گذشت متعلق خمس است.

«سؤال ۳۰۶۹» کسـی که زیـارت می رود و برای اهـل و عیـال خود و دیگران سوغـات می آورد از قبیـل مهر، تسبیـح، انگشتر، جانماز و ...؛ آیا به اینها خمس تعلق می گیرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۳۹

جواب: اگر قبـل از رسـیدن سر سـال، سوغات را به افراد تحویل دهیـد خمس تعلق نمی گیرد و همچنین است چیزهایی را که برای مصرف خودتان خریده و مصرف می کنید.

«سؤال ۳۰۷۰» فردی گاراژی داشته که

خمس اصل آن را داده است و اما اکنون به عللی خانه نشین شده و بر اثر اضطرار، گاراژ را فروخته و پول آن را بلافاصله بین فرزندان خود تقسیم کرده به شرطی که خودشان خمس آن را بدهند؛ آیا خمس این پول را باید بدهد؟

جواب: اگر در همان سال فروش پول آن را صرف نیازهای زندگی کرده یا به فرزندانش بخشیده به خود او چیزی تعلق نگرفته، ولی فرزندان اگر مبلغ را یا بعض آن مبلغ را در همان سال صرف مؤونهٔ زندگی نکرده باشند باید خمس آن را بپردازند.

«سؤال ۳۰۷۱» از زمانی که شما را به عنوان مرجع تقلید انتخاب کردیم کادوهایی را که برای ما آورده اند به گمان این که خمس بر آنها تعلق نمی گیرد خمس آن را نداده ایم و اکنون تعداد و مقدار آنها در ذهن ما نیست، چون آنها را به دیگران هدیه کرده ایم. اکنون تکلیف ما چیست؟ لازم به ذکر است قبلًا مقلد مرحوم امام بوده ایم و خمس هدایا را پرداخت نمی کردیم.

جواب: می توانید به فتوای آن مرحوم باقی باشید و نیز می توانید مجموع آنها را به نحو اجمال در نظر بگیرید و بر طبق حدس و تخمین، خمس هدایایی را که سال بر آنها گذشته است بپردازید.

«سؤال ۳۰۷۲» آیا می توان برای هدایایی که برای انسان می آورند سال جداگانه قرار داد و تاریخ هر کدام را جدا یادداشت کرد و قبل از رسیدن سال آن را مصرف و یا با فروش در مؤونه مصرف کرد؟

جواب: برای همهٔ درآمدها یک سال معیّن می شود و مبدأ آن حصول اولین درآمد است.

«سؤال ۳۰۷۳» فردی که حساب خمسی اش را فراموش کرده و از درآمد سالش،

مبالغی به فرزندان و همسرش هبه می کند؛ آیا بعد که می خواهد خمس مالش را بدهد باید خمس مقدار هبه شده را هم بدهد؟ به چه مقدار؟

جواب: اگر از درآمد سال فعلی نه سال های سابق به همسر یا اولادش هبه کند، هبهٔ

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۰

مناسب شأن، نه به قصد فرار از خمس، مانعی ندارد؛ ولی همسر و اولاد باید پس از یک سال اگر مصرف نکنند خمس آن را بدهند.

«سؤال ۳۰۷۴» دختری پولی را به عنوان هدیه گرفته است والدین وی از آن برای او وسائلی به عنوان جهیزیه تهیه کرده اند، ولی پس از مدتی خانواده به آن وسایل نیازمند شده و آنها را مصرف کرده اند و در حال حاضر تهیه عین وسایل هم ممکن نیست.

بفرمایید در این مورد، آیا خمس واجب است؟

جواب: در مفروض سؤال، خمس واجب نیست.

«سؤال ۳۰۷۵» نفقه ای که پدر به فرزند و یا زوج به زوجه می دهد و از این راه، مبلغی جمع و پس انداز شود؛ آیا بدان خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر شوهر به زن مبلغی را می بخشد در آخر سال زن باید خمس آنچه را خرج نکرده بپردازد، ولی اگر زن صندوق دار شوهر است بقیه را شوهر باید در آخر سال تخمیس کند و همچنین است فرزند نسبت به پدر.

«سؤال ۳۰۷۶» شخصی که مقلد شماست اگر کسی به او سکه ای ببخشد؛ آیا خمس یا زکات به او تعلق می گیرد؟

جواب: به نظر این جانب هبه هم مثل سایر درآمدها اگر در همان سال صرف مؤونه زندگی نشود متعلق خمس است، ولی سکه های طلا که فعلًا پول رایج در معاملات نیست زکات ندارد.

«سؤال ۳۰۷۷» در توضیح المسائل حضرت عالی آمده که هبه

خمس دارد. اولًا: آیا مقـدار در آن اثر دارد؟ یعنی اگر مال هدیه داده شده کم باشد باز به آن خمس تعلق می گیرد؟ ثانیاً: اگر کسی خمس مال را پرداخت و سپس آن را هبه کرد؛ آیا گیرندهٔ هبه از پرداخت خمس معاف می شود؟

جواب: هبه متعلق خمس است چه کم باشد و چه زیاد به این معنا که اگر در طول سال خمسی، صرف مؤونه نشود باید خمس آن پرداخت گردد. و این که هبه کننده خمس مال موهوبه را داده تأثیری در حکم نسـبت به موهوب له ندارد و کسی که به او هبه شده اگر در طول سال خمسی، صرف مؤونه نکند باید خمس آن را بپردازد و اگر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۱

بدانـد که واهب خمس مال موهوبه را نداده اصل هبه نسـبت به ۱۵ مـال تحقق نیافته و موقوف به اجازهٔ مرجع تقلیـد و یا نمایند اوست.

«سؤال ۳۰۷۸» اگر چیزی را-ماننـد پارچه- در حالی به انسان هدیه دهند که فعلًا بدان نیاز ندارد؛ آیا زمان پرداخت خمس آن اکنون است یا زمانی که بدان نیازمند می شود؟

جواب: در آخر سال به مقدار ارزش آن باید تخمیس شود.

خمس پس انداز

«سؤال ۳۰۷۹» اگر کسـی به خاطر شـرایط سـخت، مجبور شود محل زندگی خود، یعنی خانهٔ خود را بفروشد و به کرایه نشینی برود و پول آن را در بانک بگـذارد تا با سود آن هزینهٔ زندگی را بپردازد؛ آیا سودی که می گیرد حلال است؟ و آیا این پول متعلق خمس است؟

جواب: اگر منزل مورد احتیـاج فروخته شود و صـرف تهیه منزل دیگری یـا مایحتـاج زنـدگی نشود خمس دارد و اگر بـا قصـد جدّی

پول خود را تحت عناوین عقود صحیحی مانند مضاربه و وکالت در مصالحهٔ سود آن در اختیار بانک گذارده باشد دریافت سود اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۰۸۰» آیا پولی که برای بچه ها به حساب بانک آنها ریخته شده خمس دارد؟

جواب: بچه ها که مکلف نشده اند تکلیفی ندارند، ولی وقتی به سن بلوغ رسیدند باید بنابر احتیاط واجب خمس آن را بپردازند و ولیّ شرعی آنان نیز می تواند خمس آنان را بدهد.

«سؤال ۳۰۸۱» خانم این جانب کارمند دولت می باشد که از طرف ادارهٔ مربوطه، قطعه زمینی مسکونی در شهرک های جدید به او واگذار کرده اند که پول آن را در سه قسط پرداخت کند. قسط اول را از مهریه خود پرداخت کرد و دو قسط دیگر را در دو فقره چک داده که فاصلهٔ بین آنها یک سال است. ایشان از اول سال مبلغی را ماهیانه از حقوق خود پس انداز کرده که در تاریخ مورد نظر چکش را پاس کند و هم اکنون سال خمسی او فرا رسیده است؛ آیا به این موجودی که برای پرداخت بدهی خود پس انداز کرده خمس تعلق می گیرد و همچنین ایشان در سال های گذشته برای تهیهٔ جهیزیهٔ خود مبلغی وام

گرفته که الآن از حقوق خود ماهیانه قسط پرداخت می کند؛ آیا به آن موجودی خمس تعلق می گیرد؟

در ضمن همسرم در خانهٔ این جانب زندگی می کند و مخارجش به عهدهٔ این جانب است و من هم در حال تهیهٔ منزل می باشم که جدای از آن زمین است؛ آیا به آن زمین که متعلق به همسرم است خمس تعلق می گیرد؟

جواب: در فرض مذکور آنچه ایشان در طول سال صرف ادای وامی که بابت جهیزیه است

کند خمس ندارد همچنین آنچه در طول سال صرف ادای وام زمین کند در صورتی که زمین برای تهیه منزل مورد نیاز اوست، یعنی مثلًا فعلًا منزل شخصی ندارد و معلوم هم نیست قبل از ساختن آن زمین، شوهرش بتواند منزل شخصی متناسب شأن او تهیه کند خمس ندارد، ولی اگر در فرض مذکور، در طول سال درآمد را صرف ادای دِین نکند و تا سر سال پس انداز کند بنابر احتیاط واجب خمس دارد و همان طور که گفته شد اگر ایشان برای سکونت به زمین و ساختن آن نیاز دارد، جزء مؤونه است و خمس ندارد، ولی با توجه به این که شما به زودی منزل مناسب شأن ایشان را تهیه می کنید اگر برای سکونت نیاز به زمین و ساختن خانه ندارد باید خمس پولی را که بابت آن زمین از درآمد خود می پردازد بدهند، اما آنچه از مهریه پرداخته است خمس ندارد و همین طور خمس ترقی قیمت زمین قبل از فروش آن واجب نیست.

«سؤال ۳۰۸۲» شخصی بابت خرید منزل بدهکار بوده، اما سررسید بدهی او سال آینده است، وی از همین امسال باید پس انداز کند تا سال آینده بتواند بدهی خود را ادا کند. آیا به این پول پس انداز شده، در پایان امسال (سال خمسی) خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به طور کلی پرداخت بدهی سال جزء مؤونه است، ولی اگر نپردازد آخرِ سال، به آن پول کنار گذاشته شده خمس تعلق می گیرد، اما در فرض مذکور- بدهی از بابت منزلی بوده که مؤونۀ فعلی اوست- می تواند موجودی را بابت بدهی محسوب کند و اگر اضافه آمد خمس آن را بپردازد.

«سؤال ۳۰۸۳» شخصی که در طول

سال مبالغی را برای فرزندش در بانک پس انداز

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۳

می کنـد، گرچه از نظر قانونِ بانک؛ صـرفاً پـدر حق برداشت دارد، اما هـدف پدر فقط پس انداز پول برای فرزند است؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟ (چون فرزنـد هنوز به حدّ بلوغ نرسیده) و آیا بر پدر قبل از بلوغ فرزند واجب است خمس این پول را بدهد؟

جواب: تـا مال به نام فرزنـد و تحویل خود او نشـده باشـد مال او نبوده و مال پـدر است و بایـد در آخر سال پـدر خمس آن را بپردازید.

«سؤال ۳۰۸۴» بانک سپه حساب پس اندازی به نام سپردهٔ سـرمایه گذاری مستمری مادام العمر دارد، به این صورت که ۵ سال یا بیشتر ماهیانه مبلغی مشخص به صورت وام به بانک پرداخت می شود. پس از مدت مشخص بانک تا پایان عمر همان مبلغی که ماهیـانه پرداخت می شـد را به ما می پردازد؛ آیا به این پول های موجود در این حساب خمس تعلق می گیرد و در صورت تعلق با توجه به این که از این حساب تا مدت مشخص نمی توان پول دریافت کرد. چگونه باید خمس آن را پرداخت کرد؟

جواب: صحت قرارداد مذکور به عنوان وام محل اشکال است، ولی در هر صورت با فرض عدم امکان دریافت آن پول خمس واجب نیست، اما هر وقت دریافت ممکن شد مبلغی که به بانک پرداخته است باید فوراً تخمیس شود.

«سؤال ۳۰۸۵» کسـی که مخـارج زنـدگی او را دیگری می دهـد و او علی رغم نیاز شدیـد به وسائلی مثل یخچال، بخاری و ... اقدام به تهیهٔ آن ها نمی کند و پول آن را نگه می دارد؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب:

خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۸۶» یکی از بستگانم مبالغی پول مخمّس را به تدریج به عنوان پس انداز در اختیار این جانب قرار داده و اجازه تصرف در آن را هم داده است. من طی چند سال از این پول خانه ای برای پسرم که به تحصیل اشتغال دارد ساخته ام و قسمتی از بدهی مذکور را از درآمد ماهیانه ام به پس انداز نامبرده مسترد کرده ام؛ آیا از این بابت خمس به ذمّه دارم؟ اگر دارم چگونه پرداخت کنم؟

جواب: اگر موقع ازدواج و تهیّه منزل برای فرزند رسیده و لازم باشد متعلق خمس نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۴

«سؤال ۳۰۸۷» کسی قبلًا مقلد یکی از مراجع بوده و حساب سال خود را نزد ایشان رسیدگی می کرده و مبلغی از این بابت به ایشان بدهکار است؛ حالا با عدول به حضرت عالی تکلیف بدهکاری سابق چه می شود؟ آیا مجاز است بدهکاری سابق را برای تعمیر مساجد به مصرف برساند؟

جواب: خمس را باید به مرجع جامع الشرایط تحویل داده و گذشته ها را هم باید با مرجع فعلی حلّ و فصل کنند و برای تعمیر مساجد هم باید با مرجع صحبت و کسب اجازه کنند.

«سؤال ۳۰۸۸» این جانب جهت خرید ماشین، مبلغ دو میلیون تومان از یکی از اقوام نزدیک خود قرض کردم. در حال حاضر و بعد از دو سال این مبلغ را با صرفه جویی در زندگی مهیا کردم، ولی با توجه به عدم نیاز صاحب پول، این مبلغ را طی پانزده روز گذشته در صندوق قرض الحسنه گذاشتم تا بعد از شش ماه بتوانم چهار میلیون تومان پول به عنوان وام برای خرید خانه دریافت کنم. (علاوه بر دو میلیون)، زیرا از خودم خانه ای

ندارم. آیا با توجه به بدهکاری که دارم به این دو میلیون تومان خمس تعلق می گیرد؟

جواب: چون بدهکاری بابت مؤونه امسال نیست نمی توانید از درآمد و فروش وسایل، کسر کنید؛ اما می توانید قبل از رسیدن سال، بـدهکاری را بپردازیـد تا خمس به آن تعلق نگیرد اگر کل آن از درآمد امسال است؛ ولی اگر مبلغی هم از سال گذشـته است به آن مبلغ خمس تعلق گرفته است.

«سؤال ۳۰۸۹» این جـانب در یـک شـرکتی مشغول به کـار هسـتم و همسـرم نیز در همـان شـرکت مشـغول به کـار است. ما از درآمـدها، هـدایا و ... به صورت مشترک و بدون محاسـبهٔ سـهم هر یک، خرج و اسـتفاده می کنیم با توجه به این که همسـرم مقلـد مرجع دیگری است و احیانـاً نحوهٔ محاسـبهٔ خمس ایشـان بـا شـما متفـاوت است. وظیفـهٔ مـا در قبال محاسـبهٔ خمس و نیز پرداخت آن چیست؟ و باید به چه صورت به مراجع مختلف پرداخت کنیم؟

جواب: در مفروض سؤال که اموال شما مشترک و سهم هر کدام مشخص نیست هر کدام نسبت به سهم تقریبی خود می تواند با مرجع تقلید خود یا نایب او مصالحه کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۵

خمس وام و قرض

«سؤال ۳۰۹۰» برخی از جوانان برای فراهم کردن مقـدمات ازدواج خودشان از بانک ها وام می گیرنـد و سـپس مبلغ وام را در بانک مسـکن به عنوان قرض الحسـنه می گذارنـد و پس از گـذشت مـدتی وام خرید مسـکن دریافت می کنند و از طرفی هم تمام درآمـدشان را بابت اقساط وام می دهنـد. سؤال این است: آیا به وام هایی که به هـدف هزینـهٔ ازدواج و خریـد مسـکن از بانک ها گرفته شده خمس تعلق می گیرد یا نه؟

جواب: اگر اقساط وام ها

پرداخت شده، ولی وام به مصرف مؤونه زندگی نرسیده باشد در آخر سال، خمس به آن تعلق می گیرد و هر مقدار از وام که صرف مؤونه نشده و اقساط آن پرداخت شده است سر سال، خمس آن را هم باید بدهد.

«سؤال ۳۰۹۱» مبلغی را به برادرم قرض داده ام، سر موعد مقرر بازپرداخت نشده و اکنون دو سال بر آن گذشته است؛ آیا زمانی که توان پرداخت داشته باشد و تسویه حساب کند خمس به آن تعلق می گیرد؟

جواب: دین تا زمانی که قابل وصول نباشد پرداخت خمس آن واجب نیست، ولی پس از امکان وصول باید خمس آن را بدهید.

«سؤال ۳۰۹۲» معلمی هستم که به بانک مسکن در اقساط چند ساله وام بدهکارم. اکنون که پایان سال خمسی من است، آیا می توانم بدهی های اقساط سال آینده را از موجودی کسر کرده و در نتیجه خمس بدهکار نشوم؟

جواب: چون مازاد بر مؤونه صرف مؤونه نشده خمس آن را بپردازید.

«سؤال ۳۰۹۳» سر سال خمسی، موقعی که وقت پرداخت خمس فرا می رسد بدهی ها را چگونه کسر کنیم.

جواب: در پایان سال مالی شخص می تواند کل بدهکاری های خود را بابت مؤونۀ همان سال از درآمد کسر کند.

«سؤال ۳۰۹۴» معمولًا در ساختمان ها پیمانکاران قراردادی می بندند که یا به صورت اجاره و یا متری کار کنند و یا تمام پول پایان کار محاسبه شود. در اثنای کار اگر صاحب

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۶

ساختمان یا پیمانکار پولی داشته باشد و سال خمسی اش فرا رسد؛ آیا باید کل مبلغ را حساب کند یا به مقدار بدهی خمس تعلق نمی گیرد؟

جواب: مقداری که قبل از رسیدن سال خمسی پرداخت شده یا آن را بابت کارهایی

که شده بدهکار است خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۹۵» این جانب به صورت قرض (قسطی) یک دستگاه تراکتور خریده ام و با آن مقداری گندم کاشته ام از آن جا که بنده در حال حاضر بابت خرید تراکتور مقروض هستم. زکات محصول گندم خود را چگونه باید پرداخت کنم؟

جواب: زکات گندم را اگر با آب قنات یا رودخانه آبیاری شده ۱۱۰ و اگر با آب چاه آبیاری شده ۱۲۰ باید بپردازد و در مورد خود تراکتور آنچه که از بدهی آن پرداخت شده، خمس آن واجب است.

«سؤال ۳۰۹۶» آیا به وامی که کسی از بانک دریافت کرده و هنوز اقساط آن را نپرداخته خمس تعلق می گیرد؟ در صورتی که با آن پول اجناسی تهیه کرده و از آنها حتی یک سال یا بیشتر استفاده نکند چطور؟

جواب: در فرض سؤال، به وام و به اجناسی که برای رفع نیاز خود با آن وام خریداری کرده خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۹۷» شخصی برای خرید ماشین سواری یا ساختن منزل مسکونی مبلغی قرض کرده است. قبل از خرید، سال خمسی وی می رسد و عین پول باقی است؛ آیا به چنین پولی خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به پول قرض که اقساط آن پرداخت نشده خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۹۸» اگر کسی برای خرید منزل از بانک پولی قرض کرد که در مدت چند سال آن را بپردازد و با آن منزلی را خرید و سپس آن را فروخت تا منزل دیگری خریداری کند؛ آیا به پول حاصل از فروش منزل اول خمس تعلق می گیرد، یا در صورتی خمس تعلق می گیرد که قبل از رسیدن سال مالی منزل دوم را نخریده باشد؟

جواب: کسی که منزل اول را برای خریدن

منزل دیگری بفروشد در صورتی که فوراً یا به مقدار زمانی که عرفاً صرف در مؤونه و تبدیل منزل به منزل دیگر صدق

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۷

می کند، پول حاصل از فروش منزل اول مشمول خمس نمی شود، چه پول منزل اول را قرض کرده باشد یا نه.

«سؤال ۳۰۹۹» فرزندم به دلیل این که می خواست به دانشگاه برود با مشقت فراوان پس از پنج ماه سیصد هزار تومان پس انداز کرد و مبلغی هم از من قرض گرفت و یک خط موبایل ثبت نام کرد. متأسفانه نتوانست به دانشگاه برود و پس از گذشت یک سال در حالی که به پولش خمس تعلق گرفته می خواهد قرض مرا از همان پول بدهد. با توجه به این که او می گوید من خمس نمی دهم؛ آیا در این پول، من حق تصرف دارم و می توانم به جای او خمس بدهم؟

جواب: مبلغی که از پس انداز خودش بوده و در طول سال صرف نیازهای زندگی او نشده متعلق خمس است و همچنین پولی که شما به او قرض داده اید و اکنون می گیرید اگر از مهریه و ارث نباشد متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۰۰» مستأجر مبلغی به عنوان سپرده به موجر پرداخت کرده است. اگر موجر در مدت اجاره از سپرده استفاده کند و یا نکند؛ آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

جواب: پولی که به عنوان قرض و وام از مستأجر می گیرد خمس ندارد، ولی اگر با آن کار کند قهراً سود و استفادهٔ آن مثل سایر درآمدها اگر سر سال خمسی زیاد بیاید متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۰۱» فردی مبلغی از بانک قرض کرده و در مؤونه مصرف کرده است، ولی این پول را باید

در سال های بعد به بانک بپردازد؛ آیا در رأس سال، این شخص می تواند مبلغی را که برای مؤونه قرض کرده از سود به دست آمده در همان سال کسر کند؟

جواب: می تواند و اشکال ندارد.

«سؤال ۳۱۰۲» در مورد وامی که خمس قسطهای پرداخت شدهٔ آن را داده است؛ آیا به سود حاصل از این وام خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر تا سر سال خمسی صرف مؤونه نشده متعلق خمس است.

« سؤال ۳۱۰۳» چنانچه شخصی به موجب چند فقره چک مدت دار، مبلغی به دیگری بدهکار باشد و به منظور تأمین محل چک های یاد شده که سر رسید آنها بعد از حلول

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۸

سال مالی بدهکار است، مبلغی اندوخته کند تا در سر رسید چک های یاد شده دچار مشکل مالی نشود، آیا با حلول سال مالی، موظف به پرداخت خمس وجه اندوختهٔ مزبور نیز می باشد یا خیر؟

جواب: اگر بدهی بابت هزینه های زندگی همان سال باشد مبلغ بدهی از مبلغ پس انداز کسر می شود و مابقی آن خمس دارد، ولی اگر بدهی به خاطر تهیهٔ سرمایهٔ کسب یا هزینهٔ زندگی در سال های قبل بوده است، آن چه را عملًا تا سر سال صرف پرداخت وام نکند خمس دارد.

خمس خانه و زمین

« سؤال ۳۱۰۴» اگر کسی خانهٔ خود را فروخته و مهر همسرش را داده و با باقیماندهٔ آن نتواند منزلی خریداری کند؛ آیا باید خمس سهم خود را بپردازد؟

جواب: اگر بقیهٔ پول آن را صرف مؤونهٔ زندگی نکند بنابر احتیاط خمس آن را بپردازد و می تواند آن را صرف خرید زمین و مانند آن برای تهیه و ساخت منزل دیگری در آینده کند که در این صورت خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۰۵»

زمین های نوآباد که بعضی توسط کاریز موروثی و بعضی توسط رودخانه آبیاری می شوند با فرض وجوب خمسشان؛ آیا به همراه آب قیمت می شوند یا این که بدون تقویم آب می توان آنها را تخمیس کرد؟

جواب: زمین اگر موروثی باشد خمس ندارد و اگر حیازت یا خریده شود با توجه به ارزش آن با موقعیت خاصی که دارد و در محل خاصی واقع است متعلق خمس بوده و طبعاً وجود آب در قیمت زمین کشاورزی مؤثر است.

« سؤال ۳۱۰۶» پدری دارای دو فرزند عقب افتادهٔ ذهنی است لذا برای امرار معاش حال و آینده، مقداری از زمین های کشاورزی خود را که حساب خمسی آنها را پرداخت کرده به نام این دو فرزند کرده است. در این زمین ها هر ساله مقداری برنج و جو کاشته و برداشت می شود و پس از فروش پول آن به حساب آنها گذاشته می شود و بعضاً از همین درآمد زمین های دیگری می خرد. حال آیا این محصولات زمین فرزندان که فعلًا قیّم و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۴۹

ولیّ آنها پدرشان است خمس دارد؟ و اگر خمسی دارد به عهدهٔ چه کسی است؟ ولیّ یا فرزندان؟ و یا اصلًا این بچه ها تکلیفی ندارند و خمس به اموال آنها تعلق نمی گیرد.

لازم بذکر است که پدرشان می گوید: تا زنده هستم از اموال خودم آنها را اداره می کنم و اموال و محصول کشاورزی و ... که به آنها داده ام را برای بعد از خودم می گذارم که زندگی آنها اداره شود.

جواب: به نظر این جانب نفس عین موهوبه، متعلق خمس است و عمومات خمس شامل صغیر و مجنون نیز می شود، پس در مفروض سؤال، خود زمین و همچنین درآمدهای آن متعلق

خمس است که پدر می تواند از عین آنها بدهد و می تواند از مال خودش بدهد، منتهی اگر می خواهد از مال خودش بدهد از مال مخمس خودش بدهد و یا به مقدار یک چهارم از درآمد مال صغیر بدهد و در جایی ثبت شود که مال صغیر یا مجنون تخمیس شده تا در آینده تکلیف روشن باشد.

«سؤال ۳۱۰۷» یک منزل کوچکی داشتیم آن را فروخته و با دریافت وام منزل بزرگ تری خریداری کرده ایم. بعد از خرید منزل قیمت منزل بسیار بالا رفت؛ آیا ترقی قیمت منزل جدید خمس دارد یا خیر؟ (منزل قبلی خمسش داده شده بود).

جواب: منزل مسکونی مورد نیاز متعلق خمس نیست و اگر بعدها آن را فروختید و پول آن را در همان سال صرف نیازهای زندگی کردید خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۱۰۸» چند سال پیش از طرف دولت زمینی به صورت مجانی به بنده واگذار شد تا بتوانم به واسطهٔ آن و از طریق کشاورزی امرار معاش کنم. آیا اصل این زمین خمس دارد؟ و اگر به علت کمبود آب، قسمتی از زمین درختکاری و کشاورزی شود کدام قسمت از زمین متعلق خمس خواهد بود؟ و آیا باید خمس، موقع فروش پرداخت شود؟

جواب: زمین مذکور و نیز ارزشی که به خاطر آباد کردن پیدا شده است خمس دارد که در آخر سال خمسی باید خمس آن را بپردازد.

«سؤال ۳۱۰۹» شخصی منزلی را به مبلغ شصت میلیون تومان خریداری کرده و فعلًا در آن سکونت دارد، وی این منزل را با کلیهٔ وسایل آن به همسرش بخشیده است؛ آیا باید

خمس آن را بدهد؟

جواب: منزلی که مؤونهٔ شخصی است

و با وسایل آن اگر به همسرش ببخشد برای خودش متعلق خمس نمی شود، ولی همسر اگر به منزل نیاز ندارد باید خمس آن را بپردازد.

«سؤال ۳۱۱۰» شخصی چند سال پیش زمینی برای کشاورزی خریده که مقداری از پول آن غیر مخمّس بوده است الآن برای پرداخت خمس آن چه کار باید بکند؟ در ضمن مقدار پول غیر مخمّس هم دقیقاً معلوم نیست.

جواب: از قیمت فعلی زمین نسبت به مقداری که می داند از مال غیر مخمّس است خمس آن را بدهد و نسبت به مقدار مشکوک با مرجع تقلید خود یا وکیل او مصالحه کند.

«سؤال ۳۱۱۱» یک مغازه در طول چندین سال توانسته ام بخرم که وجوهات آن را تماماً پرداخت کرده ام. آیا افزایش سالیانهٔ قیمت، جزء درآمد است؟ و پس از وفات این جانب آیا وارث باید وجوهات افزایش قیمت را بدهند؟

جواب: اگر مغازه را برای گران شدن و فروختن خریده اید ترقی قیمت سالیانه خمس دارد، ولی اگر برای فروش نخریده اید ترقی قیمت خمس ندارد، مگر این که تصادفاً بفروشید و ترقی قیمت آن از مؤونه سال فروش زیاد بیاید.

«سؤال ۳۱۱۲» یک باغ کوچک برای رفاه خانواده خریده ام و منبع درآمدی نیز ندارد.

وجوهات آن را نیز پرداخت کرده ام و کارهای آن را خودم در اوقات فراغت انجام می دهم؛ آیا وراث باید وجوهات افزایش قیمت آن را بدهند؟

جواب: ترقی قیمت آن خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۱۳» پدری منزل ویلایی داشته است. برای آن که فرزندانش بی مسکن نمانند آن را به شخصی واگذار کرده تا آن شخص در جای دیگر چند آپارتمان در قبال آن منزل ویلایی به او بدهد و پدر هم ۱۵ میلیون تومان ما به التفاوت به آن شخص بپردازد

و پـدر نیز موقع تحویـل آن آپارتمـان هـا را به نـام فرزنـدانش می کنـد؛ آیـا در فرض بالاـ بر چنین خانه هایی خمس تعلق می گیرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۱

جواب: تأمین مؤونـهٔ زنـد گی و از جمله مسـکن فرزنـدی که نیازمنـد است و خود از عهدهٔ آن بر نمی آید به عهدهٔ پدر است و پـدر از درآمـد سال می توانـد در همان سال هزینه کنـد، ولی درآمـد سال های قبل را بایـد اول تخمیس کرده و بعـداً صـرف نیازهای خود و فرزندان کند.

«سؤال ۳۱۱۴» این جـانب منزلی در روسـتا دارم که در شـأن این جـانب نبوده و خـانواده نیز این منزل را دوست ندارنـد، لـذا با گرفتـن وام مسـکن، منزلی شـصت مـتری در اصـفهان خریـداری کردم که قصـد سـکونت در آن را نـدارم، ولی برای پشـتوانه اقتصـادی فرزنـدان و خودم آن را نگه داشـته ام. از طرفی منزل اول را رها کرده و به صورت مسـتأجر زنـد گی می کنم. اکنون توانایی خرید منزل جدید را پیدا کرده ام و با توجه به این که در سال های گذشـته خمسـی پرداخت نکرده ام تکلیف چیست؟ ضمنـاً مقـدار چهـار میلیون تومـان پول نقـد دارم که برای خریـد منزل در طی سال گذشـته جمع آوری کرده ام، آیا به این نیز خمس تعلق می گیرد؟

جواب: چهار میلیون که برای خریـد منزل جمع آوری کرده اید اگر سال از آن نگذشـته باشد خمس ندارد و اگر سال گذشـته بنـابر احتیاط واجب خمس دارد و خانـهٔ شـصت متری اگر از ابتـدا برای سـرمایه گـذاری خریـده شـده باشـد یا اکنون به عنوان سرمـایه نگـه داری می شـود خمس دارد، ولی اگر آن را برای سـکونت خـود خریـده باشـید گرچه به هر دلیلی در آن سـکنی نداشته اید جزء مؤونه

شما بوده و خمس ندارد و می توانید آن را به منزلی دیگر برای سکونت خود تبدیل کنید.

«سؤال ۳۱۱۵» تعدادی از مهاجرین افغانی با پولی که در ایران تهیه می کنند در شهرهای افغانستان زمینی برای ساخت خانه می خرند تا این که در آینده که به افغانستان بازگشتند دارای منزل باشند؛ حتی بعضی از آنها مقداری از خانه را ساخته و آن را برای مدتی که در ایران هستند رها می سازند؛ آیا به زمین و یا خانهٔ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر زمین برای تهیهٔ منزل از درآمد سالیانهٔ غیر مخمس خریده شود و تهیهٔ منزل عرفاً لازم باشد خمس واجب نیست و اگر تهیهٔ منزل عرفاً لازم نباشد یا زاید بر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۲

شأن باشد تخمیس آن به قیمت فعلی لازم است و اگر از درآمد مخمس یا ارث خریده شود خمس آن واجب نیست.

«سؤال ۳۱۱۶» این جانب کارمندی می باشم که فقط از حقوق کارمندی، زندگی خود را تأمین می کنم. از مال دنیا فقط یک منزل مسکونی داشتم که دو دانگ آن به قبالهٔ همسرم بود تا این که پدرم مرحوم شد و زمینی به مقدار ۲۰۰ متر به من ارث رسید که آن را در طول ده سال تبدیل به منزل مسکونی کرده و منزل قدیمی را فروخته ام. سهم همسرم را که حدوداً شش میلیون است هنوز نپرداخته ام. اما برای یکی از فرزندانم که سرباز بوده و در شرف ازدواج است زمینی به مبلغ ده میلیون خریداری کرده ام و هنوز هم برای دخترانم که آنها نیز در شرف ازدواجند جهیزیه ای تهیه نکرده ام؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر منزل مذکور را برای

سکونت خود ساخته اید خمس ندارد و منزل قبلی را پس از فروش مقداری را که سهم خودتان است چنانچه در همان سال فروش، صرف تهیۀ جهیزیه و یا منزل مورد نیاز فرزندان کرده باشید خمس ندارد، ولی در غیر این صورت خمس دارد.

«سؤال ۳۱۱۷» زمین های شهر ما همگی وقف بوده و مردم سالانه بابت این زمین ها به ادارۀ اوقاف مبلغی می پردازند. حال اگر مقداری از این زمین ها را به واسطۀ هبه، یا ارث و یا احیا کردن مالک شدیم؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: زمین وقفی به ملک کسی در نمی آید، ولی ممکن است، امتیاز حق استفاده از آن قابل انتقال و معامله باشد و هر کس چنین حقی را از راه هبه یا معامله به دست آورد حکم سایر درآمدها را دارد که باید در آخر سال تخمیس شود. در ضمن اگر زمین موات باشد و سابقۀ احیا ندارد وقف آن صحیح نیست و هر کس آن را احیا کند مالک می شود و در آخر سال باید تخمیس گردد.

«سؤال ۳۱۱۸» در چه صورتی به زمین کشاورزی خمس تعلق می گیرد؟ اگر خمس زمین باید داده شود، آیا صاحب اصلی زمین باید خمس آن را بپردازد و یا به عهدۀ خریدار است؟ و اگر صاحب اصلی خمس زمین را ندهد؛ آیا خریدار باید خمس آن را بدهد؟

جواب: خمس دادن فروشنده برای خریدار کافی نیست، خریدار اگر از درآمد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۳

خریده، باید در آخر سال خمس آن را بدهد و اگر از کسی بخرد که خمس آن را نداده معامله نسبت به خمس زمین معامله فضولی است که باید حاکم شرع

آن را امضا کند.

«سؤال ۳۱۱۹» شخصی زمین کشاورزی را چهل سال پیش خریده و خمس آن را همان موقع داده است. وی امسال زمین فوق را به هفتاد میلیون تومان فروخته است که بیست میلیون آن را برای جهیزیهٔ دو دختر خود قرار داده و چهل میلیون آن را به دو پسر خود هبه کرده و ده میلیون باقی مانده را به عنوان مضاربه برای خود نگاه داشته است؛ آیا به این پول ها خمس تعلق گرفته است؟ لطفاً نظر خود و نظر حضرت امام خمینی را بیان فرمایید؟

جواب: در مفروض سؤال که زمین برای تجارت نبوده است و خمس اصل زمین را پرداخت کرده، پس از فروش ترقی زمین خمس دارد، مگر آن که قبل از رسیدن سال خمسی صرف جهیزیهٔ دخترها کرده، یا به فرزندان خود هبه کند و یا صرف سایر موارد لازم در زندگی کند؛ ولی آنچه باقی می ماند خمس دارد.

«سؤال ۳۱۲۰» کشاورزی که جهت کشاورزی خود، ملکی خریده و آن ملک ابزار کار آنهاست؛ یعنی در آن زمین کشاورزی کرده و امرار معاش خانواده اش را این زمین می دهد؛ آیا به این زمین خمس تعلق می گیرد؟

جواب: زمین مذکور حکم سرمایه دارد و به آن خمس تعلق می گیرد و اگر از خود زمین خمس اخراج نشود و از درآمد داده شود اول باید خمس آن درآمد داده شود و از چهار پنجم دیگر خمس زمین داده شود.

«سؤال ۳۱۲۱» شخصی زمین کشاورزی خود را بین سه پسر خود تقسیم و به آنها هبه کرده و قبض و اقباضی هم صورت گرفته است. پسرها فوراً در زمین های خود کشت و زرع کرده اند. حال با توجه به

این که زمین سرمایه محسوب می شود؛ آیا این زمین ها خمس دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، پسران در آخر سال باید خمس زمین ها را بپردازند، چون هبه اگر در ضمن سال صرف زندگی نشد و به صورت سرمایه یا محل کشت درآمد باید تخمیس شود و اگر از عین زمین بابت خمس داده نشده باید اول درآمد تخمیس شده و خمس زمین از چهار پنجم باقی مانده ادا گردد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۴

«سؤال ۳۱۲۲» اگر کشاورزی زمین کشاورزی خود را از پولی که خمس آن پرداخت شده بخرد؛ آیا به زمین مذکور خمس تعلق می گیرد؟

جواب: در مفروض سؤال، خمس واجب نیست؛ مگر این که آن را برای تجارت و فروش خریده باشید و در این صورت فقط ترقی سالیانهٔ آن خمس دارد.

«سؤال ۳۱۲۳» این جانب قطعهٔ زمینی را خریداری کرده و قصد من از آن این بوده که منزل مسکونی خود را وسعت بدهم؛ آیا به این زمین خمس تعلق می گیرد؟

در ضمن مبلغی را جهت سرمایه گذاری خرید همین محل به فردی داده ام، اما او ورشکست شده و تاکنون مبلغ ما را نداده است؛ آیا به این مبلغ هم خمس تعلق می گیرد؟

جواب: قطعه زمین اگر ضرورت دارد و از درآمد سالِ خرید خریده شده متعلق خمس نیست و به آن مبلغ هم اگر قبل از معامله با فردی که ورشکسته شده خمس تعلق گرفته باید خمس آن پرداخت گردد.

«سؤال ۳۱۲۴» شخصی به قصد تجارت زمینی خریده و خمس آن را پرداخت می کند و در مدت بیشتر از یک سال، بنایی در آن می سازد. حال اگر آن را فروخت و با قسمتی از آن پول، برای فرزندش خانه ای خرید؛

دِین (خمس) به عهدهٔ کدام یک است؟ و اگر نفروخت و آن را اجاره یا رهن داد مسألهٔ خمسش چگونه است؟

جواب: اگر زمین را برای تجارت خریده است سر سال خمسی باید اضافهٔ ارزش خود زمین و نیز ارزش ساختمان را- پس از کسر بدهی های بابت همان ساختمان یا بدهی های بابت مؤونهٔ همان سال- تخمیس کند، ولی مقداری از ساختمان که در همان سال خمسی فروخته است و در همان سال نیز برای فرزندش خانه خریده است خمس ندارد و چنانچه پس از تعلق خمس، بدون پرداخت خمس به دیگری واگذار کند هر دو ضامنند، ولی اگر واگذار کننده، خمس را ادا کند دیگری ضامن نیست.

همچنین اگر اجاره داده شود علاوه بر خمس عین باید خمس اجاره را هم اگر تا سر سال خمسی صرف در مؤونه زندگی نشود بپردازد.

«سؤال ۳۱۲۵» این جانب در منزل مسکونی که خودم در آن سکونت دارم با وامی که از بانک گرفته ام یک طبقهٔ فوقانی جهت استفادهٔ فرزندم که بعد از ازدواج از آن استفاده کند

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۵

احداث کردم و فعلًا آن را اجاره داده ام. در این صورت آیا متعلق خمس است؟

جواب: وام خمس ندارد، ولی اگر از درآمد، آن را پرداخت کردید و طبقهٔ فوقانی فعلًا جزء مؤونه شما محسوب نیست باید تخمیس شود و اگر فعلًا جزء مؤونهٔ شما محسوب است و الآن وقت ازدواج پسر شماست و او به خانه احتیاج دارد خمس لازم نیست. مال الاجاره نیز مانند سایر درآمدها اگر در طول سال صرف در مؤونه زندگی نشود خمس دارد.

«سؤال ۳۱۲۶» این جانب در سال ۱۳۷۵ ملکی را به ارزش دو میلیون تومان

خریداری کرده و خمس آن را پرداخت کردم و اینک یعنی در سال ۱۳۸۴ آن را به مبلغ ده میلیون تومان فروخته ام. طبق شاخص بانک مرکزی: دو میلیون سال ۷۴ معادل هفت میلیون در سال ۸۴ است. فعلًا که می خواهم خمس مازاد ارزش را حساب کنم، آیا باید مقدار خمس داده شده را دو میلیون حساب کنم یا هفت میلیون؛ یعنی آیا باید خمس هشت میلیون را حساب کنم یا سه میلیون؟

جواب: در فرض سؤال، هفت میلیون تومان مخمس حساب می شود، و سه میلیون دیگر در صورتی که در سر سال خمسی زیاد بیاید و صرف مخارج زندگی نشده باشد خمس دارد.

«سؤال ۳۱۲۷» اگر کسی خانه اش را بفروشد و خانه ای دیگر بخرد یا بسازد؛ آیا پول خانۀ فروخته شده خمس دارد؟ اگر چه بر آن پول سال نگذرد؟

جواب: اگر فروش خانه و صرف پول هر دو در سال مالی شخصی واقع شود خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۱۲۸» زمین های زراعی که موات بوده و احیا کرده و در آن کشاورزی می کند؛ آیا اصل زمین خمس دارد؟

جواب: زمین احیا شده متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۲۹» منزلی را بر حسب اضطرار فروخته ام و با فرد دیگری اقدام به احداث بنای جدید در همان موقع کردیم. پس از خاتمه که حدود دو سال بطول انجامید در آن سکونت کرده و بنای اضافی را فروخته و بلافاصله زمین جدیدی به منظور ساخت مسکن برای فرزندانمان خریداری کردیم. از آن جا که این جانب معادل خرید زمین،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۶

بدهکاری دارم (از سهم مشارکت خود) و اکنون زمان پرداخت آن فرا رسیده؛ آیا ضرورت به محاسبه خمس هست؟

جواب: بنای زاید بر نیاز

و شأن خود را اگر برای رفع نیاز فعلی فرزندانتان ساخته اید خمس ندارد، ولی اگر برای فروش ساخته اید خمس دارد. البته سر سال می توانید دیونی که در همین سال پیدا شده است و یا ناشی از ساخت همین بنا بوده است را از دارایی خود کسر کنید.

«سؤال ۳۱۳۰» کسی که توان خرید منزل ندارد، ولی یک قطعه زمین برای ساخت منزل می خرد و این زمین سال ها معلق می ماند؛ آیا زمین و ترقی قیمت آن متعلق خمس است؟

جواب: ترقی قیمت زمینی که برای ساختن منزل مورد نیاز خریداری شده خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۳۱» شخص مدیونی، قسمتی از زمین های ملکی اش را جهت ادای قرض و ادارهٔ امور زندگی، تبدیل به چند باب مغازه کرده و زمین آن را جهت ساختمان به افراد سازنده به حساب پنج و دو (یعنی از پنج باب مغازه که ساخته می شود دو باب آن مال سازندگان و سه باب آن مربوط به صاحب زمین است). حال آیا به آن تعداد مغازه که برای صاحب زمین باقی می ماند و از آن برای ادارهٔ امور زندگی روز مرّه و ادای قرض استفاده می کند خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر زمین های قبلی متعلق خمس نبوده مثلًا به ارث رسیده یا اگر متعلق خمس بوده خمس آن پرداخت شده است قیمت مغازه هایی که فعلًا سهم شما شده است اگر بیش از قیمت زمین های قبلی نباشد خمس واجب نیست و اگر بیشتر باشد خمس مازاد را پرداخت کنید.

«سؤال ۳۱۳۲» شخصی از درآمد سال و در بین سال، ملک و یا باغی را- نه برای تجارت، بلکه برای نگه داری و استفاده- خریداری کرده است. مرقوم فرمایید: هنگام محاسبهٔ اموال برای تخمیس،

باغ و ملك را به قیمت فعلی محاسبه کند و یا به قیمتی که خریداری کرده است؟

جواب: به قیمت فعلی محاسبه کند و اگر مقصود از باغ، استفاده از محصول آن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۷

برای فروش نیست، بلکه باغچهٔ کوچکی برای زن و بچه است، حکم خانهٔ مسکونی را دارد که در این صورت خمس واجب نیست.

«سؤال ۳۱۳۳» پنج سال پیش قطعه زمینی را جهت کسب و سود دهی خریده ام بدون این که به آن زمین احتیاج داشته باشم در حال حاضر قیمت زمین پنج برابر شده است و خمس آن را تاکنون نیز نپرداخته ام. برای دادن خمس، آیا باید قیمت خرید را در نظر بگیرم یا قیمت فعلی را؟

جواب: اگر از درآمد غیر مخمس خریده اید خمس آن به قیمت فعلی لازم است.

«سؤال ۳۱۳۴» اخیراً به کسانی که در اطراف یزدانشهر نجف آباد اسیل داشتند (اسیل های شاه آبادی ها) زمین هایی واگذار می شود، آیا به این زمین ها خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر به جای زمین موروثی یا زمین مخمس، زمینی به کسی داده شود به گونه ای که غنیمت تازه صدق نکند خمس واجب نیست، ولی اگر به کسی به بهانه ای زمینی هبه و یا واگذار کنند جزء درآمد سال محسوب است که اگر صرف مؤونهٔ سال نشود باید تخمیس گردد.

«سؤال ۳۱۳۵» پدرم زمینی را خریداری کرد و در آن یک خانه و دو باب مغازه ساخت.

اما از آن جا که فروشنده کلاه بردار بود مجبور به فروش همان زمین یا پرداخت دوبارهٔ قیمت آن زمین است. ما به او می گوییم که چرا خمس اموالت را حساب نمی کنی؟

می گوید: چون مقروضم خمس بدهکار نیستم و به درآمد من خمس تعلق نمی گیرد؛

آیا سخن وی درست است؟

جواب: آنچه بابت زمین خانه پرداخت می شود خمس ندارد، ولی پولی که برای زمین و ساخت مغازه پرداخت می شود، سرمایه محسوب شده و پس از ادای قرض آن زمین خمس دارد.

«سؤال ۳۱۳۶» شخصی در زادگاهش منزل مسکونی دارد وی چون مدتی از سال برای زندگی به شهر دیگری می رود، منزل مسکونی دیگری را نیز در آن شهر خریداری کرده است؛ آیا به منزل دوم خمس تعلق می گیرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۸

جواب: با فرض مذکور، منزل دیگر را اگر با درآمد سال در همان سال تهیه کرده خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۳۷» در رساله های عملیه گفته شده است اگر کافر ذمّی از مسلمان زمینی بخرد باید خمس آن را بپردازد. آیا مقصود وقوع بیع و نتیجه آن است؟ و آیا اگر انتقال زمین از مسلم به ذمّی به موجب عقود دیگر، از جمله عقد صلح و مانند آن و یا به ارث و یا به عنوان جهیزیه و مهریه صورت گیرد ذمّی مکلّف به پرداخت خمس است؟ و منظور از زمین، چه نوع زمین هایی است، زمین مفتوحه العنوه، زمین عشریه و ...؟

جواب: بنابر نظر مشهور بین فقها اگر کافر ذمّی زمینی را به هر نحوی از مسلمان بخرد، باید خمس آن را بپردازد و همین طور است اگر به واسطهٔ معاوضات دیگری زمین را مالک شود؛ ولی در معاملات مجانی مورد اختلاف است و ظاهراً فرقی بین ارض عشریه و ارض مفتوحه العنوه در صورتی که مالک خود زمین شود نه مالک انتفاع، نیست و در هر صورت این حکم مطابق نظر مشهور فقهاست؛ ولی به نظر می رسد ثبوت خمس در خود

زمین، محل اشکال بوده و احتمال دارد مراد حدیث و بعضی فقها در این مورد، خمس غلّات هر سال زمین باشد که در حقیقت زکات غلّات حاصل از زمین به جای یکدهم، دو برابر؛ یعنی یک پنجم می شود و باید به مصرف زکات برسد.

«سؤال ۳۱۳۸» منزلی داشتم که خمس آن پرداخت شده بود آن را تبدیل به ۱۸ واحد آپارتمان کردم. در حال حاضر از دو واحد آن استفاده می کنم و شش واحد آن نیز جهت ساخت ساختمان به فروش رفته است. بنابراین در حال حاضر ده واحد باقی مانده است.

از ده واحد باقی مانده اگر به فرزندانم هر کدام یک واحد بدهم به چند واحد خمس تعلق می گیرد؟

جواب: آنچه را از ابتدا برای رفع نیاز خود یا فرزندانتان ساخته اید خمس ندارد، ولی خمس مازاد بر آن را- پس از کسر قیمت زمین که خمس آن را داده اید و نیز کسر بدهی هایی که بابت همان ساختمان و یا بابت مخارج همان سال به وجود آمده است-

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۵۹

باید بپردازید. و اگر ساختمان ها را برای فرزندان نساخته اید باید خمس آنها را بپردازید و این که بعداً تصمیم بگیرید به فرزندان بدهید اثری ندارد.

« سؤال ۳۱۳۹» با توجه به تورّم پولی افغانستان زمین هایی که قبل از انقلاب افغانستان به نرخ نازلی مثلًا دو هزار افغانی خریداری شده و برای سکونت منزلی در این زمین ها ساخته شده و فعلًا برای تعمیر همان ساختمان باید حدود دویست میلیون افغانی هزینه کنیم. مستدعی است مرقوم فرمایید که خمس آن را چگونه حساب کنیم؟ البته اکثراً به خاطر بالا بودن وجه از خمس در این جهت شانه خالی می کنند؟

جواب:

بر زمین و ساختمان منزل مسکونی خمس واجب نیست، مگر این که از درآمد غیر مخمّس سال های قبل تهیه شده باشد که در این صورت آن را به قیمت فعلی تخمیس کنید.

«سؤال ۳۱۴۰» شخصی منزل مسکونی اش را فروخته و در کمتر از یک سال مبلغ هفتصد هزار تومان آن را جهت خرید زمین برای ساختمان صرف کرده و مابقی آن را در بانک مسکن جهت اخذ وام گذاشته است با در نظر گرفتن این که پرداخت وام بیش از یک سال به طول می انجامد لذا باز زمین را هم فروخته و با پول آن و مقداری از پول های منزل سابق منزل کوچکی خریداری کرده. حال با توجه به مسائل مذکور، آیا منزل جدید مشمول خمس است و اگر مشمول خمس است چگونه محاسبه شود؟

جواب: اگر منزل مسکونی از درآمد تهیه شده و در همان سال که فروش رفته باز زمین یا منزل مسکونی دیگری خریداری شده باشد خمس تعلق نگرفته، ولی اگر تا آخر سال مالی شخص، پول آن خرج نشده باشد متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۴۱» اغلب مردم به علت فقر مالی توان خرید منزل شخصی ندارند بنابراین مجبورند در طی چند سال مقداری پول پس انداز کنند و این پول تا خرید منزل در دستشان باقی می ماند؛ آیا به این پول ها خمس تعلق می گیرد؟ و اگر تعلق می گیرد برای حل این مشکل چه راه حلی را پیشنهاد می کنید؟

جواب: اگر پول را برای خرید منزل در سال های بعد ذخیره کنند باید تخمیس شود، ولی اگر خانه را بخرند و به تدریج پول آن را بدهند خمس واجب نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۰

خمس اسباب منزل

«سؤال ۳۱۴۲» شخصی از

ابتدای زندگی تا به حال خمس پرداخت نکرده است و تذکرات همسرش در وی هیچ اثری نگذاشته است؛ آیا آن زن می تواند از اموال شوهر بدون اجازه خمس پرداخت کند؟ و آیا از پولی که برای مخارج منزل می گذارد (که برای مصرف خوراک و پوشاک خود و بچه هاست) می تواند خمس اموال وی را بپردازد؟

جواب: اگر نمی داند به عین پول یا اشیایی که شوهر به او می دهد خمس تعلق گرفته یا نه، وظیفه ای در مورد آن ندارد و می تواند در آن تصرف کند و اگر بداند عین آن متعلق خمس است بدون اجازۀ مجتهد جامع الشرایط حق تصرف در آن را ندارد، مگر آن که خمس آن را از اموال خودش (هرچند اموالی که شوهر به عنوان نفقه به او داده است و یا اموالی که با صرفه جویی پس انداز کرده و می داند شوهر به او تملیک کرده است و یا به او اذن در تصرف داده است) بپردازد؛ ولی نمی تواند از اموال شوهر بدون اذن او خمس اشیای مذکور را بدهد.

«سؤال ۳۱۴۳» کفن یا قبری که خمس آن داده شده اگر در سال های بعدی افزایش قیمت پیدا کرد؛ آیا لازم است خمس افزایش آن داده شود؟

جواب: لازم نیست.

«سؤال ۳۱۴۴» من یک ضبط صوت برای فروش به فروشنده داده و یک ضبط صوت دیگر از او برداشتم. ضبط صوت اول هنوز فروش نرفته است و فروشنده مبلغ ضبط صوت دوم را مطالبه کرده که این جانب با قرض کردن مبلغ آن را پرداخت کردم؛ آیا خمس ضبط صوتِ اول که هنوز فروش نرفته را باید بپردازم؟

جواب: با فرض خارج شدن ضبط صوت مذکور از معرض استفاده، چنانچه از درآمد

غیر مخمس خریده شده بنابر احتیاط واجب سر سال خمسی، خمس آن را بدهید.

«سؤال ۳۱۴۵» چیزهایی مثل برنج که انسان برای استفادهٔ خانوادهٔ خود می خرد اگر در سر سال مقداری از آن هنوز باقی مانده باشد؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۱

جواب: اگر در مقابل آن اجناس برای مخارج سال گذشته بدهکاری دارد خمس واجب نیست و گرنه باید خمس آنها را بدهد.

«سؤال ۳۱۴۶» بنده گاهی لباس یا چادر و یا مانتویی که به نظرم خوب و پسندیده باشد را می خرم، ولی نمی پوشم و در آینده که به آن نیاز پیدا می کنم آن را می پوشم؛ آیا به این لباس خمس تعلق می گیرد؟ حتی ممکن است نزدیک سال خمسی خریده شود.

جواب: اگر بر حسب شأن خود به آنها نیاز داشته اید خمس واجب نیست، ولی اگر بعداً از مؤونه خارج شد احوط تخمیس است.

«سؤال ۳۱۴۷» بعضی از وسایل که در منزل مورد نیاز بوده، ولی به دلایلی تا یک سال معطل مانده و یا فروخته و تبدیل به پول شود؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر وجود وسیله ای در منزل لازم باشد به آن خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۱۴۸» آیا مواد غذایی که معمولًا در خانه نگه داری می شود و میزان موجودی آن از یک حدودی بیشتر تغییر نمی کند، شامل خمس سالانه است؟ یا یک بار پرداخت آن کفایت می کند؟

جواب: آن مقدار از مواد غذایی که از سال زیاد بیاید متعلق خمس بوده و یک بار پرداخت کردن خمس آن کفایت می کند.

خمس پول حج و عمره

«سؤال ۳۱۴۹» قبل از ثبت نام برای تشرف به خانه خدا نیت کرده بودیم که در صورت فروش منزل پدری و

دریافت ارث خود با آن پول کلیهٔ هزینه های سفر خود و همسرم را بپردازم. به دلیل طولانی شدن زمان فروش منزل، از پس انداز خود ثبت نام کردیم. قبل از رسیدن سال، ارث به فروش رفته و سهم مرا دادند؛ آیا می توانم پول ارث را جایگزین پول ثبت نام در نظر بگیرم و پول ثبت نام را از ارث حساب کرده و مبلغ معادل آن را به پس انداز خود برگردانم؟

جواب: در مفروض سؤال، پول ارث جایگزین پول ثبت نام نمی شود و با انقضای سال و فرض مضاربه که اخیراً در سازمان حج رایج شده است خمس تعلق می گیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۲

«سؤال ۳۱۵۰» می خواهم به جای مرحوم پدرم به عمره مشرف شوم، ولی چون پدرم در زمان حیات اموالی نداشته است که به آن خمس تعلق بگیرد؛ آیا مبلغ هزینه ای را که می خواهم در این سفر خرج کنم مشمول خمس است؟

جواب: در فرض سؤال خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۱۵۱» آیا برای صحت اعمال حج و عمرهٔ کسی که حسابرسی خمس ندارد، پرداخت خمس لباس احرام و لباسی که در طواف و نماز طواف بپوشد کفایت می کند یا باید حسابرسی تمام اموال صورت گیرد؟

جواب: اگر فعلًا از حساب همهٔ اموال خود و تخمیس آن معذور است می تواند خمس پول حج و احرام و قربانی خود را جدا کرده و آن را بپردازد.

«سؤال ۳۱۵۲» اگر فردی حاضر به پرداخت خمس نباشد و بگوید: هر وقت خواستم به سفر حج بروم خمس می دهم؛ آیا کفایت می کند و در این صورت مال او حرام نخواهد بود؟

جواب: کفایت نمی کند و باید قبل از هر تصرفی خمس اموالش را بپردازد.

«سؤال ۳۱۵۳»

خانمی هستم که قصد سفر حج دارم. مقداری پول تهیه کرده ام برای این سفر، آیا این پول جزء مصارف حج است؟ یا خمس به آن تعلق می گیرد؟ در ضمن انجام اعمال حج بعد از رأس السنه می باشد؟

جواب: اگر قبلًا ثبت نام جهت تشرف به حج شده و این پول جهت هزینه های دیگر سفر است در این فرض خمس به آن تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۱۵۴» برای ثبت نـام حـج و عمره اقـدام کرده ام. شـنیده ام این پول طبق قرارداد نزد بانک است و به آن سود تعلق می گیرد. اگر یک سال بگذرد هم به اصل پول و هم به سود آن خمس تعلق می گیرد؛ نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: چون اخیراً سازمان حج دسـتور داده که پول حج را در بانک به عنوان مضاربه واریز کنند، پس پول هنوز مال شماست و سود مضاربه هم به شـما مربوط است. بنابراین به نظر می رسـد که خود پول اصـلی- اگر از درآمـد غیرمخمس باشد- متعلق خمس است و چون اصل پول متعلق خمس است سود آن نیز باید تخمیس شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۳

«سؤال ۳۱۵۵» سال خمسـی من دوم دی ماه است و ان شاء اللّه دهم دی عازم سـفر حج هستم؛ وسایل و تدارکاتی که برای این سفر قبل از سال خمسی خریداری می کنم، ولی بعد از سال از آنها استفاده می کنم. از لحاظ خمس آنها چه حکمی دارند؟

جواب: اگر وسایل مـذکور از اموری است که معمولًا قبل از سـفر و در مدتی که آن را تهیه کرده اید فراهم می شود خمس به آن تعلق نمی گیرد.

خمس وجوهات و شهریه

«سؤال ۳۱۵۶» آیا شهریه خمس دارد؟

جواب: اگر از موقوفات یا صدقات یا بودجه های دولتی

باشـد و در طول سال مصـرف نشده باشد خمس به آن تعلق می گیرد، بلکه اگر از سـهمین نیز باشد بنابر احتیاط واجب خمس دارد.

«سؤال ۳۱۵۷» آیا لازم است برای کل درآمـدها (اعم از شـهریه و غیر شـهریه) یک سال خمسـی قرار داد و یا این که می توان برای هر کدام سال جداگانه قرار داد؟ و اصولًا داشتن سال خمسی تعبداً واجب است یا واجب توصلی است؟

جواب: داشـتن سال خمسـی مسـتفاد از روایات باب خمس است و آن روایات از این جهت ناظر به روش و عرف عقلاست که معمولًا برای حسابرسـی اموال خود و بررسی سود و زیان در آن ها سال را ملاک و مدّ نظر قرار می دهند. داشتن سال خمسی، تعبّدی در مقابل توصـلی به معنای امری که در آن قصد قربت معتبر باشد نیست هرچند تعبّدی به معنای امر لازم شرعی مستفاد از روایات است.

پرداخت خمس

«سؤال ۳۱۵۸» برای حساب خمس، آیا می توان نرخ تورّم را به حساب آورد، چگونه؟

جواب: خمس به غنیمت و اسـتفاده تعلق می گیرد. اگر در جایی اسـتفاده صادق نباشد خمس واجب نیست و اگر عرفاً استفاده صادق باشد خمس واجب است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۴

«سؤال ۳۱۵۹» کسی که از دنیا رفته و بر عهدهٔ او خمس است؛ آیا ورثه می توانند در ما ترک او تصرف کنند؟

جواب: باید اول بدهی ها را بپردازند و بعد تصرف کنند و از جملهٔ بدهی ها خمس است.

«سؤال ۳۱۶۰» بـا توجه به این که سال خمسـی کارمنـدان از اولین روزی که حقوق می گیرنـد آغاز می شود؛ آیا سال بعـد در همان روز که کارمند حقوق ماهیانه دریافت می کند باید خمس آن را بپردازد یا آن حقوق جزء سال

بعد به حساب می آید؟

جواب: می توانـد فعلًا سر سـال خمسـی خمس آن را بپردازد و سـال بعـد مثلًا چنـد روز قبل از سـر سال قبلی، خمس خود را محاسبه و ادا کند و از آن به بعد زمان جدید را سر سال خود قرار دهد.

«سؤال ۳۱۶۱» اگر سر سال خمسی خود را فراموشی کردیم و بین دو یا سه موعد مردد شدیم تکلیف چیست؟

جواب: می توانیـد آخرین زمانی را که احتمال می دهید سـر سال خمسـی باشد سـر سال قرار دهید، ولی اگر پس از آن معلوم شد که سر سال خمسی زمانی قبل از آن زمان بوده است باید به لحاظ زمان معلوم شده، خمس را محاسبه کنید.

«سؤال ۳۱۶۲» ملاک در محاسـبه خمس برای کسـی که درآمد ندارد، سال خمسـی است یا گذشت یک سال از هر چیز؟ اگر ملاک گذشت سال از هر چیز است، در مورد کسی که تاکنون خمس نداده و درآمد هم نداشته، اما به تازگی تحصیل درآمد می کند، ولی وسایل زندگی مربوط به قبل از درآمد است، تکلیف چیست؟

جـواب: کسـی کـه کسب و کـار نـدارد چنـانچه از طریـق هـدیه و غیره چیزی به دست آورد می توانـد برای همـان چیز، سـال مخصوص قرار دهـد، پس چنـانچه تـا یک سال از به دست آوردن آن، مورد اسـتفاده قرار ندهـد خمس آن را بدهـد و پس از شروع کسب و کار، زمانی را که اولین درآمد را به دست می آورد، اول سال خمسی خود قرار داده و سر سال، خمس آنچه را از مجموع درآمدهای طول سال زیاد آمد بدهد. همچنین

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۵

وسایلی را که مربوط به قبل از کسب

و کار بوده است چنانچه بداند از زمانی که از طریق هبه و مانند آن مالك شده است تا یک سال در نیازهای زندگی، صرف نکرده است خمس دارد و الّا خمس آن واجب نیست.

«سؤال ۳۱۶۳» بنده تا چند سال پیش گرچه محاسبهٔ خمسی مکتوب، منظم، مرتب و مندرج در دفتر حساب نداشته ام، ولی مبالغ زیادی به عنوان خمس پرداخت کرده ام، اما باز نمی دانم که بر عهدهٔ من خمس باقی مانده یا خیر؟ و ممکن است حتی زیادتر از آنچه بر عهده ام بوده، داده باشم. تکلیف این جانب نسبت به آن چگونه است؟

جواب: واجب است اموالتان را بررسی کرده و اگر متعلق خمس است آنها را تخمیس کنید و در صورت اجمال و شک به وکلای این جانب مراجعه فرمایید و با آنان حساب و مصالحه کنید.

«سؤال ۳۱۶۴» اگر کسی در یک کشور دیگر مثل افغانستان مقداری پول دارد که به آن خمس تعلق گرفته و تخمیس نشده؛ آیا واجب است آن فرد خمس اموال را مثلًا در ایران بپردازد؟ در حالی که اموال او در ایران تخمیس شده است؟

جواب: اگر در اختیار اوست و جزء اموال او محسوب می شود باید خمس آن را بپردازد و مکان در آن دخالت ندارد.

«سؤال ۳۱۶۵» قبل از رسیدن سال مالی مبلغی را برای مخارج دخترم به مدرسه داده ام و در سال بعد عوض آن از طرف حکومت به من پرداخت شد. آیا باید فوراً خمس آن را بپردازم یا می توانم تا رسیدن سال مالی آینده به تأخیر بیندازم؟

جواب: اگر آنچه برای مدرسه پرداخته اید از درآمد سال شما بوده است به مجرد این که عوض آن را گرفته اید باید خمس آن پرداخت

شود، زیرا این عوض در حقیقت در مقابل درآمد سال قبل شماست و وجهی برای تأخیر پرداخت خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۶۶» آیا لازم است انسان روز خاصی را برای پرداخت خمس خود معیّن کند، یا همین که یک سال از درآمدهای انسان گذشت کفایت می کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۶

جواب: اگر انسان در یک سال استفاده های گوناگون دارد، ملاک اول سال او، اولین استفادهٔ اوست، پس اگر از درآمدهای گوناگون او چیزی در آخر سال زیاد آمد باید تخمیس شود.

«سؤال ۳۱۶۷» پولی را که پدر به فرزند خود جهت خرید خانه می دهد و او خانه ای کوچک و کمتر از نیاز خود تهیه می کند؛ سپس خانه را می فروشد و ترقی قیمت پیدا می کند. اگر بخواهد ترقی قیمت را خمس دهد دیگر نمی تواند خانه ای بزرگ تر از آن خانهٔ قبل بخرد، آیا باز هم خمس دارد؟

جواب: اگر در همان سالی که خانه کوچک تر را می فروشد خانه بزرگ تر را بخرد چیزی به عنوان خمس بدهکار نمی شود.

«سؤال ۳۱۶۸» اگر به واسطهٔ گرفتاری نتوانم به حساب سال خود رسیدگی کنم؛ آیا می توانم آن را به سال آینده موکول کنم؟

جواب: جایز نیست و باید با تخمین و علی الحساب معیّن و پرداخت شود.

«سؤال ۳۱۶۹» اگر کسی خمس مال خود را حساب کند و مبلغ خمس را از خرجی و مؤونهٔ سال دیگر بدهد که از کسب و کار به دست آمده؛ آیا دادن خمس از مال جدید صحیح است؟

جواب: باید اول خمس درآمد سال جدید را بدهد و سپس از درآمد سال جدید خمس سال گذشته را بپردازد.

«سؤال ۳۱۷۰» اگر در یک محلی سید فقیری وجود دارد که از روی حیا و عفاف

ابراز فقر نمی کند و اگر هم بگویند خمس است قبول نمی کند؛ آیا می شود از بابت هدیه چیزی به او داد؟

جواب: اگر مستحقّ باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۱۷۱» کسی که از مجتهد خاصی تقلید نمی کند، مثل کسی که به احتیاط عمل می کند یا کسی که نمی تواند مجتهدی که باید از او تقلید کند را تشخیص دهد یا کسی که به تقلید آن چنان که گفته اند اعتقاد ندارد، خمس را به چه کسی باید بدهد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۷

جواب: خمس باید به مجتهد جامع الشرایط پرداخت شود یا از او برای مصارف خاصی استجازه شود. و احوط، رجوع به مجتهد عادل اعلم یا مظنون الاعلمیه است و در صورت تساوی آنان رجوع به هر یک از آنان کافی است.

«سؤال ۳۱۷۲» آیا خمس به عین تعلق می گیرد یا به ذمّه؟

جواب: به نظر این جانب به عین تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۱۷۳» به چه دلیل سهم مبارک امام زمان علیه السلام را باید به فقیه جامع الشرایط داد؟

آیا نمی توان آن را در راه مرضیّ امام زمان خرج کرد؟

جواب: سهم مبارک امام «عجّل اللّه تعالی فرجه» برای منصب امامت ایشان است و در زمان غیبت، مجتهد جامع الشرایط عهده دار آن منصب است و چون یکی از مصارف مهم آن ترویج مذهب و تقویت حوزه های علمیه می باشد لذا باید سهم مبارک امام علیه السلام به نظر مجتهد جامع الشرایط صرف شود و در غیر این صورت یقین به برائت ذمّه پیدا نمی شود.

«سؤال ۳۱۷۴» فردی مبلغ پنج میلیون تومان خمس بدهکار بوده و تصمیم داشته که آن را بپردازد، ولی برای یکی از دخترانش مشکل مالی به وجود می آید که تا حدّ جدایی از شوهر می انجامد. وی برای جلوگیری

از جدایی مبلغ مزبور را به دخترش می دهد؛ آیا خمس محسوب می شود؟

جواب: پرداخت وجوه شرعیه واجبه به واجب النفقه مجزی و کافی نیست.

«سؤال ۳۱۷۵» شخصی مقلد یک مرجع است؛ آیا چنین فردی می تواند خمس و سهمین را برای مرجع دیگر بفرستد؟

جواب: اگر اختلاف نظر در مصرف داشته باشند جایز نیست.

«سؤال ۳۱۷۶» اگر چند سال در دادن خمسی که بر ما واجب بوده تأخیر بیندازیم جریمه آن را چگونه حساب کنیم؟

جواب: قیمت فعلی آنها را در نظر بگیرید.

«سؤال ۳۱۷۷» آیا حقوق شرعی را می توان زودتر از موعد داد؟ مثلًا آیا من می توانم

امسال کمی بیشتر از آن مقدار که باید خمس دهم پرداخت کنم و سال بعد آن مقدار اضافی را از خمس سال بعد کم کنم؟

جواب: در هیچ یک از حقوق الهی یا مردمی نمی توان به نحو مذکور عمل کرد، ولی می تواند زاید بر خمس یا دین را به عنوان قرض به حاکم شرع یا مستحق یا طرف حساب بپردازد و به او اعلام کند که قرض است تا طرف قبول کرده و هنگام بدهکاری آن را حساب کند؛ به شرط این که استحقاق مستحق، باقی باشد.

خمس معدن

«سؤال ۳۱۷۸» اگر شخصی اقدام به خرید سهام شرکت هایی کند که فعالیت اصلی آن استخراج معدن است و سهام آن توسط دولت از طریق بورس اوراق بهادار به مردم فروخته می شود؛ آیا خمسی که به استخراج معدن تعلق می گیرد به مورد خریداری فرد مذکور تعلق می گیرد؟

جواب: بعد از استخراج معدن، سهم هر شریک که به حدّ نصاب معدن، یعنی پانزده مثقال طلای سکه دار برسد باید بعد از کسر مخارج استخراج که در مفروض سؤال، توسط

شرکت انجام می گیرد خمس سود سهم خود را بدون استثنای مؤونهٔ سنه بپردازد.

مال حلال مخلوط به حرام

«سؤال ۳۱۷۹» اگر کسی مرحوم شد در صورتی که خمس مالش را نداده باشد یا مالش با حرام آمیخته و کاملًا حرام بوده و هزینهٔ مجالس عزاداری از همین پول تأمین شود شرکت عزاداران از فرد روحانی گرفته تا مردم و اقوام چه حکمی دارد؟ اگر در این مجالس با پول شخصی متوفی غذایی تهیه شود و به مردم خورانده شود چه حکمی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۶۹

جواب: اگر چیزهایی را که در اختیار آنان قرار می دهند علم به حرمت آنها یا علم به تعلق خمس به آن چیزها ندارند تصرف در آنها اشکال ندارد.

«سؤال ۳۱۸۰» پدر من از راه حلال و حرام مال اندوزی کرده است، مثلًا گوشت یخی را که می بایست بین مردم توزیع کند به کبابی ها می داد، یا در بین گوشت چرخ کرده، گوشت کلهٔ گاو چرخ می کرد. به هر حال بر من مسلم است که مال حرام زیادی در اموالش هست.

تکلیف من که پسر ارشدش هستم از این بابت چیست؟

جواب: اگر یقین قطعی ندارید که مال حرام در آنچه به شما رسیده است وجود دارد برای شما اشکال ندارد و اگر به حرام بودن اموالی در میان اموال پدر یقین دارید، اما مقدار آن را نمی دانید حکم آن تخمیس است. یکی از چیزهایی که متعلق خمس است مال حلال مخلوط به حرام می باشد و این غیر از خمس درآمد سال است. شما مجازید این خمس را به سادات فقیر متدین بپردازید. ان شاء اللّه بری ءالذمه می شوید.

«سؤال ۳۱۸۱» اگر کسی سر سال خمسی اش رسید در حالی که

مـالش مخلـوط به حرام بـود و منفعت کسب هم داشت و نیز می خواهـد که مقـداری از امـوالش را رأس المـال تجـارت برای کارهای دیگر قرار دهـد؛ اگر این فرد بخواهـد در آن واحـد همه را مخمس کنـد آیا باید این اموالش را سه بار تخمیس کند؟ ۱- به خـاطر این که مال حلال مخلوط به حرام بوده. ۲- منفعت کسب داشته. ۳- از منفعت کسب می خواهد رأس المال قرار دهد؟

جواب: اگر کسـی تمام مالش مخلوط با حرام باشـد و مقـدار حرام و صاحبش معلوم نباشـد باید خمس مال را به عنوان خمس مال مخلوط بپردازد و درآمـد کسب حلال نیز اگر زایـد بر مخارج سال باشـد چه آن را ثابت نگه دارد و چه سـرمایه قرار دهد خمس آن مال را نیز- پس از جدا کردن مؤونه سال- باید بپردازد؛ پس دو خمس بر عهدهٔ او ثابت است.

«سؤال ۳۱۸۲» یکی از مسـیحیان آشوری هموطن، سـال هـا قبـل از دنیـا رفته و علی الظاهر ورّاث وی سال ها قبل از انقلاب در امریکا زندگی می کرده اند. دادگاه انقلاب به جهت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۰

خـارج شـدن ایشـان از کشور و خروج از استیمـان نظام جمهوری اسـلامی دادنامه ای صادر و مقرر کرده که املاک شـناسایی شدهٔ متوفی و ورثه او و اموالی که بعداً به نام او شـناسایی می شود به تملیک ستاد اجرایی فرمان حضرت امام رحمه الله در آید و بـا قیمت کارشناسـی، به فروش رسـد، تا پس از کسـر حق سـرپرستی و کسـر خمس اموال به جهت اختلاط به حرام از جهت مشارکت آنان در جزیره (در رستوران جزیره قبل از انقلاب مشروبات الکلی بفروش می رسیده است) بقیهٔ بهای پیش پرداخت

به حساب امانی ستاد مذکور منظور شود و در صورت مراجعه ورثهٔ متوفی و رسیدگی دادگاه و احراز حقانیت آنان، بقیهٔ بهای اموال به آنان مسترد شود. حضرت عالی بفرمایید: اگر با استناد غیر قابل انکار، ثابت شود مسیحی متوفای مذکور و ورثهٔ وی در رستوران جزیره مشارکتی نداشته اند؛ آیا به ما ترک منظور باز خمس تعلق می گیرد؟

جواب: به مجرد احتمال و یا وجود شایعه های بی اساس، اخراج خمس مال مختلط از آنها جایز نیست.

«سؤال ۳۱۸۳» در کشور بنگلادش به شغل ماهی فروشی مشغولم. در این کشور انواع ماهی های حلال و حرام به فروش می رسد. و اگر بخواهیم فقط ماهی حلال بفروشیم متحمل ضرر شده و کسی هم از ما خرید نمی کند. پس از فروش ماهی های حلال، آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

جواب: از برخی اخبار معتبره استفاده می شود که چیزی را که برای ما خوردن آن حلال نیست جایز است به کسانی که آن را حلال می دانند بفروشیم و ماهی بی فلس را اهل سنت و همچنین غیر مسلمانان حلال می دانند و این جانب به مضمون این اخبار فتوا داده ام و درآمد حلال پس از اخراج مؤونهٔ سال باید تخمیس شود.

خمس اموال غیر مسلمان

«سؤال ۳۱۸۴» بهایی در اسلام چه حکمی دارد؟ اموالی که از بهایی ها به هر شکلی به دست می آید و خمس آن به حاکم شرع پرداخت می گردد، آیا آن اموال مباح و مصرف آن جایز است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۱

جواب: بهایی که منکر خاتمیت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و احکام ضروری اسلام است مسلمان نبوده، بلکه دارای هیچ یک از ادیان الهی نیست بنابراین محکوم به طهارت نیز نمی باشد و اموال کسانی

که سابقهٔ مسلمانی داشته اند- در اثر ارتداد- به ورثهٔ مسلمان آنها می رسد و کسانی که سابقه اسلام ندارند حکم سایر کفار را دارند که در شرایط استیمان؛ یعنی خواستن امنیت از حاکمیت اسلامی، نمی توان متعرض آنان و اموالشان شد.

«سؤال ۳۱۸۵» در صورت خرید از اهل کتاب، مثل مسیحی ها یا یهودی ها، آیا پرداخت خمس مورد معامله واجب است؟

جواب: در مورد خرید واجب نیست.

تصرف در مال متعلق خمس

«سؤال ۳۱۸۶» شخصی از دنیا رفته که طبق اظهارات خودش در ایام حیات، وجوهات مالش را نپرداخته و چون وصیت کرده که بعد از وفاتش ورثه خمس اموالش را بپردازند و ورثه هم نمی دانند که کدام یک از اموال خمس دارد و کدام یک ندارد. لطفاً با توجه به ما ترک ایشان ما را راهنمایی فرمایید.

جواب: به استثنای منزل مسکونی و لوازم آن، بقیه را اگر ارث از پدر و مادر آن مرحوم در بین آنها نباشد قبل از این که ورثه، ترکه را تقسیم کنند باید تخمیس شود و نسبت به منزل و لوازم آن نیز مصالحه نمایند.

«سؤال ۳۱۸۷» در صورتی که خرجی پسر را پدر می دهد و پسر می داند که پدر خمس نمی دهد استفاده و سایر تصرفات چه حکمی دارد؟ وظیفهٔ پسر چیست؟

جواب: چنانچه پدر اعتقاد به خمس ندارد و یا اعتقاد داشته، ولی آن را پرداخت نمی کند و فرزند هم یقین ندارد آنچه در اختیار او قرار داده شده خمس به آن تعلق گرفته است، تصرف در آن مانعی ندارد و با فرض یقین اگر مال به صورت تملیک در اختیار او قرار گرفته باید خمس آن را داده و در بقیه تصرف کند و اگر بدون تملیک در اختیار وی

قرار گرفته و پدر از دادن خمس آن امتناع می کند باید فرزند با اجازهٔ حاکم شرع، خمس آن را خارج کرده و در بقیه تصرف کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۲

«سؤال ۳۱۸۸» آیا به دیه، قبل از این که سال بر آن بگذرد، خمس تعلق می گیرد؟

جواب: ظاهر این است که به دیه، خمس تعلق نمی گیرد و آن در حکم ارث است.

تصرف در خمس

«سؤال ۳۱۸۹» آیا می توان پول خمس داده شده رابه جای پولی که خمس آن داده نشده گذاشت و در حین مصرف آن را جابه جا کرد؟

جواب: اگر همهٔ آنها در بانک باشد با نیت می توانید هر کدام را بردارید، ولی اگر در محلی مخلوط شده احتیاط کنید.

«سؤال ۳۱۹۰» کسی که از پول خمس نداده اشیایی را بخرد و به خانوادهٔ خود ببخشد چه حکمی دارد؟

جواب: ضامن خمس است و گیرندهٔ هدیه هم اگر بداند ضامن است.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۱۷۲

مصرف خمس

«سؤال ۳۱۹۱» آیا کسی که خمس بدهکار است می تواند سهم امام یا قسمتی از آن را جهت صرف امر خیری که خود مصلحت می داند پرداخت کند؟

جواب: باید از مرجع تقلید خود اجازه بگیرد و شما مجازید از ثلث سهم امام علیه السلام به فقرا و امور مربوط به ترویج مذهب کمک کنید.

«سؤال ۳۱۹۲» برای نگه داری دختران فراری از اموالی که متعلق به ایتام و یا وجوهات شرعی و یا وقف است، آیا می توان استفاده کرد؟

جواب: برای مورد سؤال می توان از سهم سبیل اللّه زکات و نیز سهم مبارک امام علیه السلام که نصف خمس است البته با

اجازه مرجع تقلید استفاده کرد.

«سؤال **۳۱۹۳**» اشخاصی که بدهی از بابت سهم مبارک امام علیه السلام و از سهم سادات دارند و به یک شخص روحانی غیر مجتهد مراجعه می کنند و مبلغی از این وجوهات را به خود شخص مدیون بخشش می کنند و مبلغی هم حواله می کنند که به اقربای خود از قبیل عمه، خاله، پسر و دختر شخص مدیون بپردازد؛

آیا این عمل صحیح است و شخص بدهکار،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۳

بری ءالذمه می شود؟

جواب: اگر از مرجعی که تقلید می کنند یا نمایندهٔ او اجازه بگیرند که مبلغی از سهم امام علیه السلام را به فقرا و مبلغی از سهم سادات را به سادات مستحق- در صورتی که شخص فقیر و سید مستحق و واجب النفقه نباشند- بپردازند صحیح است، ولی بخشش به خود بدهکار معنا ندارد.

«سؤال ۳۱۹۴» فقیری که از دادن خمس معاف است و حساب سال خمسی هم ندارد، اگر درآمدی مثلًا بخششی به او شود، آیا باید فوراً خمس دهد یا بعد از گذشت سال خمس دارد؟

جواب: اگر در طول سال صرف نیازهای زندگی نشده باشد متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۹۵» فردی گاراژی داشته که خمس خرید آن را داده بوده است فعلًا آن را فروخته و خریداران آن را برای حسینیه خریداری کرده اند و مبلغ پنج میلیون تومان از پول آن را بابت خمس حساب کرده اند که از مجتهد رسید بیاورند؛ آیا مورد قبول است؟

جواب: اگر مجتهد به نیت سهم امام علیه السلام قبول کرده و از مبلغ کسر کرده قبول است ان شاءاللّه.

«سؤال ۳۱۹۶» آیا می توان سهم سادات را به کسی داد که مادرش سید است؟

جواب: جایز نیست.

«سؤال ۳۱۹۷» یکی از مشتری های شرکت تعاونی فرش دستباف، اعلام ورشکستگی کرده و حدوداً بیست میلیون تومان بدهی ایشان محاسبه شده که پنج میلیون آن بدهی به شرکت تعاونی مذکور و بقیه به اهالی بازار است. از طرفی هم کل دارایی وی یک منزل مسکونی است و مال دیگری ندارد، لذا به خاطر آبروی این خانواده تصمیم گرفته شد که منزل ایشان را به وی

برگردانده و اگر اجازه می فرمایید به جای سهم امام حساب کنند، ولی شرکت مجاز به این کار نیست، چون شرکت در حدود ۴۰۰۰ عضو دارد که همه از قشر کم درآمدند. حال سؤال این است که آیا طلبکارهای بازار می توانند به جای سهم امام بدهی خود را حساب کنند و در ضمن تکلیف شرکت تعاونی چیست و چگونه می تواند عمل کند که حق شرکت ضایع نشود و آبروی ایشان هم حفظ شود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۴

جواب: خانه مسکونی و فروش لوازم زندگی متعارف و مورد احتیاج از مستثنیات دین است و طلبکاران حق ندارند آنها را بابت طلب بردارند و اگر شخص مفلس، غیر از اینها چیزی دارد بین همه طلبکاران به نسبت طلبشان تقسیم می شود و نسبت به باقیمانده طلب حکم «فَنَظِرَةٌ إِلىٰ مَيْسَرَةٍ» جاری است و در این جهت شرکت و سایر طلبکاران با هم یکسانند و شرکت حق تقدم ندارد، ولی اگر یکی از طلبکارها عین مال خود را که به او فروخته بیابد او نسبت به آن احقّ است و سهم امام برای خود مصارف لازمه ای دارد و معمولًا روغن چراغ سوخته را نذر حضرت عباس نمی کنند، ولی در عین حال اگر طرف مرد متدیّن و متعهّدی است طلبکاران مجازند از ثلث سهم امام خود بابت طلب خود حساب کنند.

«سؤال ۳۱۹۸» بعضی از روحانیون هستند که سال هاست در یک منطقه مستقرند و خالصانه و صادقانه به مردم خدمت کرده و با حقوق بسیار پایین، زندگی خود را می گذرانند؛ آنها برای انجام کارهای خیر و خدمات خیریه در جامعه، مثل ساختن مدرسه، کتابخانه، مسجد، بیمارستان، درمانگاه و ... از مردم

منطقـه وجوهـات شـرعیه را می گیرنـد و در مـوارد فـوق الـذکر مصـرف می کننـد، ولی متأسـفانه وکـالت در اخـذ و مصـرف وجوهـات شـرعیه از مراجع عظـام ندارنـد و تقریباً بنـابر فهم و تشـخیص خودشـان وجوهات شـرعیه را گرفته و به مصـرف می رسانند؛ آیا این کارشان شرعاً صحیح است یا خیر؟

جواب: اخذ وجوهات شرعی از مردم و صرف آن موکول به اذن و نظر مرجع تقلید آنهاست.

«سؤال ۳۱۹۹» شخصی معروف به ولدالزنا است. آیا می توان به وی سهم سادات را داد.

حکم فرزند وی چگونه است؟

جواب: اصـل در نسب سـلامت است و مـادامی که ولـدالزنا بودن کسـی محرز نشود محکوم به سـلامت نسب است و بر فرض احراز، اگر او ازدواج کنـد فرزنـد او حلال زاده است و بنابر احتیاط از دادن خمس به ولـدالزنا که پدرش سـید است و اولاد او اجتناب گردد و همچنین زکات غیر هاشمی، ولی زکات هاشمی مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۵

مسائل زکات

«سؤال ۳۲۰۰» چرا معمولًا در کلمات، عاملان زکات را در درجهٔ اول قرار می دهند؟

در حالی که در آیهٔ قرآن در ردیف سوم قرار گرفته اند و اولین مصرف را فقرا ذکر کرده است؟

جواب: تقـدیم و تـأخیر مصـارف زکـات در مقـام بیان، احیاناً برخلاف ترتیب قرآنی، موضوع و امر مهمّی نیست. ملاک قرآن است که اولین مصرف را فقرا ذکر کرده است.

«سؤال ۳۲۰۱» شـرکت فاضـلاب تهران بـابت آب فاضـلاب که کشـاورزان از آن اسـتفاده می کننـد مبلغی می گیرد؛ آیا با این وصف، زکات گندم و جو این کشاورزان یکدهم است یا یک بیستم؟

جواب: مانند آب نهرها یا کانال هایی است که پول می گیرند که زکات آنها ۱۱۰ است.

«سؤال ۳۲۰۲» من تا ۲۵ سالگی تحت

تکفل پدرم بودم، پدرم چند هکتار زمین دیمی دارد که بیشتر سال ها گندم، باقلا و لوبیا که به آب کمتری نیاز دارد می کارد و با فرض این که پدرم زکات مالش را نمی داده و نمی دهد تکلیف چند سالی که با پدرم زندگی می کردم چه می شود؟ اکنون در سن ۳۶ سالگی هستم اگر قرار است زکاتی پرداخت کنم چه مقدار باید محاسبه کنم؟

جواب: اگر یقین دارید از مال متعلق زکات مصرف کرده اید باید زکات آن را به نسبت آن مقدار بپردازید و چون دیم بوده ۱۱۰ از مقدار مصرف را باید بپردازید.

«سؤال ۳۲۰۳» شخصی در کشور افغانستان زمین زراعی خود را اجاره داده است و این زمین به حدّ نصاب زکات نمی رسد؛ اما از آن جایی که اجارهٔ هر سال در طول بیست سال انباشته شده، به مقداری رسیده که در حدّ نصاب است؛ آیا به این میزان گندم زکات یا خمس تعلق می گیرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۶

جواب: در فرض سؤال که گندم ها بابت مال الاجاره دریافت می شود متعلق زکات نیست، ولی اگر در اصل زراعت و گندم شریک بوده و در هر سال به مقدار نصاب هم بوده متعلق زکات می شده است.

«سؤال ۳۲۰۴» آیا سهام و اوراق قرضه، مشمول زکات می شوند؟ و آیا زکات نقدین شامل پول می شود؟ همچنین آیا به مستقلات زکات تعلق می گیرد؟

جواب: چه بسا به ذهن می رسد که طلا و نقرهٔ سکه دار که در دلیل شرعی، متعلق زکات واقع گردیده خصوصیتی نداشته و شامل هر نوع پول رایجی می باشد؛ از این رو احتیاط مستحب آن است که پول را معادل نصاب طلا ونقرهٔ سکه دار حساب کرده و همراه با تحقق شرایط دیگر،

زکـات آن را بدهنـد، بلکه شایـد بتوان گفت: موضوع زکات وسـیع تر از نُه موردی است که مشـهور در نظر فقهاست و حاکم اسـلامی می تواند با در نظر گرفتن شرایط و کمبودهای اقتصادی و ثروت و درآمد عمومی، زکات را هرچند به عنوان مالیات، در کلیه اموال مردم و اعم از اصل و سود آن و به میزان صلاحدید قرار دهد، ولی این تنها در حدّ احتمال و حدس بوده و دلیل قطعی که بتـوان براسـاس آن فتـوا داد وجـود نـدارد. البته شـکی نیست که موارد سؤال بـا وجود شـرایطی که مفصّـلًا در مبحث خمس مطرح گردیده متعلق خمس قرار می گیرد.

مصرف وجوهات

«سؤال ۳۲۰۵» پرداخت خمس، زکـات و کفارات به افراد واجب النفقه برای غیر هزینه های واجب، مثل مسافرت چگونه است؟ و در صورت ممنوع بودن، آیا بین هزینه هایی چون مسافرت و هزینهٔ ازدواج تفاوت است؟

جواب: پرداخت وجوه شـرعیه در جهت نفقه جـایز نیست و اگر مسـافرت خـارج از مؤونه و لازم باشـد اشـکال نـدارد و هزینه ازدواج در حدّ عرف اگر بر عهدهٔ پدر باشد مؤونه است و نباید از وجوه شرعیه حساب شود.

«سؤال ۳۲۰۶» آیا می توان مخارج نگه داری دختران فراری را از ابن سبیل پرداخت کرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۷

جواب: ابن سبیل در مورد سؤال صدق نمی کند، بلکه این مورد با سهم سبیل اللّه زکات بهتر منطبق است. و سبیل اللّه که یکی از مصارف زکات است، بر هر کار خیر و مطلوبی که شرعاً و عقلًا مطلوب است به خصوص امور مربوط به اجتماع، صدق می کند.

زکات فطره

«سؤال ۳۲۰۷» آیا فرزنـد می توانـد زکات فطرهٔ خود و عائله اش را به مادرش که همراه او زندگی می کند بدهد تا به مصـرف دارو و درمان خود برساند؟

جواب: مؤونهٔ متعارف پدر و مادر اگر فقیر باشند به عهدهٔ فرزندان است بنابراین نمی توانند بابت زکات حساب کنند.

«سؤال ۳۲۰۸» کسـی که فقیر نیست، اما بر عائله اش سـخت می گیرد و خرجی درستی نمی دهـد؛ آیا عائلـهٔ او می تواننـد برای درمان و دارو و غیره از زکات فطره استفاده کنند؟

جواب: با فرض سؤال اشکال ندارد.

«سؤال ۳۲۰۹» مراسم چهلمین شب درگـذشت پـدرم مصـادف بـا شب عیـد سـعید فطر است در صورتی که در شب عیـد فطر، پذیرایی افطاری از میهمانان داشته باشیم، آیا زکات فطرهٔ میهمانان بر عهده ماست یا این که بر عهدهٔ

خود میهمانان است؟

جواب: اگر در مغرب شب عید مهمان و نانخور شما باشند فطرهٔ آنان بر عهدهٔ شماست، مگر این که با اجازهٔ شما خودشان بدهند و می توانید چهلم را یک روز جلو بیندازید، ضرورت ندارد روز چهلم شب عید باشد.

«سؤال ۳۲۱۰» خانم سالخورده ای است که با پسرش زندگی می کند، وی می گوید که پسرش خرج دارو و درمان و مسافرت او را نمی دهد؛ آیا چنین شخصی می تواند برای دارو و درمان و خرج مسافرت خود از زکات فطره استفاده کند؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۳۲۱۱» آیا زکات فطره را می توان در امور عمرانی و یا فرهنگی مسجد و یا مدرسه (همچون کتابخانه و ...) مصرف کرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۸

جواب: با وجود فقیر خلاف احتیاط است.

«سؤال ۳۲۱۲» فطریهٔ زن شیرده بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: فطرهٔ او بر عهدهٔ کسی است که مخارج زن را می دهد.

«سؤال ۳۲۱۳» این جانب در خارج از ایران به سر می برم و امکان مصرف فطریه را ندارم، لذا مبلغ مربوطه را کنار گذاشته ام. اگر شخصی در ایران (به عنوان قرض) از طرف من معادل آن را پرداخت کند آیا کفایت می کند؟ در این صورت آیا می توانم در این پول تصرف کنم؟

جواب: اگر مبلغ را به قصد فطره کنار نگذاشته بودید جایز بود به دیگری وکالت دهید از بابت قرض آن را بپردازد؛ ولی پس از کنار گذاشتن، آنچه را به قصد زکات جدا کرده اید باید بدهید. البته ممکن است شخص فقیری آن را قبول کند و اجازه دهد شما عوض آن را حواله دهید و این امر با نامه یا تلفن حل می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۷۹

مسائل حج

«سؤال ۳۲۱۴» احتراماً

همان گونه که مستحضرید رؤیت هلال ماه ذی الحجه الحرام ۱۴۲۸ ق در عربستان سعودی با ایران و سایر بلاد هم افقِ با آن، دو روز اختلاف دارد.

(که به نظر می رسد بیشتر دارای جنبه سیاسی است) و از آن جا که اعمال و مناسک حج در ایام خاص باید صورت بگیرد از جمله وقوف در عرفات، منی، مشعرالحرام و... و نیز به صرف این که باید در کنگره عظیم حج با سایر مسلمین وحدت و انسجام اسلامی را حفظ کنیم، افرادی که برای نخستین بار جهت انجام مناسک حج به مکهٔ مکرمه مشرف شده اند و شاید بار دیگر نتوانند به هر عللی شرکت کنند، با توجه به این تغییر تقویم؛ آیا به فتوای حضرت عالی توانسته اند حجهالاسلام را به جا آورند؟ یعنی اعمال و مناسک آنها صحیح است یا مجدداً باید به حج مشرف شوند؟ به هر حال در این گونه موارد و تغییر تقویم ها تکلیف چیست؟

جواب: در زمان خلفای اموی و عباسی، امیرالحاج از ناحیهٔ آنان تعیین می شد و حاکمیت با آنان بود و مع ذلک ائمه ما علیهم السلام در حج با آنان هماهنگ بودند و هیچ شنیده نشده که آن بزرگواران مخفیانه وقوف به عرفات یا مشعر را تکرار کرده باشند، پس در صورتی که یقین به مخالفت نظرِ آنان- نسبت به ماه با واقعیت- نداشته باشید متابعت آنان مجزی است، ولی در صورت یقین به اشتباه آنان متابعت آنان مشکل است، در این رابطه می توانید به مسأله ۵۱۵ صفحهٔ ۱۹۱ از «مناسک حج» این جانب مراجعه کنید.

«سؤال ۳۲۱۵» قطعه زمینی است که مالکش می توانسته با بودن آن به حج مشرف شود، ولی مدّعیانی داشته که مالک

را از تصرف در آن باز می داشته اند. مالك نذر كرده كه اگر زمين ياد شده آزاد شود آن را در راه امام حسين عليه السلام خرج كند. اكنون اين زمين آزاد شده،

رساله استفتاءات (منتظرى)، ج ۳، ص: ۱۸۰

آيا نذر فوق صحيح است و بايد به آن عمل كند؟ يا اين كه حج مقدم است؟ در صورتى كه صيغهٔ نذر نخوانده باشد تكليف چيست؟

جواب: در فرض مذكور ظاهراً حج مقدم است و بايد به حج برود.

«سؤال ۳۲۱۶» بنده مستطيع شده ام و به نظر خودم حج بر من مستقر شده. همچنين ازدواج نكرده ام كه اگر به حج بروم ممكن است سالياني ازدواج بنده به تأخير بيفتد و مى ترسم به حرام بيفتم و اگر ازدواج كنم امكان حج رفتن به تأخير مى افتد. در اين مورد چه تكليفى دارم؟

جواب: اگر قبل از ضرورت ازدواج، از نظر مالى و بدنى و نيز امكان سفر حج مستطيع شده ايد، ولى به حج نرفته ايد حج بر شما مستقر شده است و اكنون هر طور شده بايد به حج برويد؛ ولى اگر قبلًا مستطيع نشده و اكنون كه از نظر مالى متمكن شده ايد ازدواج براى شما ضرورى است و با ازدواج، استطاعت مالى براى حج باقى نمى ماند، حج وجوبى ندارد.

«سؤال ۳۲۱۷» مادرى وصيت كرده كه دخترش براى او حج واجب انجام دهد و طبيعتاً چند سال ديگر نوبتش خواهد شد. اگر در طول اين مدت، خود او واجب الحج شد تكليف چيست؟

جواب: در فرض مذكور چنانچه قبل از نوبت مادر و با قطع نظر از نوبت حج مادر، متمكن از رفتن به حج نباشد خودش استطاعت از نظر راه ندارد و بايد به وصيت عمل كرده

و خودش هر وقت متمکن باشد برای خودش حج انجام دهد.

«سؤال ۳۲۱۸» شخصی که با پرداخت عشریهٔ معروف در صوفیه به حج رفته است؛ آیا حج او قبول است؟ و اعمال او با عدم پرداخت خمس و زکات درست است یا خیر؟

جواب: چنانچه لباس یا پوششی که در حال طواف و نماز طواف به عنوان ستر واجب از آن استفاده کرده است، بلکه به طور کلی لباسی که با آن طواف و نماز طواف انجام داده و نیز پولی که صرف قربانی کرده از عین پولی باشد که یقین به تعلق خمس به آن دارد حج او اشکال دارد؛ مگر این که جاهل قاصر نسبت به وجوب و تعلق خمس بوده باشد و اگر در خرید آنها ثمن به صورت کلی و در ذمّهٔ او بوده و بعداً در

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۱

مقام پرداخت پولی را که به آن خمس تعلق گرفته بابت بدهی داده باشد و یا آن را از پولی که احتمال می دهد بر آن سال نگذشته بوده خریده باشد حج او اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۲۱۹» وقوف اضطراری مشعرالحرام برای زنان و افراد سالخورده چگونه است؟ آیا حتماً باید نیمهٔ شب شرعی را درک کنند یا می توانند به قسمی از شب (قبل از نیمه شب) اکتفا کنند؟ ضمناً نیمه شب چگونه محاسبه می شود؟

جواب: برای افراد ضعیف و معذور، مانند زنان، بچه ها، پیرمردان، بیماران و کسانی که برای پرستاری و راهنمایی آنان لازم است، جایز است وقوف در مشعر را در شب انجام دهند و شبانه به طرف منی کوچ کنند، ولی بنابر احتیاط واجب پیش از نصف شب حرکت نکنند؛ گرچه بهتر

است تا جایی که ممکن بوده و توان دارند بمانند و مانند دیگران وقوف را پس از طلوع فجر انجام دهند. برای محاسبهٔ نیمه شب بنابر احتیاط، شب را از اول مغرب تا طلوع آفتاب محاسبه کنند.

«سؤال ۳۲۲۰» شخصی نیابت حج داشته و پس از مشرف شدن به مکهٔ مکرمه و به جا آوردن عمرهٔ تمتع، از مکه خارج گشته و تا آخر منی و اول مشعرالحرام رفته است و سپس احرام حج پوشیده و حج را به جا آورده است؛ آیا حج مورد اشاره از منوب عنه کفایت می کند؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر به مکه بر گشته و در مکه محرم به حج شده و حج را انجام داده است حج او صحیح و مجزی از منوب عنه است.

«سؤال ۳۲۲۱» با توجه به جمعیت زیاد حج گزاران برای بسیاری از حجاج، قربانی در روز عید قربان مقدور نیست؛ آیا قربانی در شب را اجازه می فرمایید؟

جواب: بنابر احتیاط واجب قربانی باید در روز باشد و جایز نیست قربانی را در شب انجام دهند و اگر در روز عید، مقدور نیست روزهای بعد قربانی کنند، ولی شخص خائف و ترسان که در روز نمی تواند قربانی کند می تواند در شب آن را انجام دهد.

«سؤال ۳۲۲۲» چنانچه در روز عید قربان، ذبح گوسفند مقدور نشد؛ آیا ترتیب حتماً شرط است؟ آیا می توان قبل از ذبح، حلق یا تقصیر کرد و از احرام خارج شد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۲

جواب: اگر قربانی از روز عید تأخیر افتاد بنابر احتیاط واجب، جایز نیست تقصیر کند و از احرام خارج شود، بلکه باید صبر کند پس از قربانی تقصیر کرده و سپس

طواف و سعی را به جا آورد.

«سؤال ۳۲۲۳» برای عمرهٔ مفرده پس از اعمال حج تمتع تهیهٔ ماشین بدون سقف از مسجد تنعیم به سمت مسجدالحرام بسیار مشکل و تقریباً امکان پذیر نیست. در این مورد چه نظری دارید؟

جواب: در صورتی که ماشین بدون سقف پیدا نشود استفاده از ماشین مسقف برای مرد محرم نیز اشکالی ندارد، ولی بنابر احتیاط باید کفاره بدهد و کفارهٔ آن یک گوسفند است که می تواند آن را در وطن خود نیز ذبح کند و باید همهٔ آن را به فقیر بدهد.

«سؤال ۳۲۲۴» شخصی در عمره مفرده از مسجد شجره محرم شده و با ماشین سقف دار در شب به مکه آمده و مجدداً از هتل با ماشین مسقف برای انجام اعمال عمره به مسجدالحرام آمده و همچنین برای انجام اعمال عمره دوم از مسجد تنعیم با ماشین مسقف وارد مسجدالحرام شده؛ آیا چند کفاره باید بپردازد؟

جواب: آنچه در یک عمره تا آخر، سوار ماشین سقف دار شده یک کفاره دارد و آن ذبح یک گوسفند و تقسیم بین فقراست هرچند در محل باشد و بالاخره هر احرام یک کفاره دارد و در احرام در تنعیم چون در خود مکه است وجوب کفاره از باب احتیاط می باشد.

«سؤال ۳۲۲۵» اگر انسان با گروهی از اهل تسنّن به حج برود و از جدّه بخواهد به مکّه رود، با توجه به این که آنان به جحفه نمی روند بلکه احرام خود را در همان هواپیما می بندند، تکلیف ما چیست و کجا باید مُحرم شویم؟ مخصوصاً این که اخیراً گاهی اوقات مأموران سعودی اجبار می کنند که اتوبوس ها مستقیماً به مکّه بروند و نمی گذارند قبل ار آن به جحفه روند. آیا

این که عـده ای به مکّه رفته و بعـد از مکّه خودشان به جحفه برونـد درست است؟ آیا نیازی به این کار است، یا این که ما هم می توانیم در همان هواپیما یا در فرودگاه جدّه مُحرم شویم؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۳

جواب: کسـی که نمی توانـد به میقات برود و از آنجا مُحرم شود، می توانـد نـذر کنـد که در شـهر خود یا شـهر دیگری مُحرم شود. در این صورت عمـل به نـذر واجب است و احرام صـحیح می باشـد و لازم نیست به میقـات برود یـا در میقـات احرام را تجدیـد نمایـد. همچنین در فرض سؤال اگر به هیچ وجه نمی تواند به میقات برود می تواند از همان جدّه احرام ببندد و احتیاطاً در ادنی الحلّ، یعنی پیش از ورود به حرم خدا احرام را تجدید نماید و حج او صحیح است.

«سؤال ۳۲۲۶» نظر به این که ظـاهراً حضـرت عـالی در زیر سـایه قرار گرفتن را در وسایل نقلیه در حال احرام موجب کفاره می دانیـد و این امر که به طور عادی در اختیار ما نیست و به طور معمول و عرف، همـهٔ مسـیرها و وسائل نقلیه برنامه ریزی شـده و فقط مقلدین شـما دچار مشکل می شوند و با توجه به این که بعضی آقایان با حضور خود و یا نمایندگانشان در سرزمین وحی در این مورد تجدید نظر کرده و فتوایشان را به روز کرده اند بنابراین آیا می توانیم در این مسأله از مرجع دیگری تقلید کنیم؟

جواب: وجوب کفـاره برای رفتن زیر سـقف در حـال حرکت در احرام برای مردهـا حتی در حـال اضـطرار اجمالًا محل خلاف نیست فقط برخی در شب را بی اشکال می دانند و بالاخره به نظر این جانب روز و شب تفاوتی

ندارد و کفارهٔ آن در هر احرام یک گوسفند است و در محل نیز جایز است گوسفندی را ذبح کرده و به فقرا بدهد و اگر در این مسأله از این جانب تقلید نکرده اید می توانید به مجتهدی که او را مساوی در علم می دانید رجوع کنید وگرنه باید مثل سایر مسائل حج و عمره به فتوا عمل کنید.

«سؤال ۳۲۲۷» نماز جماعت استداره چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی احتیاط آن است که امام بر حسب دایرهٔ اطراف کعبه جلوتر از مأموم و به کعبه نزدیک تر باشد.

«سؤال ۳۲۲۸» با توجه به این که اذان مغرب اهل سنت زودتر است، شرکت در جماعت مغرب آنها کفایت می کند؟

جواب: پس از غروب آفتاب وقتی سرخی مختصری که در سمت مشرق است دیده نشود و سرخی مختصری در سمت مغرب پیدا شود اول وقت مغرب است؛ پس

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۴

اگر پس از تمام شدن اذان اهل سنت عملًا نماز پس از بین رفتن سرخی طرف شرق شروع شود نماز صحیح است.

«سؤال ۳۲۲۹» در نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی یا سایر مساجد مکه و مدینه، آیا سجده بر فرش جایز است؟ در نماز فرادا در مسجدین چطور؟

جواب: نمازگزار اگر در جایی قرار گرفته است که سجده بر حصیر یا سنگ و آنچه سجده بر آن صحیح است خلاف تقیه باشد و در معرض انگشت نما شدن و وهن شیعه باشد می تواند بر فرش و مانند آن سجده کند و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.

«سؤال ۳۲۳۰» ظن در اشواط طواف و سعی چه حکمی دارد؟

جواب: ظن در طواف و سعی، حکم شک را دارد. البته اگر به حدّ

اطمینان برسد حکم یقین را دارد.

«سؤال ۳۲۳۱» قطع طواف واجب چه حکمی دارد؟ و وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر طواف واجب را قطع کند؛ یعنی از محل طواف خارج شده یا موالات عرفی به هم خورده باشد بعد از شوط چهارم بایـد طواف را ادامه دهـد و صـحیح است و اگر بعـد از نصف طواف و پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد باید احتیاط کند؛ یعنی طواف را تمام و بعـداً از سـر بگیرد و اگر پیش از نصف باشـد طواف او باطل شده و باید از سـر بگیرد و اگر قطع، در اثر حدث یا نجس شدن بدن یا لباس باشد حکم آنها در مسائل ۳۸۱، ۳۹۰ و ۳۹۷ مناسک بیان شده است.

«سؤال ۳۲۳۲» در عربسـتان قرآن هـایی به حجـاج به عنـوان هـدیه داده می شـود که روی آن مهر وقف للّه درج شـده است. با توجه به این که متصـدیان امور حـج و عمرهٔ عربسـتان این قرآن هـا را هـدیه می دهنـد؛ آیـا اسـتفاده از این قرآن هـا خـارج از مسجدالحرام، مثلًا آوردن به ایران اشکال دارد؟

جواب: معنای وقف للّه این است که قرآن برای رضای خدا وقف شده است، پس استفاده از آن مخصوص مکان خاصی نیست و چون متصدیان، به شما هدیه کرده اند آوردن آنها به ایران اشکال ندارد، منتهی حق فروش آنها را ندارید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۵

مسائل حکومتی

«سؤال ۳۲۳۳» در زمان غیبت امام زمان علیه السلام در جامعهٔ اسلام «حاکم شرع» چه کسی است؟ (مجتهد جامع الشرایط، رهبر و ...) لطفاً توضیح دهید.

جواب: مجتهدی که در زمان غیبت، شرایط افتا و حاکمیت را دارا باشد، حاکم شرع جامع الشرایط است.

«سؤال ۳۲۳۴» نایب امام زمان عجّل اللّه فرجهم

هم اکنون کیست؟

جواب: امـام زمـان علیه السـلام در زمـان غیبت کبرا نـایب خاصـی ندارنـد، اما از آن جا که احکام اسـلام در هیـچ زمانی نباید تعطیل شود و از طرفی دسترسی به امام زمان علیه السلام در زمان غیبت میسر نیست، از این جهت مراجع تقلید و عالمان دینی که واجد تمام شرایط باشند به عنوان نیابت عام در زمان غیبت، وظایف امام معصوم علیهم السلام را در حد میسور و مقدور انجام می دهند و احکام و معارف شریعت را برای مردم بیان و در حد قدرت اجرا می کنند.

«سؤال ۳۲۳۵» از دید شما تعریف «حُکم حکومتی» چیست؟ در جامعه ای که فقیه زمامدار باشد، حکم فقط در اختیار اوست؟ یا حُکم در اختیار همهٔ فقهاست؟ یا بعضی از حکم ها اختصاص به فقیه زمامدار دارد وبقیه در اختیار بقیهٔ فقهاست؟

جواب: حکم حکومتی حکمی است که حاکم شرع جامع الشرایط در شرایط خاص و استثنایی به طور موقت و با استناد و اتکای به قواعد کلی فقه اعلام می کند.

البته باید تمام جوانب و مصالح و مفاسد گوناگون توسط کارشناسان مربوطه سنجیده و ملاحظه شود و سپس حاکم شرع حکم کند. و در حقیقت می توان گفت:

حکم حکومتی، متقوم به حاکمیت اسلامی است نه شخص حاکم.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۶

«سؤال ۳۲۳۶» آنچه از فرمایش شما ظاهر می شود این است که اموال بر دو قسم است:

۱- شخصی. ۲- حکومتی، یعنی اموالی هست که در دست فرمانروا و حاکم است تا وقتی که حاکم است، لکن ملک شخصی او نبوده و فقط اختیار در دست اوست تا وقتی که حکومت دارد و آنچه از کتب فقهی ظاهر می شود این است که زمین های

مفتوحه العنوه تعلق به همهٔ مسلمین دارد. در هر صورت چه اموال حکومتی باشد و چه مفتوحه العنوه باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حق تملیک بفرزندان خود را ندارد. در این جا یک سؤال پیش می آید که اگر فدک ملک شخصی پیامبر نبود، چرا به فاطمه علیها السلام تملیک کرد؟ در حالی که این یک فعل خلاف شرع است و این چگونه با آیهٔ تطهیر «۱» و با آیهٔ «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ» «۲» که وقتی نازل شد پیامبر به فاطمه علیها السلام بخشید و ملک او قرار داد. و نیز اخبار زیادی که قریب به تواتر هم نقل شده، می سازد؟ و دیگر این که اگر فدک ملک فاطمه نبود چرا آن حضرت در موارد متعدد با خلفا بحث کرد؟ آنان را محاکمه کرده و شهود آورد که از جملهٔ شهود حضرت علی و حسنین علیهم السلام بودند. پس باید نعوذ باللّٰه اینها هم معصیت کرده باشند و حال این که اینان هم جزء آیهٔ تطهیرند و آیهٔ تطهیر در شأن آنان هم بود. به هر جهت مطلب روشن نیست لطفاً مقداری آن را بیان فرمایید.

جواب: غنائمی که مفتوحه العنوه باشند هرچند ابتدا باید در اختیار امام مسلمین قرار گیرد، ولی پس از اخذ صفایا و خمس آنها مابقی بین رزمندگان تقسیم می شود؛ اما غنائمی که با اذن امام و بدون جنگ و خون ریزی و یا بدون اذن به دست آیند کلًا در اختیار امام و ملک حیثیت امامت است و امام به هر نحو که مصلحت دیدند آنها را به مصرف می رسانند و فدک جزء اموالی بود که بدون جنگ در

دست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و آن حضرت پس از نزول آیهٔ شریفهٔ «وَ آتِ ذَا الْقُرْبیٰ حَقَّهُ» آن را به حضرت زهرا علیها السلام اعطا فرمودند و در حقیقت خواستند بیت امامت از نظر مالی تا اندازه ای تأمین گردد.

«سؤال ۳۲۳۷» با وجود خمس و زکات، مالیات چگونه توجیه می شود؟

---

(۱)- سورهٔ احزاب (۳۳): آیهٔ ۳۳.

(۲)- سورهٔ إسراء (۱۷): آیهٔ ۲۶.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۷

جواب: اگر همهٔ افراد، وجوه شرعیهٔ خود را بپردازند شاید کافی باشد و در عین حال اگر کافی نباشد دولت اسلامی می تواند برای رفع نیازهای جامعه و کشور مالیات وضع کند به خصوص که نیازهای ادارهٔ کشور با صدر اسلام بسیار تفاوت دارد.

«سؤال ۳۲۳۸» می خواستم بدانم جزیه چیست؟ مبلغ آن چقدر است؟ و این که آیا این حکم عادلانه است که فردی به خاطر این که مسلمان نمی شود با زجر و خواری به مسلمانان پول بدهد؟ مگر انسان ها آزاد نیستند تا خود انتخاب کنند؟ مگر در قرآن گفته نشده «لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ»؟ پس چرا باید کسی را به خاطر مسلمان نشدن از بین برد و یا از او پول گرفت، آن هم با خفت و خواری؟

جواب: جزیه، عبارت از مالیاتی است که اقلیت های مذهبی که در حاکمیت اسلامی زندگی می کنند به آن پرداخت می کنند. این مالیات در مقابل خدماتی است که در حاکمیت اسلامی از آنها استفاده می کنند، همچون بهره برداری از امکانات عمومی متعلق به همهٔ مردم و حفظ خودشان و اموال و نوامیس آنان از هر خطر و حادثه ای.

اقلیت های مذهبی چون از دادن زکات معافند، حاکمیت دینی به ازای زکات که مالیات

بر امـوال است نوعی مالیـات بر خود افراد آنـان مقرّر می کنـد و مقـدار آن تـابع شـرایط زمـان و مکـان و توافقی است که بین حاکمیت دینی و اقلیت های مذهبی برقرار می شود. بنابراین، جزیه هرگز در مقابل مسـلمان نشدن آنان نیست، زیرا بنا به منطق اسـلام و قرآن هیـچ اکراه و اجباری در دین نبایـد اعمال شود و مراد از «صاغِرُونَ»* که در آیـهٔ جزیه آمـده است همان تسـلیم بودن اقلیت هـای مـذهبی در مقابل حاکمیت اسـلامی و مقررات آن است، نه این که علاوه بر تسـلیم بودن، خفت و خواری بر آنان تحمیل گردد.

«سؤال ۳۲۳۹» بسـیاری از قوانین و مقررات، توسـط مؤسـسات، سازمان ها، شوراها، شـهرداری ها و شـرکت های بزرگ، مانند آب و فاضـلاب و ... تصویب و در جامعه اعمال می شونـد و مردم مجبور به رعایت آنها بوده و گرفتاری های متعدد اجتماعی از پیامدهای آنهاست. چگونه زندگی کنیم تا خداوند از ما راضی باشد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۸

جواب: مقررات هر نهادی که برای حفظ حقوق و نظام اجتماعی مردم تعیین می شود در صورتی که مخالفتی با احکام شـرعی نداشته باشد عمل به آنها لازم است.

«سؤال ۳۲۴۰» برخی افراد بر خلاـف قوانین و مقررات و بـدون اخـذ مجوّز از مراجع ذی صـلاح و علی رغم مخالفت صـریح و اکیـد آنان (بویژه سازمان میراث فرهنگی و گردشـگری) به تخریب بناهای تاریخی- مـذهبی که به ثبت آثار ملی ایران رسـیده است اقدام می کنند. لطفاً نظر مبارک خود را در این خصوص اعلام فرمایید.

جواب: در بناهـای غیر شخصـی، جواب روشن است و مسؤولین می تواننـد طبق مقررات بـا آنها برخورد کننـد، ولی در بناهای شخصی کسی حق ندارد که مانع

تصرف مالك شود و می توانند آن را با کسب رضایت مالک از مالک خریداری کنند؛ البته در مواردی هم که ملک تاریخی ارزش عقلائی پیدا نموده به گونه ای که تخریب آن اسراف محسوب گردد جایز نیست مالک آن را تخریب نماید.

«سؤال ۳۲۴۱» آیا ولایت پدر میّت بر فرزند صغیر میّت برای نظارت امور طفل است؟

و یا این که ولیّ قهری طفل اختیار هر گونه اقدام در امورات طفل را دارد حتی اگر دخل و تصرف در اموال طفل باشد؟

جواب: جدّ پدری صغیر هر گونه تصرفی را که به مصلحت صغیر باشد می تواند در مال او انجام دهد چه صرف آن در زندگی صغیر وچه انجام معاملات روی آن.

«سؤال ۳۲۴۲» آیا مصوبات شورای عالی فرهنگی مثل احکام شرعی است؟

جواب: تخلّف از مقررات اجتماعی که موجب اخلال در نظم اجتماع شود، جایز نیست؛ مگر این که ذاتاً امر غیر مشروعی باشد، زیرا

«لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق»

. «سؤال ۳۲۴۳» در صورتی که انسان فرد اصلحی را در زمان انتخابات پیدا نکند یا اصلًا به دلیل پوچی مسأله در انتخابات شرکت نکند، آیا شرعاً مرتکب خلافی شده است؟

جواب: این گونه مسائل تقلیدی نیست و هر کس باید تحقیق کرده و عمل کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۸۹

مسائل خرید و فروش

[برکت در کسب]

«سؤال ۳۲۴۴» در کاسبی چه مواردی را باید رعایت کرد تا خدا برکت بیشتری به ما داده و برای رزق و روزی بیشتر مفید باشد؟

جواب: مستحب است فروشنده در بهای کالا، فرقی بین مشتریان نگذاشته و در تعیین قیمت، سختگیری و اجحاف نکند و اگر خریدار پشیمان شود و تقاضای به هم زدن معامله را کند، بپذیرد و قسم راست هم در

معامله نخورد چه رسد به قسم دروغ که حرام است. خواندن این دعا در قنوت نماز برای افزایش روزی خوب است:

«اللهُمّ أغنِنا بحلالِكَ عن حَرامِك و بفَضلِكَ عَمّن سِواك».

اصل اولی و بنای عقلا در معاملات

«سؤال ۳۲۴۵» چرا اصل در معاملات فساد آنهاست؟ با توجه به این که تقریباً تمامی معاملاتی که اکنون در فقه مطرح است، از جمله موارد امضایی شارع بوده است؛ آیا حضرت عالی الف و لام را در «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» استغراقی می دانید؟

جواب: با فرض عدم ورود عمومات از ناحیۀ شرع و به طور کلی با فرض عدم دلیل بر صحت عقد، اگر در صحت عقدی شک کردیم، استصحاب عدم ترتب اثر جاری است و مقصود از این که اصل در معاملات فساد آنهاست، همین استصحاب است؛ ولی به مقتضای «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» هر عقد عقلایی، محکوم به صحت و لزوم است و ظاهراً الف و لام، استغراقی بوده که در حقیقت امضای بنای عقلاست و بالاخره مقتضای طبع عقد و قرارداد، وجوب وفا است، مگر این که دلیلی بر عدم لزوم داشته باشیم و حتی عقود اذنیّه از قبیل مضاربه و شرکت نیز جواز و عدم وجوب وفای به مقتضای آنها محل اشکال است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۰

معاملات، تأسیسی یا امضایی است؟

«سؤال ۳۲۴۶» آیا قراردادهای مشارکتی، مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و ... امضایی بوده یا تأسیسی اند؟

جواب: معمولًا معاملات، اموری است که ضرورت های اجتماعی در عرصۀ اقتصاد، آن ها را ایجاب کرده است و شارع مقدس با توجه به احاطۀ کاملی که به تمام مصالح و مفاسد بشر دارد، بخش عمده ای از آنها را امضا یا تصحیح کرده و برخی را فاسد و ممنوع شمرده است؛ از این رو مشروعیت هر گونه معامله و قراردادی منوط به عدم ثبوت منع و ردع شرعی نسبت به آن بوده و به تعبیری عدم مخالفت آن با اصول و قواعد شرعی است.

ملکیت موقت در خرید و فروش

«سؤال ۳۲۴۷» در خرید و فروش، آیا دوام مالکیت مشتری و بایع نسبت به مبیع و ثمن به اقتضای ذات بیع و شرا است، یا این که مقتضای اطلاق آن می باشد به نحوی که اگر خلاف دوام شرط شود، مخالفت با مقتضای ذات معامله نشده است؟

جواب: ملکیت یک امر تکوینی غیر قابل تغییر نیست، بلکه یک امر اعتباری عقلایی بوده و تابع اعتبار عقلاست و بیع و شرا برای نقل ملکیت و تبادل مالکین است. و هرچند متعارف بین عقلای جهان تا حال، ملکیت مطلقۀ مالکین است و اطلاق بیع و شرا منصرف به ملکیت مطلقۀ طرفین می باشد، ولی به نظر می رسد اگر ملکیت موقت بر حسب نیازها، نسبت به عین و ذات، معمول و معتبر شود نزد عقلا، دلیلی بر فساد آن نداریم؛ مثلًا یک ساختمان در هر سال شش ماه معیّن مال زید باشد و از آن بهره ببرد و شش ماه دیگر مال عمرو باشد.

«سؤال ۳۲۴۸» آیا نظام اجارهٔ کار و دستمزد ساعتی از نظر اسلام مطلوب است

و یا نظام مشارکتی (همچون مساقات، مضاربه، مزارعه و ...) که کارگر را در سود عادلانه شریک می سازد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۱

جواب: با توجه به تفاوت شرایط کار و کارگر، نمی توان حکم به رجحان یکی از طرفین مورد سؤال بر دیگری کرد و هر کدام از آن دو در جایگاه خود صحیح و مطلوب است.

«سؤال ۳۲۴۹» مالکیت صنایع بزرگ و توسعهٔ فن آوری و جایگزین شدن دستگاه ها به جای کارگر، روز به روز نیاز صنایع به کارگر را کاهش داده و به بیکاری کارگران می انجامد، آیا اسلام راهکاری ارائه داده است؟

جواب: اسلام قطع نظر از امضا یا تصحیح بعضی معاملات یا ممانعت از برخی دیگر آنها، نسبت به اموری که عقول بشری خود به خود به آن روی آورده و می تواند برای آن برنامه ریزی کند، طرح ویژه ای جز سفارش اخلاقی و ارشاد به عدل و انصاف و مراعات حال یکدیگر بویژه طبقهٔ ضعیف و تهی دست ندارد. به عبارت دیگر، اسلام دارای اخلاق اقتصادی است نه علم اقتصاد.

قصد در معاملات

«سؤال ۳۲۵۰» اگر شخصی مایل به انجام معامله ای نباشد، ولی به لحاظ مصلحت خود و خانواده اش و به خاطر انگیزهٔ آینده نگری اش معامله ای را انجام دهد؛ آیا معاملهٔ او صحیح است؟ آیا عدم میل او اکراه محسوب می شود؟

جواب: در فرض سؤال، معامله با اختیار و روی تشخیص مصلحت انجام شده و اشکالی ندارد.

معاملات ربوی

«سؤال ۳۲۵۱» یکی از مراجع فعلی در رسالهٔ خویش گفته: «قرض بر دو نوع است: الف:

استنتاجی (تولیدی). ب: استهلاکی. و سود گرفتن در قرض های استنتاجی اشکال ندارد.

نظر مبارک حضرت عالی چیست؟

جواب: به نظر این جانب بین دو نوع مذکور از قرض، فرقی نیست و هر دو ربا و حرام می باشد، آنچه حلال است مضاربه است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۲

«سؤال ۳۲۵۲» این جانب به خاطر فقر و نداری و برای حفظ آبرو مجبور شدم مبلغ چهار میلیون تومان از شخصی رباخوار با بهرهٔ بسیار بالا دریافت کنم؛ آیا گرفتن ربا برای حفظ آبرو چه حکمی دارد؟ و برای جبران گناه آن چه باید بکنم؟

جواب: در حدیث وارد شده:

«لعن رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فی الربا خمسه: آکله و مُوکله و شاهدیه و کاتبه» «۱»

رسول خدا در ربا پنج نفر را لعن نمودند: دهنده و گیرنده و دو شاهد و نویسنده آن را. در عین حال خدا توبه را قبول می کند و جبران گناه توبه است و طلبکار باید بدون گرفتن سود به بدهکار فرصت بدهد.

«سؤال **۳۲۵۳**» اگر کسی خانه و یا مغازه ای را به عنوان ربا و یا سود و بهره، خریداری کرده باشد؛ آیا می توان آن خانه را از خریدار خرید؟

جواب: اگر خانه را از صاحبش به عنوان ربا گرفته

است مالك آن نشده است و معاملهٔ آن صحیح نیست، مگر این که مالك اصلی معامله را امضا کند.

«سؤال ۳۲۵۴» معامله ای بین دو طرف صورت گرفته است. آنها در قرارداد این طور نوشته اند: «خریدار ملکی را از فروشنده به ۸۰ میلیون تومان خریداری کرده نقداً، و ۶ ماه دیگر آن را به فروشنده می فروشد به ۹۰ میلیون تومان». فروشنده ملك پس از اخذ ۸۰ میلیون تومان و گذشت بیش از ۶ ماه ادّعا کرده که نمی تواند از خریدار ۹۰ میلیون را باز پس گیرد و خانه را پس دهد لذا به دادگاه شکایت کرده که شخص خریدار قصد اخذ ربا را دارد؛ آیا این بیع ربوی بوده است؟ و آیا خریدار ملك باید ۹۰ میلیون را بگیرد یا همان پول اوّلی را؟

جواب: با توجه به اشتراط معامله دوّم در ضمن معاملهٔ اوّل معامله صحیح نیست و خریدار باید ملك را تحویل دهد و اصل پول خود را دریافت کند و به لحاظ کاهش ارزش پول بنابر احتیاط در مقدار تفاوت با یکدیگر مصالحه کنند، و بالاخره او را راضی کند.

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۷، ابواب الربا، باب ۴، ح ۴.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۳

«سؤال ۳۲۵۵» این جانب وکیل هستم و در بعضی از قراردادها با افراد حقیقی و حقوقی از آنها چك یا سفته دریافت می کنم. در بسیاری از موارد با این که موکّلین، تمکن مالی دارند، اما چك ها را پاس نمی کنند و این امر طوری است که بعضاً ماه ها یا سال ها به طول می انجامد. اخیراً در ضمن قرارداد خود چنین ذکر کرده ام: «خریدار قبول کرد که در صورت تأخیر در پرداخت وجه چك در سررسید ماهیانه،

فلان درصد به عنوان خسارت پرداخت کند و ...». آیا این قید مذکور شرعی است یا ربوی؟ و همچنین آیا مبلغ درج شده در قراردادها به عنوان وجه التزام با خسارت تأخیر در تأدیه یکسان است و یا وجه التزام در صورت فسخ قرارداد به فروشنده تعلق می گیرد؟

جواب: بابت دیر پرداخت طلب اضافه گرفتن چه با شرط باشد یا بدون شرط ربا و حرام است. بله اگر در عقد معامله شرط کنند که در صورت تأخیر در پرداخت خیار فسخ معامله را داشته باشند صحیح است و می تواند فروشنده معامله را فسخ کند.

همچنین وجه التزام اگر در عقد معامله شرط شده باشد که طرفی که می خواهد معامله را فسخ کند باید فلان مبلغ را بپردازد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۲۵۶» آیا بهره ای که بانک های خارجی می دهند حرام است؟

جواب: اگر معاملات شرعی انجام شود حلال است، ولی ربا حرام است چه در داخل و چه در خارج؛ آری گرفتن سود از کفّار حربی که خودشان با رضایت می دهند مانعی ندارد.

«سؤال ۳۲۵۷» چند سال پیش به منظور خرید زمین به بانک مراجعه کرده تا وام دریافت کنم. بانک هم وعدهٔ دو ماهه داد، لذا برای این که معاملهٔ زمین انجام گیرد از یکی از دوستان مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان قرض گرفتم بدون این که صحبت یا نوشته ای در مورد سود پول باشد. پس از دو ماه بانک اعلام کرد که به شما وام تعلق نمی گیرد، لذا با صاحب پول در میان گذاشتم قرار شد با پول کار کنم و مقداری به وجه مذکور اضافه کنم. پس از یک سال پانصد هزار تومان و سپس یک صد هزار تومان

و بعـد از آن هم همـهٔ یـک میلیون و هفتصـد هزار تومـان را پرداخت کردم (جمعاً دو میلیون و سـیصد هزار تومان) اما صاحب پول باز هم راضی نیست و می گوید: دو سال پیش که

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۴

وضع زمین و تورّم این قدر بالا نبوده و اگر پول مرا داده بودی من می توانستم فلان مقدار زمین بخرم. حال سؤال این است که باز باید او را راضی کنم یا همین مقدار کفایت می کند؟

جواب: هر گونه اضـافه گرفتن در مقابـل وام (قرض) ربـا و حرام است؛ البته چنـانچه ارزش پول کـاهش جـدی پیـدا کنـد بنابر احتیـاط بـدهکار بایـد کاهش ارزش را جبران نمایـد، ولی اگر پول را به کسـی یا به بانک بدهنـد که او با آن پول کار کنـد و سـودی که به دست می آیـد را بـا هم تقسـیم کننـد به صورت مشـاع، یعنی نصف و نصف، یـا ثلث و دو ثلث و ... این قرارداد صحیح است و اگر سودی پیدا نشد صاحب پول چیزی به جز پول اصلی اش طلبکار نیست.

«سؤال ۳۲۵۸» در کشورهای غربی، اسـتفاده از کارت های اعتباری بسـیار رایـج است و طرز کار این کارت ها این گونه اسـت که هنگام خریـد، قیمت کالا را بانک پرداخت می کنـد و آخر ماه، خریـدار بایـد قیمت را به بانک برگرداند. در مواقعی افراد بـدون داشـتن مبلغ خریـد می کنند و در نتیجه نمی توانند مبلغ را به بانک برگردانند. از این رو بانک روی این مبلغ سود نسـبتاً زیادی می کشد و اصلًا درآمد بانک ها از این گونه سودهاست که اگر سر موقع پرداخت شود بانک هیچ گاه سودی نمی برد و متضرر می شود؛ آیا ما می توانیم از چنین

بانک هایی استفاده کنیم و همیشه سر ماه پول را پرداخت کنیم تا بانک از پول، سودی نبرد؟

جواب: سودهای مذکور ربا و حرام است، ولی استفاده از کارت ها فی نفسه و بدون پرداخت ربا مانعی ندارد. هرچند اگر تنها درآمد بانک ها از طریق سودهای ربایی باشد استفاده از کارت ها در این صورت خالی از اشکال نیست.

«سؤال ۳۲۵۹» در کشورهای غربی هنگام خرید مسکن از آن جایی که معمولًا مشتری تمام پول را نقداً ندارد بانک پول را به جای او می دهد و مشتری بعداً در طول چند سال پول را به طور قسطی به بانک پرداخت می کند؛ اما بانک روی این مبلغ سود بسیاری می گیرد و قرارداد طوری تنظیم می شود که اولًا: بانک ضرر نکند، ثانیاً: اگر در اثنا ولو یک ماه پس از اخذ قرارداد مشتری تمام پول منزل را به دست آورد بانک ابتدا سودها را

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۵

می گیرد و مابقی را برای قیمت منزل برمی دارد؛ آیا وارد شدن در چنین قراردادی اشکال دارد؟

جواب: قرارداد مذکور با بانک محل اشکال است و بانک حق گرفتن بیش از آنچه را پرداخته است ندارد. گرچه در هر صورت خریدار مالک خانه شده و مبلغی را که بانک پرداخته است باید به او بپردازد.

راه بدون اشکال این است که بانک خانه را بخرد برای خودش و سپس آن را به بهای مورد نظر به صورت مدت دار به شما بفروشد.

«سؤال ۳۲۶۰» این جانب مقداری پول به شخصی دادم که این شخص این پول را برای رهن منزل و یا اتاق به کار ببرد و او در عوض ماهانه اجاره به من بدهد بعداً مطلع شدم که آن

شخص پول مرا در رهن منزل و یا اتاق به کار نبرده و تا اکنون که دو سال است پول من در دست اوست؛ آیا می توانم علاوه بر اصل پول مقداری به عنوان اجارهٔ دو ساله از وی طلب کنم؟

جواب: اصل قرارداد اولیهٔ شما هم صحیح نبوده و اکنون هم حق گرفتن اضافه را ندارید. بله بنابر احتیاط واجب بدهکار باید کاهش ارزش پول در این مدت را جبران نماید.

«سؤال ۳۲۶۱» این جانب مبلغ دو میلیون تومان از شخصی قرض گرفتم و به صورت متوالی آن را پرداخت کردم، ولی قرض دهنده مدّعی است که مبلغ اصلی را به او نپرداخته ام. حال سؤال این است: آیا این جانب مبلغی را که پرداخت کرده ام ربا محسوب می شود؟ و آیا باز چیزی به قرض دهنده بدهکارم؟

جواب: اگر پول ایشان را پرداخت کرده اید دیگر چیزی به ایشان بدهکار نیستید و گرفتن زیاده ربا و حرام است، مگر این که در اثر تأخیر ادای دین، ارزش پول کاهش زیاد پیدا کرده باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب نسبت به تفاوت قدرت خرید، مصالحه و یا جبران کنید.

«سؤال ۳۲۶۲» اگر پدر خانواده اجناسی خرید و فروش می کند که بعضاً حرام و یا خرید و فروش ربوی است، تکلیف اهل منزل چیست؟ آیا می توانند از آن استفاده کنند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۶

جواب: اگر یقین داشته باشند که عین مالی که در اختیار خانواده قرار می گیرد حرام است نباید مصرف کنند و اگر ناچار باشند باید اگر صاحب مال را نمی شناسند از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهند. البته تا یقین به وجود مال حرام در اموال مصرفی حاصل نشود مصرف

آن مانعی ندارد.

رشوه

«سؤال ۳۲۶۳» از آن جا که مأمورین نیروی انتظامی جهت خدمات دهی به مردم از جمله ابلاغ و اجرای احکام دادگستری و حل فصل دعاوی از دولت حقوق دریافت می کنند، ولی گاهی ارباب رجوع پس از انجام کار و مأموریت به اصرار پول یا چیز دیگری به عنوان شیرینی و حق الزحمه به آنها می دهند بدون آن که توقع کار دیگری از آنها داشته باشند، قبول کردن این پول یا جنس از ارباب رجوع پس از پایان اجرای حکم به عنوان هدیه یا شیرینی با اصرار و تمنای فراوان مراجعین در وقت اداری و غیر اداری چه حکمی دارد؟ و آیا از مصادیق رشوه نیست؟

جواب: اگر تضییع حقوق دیگران در بین نیست مانعی ندارد و مصداق رشوه نیست؛ ولی باید از مظانّ اتهام دوری شود.

«سؤال ۳۲۶۴» مجرمی بیمار است و بیماریش توسط پزشک گواهی شده و از اجرای تعزیر نیز معاف گردیده است. وی به خاطر خوف جانی و حفظ آبرو تحمل شلاق ندارد.

اگر این شخص کسی را وکیل کند که به مأمور اجرای قانون رشوه بدهد برای این که طوری حکم را اجرا کند که جان و آبرویش محفوظ باشد. اولًا: اگر مأمور قصد جدّی از اجرای حکم داشته باشد و باز پول را بگیرد چه حکمی دارد؟ ثانیاً: شخصی که وکیل شده تا به مأمور رشوه بدهد (چون برای حفظ جان مسلم اقدام کرده)، آیا مرتکب حرام شده؟

و آیا خودش می تواند به خاطر وکالتش اخذ اجرت کند؟

جواب: تعزیر نباید به نحوی واقع شود که جان را به خطر بیندازد و برای فرد محکوم نیز حفظ جان واجب است و در صورتی که برای حفظ

جان، جز پرداخت پول راهی نداشته باشد پرداخت پول نیز اشکال ندارد و با فرض جواز پرداخت پول

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۷

برای حفظ جان، راشی و نیز وکیل او معذورند، ولی گرفتن پول توسط مأمور خلاف مقررات است و نباید آن را بگیرد و در هر حال زمینه سازی برای تحقق جرم، جایز نیست. همچنین پرداخت رشوه برای وکیل چون برای حفظ جان بوده است اشکالی ندارد و اخذ اجرت برای انجام عمل مورد وکالت جایز است، مگر این که عمل وکیل ظهور در تبرعی بودن فعل او داشته باشد.

«سؤال ۳۲۶۵» شخصی در حدود ۳۰ سال پیش ملکی را فروخته و ثمن آن را کلًا دریافت کرده، ولی مبیع تا این تاریخ تحویل خریدار نشده. اینک خریدار تقاضای تسلیم و تحویل مورد معامله را کرده، ولی معلوم شده است که ملک مذکور در تاریخ انعقاد عقد بیع در مالکیت فروشنده نبوده است؛ آیا استرداد عین ثمن مأخوذ، فروشنده را بری ءالذمه می کند و یا این که با توجه به تفاوت فاحش در قدرت خرید باید ترقی قیمت به قیمت روز حساب شود؟

جواب: اگر ثمن معامله، عینی مانند زمین یا باغ یا منزل باشد باید همان عین را به خریدار ملک پس داد، ولی اگر ثمن ملک پول رایج قرار داده شده با توجه به کاهش قدرت خرید پول بنابر احتیاط واجب باید نسبت به تفاوت ارزش و قدرت خرید پول با یکدیگر مصالحه کنند.

«سؤال ۳۲۶۶» این جانب در چند سال پیش سند منزلی را در دفتر خانۀ رسمی به نام فردی انتقال دادم. در زمان انتقال سند، قیمت ملک و نحوۀ پرداخت آن بین دو طرف

اصلًا مطرح نشده است. حالا پس از گذشت چند سال از انتقال سند منزل، می خواهیم حساب و کتاب کنیم؛ قیمتی را که این جانب پیشنهاد کردم مورد قبول آن فرد نیست و قیمتی را که او در نظر گرفته مورد قبول این جانب نیست؛ آیا معامله صحیح بوده است یا خیر؟ و مالک شرعی چه کسی است؟

جواب: مجرد نقل سند در دفاتر رسمی موجب انتقال مالکیت نمی شود و بر فرض این که با انتقال سند قصد جدی معامله را داشته اید به خاطر معلوم نبودن قیمت منزل، معامله باطل است، ولی اگر هدف نقل مالکیت عین با قیمت مشخص فی ما بین بوده و خریدار هم به همین نحو قبول کرده، انتقال حاصل شده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۸

«سؤال ۳۲۶۷» با توجه به تورّم در جامعه اگر خواستیم مهریۀ همسر را بدهیم و یا قرض خود را بپردازیم چگونه باید پرداخت شود؟ علاوه بر آن بانك در هر سال تورّمی را اعلام می کند که با تورّم در جامعه متفاوت است مثلًا می گوید ۱۰ درصد، ولی عملًا می بینیم ۳۵ درصد یا کمتر و یا بیشتر است.

جواب: ظاهراً پول های کاغذی متاع و کالا نیستند، بلکه نمایندۀ کالاها و ارزش ها می باشند و در معاملات و مهریه و قرض ها قدرت خرید آنان مورد نظر است، پس بنابر احتیاط واجب لازم است، ارزش و قدرت خرید آنان هنگام معامله یا پرداخت قرض ها یا مهریه ها، محسوب گردد و به طرف پرداخت شود.

«سؤال ۳۲۶۸» با توجه به حرمت گرفتن ربا در جامعۀ اسلامی و با عنایت به این که ارزش پول در نظام اقتصادی کنونی هر روز رو به کاهش است اگر کسی به دیگری

قرض بدهد و ما به التفاوتی اخذ شود حکم پولی که در ازای مابه التفاوت پول قرض گرفته شده و ارزش کنونی پول توسط شخص گرفته می شود چیست؟

جواب: اسکناس و سایر پول های کاغذی کالا و متاع نیستند، بلکه قدرت خرید آنها معیار است، بنابراین به احتیاط واجب باید قدرت خرید آنها ملاحظه شود و در مقام پرداخت به طلبکار پرداخت شود و این امر، در مهریه ها و قرض ها و معاملات جاری است.

«سؤال ۳۲۶۹» شخصی در حدود سال ۱۳۵۳ ش زمینی را به شخص دیگری واگذار کرده و مبلغ پنجاه هزار تومان دریافت کرده است. اکنون روشن شده که در سال ۱۳۴۸ ش اسناد اراضی مزبور از طریق شورای عالی ثبت ابطال شده و طبعاً فروشنده در زمان وقوع معامله مالک نبوده است. در زمان حاضر آیا خریدار مستحق پنجاه هزار تومان فعلی است که دارای ارزش اقتصادی بسیار پایینی است؟ یا مستحق ارزش پنجاه هزار تومان، در زمان سابق است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب با پرداخت پنجاه هزار تومان با تفاوت تورّمی آن، رضایت همدیگر را تحصیل کنند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۱۹۹

معاملۀ پول و چک

«سؤال ۳۲۷۰» آیا معاملۀ پول به پول مثلًا پول ایرانی به پول افغانی به بیش از قیمت روز جایز است؟ و اگر به صورت مدت دار بفروشد چه حکمی دارد، مثلًا یک هزار افغانی را به مدت شش ماه به ۲۵ هزار تومان بفروشد در حالی که قیمت روز آن ۱۸ هزار تومان است؟

جواب: در معاملۀ پول به پول احوط اجرای احکام صرف است بدین معنا که در مجلس معامله، قبض و اقباض حاصل شود، ولی قیمت پول بسته به توافق طرفین است

اگر دو نوع پول باشد.

«سؤال ۳۲۷۱» بـا توجه به این که پول رایـج افغانسـتان ارزش بیشـتری از پول پاکسـتان دارد، آیـا معاملهٔ پول افغانسـتان به پول پاکستان اشکال دارد؟ و آیا می توان آن را به صورت مدت دار خرید و فروش کرد؟

جواب: در معاملهٔ پول به پول احوط قبض هر دو در مجلس واحـد است نظیر بیع صـرف؛ بنابراین در فرض سؤال اگر قبض هر دو در مجلس واحد باشد اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۲۷۲» اسـکناس که جزء معـدودات بوده و قرض دادن آن به زیادتر، ربا و حرام است؛ آیا خریـد و فروش آن به زیادتر جایز است یا خیر؟

جواب: خرید و فروش اسـکناس چون غالباً برای فرار از رباست صحیح نیست، ولی اگر برای این منظور نباشد و غرض عقلایی در بین باشد مثل تبدیل اسکناس کهنه به نو و یا این که اسکناس درشت لازم دارد و اسکناس ریزه را می دهد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۲۷۳» در معاملاتی که خریـدار چک مدت دار می دهد و از طرفی فروشـنده نیاز مبرمی به وجه نقد دارد؛ آیا می توان چک های مـذکور را در قبال پول به شـخص ثالثی واگذار کرد؟ بدیهی است که شـخص ثالث، مبلغی کمتر از وجه چک می پردازد؟

جواب: چک را به صاحب چک بدهنـد و مبلغی را کم کننـد و نقد بگیرند «اسـکنت» مانعی ندارد، اما فروش قطعی به دیگری مشـکل است، ولی جـایز است پولی را از ثـالثی بگیرنـد، به عنوان قرض و چک را به او بدهنـد و وکالت دهنـد زحمت بکشـد چک

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۰

را وصول کند و پس از وصول و کسر پول خود مابقی را به عنوان حق الزحمه بردارد و چنانچه

وصول نشد چیزی طلبکار نیست.

«سؤال ۳۲۷۴» خرید و فروش چک که اکنون در جامعه انجام می شود چه حکمی دارد؟

مثلًا چک یک صد هزار تومانی که یک ماه دیگر قرار است وصول شود به قیمت نود هزار تومان خریده شود و امثال آن.

جواب: اشکال دارد، ولی اگر به صورت «اسکنت» باشد، یعنی این که شخص طلبکار در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا چک مدت دار داشته باشد و بخواهد مقداری از طلب خود را پیش از موعد آن بخشیده و بقیه را از خود بدهکار دریافت کند مانعی ندارد. همچنین اگر مبلغی را از شخص ثالثی قرض بگیرد و سفته یا چک را به او بدهد و وی را در وصول آن وکیل کرده تا پس از وصول، طلب خود را برداشته و مبلغ زاید بر آن را به عنوان کارمزد وصول، حساب کند اشکال ندارد. به شرط این که مبلغ زاید بر طلب عرفاً در حدّ کارمزد باشد نه این که بخواهد به این طریق از ربای قرضی فرار کند.

«سؤال ۳۲۷۵» فردی نزد فرد دیگری می رود و اظهار می دارد: من می خواستم اجناسی را به صورت مدت دار از شخص سوم بخرم، ولی شخص سوم به صورت مدت دار جنس نمی فروشد و این چک های مدت دار مرا قبول نکرده:

الف: آیا شخص دوم می تواند با توافق شخص اول درصدی از مبلغ چک های مدت دار او را کسر کند و مابقی را به شخص اول بپردازد.

ب: و اگر زمان وصول کردن چک های شخص اول فرا رسد و شخص اول بگوید که دروغ گفته است و هیچ خریدی در کار نبوده و فقط می خواسته پول سودی بگیرد و سپس وجه چک را به شخص دوم

بدهد و چک خود را بگیرد. این پول برای شخص دوم چه حکمی دارد؟

جواب: پرداخت پول در قبال چک های مدت دار اگر مشروط به دریافت سود منفعتی باشد اشکال دارد و قرارداد مذکور به عنوان مضاربه نیز صحیح نیست، زیرا سرمایه در مضاربه باید نقد باشد. و چنانچه- همان طور که از ظاهر قرارداد مذکور

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۱

برمی آید- سرمایه گذار، سرمایه را پس از عمل و تجارت عامل در اختیار او بگذارد، مضاربه صحیح نیست. علاوه بر این در مضاربه خسارت سرمایه بر عهدهٔ عامل نمی باشد و خلاف آن را نیز نمی توان شرط کرد. گرچه می توان در ضمن عقد لازمی شرط کرد که در فرض خسارت بر سرمایه به میزان خسارت، عامل وجهی را به صاحب سرمایه هبه کند. در ضمن خسارت دیرکرد نیز ربا و حرام است.

و آنچه را که شخص دوم- بیش از آنچه به شخص اول پرداخته است- می گیرد ربا و حرام است. البته در این گونه موارد شخص اول می تواند اجناس مذکور را با پول شخص دوم و به وکالت از او بخرد و سپس به وکالت از او به خودش به صورت نسیه بفروشد و بابت آن، چک ها را به شخص دوم بپردازد.

اگر زمان وصول فرا رسید و فهمید که شخص اول دروغ گفته تنها مبلغی را که به او پرداخته است می تواند بگیرد و مازاد آن را مالک نمی شود، مگر این که مثلًا شخص اول آن مقدار را به او هبه کند.

«سؤال ۳۲۷۶» شخصی تعدادی چک متفرقهٔ مدت دار نزد دیگری برده و می گوید: این چک ها بابت اجناسی که به صورت مدت دار فروخته ام می باشد؛ آیا شخص دوم با توافق

فیما بین مجاز است درصدی از مبلغ آن چک ها را کسر کند (اسکنت کند) و مابقی را به شخص اول بپردازد؟

جواب: معامله به صورت مذکور اشکال دارد، ولی می تواند به ترتیبی عمل کند که ربا لازم نیاید. به عنوان مثال اگر چک ها بابت طلب از دیگران است می تواند از شخص دوم مبلغی را قرض بگیرد و چک ها را در اختیار او بگذارد و او را وکیل کند که پس از وصول آنها، علاوه بر مبلغی که به او قرض داده بود باقی مانده را نیز به عنوان کارمزد بردارد. البته به شرط آن که پرداخت مبلغ باقی مانده به عنوان کارمزد، عقلایی باشد.

معاملهٔ خانه

«سؤال ۳۲۷۷» چند سال پیش سه دانگ از یک باب خانه را از ورثهٔ برادرم خریداری

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۲

کردم و نصف مبلغ را زمان معامله پرداخت نموده و مقرر شد بقیهٔ قیمت را بعد از اخذ انحصار وراثت های لازم و هنگام تنظیم سند در دفتر خانه پرداخت شود و برای تضمین پرداخت و حضور در دفتر خانه از طرف این جانب چهار فقره سفته به توافق نزد شخص ثالث قرار گرفت. و همچنین مقرر شد در صورت خودداری هر یک از خریدار و یا فروشنده به انجام معامله باید مبلغ پنجاه هزار تومان خسارت به طرف مقابل پرداخت شود؛ آیا این معامله با این اوصاف اشکال شرعی دارد؟ و آیا منوط کردن پرداخت بقیهٔ قیمت «به دریافت انحصار وراثت و تنظیم سند در دفتر خانه» علی رغم نقد بودن وجه مذکور، معامله دچار اشکال است؟

جواب: چون قسمتی از ثمن معامله نسیه بوده و مدت و وقت پرداخت آن دقیقاً مشخص نشده

است صحت معامله محل اشکال است و بجاست طرفین رضایت یکدیگر را تحصیل کنند.

معاملهٔ زمین

«سؤال ۳۲۷۸» یکی از ادارات، اعلام می کند که بناست پلاکی از یک زمین بزرگ را پس از طی مراحل قانونی و پلاک بندی به قید قرعه به کارمندان خودش واگذار کند. قبل از قرعه کشی یکی از کارمندان قولنامه ای صوری ترتیب داده و در آن قید کرده که زمین نامبرده از زمین های شهرداری معروف به زمین های طلا و با ذکر شماره فیش و ... آن را به شخص دیگر واگذار کرده است؛ آیا معاملهٔ چنین زمینی که در حین معامله در مالکیت فروشنده حتی به صورت مشاع نبوده و از طرفی متراژ و محل دقیق آن مشخص نبوده از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: فروش زمینی که نه مشخص است و نه در اختیار و نه ملک فروشنده است صحیح نیست، مگر در معامله سلف که شرایط آن در مفروض سؤال محقق نیست.

«سؤال ۳۲۷۹» شخصی زمین خود را به نحو مشروط بفروش می رساند، به این شرط که تا زنده هستم خریدار خرج و مؤونهٔ زندگی مرا بدهد و بعد از مردن هم نماز و روزه و مستحبات از قبیل نذورات و خیرات مرا پرداخت کند. خریدار هم این شرط را پذیرفته و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۳

زمین را تصاحب کرده، اما بعضی از این شروط را انجام داده تا این که فروشنده وفات می کند. وظیفهٔ وارث او چیست؟

جواب: فروختن زمین در مقابل مؤونه و خرجی که مقدار آن معلوم نیست اشکال دارد، ولی اگر صلح کند به شرط این که شخص این کارها را انجام دهد صحیح است و آن شخص موظف است

به تمام شرایط عمل کند.

«سؤال ۳۲۸۰» زمینی را خریداری کرده ام که طبق قرارداد باید ۱۸۷ متر باشد، اما پس از عقب نشینی و مقداری از آن که اشتباهاً به منزل برادر بایع رفته بود ۱۷۷ متر تقلیل یافته و در قرارداد نیز ذکر شد که انتقال سند نیز به عهدهٔ بایع است و در ضمن قرار شد که مقداری از وجه باقی مانده را (۱۸۰ هزار تومان) در محضر پرداخت کنم، اما از طرفی چون زمین مشاع بود قابل تفکیک نبوده و من پس از دوندگی فراوان توانستم سند را با پول خود به نام خود بزنم. امروز پس از گذشت دو سال فروشنده ادّعا دارد که باید به جای ۱۸۰ هزار تومان- چون قیمت بالاـ رفته- چهار میلیون تومان پرداخت کنی در حالی که آنچه من خرج کردم بیشتر از پولی است که می بایستی می دادم؛ آیا از نظر شرعی من باید پولی به بایع پرداخت کنم؟

جواب: در مورد اختلاف مساحت زمین از مقدار مذکور در قرارداد، مقداری که به طور متعارف از عقب نشینی هنگام ساخت ناشی شده است به عهدهٔ فروشنده نیست، ولی نسبت به مقداری که معلوم شده ملک فروشنده نبوده است، می توانید به نسبت از مجموع قیمت کسر کنید و از مابقی آن مقداری را که تاکنون نپرداخته اید به او بدهکارید و بنابر احتیاط یا باید با او مصالحه کنید و یا به میزان قدرت خرید، مبلغ بدهکاری خود را در آن روز به او بپردازید که جبران کاهش ارزش پول در این مدت بشود و اگر ضمن معامله شرط شده باشد که مخارج تفکیک سند بر عهدهٔ فروشنده است او نیز

مخارج مـذکور را به شـما بـدهکار است و می توانیـد آن را نیز از مبلغ بـدهکاری خود با ملاحظهٔ قدرت خرید آن مبلغ در آن روز، کسر کنید و در مورد نزاع شخصی برای رفع نزاع باید به قاضی جامع الشرایط رجوع کنید.

«سؤال ۳۲۸۱» قطعه زمینی است که با آب فاضلاب کشت می شود که از لحاظ بهداشتی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۴

مـورد تأییـد نیسـت و مصـرف آن ضـررهایی بـه همراه دارد؛ آیـا اسـتفاده از محصـول آن اشـکال دارد و آیـا خریـد و فروش محصولات آن صحیح است؟

جواب: اگر با تأیید متخصصـین مربوطه ضرر داشته باشد اشکال دارد و با فرض ضرر داشتن محصولات آن، خرید و فروش آن هم اشکال دارد.

« سؤال ۳۲۸۲» ایـن جـانب سـه دانـگ از شـش دانـگ قطعه زمینی را پس از مشاهـده، خریـداری کرده ام و تقریبـاً پـول آن را پرداخت کرده و مقدار ناچیزی را برای ثبت سـند در محضـر واگذاشته ام. در این مدت چندین بار به بایع مراجعه کرده که آیا سند حاضر است؟

در جواب می گفت: هنوز مراحـل آن طی نشـده است. اکنون متوجه شـده ام که بـایع زمین را به کس دیگر فروخته است؛ آیا این زمین که هنوز به نـام این جـانب سـند نخورده از من بوده و فروش آن بـدون رضـایت من کـار خلافی بوده و یا حق با بایع بوده و باید پول مرا پس بدهد؟

جواب: در فرض سؤال، فروش زمین بدون اجازه و رضایت شـما صـحیح نبوده و باطل است و باید برگردد و یا رضایت شما را تحصیل کنید.

«سؤال ۳۲۸۳» زمین کشاورزی با ذکر حدود و حدّ معیّن خریداری شده است، یعنی از هر چهار طرف کاملًا محدود و

دیوار کشی بوده است. فروشنده در مبایعه نامه، متراژ آن را ۱۷ هزار متر ذکر کرده است. اکنون پس از هفت سال که زمین متراژ شده ۱۸ هزار متر محاسبه گردیده است. از طرفی فروشنده، زمین محصور خود را فروخته گرچه متراژ هم قید شده، اما زمین کلی فروخته شده است؛ آیا فروشنده می تواند ادّعای ثمن نسبت به متراژ اضافی را بکند؟ و اگر مجاز به چنین ادّعایی است، آیا به قیمت روز باید محاسبه شود یا قیمت زمان معامله؟

جواب: اگر در معامله و تقویم زمین، زمین محدود به حدود اربعۀ مورد نظر بوده و هرچند تصادفاً متراژ ذکر شده، ولی در مقام تقویم و معامله، متراژ خاص مورد نظر نبوده است، معاملۀ همۀ زمین به ثمن معیّن مزبور صحیح است و خیاری در بین نیست و اگر متراژ نیز در تقویم و معامله مورد توجه طرفین بوده است در مفروض سؤال، مقدار زاید در ملک بایع باقی است؛ منتهی خریدار به خاطر عیب اشاعه، حق

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۵

فسخ معامله را دارد و طبعاً اگر مشتری بخواهد مقدار زاید را بخرد باید رضایت فروشنده را تحصیل کند و اگر فعلًا شک دارند که معامله به نحو اول بوده یا به نحو دوم، بنابر احتیاط مشتری پول مقدار زاید را به فروشنده بدهد و نسبت به تفاوت قیمت سابق با قیمت فعلی با یکدیگر مصالحه کنند.

«سؤال ۳۲۸۴» یک قطعه زمینی که دارای چند مالک بوده به دلیل این که آنان عاجز از ادارۀ امور زراعت در ملک خود بودند این جانب با مالکین قرارداد کشت و زرع در آن را بستم که یک دوم

زراعت از آنها باشد. بنده برای تداوم و احیای زراعت و رفع کمبود آب زراعتی، خود رأساً مخارج سنگین آن را تقبل کردم، لذا اقدام به احداث استخر و تأسیسات لوله گذاری کرده و دیوارهای در حال تخریب را تعمیر کرده سپس نهال های زیادی در آن غرس کردم. پس از سه سال که بدین منوال گذشت مالکین عدم رضایت خود را اعلام و نتیجتاً تصمیم به باز گرداندن زراعت به آنان گرفته و تحویل دادم. مالکین محل زراعت را با رویهٔ فوق به شخص دیگری داده و از پرداخت مخارج اعیانی ساخته شده از جمله استخر و تأسیسات و تعمیر دیوارها و غرس نهال امتناع ورزیده و بیان کردند که: (می خواستی نکنی) و فعلًا تأسیسات و استخر مورد استفادهٔ آنهاست.

حال سؤال این است: آیا برای این جانب حقی هست تا مطالبهٔ مخارج تقبل شده را بکنم و در صورتی که از پرداخت خودداری کنند آنچه بر عهدهٔ آنان است دین بر آنان است و آیا مشمول اصل بدل حیلوله می شود؟

جواب: اگر احداث استخر و تأسیسات به درخواست مالکین نبوده و بقای درختان و باغ نیز بر آنها متوقف نبوده است عمل شما از قبیل فضولی بوده و چیزی طلبکار نیستید، ولی استخر و تأسیسات مال شماست و کسی نمی تواند بدون اذن شما از آنها استفاده کند و اگر احداث آنها به درخواست مالکین بوده و یا عرفاً بقای درختان و باغ متوقف بر آن بوده است به طوری که اگر انجام نمی گرفت درختان از بین می رفتند و در نظر عرف مورد تخطئه قرار می گرفتید در این صورت می توانید اجرت اعمال مذکوره را از مالکین مطالبه کنید.

«سؤال

۳۲۸۵» بورس بازی زمین و خرید و فروش آن به گونه ای که فروشنده، هیچ

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۶

ارزش افزوده ای در زمین ایجاد نکرده، بلکه با ترفندهای مختلف زمین را با سود بسیار گزاف انتقال داده و نتیجۀ آن تورّم و سوق ثروت های چشمگیر به بخش واسطه گر است و بسیاری از استعدادها را به جای حرکت به سمت و سوی تولید به این بخش می کشاند. آیا جایز است؟

جواب: این گونه معاملات چنانچه با شرایط شرعی انجام گیرد عقلًا و شرعاً باطل نیست هرچند در سطح کلی، موجب آسیب جدّی به فعالیت های اقتصادی است و راه صحیح جلوگیری از آسیب های ناشی از آن مقابلۀ مستقیم با آن نیست؛ بلکه باید با برنامه ریزی صحیح برای سرمایه گذاری در کارهای تولیدی و امثال آن و ترغیب و تشویق مردم به سمت و سوی آن از تورّم و افزایش کاذب قیمت ها جلوگیری کرد.

«سؤال ۳۲۸۶» شخصی قطعه زمینی را به مبلغ ۸۴۳ هزار تومان فروخته و مبلغ ۸۰۰ هزار تومان آن را نقداً دریافت کرده و قرار بر این شده که باقی مانده را در دفتر اسناد پس از زدن سند به نام خریدار، دریافت کند. در ضمن در قول نامه هیچ گونه زمان و مدت برای انتقال سند قید نشده و اکنون پس از گذشت ۱۲ سال این عمل انجام گرفته است. با توجه به تورّم سالیانه، آیا فروشنده فقط همان مبلغ ۴۳ هزار تومان باقی مانده را طلبکار است؟

جواب: اگر آنچه در قرارداد معامله معیّن شده است نسبت به مبلغ ۴۳ هزار تومان نسیه بوده، معامله باطل است؛ چون در نسیه باید مدت تعیین گردد و اگر مقصود

نسبت به همهٔ ثمن نقد بوده منتهی مبلغی از ثمن نقد را گرو نقل سند قرار داده اند ظاهراً اشکال ندارد و نسبت به تفاوت ارزش پول که در اثر سقوط ارزش آن پدید آمده بنابر احتیاط مصالحه کنند.

«سؤال ۳۲۸۷» حدود شش سال پیش، قطعه زمینی را از شخصی اجاره کردم به همراه یک وکالت نامه که طی آن سرپرستی زمین های مذکور در زمان حیات آن شخص به این جانب واگذار شود؛ لذا هر ساله وجه الاجاره را طبق قرارداد به موجر پرداخت می کردم تا این که سال گذشته آن شخص مرحوم شد و دوماه پس از وفات وی، یکی از دختران آن مرحوم به من مراجعه کرد و با تعهد کتبی در خصوص جواب گویی در مورد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۷

مشکلات احتمالی و یا اعتراض ورثه، سهم الارث خود را به من فروخت. اکنون از محضر حضرت عالی پرسش دارم که حکم شرعی معامله چیست؟ چون در حال حاضر با گذشت یک سال از معاملهٔ فوق فروشنده به همراه برادرش به این جانب رجوع کرده و درخواست فسخ معامله را کرده است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر مقدار و متراژ زمین معلوم بوده، معامله صحیح و لازم است و فروشنده حق فسخ ندارد؛ مگر ثابت شود که به قیمت وقت، معامله مغبون بوده، ولی اقالهٔ شخص نادم مستحب است.

«سؤال ۳۲۸۸» شخصی یک زمین یا ملک را می خرد در حالی که آن ملک غصبی بوده و خریدار از موضوع اطلاع نداشته است. حال اگر امکان دسترسی به صاحب اصلی ملک باشد چه حکمی دارد؟ در صورتی که دسترسی به صاحب اصلی ملک امکان نداشته باشد دارای چه حکمی است؟

جواب: معاملهٔ زمین

غصبی صحیح نیست، مگر این که مالک معامله را امضا کند و جهل مشتری موجب صحت معامله نیست و اگر دسترسی به مالک وجود دارد ولو به وسیله تلفن یا نامه، باید به او برگرداند و اگر به هیچ وجه اطلاع از او ممکن نیست باید ملک یا پول آن را از طرف او صدقه داد و احوط استجازه از حاکم شرع است.

«سؤال ۳۲۸۹» من و دوستم زمینی داشتیم که به نحو فضولی فروخته شد و من فروش آن را اجازه دادم، اما شریکم با پول آن یک قطعه زمینی را خرید که من از جای آن و نحوۀ خرید آن بی اطلاع بودم. اکنون و پس از ده سال که شریکم مرحوم شده، ورثۀ او در حالی قصد دارند طلب مرا پرداخت کنند که زمین ارزش زیادی پیدا کرده است؛ آیا من همان نصف پول زمین اولیه را طلب دارم یا نصف زمین فعلی را؟

جواب: شما می توانید معاملۀ اخیر را امضا کرده و ملک را مطالبه کنید و می توانید امضا نکنید و پول خود را مطالبه کنید و با فرض سقوط ارزش پول و قدرت خرید آن لازم است شما را راضی کنند.

«سؤال ۳۲۹۰» این جانب ۳۵ سال پیش، قطعه زمینی را از قرار هر متری هفت ریال به کسی فروختم و خریدار مبلغ ۲۵۰ تومان به من بابت زمین بدهکار است. وی در این

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۸

مدت در زمین کشاورزی کرده و الآن می گوید: همان ۲۵۰ تومان را طلب دارید. حکم شرعی این معامله چگونه است؟

جواب: با فرض سقوط ارزش پول به احتیاط واجب لازم است خریدار شما را راضی کند، چون اسکناس،

کالا نیست و معیار، قدرت خرید آن می باشد.

«سؤال ۳۲۹۱» قطعه زمینی بوده به صورت مشاع که پس از قطعه بندی به حکم ضرورت یک کوچه ای در وسط آن پدید آمده، لذا چند نفر از صاحبان زمین مدّعی هستند که از متراژ زمین آنها مقداری کم شده و باید صاحبان زمین مجاور نصف آن را بپردازند؛ آیا واقعاً حق چنین طلبی را دارند؟

جواب: اگر در زمان تقسیم و قطعه بندی، حکم و قانون شهرداری هرچند فی الجمله وجود داشته است و زمین مذکور، معیوب محسوب می شده است و آنان مطلع نبوده اند، فردی که متضرر شده می تواند تقسیم را به هم زده و بار دیگر تقسیم کنند، ولی اگر در زمان تقسیم مشکلی وجود نداشته و تقسیم نیز با رضایت همه صورت گرفته است و مشکل بعداً به وجود آمده صاحبان زمین مجاور مسؤول آن نیستند.

«سؤال ۳۲۹۲» چند سال پیش قطعه زمینی را خریداری کرده ام که هنوز قطعه بندی نشده، اما متراژ آن و حدوداً محل تقریبی آن که کنار جوی آب است معلوم بود. الآن سه طرف آن زمین ساختمان شده و چند متر به زمین بنده اضافه گردیده و نمی دانم از مالك است یا از همان جوی آب، تکلیف چیست؟

جواب: باید از مالکش تحقیق کرده و بخرید یا کسب رضایت کنید.

معاملات اینترنتی

« سؤال ۳۲۹۳» در مورد معاملات اینترنتی و کارت های اعتباری جدید و عقود و معاملات مستحدثه توضیح دهید و آیا «کوئیست» مشکل شرعی ندارد و فقط مشکلش به خاطر برخورد حکومت است؟

جواب: به طور کلی معاملات اینترنتی حکم سایر معاملات را دارد و چنانچه

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۰۹

موضوع حلال باشد و شرایط عمومی

معاملات، مانند معلوم بودن «عوض» و «معوّض» و ... رعایت شود و نیز چنانچه در قالب معاملات خاصی، مثل بیع و اجاره انجام شده و شرایط آنها مثل احکام نقد، نسیه و سلف، رعایت می شود صحیح و بی اشکال است و خرید کارت اعتباری و یا محیط کار الکترونیکی و هر آنچه نیز نزد عرف عقلاـ مالیت داشته و شرعاً استفاده از آن حلال است، به شرط معلوم بودن خصوصیات مؤثر در مالیت آن، نیز اشکالی ندارد. حق الزحمهٔ بازاریابی و حق دلالی برای معاملات حلال نیز چه به صورت شرط ضمن عقد و چه به صورت جعاله اشکالی ندارد.

معاملات جدید و مستحدث، مانند عقد بیمه نیز به شرط رعایت عمومی معاملات اشکالی ندارد و مشمول عمومات صحت عقود و معاملات می گردد؛ مشروط به آن که خصوصیات آن به نحوی نباشد که عرفاً اکل مال به باطل بر آن صادق باشد. در معاملات مشهور به هرمی به کیفیت متداول، چنانچه در زمان معامله، ارزش مجموع خدمات و اشیای ارائه شده به مشتری با قطع نظر از حق الزحمهٔ بازاریابی برای همان نوع معامله، کمتر از ارزش مبلغ پرداختی باشد- هرچند بعداً قیمت آن افزایش یابد- و رغبت عقلا به آن تنها براساس سود ناشی از بازاریابی برای همان نوع معامله باشد، به «اکل مال به باطل» شبیه تر است تا به عقود عقلایی.

به عبارت دیگر: معاملاتی که اساس و مبنای آنها بر مبنای تضرر مشتری است و خود معامله عقلایی و مورد رغبت عقلا نیست و اقدام عقلاـ به آن تنها به انگیزهٔ سود و حق بازاریابی و جذب مشتریان جدیدی که آنان نیز انگیزه ای جز این ندارند، می باشد

و مبنای این نوع معاملات به گونه ای است که هر گاه چنین معاملات متسلسلی متوقف شود شمار متضرران بسیار بیشتر از منتفعان است، صحت چنین معاملاتی محل اشکال است و چنین معاملاتی چه از طریق اینترنت انجام شود یا از طریق دیگر، شمول ادلّهٔ صحت معاملات نسبت به آنها محل اشکال است، زیرا ادلهٔ صحت عقود و معاملات، ناظر به عقود عقلایی است که برای حلّ معیشت مردم باشد نه تضرر آنان و تا زمانی که صحت معاملات احراز نشود ظاهراً محکوم به فساد و بطلان می باشند،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۰

ولی اگر در معاملات مذکور، مجموعهٔ خدمات و کالاهای ارائه شده به مشتری با قطع نظر از حق بازاریابی برای همان نوع معامله، عرفاً با پول پرداختی متناسب باشد و خود به خود مورد رغبت عقلا باشد و سود ناشی از بازاریابی رغبت مضاعف ایجاد می کند، از این جهت اشکالی ندارد هرچند در صورتی که به تشخیص کارشناسان موجب اختلال نظام اقتصادی مسلمانان شود یا موجب کمک به دشمنان مسلمانان در جهت دشمنی آنان گردد، باید از آن خودداری کرد و تشخیص موضوع در همهٔ مراحل فوق، با خود مکلف و در صورت شک و ابهام با متخصصان فن و اهل خبره است.

«سؤال ۳۲۹۴» قبلًا با شرکت گلد کوئیست کار می کردم و حالا متوجه شدم که کار خلاف شرعی است و نباید ادامه بدهم، تکلیف سرمایهٔ اوّلیهٔ من چه می شود؟ آیا باید پول را پس بگیرم و یا قید همه چیز را بزنم؟

جواب: پول خودتان را بردارید و بقیه را به کسانی که از این راه متضرّر شده اند بدهید و اگر نتوانستید به خود

آنها بر گردانید صدقه بدهید.

«سؤال **۳۲۹۵**» شرکتی است به نام (کیش وست ویژن انترنشنال) که اصلی ترین اهداف شرکت عبارتند از: کم کردن فشار از روی دولت در جهت ایجاد اشتغال، کمک به دولت محترم در جهت جلوگیری از خروج بی ضابطهٔ ارز، کمک به اقتصاد ملی از طریق ایجاد نمایندگی در کشورهای همسایه، ورود ارز، احیای صنایع دستی، حمایت از صنعتگران و تولید کنندگان کشور و ایجاد توازن در قیمت کالاهای مورد نیاز آحاد مردم از طریق ایجاد تسهیلات با قرارداد بستن با فروشگاه ها، مراکز درمانی، آموزشی ورزشی و غیره.

این شرکت دارای مجوز رسمی و ثبتی برای فروش کالاهای بازرگانی و اشتغال زایی از طریق بازار یابی و نیز مشارکت عمومی و مردمی است. که عضو شدن افراد در آن بدین گونه است که هر فرد با پرداخت پنجاه و پنج هزار تومان به جهت مشارکت در طرح، به عنوان بازاریاب، نامش در ردیف اول فرم های قرارداد مشارکت ثبت می گردد و با این مبلغ، امتیاز خرید سهم و نیز یک کارت تسهیلات برای خرید کالاهای ضروری از فروشگاه های طرف قرارداد شرکت به وی واگذار می شود و به علاوه خرید سهم و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۱

دریافت کارت تسهیلات، فرد می تواند با جذب و بازاریابی مردمی، مبالغی را به عنوان حق الزحمه و تلاش فردی خود، در حساب شخصی اش دریافت کند. قلّت و کثرت مبلغ دریافتی و زمان آن بستگی به سرعت و اندازهٔ فعالیت شخص دیگری دارد و هیچ کس بدون فعالیت و مشارکت در طرح نمی تواند از حق الزحمه بهره مند شود، لذا افراد به میزان فعالیتشان حق الزحمه دریافت می کنند و شرکت به جهت فعالیت مستمر افراد و

نیز به جهت ایجاد انگیزهٔ مثبت و حمایت از اقشار کم درآمد، کالاهای مورد نیاز افراد را با تخفیف ۱۵ الی ۲۰ درصد متناسب با قیمت روز بازار به کسانی که صاحب امتیاز و مشترک این شرکتند در فروشگاه های طرف قرارداد شرکت در معرض فروش قرار می دهد؛ آیا خرید کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی و نیز دریافت حق الزحمه که شرکت به افراد در نظر گرفته از این شرکت به لحاظ شرعی صحیح است یا خیر؟

جواب: ماهیت معاملهٔ مذکور در سؤال، درست روشن نیست؛ ولی به طور کلی اگر دریافت وجه یا امتیازی در مقابل دلالی باشد اشکال ندارد و نیز اگر کسی مالی را به شخص یا مؤسسه ای هبه کند می تواند در ضمن، شرط کند که شخص مذکور یا مؤسسه، فوایدی مشخص را به هبه کننده برساند و یا شرط کند به نحو جعاله که به ازای معرفی هر مشتری، مالی به او بدهد. در هر صورت لازم است از معاملاتی که شرعاً حرام است پرهیز شود.

« سؤال ۳۲۹۶» خرید از طریق اینترنت از بعضی شرکت ها مستلزم واسطه است؛ یعنی در صورتی که خریدار قبلی شرکت، شخص جدیدی را به شرکت معرفی کند شرکت به خریدار جدید ارائه خدمات می کند. این گونه خریدها از طریق اینترنت چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چه معاملات ذکر شده در قالبی شرعی مانند جعاله و یا شرط ضمن عقد قابل توجیه است، ولی با توجه به این که در کل مضرّاتی برای اقتصاد کشور داشته و نیز ابهامات دیگری دارد کار مطلوبی به نظر نمی آید.

«سؤال ۳۲۹۷» خرید و فروش از طریق اینترنت چه حکمی دارد و

اگر شرکت دارای اهدافی باشد که به نفع نظام و همچنین در پیشرفت مقاصد اسلامی مؤثر باشد، مثل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۲

اعطای وام، بیمه و ...؛ آیا کسب درآمدی که به عنوان پاداش به افراد داده می شود مثلًا بیمهٔ حوادث یا وام های اعطایی یک میلیون تومانی و یا بیشتر و یا وام مسکن و ...

چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش به وسیله اینترنت ذاتاً بی اشکال است و هرچند به طور کلی اهداف مذکور، اهداف مطلوبی بوده و تجارت هم فی نفسها مشروع است و اگر کسی مال را به شخص یا مؤسسه ای هبه کند می تواند در ضمن، شرط کند که شخص مذکور یا مؤسسه فوایدی مشخص را به هبه کننده برساند و یا شرط کند که به نحو جعاله به ازای معرفی هر مشتری مالی به او بدهد؛ ولی توجه دارید که این گونه معاملات، به شکل های گوناگون فراوان شده و بسیاری از آنها مشکوک و به قمار شبیه ترند و گمان نمی کنم که دردی از مشکلات جامعه را برطرف کنند.

قراردادهای شرکت ها

«سؤال ۳۲۹۸» یکی از شرکت ها نسبت به فروش محصولات مختلف اقدام کرده است بدین ترتیب که هر شخصی می تواند به طور حضوری یا غیر حضوری مبادرت به خرید این محصولات از شرکت یا شعب آن بکند. شرکت برای فروش اجناس دو پیشنهاد برای مشتریان در نظر دارد:

۱- هر شخصی می تواند مبلغ هر نوع جنس یا کالای مورد نظر را تماماً پرداخته و کالای مذکور را از طریق پست یا حضوراً دریافت کند.

۲- نفراتی که با شرکت قرارداد منعقد کرده اند به عنوان بازاریاب، فعالیت کرده و به هر میزان که اجناس شرکت را به

فروش برسانند و یا مشتری معرفی کنند شرکت درصدی از سود فروش اجناس را برای بازاریاب در نظر می گیرد که این درصد می تواند نقدی یا به صورت کالا در اختیار بازاریاب قرار گیرد. در ضمن بازاریاب در هر مرحله ای حق انصراف از ادامهٔ فعالیت را دارد.

با توجه به این شیوهٔ عملکرد، آیا خرید و فروش محصولات شرکت از طریق ذکر شده و پرداخت کمیسیون (حق الزحمه) توسط شرکت به نفرات بازاریاب شرعاً جایز است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۳

جواب: به طور دقیق از ماهیت شرکت مذکور و عملکرد آن اطلاع ندارم، ولی بر حسب آنچه از ظاهر سؤالات استفاده می شود معاملات فوق فی حدّ نفسه از نظر شرعی بلامانع است.

«سؤال ۳۲۹۹» شرکتی ملکی را از طریق مزایده به فروش گذاشته، خریدار با قیمت پیشنهادی (۱۵۵ میلیون تومان) در مزایده برنده شده است. در موقع تنظیم قرارداد و براساس توافق طرفین قرار بر این شده که خریدار ۳۰ میلیون تومان از بهای مورد معامله را نقداً به فروشنده پرداخت کند و باقی مانده را (۱۲۵ میلیون تومان) با احتساب ۱۸ درصد سود در ۶۰ قسط متساوی به فروشنده پرداخت کند که به همین نحو نیز عمل شده است و در واقع ملک به ارزش ۱۵۵ میلیون را به قیمت ۱۸۳ میلیون فروخته است؛ آیا این معامله از نوع معاملهٔ ربوی بوده است؟ و یا یک معاملهٔ نقد و نسیه است و اضافهٔ دریافتی ربا و حرام نیست؟

جواب: اگر هنگام قرارداد ملک مزبور به مبلغ ۳۰ میلیون تومان نقد و مبلغ مشخصی نسیه در اقساط معیّن- هرچند براساس سود (۱۸ درصد)- فروخته شده معامله صحیح است و

مشتری بایـد بر طبق قرارداد عمـل کنـد، ولی اگر معـامله بر روی ۱۵۵ میلیون تومـان نقـد انجـام گرفته و پس از معامله مشتری موظف شـده در قبـال تـأخیر در پرداخت همـهٔ ثمن یـا قسـمتی از آن مبلغی زایـد بر ثمن به فروشـنده بدهـد گرچه اصل معامله صحیـح است؛ ولی مازاد بر ثمن، ربا و حرام می باشد و ظاهراً قرارداد مذکور، وقوع معامله از ابتدای امر براساس تعیین بخشـی از ثمن به طور نقـد و بخشـی از آن به طور نسـیهٔ اقسـاطی است و چنین معـامله ای با تعیین مـدت اقساط، صـحیح بوده و ربوی نیست.

معامله با اجانب

«سؤال ۳۳۰۰» در تجارت با شـرکت های خارجی اگر ندانیم که آن شـرکت وابسـته به اسرائیل است، آیا تجارت با آنها و سود به دست آمده اشکال دارد؟ و در صورت علم چگونه است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۴

جواب: در صورت شک مانعی ندارد هرچند احتیاط خوب است، ولی اگر تقویت اسرائیل باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۳۰۱» شخصـی قصد پرورش و نگه داری گربه و سـپس ذبح و کشـتار آن جهت فروش در کشور چین را دارد با توجه بـه این که مصـرف گـوشت گربه در کشـور چین امر معمـول و جزء گـوشت و غـذای برتر و گران قیمت محسـوب می گردد؛ بفرماییـد در صورت حرمت ذبـح و کشـتار، تنها پرورش و نگه داری و سـپس فروش آن به شـرکت ها یا اشخاصـی که علم به خرید جهت ذبح و فروش در کشور چین را دارند؛ آیا جایز است؟

جواب: فروش گوشت حیوانات حرام گوشت و همچنین فروش خود آن حیوان جهت خوردن آنها محل اشـکال است. بجاست سرمایه خود را در راه معاملات حلال صرف

کنید تا خداوند ان شاء اللّه به شما برکت و وسعت عنایت فرماید.

«سؤال ۳۳۰۲» شخصی در لندن می باشد و کارش این است که گوشت خوک را خریده و بعد در لابلای پیتزا به صورت پخته به افراد غیر مسلمان می فروشد. حکم آن را بیان فرمایید؟

جواب: خداوند روزی مسلمان را در امر حرام قرار نداده است. بجاست ایشان سعی کنند شغل دیگری را انتخاب کنند.

«سؤال ۳۳۰۳» استفاده از کالاها و محصولاتی نظیر کوکاکولا، اینتل، فانتا و غیره که سرمایه داران اصلی آنها صهیونیست ها هستند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ترویج و سُلطهٔ آنان نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۳۰۴» مسلمانانی که در کشورهای غربی در سوپر مارکت ها و ساندویچ فروشی ها گوشت خوک را به آنان می فروشند، آیا این عمل جایز است؟ آیا می تواند نیت کند که پولی که از آنها می گیرد در ازای نان و سالاد در داخل ساندویچ باشد؟

جواب: تهیه گوشت خوک و فروش آن به کفار محل اشکال است و خداوند روزی انسان مسلمان را در این قبیل معاملات قرار نداده است.

«سؤال ۳۳۰۵» بنده در یکی از کشورهای خارجی دارای سوپر مارکت می باشم و در سوپر مارکت ها هم معمولًا مشروبات الکلی جزء اجناس مغازه است. حکم خرید و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۵

فروش آن چیست؟

جواب: علاوه بر حرمت نوشیدن آنها فروششان برای نوشیدن و استفاده های حرام نیز حرام بوده و معامله باطل است.

دریافت وجه در مقابل تعلیم قرآن

«سؤال ۳۳۰۶» در کتاب «لؤلؤ و مرجان» مرحوم محدّث نوری و همچنین کتاب «چهل حدیث» مرحوم امام خمینی از پول گرفتن در مقابل خواندن قرآن مذمت شدید شده و روایاتی نیز به همین مضمون نقل شده است. بنده سال هاست که استاد قرائت

قرآن و تجویدم و بعضاً نیز در مجالس، آن را تلاوت می کنم و کمکی توسط افراد به من می شود.

آیا گرفتن این پول کراهت دارد یا حرام است؟

جواب: شما قرآن را به قصد قربت بخوانید و هدف شما یاد دادن الفاظ و ترویج آن و اهدای ثواب آن برای کسی باشد که مورد نظر است، در این صورت آنچه به شما داده می شود بلامانع است. البته از بعضی روایات استفاده می شود که اگر قاری برای تعلیم قرآن شرط اجرت کند کراهت دارد. «۱» و روایاتی که در دو کتاب فوق الذکر مذکور است، بر فرض صحت سند آنها، ناظر به کسانی است که برای تقرّب به پادشاهان و قدرتمندان و اخذ حقوق از آنان و فخر فروشی بر مردم و به دست آوردن حطام و زینت دنیا و کسب وجهه و عنوان بین مردم، قرآن را قرائت می کنند.

خرید و فروش حق نوآوری

«سؤال ۳۳۰۷» آیا ابتکار و نوآوری را می توان به قیمت گزاف فروخت؟

جواب: هر گونه چیزی که در نظر شرع و عقلاـ ارزش و مالیت داشته باشد فروش آن به هر قیمتی که مورد رضایت طرفین معامله باشد صحیح و بلامانع است؛ هرچند فروش با قیمت گزاف منصفانه نیست.

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۵۴، ابواب ما یکتسب به، باب ۲۹.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۶

معاملهٔ تریاک

«سؤال ۳۳۰۸» در بعضی از مناطق افغانستان کاشت تریاک شیوع دارد؛ آیا کاشت و برداشت و فروش آن حلال است؟

جواب: چون تریاک مصرف حلال برای ساخت دارو و مصارف دیگر هم دارد، اگر برای مصرف حلال، کشت و خرید و فروش شود اشکال ندارد.

خرید و فروش بن کارگری

«سؤال ۳۳۰۹» با عنایت به این که من دانشجوی، متأهل و بیکارم و از لحاظ درآمد زندگی مشکل دارم؛ آیا شرعاً جایز است تا زمانی که کار دائمی برایم مهیا شود نسبت به خرید بن های کارگری کارگران اقدام کنم؟ سپس اقلامی که به آنها تعلق می گیرد را از عاملین توزیع اجناس بن کارگری تهیه کرده و بعد آنها را به نرخ بازار بفروشم و از محل آن ارتزاق معیشت کنم؟

جواب: اشکال ندارد، مگر این که اداره یا کارخانهٔ دهنده بن ها و اجناس، دادن آنها را مشروط به عدم فروش به غیر کرده باشد.

خرید و فروش وسایل صوتی و تصویری

«سؤال ۳۳۱۰» مشاهده می شود که در بازار مسلمین لوازم و اسباب بازی هایی خرید و فروش می شود که مجهز به سیستم موسیقی هستند (حتی بعضی از خوانندگان خارجی و یا خوانندگان زمان طاغوتند). حکم خرید و فروش این گونه اسباب بازی ها و لوازم چیست؟

جواب: اگر موسیقی حرام باشد خرید و فروش آن هم حرام است، ولی اگر فقط خواندن زن یا غیر زن باشد، لکن مناسب مجالس لهو نباشد، اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۱۱» خرید و فروش ماهواره و لوزام جانبی آن و همچنین سی دی هایی که معمولًا در جهت حرام استفاده می شود چه حکمی دارد؟ و اگر بدانیم خریدار آن را برای

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۷

استفاده از حرام خریداری کرده، آیا می توان آن وسایل را فروخت؟

جواب: اگر بدانید که در جهت حرام استفاده می کنند نباید بفروشید، ولی اگر برای استفاده حرام خرید و فروش نشود اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۳۱۲» فروشندگان لوازم صوتی و تصویری اگر ندانند که آیا خریدار استفاده صحیح از این وسایل می کند و یا در جهت ناصواب از آن بهره برداری می کند حکم

آن چیست؟ و اگر خریدار یکی از این گونه وسایل را خرید و در جهت فحشا و منکرات استفاده کرد، آیا فروشنده مسؤولیتی در این باره دارد؟

جواب: اگر برای استفادهٔ حرام معامله نشود اشکال ندارد و اگر به عنوان استفادهٔ حرام نفروخته باشید شما مسؤولیتی ندارید.

«سؤال ۳۳۱۳» کارگری که در مغازه ای مشغول به کار است و نمی داند که قیمت های اجناس به انصاف نزدیک است یا نه. چه وظیفه ای دارد؟

جواب: باید به دستور کارفرما تا جایی که خلاف شرع نباشد عمل کند.

بیع سلف

«سؤال ۳۳۱۴» اگر من که ساکن شیرازم بنا به تقاضای همکارم که در جهرم است کالا-یی را از تهران خریداری کنم و از فروشندهٔ تهرانی بخواهم آن را به آدرس جهرم حمل کند (با رعایت حق فسخ و قبول همهٔ خطرات ناشی از رساندن کالا به مقصد) و آن را به دوست جهرمی خود بفروشم. در این صورت آیا قبض کالا- و پذیرش آن توسط طرف جهرمی جانشین قبض این جانب که ساکن شیرازم می شود؟ و آیا این نوع بیع صحیح است به خصوص اگر انتقال کالا از تهران به شیراز و از شیراز به جهرم مستلزم هزینه های اضافی شخصی و عمومی باشد؟

جواب: اگر جنسی را سلف خریده اید فروش آن قبل از رسیدن مدت یا قبل از تحویل گرفتن محل اشکال است، ولی اگر جنسی را به نقد و بدون تعیین مدت بخرید، فعلًا مال شما شده و فروختن آن به دیگری و یا حوالهٔ تحویل آن به دیگری و سپس فروش به او مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۸

تعیین ثمن و مثمن در بیع

«سؤال ۳۳۱۵» ارثی که از پدرم بر جای ماند سه دانگ از یک منزل مسکونی بود و یک باغی که از اجداد ما به پدرم رسیده بود و عموها و عمه ها نیز در آن باغ شریک پدرم بودند. از عموهایم سؤال کردم که متراژ باغ سهم الارث من چقدر است؟ گفتند: یک هزار متر که از نظر ارزش مالی مطابق سه دانگ منزل سهم مادرم بود؛ لذا من و مادرم تصمیم گرفتیم که سهم الارث باغ را به مادرم بدهم و در عوض سه دانگ منزل را که سهم مادرم بود را به نام

من کند. اکنون پس از ۲۳ سال متوجه شدیم که سهم الارث باغ این جانب دو هزار متر بوده و با این وصف من دو برابر آنچه را که باید بدهم داده ام. حال تکلیف چیست؟

جواب: اگر معامله روی یک هزار متر واقع شده بقیه زمین مال شماست، ولی اگر معامله روی کل سهم الارث شما واقع شده که حد و حدود آن در حال معامله ولو اجمالًا معین و منطبق بر همهٔ دو هزار متر بوده است زمین کلًا مال مادر شماست منتهی اگر در اثر اشتباه، شما مغبون شده اید در آن موقع خیار غبن دارید و می توانید معامله را فسخ کنید.

«سؤال ۳۳۱۶» چند سال پیش، مشتری منزلی را از بایع خریداری کرده و در قرارداد، مساحت آن صد متر مربع و قیمت آن نه میلیون تومان درج شده است. در حال حاضر معلوم شده که مساحت کل آن منزل هشتاد متر مربع و بیست متر کسری دارد و به مقدار ۵۰ متر مربع نیز مستحق للغیر درآمده و مشتری نیز در حین عقد بیع، جاهل بوده و در حال حاضر مالک یک باب منزل سی متری است و بایع پس از شکایت مشتری، متعهد شده که مقدار مساحت مستحق للغیر را از سازمان مربوطه خریداری کند و شخصاً ثمن آن را بپردازد، ولی متأسفانه به تعهد خود عمل نکرده است.

به نظر حضرت عالی، مشتری برای استیفا و احیای حقوق تضییع شده چگونه عمل کند و آیا مشتری می تواند مطابق تعهدنامهٔ کتبی بایع، مبنی بر خریداری مقدار ۵۰ متری از سازمان مربوطه و پرداخت ثمن آن بایع را ملزم به انجام تعهد کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۱۹

جواب: در مفروض سؤال، مشتری می توانـد معامله را فسـخ کرده و یا مقـدار سـی متر زمین را که باقی مانـده اخـذ کند و بقیۀ پولی را که داده است پس بگیرد و در صورت کـاهش ارزش و قـدرت خریـد پول، بنـابر احتیـاط واجب بایع مقـدار کاهش را جبران کنـد و مشتری حق نـدارد بـایع را ملزم به خریـد زمین از سازمان مـذکور یا غیره کنـد؛ گرچه احتیاط آن است که تعهد دهنده در صورت امکان به تعهد خود عمل کند.

«سؤال ۳۳۱۷» نتیجۀ قرارداد تایم شر (بیع زمانی) مالك شدن شخص بر ملکی در زمان معیّن و محدودی همچون ماه خرداد در هر سـال است و در غیر این زمان هیـچ حق مالکیتی بر عین و منافع آن نـدارد. با توجه به این نوع قرارداد که در عرف خریـد و فروش تلقی می گردد؛ آیا از جهت فقهی نیز می توان آن را در قالب عقد بیع، محقق ساخت؟

و همچنین با عنایت به عـدم تبعیت عقد صـلح در احکام و شـرایط از سایر عقود، آیا می توان قرارداد یاد شده را در قالب عقد صلح ابتدایی منعقد کرد؟ و چون این قرارداد، فاقد منع عقلی و عرفی و شرعی است، آیا عقد جدید و مستقلی است؟

جواب: معاملات، از امور عقلا-یی بوده و اختراعی شـارع نیست و خود مـالکیت نیز امر اعتبـاری و تـابع اعتبار عقلاست. و اگر معامله غرری نباشـد دلیلی بر بطلان آن نـداریم و مشـمول «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» است و اگر به لفظ صـلح یا بیع انشاء نشود معامله ای است مستقل و دلیلی بر انحصار معاملات در عقود معروفه نداریم. بالاخره ظاهراً معاملۀ مذکور بی اشکال است.

«سؤال ۳۳۱۸» در

ماه مبارک رمضان که برخی برای اموات خود پول می دهند تا قرائت قرآن و یا ختم قرآن شود؛ آیا می توانیم لب خوانی کنیم؛ یعنی مخارج حروف را رعایت نکنیم و همچنین مبلغی را که بابت یک ختم قرآن داده می شود به علت کم بودن مبلغ، آیا می توانیم به اندازهٔ پول داده شده قرآن خواند؟

جواب: قرائت قرآن باید صحیح و با تلفظ از مخارج حروف باشد و طبق قرار معامله، یعنی یک ختم کامل قرآن خوانده شود.

«سؤال ۳۳۱۹» چنانچه شخصی ملکی را از مالک شرعی و قانونی آن به بیع قطعی بخرد، ولی سند رسمی آن را به دلایلی به طور صوری به نام دیگری کند؛

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۰

آیا کسی که سند رسمی به نام او شده مالک است یا کسی که طرف معامله بوده؟

به عبارت دیگر ملاک شرعی مالکیت، انجام عقد شرعی است یا تشریفات محضری انتقال سند رسمی؟

جواب: طرفینی که مثمن و ثمن با ارادهٔ جدّی و معاملهٔ شرعی از سوی آنان انتقال پیدا کرده مالکین حقیقی اند و سند رسمی دخالتی در تحقق مالکیت شرعی ندارد.

« سؤال ۳۳۲۰» شخصی با یک شرکت دولتی قرارداد تولید قطعات صنعتی بسته است و این شرکت دولتی به درخواست کارشناس تأیید کنندهٔ قطعات فوق مجبور است فاکتور دریافت حق الزحمه را مقداری بیش از مبلغ حقیقی آن بنویسد و پس از دریافت حق الزحمه، مبلغ اضافی را به کارشناس فوق پرداخت کند. لطفاً حکم شرعی در این مورد را بفرمایید. ضمناً در صورتی که به این صورت عمل نکند قراردادی با نامبرده بسته نمی شود و در نتیجه باعث بیکاری تعدادی از کارگران و تعطیلی کارگاه می شود.

جواب: حق الزحمه را

لازم است به نحو عادلانه و متعارف محسوب کند و می تواند از حق الزحمهٔ خود چیزی را به واسطه بپردازد، ولی از حق الزحمهٔ عادلانه و اضافه به عنوان حق الزحمه ارائه کردن جایز نیست و روزی دهنده خداست.

«سؤال ۳۳۲۱» آیا خرید و فروش جریمه های دولتی جایز است؟ و حکم ربا بر آن مترتب می شود؟ به عنوان مثال شخصی قصد فروش وسیلهٔ نقلیهٔ خود را دارد، اما وقتی که برای اخذ خلافی به راهنمایی و رانندگی مراجعه می کند متوجه می شود که مبلغ خلافی یک چهارم قیمت اتومبیل است. لذا این مقدار را که قادر به پرداخت آن نیست برای خریدار دو برابر حساب می کند؛ یعنی به جای یک چهارم، دو چهارم پول اتومبیل را بابت جریمه ها کسر کرده و پول بقیه را از خریدار دریافت می کند وخریدار را مسؤول پرداخت جریمه ها کرده و اتومبیل را واگذار می کند.

جواب: مانعی ندارد که شخصی از دیگری بخواهد جریمه های او را بپردازد و در عوض او ماشین خود را به او ارزان تر بفروشد و یا ماشین را ارزان بفروشد و شرط کند که او جریمه های وی را بپردازد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۱

«سؤال ۳۳۲۲» این جانب در حال خرید یک خانه ام و از طریق یکی از دوستان با خبر شدم که این خانه قبل از من خریدار دیگری نیز داشته و خریدار قبل، مبلغی پول به عنوان بیعانه به صاحب منزل داده و رسید گرفته و به شرطی که گزارش مهندسی خانه مثبت باشد معامله را تمام کنند؛ ولی گزارش مهندسی کاملًا مثبت نبوده و خریدار از خرید خانه صرف نظر کرده، صاحب خانه هم از برگرداندن پول خریدار قبلی خودداری کرده

است.

با این شرایط، آیا صحیح است آن منزل را خریداری کنم؟

جواب: اگر نسبت به خانۀ مزبور معاملۀ خرید و فروش با شخص قبلی انجام نشده و فقط وعدۀ فروش بوده و یا با فرض انجام معامله با رضایت طرفین معامله فسخ شده است خریدن شما بی اشکال است.

«سؤال ۳۳۲۳» برخی از مؤلفین یا مؤسسات، کتاب هایی به صورت مجانی به افراد می دهند و آنها اقدام به فروش آنها می کنند. حکم فروش آنها چیست؟

جواب: اگر شرط عدم فروش نشده باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۲۴» مدتی است در شهر اهواز بعضی از افراد حقیقی مشغول به تجارت و سرمایه گذاری با پول مردمند که این سرمایه گذاری به دو روش انجام می گیرد:

الف: مبلغی، مثلًا یک میلیون ریال را به شخصی داده و ۲۵ روز بعد یک میلیون و پانصد هزار ریال دریافت می کنند.

ب: از مغازه داری یک کالا را (مثلا کولر گازی) که ۴۵۰ هزار تومان قیمت دارد به مبلغ ۲۵۰ هزار تومان خریده به شرطی که ۲۵ روز دیگر تحویل گرفته و سپس روز بیست و پنجم اگر مایل باشند کولر را برداشته و اگر مایل نبوده فروشنده آن را به مبلغ ۳۷۰ هزار تومان از ما خریداری می کند. در هر دو نوع معامله، پنجاه درصد سود عاید خریدار می شود. در ضمن معلوم نیست کسانی که متصدی این گونه معاملاتند و این گونه سرمایه گذاری می کنند در خارج هستند یا داخل؛ آیا این گونه معاملات صحیح می باشند؟

جواب: معامله نوع اول ربا است و جایز نیست، اما نسبت به معاملات نوع دوم از ماهیت واقعی معاملات نامبرده و ریشه های آنها بی اطلاعم و نمی گویم حرام است؛ ولی تشریع تجارت در اسلام برای رفع نیازهای

زندگی است و این قبیل معاملات به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۲

انواع مختلف رایج شده و برخی از آنها به قمار شبیه بوده و نوعاً ریشه های آنها در کشورهای خارج است و لذا بهتر است برادران و خواهران، خود را گرفتار این قبیل معاملات مجهول الهویه نکنند و پول خود را به مصرف معاملات حلال و واضح برسانند و یا شرکت های تولیدی عام المنفعه تأسیس کنند.

«سؤال ۳۳۲۵» جهت اجرای کار برق یک ساختمان که مبلغ آن حدود نهصد هزار تومان بود بعد از قرارداد با صاحب کار قراردادی با دو نفر از همکاران جهت همکاری و شراکت بستم. قرار بر این شد که ده درصد از کارکرد هر کدام از شرکا به بنده واگذر شود (حق کارفرمایی) در عوض جواب گویی و پاسخ نهایی بر عهدهٔ من بود. پس از مقداری از انجام کار که تقریباً نصف عمل می شد به علت خرابکاری ها و کوتاهی های شرکا مابقی کل کار را خودم تمام کردم و تقریباً پنجاه درصد از وجه قراردادی را به آنها پرداخت کردم؛ آیا می توانم ده درصد از پول آنان را اخذ کنم؟ و آیا این قراردادها به این نحو اشکال شرعی داشته است؟

جواب: اگر انسان اجیر شود که کاری را هرچند با کمک دیگران، انجام دهد نمی تواند دیگری را برای آن کار به مبلغی کمتر اجیر کند، مگر این که مقداری از کار را خودش انجام دهد. بنابراین در فرض مذکور خود شما که طرف قرارداد با کارفرما بوده اید مقداری از کار را- هرچند نظارت فنی را- به عهده گرفته اید می توانید مبلغی از آن را به خودتان اختصاص دهید.

قرارداد شما نیز با کارگرتان- با

توجه به این که مقدار دقیق کاری که آنان انجام می دهند معیّن نشده، بلکه ممکن است خود شما نیز مقداری از کار را انجام دهید- اجاره و عقد لازم نیست و می توانید آن را به هم بزنید و هرگاه آن را به هم بزنید نسبت به آنچه قبلًا انجام داده اند باید طبق قرارداد عمل کنید، مگر شرایط ضمن قرارداد را رعایت نکرده باشند که در این صورت تنها حق گرفتن اجرت المثل، یعنی اجرت معمولی را دارند و اگر خسارت نیز زده اند باید آن را جبران کنند. در هر صورت اگر با رضایت آنان به هر مبلغی مصالحه کرده اید مانعی ندارد و بری ءالذمه شده اید و امضا کردن، ظهور در رضایت دارد، مگر آن که خلاف آن احراز شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۳

«سؤال ۳۳۲۶» دو نفر بین خود قرارداد می کنند که به کمک هم، منزلی را رهن و اجاره کنند مثلًا یک نفر یک میلیون تومان پول رهن را می دهد و دیگری ماهیانه ۳۰ هزار تومان اجاره را می دهد و این نفری که پول رهن را می دهد به شریکش می گوید: شما در منزل بنشینید و ماهیانه ۲۵ هزار تومان به من بدهید؟ در صورتی که در قول نامه بنگاه یک نفر قرارداد بسته است؛ آیا این قرارداد بین طرفین شرعی است یا خیر؟ در صورت شرعی بودن، پولی که شریک به خاطر پول رهن شریکش می دهد چه صورت دارد؟

جواب: فرض مورد سؤال، اشکال دارد؛ ولی اگر صاحب پول، منزل را از صاحب خانه به قصد اجاره هرچند به قیمت کمتر، اجاره کند و در ضمن عقد شرط شود که وی مبلغی را به صاحب خانه قرض دهد معامله

صحیح است و پس از آن مستأجر صاحب پول می تواند با عدم منع صاحب خانه از اجاره دادن خانه به دیگری با انجام کاری در خانه مثل رنگ آمیزی یا تعمیر آن را به نفر دوم اجاره دهد و مبلغی بیشتر از اجاره ای که به مالک پرداخته دریافت کند.

«سؤال ۳۳۲۷» در بسیاری از موارد اتفاق می افتد که فروشنده و خریدار و یا موجر و مستأجر در بنگاه معاملاتی با یکدیگر آشنا می شوند، اما معامله را در بیرون از بنگاه انجام می دهند به قصد این که پولی به بنگاه دار ندهند؛ آیا آنها مدیون بنگاهند؟

جواب: اگر متصدّی بنگاه عمل انجام داده باشد که موجب انجام معامله شده است باید رضایت او را تحصیل کنند، ولی اگر بر حسب اتفاق فروشنده و خریدار در بنگاه با هم آشنا شده اند و متصدّی بنگاه دخالتی در معامله آنها نداشته باشد بنگاه حقی ندارد.

خرید و فروش اعضای بدن

«سؤال ۳۳۲۸» کسانی که بر اثر فقر شدید، اقدام به فروش اعضای بدن خود می کنند و چه بسا فرزندان به خاطر همدردی با پدر و یا مادر حاضر به فروش اعضا می شوند، ولی به حدّ تکلیف شرعی نرسیده اند؛ آیا پدر و مادر مسؤول این عمل بوده؟ و پدر اجازه چنین کاری را دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۴

جواب: نسبت به کودکان جایز نیست و نسبت به خودش هم اگر ضرر معتنابه داشته باشد جایز نیست به خدا توکل کنید.

حق دلالی

«سؤال ۳۳۲۹» اگر شخصی برای ایجاد شغل برای دیگران در یک شرکت دولتی یا خصوصی، مطالبهٔ پول کند (مثلًا یک میلیون تومان) و فرد متقاضی هم با این کار موافق باشد؛ حکم مسأله برای شخص دهنده و گیرنده چیست؟

جواب: اگر برای کار مباح باشد و خلاف مقررات نباشد اشکال ندارد، ولی رعایت انصاف و رضای خداوند بشود.

«سؤال ۳۳۳۰» شرکتی متعلق به مسلمین است به نام شرکت «ارمغان خلیج فارس» که در زمینهٔ فروش لوازم مختلف (اکثراً صنایع دستی) در ایران فعالیت می کند. نحوهٔ فعالیت این شرکت بدین گونه است که شخص در صورت تمایل می تواند در زمینه فروش محصولات با این شرکت همکاری کند، بدین طریق که به ازای فروش هر محصول درصدی از قیمت آن محصول به صورت پورسانت به او تعلق خواهد گرفت. همچنین در صورتی که افراد تحت مدیریت شخص (با واسطه یا بی واسطه) کالا-یی را به فروش برسانند به این شخص هم درصدی از مبلغ فروش (طبق فرمول ها و محاسبات مشخص) تعلق خواهد گرفت. درآمد حاصل از فعالیت در این شرکت چه حکمی دارد؟

جواب: همکاری در خرید و فروش مشروع به

عنوان وکالت یا دلالی به خودی خود- اگر همراه با دروغ و تدلیس نباشد- جایز است و آنچه در قبال آن به عنوان اجرت یا پورسانت یا هبه پرداخت می شود نیز اشکال ندارد.

معاملهٔ اوراق بهادار

«سؤال ۳۳۳۱» حکم اوراق قرضه (اوراقی که در ازای سود و بهرهٔ معیّن داده می شوند) چگونه است؟

جواب: اگر مبلغی که در ازای اوراق قرضه پرداخت می شود به عنوان قرض بوده

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۵

باشد همان طور که از اسم اوراق مزبور ظاهر است مازاد بر آن مبلغ، ربا و حرام است؛ مگر این که از نظر اقتصادی، زیادی، ربح و سود نبوده، بلکه جبران کاهش ارزش پول محسوب گردد و اگر مبلغ پرداختی در مقابل اوراق قرضه بر خلاف ظاهر مستفاد از آن به عنوان مضاربهٔ جدّی و حقیقی بوده و سود دریافتی علی الحساب باشد تا در پایان، طرفین با یکدیگر نسبت به آن مصالحه کنند معامله بلااشکال است.

بیع مضطر

«سؤال ۳۳۳۲» چنانچه فروشنده مضطر باشد و قیمت مورد معامله، بیش از مبلغ مندرج در قرارداد باشد و خریدار نیز قصدش این باشد که در صورت اجرا شدن کلیه شروط و ضوابط اجاره نامه از سوی فروشنده یا مستأجر در وقت معینی مورد معامله را به همان مبلغ خریداری شده به فروشنده مسترد کند؛ آیا از نظر شرعی چنین معامله ای صحیح است؟ و آیا خریدار یا موجر حق مطالبهٔ اجاره طبق قرارداد را دارد؟

جواب: بیع مکره باطل است، ولی بیع مضطر که از جهت ناچاری و به اختیار خود، ملک را می فروشد و همین طور اجارهٔ مضطر صحیح است و باید بر آن ترتیب اثر دهد ولی اگر در اجاره قید شده که اگر در پرداخت مال الاجاره تأخیر واقع شد مبلغی هر روز به عنوان دیرکرد بدهد جایز نیست و ربا و حرام است.

جایزهٔ فروشگاه ها

«سؤال ۳۳۳۳» اگر کسی از جانب چند نفر وکیل شود تا سقف معینی از یکی از فروشگاه ها خریداری کند، پس از چندی آن فروشگاه از جانب خریداران قرعه کشی کند و نام همین فرد وکیل شده از قرعه بیرون بیاید، آیا این جایزه از آن وکیل است یا موکلین؟

جواب: اگر فروشگاه ها از نظر جنس و قیمت فرقی ندارند و وکیل یکی از آنها را انتخاب می کند و فروشگاه هم جایزه را به کسی که مباشرت به خرید کرده می دهد اشکال ندارد و متعلق به خود وکیل است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۶

«سؤال ۳۳۳۴» حکم جوایز بازی هایی که در آنها به قید قرعه جایزه می دهند چیست؟

در ضمن حکم جوایزی که از داخل شانسی هایی که کودکان می خرند و داخل آن معلوم نیست چیست؟

جواب:

اگر در بازی غرض عقلایی باشد و از سوی طرفین شرط بندی نشده و جایزه از ناحیهٔ فرد ثالث یا دولت یا مؤسسه ای باشد گرچه به نحو قرعه اهدا گردد مانعی ندارد. خرید و فروش شانسی ها به خاطر مجهول بودن کالا باطل است؛ ولی با مصالحه، تصرف در آن ها اشکالی ندارد. در خرید و فروش باید کالا و عوض آن معلوم باشد، اما به نحو مصالحه مانعی ندارد.

«سؤال ۳۳۳۵» لطفاً نظر حضرت عالی را در ارتباط با استفاده از بلیطهای قرعه کشی که برخی سوپر مارکت ها به هنگام خرید می دهند و نیز خرید محصولات کارخانجاتی که به قید قرعه جایزهٔ می دهند بیان فرمایید؟

جواب: ظاهراً اشکالی ندارد.

« سؤال ۳۳۳۶» یک مؤسسهٔ فرهنگی قصد دارد مقداری از هزینهٔ خود را طبق بند یک و سهٔ اساسنامهٔ مؤسسهٔ ادارهٔ ارشاد اسلامی، از طریق برگزاری مسابقهٔ سنجش، اطلاعاتِ ورزشی، تأمین کند. با توجه به این که متقاضیان شرکت در مسابقه باید برگه های مسابقه را خریداری کنند، آیا از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟ قابل ذکر است که مقداری از این درآمد صرف خرید جایزه برای شرکت کنندگان و بقیه صرف امور فرهنگی و گردانندگان مؤسسه خواهد شد.

جواب: فروختن برگه برای شرکت در مسابقاتِ حلال و یا تماشای آنها در صورتی که به رضایت خود بخرند مانعی ندارد.

«سؤال ۳۳۳۷» اگر مشتری از ما خرید کرد، آیا می توانیم به دلخواه خود و بدون این که اضافه ای بر روی فاکتور بکشیم مبلغی را به او بدهیم؟

جواب: اگر خرید به وکالت بوده و عمل مذکور خیانت در وکالت و موجب اضرار به منافع موکّل نباشد مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۷

نقد و نسیه

«سؤال ۳۳۳۸» شغل

من فروش ذرت است؛ ۱- آیا می توانم به خریدار بگویم: فروش نقد هر کیلو گرم یکصد و پنجاه تومان و نسیهٔ دو ماهه یکصد و شصت تومان؟ ۲- خرید بعضی از خریداران دو ماهه است، ولی پول آن را تا چهار ماه و یا بیشتر تأخیر می اندازند، آیا می توان از آنها دیرکرد گرفت؟ ۳- آیا می توان از خریداران چیزی به عنوان گرو گرفت؟

جواب: ۱- فروش نقد به یکصد و پنجاه تومان و نسیه به بیشتر در صورتی که از اول مشخص شود مانعی ندارد.

۲- تأخیر پرداخت پول از مدت تعیین شده جایز نیست، همچنین گرفتن دیرکرد و حق التأخیر هرچند با شرط جایز نیست.

۳- بدهکار، مالی را گرو بگذارد مانعی ندارد، ولی اگر در وقت معیّن بدهکاری را نداد، مرتهن می تواند طبق صور و شرایطی که در مسألهٔ ۲۳۲۶ توضیح المسائل ذکر شده، عین مرهونه را بفروشد و طلب خود را بردارد.

«سؤال **۳۳۳۹**» این جانب به فروش فرش مشغولم و از اعتبار نسبتاً خوبی در بازار بهره می برم؛ لذا معاملاتی که انجام می دهند دارای سه صورت است:

۱- برخی از دوستان که به پول احتیاج دارند گاهی مراجعه کرده و دو الی سه میلیون پول گرفته و حاضرند با ۳۰ الی ۴۰ درصد پول را به صورت اقساط باز پس دهند؛ آیا این معامله دارای اشکال است؟

۲- علاوه بر آن گاهی آنها جنس را به صورت اقساطی خریده، ولی ما آن اجناس را برای آنها با سود ۳۰ الی ۴۰ درصد بفروش می رسانیم؛ آیا این عمل صحیح است؟

۳- خود ما نیز فرش ماشینی یا دستبافت را به صورت نقد و یا مدت دار از کارخانه و یا اشخاص خریداری کرده

و به صورت نقد و یا مدت دار با ۱۰ درصد به فروش می رسانیم. لطفاً حکم مسائل فوق را بیان فرمایید؟

جواب: ۱- قرض دادن پول با شرط سود ربا و حرام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۸

۲- اگر جنس معینی را به عنوان نسیه بخرد و قصد جدّی در بین باشد و سپس خود او یا شما وکالتاً آن را بفروشید مانعی ندارد، ولی در نسیه باید مدت معلوم باشد.

۳- فرض اخیر، بی اشکال است؛ ولی در نسیه مدت مشخص شود.

قبض و اقباض فضولی

«سؤال ۳۳۴۰» آیا قبض و اقباض فضولی صحیح است؟

جواب: اقباض و قبض فضولی، مانند ایجاب و قبول فضولی پس از امضا صحیح و نافذ است.

«سؤال ۳۳۴۱» دختر خردسالی از مادر خود قطعه زمینی را به ارث برده و پدر در همان موقع آن را فروخته است. فرزند پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد، زمین را از پدر مطالبه کرده و فروش آن را اجازه نداده است؛ آیا معامله باطل بوده است؟ و اگر دختر بخواهد زمین را پس بگیرد، آیا باید پول مشتری را پس بدهد یا پدر به مشتری بدهکار است؟

جواب: اگر پدر بدون رعایت مصلحت دختر زمین را فروخته و دختر هم بتواند این مطلب را ثابت کند حق دارد معامله را برگرداند و در این صورت پدر ضامن است.

فروش اموال دیگران

«سؤال ۳۳۴۲» شخصی سال ها پیش ملکی را فروخته و اکنون مورد معامله مستحق للغیر درآمده است؛ آیا فروشنده ضامن پرداخت قیمت روز ملک به عنوان ضمان درک و خسارات وارده براساس نظریهٔ کارشناسی است؟

جواب: در مفروض سؤال، فروشنده بنابر احتیاط واجب پول خریدار را با لحاظ کاهش ارزش پول بپردازد و حتی المقدور مصالحه کند.

«سؤال ۳۳۴۳» افرادی که به نام مهاجرین از تعاونی های دولتی اجناسی را گرفته و در بازار آزاد به فروش می رسانند؛ آیا چنین معاملاتی صحیح است؟

جواب: چنین معاملاتی تابع شرایط و مقرراتی است که حکومت صالح مقرر کرده و برای مهاجرین وضع کرده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۲۹

غش در معامله

«سؤال ۳۳۴۴» معمولًا درب هـای آلومینیـومی دارای مقـداری مفتـول آهنی است، قیمت مفتـول هم بسـیار پـایین تر از قطعـات آلومینیوم است، اما پس از ساخت و ساز، قیمت آلومینیوم محسوب می شود؛ آیا این قیمت گـذاری غش در معاملات نیست و معامله صحیح است؟

جواب: مقدار مفتولی که معمولًا باید در درب و پنجره آلومینیوم مصرف شود و همه می دانند اشکال ندارد، ولی اگر زیادتر از معمول و نیاز مصرف کنند باید به مشتری اطلاع دهند و نسبت به قیمت تراضی کنند.

معامله با ثمن مجهول

«سؤال ۳۳۴۵» این جانب مقدار ۱۵۰ تن کشـمش به شخصی فروخته و در قبال آن چک دریافت کرده ام، پس از مدتی قبل از سر رسـید چک ها خریدار به من مراجعه کرده و چک ها را گرفته و چک های دیگری در عوض آن چک ها به من داد. بعداً معلوم شد که خریدار می دانسـته که صاحب این چک ها شخص مجهولی است که اصلًا در ایران زندگی نمی کند. گرچه من با فروش تمام زنـدگی ام طلب طلبکاران را داده ام اما فعلًا ورشکسـته ام؛ آیا معاملـهٔ این جانب صـحیح بوده است؟ و آیا من از خریدار طلب دارم یا از شخصی که فعلًا مجهول است؟

جواب: اگر معلوم شود که خریـداران از ابتدا قصد معاملهٔ جدّی نداشـته و معامله صوری بوده، معامله صـحیح نبوده است و اگر قصد معامله داشـته اند و ثمن آن کلی و در ذمّه خریداران بوده که قصد داشـته اند بپردازند معامله صحیح بوده است و تعویض چک ها با چکی که دهندهٔ آن مجهول المکان و فاقد اعتبار بوده در حقیقت حواله بر سر فرد مجهول بی اعتبار است؛ پس اگر شما نسبت به آن شخص شناخت نداشته اید و جاهل بوده اید می توانید حواله را فسخ کنید و

از خریداران ثمن را مطالبه کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۰

فروش اشیای مجهول المالك

«سؤال ۳۳۴۶» بعد از پایان جنگ تحمیلی خیلی از کامیون های عراقی از طریق مرزهای ایران توسط عده ای سودجو وارد شده و دولت، اقدام به شماره گذاری و در بازارهای ایران مورد معامله قرار گرفت و عوارض آن نیز توسط دولت اخذ گردیده است. خرید و فروش آن چگونه است؟

جواب: کامیون های مذکور اگر به سرقت از دولت یا اشخاص گرفته نشده باشند معاملهٔ آنها صحیح است و در صورت شك در سرقت با توجه به قاعدهٔ «ید» و احترام سوق مسلمین حمل بر صحّت می شود؛ ولی اگر یقین به سرقت داشته باشید حکم مجهول المالك را دارد که باید با اجازهٔ حاکم شرع جامع الشرایط از طرف صاحبان آنها خودش یا پولش را صدقه داد.

خیارات و شرط ضمن عقد

«سؤال ۳۳۴۷» چنانچه در معامله ای (بیع) شرط فسخ یا خیار شرط و خیار تخلف شرط، مقرّر شده باشد و لیکن زمان و مهلت یا اجلی بر آن تعیین نشده باشد، آیا صرفاً شرط باطل است یا شرط و بیع هر دو باطلند؟

جواب: شرط فسخ به این صورت که در معامله برای یکی از دو طرف یا هر دو، حق فسخ شرط شود، اگر مدت آن معیّن نباشد اصل معامله اشکال دارد، ولی در خیار تخلف شرط چنانچه اصل شرط غرری نباشد تعیین مدت خاص برای تخلف لازم نیست.

«سؤال ۳۳۴۸» اگر کسی در ضمن معامله شرط کند «به مجرد وصول نشدن چك، معامله خود به خود فسخ شود»؛ این نحو شرط آیا صحیح است؟ و آیا معامله خود به خود فسخ می شود؟

جواب: به نحو شرط نتیجه که خود به خود فسخ شود محل اشکال است؛ ولی اگر شرط کند به مجرد عدم وصول چك،

حق فسخ معامله را دارد شرط صحیح و نافذ است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۱

«سؤال ۳۳۴۹» این جانب در سال ۱۳۵۱ یک باب گاراژ و شش باب مغازه در بهترین نقطهٔ شهر اهواز به شرکت بیمارستان پارس جهت احداث بیمارستان به صورت مشروط فروختم و خریدار در شرط ضمن عقد تقبل کرد که پس از اتمام ساختمان بیمارستان و شروع به بهره برداری به مدت پنج سال چهار تخت عمومی از بیمارستان را مجاناً در اختیار این جانب قرار دهد تا بیماران بی بضاعتی را که خود صلاح بدانم معرفی و بیمارستان مجاناً آنان را بستری و به طور رایگان درمان کند، ولی متأسفانه پس از گذشت سی سال شرکت بیمارستان پارس اقدام به ایجاد و ساخت بیمارستان نکرده و سال قبل کل مورد معامله را به طور قطعی به شخص دیگری فروخته است بدون آن که خریدار را از شرط ضمن عقد آگاه گرداند واین جانب بعد از معامله و واگذاری مطلع شدم. حال با توجه به این مسأله، آیا می توانم تقاضای فسخ معامله با بیمارستان پارس را بکنم و یا مسأله دارای صور دیگری است؟

جواب: شرط مذکور به قوت خود باقی است و فروشندهٔ اوّلی حق دارد به لحاظ عدم عمل به شرط، معامله را فسخ کرده و یا او را ملزم به عمل به شرط کند و مشتری دوم نیز با جهل به شرط مذکور حق فسخ دارد.

«سؤال ۳۳۵۰» در عقد بیعی که به طور قطعی و با ثمن معیّن بین دو نفر منعقد گردیده است، بخشی از ثمن معامله فی المجلس پرداخت شده و تتمهٔ مبلغ نیز بایستی یک ماه پس از انعقاد بیع پرداخت گردد؛

ولی فروشنده در ضمن عقد شرط کرده است که چنان که در پرداخت تتمهٔ ثمن تأخیری افتد روزانه مبلغ قابل توجهی به عنوان خسارت و افزایش قیمت از خریدار دریافت کند؛ آیا شـرط مزبور از نظر شـرعی صحیح است؟ و با وجود قطعی بودن معامله و معیّن بودن ثمن، آیا مبلغ مورد ادّعا به عنوان خسارت قیمت مشمول عنوان رباست؟

جواب: اگر در عقـد بیع، شـرط کننـد که «در صورت تأخیر پرداخت بقیهٔ ثمن در زمان تعیین شده، فروشـنده خیار فسخ داشـته باشـد و یـا مشتری مقـدار تورّمی و سـقوط پول را بدهـد نه بیشتر» مـانعی نـدارد؛ ولی شـرط پرداخت مبلغی به عنوان خسـارت تأخیر، جایز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۲

«سؤال ۳۳۵۱» در شهرهای مرزی گازوئیل برای تریلی ها و کامیونت ها سهمیه بندی است؛ آیا راننده ای که در شهرهای دیگر سوخت گیری کرده، حق دارد مـازاد سوخت خود را آزاد و با قیمت بالاتر از قیمت داخل کشور بفروشـد؟ و در صورت منفی بودن جواب، اگر از روی دلسوزی به مردم بیچاره ای که از این طریق امرار معاش می کنند، فروخته باشد تکلیفش چیست؟

جواب: در مفروض سؤال، اقدام به فروش در صورت منع دولت از آن جایز نیست.

«سؤال ۳۳۵۲» کسانی که برای ایجاد محبت بین زن و شوهر و پدر و مادر و یا بسـتن زبان به شـغل تعویذ نویسـی مشغولند و از این راه کسب درآمد می کنند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر سـحر و جادو و یا کاری که به ضـرر افراد است در بین نباشد و صرف نوشتن دعا یا سوره ای از قرآن باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۵۳» شخصی اتومبیل پلاک موقت را فروخته است و در قرارداد

مقرر شده که فروشنده حداکثر تا یک ماه دیگر اتومبیل را پلاک کرده و سند آن را انتقال دهد، اما فروشنده به تعهد خود عمل نکرده تا این که هشت ماه طول کشیده و اتومبیل بدون استفاده در پارکینگ خریدار متوقف مانده است. خریدار هم از طریق مراجع قانونی، اتومبیل را پلاک کرده و سند آن را به نام خود انتقال داده است. با توجه به این که عدم اجرای تعهدات فروشنده، باعث خساراتی به خریدار شده است از جمله: بدون استفاده ماندن، افت مدل، پایان بیمه اتومبیل و ... که کارشناس رسمی دادگستری در نهایت خواب اتومبیل را روزی شش هزار تومان برآورد کرده است. حال آیا مبلغ مذکور به عنوان عدم نفع یا خسارت ناشی از عدم انجام تعهّد قابل وصول است؟ و آیا خسارت عدم نفع با خود عدم نفع تفاوت دارد؟

جواب: اگر شرط کرده باشد در ضمن عقد معامله که در صورت تخلّف، خیار فسخ داشته باشد می تواند معامله را فسخ کند و اگر عدم امکان استفاده از ماشین که ملک اوست مستند به تعلّل فروشنده در گرفتن پلاک باشد اجارهٔ مدت بیکار ماندن ماشین را ظاهراً فروشنده ضامن است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۳

«سؤال ۳۳۵۴» بین دو نفر عقد بیعی صورت گرفته و مبایعه نامه ای تنظیم گردیده است که دارای چند بند است:

در بند پنجم آمده: اگر هر یک از طرفین از معامله منصرف شدند، ده میلیون ریال به طرف مقابل به عنوان خسارت بپردازد!. در بند ششم آمده: خریدار می تواند به استناد این مبایعه نامه مورد معامله را قبل از تنظیم سند رسمی تغییر و به هر شرایطی که بخواهد

انتقال و یا واگذار نماید و فروشنده نسبت به آن هیچ گونه حق و ادّعایی نخواهد داشت.

و در بند هفتم آمده: همهٔ خیارات ساقط و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نبوده و نیست.

سؤال این است:

۱- آیا بند پنجم و هفتم چگونه قابل جمع است و هر یک چه اثری دارد؟ ۲- آیا بند ششم منافاتی با بند پنجم بر فرض جعل خیار ندارد؟ و فی الواقع چنین خیاری را منتفی نمی سازد و تصرف فروشنده در ثمن مسقط خیار شرط نیست؟ ۳- آیا شرط اسقاط کافهٔ خیارات که شرط نتیجه بوده با چه مبنایی قابل توجیه است؟

جواب: ۱- معاملهٔ نامبرده به حسب ظاهر مانعی ندارد و در بند هفتم قرارداد آن، همهٔ خیارات اسقاط گردیده است. و در بند پنجم حق خیار شرط برای طرفین معامله قرار داده شده است، منتهی جواز اعمال آن خیار، مشروط به پرداخت مبلغ مذکور در آن بند، به عنوان حق خسارت می باشد و موضوع بند هفتم غیر از این خیار است و براساس بند ششم ظاهراً مدت جواز اعمال آن خیار، برای فروشنده، محدود است به زمانی که تنظیم سند رسمی و یا نقل و انتقال به غیر توسط خریدار هر کدام که زودتر باشد انجام گیرد و صرف تصرف طرفین معامله در ثمن و مثمن قبل از گذر زمان تعیین شده برای حق خیار شرط، ظاهراً مسقط آن خیار نیست.

۲- ممنوعیت تصرف در زمان خیار شرط، که لازمهٔ بند پنجم است به جهت ظهور اشتراط حق فسخ، در منع از تصرف است؛ لذا با تصریح به عدم منع، که لازمهٔ بند ششم است تصرف اشکالی ندارد.

۳- اسقاط همهٔ خیارات نیز

مانعی ندارد و اساساً ثبوت خیاراتی، مثل خیار عیب و یا غبن، از جهت ظهور عقد در اشتراط سلامت عوضین و عدم غبن است و همان گونه

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۴

که با تصریح بر رضایت به عیب یا غبن، خیار ثابت نیست، اسقاط آن نیز اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۵۵» چنانچه فردی در هنگام خرید زمینی، کلیهٔ خیارات از جمله خیار غبن «لو کان فاحشاً بل أفحش» را از خود ساقط کرده باشد و بعداً معلوم شود زمین مذکور چند برابر قیمت واقعی گران تر فروخته شده باشد. آیا خریدار حق فسخ دارد؟

جواب: اگر غبن، بیش از متعارف و بیش از مقداری است که خریدار احتمال می داده، خیار باقی است و بنابر احتیاط با هم تراضی کنند.

«سؤال ۳۳۵۶» شخصی منزلی را از فروشندهٔ آن با یک سال خیار فسخ خریده است و خریدار در مدت نُه ماه، دو طبقهٔ دیگر بر آن افزوده است و قبل از اتمام سال فروشنده اعمال خیار فسخ کرده است. اولًا: تکلیف دو طبقه ای که مشتری در ظرف این مدت ساخته چه می شود؟ ثانیاً: عقد بیعی که مشروط به خیار فسخ است، در مدت زمان خیار (یک سال)، آیا عقد لازم است یا معلق و غیر لازم؟

جواب: اولًا: هرچند فروشنده حق اعمال خیار در مدت مقرر را دارد، ولی در صورتی که با مشتری شرط «نیفزودن بناء» نکرده باشد فروشنده اگر اعمال خیار کرد باید قیمت بنای جدید را به مشتری بدهد یا به گونه ای او را راضی کند و ثانیاً: عقد در مدت خیار از ناحیهٔ کسی که حق خیار دارد لازم نیست.

«سؤال ۳۳۵۷» آیا خیار مجلس در معاملاتی که

به صورت تلفنی انجام می گیرد وجود دارد؟

جواب: در معاملات تلفنی نیز مادامی که بایع و مشتری مشغول مکالمه انـد و مجلس خود را تغییر نداده اند خیار مجلس ثابت است و پس از قطع مکالمه خیار مجلس وجود ندارد.

«سؤال ۳۳۵۸» بیعی بین دو نفر صورت گرفته و در قرارداد، همهٔ خیارات از جمله خیار غبن نیز اسقاط شده است، ولی مابین دو طرف، شفاهی گفته شده که تا ۴۸ ساعت اجازهٔ فسخ برای مغبون وجود دارد. در این مورد شخص بنگاهی (دلّال) نیز شاهد بر مدّعاست و فعلًا بین فروشنده و خریدار اختلاف است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۵

اولًا: آیا این حق فسخ با شهادت یک نفر دلّال قابل احراز است؟

ثانیاً: آیا خیار غبن افحش در زمان انعقاد قرارداد قابل اسقاط است؟

ثالثاً: در صورت صحت ادّعای فروشنده (دائر برحق فسخ داشتن) نزد خریدار و دلّال و عدم امکان اثبات حقانیّتش در دادگاه، وضعیت شرعی خریدار نیز نسبت به ملک چگونه است؟

جواب: اولًا: در مورد مذکور، ادّعا با شهادت یک مرد (دلّال) و قسم خوردن مدّعی ثابت می شود و ثانیاً: اگر غبن افحش نیز ولو اجمالًا مورد توجه اسقاط کننده خیار باشد قابل اسقاط است و ثالثاً: در مفروض سؤال، چنانچه فروشنده حق خود را اعمال و معامله را فسخ نماید، خریدار شرعاً مالک نیست و باید رضایت فروشنده را تحصیل کند.

«سؤال ۳۳۵۹» این جانب آپارتمانی را از شخصی که سند بنامش بود خریدم. نصف مبلغ را هنگام عقد بیع و نصف مابقی را در زمان انتقال سند پرداختم و سند در محضر به نام این جانب انتقال یافت؛ اما فروشنده عنوان کرد که چون آپارتمان در دست کسی

است حدود ۶ ماه دیگر ملك را تخلیه می کند و من هم قبول کردم. پس از ۶ ماه با مدارک نزد او رفته و عنوان کردم که چون قرارداد شما تمام شده لطفاً آپارتمان را تخلیه کنید. ایشان در جواب گفتند: من آپارتمان را به فروشندۀ شما به طور مدتی فروخته و در قرارداد شرط کرده ام هر کدام از چک ها که برگشت شود معامله فسخ است و من در این جا به طور رایگان می نشینم. آیا خیار جعل شدۀ میان فروشنده و خریدار اول، خیار شرط است یا غیر آن؟ و با جعل خیار مذکور، حکم معامله دوم چگونه است؟ و بنابر این که معاملۀ دوم صحیح باشد، فروشندۀ اول باقی طلب خود را از خریدار خودش، باید بگیرد یا از این جانب؟

جواب: ظاهراً خیار مذکور خیار شرط است به نحو نتیجه و با احراز صحّت ادّعای شخصی- که خود را مالك اول معرّفی می کند- و ثبوت آن به طریق شرعی، دو فرض برای شرط مورد سؤال متصور است: فرض اول اینکه شرط شده باشد که اگر چك وصول نشد معاملۀ اول به واسطۀ خیار مذکور فسخ گردد، در این صورت با عدم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۶

وصول چك، آن معامله فسخ شده و مالك اول می تواند قیمت آن خانه را یا مثل آن را چنانچه مثلی داشته باشد از خریدار اول دریافت کند. فرض دوم اینکه شرط شده باشد که اگر چك وصول نشد خانه به ملك مالك اول برگشت نماید، در این صورت مشتری (مالك دوّم) حق نداشته است قبل از گذشتن زمان خیار، خانه را بفروشد و بنابراین، معاملۀ دوم قبل از زمان

سقوط خیار و قطعی شـدن معاملـهٔ اول، فضولی است و مالک اول می توانـد از تحویل ملک، خودداری کند، مگر این که وی معاملهٔ دوم را امضا کند. همچنین با فرض تمامیت معاملهٔ اول، فروشـندهٔ اول باقی ثمن را از خریدار خودش طلبکار است در هر صورت برای رفع نزاع و روشن شدن جزئیات مورد خلاف باید به محاکم قضایی مراجعه شود.

«سؤال ۳۳۶۰» مبنای حضرت عالی در ضرورت خیار در فقه و به خصوص خیار تعذّر تسلیم چیست؟

جواب: مبنای خیار در خیارات مختلف است، هرچند یکی از ادلّهٔ آنها حدیث

«لا ضرر»

است و مبنای خیار تعذّر تسـلیم، اخبار معتبر در بیع سـلف «۱» است در صورتی که متـاع پیش فروش شـده در وقت مقرر نایاب شود.

«سؤال ۳۳۶۱» آیا می توان با الغای خصوصـیت و تنقیح مناط، خیار تعذّر تسـلیم را به کلیهٔ تعهدات نیز تسرّی داد؟ و به عبارتی از خیار تعذّر تسلیم به خیار تعذّر عمل به تعهد برسیم؟

جواب: ملاک در مطلق موارد تعـذّر جاری است. «لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا» «۲» خداونـد هیچ کس را جز به اندازهٔ توانش مکلف نمی کند.

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰۳، ابواب السلف، باب ۱۱.

(۲)- سورهٔ بقره (۲): آیهٔ ۲۸۶.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۷

مسائل صلح

«سؤال ۳۳۶۲» شخصـی در زمان حیات خود ضـمن صلح نامه ای ملکی را به فرزندان ذکور خود مصالحه کرده و ضـمن عقد، شرط کرده است که منـافع مـورد مصـالحه تـا زمـانی که مُصالـح زنـده است متعلق به خودش و حق استیفـای رایگـان منـافع و واگذاری به غیر را داراست. همچنین شرط کرده تا زمانی که صلح کننده زنده است حق فسخ صلح نامه به طور

یک جانبه صرفاً متعلق به خودش است.

سؤال این است، در صورتی که ثابت شد که متعاملین قصد صلح نداشته و مقصود واقعی و پنهانی آنان وصیت به ثلث بوده است؛ آیا چنین معامله ای صحیح است و آیا سلب مالکیت منافع برای مدت موهوم به ترتیب فوق، موجب جهل طرفین به عوضین و در نتیجه غرری بودن آن نیست؟

جواب: با توجه به تعبیراتی که ذکر شده، عقد مذکور ظهور در صلح دارد و وصیت بودن آن خلاف ظاهر است، مگر این که قرائن قطعیه بر اراده وصیت داشته باشید و در صلح این قبیل جهل ها مضر به صحّت آن نیست.

«سؤال **۳۳۶۳**» این جانب کلیهٔ دارایی خود را بین فرزندانم مصالحه و تقسیم کرده ام و از جملهٔ آنها چند باب مغازه بوده که با اجازه و رضایت و موافقت کامل این جانب به فرزند دوم خود اجازه داده ام که طبقهٔ فوقانی بر روی مغازه ها بسازد؛ آیا بعد از من فرزندانم نسبت به طبقهٔ فوقانی ادّعایی می توانند بکنند یا متعلق به فرزند دوم این جانب است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر طبقهٔ فوقانی قبل از صلح به فرزندان بنا شده است و بعداً فقط طبقه اول به آنان صلح شده است آنان حقی نسبت به طبقهٔ دوم و فضای آن ندارند و مالک می تواند در حیات خویش فضای طبقهٔ دوم را به هر کسی که هزینهٔ

ساخت آن را پرداخته است تملیک کند؛ ولی اگر بعد از صلح به فرزندان، طبق دوم ساخته شده است در واقع در ملک فرزندان ساخته شده است و فضای آن، ملک فرزندان بوده و تصرف در آن بدون رضایت آنان جایز

نیست.

«سؤال ۳۳۶۴» آب زمینی که میان دو برادر مشترک بوده است مورد دعوای طرف ثالث قرار می گیرد. یکی از برادران بدون اطلاع و رضایت برادرِ دیگر، با شخص ثالث- طرف دعوا- مصالحه به مقدار آب می نماید. آیا چنین مصالحه ای معتبر است یا خیر؟

جواب: مصالحهٔ وی در مقدار سهم خود مانعی ندارد؛ ولی او نمی تواند در سهم برادر دیگر وی را به آنچه خود بر آن مصالحه نموده است ملزم نماید، بلکه برادری که مصالحه ننموده است می تواند با طرف ثالث در سهم خود به هر مقدار که توافق کردند مصالحه نماید؛ یا بر طبق موازین شرعی دیگر عمل نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۳۹

مسائل شرکت

«سؤال ۳۳۶۵» سه سال پیش قطعه زمینی به مبلغی معیّن، توسط دو نفر خریداری شده است. دو نفر مذکور با ۵ نفر دیگر یک شرکت تعاونی تأسیس کرده و مقرر گردیده: شرکا از سهم الشرکه خود بابت زمین خریداری شده هر مبلغی را که می توانند پرداخت کنند.

همهٔ شرکا به تعهد خود عمل کردند، مگر یکی از آنها که فقط یک سال پیش مقداری پول آورده و نسبت به سهم بقیه بسیار کمتر است. طبق نظر کارشناسی، زمین مذکور دو برابر ارزش یافته و سهم هر شریکی دو برابر شده است، لذا نفر آخر هم ادّعا می کند که باید سهم او را دو برابر حساب کنیم. خواهشمندیم نظر شرعی خود را پیرامون سهم شرکا بیان فرمایید؟

جواب: اگر دو نفر اول زمین را برای خودشان خریده اند و بعداً پیشنهاد کرده اند هر کس پول بدهد فعلًا در زمین شریک باشد طبعاً کسی که در آغاز پول نداده است شریک نیست. ولی بجاست چون با

او مذاکره شده او را بی بهره نگذارند.

«سؤال ۳۳۶۶» قبل از انقلاب- در اصلاحات ارضی- مالکین به کشاورزان پیشنهاد کردند که ما مقدار ۲۵ هکتار زمین را به شما می بخشیم. تقریباً ۵۰ نفر کشاورز وجود داشت که این زمین به آنها تعلق می گرفت. حدود ۴۰ نفر از کشاورزان آن را امضا کردند، ولی بقیهٔ آنها با این که زمین به آنها نیز تعلق می گرفت آن را امضا نکردند؛ آیا کشاورزانی که تقسیم نامه را امضا کردند حق دارند کل زمین را صاحب شوند و یا آن را واگذار کنند؟

جواب: چنانچه مالکین شرعی زمین ها آنها را به کشاورزان بخشیده و به آنان تحویل داده باشند به همان مقدار که به آنان بخشیده اند مالک گردیده و می توانند هر گونه تصرف مالکانهٔ شرعی در آن انجام دهند.

«سؤال ۳۳۶۷» زمینی بین چند نفر ورثه، به طور مشاع بوده که یکی از ورّاث- بدون

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۰

اجازهٔ دیگر ورثه- تعدادی از درختانی را که بین برادران و خواهران به صورت مشاع بوده قطع و فروخته است. این عمل از نظر شرعی چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: هر گونه تصرف در مال مشترک، موقوف به اجازه و رضایت همهٔ شرکا بوده و در غیر این صورت غصب و موجب ضمان است.

«سؤال ۳۳۶۸» دو نفر شریک قطعه زمینی را به صورت قسطی (در سه قسط) خریده اند.

دو قسط اول و دوم را هر دو پرداخت کرده اند، ولی موقع سر رسید قسط سوم یکی از شرکا می گوید: فعلًا پولی برای پرداخت ندارم. نفر دوم علاوه بر سهم خود سهم شریکش را نیز پرداخت کرده، ولی می گوید: به همان اندازه زمین از من است، یعنی

۴۶ از من است و ۲۶ از آن تو. بفرمایید: حق با شریک اول است یا دوم؟

جواب: زمین مزبور مال دو نفر است نصف و نصف و شریکی که پول قسط سوم را داده فقط پول را طلبکار است، چون معامله ای انجام نشده.

«سؤال ۳۳۶۹» برخی از شرکت ها در کویت و عراق هستند که با شرکت های امریکایی قرارداد واردات اغذیه هایی مانند گوشت های حرام و چه بسا شراب و ... می بندند؛ آیا می توان از این شرکت ها سهام خرید؟

جواب: جایز بودن خرید سهام از چنین شرکت هایی محل اشکال است.

«سؤال ۳۳۷۰» یک زمین موروثی بین چند نفر از شرکا و با حضور چند نفر از مؤمنین تسویه و تعادل سهام شده است که بعضی از قطعات زمین بعد از تعادل و تسویه و نظر سنجی قرعه کشی شده و با رضایت شرکا تقسیم و مورد قبول همه واقع شده است. چند سال از واقعه گذشته است، بعضی از شرکا به دلیل این که اطراف زمین هایشان استعداد توسعه را دارا بوده زمین های خود را توسعه داده اند، اما برخی توسعه نداده اند، ولی ادّعا می کنند که اصل تقسیم بندی صحیح نبوده و باید زمین موجود امروزی که توسعه یافته تقسیم شود آیا آنها چنین حقی دارند؟

جواب: اگر مال مشترک، بعد از تعدیل سهام توسط قرعه یا رضایت همهٔ شرکا تقسیم گردد، هیچ کدام حق برهم زدن آن را ندارد، مگر این که ثابت شود در تعدیل و تقسیم سهام اشتباهی رخ داده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۱

«سؤال ۳۳۷۱» در یک کارخانهٔ لاشه بری، سه نفر با هم قرار شراکت گذاشته که بابت سهم خود مبلغ یک میلیون تومان پرداخت کنند. دو نفر

از آنها به تعهدات خود عمل کرده، ولی یک نفر به جای این که یک میلیون بپردازد ششصد هزار تومان آورده و در عوض، ششصد هزار تومان گرفته است. الآن پس از گذشت یک سال، آیا نفر سوم باز هم شریک محسوب می شود یا خیر؟

جواب: مجرّد قرارداد، موجب شرکت نمی شود، بلکه لازم است اموال مورد شرکت مخلوط شود به طوری که از هم ممتاز نباشند. پس کسی که اساساً چیزی پرداخت نکرده شریک محسوب نشده و طبعاً چیزی از سود طلبکار نیست، ولی بنابر احتیاط، نسبت به سود مقدار پولی که در آن زمان محدود پرداخت کرده با یکدیگر مصالحه کنند.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۲۴۲

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۲

مسائل مضاربه

«سؤال ۳۳۷۲» این جانب قبل از جنگ تحمیلی با فروش تمام دارایی خود، مبلغی را به یکی از معتمدین خود که فروشندهٔ آهن آلات بود داده تا با آن کار کند و مقداری از این بابت سود به سرمایه ما تعلق گیرد؛ اما پس از گذشت چند روز، جنگ شروع شده و تاکنون که ۲۶ سال از شروع جنگ می گذرد فقط توانسته ام اصل پول خود را از وی بگیرم. آیا علاوه بر اصل پول، سود سرمایه و یا تورّم پول را هم طلبکارم؟

جواب: چون پول شما نزد آن آقا به عنوان مضاربه بوده اگر شرایط مضاربه، موجود بوده شما طبق قرارداد سهم سود خود را از همهٔ معاملات انجام شده طلبکارید و اگر شرایط مضاربه، محقق نبوده طرف، هر چه سود از پول شما برده مال شماست و او اجرت

عمل را طلبکار است و در غیر این صورت شما اصل پول را قطعاً طلبکارید و نسبت به مسألۀ تورّم و سقوط قدرت خرید پول، باید او شما را راضی کند.

«سؤال ۳۳۷۳» ادارۀ استاندارد ملی، ساخت زودپز را ممنوع اعلام کرده است. حال اگر کسی سرمایه ای را به سازندۀ زودپز برای ساخت آن به عنوان مضاربه پرداخت کند و از آن سودی به دست آید، آیا آن پول حلال است؟

جواب: مضاربه در کار تجاری است، ولی در موارد صنعت با صاحب صنعت می توانید شرکت کنید و طبق قرارداد سود آن را تقسیم کنید؛ و اگر زودپزها کاملًا مطمئن و بی خطر باشد اشکال ندارد. اگر معاملۀ شرکت صحیح انجام شود خسارت هم مال هر دو است.

«سؤال ۳۳۷۴» شرکتی غیر انتفاعی، به کارخانه ها، شرکت ها، کارگاه ها و کسبه وام مضاربه داده و مبلغی را- علی الحساب- بابت سود حاصل دریافت می کند. در صورتی

که سود مازادی وجود داشته باشد این مؤسسه به عامل صلح کرده و اگر عامل دارای زیانی شده باشد زیان را به این مؤسسه صلح می کند که این موارد در قالب قراردادی تنظیم گردیده است. در ضمن در قرارداد شرط می شود که اگر عامل در موقع تعیین شده از پرداخت بدهی خود به هر دلیلی استنکاف ورزد مبلغی را به عنوان خسارت یا جریمه تأخیر از او دریافت می کند؛ آیا این عمل مشروع است؟

جواب: اگر عمل مذکور صوری نبوده و مضاربه حقیقی باشد که سرمایه در ملک صاحبش باقی بماند و با آن تجارت شود و سهم هر یک از صاحب سرمایه و عامل از سود آن به طور مشاع معیّن

شود مضـاربه صـحیح است و می توان در ضـمن عقـد لازم شـرط کرد که مبلغی را به عنوان علی الحساب دریافت کرده تا در پایان با یکدیگر مصالحه کنند.

مبلغ دریـافتی به عنوان جریمـهٔ دیرکرد در پرداخت دِین، ربا و حرام است؛ مگر این که عرفاً تأخیر در پرداخت، موجب کاهش ارزش پول گردد و مبلغ مذکور در برابر کاهش ارزش پول باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب مصالحه کنند.

« سؤال ۳۳۷۵» در یـک عقـد قرارداد مضـاربه، عامـل فقـط سود مشـاعی ماهـانه که علی الحساب به سـرمایه گـذار می دهـد را مشـخص می کند و صحبتی از سود اصلی- که در اصل قرارداد درج شده بود- نشده است؛ آیا در این صورت مضاربه صحیح است؟

جواب: تعیین سود علی الحساب در صورتی صحیح است که سود قطعی و مسلّم و تا حدّی، مقدار آن هم مشخص باشد.

«سؤال ۳۳۷۶» شخصـی یـک فقره چک به یک نفر مورد وثوق خود می دهـد و به او می گویـد که تا یازده ماه دیگر نیازی به این پول ندارم و شما با آن سرمایه ای تهیه کنید و مضاربه انجام دهید و در عوض، نفر دوم هم یک فقره چک به همان مبلغ به نفر اول به تاریخ یازده ماه دیگر می دهد؛ آیا نفر اول می تواند این چک مدت دار را به عنوان سند از او بگیرد؟

جـواب: در مضـاربه، خسـارت به عهـدهٔ صـاحب پول (سـرمایه گـذار) است و این که بخواهـد از عامـل چـک بگیرد و خود را طلبکار تمام وجه در آخر مدت بداند صحیح

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۴

نیست، ولی تعیین مدت بر هر مقدار که تراضی کنند لازم است و اشکال هم ندارد.

«سؤال ۳۳۷۷» شخصی مبلغی را نزد

دوست امینش به امانت می سپارد تا با آن مضاربه کند. دوست امین که پول را گرفته در هر ماه به ازای هر یک میلیون تومان سی هزار تومان علی الحساب می پردازد و اگر خسارتی حاصل شد به صاحب پول بخشیده و از خود جبران می کند و اگر اضافه بر سی هزار تومان سود برد خودش به عنوان کارمزد برمی دارد؛ آیا این سی هزار تومان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر پول نزد شخص به عنوان مضاربه است، یعنی با پول تجارت کند و اگر سودی پیدا شد سهمی هم به صاحب پول بدهد؛ به شرط این که هم مدت و هم مقدار مشاع سهمی را که به صاحب پول می دهد از اول معیّن کنند اشکال ندارد. بنابراین امانت معنا ندارد و کارمزد هم معنا ندارد و اگر سودی در معاملات پیدا نشود، صاحب پول چیزی طلبکار نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۵

مسائل مزارعه

«سؤال ۳۳۷۸» یک جوی آبی است که زمین های سه نفر کشاورز را مشروب می کند.

اطراف این جوی آب علف های زیادی روییده است و این سه نفر بر سر این علف ها دعوا دارند. اولی می گوید: اگر قسمت من نبود شما محلی برای بردن آب نداشتید و علف های اطراف آن مال من است. دومی به دلیل سابقه در داشتن زمین همین ادّعا را می کند و سومی نیز می گوید: اگر سهم آب من نبود نیازی به جوی نبود پس علف ها از من است.

بفرمایید حق با کدام یک است؟

جواب: اگر مسیر جوی آب ملک هر سه نفر باشد علف سر جوی هم مال هر سه نفر است، ولی اگر مسیر جوی آب هر قسمتی مال فردی است، علف آن قسمت هم

مال اوست.

«سؤال ۳۳۷۹» شخصی در باغ خود درختی کاشته که از ریشهٔ آن، درختی هم در باغ همسایه روییده و بزرگ شده و بین آن دو نفر نزاع شده است. مالك اول می گوید: اصل این درخت از من است و مالك زمین می گوید: درخت در زمین من رشد کرده است.

بفرمایید: حق با کدام یک از مالکین است؟

جواب: ریشهٔ درخت هر کجا برود مال مالك درخت است هرچند رشد کرده و درخت شود، ولی صاحب زمین هم حق دارد به مالک درخت بگوید ریشه را قطع کن و اگر نکرد خودش قطع کند و می تواند هم با دریافت اجارهٔ زمین یا مجاناً رضایت دهد و بگذارد ریشه بماند و برای مالک درخت شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۶

مسائل اجاره

«سؤال ۳۳۸۰» چنانچه منزلی فروخته شده و مقرّر بوده در تاریخ مشخص، تحویل شود، ولی فروشنده به تعهد خود عمل نکند؛ آیا برای مدت تصرف، اجاره بدهکار است؟

جواب: آری اجارهٔ متعارف را بدهکار است.

«سؤال ۳۳۸۱» موجری به عقد لازم، باغ اناری را به قیمت مشخصی به عنوان اجارهٔ پنج ساله در اختیار مستأجر می گذارد. پس از یک سال با این که مستأجر حدود نصف بهای اجاره را به عنوان استفاده کسب می کند، اما موجر متوجه می شود که مستأجر، یک یا دو تا از قراردادهای ضمن عقد از جمله دادن کود شیمیایی و ... را انجام نداده، لذا می خواهد اجاره را فسخ کند، اما مستأجر طلب پولی اضافه می کند؛ آیا مستأجر چنین حقی دارد؟

جواب: اگر مستأجر به شرایط ضمن عقد عمل نکند احوط اجبار او بر عمل است و اگر میسّر نیست موجر حق فسخ اجاره را دارد و

مستأجر حق ندارد چیزی مطالبه کند.

«سؤال ۳۳۸۲» در برخی از شهرهایی که دانشگاه یا حوزهٔ علمیه وجود دارد گاهی یک نفر منزلی را با رهن بالا و اجارهٔ کم رهن و اجاره می کند و بعداً تعدادی از دانشجویان یا طلاب را در آن جای می دهد و از آنها مقادیری پول بابت استفاده از جا و مکان و امکانات دیگر می گیرد؛ آیا این عمل وجه شرعی دارد، یا مخالف شرع است؟

جواب: اگر مبلغی که به صاحب خانه پرداخت می شود به عنوان وام به او پرداخت شده و خانهٔ او گرو گذاشته شود و شرط کنند که قیمت کمتری جهت اجاره پرداخته یا اصلًا اجاره ندهند ربا و حرام است؛ ولی چنانچه صاحب خانه به قصد اجاره، خانه را به مبلغی هرچند کمتر از قیمت معمول اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره، شرط کند که

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۷

مستأجر مبلغی را به او قرض دهد و او نیز خانه را در مقابل آن گرو بگذارد معامله صحیح است و در این صورت اگر موجر شرط نکرده که مستأجر ملک را به دیگری واگذار نکند و ظاهر حال او هم این نباشد که تنها مستأجر از ملک استفاده کند مستأجر می تواند به سبک مشروع ذکر شده آن را به دیگری اجاره دهد. البته تحویل ملک به دیگری هم باید با اجازه مالک باشد. و در مواردی که مستاجر حق اجاره به غیر را دارد نمی تواند مبلغ بیشتری از آنچه به مالک می پردازد به دیگری اجاره دهد، مگر آن که در آنجا کار با ارزشی مثل تعمیر انجام دهد.

«سؤال ۳۳۸۳» در کنار مسجدی جوی آبی قرار دارد

که سابقاً از آن استفاده شده و درآمد آن صرف روضه خوانی می گردیده، اما در حال حاضر از آن جوی هیچ استفاده ای نمی شود و درآمدی نیز ندارد و قابل استفاده نیست جز این که جهت دست شویی و وضوخانهٔ مسجد از آن استفاده گردد؛ آیا جایز است در این جهت از آن استفاده کرد.

جواب: اگر اجاره کنند و مال الاجاره آن را صرف روضه خوانی کنند اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۸۴» این جانب یازده سال است که در پاساژی مغازه ای را اجاره کرده ام و مبلغی از من به عنوان سپرده گرفته شده است و مدت پنج سال است که مغازهٔ دیگری را از شخصی گرفته ام. البته جابجایی بنده به امر مدیر عامل پاساژ بوده است حال پس از مدت مذکور، مدیر عامل پاساژ اصرار بر نوشتن قرارداد جدید با مفاد جدید و ازدیاد کرایه و از بین بردن حق کسب و پیشهٔ ما را دارد. لذا به علت پرداخت نشدن اجاره، صاحبان پاساژ به دادگاه شکایت کرده و از طریق پیگیری در دادگاه حکم تخلیه مغازه صادر شده است. بفرمایید تکلیف بنده چیست؟ لازم به ذکر است که بنده از جانبازان شیمیایی و مدت ۶۰ ماه حضور در جبهه دارم.

جواب: در جبهه بودن و جانبازی شما البته کمالی است برای شما و ان شاء اللّه عنداللّه مأجورید؛ ولی چنانچه بودن شما در مغازهٔ دوم واجد شرایط اجاره و از جمله تعیین مدت اجاره در عقد اجاره نبوده است، چندین سال در مغازه بودن حقی را ثابت نمی کند پس لازم است با رضایت طرفین و تعیین مدت اجاره و اجرت ماهیانه از نو عقد اجاره منعقد شود و اگر رضایت حاصل

نشد لازم است تخلیه شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۸

«سؤال ۳۳۸۵» معمولًا منازلی که دو طبقه است و یک طبقهٔ آن را اجاره می دهند نصف هزینهٔ آب، برق و گاز آن را از مستأجرین می گیرند. حال اگر یکی از دو طرف مستأجر و موجر، وسیله ای برقی داشت که دیگری ندارد و خلاصه از مقدار نصف، بیشتر مصرف کرد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر احتمال بدهند که مستأجران راضی نباشند باید مذاکره و رضایت آن ها را تحصیل کنند.

«سؤال ۳۳۸۶» شخصی کارخانه ای را به مبلغ و مدت معیّن اجاره کرده و متعهد می شود که علاوه بر اجاره، پول آب، برق و مالیات آن را بپردازد، اما به علت گران شدن مالیات، برق و ... با صاحب کارخانه مشاجره کرده و به مدت بیست روز کارخانه تعطیل می شود؛ آیا در این بیست روز موجر باید اجاره را بپردازد؟

جواب: در فرض مسأله که مورد اجاره به جهت مانع و آفتی مربوط به غیر مستأجر از استفاده نیفتاده، مستأجر مال الاجاره را بدهکار است.

«سؤال ۳۳۸۷» شخصی مکانی را ماهیانه به قیمت یک صد هزار تومان اجاره کرده است. آیا این شخص می تواند همین مکان را با اجازهٔ موجر به مبلغ ده هزار تومان و سه میلیون تومان قرض الحسنه اجاره دهد؟

جواب: با اجازهٔ موجر و به مبلغی که زیادتر از مال الاجارهٔ اول نباشد اشکال ندارد، ولی اجاره دادن به مبلغ بیشتر اشکال دارد، مگر این که در آن مکان چیزی اضافه کرده باشد.

«سؤال ۳۳۸۸» ملکی به صورت مشارکت خریده شده و سپس یکی از شرکا سهم خود را به شریک دیگر اجارهٔ به شرط تملیک می دهد. به طوری که بعد از

پرداخت تمامی اقساط (که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود) قسمت مورد اجاره به ملکیت مستأجر در می آید؛ آیا می توان این کار را که در بانک ها و یا شرکت ها، اشخاص حقوقی و بعضی اشخاص حقیقی انجام می دهند، راهی شرعی برای فرار از ربای قرضی دانست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۴۹

جواب: شرط مذکور در اجاره اشکال ندارد و آنچه اشکال دارد شرط سود در قرض است.

«سؤال ۳۳۸۹» فردی برای این جانب چند سالی کار کرده است، حالا قصد دارم کارم را تعطیل کنم. او از بنده حق سنوات کارش (چیزی شبیه به سرقفلی) را می خواهد و این در حالی است که قبلًا در این باره با همدیگر حرفی نزده و توافقی هم نکرده بودیم. از نظر شرعی دادن و گرفتن این پول (حتی با حمایت قانون کار) چه حکمی دارد؟

جواب: اگر هنگام عقد اجاره، عمل بر طبق قانون کار و یا دادن حق سنوات صریحاً شرط شده باشد، باید طبق شرط عمل شود و در غیر این صورت چیزی اضافه بر دستمزد شرعی طلبکار نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۰

مسائل سرقفلی

«سؤال ۳۳۹۰» آیا چیزی به نام سرقفلی که به شدت در جامعهٔ تجاری ما شیوع یافته اساس فقهی دارد؟

جواب: مجرّد اجارهٔ ملک موجب، استحقاق سرقفلی نیست و مستأجر حق ندارد مطالبه کند، ولی خود موجر در آغاز اجاره می تواند از مستأجر پولی بگیرد و حق اجارهٔ ملک به دیگران را به او واگذار کند. در این صورت مستأجر اول، به مقتضای این حق می تواند از مستأجر دوم پولی را برای اجاره دادن به او مطالبه کند که نام آن

سرقفلی است.

«سؤال ۳۳۹۱» شخصی ده سال قبل سرقفلی یک باب کامل مغازه را به مبلغ پنج میلیون تومان فروخته، اکنون پس از گذشت ده سال ادّعای غبن کرده و به دادگاه نیز شکایت کرده است. دادگاه نیز ادّعای غبن وی را ردّ کرده است؛ آیا از نظر شرعی حقی برای او ثابت است؟

جواب: مدّعی غبن باید غبن در موقع معامله را شرعاً ثابت کند و الّا حقی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۱

مسائل بیمه

«سؤال ۳۳۹۲» یکی از اشکال بیمه، بیمهٔ تکمیلی است که شرکت بیمه در قبال دریافت وجهی از هر نفر، وی را در هنگام دچار شدن به بیماری های پر هزینه، پشتیبانی می کند؛ حال اگر مبلغ دریافتی طی یک دورهٔ پنج ساله توسط شرکت بیمه دریافت گردد به شرط آن که ضمن برخورداری از مزایای بیمهٔ مذکور کل مبلغ دریافتی نیز توسط شرکت بیمه رأس سال ششم به صورت یک جا به اشخاص بازگردانده شود. این نوع خدمت جدید آیا مشروع است؟

جواب: بیمهٔ تکمیلی به این صورت که مبلغی را به شرکت بیمه بپردازد به شرط این که شرکت، آن مبلغ را پس از مدتی به او بازگرداند و در ضمن متعهد شود که مخارج بیماری های احتمالی او را بپردازد اشکال دارد، ولی اگر به یکی از صور زیر باشد اشکال ندارد:

الف: پولی که بیمه گذار پرداخته است، در اثر کاهش فاحش ارزش پول، ارزش بیشتری از پولی که از شرکت می گیرد داشته باشد.

ب: مبلغ مورد نظر را بدون شرط به شرکت بیمه تملیک کند هرچند بداند شرکت در مواردی خاص او را پشتیبانی می کند.

ج: مبلغ مذکور را به صورت بضاعت (یعنی: بدون آن که آن را

به شـرکت بیمه تملیـک کنـد) در اختیار شـرکت بیمه قرار دهـد و در ضـمن از آن بخواهـد که مخارج احتمالی بیماری وی را بپردازد و به شـرکت بیمه وکالت دهد که در پایان مدت فواید پولی را که به شـرکت داده است در مقابل مقداری که شـرکت بابت بیماری او پرداخته یا به ازای مبلغی که از شرکت بابت ضمانت مخارج بیماری او طلبکار است، مصالحه کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۲

«سؤال **۳۳۹۳**» دولت از حقوق تمامی کارمنـدان خود هر ماهه مبلغی ناچیز در حدود (۶۰۰ تومان) را به حساب یکی از شرکت های بیمه طرف قرارداد خود واریز می کنـد و در مقابل شـرکت بیمه تعهـد می کنـد که فقط در صورت وفات کارمنـد به طور عـادی یـا بر اثر حـادثه مبلغ سه میلیون تومـان به کسـی که کارمنـد در پرونـده خود مشـخص نموده بلاعوض و فوری پرداخت نماید که به این نوع بیمه در اصطلاح بیمه عمر گفته می شود، آیا این نوع بیمه از نظر شرعی درست است یا نه؟

جواب: بیمه عمر به صورت مذکور اشکالی ندارد.

« سؤال **۳۳۹۴**» شـرکت بیمـه در برخی مـوارد مبلغی مثلا ۲۰۰ الی ۳۰۰ ریـال طی ۱۵ سـال اضـافه بر مبلغ بیمـهٔ عمر از کارمند دریـافت می کنـد در عوض، شـرکت بیمه تعهّـد می کنـد که پس از پایان ۱۵ سـال مبلغ یـک میلیون تومـان را به خود کارمند پرداخت کند که به این نوع بیمه «بیمه عمر و پس انداز» گفته می شود؛ آیا این نوع بیمه از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: بیمهٔ پس انداز به این صورت که شخصـی ماهیانه مبلغی به شـرکت بیمه بپردازد به شرط این که بعد از آن مبلغ بیشتری از

آن دریافت کند، مشکل است، ولی در یکی از صورت های زیر ظاهراً بی اشکال است.

الـف: پولی را دولت بـدون آن که به کارمنـد خود تملیـک کنـد به شـرکت بیمه تملیـک کنـد به شـرط این که شـرکت، مبلغ بیشتری را پس از آن به کارمند بپردازد.

ب: در اثر کاهش فاحش ارزش پول در مـدت مـذکور، مبلغی را که بیمه گـذار می گیرد با مبلغی که می پردازد از نظر ارزش حقیقی و قدرت خرید و اقتصادی تقریباً یکسان باشد.

ج: بیمه گذار بدون آن که با شـرکت بیمه شـرط کند، پولی را به آن تملیک کند هرچند بداند شـرکت بالاخره در عوض آن، پول بیشتری به او پرداخت می کند.

د: بیمه گذار پول خود را به طور بضاعت؛ یعنی بدون آن که آن را به شـرکت بیمه تملیک کند در اختیار شرکت گذاشته و به آن اجـازه دهـد تـا بـا پول وی معـامله و تجارت کنـد و در پایان نسـبت به اصل پول و فوایـد آن با شـرکت به مبلغ تعیین شـده مصالحه کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۳

«سؤال ۳۳۹۵» شخصـی خود را بیمه عمر کرده است به این نحو که تـا ۱۵ سـال، نود هزار تومان به بیمه می دهـد و اگر در بین این پانزده سال بمیرد، بیمه مبلغ سه میلیون به وراث شـخص بدهد و در صورتی که ۱۵ سال تمام شود و شخص بیمه شده زنده بماند، مبلغ سه میلیون را به خود شخص بدهد؛ آیا در قرارداد این بیمه اشکال هست یا خیر؟

جواب: در مفروض سؤال، ظـاهراً معـامله هم بـا جهل ملازم است و هم مشـتمل بر رباست و این جانب راهی برای تصـحیح آن نیافتم.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۴

مسائل وکالت

«سؤال ۳۳۹۶» آیا وکلایی که در هر یک از مراحل دادرسی، متوجه می شوند که موکّل خود به ناحق است وظیفۀ وکیل در این مورد چیست؟ و حق الوکالۀ وکیل مباح است یا حرام؟

جواب: وکالت در موردی که حق نباشد جایز نیست، و حق الوکالۀ آن نیز اگر برای دفاع از امر ناحق باشد حرام است.

«سؤال ۳۳۹۷» اگر وکیلی یا مشاوری برای احقاق حقی درصدی را از صاحب حق بگیرد (هر درصدی که به توافق برسد)؛ آیا مشکلی از لحاظ شرعی دارد یا خیر؟

جواب: با رضایت موکّل اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۹۸» اگر وکیلی متوجه شود که موکّل و یا کسی که به وی مراجعه کرده حقی از وی پایمال شده و از سوی دیگر موکّل و یا مدّعی حق توان پرداخت هزینه های شغلی را نداشته باشد وظیفۀ وکیل چیست؟ و اگر برای احقاق حقوق وی لازم باشد به بعضی از مسؤولین یا قضات و یا افراد همکار و غیره مراجعه و یا با آنها درگیر شوند و احتمالًا در مواردی نیاز به اجرت و پرداخت اجرت نیز هست؛ آیا وکالت در چنین موردی از باب امر به معروف و نهی از منکر وظیفه است و یا به جهت دیگر؟ و اگر متوجه شود که از این درگیری فایده ای حاصل نمی شود چه وظیفه ای دارد؟

جواب: در حدّ دفاع از مظلوم و احقاق حق در حد قدرت و نیز امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارد و از شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است.

«سؤال ۳۳۹۹» اگر شخص وکیل در حقانیت موکّل خود شک کند؛ آیا می تواند به وکالت خود ادامه داده و از موکّل

خود دفاع کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۵

جواب: اگر وکیل موکّل را محقّ نمی دانـد یا در حقانیت او شک دارد، نمی توانـد از او دفاع کند و حق الوکاله برای او حلال نیست.

«سؤال ۳۴۰۰» آیا توسط تلفن، تلکس، فاکس، می توان کسی را وکیل گرفت خصوصاً وکالت در عقد نکاح؟

جواب: بـا تلفن هم اشـکال نـدارد، ولی تلکس و فاکس در حکم نامه نویسـی است و اشـکال دارد و فرقی بین وکالت در عقد نکاح و غیر آن نیست.

«سؤال ۳۴۰۱» شخصـی بـا علم به این که در شـهر، وکلای زیـادی وجود دارد؛ امـا شخصـی را به وکالت انتخاب می کنـد که وکیل رسـمی دادگستری نیست. آیا این عقد وکالت صـحیح است یا خیر؟ و آیا اگر وکیل حق شـکایت را از خود سلب کرده باشد مجاز به شکایت از وکیلند؟ و آیا می توان اجرت وکیل را پرداخت نکرد؟

جواب: اولًا: وکالت صحیح است و با فرض امکان انجام مورد وکالت، اجیر کردن بر انجام مورد وکالت نیز مانعی ندارد.

ثانیاً: اسقاط حق شکایت، اثری ندارد البته اگر ضمن عقد لازم شرط شود که اقدام به شکایت نشود باید به شرط وفا شود، مگر این که شکایت مربوط به وفا به همان عقدی باشد که عدم اقدام به شکایت ضمن آن عقد شرط شده است.

ثالثاً: در صورتی که وکیل اقدام به انجام عمل مورد وکالت کند باید اجرت او پرداخت شود.

«سؤال ۳۴۰۲» پنج برادر زمین مشترکشان را به طور موقت تقسـیم کرده بودند که یکی از برادرها از آن شهر هجرت می کند و سه وکیل می گیرد تا این زمین را به طور قطعی بین پنج برادر تقسیم کنند به شرطی که هر سه وکیل

یک تصمیم مشترک و واحد گرفته باشند.

متأسفانه دو تن از وکلا بدون این که به دیگری خبری بدهند زمین را تقسیم و در ضمن شرایط، بد و خوب بودن و یا شرایط بعضی از برادرها را در نظر نگرفته اند؛ آیا این وکالت با این شرایط صحیح است؟

جواب: اگر برادر مهاجر سه نفر را وکیل کرده است تا از سوی او هر سه نفر با هم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۶

در تقسیم زمین نظر دهند، تصمیم دو وکیل بدون نظر وکیل ثالث فضولی بوده و بدون امضای او صحیح نیست.

«سؤال ۳۴۰۳» آیا ترغیب و تشویق موکّل، توسط بازجو به شکایت بر علیه وکیلی که برای احقاق حق اقدام به رشوه کرده وجه شرعی دارد؟

جواب: ترغیب در شکایتی که دارای شرایط است جهت احقاق حق، اشکالی ندارد هرچند بهتر است به صلح و سازش ترغیب شود نه شکایت، ولی اگر تنها به قصد اضرار به غیر باشد جایز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۷

مسائل قرض

«سؤال ۳۴۰۴» در برخی از مجتمعات، تعدادی دور هم جمع می شوند و هر کدام مقداری پول به عنوان امانت نزد فردی جمع می کنند و هر دفعه بر حسب قرعه آن پول جمع شده به یک نفر تعلق می گیرد و اگر اسم کسی یک بار درآمد بار دوم دیگر پول به او تعلق نمی گیرد. این گونه قرض الحسنه ها چه حکمی دارد؟

جواب: قرض دادن به صندوق اگر مشروط به قرض دادن به او باشد محل اشکال است، ولی اگر قرض نیست، بلکه پول ها به عنوان امانت نزد کسی جمع می شود تصرف در آنها با رضایت صاحبان پول بی مانع است.

«سؤال ۳۴۰۵» شخصی یک برادر صغیر و یک

برادر بزرگ تر از خود داشته و اموال آن دو را تصرف کرده است. برادر بزرگ تر بعد از اطلاع از تصرف، اجازه در تصرف داده و برادر کوچک تر نیز پس از بلوغ اعلان نارضایتی نکرده است. از حسن اتفاق، این اموال ترقی زیادی یافته و فعلًا این شخص مرحوم شده است. وی به ورثهٔ خود وصیت کرده که به گفته دیگران که می گویند: تو مستطیع هستی گوش ندهید، چون من به برادرانم مدیونم و آن دو را راضی نمایید و چون برادران متوفّی در خارج از ایران زندگی می کنند؛ آیا ورثهٔ برادر متوفّی می توانند بدون اجازهٔ دو برادر دیگر در آن اموال تصرف کرده و یا برای وی حج به جا آورند؟

جواب: اموال برادران غایب تا زمانی که به ناقل شرعی از قبیل: بیع، صلح و هبه به برادر حاضر منتقل نشده از خود آنهاست و برادر حاضر و ورثه او سهمی در آنها ندارند و تنها مزد زحماتی را که متحمل شده اگر قصد تبرّع و مجّان نداشته حق مطالبه دارد. و مستطیع بودن یا نبودن برادر حاضر به لحاظ اموالش باید بررسی شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۸

«سؤال ۳۴۰۶» مریضی را جهت عمل جرّاحی به بیمارستان برده و اجرت عمل را به بیمارستان پرداخت می کنند، اما دو روز بعد یکی از بستگان مریض به دکتر مراجعه و تقاضای سرعت در عمل جرّاحی را می کند دکتر از ایشان اجرت عمل را دو برابر قرار اوّلی قرار داده است. اکنون که عمل انجام یافته؛ آیا بستگان مریض باید طبق قرار بیمارستان پول را پرداخت کنند یا اضافه ای که دکتر تقاضا کرده است را نیز بدهکارند؟

جواب: اگر

نفر دوم به دکتر قول زیاده داده و در اثر آن دکتر در عمل تسریع کرده است پول را مدیون است، مگر این که دکتر ببخشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۵۹

مسائل بانکی

[معاملات ظاهری بانک ها]

«سؤال ۳۴۰۷» معاملات بانک ها که در ظاهر به صورت مضاربه و جعاله صورت می گیرد، ولی نوع معاملات، بندها و تبصره هایی که در آن معاملات آورده می شود از طرف بانک گذاشته شده و طرف مورد معامله، هیچ گونه حق و چاره ای جز پذیرش ندارد. آیا این معاملات صورت شرعی دارد؟ و این سیستم از نظر اسلام صحیح است؟

و آیا سود آنها که از طرف بانک به سپرده گذاران کوتاه مدت یا بلند مدت داده می شود از نظر شرعی بدون اشکال بوده و ربا محسوب نمی شود؟ خواهشمندم نظر کامل خود را مرقوم فرمایید و اگر آن را مجاز نمی دانید برای رفع این ایراد چه باید کرد؟

جواب: معاملات و اخذ و پرداخت هرگونه سودی که بانک ها به حسب ظاهر تحت یکی از عناوین شرعی، مانند مضاربه، جعاله و شرکت و نیز همراه با شرایط هر کدام از آنها انجام می دهند تا زمانی که معلوم نگردیده قصد آنها از طرح آن عناوین، غیر جدّی و برای فرار از ربای قرضی می باشد محکوم به صحّت است و کراهت و ناچاری طرف معامله که موجب سلب اختیار و ارادهٔ وی در انجام معامله نیست موجب بطلان معامله نمی گردد.

«سؤال ۳۴۰۸» این جانب در زمینهٔ مسائل بانکی، مشغول تهیهٔ رسالهٔ دکترای حسابداری ام و تا آن جا که از فتاوای فقهای محترم شیعه استنباط کردم در قرارداد مشارکت، تقسیم سود و یا تحمل زیان مشارکت را براساس نسبت توافق شده (که ممکن است لزوماً برابر

نسبت سرمایهٔ تأمین شده نباشد) مجاز دانسته اند.

این جانب در جلساتی که با بانکداران اهل سنت داشتم چنین می گفتند: براساس شریعت آنان، تقسیم سود به ترتیب فوق مجاز است، اما در صورت ایجاد زیان، تحمل آن باید لزوماً به نسبت سرمایهٔ تأمین شده باشد و گرنه مابه التفاوت، ربا محسوب

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۰

می شود (آنان چنین استدلال می کنند که ریسک، ذاتی سرمایه گذاری است و قابل حذف یا احاله به دیگری نیست و لذا باید شرکا به نسبت سرمایه متحمل و متقبل ریسک شوند).

نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: در مال مشترک، همهٔ شرکا در سود و زیان به نسبت سرمایه شریکند هرچند می توانند شرط کنند: کسی که کار بیشتری انجام می دهد و یا کارش تخصصی است سود بیشتری ببرد، ولی اگر شرط کنند همهٔ استفاده را یک نفر ببرد و یا تمام ضرر و یا بیشتر آن را یکی از آنها بدهد صحت شرط محل اشکال است، بلکه خود شرکت هم اشکال دارد. در هر صورت اگر هنگام برهم زدن شرکت و تقسیم مال با یکدیگر مصالحه کنند که یک نفر از آنان اصل سرمایه اولی خود را بردارد و باقیمانده از نقد و نسیه و سود و زیان مربوط به دیگری باشد مانعی ندارد. برای توضیح بیشتر به توضیح المسائل، مسائل ۲۱۱۸ تا ۲۱۲۰ رجوع شود.

«سؤال ۳۴۰۹» صندوق قرض الحسنهٔ یکی از شهرهای ایران به دلیل پایین بودن کارمزد دریافتی از وام گیرندگان با کسری درآمد و بالا ـ بودن سطح هزینه ها روبه رو شده است؛ آیا این صندوق مجاز است قسمتی از مازاد موجودی صندوق را که همیشه باید باشد در بانک رفاه کارگران و یا غیر آن نگه

داری کند و از سود هشت درصدی آنها جبران کسری صندوق را بکند؟

جواب: با رضایت سپرده گذاران در صندوق و رعایت مقررات شرعی بانک و انجام معاملات مضاربه یا جعاله و امثال اینها مانعی ندارد و اگر خود صندوق با رضایت سپرده گذاران با قسمتی از سرمایه تجارت های سود آور انجام دهد بی اشکال است.

«سؤال ۳۴۱۰» وجه الالتزام براساس تعاریف حقوقی، عبارت از مبلغ مقطوع معینی است که به تراضی طرفین برای ضمانت ایفای تعهدات تعیین می شود. بر این اساس آیا اگر یکی از طرفین معاملات (عقود بانکی) به بخشی یا تمام تعهدات خویش وفا نکند یا به انجام نرساند، اخذ وجه الالتزام به منظور حفظ امانت (سپرده گذاران) چه حکمی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۱

جواب: رهن گرفتن وجه در مضاربه و مانند آن برای خسارت هایی که به اصل پول سپرده گذاران در اثر افراط یا تفریط عامل وارد می شود اشکالی ندارد، ولی خساراتی که بدون افراط و یا تفریط بر سرمایهٔ سپرده گذاران وارد می شود شرعاً بر عهدهٔ عامل نیست؛ لکن بانک می تواند- ضمن عقد لازم- شرط کند که حق داشته باشد خودش به میزان خساراتی که به سرمایه وارد می شود از مالی که عامل نزد بانک دارد تملک کند، بلکه می تواند شرط کند که در صورت عدم سود آوری به میزان مقرّر به همان مقدار از پولی که عامل نزد بانک دارد تملک نماید، ولی خسارات تأخیر را نمی تواند بگیرد.

همچنین در عقود دیگر می تواند شرط جبران خسارت کند، البته در ضمن عقد قرض، شرطی که مالیت و ارزش مالی داشته باشد صحیح نیست.

«سؤال ۳۴۱۱» با عنایت به این که تقسیم سود در عقود

اسلامی براساس اقرار صدق عامل، بین طرفین (سرمایه دار و عامل) صورت می پذیرد، چنانچه عامل به هر دلیلی در خصوص کسب سود، بر اقرار کذب خود اصرار ورزد، وظیفهٔ بانک که امانتدار حقوق مردم است چیست؟

جواب: عامل، امین و سخن او مسموع است و در صورتی که بانک- که وکیل سپرده گذاران است- بداند عامل دروغ می گوید باید از راه های ممکن و قانونی برای گرفتن حق موکّلین خود اقدام کند و می تواند از طریق شرایط ضمن عقد و گرفتن تضمینات لازم، اطمینان مورد نیاز را کسب کند.

«سؤال ۳۴۱۲» برای سپرده گذاری بلند مدت بانک قراردادی که شامل دو بند است به این مضمون ترتیب داده است:

«۱- بانک به وکالت و وصایت از طرف ذی نفع سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت با داشتن حق توکیل به غیر، وجوه آنها را بر طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور مشاع به کار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله و حق الوصایه و با داشتن حق مصالحه، طبق آیین نامه و مقررات مربوط به تناسب مبلغ و مدت به ذی نفع سپرده یا قائم مقام قانونی وی پرداخت می کند. ۲- سهم سود سپردهٔ سرمایه گذاری بلند مدت براساس ضوابط مربوط به طور علی الحساب محاسبه و به حسابی که ذی نفع تعیین

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۲

می کند منظور و یا نقداً پرداخت خواهد شد. تسویه حساب نهایی در هنگام ابطال و یا پس از سر رسید با دارنده یا انتقال گیرندهٔ سپرده به عمل خواهد آمد». لازم به ذکر است که در قراردادهای کوتاه مدت تنها بند ۱ در عقد قرارداد مندرج است. حال آیا این عملیاتی

که بانک انجام می دهد اشکال شرعی دارد؟

جواب: عملیات بانکی مورد سؤال اگر به طور جدّی انجام شود و فقط حرف نباشد ظاهراً مانعی ندارد.

«سؤال ۳۴۱۳» برای ایجاد یک بانکداری اسلامی نمونه، آیا رعایت مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستورالعمل ها و آیین نامه های اجرایی که به تأیید شورای نگهبان رسیده است کفایت می کند؟

جواب: هر یک از مفاد قانونی و دستورالعمل ها و آیین نامه های مذکور قابل بررسی و گفتگوی علمی است و نمی توان به طور کلی به صحت و کفایت تمامی آنها یا عدم آن حکم کرد.

سپرده گذاری و سود بانکی

«سؤال ۳۴۱۴» اخیراً بانک ها حسابی باز می کنند به نام «عابر بانک» که هر مقدار پولی که شما در حساب داشته باشید به عنوان حساب سرمایه گذاری کوتاه مدت محاسبه شده و سالیانه چهار درصد سود به آن تعلق می گیرد. البته هنگام افتتاح حساب، هیچ قراردادی بابت سرمایه گذاری و میزان سود با شما منعقد نمی شود. بفرمایید حکم این سود چیست؟

حلال است یا حرام؟

جواب: اگر یکی از معاملات شرعیه از قبیل مضاربه و نحو آن انجام می شود مانعی ندارد و همچنین اگر قرض باشد و سود دریافتی بیشتر از کاهش ارزش پول نباشد اشکال ندارد و تشخیص آن با کارشناسان مربوطه است.

«سؤال ۳۴۱۵» بانک سپه، حساب پس اندازی به نام سپردهٔ سرمایه گذاری مستمری مادام العمر دارد و کار آن به این صورت است که پنج سال یا بیشتر، ماهیانه مبلغی مشخص به صورت وام به بانک پرداخت می شود و پس از مدت مشخص، بانک تا پایان

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۳

عمر همان مبلغی که ماهیانه پرداخت شده را به ما می پردازد. بفرمایید حکم این حساب ها چیست؟

جواب: اشکال دارد.

«سؤال ۳۴۱۶» پیرزنی هستم که دو

دختر در خانه دارم و مقداری زمین داشتم که آن را فروخته ام و هیچ درآمدی از جای دیگر ندارم. آیا می توانم پول این زمین را در بانک گذاشته و سود آن را بگیرم یا نه؟

جواب: پولی که در بانک می گذارید اگر به عنوان سرمایه گذاری و مضاربه باشد با رعایت مسائل آن اشکال ندارد و سودی که می دهند سود تجارت است نه سود قرض.

وام

« سؤال ۳۴۱۷» بعضی از صندوق های قرض الحسنهٔ عمومی به هر کس و برخی صندوق های قرض الحسنهٔ ادارات به کارمندانشان وام بدون سود و کارمزد می دهند و فقط یک شرط برای آن دارند و آن این است که باید عضو صندوق بوده و هر ماه مبلغی در آن بگذارند. آیا این شرط صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، شرکت افراد و تشکیل صندوق قرض الحسنه که به نوبت به افراد، قرض الحسنهٔ بدون کارمزد داده می شود اشکال ندارد، ولی قرض به شرط قرض به صندوق محلّ اشکال است.

«سؤال ۳۴۱۸» این جانب کارمند شرکت ملی نفت ایرانم و تنها تسهیلاتی که در ارتباط با مسکن برایم فراهم شده یک فقره وام مسکن است. وام مذکور در ازای خرید یک خانه توسط بنده به صورت نقدی و فروش آن به شرکت نفت به صورت رهنی به من واگذار می شود که قرارداد آن به صورت جداگانه با چنین مضمونی تنظیم می شود:

شرکت نفت مبلغ پنج میلیون تومان جهت خرید منزل مذکور به بنده می دهد در ازای درآوردن خانه به رهن شرکت و همچنین تعهّد به کسر مبلغ مذکور به علاوهٔ سه میلیون تومان کارمزد به صورت متوالی و طی ۳۰۰ قسط ماهیانه از حقوق این جانب (یعنی:

هشت میلیون تومان در مدت ۳۰۰ ماه

بازپس گرفته شود).

آیا این گونه معامله صحیح می باشد؟ و راه اصلاح و حلیت آن چگونه است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۴

جواب: اگر خانه را به وکالت از طرف شرکت یا بانک برای بانک یا شرکت بخرید و به وکالت آنها به خودتان گران تر به اقساط بفروشید و خانه در گرو بدهی شما باشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۴۱۹» اگر از کسی پولی قرض و یا از بانک وامی گرفته شود تا در یک مورد خاص مصرف شود؛ آیا می توان در جایی دیگر مصرف کرد؟

جواب: باید به مورد قرارداد بین طرفین عمل شود.

«سؤال ۳۴۲۰» در برخی از منازل خویشان و اقوام، قرض الحسنه هایی تشکیل می گردد که به همدیگر قرض می دهند؛ آیا این قرض الحسنه ربایی است یا خیر؟ و در صورتی که تسویه حساب کرده باشند؟ چه حکمی دارد؟

جواب: قرض الحسنه های خانگی نیز اگر پول را در صندوق امانت بگذارند و نه قرض و آنچه به قرض می گیرند شرط سود در آن نباشد، مانعی ندارد و هر وقت صاحب پول بخواهد پولش را از صندوق بگیرد باید به او بدهند.

«سؤال ۳۴۲۱» در بعضی از صندوق های قرض الحسنه برای تشویق مردم به سنت قرض، گرفتن وام را مشروط به قرار دادن مبلغی پیش از گرفتن وام می کنند و هر مقدار موجودی که در صندوق، گذاشته شود، مثلًا دو برابر یا سه برابر آن را وام می دهند؛ آیا شرطی که قبل از دادن وام وجود دارد موجب ربوی شدن وام نیست؟

جواب: چنانچه وام گیرنده پول خود را به بانک مربوطه به عنوان قرض ندهد، بلکه آن را با قصد جدی به عنوان امانت با اجازهٔ تصرف در آن به بانک بدهد پس انداز پول و

وام گرفتن اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۴۲۲» نظر حضرت عالی دربارهٔ قرض گرفتن از بانک های فرانسوی برای خرید آپارتمان یا محل تجاری جهت امرار معاش چیست؟ همان گونه که مستحضرید نرخ بهره در بانک های فرانسه از ۲/ ۹ درصد الی ۴/ ۹۵ درصد با زمان بازپرداخت ۱۵ الی ۲۰ سال است و تصدیق می فرمایید که می شود همین میزان بهره را به عنوان کارمزد با نرخ تورّم یا نوسان قیمت یورو حساب کرد؟

جواب: قرض گرفتن با سود، ربا و حرام است و من نمی توانم آن را اجازه دهم؛ ولی گرفتن پول برای خرید، یک راه خوب دارد: بانک پول را به شما قرض ندهد،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۵

بلکه پول را در اختیار شما قرار دهد و شما خانه را برای بانک بخرید و به وکالت از بانک آن را گران تر به اقساط معیّن به خودتان بفروشید. این یک معاملهٔ شرعی است و قرض و ربا نیست.

«سؤال ۳۴۲۳» معمولًا بانک ها با عناوین مختلفی از قبیل: جعاله، خرید مسکن و ... با کارمزد بالا، وام پرداخت می کنند. این گونه وام ها از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ و اگر شخصی وام را دریافت کرد (با کارمزد بالا) ولی آن را در جهتی سرمایه گذاری کرد که سود بیشتری نسبت به کارمزد دریافت شده به دست آورد چه حکمی دارد؟

جواب: در بانک ها این موارد معمولًا وام نیست بلکه در قالب معاملاتی، چون:

جعاله، وکالت در عمل مورد جعاله و نیز وکالت در خرید و فروش از طرف بانک، پول پرداخت می گردد و چنانچه طرفین قصد جدّی مفاد این معاملات را داشته باشند معامله صحیح است، ولی چنانچه این امور حیله ای برای فرار از ربای

قرضی باشد زیادی که بانک می گیرد چنانچه در حدّی نباشد که عرفاً کارمزد به شمار رود ربا بوده و حرام است و اگر گرفتن پول از بانک و نیز صرف آن پول ضمن عقد و معاملهٔ صحیحی باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۲۴» بنده در کشور کانادا زندگی می کنم. بانکی که در آن حساب دارم در پایان سال مبلغ اندکی (۲/۵ درصد) سود به موجودی حساب پرداخت می کند. استفاده از این سود چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۴۲۵» برخی از بانک ها وامی به نام جعاله به کارمندان دولت پرداخت می کنند که بدون دریافت فاکتور است؛ آیا این وام را برای هر خریدی می توان مصرف کرد؟

جواب: تعبیر به وام جعاله تعبیر صحیحی نبوده و قراردادی که در بانک ها به عنوان جعاله وجود دارد وام نیست، بلکه جعالهٔ- مثلًا- تعمیر منزل است. مراجعه کننده، متعهد می شود که اگر بانک منزل او را تعمیر کند مبلغ معینی به بانک بپردازد؛ پس بانک به عنوان عامل باز پرداخت هزینهٔ تعمیر به او وکالت می دهد که از طرف بانک منزل را تعمیر کند و قرارداد مذکور اگر به قصد جدّ انجام شود مانعی ندارد و در

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۶

این صورت صاحب منزل که وکیل بانک است حق ندارد پول را در غیر تعمیر منزل صرف کند، مگر با اذن صریح بانک.

«سؤال ۳۴۲۶» صندوق قرض الحسنهٔ فرهنگیان آموزش و پرورش، ماهانه از حقوق اعضا به طور میانگین پنج هزار تومان کسر و در صندوق پس انداز می کند. هر زمان که اعضا نیاز به وام داشته باشند بدون نوبت و بلافاصله، چهار برابر و در صورت درخواست فرد تا شش برابر

موجودی، وام با کارمزد ۲ درصد تا سقف دو میلیون تومان پرداخت می کند که طی ده قسط از حقوق وام گیرنده، کسر و به حساب صندوق واریز می گردد. ضمناً پس انداز فرد تا پایان پرداخت اقساط در صندوق می ماند؛ آیا این روش پرداخت وام که رضایت بیش از ۹۵ درصد اعضا را فراهم کرده صحیح است؟

جواب: اگر کارمزد واقعی کمتر از ۲ درصد نباشد و برای وام دادن هم، شرط به نفع صندوق در کار نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۲۷» بانک جهت پرداخت وام خرید کالا، یک عدد فاکتور خرید کالا برابر مبلغ وام دریافت کرده و براساس آن وام را پرداخت می کند. حال اگر وام گیرنده وام را در جهت دیگر مصرف کند اشکال خواهد داشت؟

جواب: بدون اذن بانک، اشکال دارد.

«سؤال ۳۴۲۸» افتتاح حساب در برخی از بانک ها باعث می شود که به صاحب حساب امتیاز بدهند، اما در برخی از بانک ها افتتاح حساب باعث می شود نهایتاً یک صد هزار تومان وام بدهند؛ افتتاح حساب با قصد این که هم کمکی به مردم باشد و هم بعداً از شرایط وام بیشتر بهره مند شویم، چه حکمی دارد؟

جواب: در این گونه موارد اگر سپرده گذاری شما که در حقیقت همان قرض است، مشروط به قرض دادن متقابل آن مؤسسه به شما نباشد اشکالی ندارد هرچند بدانید از شرایط وام دادن در آن مؤسسه، سپرده گذاری در آن جاست و به غیر سپرده گذار وام نمی دهند.

«سؤال ۳۴۲۹» یکی از صندوق های قرض الحسنۀ اصفهان برای گرفتن وام، شرایطی قرار داده که مقداری گرفتن وام را مشکل کرده است مثلًا شرط کرده که باید موجودی در

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۷

بانک به مدت فلان ماه

در بانک باشد تا اولویت گرفتن وام حاصل شود، علاوه بر آن کارمزدهایی قرار داده اند. آیا گرفتن وام اشکالی دارد؟

جواب: در ضمن عقد قرض شرط به نفع قرض دهنده (شخص باشد یا مؤسسه) حرام است، در عین حال، اصل قرض و پولی که می گیرند اشکال ندارد و اضافه ای که گرفته می شود اگر به عنوان کارمزد و به مقدار کارمزد واقعی باشد و یا در حدّ جبران کاهش ارزش پول باشد اشکال ندارد؛ البته اگر شرط قرض دادن این باشد که قبلًا مدتی سپرده در بانک داشته باشید اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۴۳۰» وام هایی که بانک ها و صندوق های قرض الحسنه می دهند و اسم آن را به عنوان خاصی اختصاص می دهند، مثل وام ازدواج و ...؛ آیا می توان پس از اخذ وام آن را در مورد دیگری مصرف کرد؟

جواب: جایز نیست، ولی اگر بعداً اجازه دهند کافی است.

فروش حق وام

«سؤال ۳۴۳۱» افرادی براساس امتیازی که به تبع شغل خود و یا به تبع میزان پس انداز خود در بانک ها پس از مدتی، واجد صلاحیت برای اخذ وام، مثلًا به مبلغ سه میلیون تومان می گردند و خودشان به آن وام نیازی نداشته و نیز توانایی معرفی ضامن و پرداخت اقساط را ندارند؛ ولی در مقابل، افراد دیگری هستند که هم توان پرداخت اقساط وام را دارند و هم می توانند ضامن معرفی کنند و هم به پول نیاز دارند. در این حال، افراد اخیر حق امتیاز و وام قرض گیرنده را در مقابل مثلًا هفتصد و پنجاه هزار تومان می خرند و به ازای آن ضامن معرفی کرده و متعهد می شوند که اقساط وام را در سر رسیدهای آن پرداخت کنند و وام گیرنده متعهد

می شود: پس از اخذ وام از بانک، کل مبلغ را به خریدار امتیاز پرداخته و مبلغ حق امتیاز توافق شده را دریافت کند.

آیا انعقاد چنین قراردادی شرعاً اشکال دارد یا نه؟ و در صورت مشروعیت، آیا هر یک از طرفین قرارداد می توانند دیگری را به انجام تعهد ناشی از قرارداد ملزم کند؟

جواب: تابع مقررات بانک است. اگر مقصود بانک از دادن امتیاز، استفادهٔ خود

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۸

شخص است واگذار کردن به دیگری ولو مجاناً جایز نیست، و اگر مقصود استفادهٔ مطلق ولو دیگری باشد نقل آن مانعی ندارد، و باید از بانک استفسار کرد و در فرض دوم، چون حق امتیاز عرفاً مالیت و ارزش دارد گرفتن پول در مقابل آن اشکال ندارد.

«سؤال **۳۴۳۲**» آیا فروش امتیاز وام به دیگری جایز است یا خیر؟ (به این معنا که بانک به افرادی که در آن بانک سرمایه گذاری کرده اند وام پرداخت کرده و سرمایه گذار، اخذ وام خود را به دیگری واگذار کند).

جواب: اگر واگذاری به دیگری بر حسب قانون و موازین بانکی مجاز باشد و مسؤولین بانکی آن را اجازه دهند، اشکال ندارد؛ ولی اگر وام را از بانک بگیرد و به دیگری بدهد و مقداری هم اضافه بگیرد، ربا و حرام است.

دیرکرد

«سؤال **۳۴۳۳**» شخصی منزلی را خریده است. خریدار، مبلغی از ثمن را بدهکار بوده و بعد از مدتی پرداخت کرده است. آیا بابت چند ماه تأخیر در پرداخت، اضافه بر بدهی، مبلغی نیز به عنوان دیرکرد باید پرداخت کند؟

جواب: گرفتن دیرکرد جایز نیست، ولی اگر تأخیر، سبب سقوط ارزش پول شده باشد بنابر احتیاط واجب نسبت به مقدار

تفاوت ارزش پول، رضایت فروشنده را جلب کند.

«سؤال ۳۴۳۴» دیرکرد بـانکی چه حکمی دارد؟ و از آن جا که بانک جریمـهٔ تأخیر خود را به هر طریقی مثلًا اجبار و یا اخـذ از ضامن و ... می گیرد در صورت ربا بودن، آیا پرداخت کنندهٔ سود جریمهٔ تأخیر، مرتکب گناه کبیرهٔ ربا شده است؟

جواب: اضافه گرفتن در قرض الحسنه به جهت دیرکرد و تأخیر در پرداخت، ربا و حرام است و اگر از اول هم قبول کرده باشد اشکال دارد؛ و در هر حال با اختیار نباید بپردازد.

«سؤال ۳۴۳۵» این جانب به علت نداشـتن مسـکن، مبلغی را تحت عنوان تسـهیلات بانکی از بانک مسکن در سه نوبت دریافت کردم که می بایست در موعد مقرّر به بانک

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۶۹

مراجعه می کردم تـا آن را قسط بنـدی کنـد، اما به علت ابتلاء به بیماری قلب نتوانسـتم در موعـد مقرر حاضـر شوم، لـذا بانک علاوه بر این که از حقوق این جانب مقـداری کسـر کرد مقداری هم به عنوان دیرکرد به مبلغ بدهی من اضافه کرده است؛ آیا برداشت از حقوق و اضافه کردن بدهی صاحب حساب در اسلام وجهی دارد؟

جواب: ظاهراً پرداخت بانک برای مسـکن، بدین صورت است که بانک پول را وام نمی دهد، بلکه شما را وکیل کرده تا خانه را برای بانـک به مبلغ پرداختی بخریـد و سـپس آن را به اقسـاط به خودتـان منتقل کنیـد. پس اصل معامله که برای بانک سود دارد صـحیح است، ولی گرفتن جریمه به عنوان دیرکرد در پرداخت حرام است و اگر در اثر تـأخیر ادای دین، ارزش پول تنزل فاحشی کرده باشد بنابر احتیاط واجب در مقدار تنزل ارزش و قدرت

خرید پول با یکدیگر مصالحه کنید.

کارمزد بانکی

«سؤال ۳۴۳۶» این جانب مسؤول قرض الحسنه ... می باشم که به اقتضای ضرورت دو درصد از وام گیرندگان به عنوان کارمزد دریافت می کنیم، ولی بعضاً این مبلغ زیاد آمده و لذا آن را صرف امور خیریه مثل مسجد و ... می کنیم؛ آیا وجه اضافی را مجازیم در این گونه موارد مصرف کنیم؟

جواب: در مفروض سؤال، چون مبلغ مذکور را به عنوان کارمزد کارکنان مؤسسه نامبرده پرداخت می کنند لازم است رضایت آنان برای صرف در غیر آن مورد احراز شود.

«سؤال ۳۴۳۷» جمعی از مؤمنین دور هم جمع شده و هر هفته جلسه ای تشکیل داده و مبلغی به طور نامساوی روی هم گذاشته و پس از این که مبلغ معتنابهی شد شروع به وام دادن کردند، اما با مسائل مالی مواجه شدند؛ آیا کارمزد حلال است یا حرام؟ و اگر راهکار بهتری سراغ دارید بفرمایید.

جواب: ۱- اگر به قرض گیرندگان گفته شود به میل خود هر مبلغی که می خواهند برای مخارج مؤسسه کمک کنند و آنها هم هر چه می خواهند بدهند بهترین راه است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۰

۲- اگر بتوانند دقیقاً مقدار کارمزد را معیّن و معلوم کنند و از همهٔ افراد به طور مساوی نه به نسبت و درصد پولی که می گیرند دریافت کنند هم اشکال ندارد.

۳- راه دیگر این که مبلغی از سپرده ها را با اجازه از افراد به تجارت بزنند و خرج مؤسسه را درآورند که این هم راه خوبی است.

تخلف از قرارداد بانکی

«سؤال ۳۴۳۸» این جانب کارمند اداری ام. در یک قرارداد، جهت جذب یک اعتبار با هماهنگی مسؤول مربوطه، قراردادی با یک شرکت به صورت صوری بسته ایم تا اعتبار جذب کنیم و با شرکت مربوطه مقرر کرده ایم که زمان

تأمین اعتبار، ۲۰ درصد از کل مبلغ را به او خواهیم داد؛ آیا چنین قراردادی صحیح است؟

جواب: قرارداد صوری و تبانی، نوعی تدلیس محسوب شده و برخلاف مصالح کشور و مقررات مربوطه است و چنین کارهایی که بر خلاف مقررات باشد جایز نبوده. و تصرف در آن مال صحیح نیست.

«سؤال ۳۴۳۹» این جانب طبق توافق با بانک، مبلغی را جهت وام خرید خودرو به عنوان سپرده در بانک گذاشتم، پس از کسب امتیاز لازم، وام خودرو منتفی شد و رئیس شعبهٔ مربوط اجازه می دهد که به جای وام خودرو وام خرید لوازم خانگی به من تعلق گیرد. با توجه به این که سهمیهٔ خودرو جهت امرار معاش بوده و راه دیگری غیر از دریافت وام برای من مقدور نیست. نظر مبارک را بیان فرمایید.

جواب: اگر سپرده به عنوان مضاربه با رعایت شرایط آن باشد اشکال ندارد، ولی وامی که می دهند اگر مشروط به صرف در خرید لوازم خانگی باشد رعایت شرط، لازم است و الّا اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۴۰» یکی از موارد پرداخت وام به کارمندان دولت، وامی به نام خرید لوازم منزل است که متأسفانه کارمندان، فاکتوری صوری از فروشندگان لوازم خانگی ارائه داده و بانک براین اساس وام مذکور را به آنان پرداخت می کند، سپس کارمندان آن وام را در موارد دیگری که نیاز دارند مصرف می کنند؛ آیا اخذ چنین وامی اشکال شرعی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۱

جواب: وام مذکور که در قالب عقود مشروع پرداخت می شود چنانچه به شرط صرف در خرید لوازم منزل است، صرف آن در غیر خرید لوازم منزل بر خلاف شرط است و جایز نیست، مگر با اذن و

اجازهٔ مالک.

«سؤال ۳۴۴۱» مقداری پول جهت خرید خودرو آماده کرده بودم، ولی معامله ای پیش آمد و با آن پول زمین کشاورزی خریده ام و نیت کرده ام که بعداً یک وام کشاورزی گرفته و با آن خودرو را تهیه کنم؛ آیا می توانم چنین کاری را انجام دهم؟

جواب: اگر بانک که وام را در قالب تسهیلات و عقود شرعی واگذار می کند در جریان باشد و منع نکند اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۴۲» جهت خرید خودرو وامی از بانک گرفته ام تحت عنوان قرارداد رهنی خودرو، ولی این وام کفایت خرید خودرو را نمی کند و مجبورم تا ۷ و یا ۸ ماه صبر کرده و بقیه پول را فراهم کنم و این مطلب را به مسؤول شعبه بانک گفته ام و ایشان قبول کرده است. آیا می توانم تا موقع خرید خودرو از این پول در معاملات استفاده کنم؟

جواب: اگر بانک در جریان باشد و منع نکند اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۲

مسائل رهن

«سؤال ۳۴۴۳» خانمی زمین موروثی پدری خود را در اثر فقر برای بستگان خودش رهن داده و قبل از این که فکّ رهن شود این خانم وفات کرده و از وی یک پسر صغیر باقی مانده است. شخص مرتهن از فسخ و برگرداندن زمین طفره رفته و به بهانه های مختلف از آن خودداری می کند حتی در آن زمین به کشت و زرع مشغول است؛ آیا فرزند این زن می تواند زمین را بفروشد؟

جواب: در مفروض سؤال، هرچند ملکیت زمین به فرزند آن زن منتقل شده، ولی تا رهن فکّ نشود زمین در گرو مرتهن است و معامله روی آن صحیح نیست، لیکن کشت زمین برای مرتهن جایز نیست، و چنانچه در

آن تصرف کند ضامن اجرهالمثل است.

«سؤال ۳۴۴۴» شخصی برای این که بتواند از محصول زراعت زمینی استفاده کند زمین زراعتی را به مبلغ یک صد هزار تومان از یک رعیت رهن کرده و سپس آن را به صاحبش به مدت یک سال در عوض چند سیر گندم معامله کرده است؛ آیا معاملهٔ فوق صحیح است؟

جواب: درآمد زمین رهن مال صاحب زمین است نه مال مرتهن تا آن را واگذار کند.

«سؤال ۳۴۴۵» این جانب مغازه ای را به مدت یک سال از کسی رهن کرده ام. پس از انقضای مدت، صاحب مغازه پولی را که من به عنوان رهن نزد او گذاشته ام نمی تواند بدهد؛ آیا می توانم شخص دیگری را در مغازه بگذارم و از او اجاره بگیرم و یا آن را رهن بدهم؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۳

جواب: مغازه ای را که اجاره کرده اید نمی توانید بدون اجازهٔ مالک به دیگری اجاره بدهید.

«سؤال ۳۴۴۶» این جانب منزل خود را رهن داده ام و از اصل رهن و مسائل فرعی آن بی اطلاع بوده ام و در پولی که از مستأجر گرفته ام تصرف کرده ام. تکلیف این جانب چیست؟

جواب: آن طور که در معاملات رهنی رایج است: صاحب خانه مبلغی از مستأجر به صورت پول پیش و به عنوان قرض می گیرد تا بعد از تخلیه به او بر گرداند و خانه را در مقابل نزد او رهن می گذارد همچنین ضمن قرض، شرط می کند که برای استفاده از خانه اجاره نپردازد یا مبلغ کمتری بپردازد که ربا محسوب شده و شرط مذکور صحیح و مشروع نیست، ولی در هر حال تصرف در مبلغی که به عنوان قرض گرفته است اشکال ندارد و نیز چنانچه بعداً به تصرف مجانی طرف مقابل

در خانه راضی شود و یا هر دو به پرداخت مبلغی کمتر در پرداخت اجاره راضی شوند اشکالی ندارد. به طور کلی راه صحیح در این موارد آن است که ابتدا صاحب خانه به قصد اجاره، خانه را به مبلغی هرچند کمتر از قیمت معمول اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره، شرط کند که مستأجر مبلغی به او قرض دهد و او نیز خانه را در مقابل آن گرو بگذارد که در این صورت معامله هیچ اشکالی نداسته و لازم الوفاست.

«سؤال ۳۴۴۷» رهن شرعی به چه معناست؟ آیا می شود اموال رهن دهنده را تصرف کرد و اگر با اجازهٔ وی باشد چطور؟

جواب: رهن صحیح شرعی بدین معناست که بدهکار مالی را در اختیار طلبکار می گذارد تا اگر طلب او وصول نشد طلبکار آن مال را بفروشد و طلب خود را بردارد، پس رهن مال غیر، بدون اذن او باطل بوده و رهن محقّق نشده است. و اگر با اجازهٔ او رهن قرار گیرد هم تصرف مرتهن و هم تصرف راهن در آن جایز نیست مگر با رضایت همدیگر.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۴

مسائل ضمان

«سؤال ۳۴۴۸» در یک حادثهٔ رانندگی که منجر به وفات طرف مقابل شده اگر اولیای دم یا مدافعان آنها اقدام به اعمال نظر در نظر کارشناسی کرده و از حق مسلم راننده در اعتراض به نظر کارشناسی و اعزام هیأت کارشناسی جلوگیری کنند و در نتیجه، صد در صد تقصیر به عهدهٔ راننده گذاشته شود در صورتی که راننده حداکثر پنجاه درصد مقصر باشد؛ آیا این عمل شرعاً جایز است؟ و اخذ مبلغ اضافی ولو به مصرف شخصی نرسد چه حکمی

دارد؟

جواب: جرم و مقدار دیه را اهل خبرهٔ با تقوا مشخص می کنند و گرفتن مبلغ اضافی نیز حرام و ضمان آور است.

«سؤال ۳۴۴۹» چنانچه در اثر تصادف چند وسیلهٔ نقلیه تعدادی از سرنشینان مصدوم یا کشته شوند و خسارت به وسیلهٔ نقلیه وارد شود در صورتی که میزان تقصیر هر یک از رانندگان مشخص نباشد مسؤولیت هر یک از آنها چیست؟

جواب: در فرض سؤال باید با هم مصالحه کنند.

«سؤال ۳۴۵۰» اگر بین موجر و مستأجر، ذکری از خسارت نشده باشد، اما در پایان اجاره صاحب منزل ادّعا می کند که کولر، آبگرمکن و بعضی از لامپ ها از کار افتاده است، آیا موجر حق این ادّعا را دارد؟

جواب: اگر در صیغهٔ اجاره، شرط ضمانت هرگونه خسارت نشده باشد و مستأجر در تصرف و حفظ عین مستأجره و لوازم خانه هم مسامحه نکرده باشد ضامن نیست.

«سؤال ۳۴۵۱» در زمان تغییر حکومت افغانستان که پول قدیم افغانستان به پول جدید تبدیل می شد این جانب پولی را به مغازه دار معروفی پرداخت کردم تا آن را تبدیل کند، اما او می گوید پول را گُم کرده ام؛ آیا خسارت آن را باید پرداخت کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۵

جواب: اگر ایشان از طرف مالک پول، مأذون و وکیل در تبدیل بوده است ضامن نیست، مگر این که ثابت شود در نگه داری پول کوتاهی کرده است.

«سؤال ۳۴۵۲» وامی از مؤسسهٔ مالی و اعتباری بنیاد به این جانب تعلق می گرفت به دلیل این که به آن پول نیازی نداشتم با اجازه بانک شخص دیگری را به جای خود به بانک معرفی کرده تا وام به وی داده شود. گیرندهٔ وام نیز یکی از دوستان خود را جهت ضمانت

معرفی کرد و پس از اخذ وام اقساط آن را نپرداخته و بانک سند منزل ضامن را توقیف کرده است. حال از نظر شرعی آیا این جانب نسبت به شخص ضامن دینی دارم؟

جواب: اگر شما امتیاز وام را با اجازهٔ بانک به دیگری واگذار کرده اید و بانک به او وام پرداخت کرده است شما بدهکار نیستید، و ضمانت شخص ثالث نیز اگر به تقاضای شما نبوده است نسبت به ملک او نیز ضمان ندارید.

«سؤال ۳۴۵۳» مقبوض بالسّوم چرا ضمان آور است؟ اگر بایع به مشتری بگوید: «این اتومبیل را یک روز برای امتحان به همراه خود ببرد»، آیا ید مشتری امانی محسوب نمی شود تا در صورت عدم تعدّی یا تفریط ضامن نباشد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر بایع جنس را به نحو عاریه تحویل مشتری دهد با عدم تعدّی و تفریط ضامن نیست، ولی در صورت تعدی ضامن است.

«سؤال ۳۴۵۴» این جانب مبلغی پول به هیأت ابوالفضل بدهکار بودم و می خواستم آن را بپردازم لذا آن مبلغ را به همراه مبلغی دیگر که از خود این جانب بود پشت صندلی ماشین پنهان کرده بودم و هیچ کوتاهی در نگه داری آن نکردم، اما متأسفانه سارق با شکستن شیشهٔ ماشین آنها را به سرقت برده است؛ آیا این پول را به هیأت ضامن هستم؟

جواب: اگر در مصرف به موقع و حفظ آن مسامحه و کوتاهی نشده باشد ضامن نیستید.

«سؤال ۳۴۵۵» در زمان جنگ تحمیلی بخشی از کمک های مردمی را نزد این جانب به امانت می سپردند تا آنها را در جهت جبهه به مصرف برسانم مقداری را به فردی دادم تا وسایل مورد نیاز رزمندگان را تهیه کند، اما متأسفانه او پس

از این که پول ها را گرفت فرار کرد؛ آیا بنده ضامن هستم و اگر چنین است وجه آن را به چه مصرفی برسانم؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۶

جواب: فرار کردن آن فرد دلیل بر این که پول را برای جبهه مصرف نکرده نیست و اگر مسامحه نکرده باشید ضامن نیستید.

«سؤال ۳۴۵۶» با توجه به این که ضـمان به معنای التزام است- هرچند در اصـطلاح متشـرعه عقدی است که به وسیلهٔ آن، حقی که بر ذمّه است گردن گیر ثالثی نیز می شود- و ظاهراً فقهای شـیعه نیز ضمان را به معنای مطلق التزام معنا و تفسیر می کنند. با این حـال و بـا توجه به این که معاملات از اعتبـارات عقلاـییه است و معنـای الفـاظ آن از مخترعات شارع نیست و بایـد الفاظ معاملات را به همان معانی متـداوله عرفی حمل کرد، آیا در عقـد ضـمان امروزه که بین تجار و کسـبه واقع می شود، می توان احکـام را بر معنای مصـطلح نزد آنان اجرا کرد؟ به این معنا که طلبکاران حق داشـته باشـند به ضامن و مـدیون به نحو تضامنی رجوع و دین خود را وصول کننـد؟ و آیا عقـد ضـمان نسـبت به طلبکار لازم است یا جایز؟ و طلبکار می تواند ضامن را از قید مطالبه آزاد کند؟

جواب: ضـمان در لغت به معنـای مطلق التزام نیست، بلکه به معنای عهـده داری و به عهـده گرفتن است؛ هرچنـد مقتضای عقد ضمان نزد مشـهور فقهای اهل سـنّت، ضمِّ ذمّه به ذمّه است و در نتیجه، طلبکار می توانـد به هر یک از مدیون و ضامن مراجعه کند، ولی بر حسب اخبار وارده و فتاوای فقهای شیعه، ضمان به معنای نقل ذمّه است و طبعاً

مدیون، فقط می تواند به ضامن مراجعه کند، مگر این که معلوم شود ضامن، هنگام عقد ضمان معسر و ندار بوده است.

«سؤال ۳۴۵۷» شخصی به وسیله اخاذی و کلاهبرداری مبلغی وجه نقد و تراول چک از بانک اخذ می کند. متعاقب آن پس از چند ماه به وسیله مقامات قضایی دستگیر شده و چند ماه بعد از دستگیری، بانک موفق به دریافت وجوه حاصله از مجرم می شود.

حال آیا بانک، جواز شرعی دارد تا با استناد به نرخ تورّم و یا با این استدلال که بانک مؤسسه ای مالی است و می توانسته با مبالغ موصوف کار کند، یا آنها را وام دهد و بهره و درآمد کسب کند و ...؛ آیا بانک می تواند علاوه بر دریافت اصل مال، مبلغی را به عنوان ضرر و زیان و خسارت از مجرم مطالبه کند؟

جواب: در فرض سؤال اگر به جهت طول مدت برگشت پول و تراول چک، تورّم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۷

قابل توجه به وجود آمده باشد بنابر احتیاط واجب باید جبران شود، ولی مطالب دیگر عنوان شده از طرف مسؤولین بانک موجب پرداخت اضافه نمی شود.

«سؤال ۳۴۵۸» اگر چنانچه شخصی در اداره ای کارمند باشد که وقت مشخصی داشته و طبعاً ارباب رجوع هم دارد که باید پاسخ گوی آنها باشد و همین فرد، همزمان در اداره ای دیگر هم استخدام شده و از آن جا هم حقوق می گیرد؛ آیا این کار جایز است؟ و آیا حرمت تکلیفی و حرمت وضعی بر آن مترتّب نیست؟

جواب: این کار تخلف از مقررات و تخلف از وظیفه است و هم خلاف شرع بوده و هم موجب ضمان است.

«سؤال ۳۴۵۹» حدود ۸ سال پیش دخترم با شخصی ازدواج

کرد و چون منزل آنها ساخته نشده بود ابتدا در منزل ما زندگی می کردند، اما پس از این که منزل خودشان ساخته شد اثاث و وسایل خود را به منزل جدید بردند، مگر مقداری از اثاث ریز و خرده خود را. از قضا روزی سارقی به منزل ما دست برد زد و علاوه بر کلیهٔ اموال این جانب از اثاث داماد و دخترم نیز مقداری به سرقت برد. الآن داماد من مدّعی است که مقداری طلا و جواهرات داشته که بر اثر سهل انگاری من دزدیده شده است و آن را طلب می کند در حالی که سهل انگاری در کار نبوده است. بفرمایید تکلیف حقیر چیست؟

جواب: در مفروض سؤال که مال نزد شما امانت بوده است و شما هم در حفظ آن کوتاهی نکرده اید ضامن تلف آن نیستید.

«سؤال ۳۴۶۰» مرحوم پدرم یکی از اساتید معروف و نمونه در تعمیر فرش های دست بافت بود، لذا فرشی را جهت انجام تعمیرات نزد او آوردند. آن مرحوم در اثنای کار متوجه می شود که اگر آب به این فرش برسد رنگ پس می دهد و برای انجام تعمیرات فنی آن را به اصفهان فرستاد تا تعمیرات اساسی و کلی بر روی آن انجام گیرد. از قضا سارقی آن فرش را دزدید که پس از پیگیری های متمادی سارق دستگیر شد، اما از فرش خبری نبود. اکنون پس از گذشت ۱۸ سال مالک فرش، فرش را از ورثه طلب می کند با این که سارقین اقرار به دزدی فرش کرده اند، تکلیف چیست؟

جواب: اگر پدر مرحوم شما در نگه داری و حفظ قالی مزبور کوتاهی نکرده و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۸

مجاز به فرستادن قالی به

اصفهان بوده، ضامن نبوده و طبعاً ورثه هم اکنون چیزی بدهکار نیستند.

«سؤال ۳۴۶۱» فردی با نامهٔ یکی از مسؤولین سرشناس شهر، ملك و زمین مرا به طور غاصبانه تصرف کرده است، یعنی عملًا استفاده از نامهٔ او زمین را به تصرف غاصب در آورده است؛ آیا این عمل موجب ضمان نویسندهٔ نامه نیست؟

جواب: اگر عمداً و با توجه نامه را نوشته مرتکب حرام شده و مُخل به عدالت است، ولی ضمان بر عهدهٔ مباشر غصب است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۷۹

مسائل ودیعه

«سؤال ۳۴۶۲» در صورتی که امانت گیرنده، تعدّی و تفریط کند و سپس دست از تعدّی و تفریط بردارد از قضا مال تلف شود؛ آیا ضامن است یا نه؟

جواب: امانت گیرنده در صورت تعدّی یا تفریط دیگر امین نیست و ضامن است، مگر این که پس از دست برداشتن از تعدّی و تفریط مالك مجدداً آن را نزد او ودیعه گذارد.

«سؤال ۳۴۶۳» آیا امانت از عقود لازم است یا جایز؟ و آیا احتیاجی به صیغه دارد یا خیر؟

جواب: امانتدار و امانتگذار در عقد امانت هر گاه بخواهند می توانند عقد را به هم بزنند و نیازی به خواندن صیغهٔ مخصوص ندارد، بلکه همین قدر که کسی مالی را به دیگری بدهد تا از آن نگهداری کند و او بپذیرد و یا مقصود خود را از پذیرش آن بفهماند، خواه کلامی گفته باشد یا عملی، امانت محقق می شود و باید به مسائل آن ملتزم باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۰

مسائل هبه

«سؤال ۳۴۶۴» آیا هبهٔ معاطاتی وجود دارد یا خیر؟

جواب: معاطات به قصد هبه نیز کافی است.

«سؤال ۳۴۶۵» آیا در صحت و تحقق هبه، صیغه و لفظ معتبر است؟ و یا این که هبه با عمل محقّق می شود؟

جواب: میزان، قصد هبه و اظهار آن و سپس تحویل مورد هبه است و لفظ خاصی معتبر نیست.

«سؤال ۳۴۶۶» آیا می شود مالی را به کودکی که ولیّ ندارد صلح یا هبه کرد مشروط بر این که اگر خدای نکرده کودك وفات کرد مال به واهب یا شخصی که مالش را به کودك صلح کرده است برگردد؟

جواب: اگر صلح کننده بگوید: فلان مال را به کودک صلح کردم مشروط بر این که خیار فسخ داشته باشم که

اگر کودک قبل از من از دنیا رفت، بتوانم صلح را فسخ کنم؛ و حاکم شرع جامع الشرایط یا وکیل او از طرف کودک که ولیّ ندارد آن را قبول کند، ظاهراً مصالحه صحیح است و همین طور است هبه، با این تفاوت که در هبه علاوه بر قبول هبه از سوی کودک، توسط حاکم، لازم است مال تحویل حاکم داده شود.

«سؤال ۳۴۶۷» این جانب دارای فرزند پسری بودم که چند سال پیش بر اثر بیماری وفات کرد. پس از مراسم هفتم ایشان که اقوام نیز حضور داشتند از من خواستند که سهم الارث خود را از منزل مسکونی به جا ماندهٔ از آن مرحوم به یکی از فرزندانش واگذار کنم که این کار صورت گرفت؛ پس از چند مدت متوجه شدم که خودم نیز درآمدی ندارم و از نظر معیشت در مضیقه ام، لذا از تصمیم خود منصرف گردیده و قصد فسخ آن بخشش را دارم؛ آیا چنین تصمیمی شرعی است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۱

جواب: اگر واقعاً سهم خود را به نوهٔ خود بخشیده اید و تحویل قیّم او شده دیگر حق فسخ ندارید، چون هبهٔ به ذی رحم، قابل فسخ نیست و اگر صلح بوده تحویل دادن لازم نیست و حق فسخ ندارید.

«سؤال ۳۴۶۸» پدری تمام اموال و اجناس و املاک خود را به فرزندش هبه کرده است؛ آیا بعد از هبه می تواند دوباره آنها را گرفته و تصرف کند و یا بفروشد؟ و آیا می تواند پول اموال و اجناس تملیک شده را از فرزندش باز پس گیرد؟

جواب: اگر پدر اموال را به پسر هبه کند و تحویل او بدهد دیگر حق ندارد در آن تصرف

کرده یا به دیگری بفروشد و یا انتقال دهد.

«سؤال ۳۴۶۹» شخصی زمین خود را به کسی دیگر هبه می کند به شرط عوض و موهوب له قبل از این که عوض را پرداخت کند مرحوم می شوند؛ آیا واهب حق فسخ هبه را دارد؟

جواب: در فرض سؤال، واهب حق فسخ دارد.

«سؤال ۳۴۷۰» آیا می توان تمام اموال را در زمان حیات، بالسویّه بین فرزندان پسر و دختر تقسیم کرد؟

جواب: انسان در زمان حیات، اختیار مال خود را داشته و می تواند به هر کس مایل باشد صلح یا هبه کند، ولی صحت هبه مشروط به قبض و تحویل به موهوب له است.

«سؤال ۳۴۷۱» شخصی در حال حیات، نصف اموال و املاک خویش را به نوهٔ صغیر پسری اش بخشیده است. حال نوهٔ دختری اش مدّعی شده که آن وصیت صحیح نیست، چون قبض نشده است و به مادرش که دختر صاحب اموال فوق بوده رسیده است؛ آیا حق با نوهٔ پسری بوده و هبه صحیح است یا با نوهٔ دختری و هبه باطل است؟

جواب: اگر جدّ پدری که ولی نوه بوده، مالی را به او بخشیده و خودش هم ولایتاً از طرف نوه قبول کرده هبه و بخشش، تحقق یافته و اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۷۲» آیا در هبهٔ به ذی رحم اگر معوضه باشد واهب می تواند رجوع کند و موهوب را پس بگیرد؟

جواب: هم در هبهٔ مطلق به ذی رحم و هم در هبه معوضه، یعنی در عوض آن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۲

چیزی را به واهب هبه می کند، پس از قبض و تحویل، واهب نمی تواند هبه را به هم زند، ولی اگر هبه به ذی رحم مشروط باشد و به شرط

عمل نشود واهب می تواند هبه را به هم بزند.

«سؤال ۳۴۷۳» شخصی از اموال خودش مال منقولی را به پسر خود که غایب بوده هبه کرده است و برای این که مال به دست پسرش برسد کسی را وکیل کرده تا مال را به دست او بسپارد، اما قبل از این که مال را قبض کند فرزند مرحوم شده است؛ آیا این هبه نافذ است؟

جواب: اگر خود موهوب له یا وکیلی که خودش معیّن کرده باشد مال را تحویل نگرفته باشد هبه تحقق نیافته است.

«سؤال ۳۴۷۴» من دو پسر و دو دختر دارم و می خواهم اموالم را در حال حیاتم به طور مساوی بین آنها تقسیم کنم؛ آیا این عمل از نظر شرعی اشکالی دارد؟

جواب: موضوع مورد سؤال گرچه اشکال ندارد، اما از آن جا که معمولاً موجب اختلاف بین ورثه می شود بهتر است این کار انجام نشود.

«سؤال ۳۴۷۵» شخصی قبل از فوتش اموال خود را بین فرزندانش تقسیم کرده و یک قطعه ملک را به همسرش و برای تأمین مخارج دو فرزند صغیر خود گذاشته است. دو سال قبل، مادر زمین را بین ورثه تقسیم کرده و ورثهٔ بزرگ تسامح در آبیاری کرده که درختان آن خشک شده است. در حال حاضر برای تأمین جهیزیهٔ یک دختر و مقدمات ازدواج یک پسر نیاز به فروش آن ملک است. با توجه به این که ورّاث همه قبول دارند که این ملک برای تأمین مخارج دو فرزند صغیر بوده؛ آیا اجازهٔ برگشت زمین برای مادر ممکن است؟

جواب: اگر ملک مذکور در زمان حیات شخص به همسر و دو فرزند صغیرش تملیک شده باشد مادر بچه ها حق نداشته است سهم آنان را

بین ورثه تقسیم کند و باید به بچه ها بر گردد و اگر وصیت کرده است که پس از مرگ او زمین مذکور برای تأمین مخارج همسر و دو فرزند صغیر باشد و این وصیت زاید بر ثلث نبوده و یا اگر زاید بوده ورثه امضا کرده اند، مادر حق ندارد سهم بچه ها را بین ورثه تقسیم کند و مخارج

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۳

ازدواج دختر و پسر از سهم خودشان تأمین می شود.

«سؤال ۳۴۷۶» شخصی زمین های مزروعی و منزل خود را به یکی از پسر برادرهای خود هبه کرده است مشروط بر این که از او نگهداری کرده و کارهای او را در امورات زندگی انجام دهد. اما پسر برادرش بعد از قبول هبه به شرط عمل نکرده است. این هبه با توجه به این که هبهٔ به ذی رحم هم هست آیا صحیح است؟ و یا می تواند آن را پس بگیرد؟

جواب: در هبهٔ مشروط، اگر موهوب له به شرط عمل نکند واهب می تواند از هبهٔ خود رجوع کند.

«سؤال ۳۴۷۷» شخصی بعد از وفات پدرش اموالی را به زن پدرش هبه کرده مشروط بر این که شوهر اختیار نکند و زن پدر نیز اموال را قبول و قبض کرده، ولی به شرط عمل نکرده است؛ آیا هبه صحیح است؟

جواب: هرچند صحّت شرط مذکور محل اشکال است ولی واهب می تواند هبهٔ خود را فسخ کند. و اگر عین آن موجود است عین آن را پس گرفته و اگر موجود نیست مثل یا قیمت آن را پس بگیرد.

«سؤال ۳۴۷۸» در موارد خاصی، مثل خرید منزل یا زیارت و غیره از سوی اقوام زوجین، هدایایی برای آنها آورده می شود و شخص

موهوب له را هم معیّن نمی کنند. در صورت بروز اختلاف، مالکیت این هدایا به کدام یک از زوجین متعلّق است؟ و آیا واهب می تواند آن را معیّن کند؟

جواب: معمولًا ابزار مردانه را برای مردان و زنانه را برای زنان می آورند و اقوام و دوستان هر یک از زوجین نیز نظرشان به منسوب خودشان است و اگر از این راه ها تشخیص داده نشد، یا استفسار و یا مصالحه کنند. و مانعی ندارد که واهب معیّن کند، زیرا او ذوالید بوده «و لایعرف إلّا من قبله».

«سؤال ۳۴۷۹» آیا هبهٔ زوجین به یکدیگر که ارحام نیز نیستند قابل رجوع است؟

جواب: احوط وجوباً عدم رجوع است.

«سؤال ۳۴۸۰» اگر واهب یک بسته اسکناس هزار تومانی به ارزش معیّن را به

موهوب له بدهد، از حیث امکان یا عدم امکان رجوع، مشمول احکام سایر کالاهاست؟

یا قاعدهٔ خاصی دارد؟ و آیا حکم چک یا چک مسافرتی نیز حکم اسکناس است؟

جواب: مانند سایر اعیان موهوبه است و هر عینی که مالیّت و ارزش عرفی داشته باشد همین حکم را دارد.

«سؤال ۳۴۸۱» هبهٔ غیر قابل رجوع، خاص والدین و اولاد است؟ یا سایر ارحام را نیز شامل می شود؟

جواب: عدم جواز رجوع، منحصر در والدین و اولاد نیست، بلکه مطلق رحم و قرابت متعارف را شامل می شود.

«سؤال ۳۴۸۲» شخصی در زمان حیاتش زمین زراعتی و مایملک خویش را حصه بندی کرده و به شش پسر خود هبه کرده است؛ ولی دو تن از پسرانش در صحنه حاضر نبوده و قبض و اقباض به عمل نیامده و قبل از این که دو فرزند به حضور پدر برسند وی وفات کرده است؛ آیا

این دو پسر حق دارند که ادّعایی کنند؟

جواب: تحقق هبه، با قبول و نیز قبض موهوب له است و قبض بعد از فوت واهب نتیجه ندارد.

«سؤال ۳۴۸۳» شخصی ملکی داشته که آن را به فرزندان خود هبه می کند مشروط بر این که در هر سال مقداری گندم و شکر و روغن جهت مخارج به پدر بدهند، اما فرزندان پس از گرفتن زمین، به شرط عمل نکرده و به پدرِ خود آنچه را شرط کرده بود نمی دهند.

آیا این هبه صحیح است؟

جواب: اگر هبه در عوض کار واقع شده باشد از روی اختیار، هبه صحیح است و فرزندان واجب است به شرط عمل کنند و در صورت تخلّف فرزندان از شرط، پدر حق فسخ هبه را دارد و همچنین حاکم شرع می تواند فرزندان را مجبور کند که به شرط عمل کنند.

« سؤال ۳۴۸۴» شخصی مقدار زیادی از مایملک خود را به یکی از ورّاث خود هبه کرده مشروط بر این که برایش حج و زیارت کربلا انجام دهد. موهوب له ابتدا قبول کرده، ولی پس از چندی به واهب می گوید که هبه را به نحو مشروط قبول ندارد و اگر هبه هست باید

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۵

بدون حج و زیارت کربلا باشد. در این حالت باز واهب قبول کرده و مقدار زیادی از مایملکش را به وی هبه می کند؛ آیا پس از قبول کردن در نخستین بار، حج و زیارت بر عهدهٔ موهوب له آمده است؟

جواب: اگر در هبهٔ اول، واهب موهوب را به موهوب له تحویل نداده است عمل به شرط از ناحیه موهوب له لازم نیست، و اگر تحویل داده عمل به آن لازم است ولی مشروط له

(یعنی واهب) می تواند از مطالبهٔ شرط صرف نظر کند و به عبارتی حق خود را اسقاط نماید.

«سؤال ۳۴۸۵» آیا هبه به طفل صغیر در صورتی که ولیّ شرعی طفل از طرف طفل هبه را قبض نکرده باشد، واقع می شود؟

جواب: به طور کلی قبض در هبه شرط است و مادامی که موهوب له یا ولیّ او قبض نکرده است هبه محقّق نشده است.

«سؤال ۳۴۸۶» شخصی از املاک شخصی خود باغی را تفکیک کرده و برای هر قطعه، سند ثبتی با ابعاد مختلف تهیه کرده و آنها را بین فرزندان خود که دو پسر و سه دختر بوده اند به متراژ مساوی تقسیم کرده است که افراد نامبرده هر کدام در ملک سهم خود چند سال به غرس درخت و کشت و زرع مشغول بوده اند. اینک که پسر کوچک از دنیا رفته افرادی از دادن سهم آن مرحوم خودداری و درخواست مدرک زمین مزبور را کرده اند و می گویند: فرزند متوفی سهمی از آن ملک نداشته، چون ملک مزبور مال پدرش بوده و پدرش آن را در اختیار فرزند گذاشته و حالا که از دنیا رفته در اختیار دیگر فرزندان قرار داده یا در ید خویش می باشد؛ آیا پدر شرعاً این حق را دارد که در زمان حیات فرزند مالی را به او ببخشد و بعد از مرگ فرزند که دارای یتیم نیز هست مال خویش را باز پس بگیرد؟

جواب: مالی را که پدر به پسر یا دختر خود بخشیده و تحویل او داده است چه در زمان حیات پسر یا دختر یا پس از مرگ او، حق ندارد پس بگیرد و به ورثهٔ متوفی از جمله پدر منتقل می شود

و اگر اصل بخشش یا تحویل دادن آن محل نزاع باشد، باید به محکمهٔ شرعی مراجعه شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۶

«سؤال ۳۴۸۷» شخصی زمینی را برای احداث بهداری هبه کرده و در هبه نامه اظهار داشته: از روی رضا و رغبت و برای رضای خدا اهدا نمودم؛ پس از چند سال و بر اثر فشار فرزندان از هبه و عملی که انجام داده پشیمان شده و به بهداری مراجعه کرده تا زمین را پس بگیرد و حتی به یکی از فرزندانش وکالت داده تا به بهداری مراجعه و زمین یا معوض آن را مسترد کند و بعد از آن هم واهب فوت کرده است. آیا هبهٔ ابتدایی که با رضایت بوده صحیح است؟ و آیا وکالت فرزند در استرداد زمین صحیح است؟

جواب: اگر زمین مذکور، صلح شده یا هبه به قصد قربت بوده است رجوع از آن جایز نیست و فقر ورثهٔ واهب، مجوّز رجوع نمی باشد. خداوند ان شاء اللّه از جای دیگر جبران کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۷

مسائل وقف

متصرفات وقف

«سؤال ۳۴۸۸» عده ای با در دست داشتن سندی که به احتمال زیاد جعلی است ادّعا می کنند که فلان زمین موقوفه است، اما ادارهٔ اوقاف از آن اظهار بی اطلاعی می کند؛ آیا این زمین با این سند، موقوفه محسوب است؟

جواب: اگر سند معتبر برای وقف وجود نداشته و در بین مردم هم به وقف بودن شایع نباشد حکم وقف بار نمی شود.

«سؤال ۳۴۸۹» مزرعه ای به متراژ شش هکتار در گذشته، وقف اولاد ذکور شده و بعداً آب مزرعه زیاد شده است. کشاورزها نیز زمین های اطراف آن را که بایر بوده بر آن اضافه کرده اند. با

توجه به وقف بودن مزرعه؛ آیا زمین هایی را که گرفته شده و به آن اضافه شده حکم وقف را دارد؟

جواب: اگر زمین ها جزء توابع مزرعه بوده و از آب مزرعهٔ موقوفه، مشروب می شوند موقوفه حساب می شوند.

«سؤال ۳۴۹۰» شخصی زمین خود را وقف مدرسهٔ دینی کرده و صیغهٔ آن را به این نحو خوانده است:

«امروز زمین خود را وقف مدرسهٔ علمیه کردم» و با صیغهٔ «وقفت» وقف خود را کامل کرده، اما پس از آن فوراً می گوید: این تا ده سال دیگر «مسلوب المنفعه» باشد و حاصل آن تا ده سال دیگر از خودم است و تولیت آن هم با متولّی مدرسه باشد؛ آیا این وقف صحیح است؟

جواب: در مفروض سؤال که فعلًا انشاء وقف شده منتهی «مسلوب المنفعه» تا ده سال، وقف از این جهت مانعی ندارد و منفعت ده سال مستثناست، ولی برای

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۸

صحت و نفوذ وقف لازم است مال موقوفه تحویل متولی شود.

« سؤال ۳۴۹۱» شخصی در حضور عده ای بدون این که نوشته ای بنویسد یک باب مغازهٔ خود را برای حضرت ابوالفضل العباس وقف کرده و تولیت آن را نیز چنین قرار داد که اولاد ذکور متولّی باشند به شرطی که تا اولی در قید حیات است به اولاد دومی نرسد و تا اولاد دومی باقی است به اولاد سومی نرسد، دو پسر از پسرهای ایشان وقف را قبول کرده و مابقی ورثه (۱ پسر و ۴ دختر) وقف را باطل دانسته اند. دادگاه محترم نیز وقف را پذیرفته و تنفیذ وصیت کرده و ۶ سهم آن را از وقف خارج کرده است. سؤال این است:

الف: آیا فروش و یا

تغییر مال وقف با بودن نزاع جایز است؟ و آیا ورثهٔ دیگر از آن ارث می برند؟

ب: آیا تولیت آن می تواند مازاد عایدات درآمدی آن مغازه را به نفع خودش تصاحب کند؟

جواب: در صورت اثبات وقف یا وصیت باید طبق آن عمل کنند و قبولی بعض ورثه و ردّ بعض ورثه تأثیری ندارد، مگر این که در اصل وقف یا وصیت، بین ورثه اختلاف باشد که در این صورت باید مقام صالح قضایی رسیدگی و حکم آن را صادر کند. و چنانچه وصیت کرده که ورثه آن ملک را بعد از مرگ او وقف کنند در این صورت صحت وصیت در مازاد بر ثلث اموال او مشروط به اجازهٔ همهٔ ورثه است و چون ظاهر وقف صرف تمام عایدات مغازه در جهت منظور واقف است متولی نمی تواند چیزی از آن را به نفع خود تصاحب کند، هرچند می تواند در صورتی که مجاناً تولیت را نپذیرفته باشد، به اندازهٔ حق الزحمه متعارفی که متولی متحمل می شود به عنوان اجرت بردارد.

«سؤال ۳۴۹۲» تعدادی از مهاجرین افغانی در یکی از روستاهای افغانستان چند پلاك زمین از برادران اهل سنت برای سکونت خریداری کرده و در نقشه کشی که انجام داده اند مکانی را برای مسجد معیّن کرده اند تا در صورت تمکن مالی در آن جا مسجد بسازند، ولی صیغهٔ وقف خوانده نشده است. در همین مدت یکی از شیعیان قطعه زمینی را جهت مسجد وقف کرده است؛ آیا آنها می توانند زمینی را که برای مسجد معیّن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۸۹

کرده اند بفروشند و برای ساختن مسجد موقوفه مصرف کنند؟

جواب: وقفیت، وقتی محقّق می شود که صیغهٔ وقف خوانده شود و به متولّی وقف

یـا مردم که موقوف علیهم می باشـند تحویـل داده شود. و برادران و خواهران بجـاست از زکوات و تبرعـات و نـذورات مطلقه صرف کرده و کمبود آن را مجازند از نصف سهم امام تأمین کنند.

«سؤال ۳۴۹۳» در بخش بیرم لارستان از استان فارس یک قطعه زمینی به قصد مسجد تهیه شده که رضایت و قصد کلیه مالکین آن به نیت مسـجد بودن ثـابت نیست. این زمین دارای دیوار کوتـاهی است و اطراف دیوار هم مقـداری مصالـح ساختمانی که کمک های مردمی است ریخته شده است. در فاصله ۲۰۰ متری نیز مسجدی بنا شده و فعلًا دائر است.

الف: آیا می توان مصالح ساختمانی این زمین را صرف مسجد دائر کرد؟

ب: آیا می شود دیوار را خراب کرده و آن را مصرف مسجد فعال کرد؟

ج: بـا توجه به درخواست همسایـهٔ این زمین، آیـا می شود زمین و دیوار آن را به همسایه فروخت و وجه آن را صـرف مساجد دیگر کرد؟

جواب: اگر زمین مزبور به رضایت همـهٔ مالکین برای مسـجد شـدن واگذار شده و در آن هم به عنوان مسـجدیّت نماز خوانده شـده باشـد تغییر آن جایز نیست و باید احیا شود، ولی اگر در آن نماز به عنوان مسـجدیّت خوانده نشده و یا اصـلًا همهٔ مالکین راضی نبوده اند، مسجد نشده و اشکال ندارد مصالح آن را در نزدیک ترین مسجد محل مصرف کنند.

«سؤال ۳۴۹۴» در برخی از روسـتاهایی که در کنار جاده ها هستند دستور داده اند که برای مسافران، نماز خانه ساخته شود؛ آیا این مکان ها حکم مسجد را دارد؟

جواب: اگر به قصد مسجد ساخته شده و در آن به عنوان مسجد نماز خوانده باشید احکام مسجد بر آن بار است و مسافر

هم می تواند با رعایت احترام مسجد در آن توقف کند.

«سؤال ۳۴۹۵» موقوفه ای است که مطابق صریح وقف نامه، تولیت آن به شخصی خاص

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۰

و اولاد و اعقاب او بطناً بعد بطن واگذار شده است. اکنون این سؤال مطرح است که چنانچه در بطن و طبقه ای، افرادی موجود باشند و شرایط مذکور در وقف نامه برای تولیت را هم داشته باشند، اما از قبول تولیت امتناع کنند، آیا تولیت به شخص واجد شرایط در نسل بعد منتقل می شود؟ و همچنین اگر از طبقۀ قبل افرادی موجود باشند، اما شرایط مندرج در وقف نامه را برای تولیت نداشته باشند، آیا به طبقه بعد منتقل می شود؟

جواب: در فرض سؤال، تولیت به نسل بعد و به فرد دارای شرایط منتقل می شود.

«سؤال ۳۴۹۶» الف: آیا متولّی خاص یک موقوفه، حق تفویض تولیت به شخص دیگری را دارد یا آن که در این خصوص تنها باید مطابق وقف نامه عمل شود؟

ب: آیا نصب و انتصاب های یک متولّی پس از وفات وی همچنان نافذ است یا امر موقوفه تماماً به متولّی جدید مربوط می گردد؟

جواب: اگر متولّی شرعی خود شخصاً قدرت ادارۀ موقوفه را ندارد باید وکیل استخدام کند و منصوبین از طرف متولّی سابق تا زمانی که شرایط را دارا باشند متولّی جدید نمی تواند آنان را برکنار کند.

«سؤال ۳۴۹۷» مدرسۀ علمیه ای است که دربارۀ تولیت آن در متن وقف نامه چنین آمده است: «و امر تولیتِ حال با متولّی معیّن است که ... اعلم العلماء العظام افضل الفضلاء المجتهدین الفخام جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول آخوند ... می باشد و بعد از وفات او متعلق است به اعدل وارشد اولاد و

اعقاب او بطناً بعد بطن».

اولّا: چنـانچه پیـداست واقف شـرایط خاصـی را برای متولّی موقوفه در نظر گرفته است، اما با توجه به آن که ابتـدا تولیت را به عالم ترین روحانی زمان خود واگـذار کرده و مورد وقف نیز مدرسهٔ علمیه ای است که همواره متولیان آن از علما و روحانیان برجسـته از اولاـد متولّی نخست بوده انـد و از طرفی ادارهٔ چنین موقوفه ای بالطبع مسـتلزم آشـنایی به وضـعیت حوزه های دینی است این سؤال مطرح می شود که پس از احراز شـرایط مـذکور در وقف نـامه، آیا روحانی و عالم دین بودن یک شـخص می توانـد مرجِّحِ امر تولیت به شـمار آیـد و تولیت را در او متعیّن سـازد؟ و ثانیـاً: بـا نظر به عبارت وقف نامه و در صورت تساوی نوادهٔ پسری و دختری در شرایط فوق و یا افضلیت نوادهٔ دختری در آنها،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۱

آیا پسری بودنِ شخص- من حیث هو- موجبِ حق تقدمِ او بر نوادهٔ دختری در امر تولیت می گردد؟

جواب: اولّا: با فرض وجود فردی دارای شـرایط رشـد و عقل و عادل بودن در اعقاب نوبت به غیر اعـدل و ارشـد نمی رسـد و ثانیاً: اولاد و اعقاب، اعم است از پسـری و دختری و صـرف پسری بودن، موجب حق تقدم نمی شود، مگر این که قرینه ای در میان باشد که مقصود واقف خصوص پسری بوده است.

«سؤال ۳۴۹۸» قناتی وقف آب آشامیـدن شـده است؛ آیا جایز است که متولّی، قنات مزبور را به سازمانی اجاره دهد تا سازمان اجاره کننده قنات مورد اجاره را سـرپرستی کرده و آب حاصل از قنات را در اختیار موقوف علیهم قرار داده و احیاناً مازاد آب را به دلخواه خود مصرف کند؟

جواب:

سپردن قنات به فرد یا سازمانی جهت سرپرستی آن و در اختیار موقوف علیهم قرار دادن، اجاره قنات محسوب نیست، ولی می توان فرد یا سازمانی برای اداره سرپرستی قنات اجیر کرد و اگر مال موقوفه به حفظ و مرمّت نیاز داشته باشد می توان قسمتی از منافع آن را صرف مرمّت آن کرد و اگر منافع آن بیش از نیاز موقوف علیهم باشد می توان مازاد را در راهی که به غرض واقف نزدیک تر است صرف کرد.

«سؤال **۳۴۹۹**» هیأت امنای مسجدی در جهت توسعهٔ مسجد در نظر دارند آن را مرمّت کنند و برای این کار نیاز به فروش قطعه زمین کشاورزی متعلق به مسجد که حدوداً ۵ هزار متر مربع است می باشد؛ آیا حضرت عالی فروش آن را اجازه می فرمایید؟

جواب: فروش زمین موقوفه جایز نیست، بلکه منافع آن هرچند با اجارهٔ آن برای ساختمان اگر از نظر کشاورزی درآمد ندارد باید در جهت وقف صرف شود و اگر برای خصوص مسجد وقف شده صرف منافع آن در غیر مسجد جایز نیست، ولی اگر زمین مذکور وقف مسجد نشده، بلکه به آن اهدا شده است با نظر اهدا کننده و متولّی مسجد جایز است آن را بفروشند و صرف توسعهٔ مسجد کنند.

«سؤال **۳۵۰۰**» اگر مسلمانان یک کشور با کفار کتابی شهر دیگری نبرد کرده و آن را فتح کردند؛ آیا معابد کفار کتابی، جزء اموال مسلمانان می شود؟ تأکید می شود که اهل کتاب،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: **۲۹۲**

از گروه متخاصم ذمّی بوده و مالک اموال عمومی ملی خودشانند. شاهد بر سر بیت المقدس و مسجد استانبول است که اموال عمومی ملی بوده و از همین ملت در بلاد اسلامی

به صورت ذمّی زندگی می کردند و اموال آنها دارای احترام بوده است.

جواب: به طور کلی و با توجه به این که وقف صحیح معابد اهل کتاب، ثابت نیست حکم سایر املاک آنان را دارد که ممکن است با صلاحدید حاکم شرع و با رعایت شرایط ذمّه به خود آنان واگذار شود و تعرض و هتک چنین معابدی اشکال دارد و با فرض خروج آنان از ذمّه، اختصاص آن به غیر جهت عبادت مشکل است؛ ولی در خصوص معابدی مانند بیت المقدس که به دست انبیا و صالحان بنا شده بعید نیست مانند مسجدالحرام عنوان مسجد داشته است و لذا در قرآن به المسجدالاقصی تعبیر شده است و در هر عصری اهل ادیان آن زمان در آن به عبادت می پرداختند.

«سؤال ۳۵۰۱» در برخی از مساجد کتاب هایی مثل اصول کافی، المیزان و ... وجود دارد که شخص هدیه کننده روی صفحهٔ کتاب نوشته است: این کتاب را وقف مسجد کردم.

حال آیا چنین کتاب هایی را می توان از مسجد خارج کرد و به منزل برد و مطالعه کرد؟

جواب: جایز نیست، مگر این که احراز شود نظر واقف اعّم بوده است.

تصرف در موقوفه برای غیر مورد وقف

«سؤال ۳۵۰۲» در روستایی زمین های آن قطعه قطعه اضافه شده و به تبع آن زمین های متفاوتی هم جهت قبرستان وقف شده است. اهالی این روستا در یکی از زمین ها سرویس بهداشتی ساخته اند و در یکی از زمین های دیگر، سالن اجتماعات برای خواهران و یا مراسم عزاداری یا فاتحه خوانی ساخته شده است؛ آیا ساخت سرویس بهداشتی در قبرستان مزبور قبل از دفن اموات اشکال دارد؟ در صورتی که ۲۰ متر از قبرستان ۱۰۰۰ متری برای دفن اموات روستا کافی باشد در بقیهٔ

زمین آن آیا می توان سالن اجتماعات ساخت؟ در صورت اشکال داشتن سالن ها، آیا می توان در آن سالن ها چند میّت دفن کرد تا هم نظر واقف حاصل شود و هم از سالن ها استفاد شود؟

جواب: ظاهراً ساختن تأسیساتی متعارف و متناسب با قبرستان، مانند سرویس

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۳

بهداشتی و مانند آن منافاتی با نظر واقف ندارد، بلکه در فرض مذکور در سؤال با تخریب سرویس بهداشتی نیز دفن اموات در آن محل هتک مِیت محسوب می شود و ساختن سالن ها متناسب با قبرستان که محدودیتی برای دفن اموات ایجاد نکند و در صورت نیاز بتوان در سالن نیز اموات را دفن کرد مانعی ندارد. ضمناً برای لزوم وقف، دفن اموات در قسمتی از آن زمین کافی است.

«سؤال ۳۵۰۳» حدود یک قرن است که در روستای ما تعدادی گاو وقفی که وقف حضرت سیدالشهدا علیه السلام است نگه داری می شود. فعلًا نگه داری گاوها مشکل است؛ آیا می توانیم این چند رأس گاو را بفروشیم و تبدیل به زمین زراعتی کنیم؟

جواب: اگر وقف یا مورد وصیت باشد تبدیل آن جایز نیست.

«سؤال ۳۵۰۴» قطعه زمینی در منطقهٔ شاه آباد نجف آباد توسط پدر این جانب وقف شده که درآمد آن خرج برگزاری مراسم روضه خوانی شود. اکنون به علت خشک سالی و کمبود آب، زمین مذکور بایر شده و هیچ گونه درآمدی ندارد. در صورتی که اجازه بفرمایید این زمین به فروش رسیده و وجه آن جهت ساختمان حسینیهٔ مسجد صفا هزینه گردد و در صورت ساخته شدن طبقهٔ دوم این حسینیه اجازه داده خواهد شد درآمد حاصله صرف مجالس روضه خوانی گردد.

جواب: موقوفه را تا جایی که می توان از آن

استفاده کرد جایز نیست آن را بفروشند یا تبدیل کنند. آن را برای مقصد دیگری غیر از کشاورزی که ممکن است اجاره دهند، مانند ساخت منزل یا محل کسب یا انبار یا محل کار و صنایع یا گاراژ و در دفاتر رسمی ثبت کنند تا تصرف عدوانی نشود.

«سؤال ۳۵۰۵» این جانب یک واحد مجتمع فرهنگی، ورزشی و درمانی را وقف عام جهت حضرت امام حسین علیه السلام کرده ام و تولیت وقف و مدیریت آن را به مهد قرآن سپرده ام. نظر به این که از زمان وقف تاکنون مهد قرآن هیچ گونه فعالیتی در مجتمع نداشته و هزینه های جاری آن را نیز پرداخت نکرده و در ضمن زمینهٔ فعالیت و سرمایه گذاری سایر ارگان ها در مجتمع فراهم است؛ آیا امکان واگذاری تولیت و مدیریت وقف به ارگان دیگری وجود دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۴

جواب: اگر همکاری مهد قرآن در جهت وقف و اهداف آن به هیچ نحو ممکن نیست توسط مجتهد جامع الشرایط یا به اذن او متولّی دیگری برای عمل به وقف تعیین می گردد.

«سؤال ۳۵۰۶» در مراکزی مثل دانشگاه ها و ادارات و ... متولّی مسجد کیست؟ نمایندهٔ ولیّ فقیه یا رئیس آن مرکز یا غیر اینها؟

جواب: اگر از ناحیه سازندهٔ مسجد متولّی تعیین نشده تولیت آن با حاکم شرع است.

«سؤال ۳۵۰۷» قرآنی که وقف مقبره شده است و حکومت حاضر، طبق قوانین شهرداری مقبره ها را خراب کرده، تکلیف قرآن ها و چیزهای مُشابه، مثل قابِ قرآنی و کتاب دُعا چیست؟

جواب: در فرض مذکور قرآن و کتاب دعا و مانند آن را در نزدیک ترین مقبره یا مسجد یا حسینیه قرار دهند.

تولیت وقف

«سؤال ۳۵۰۸» مجتمعی مشتمل بر یک مسجد،

دو حسـینیه و چنـد خانه جهت خـدام توسط فردی ساخته شـده است. وی همهٔ این مجتمع را وقف و خودش را به عنوان متولّی وقف مقرر کرده است. آیـا متولّی می توانـد تولیت این وقف را به دیگری واگـذار کنـد؟ و به طور کلی آیا متولّی شـرعی می تواند ولایت بر وقف را جهلًا یا علماً به دیگری منتقل کند؟ و در هر صورت آیا تصرفات متولّی جدید نافذ و مشروع است؟

جواب: تغییر متولّی صالـح جایز نیست، اما اگر از انجام امر مربوط شـخصاً عاجز باشد جایز است با نظارت خودش فرد دیگری را برای انجام امور مربوطه وکیل کند و اگر از این کار هم عاجز است و به طور کلی ناتوان است بر حاکم صالحِ واجدِ شـرایط لازم است که فرد صالحی را به جای او به عنوان متولّی منصوب کند.

«سؤال ۳۵۰۹» قطعه زمینی که وقف سیدالشـهدا علیه السلام بوده در آب گیری سدّ البرز به زیر آب رفته و قبل از آن که به زیر آب برود قابل کشت بوده است. فعلًا دولت مبلغ هشتصد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۵

هزار تومان به پـدر بزرگ این جانب بابت آن موقوفه پرداخت کرده است که با این پول کاری نمی توان کرد، یعنی نمی توان با آن پول، منزل یا زمین دیگر و یا مغازه ای خرید.

حال چه باید بکنیم تا نظر واقف تأمین گردد؟

جواب: در فرض سؤال، با آن پول زمین مشابهی را در مکان ممکن خریداری و به جای آن زمین وقف کنند.

«سؤال ۳۵۱۰» عده ای از مؤمنین قطعه زمینی را برای مسجد و حسینیه وقف کرده اند، اما نقشهٔ آن بدون نظر کارشناس صورت گرفته که مسجد گنجایش نمازگزاران را

ندارد؛ آیا می شود در مسجد و حسینیه تغییری ایجاد کرد؟

جواب: در فرض سؤال، تغییر نقشه که به نفع مسجد و نمازگزاران و صلاح باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۱۱» مسجد حضرت ابوالفضل نجف آباد دارای فرش هایی به اندازه های مختلف و نقش های متفاوت که بعضاً در حدّ نو و تعدادی نیز در حدّ متوسط و تعدادی نیز با کیفیت بسیار پایین است. همچنین به دلیل این که قبلهٔ مسجد مقداری دارای زاویه است و بعضی از نمازگزاران قبله را رعایت نمی کنند؛ لذا هیأت امنا تصمیم به فروش فرش های موجود داشته و در عوض، فرش های یکدست و یک نقش معروف به محرابی را- که مشخص کننده قبله اند- تهیه کند. لازم به ذکر است که اهدا کنندگان تعدادی از فرش ها مشخص بوده و تعدادی هم متعلق به مسجد است. متمنی است حکم شرع در این امور را بیان فرمایید.

جواب: اگر فرش ها را وقف مسجد کرده اند مادامی که قابل استفاده اند تبدیل و تغییر آنها جایز نیست، ولی اگر آنها را تملیک به مسجد کرده اند با صلاحدید هیأت امنا تعویض آنها اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۱۲» مسجدی در حال وسعت و تعمیرات مجدّد است، ولی درب و پنجره های آن برای مسجد کاربری عرفی و قابل توجهی ندارد؛ آیا اجازه می فرمایید بدون این که بفروش رسانده شود در همان محل به مسلمانی که محتاج است داده شود؟

جواب: اگر عین آنها برای هیچ مسجدی کاربرد ندارد آنها را بفروشند و صرف

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۶

همان مسجد کنند.

«سؤال ۳۵۱۳» قطعه زمین بایری به ابعاد ۷* ۲۱ در اول انقلاب وقف مسجد شده و صیغهٔ مسجد آن جاری گردیده است و یک ماه رمضان هم در آن نماز

خوانده شده و از آن زمان تاکنون این زمین بایر و بلااستفاده مانده است. در این فاصلهٔ زمانی دو مسجد در اطراف آن (حدوداً با ۲۰۰۰ متر فاصله) ساخته شده است. امسال صاحب این زمین تصمیم گرفته این قطعه زمین را فروخته و پولش را خرج یکی از این مساجد کند تا ساختمان آن تکمیل گردد؛ آیا این شخص اجازهٔ فروش زمین مسجد را دارد؟

جواب: چون زمین مزبور در اختیار مردم قرار گرفته و در آن به عنوان مسجد نماز خوانده اند مسجد شده و تبدیل و تغییر آن جایز نیست.

«سؤال ۳۵۱۴» حسینیه و مسجد روستای کندلُوس بر اثر کثرت جمعیت باید توسعه داده شود. بر طبق نقشهٔ جدید بایستی تمام یا بخشی از حسینیهٔ قدیم جزء حیاط حسینیهٔ جدید قرار گیرد. چنین توسعه ای حکم شرعی آن چگونه است؟ و نیز مسجدی که همیشه در کنار و چسبیده به حسینیه بوده در توسعهٔ اول مقداری از حیاط حسینیهٔ قدیم جزء مسجد شد و در نقشهٔ جدید باید مسجد به حالت اول برگردد یا کوچک شود تا مقدار اضافهٔ آن به حیاط حسینیهٔ جدید افزوده گردد. حکم شرعی این چگونه است؟

جواب: اضافه شدن حسینیهٔ قدیم به حسینیهٔ جدید به شرط این که حسینیهٔ قدیم از عنوان حسینیه خارج نشده و کما فی السابق از آن به عنوان حسینیه بتوان استفاده کرد مانعی ندارد و اتصال حسینیه و مسجد در صورتی که هر کدام مشخّص باشند و هیچ کدام جزء دیگری نشوند بی اشکال است، زیرا هر یک از آنها دارای احکامی است:

«والوقوف علی حسب ما أوقفها اهلها».

«سؤال ۳۵۱۵» مسجدی را به خاطر فرسوده بودن تخریب کرده و بنای دو طبقه-

یکی به عنوان مسجد و طبقه دوم به عنوان کتابخانه- ساخته اند، پس از مدتی زیر زمینی هم در زیر کل مسجد ساخته شده که شاید روزی به آن نیاز باشد. الآن در طبقۀ همکف نماز و مراسم مذهبی انجام می شود و زیر زمین مسجد تعمیر نشده و بلااستفاده است؛ آیا می شود زیر زمین را اجاره داد و درآمد حاصله را صرف مسجد و کتابخانه کرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۷

جواب: تمامی فضای فوق و تحت مسجد حکم مسجد را دارد و تغییر آن به غیر مسجد و استفادۀ آن در غیر جهت مسجد حتی مانند اجاره دادن آن جایز نیست در عین حال هرگونه استفادۀ مشروع از مسجد در جهت تبلیغات و امور مباحه که مزاحم نمازگزاران مسجد نشود اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۱۶» اگر فرش موقوفۀ مسجد به جهت وجود فرش های مناسب تر بدون مصرف گردد؛ آیا می توان آن را فروخت؟ یا باید به مسجد دیگری بدهند؟

جواب: اگر ملک مسجد است بفروشند و صرف مصالح مسجد کنند و اگر وقف است به مسجد دیگری بدهند.

«سؤال ۳۵۱۷» ملک وقف بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام چند سال است که مسلوب المنفعه شده و الآن به هیچ عنوان عایداتی ندارد. اگر بخواهیم آن را آباد کنیم هزینۀ سنگینی در بردارد و هیچ پولی در دست متولّی نیست. اگر هم مجوّز فروش به همین صورتی که هست بدهند به هیچ عنوان به نفع وقف نخواهد بود، زیرا به قیمت بسیار ناچیزی آن را خریداری می کنند. حال اگر کسی حاضر شود روی این ملک کار کرده و آن را احیا کند و در مقابل مقداری از این ملک به او تعلق

گیرد- به عنوان بهایی که بابت تعمیرات و هزینه های ملک پرداخت کرده- آیا جایز است بدین وجه عمل شود یا خیر؟

جواب: در صورتی که از غیر راه مذکور در سؤال، احیای ملک موقوف و صرف عائدات آن در جهت منظور واقف، امکان نداشته باشد جواز آن بعید نیست.

«سؤال ۳۵۱۸» واقفی در حال حیات خود قطعه زمینی را وقف امام حسین علیه السلام کرده است؛ آیا وارث که متولّی زمین موقوفه نیز هست می تواند از محصول این زمین برای سفر به زیارت و مشرف شدن زائرین به کربلای معلّی مصرف کند؟

جواب: در مفروض سؤال که زمین وقف امام حسین علیه السلام شده و مصرف معینی در نظر گرفته نشده، صرف درآمد آن در زیارت آن حضرت مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۱۹» در برخی از مناطق ایران و افغانستان و پاکستان، مردم مجلس عقد یا عروسی خود را در اماکنی مثل حسینیه برگزار می کنند و در آن رقص و پایکوبی به راه می اندازند و چه بسا نمایش های مبتذل و غیر اخلاقی و سخنان لغو و بیهوده گفته

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۸

می شود؛ آیا چنین اعمالی، توهین به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام و دین و اسلام نیست؟ وظیفهٔ علما در این باره چیست؟

جواب: انجام اعمال مخالف شرع در حسینیه و مانند آن علاوه بر آن که ذاتاً حرام و گناه است موجب هتك حسینیه و شعائر دینی نیز می باشد و قبح آن بیشتر است و برگزاری مجالس جشن و مانند آن در حسینیه، تابع کیفیت وقف آن است که اگر قصد واقف، شامل چنین مراسمی نیز باشد مانعی ندارد و امر به معروف و نهی از منکر با

احتمال تأثیر وظیفهٔ همهٔ مسلمانان است.

«سؤال ۳۵۲۰» آیا متولّی مسجد یا غیر او می تواند روی سرویس های بهداشتی مسجد طبقه ای بنا کند تا آن جا را به رایگان در اختیار گروهی- برای کارهای غیر مسجد- قرار دهد؟

جواب: روی سرویس های بهداشتی مسجد هم حکم مرافق مسجد را دارد که نباید در غیر مرافق مسجد بودن استفاده شود.

«سؤال ۳۵۲۱» چندی است که بسیج در تمام مساجد شهر پایگاه مقاومت تأسیس می کند و اول کار، یک اتاق در گوشه ای از مسجد را می گیرد و کم کم تمام مسجد را به عنوان کار فرهنگی یا ورزشی به تصرف در می آورد و فقط قسمت کمی از مسجد برای برپایی نماز در اختیار نمازگزاران باقی می ماند، از جملهٔ این مساجد مسجد صفای نجف آباد است که بسیج، تمام شبستان آن را به صورت کلوپ ورزشی درآورده و میز تنیس، کیسهٔ بُکس و وسایل ورزشی دیگری را آورده است و خلاصه از مساجد و امکانات دیگر آن مثل آب، برق و گاز استفادهٔ ابزاری می کند؛ آیا این گونه استفاده از مساجد درست است؟ و آیا تکلیف ائمهٔ جماعات و مردم نسبت به آنها چیست؟

جواب: مسجد محلی برای عبادت و مراسم دینی و تبلیغی است و هر عملی که موجب شود مسجد از مسجدیت خارج شده و به صورت محلی برای کار غیر عبادی و تبلیغی در آید جایز نیست.

«سؤال ۳۵۲۲» زمینی از طرف مالک آن در اختیار این جانب قرار گرفت تا آن را تبدیل به مسجد کنم. در این زمین با کمک های مردمی و کمک خودم مسجدی ساخته شد، یعنی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۲۹۹

کل ساختمان با عنوان مسجد تکمیل شد، اما پس از تکمیل آن

فقط سیصد متر آن را مسجد اعلام کردم تا خانم های معذور برای شرکت در مراسم های مذهبیِ مسجد مشکل نداشته باشند. الآن چندین سال از آن می گذرد. آیا باید خودم در مسجد حاضر شوم و آن را به مردم تذکر دهم یا تکلیف دیگری دارم؟

جواب: اگر مالك زمین آن را برای وقف به عنوان مسجد در اختیار شما قرار داده است باید طبق نظر او همهٔ زمین را وقف مسجد کنید و یا نظر او را نسبت به کیفیتی که انجام داده اید جلب کنید، پس هر چند به طور ضمنی اجازه دهد قسمتی به عنوان مسجد وقف شود و بقیه به عنوان دیگری وقف شود اشکالی ندارد؛ ولی خوب است در هر حال کسانی را که دست اندرکار مسجدند در جریان کیفیت وقف قرار دهید، همچنین است نسبت به اموالی که مردم داده اند که اگر برای خصوص ساختن مسجد داده اند باید صرف همان جهت شود یا رضایت آن ها به دست آید.

«سؤال **۳۵۲۳**» آیا از اموال مسجد می توان برای دخترانی که از منزل فرار کرده اند استفاده کرد و آنها را به جای این که به مکان های فاسد بروند در مسجد اسکان داد؟

جواب: از اموالی که وقف مسجد یا غیر آن باشد نمی توان در غیر مورد وقف استفاده کرد و اصولًا استفادهٔ غیر عبادت از مساجد برای همگان مکروه است و در حال جنابت و حیض ماندن در مساجد حرام می باشد. اگر مسجد را از مسجدیّت خارج و به صورت محلی برای کار غیر عبادی و تبلیغی درآورند جایز نیست.

«سؤال **۳۵۲۴**» در یکی از محله های توابع اصفهان مسجدی قدیمی بود که در آن نماز جماعت اقامه می شد. به علت کمبود جا

و قدیمی بودن ساختمان مسجد، با همّت مؤمنین و خیّرین مسجد بزرگ تری در زمین های بایر اطراف مسجد قبل ساخته شد و ساختمان مخروبه شدهٔ مسجد قبلی را از بین بردند. متأسفانه زمین آن مسجد قدیمی در حیاط و جنب مسجد جدید قرار گرفت و هم اکنون در آن اشجار میوه و غیره کاشته می شود و به فضای سبز مسجد جدید تبدیل شده است. حال چند سؤال محضر مبارک مرقوم می شود:

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۰

الف: با توجه به کفایت مسجد جدید، تکلیف مسجد قدیمی چیست؟ آیا باید احیا شود ولو به صورت زمین مسطّح که قابل نماز خواندن باشد؟

ب: کشت کردن و درخت کاری در زمین مسجد چه حکمی دارد؟

ج: خرید و فروش سبزیجات یا احیاناً میوه های حاصله از زمین مسجد چه صورتی دارد؟ و درآمد حاصلهٔ آن، ملکِ چه کسی است؟

د: در صورت عدم جواز کشت و کار در زمین مسجد، خوردن سبزی و میوهٔ حاصله از آن توسط دیگران ولو مجاناً باشد چه صورتی دارد؟

جواب: اخراج زمین مسجد از مسجدیت جایز نیست و احکام مسجد نیز بر آن مترتب است. باید به صورت مسجدیت درآید هرچند صحنی برای مسجد جدید باشد و هر عملی که مانع از نماز خواندن در آن محل باشد جایز نیست و در عین حال درآمد حاصله از کشت و کار لازم است در مصالح مسجد صرف شود.

«سؤال ۳۵۲۵» در روستای قهریزجان واقع در شهرستان تیران و کرون، در یک منطقه، سه مسجد وجود دارد. وسعت یکی از مساجد به ۳۰۰۰ متر و دیگری به ۵۰۰ متر می رسد، ولی مسجد دیگر بسیار کوچک (حدود ۶۰ متر) و در

عین حـال به دلیـل مخروبه شـدن و قرار گرفتن بخشـی از آن در مسـیر و همچنین به دلیل عـدم نیاز اهالی، کاملًا صاف شـده و چنـدین سال است که اثری از آن باقی نمانده است. علاوه بر آن یک حسـینیه نیز در این روسـتا که جمعیت آن به دو هزار نفر هم نمی رسد وجود دارد. مستدعی است تکلیف اهالی این روستا را در قبال این مسجد بیان فرمایید.

جواب: مسـجد را نمی توان از مسـجد بودن خـارج کرده و در حـدّ امکـان بایـد آن را حفظ کرد و از این که به آن بی حرمتی بشود اجتناب شود.

وقف سهم مشاع

« سؤال ۳۵۲۶» در صـحت وقـف گفته می شود: قبض، معتـبر است. هر گـاه ملکی مشـاع بین چنـد نفر باشـد و یکی از مـالکین مشـاعی، سـهم خود را وقف کنـد، اسـتفادهٔ آن در جهت وقف، موقوف به رضـایت کلیـهٔ مالکین مشاعی است. در صورتی که آنان اجازه ندهند، آیا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۱

وقف به طور کلی از اعتبار می افتـد یا این که اصل وقفیّت تا رفع مانع به حال خود باقی است؟ آیا متولّی موقوفه قبل از این که قبض محقق شود می تواند سـهم وقف را افراز و بعد به تصرف وقف دهد؟ اگر ملک قابل افراز نباشد و بین مالکین و متولّی از همـان ابتـدا اختلاـف باشـد و رفع اختلاف، متوقف بر فروش ملک باشـد، آیا وجه حاصل از فروش بایـد در جهت وقف مورد استفاده قرار گیرد یا این که چون وقف محقق نشده به ورثه واقف تعلق می گیرد؟

جواب: وقف سهم مشاع صحیح است و نیاز به اجازهٔ شرکا ندارد و قبض آن نیز مانند قبض در بیع بوده و متوقف

بر تصرف فعلی نیست، بلکه همین که واقف از آن رفع ید کند و به نحوی در اختیار متولّی یا موقوف علیهم قرار دهد که آنان بتوانند با تحصیل رضایت شرکا و یا توافق با آنان در افراز آن از آن استفاده کنند، کافی است.

مسائل متفرقهٔ وقف

«سؤال ۳۵۲۷» در شهرستان پیربکرانِ اصفهان یک باب حمام قدیمی وجود دارد که حدود چهل سال قبل با پول مردم ساخته شده است و امروز محیط زیست اجازهٔ باز بودن این حمام را نمی دهد و شهرداری می خواهد آن را تصاحب کند؛ آیا می توان این حمام را فروخت و وجه آن را خرج حسینیه و یا مسجد کرد؟

جواب: اگر زمین حمام وقف حمام شده فروش آن به هیچ نحو جایز نیست و می توان آن را به صورت حمام مطابق مد روز ساخت تا مورد اعتراض محیط زیست قرار نگیرد و اگر وقف نباشد و از اموال عمومی است با توافق متولّی حمام و هیأت امنا و شورای شهر و اعلام عمومی می توانید آن را بفروشید و پول آن را صرف ساختن حمام در جاهای دیگر که نیاز به حمام دارند بکنید، زیرا بسیاری از روستاها حمام ندارند.

«سؤال ۳۵۲۸» یک قطعه زمینی حدوداً به مساحت هشتاد هزار متر مربع- طبق گفته بزرگان- وقف قبرستان روستاست، ولی وقف نامه ندارد؛ چون در روستا هزینهٔ خرید قبر وجود نداشته و ندارد و طبق اصول قبرستان شهر، اموات دفن نشده اند، لذا در دفن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۲

اموات از نظر زمین خیلی افراط وتفریط شده و حدود چهل هزار متر مربع از زمین بدون استفاده مانده و اموات در آن دفن نشده اند که می شود سال های متمادی

در بین قبور، اموات دفن کنند و با این که بر روی بعضـی از سنگ های قبور، اسامی ائمهٔ معصومین علیهم السلام و آیات قرآن نوشته شده، متأسفانه عبور احشام هم می شود؛ آیا اهالی می توانند مقداری از زمین را که بلااستفاده مانده، تا زمانی که لازم نباشد در آن اموات دفن شوند، اجاره داده یا خود در آن کشت کنند؟ و درآمد آن را صرف هزینهٔ دیوار کشی و محفوظ ماندن قبرستان فوق کنند؟

جواب: با حفظ عنوان وقفیت زمین برای قبرستان به وسیله ثبت در اسناد و کشت موقت یا اجارهٔ موقت آن به منظور مزبور با اذن متولّی و اگر متولّی ندارد با اذن حاکم شرع، مانعی ندارد.

« سؤال **۳۵۲۹**» در حدود پنجاه سال قبل مقداری زمین در شهر غزنی افغانستان از طرف شیعیان آن شهر جهت قبرستان خریداری گردیده و متعاقباً در حدود سی سال قبل در جای دیگری باز هم مقدار زیادی زمین جهت قبرستان از سوی مردم خریداری گردیده که روی هم رفته مازاد بر مقدار احتیاج اهالی غزنی افغانستان است. البته در چندین جای دیگر هم شیعیان (هر ناحیه برای خودشان) موقوفاتی برای قبرستان دارند و هنوز به این زمین خریداری شده نیاز نشده و دست نخورده باقی مانده است و از طرف دیگر نظر به ترکیب قومی و مذهبی آن منطقه که بخشی از مردم شیعه در جوار همین قبرستان زندگی می کنند نیاز مبرمی به مکتب دارند؛ آیا جایز است که در همین منطقهٔ دست نخورده از قبرستان یک باب مدرسه (مکتب) جهت تعلیم و تربیت اطفال مؤمنین احداث کنند؟

جواب: زمینی را که وقف قبرستان کرده اند تغییر مصرف آن جایز نیست و

اگر برای قبرستان نیاز نباشد آن را برای مدرسه اجاره کنید و مال الاجاره را به مصرف قبرستان یا تعمیر آن برسانید.

«سؤال ۳۵۳۰» همان گونه که قبلًا مستحضرید، یک باب خانهٔ موقوفهٔ حاج میرزا صادق نزدیک باغ ملی نجف آباد تا سال ۱۳۵۷ همه ساله در دههٔ آخر صفر یک دهه روضه خوانی در خانهٔ موقوفه برگزار می شد. بر اثر خرابی ساختمان، دیگر امکان این که

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۳

در آن خانه روضه برگزار گردد نبوده، لذا با اجازهٔ مرحوم آیت اللّه ایزدی روضه در حسینیه نصیر نزدیک همین محل برگزار می شد. اکنون ادارهٔ اوقاف خانه را یک مجتمع پزشکی ساخته و باز هم طوری ساخته که نمی شود در آن روضه برگزار کرد. تکلیف متولّی این موقوفه راجع به برگزاری روضه چگونه است؟

جواب: اگر ممکن است به نحوی در همان محل مجتمع پزشکی، روضه را بگیرند و اگر ممکن نیست در محل نزدیک تر مثل مسجد چهارسو روضه بگیرند.

«سؤال ۳۵۳۱» در سال های قبل، عده ای یهودی از شهر لار بیرون رانده شده اند و به منطقه جم آمده و بعد از صدو پنج سال زندگی در آن منطقه، هنگام بسیج یهودیان به فلسطین به آن جا کوچ کرده اند. هنگام ورودشان به روستای جم بعضی از اهل خیر در کنار روستای جم که فعلًا تبدیل به شهر شده زمینی را به آنها واگذار کرده که محل زندگی آنها باشد و آنها اقدام به خانه سازی کرده و در آن جا زندگی کرده اند. از جمله برای محل عبادت خود کنیسه ساخته اند که در آن عبادت می کردند. اکنون آن کنیسه از طرف بعضی از مسلمین تبدیل به خانه شخصی شده و اظهار می دارند که زمین به

عنوان اباحهٔ به یهودیان واگذار شده و به آنها تملیک نشده است.

آیا بر فرض اباحه، این تصرفات موجب ملک می شود؟ و اگر موجب ملک نباشد، آیا در ملک صاحب زمین باقی است یا این که هر کسی می تواند تصرف کند؟ و سؤال مهمتر در مورد کنیسه است که فعلًا خانه شخصی شده و مستلزم هتک است و شخصی غیر از مالک زمین آن را تصرف کرده و ورثهٔ مالک هرگز دربارهٔ واگذاریِ زمین صحبتی نکرده که قرینه بر تملیک یا اباحه باشد و اگر قرائن ملکیت غالب باشد و یهودیان در ملک خود کنیسه درست کرده اند، آیا می شود کنیسه تبدیل به خانهٔ شخصی گردد و از مسجدیّت خارج شود؟ در مورد اباحهٔ تصرف چطور؟

جواب: در مفروض سؤال، ظاهراً واگذاری زمین به یهود به نحو تملیک یا حداقل اباحهٔ مطلق تصرّفات حتی وقف برای کنیسه بوده است و یهود زمین را وقف برای آن کرده اند و در هر صورت بنابر احتیاط باید به مسجد تبدیل گردد و بر فرض عدم تملیک و عدم اباحه، زمین متعلق به ورثه مالک اوّلی است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۴

«سؤال **۳۵۳۲**» احتراماً معروض می دارد که ملکی سه طبقه در یکی از محلات تهران بوده که مالک آن قصد داشت در زمان حیات خود قسمتی از آن را وقف کند، ولی در حیات ایشان این امر محقق نشد. پس از فوت، ورثهٔ وی که تنها فرزند دختر و همسر ایشان بودند تمام ملک را وقف کردند. البته دختر آن مرحومه که در حال حاضر متولّی وقف هم می باشد معتقد است که در آن برههٔ زمانی که تازه یک هفته از فوت

مادرشان گذشته بود تحت تأثیر القائات پدر و تألمات شدید روحی که به واسطهٔ فوت مادرشان حاصل شده بود و با توجه به این که از لحاظ عاطفی تحت فشار بودند چنین تصمیمی را گرفته اند. خواهشمند است در خصوص پرسش های ذیل راهنمایی فرمایید:

۱- آیا با توجه به این که ایشان در زمان اجرای صیغه در محذور اخلاقی و عاطفی نسبت به پدرشان و فوت مادرشان قرار داشته اند، آیا وقف صحیح است؟

۲- با توجه به این که ایشان پس از اجرای صیغه از عمل وقف با آن شرایط (وقف تمام ملک) پشیمان شده و نظرش این بوده است که اگر وقف در مورد ۱۳ یا ۱۲ ملک مذکور صورت می گرفت ایشان رضایت داشت، ولی به صورت فعلی رضایت ندارد در حالی که تا قبل از آن هیچ تصرّفی در ملک صورت نگرفته بوده و منافع آن در موقوف علیهم صرف نشده بود؛ با توجه به این که ایشان مقلد حضرت امام بوده و پس از ایشان هم بر تقلید از ایشان به فتوای سایر مراجع تاکنون باقی مانده است، آیا پشیمانی ایشان در برگشت از وقف کافی است؟

۳- اصولًا قبض و اقباض معتبر در وقف در خانهٔ موصوف با توجه به شرایط گفته شده به چه چیزی محقق می شود؟ همچنین در چه صورتی می توان گفت: این ملک به تصرف متولّی داده شده است؟

۴- در حال حاضر نظر ایشان که متولّی است بر این است که اگر وقف برگشت داده شود و ابطال گردد هم اکنون صیغه جدیدی خوانده شود که مطابق آن ثلث یا نهایتاً نصف (۱۲) ملک مذکور وقف گردد یا این که همهٔ ملک وقف گردد، ولی برای ایشان

تا زمان حیاتشان ۷۰ درصد حق التولیه قرار داده شود و ۵۰ درصد هم برای متولّی بعدی، آیا با توجه به نکتهٔ فوق الذکر وقف قابل برگشت است یا خیر؟ در غیر این صورت حداکثر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۵

مقداری که می توان برای ایشان حق التولیه قرارداد چند درصد است؟

جواب: ۱- چون اجباری در کار نبوده و به اختیار مالک، وقف انجام شده وقف صحیح است و چون خود واقف متولّی قرار داده شده قبض حاصل شده است.

۲- با فرض این که قبض متولّی، حاصل شده و طبق آن عمل گردیده انصراف جایز نیست.

۳- با فرض تحقق وقف، هیچ گونه تغییری در آن جایز نیست و حق التولیه تابع عرف و مقدار زحمتی است که برای ادارهٔ آن صرف در مصارف معینه متحمل می شود.

«سؤال ۳۵۳۳» در منطقهٔ چالوس، تردید بر وقفیت رقبه ای وجود دارد. در این خصوص واقفی وجود نداشته و وقف نامه ای هم نیست و تولیتی هم نداشته و ندارد. در عوض شهرت و شیاع بر ملکیت آن وجود دارد و رفتار و عمل به وقف تاکنون از سوی اشخاص صورت نگرفته است؛ آیا این رقبه حکم وقف پیدا می کند؟

جواب: با فرض سؤال که دلیلی بر وقفیت وجود ندارد و شیاع هم برخلاف است حکم وقف بار نمی شود.

«سؤال ۳۵۳۴» شخصی وصیت کرده که قسمت معینی از املاک من وقف باشد، اما تا زمانی که همسر من زنده است از حاصل این قطعه زمین موقوفه استفاده کند و بعد از فوت او وقف باشد. بعد از مرگ شوهر همسرش سال ها در منزل یکی از فرزندانش زندگی کرده و از حاصل آن زمین استفاده ای نکرده است؛ آیا فرزندی که مادر در

منزلش بوده می تواند خرج سال های گذشته را که نسبت به مادر انجام داده از ورثهٔ دیگر مطالبه کند؟ آیا چنین وصیّتی واجب الوفا و نافذ است؟

جواب: تا همسرش زنده است حق استفاده از زمین را دارد، ولی پس از فوت او ملک را چنانچه زاید بر ثلث اموال میت نباشد باید وقف کرد، و اگر بیشتر است نفوذ وصیت نسبت به مقدار زاید بر ثلث تابع رضایت ورثه است، و پس از وقف استفاده را هم صرف موقوف علیه کنند و فرزند مذکور نیز حق مطالبه مخارج سال های گذشته را از سایر ورثه ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۶

«سؤال **۳۵۳۵**» در کنار محلهٔ ما مسجد کوچکی در گذشته بود که محل اجتماع اهالی بوده و اکثر تصمیمات در آن جا اتخاذ می شد و نیز محل استراحت شبانهٔ مسافران و اکثر مهمانان اهالی بود و گاهی نماز جماعت هم از قبیل نماز عید و ... در آن بر پا می شد به مرور زمان، خانه ها از کنار مسجد به جاهای دیگر منتقل شده و محله های آنها به زمین های کشاورزی تبدیل گردید. متأسفانه مسجد مذکور به خاطر دور افتادن از محلهٔ مسکونی، مخروبه گردیده و در و پنجره و چوب های به کار رفته در سقف، فرسوده شده و بعضی از آنها توسط افراد جاهل در سوخت و ... به کار رفته است.

حال با توجه به این که مسجد مذکور از حیّز انتفاع بیرون است و اگر تعمیر گردد به احتمال زیاد به سرنوشت مشابه دچار خواهد شد تکلیف آن مسجد و مکان های مشابه چیست و نسبت به زمین، خاک و ... آن چگونه اجازه می فرمایید؟

جواب: مسجد و دیگر مکان هایی که

برای جهتی وقف شده اند هرچند مخروبه شوند از مسجد بودن و یا موقوفه بودن خارج نمی شوند و تصرفات منافی با مسجدیّت و جهت وقف جایز نیست و سزاوار است هرچند به صورت ساده و بی آلا-یش و در حدّی که بتوان در آن نماز خواند اقدام به آباد کردن آن گردد تا برای کشاورزان اطراف یا عابران مورد استفاده قرار گیرد. در و پنجره و مانند آن نیز وقف است و چنانچه قابل استفاده برای آن مسجد و یا مساجد دیگر نیست می توانند با اجازهٔ متولّی یا حاکم شرع بفروشند و پول آن را صرف تعمیر همین مسجد کنند.

«سؤال ۳۵۳۶» شخصی متولّی زمینی بوده که پدران وی حاصل درآمد آن را وقف اطعام عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام کرده اند. این زمین هیچ گونه وقف نامه ای به صورت مکتوب نداشته و فقط از پدران شنیده شده که آن وقف است. آن مرحوم هم تا زمانی که زنده بود به وقف عمل می کرد. اکنون این زمین از حالت زیر کشت بودن خارج شده و دیگر امکان کشت در آن وجود ندارد و اطراف آن منطقه مسکونی شده و آب کشاورزی نیز قطع گردیده است؛ آیا فرزندان آن مرحوم مجازند با فروش این زمین قیمت آن را صرف ساخت مسجدی در همان محل کنند؟

جواب: خرید و فروش زمین موقوفه تا جایی که استفاده از آن به طریقی ممکن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۷

باشد جایز نیست و اگر استفاده از راه کشاورزی امکان نداشته باشد از راه دیگر مثلًا ساختمان ساختن و اجاره دادن می توانند عمل کرده و درآمد آن را صرف اطعام عزاداران کنند.

«سؤال ۳۵۳۷» برای بعضی مساجد

و حسـینیه هـا تعـداد زیادی ساعت و یا وسایل مسـتعمل و غیر مسـتعمل را وقف می کننـد. در صورتی که مسـجد لازم نداشـته باشد، آیا می توان قبل از عدم استفاده آنها را تبدیل به احسن کرد؟

جواب: اگر آنها را تملیک به مسـجد کرده انـد و متولّی مصـلحت بدانـد که آنها را تبـدیل کنـد اشـکال ندارد، ولی اگر وقف باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۳۸» حسـینیه ای در طرح خیابان واقع شده و مقداری از آن باقی مانده است و بناست مقداری پول بابت عقب نشـینی از طرف شـهرداری پرداخت شود؛ آیا می شود این پول را در جنب خیابان از زمین باقی ماندۀ حسینیه، مغازه ساخت و از اجاره آن خرج حسـینیه و خـادم و نمـاز جمـاعت و برق و آب پرداخت شود؟ و آیـا می شود بـا این پول زمینی در مکـان دیگر برای حسـینیه تهیه کرد، چـون زمین بـاقی مانـده جـواب گـو برای حسـینیه نیست و اطراف آن طوری است که امکـان توسعه وجود ندارد؟

جواب: پولی که می دهند در درجۀ اول باید صـرف توسـعۀ حسینیه شود و اگر توسعه ممکن نشد صرف تعمیر و بهسازی باقی ماندۀ حسینیه برای استفادۀ بهتر بشود.

«سؤال ۳۵۳۹» فردی سال ها پیش پس از فوت فرزندش قطعه باغی را وقف اولاد در اولاد می کند تا نسل های بعد از ثمرات و محصول این بـاغ اسـتفاده کرده و سـالی یک مقـدار هزینه در راه سیدالشـهدا علیه السـلام کننـد. پس از فوت واقف این باغ به برادر وی و پس از فوت وی نیز به اولاـد دخـتر و پسـر و برادرزادگـان واقف می رسـد. پس از اعلاـم ضـرورت سـنددار شـدن املاک، ملک مورد اشاره نیز صاحب سند شده و سند به اتفاق

نظر خواهر و برادر به فرزند خواهر (نوۀ دختری برادر واقف) منتقل می شود. صاحب سند اکنون فوت کرده است و هیچ گونه وقف نامه ای هم موجود نیست و وقف نامه نیز تاکنون به رؤیت کسی نرسیده و بنابر قولی در اوایل سال های ۱۳۰۰ معدوم شده، به دلیل آن که هیچ جایی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۸

نیز ثبت نگردیده است. حال سؤال این است:

اولًا: آیا با توجه به فوت فرزند واقف پیش از وقفِ زمین، آیا این وقف لازم الاجراست یا نه؟ چرا که موضوع وقف؛ یعنی اولاد فوت کرده و هیچ ورثه ای از اولاد نیز باقی نمانده است.

ثانیاً: با توجه به ارث رسیدن این زمین بین دختر و پسر و برادرزاده واقف، این زمین چنانچه وقف است، آیا بین دختر و پسر متوفی فعلی توزیع و تقسیم می شود؟

ثالثاً: آیا وقف اولاد در اولاد در صورت صحت وقف صرفاً به فرزند ذکور می رسد؟

رابعاً: با توجه به تغییر کاربری و نبود وقف نامه در صورت صحت وقف، اگر نتوان هیچ استفاده ای جز استفادۀ کشاورزی کرد تکلیف چیست؟

جواب: ۱- روشن است وقف برای اولاد در اولاد در فرض مذکور که واقف در زمان وقف و پس از آن فرزند یا نوادگانی نداشته است معنای صحیح و معقولی ندارد، مگر آن که قرائنی وجود داشته باشد که منظور، وقف اولاد در اولادِ ورثۀ او، یعنی برادر و خواهر و اولاد آنان بوده است همان طور که به احتمال قوی همین معنا، منظور واقف بوده است. در هر صورت اگر احراز شود که وقف به صورت اول بوده، باطل و بی اثر است و زمین مذکور حکم سایر ترکه را دارد و در صورت شک

در جهت وقف یا موقوف علیهم (البته اگر اصل وقف با شیاع مفید علم یا اقرار ذی الید و مانند آن اثبات شود) باید به مصرفی برسد که از بین موارد احتمال قدر متیقن نظر واقف است که بعید نیست در فرض مذکور قدر متیقن همان اولاد برادر و خواهر واقف، با لحاظ صرف مقداری از آن در جهت مراسم حضرت سیدالشهدا علیه السلام می باشد.

۲- در فرض صحت وقف و با توجه به آنچه در جواب اول گذشت ظاهراً زمین به همهٔ ورثهٔ نسل اول، یعنی به همهٔ فرزندان برادر و خواهر واقف می رسد.

۳- ظاهراً فرقی بین فرزندان ذکور و غیره نیست.

۴- استفاده در جهت کشاورزی مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۰۹

مسائل محجوران

«سؤال ۳۵۴۰» به استحضار می رساند که خانمی دچار بیماری آلزایمر (فراموشی شدید) شده و تشخیص خود را از دست داده اند. این خواهر مکرّمه زمینی در کنار مدرسه ای دارد و متولیان مدرسه برای ساخت نمازخانه به قسمتی از زمین فوق احتیاج دارند که بعضی از فرزندان این خواهر تمایل به فروش و یا وقف جهت نمازخانهٔ مدرسه را دارند؛ آیا فرزندان اجازهٔ دخل یا تصرف یا وقف زمین فوق را دارند؟

جواب: اگر نسبت به گذشته فراموشی دارد، ولی مشاعر او بجاست و می شود به او فهماند که زمینت را می خواهیم بفروشیم یا وقف کنیم و او با تشخیص اجازه داد مانعی ندارد، ولی اگر به طور کلی مشاعرش را از دست داده تصرف در زمین مذکور جایز نیست، مگر در صورتی که فروش آن صد در صد به نفع مادّی او باشد، یعنی به قیمت خوب بفروشید و فروختن هم از باقی گذاشتن

آن اصلح باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۰

مسائل مشاغل و درآمد

«سؤال ۳۵۴۱» گاهی دولت، برخی از کالاهایی چون برنج و چای را قاچاق اعلام می کند تا فروشندگان کالاهای ایرانی خرید و فروش کنند. اگر کسی چنین مواد غذایی و غیر غذایی را که دولت قاچاق اعلام کرده خرید و فروش کند چه حکمی دارد؟

جواب: حتی المقدور مقررات رعایت شود، ولی در حال ضرورت اگر عمل خلاف شرع نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۴۲» گرفتن سرکتاب و ... که جزء طلسمات، سحر و جادو است، آیا جایز است یا خیر؟ گرفتن وجه در قبال آن چه حکمی دارد؟

جواب: انجام کارهایی که از قبیل سحر و جادو باشد جایز نیست، ولی تفأل به آیات و اشعار و امثال اینها بدون اعتقاد به قطعیت آنها مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۴۳» آیا سحر و جادو وجود دارد؟ وسیلهٔ ابطال آن چیست؟

جواب: اصل سحر و جادو امکان دارد، ولی اثبات آن مشکل است و اگر در موردی مسلّم شد کسانی که اهل آن باشند می توانند آن را باطل کنند.

« سؤال ۳۵۴۴» آیا از قرآن کریم و روایات معصومان یا سیرهٔ آنان دلیلی بر مشروعیت حجامت وجود دارد؟ و در صورت مشروع بودن، آیا گرفتن اجرت در قبال انجام آن جایز است؟ و اگر از طریق حجامت آسیبی به فرد حجامت شده وارد شود ضامن کیست؟

جواب: هم مشروع است و هم نسبت به آن ترغیب شده است (وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، ص ۱۱۲، باب ۱۳) و اجرت گرفتن در قبال آن اشکال ندارد، ولی بهتر است قرارداد نکنند و انعامی باشد (وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، ص ۱۰۴، باب ۹) و اگر با رضایت شخص

انجام شود و حجّام تخصّص داشته باشد و مسامحه نکرده باشد ضمانت معلوم نیست «مٰا عَلَی الْمُحْسِنِینَ مِنْ سَبِیلٍ».

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۱

«سؤال ۳۵۴۵» معاینۀ جسد مرد توسط خانم و همچنین خانم هایی که در امور مربوط به تشریح جسد همکاری می کنند چه حکمی دارد؟

جواب: با وجود مرد و عدم ضرورت، تصدّی زن جایز نیست و حرام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۲

مسائل مسابقات و سرگرمی ها

«سؤال ۳۵۴۶» ملاک حلال و حرام بودن موسیقی چیست؟

جواب: ملاک، مناسب مجالس لهو بودن است و امری عرفی است.

«سؤال ۳۵۴۷» این جانب به اتفاق چند نفر از دوستان در حال فراگیری و آموزش ساز از انواع ترومپت (شیپور) بوده تا در ایام سوگواری ائمۀ اطهار علیهم السلام و در شهادت این عزیزان از آن استفاده کنیم. نظر جناب عالی در خصوص این نوع ساز چگونه است؟

جواب: اگر برای تنظیم اصوات و نغمات باشد و مناسب با مجالس لهو نباشد و موجب آزار دیگران نیز نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۴۸» یادگیری موسیقی دَف برای دختر ۲۱ سالۀ مجرد با شرایط زیر چه حکمی دارد؟

الف: زیر نظر مربی مرد مجرد.

ب: زیر نظر مربی مرد متأهل.

ج: شرکت در گروهای کنسرت موسیقی همراه با پسران مجرد و متأهل.

د: مواقعی که در شهر خود مربی وجود نداشته باشد و به شهر دیگری برود.

جواب: یادگیری آن نوع موسیقی که هم موارد استعمال حلال دارد و هم موارد استعمال حرام، به خودی خود اشکال ندارد مشروط به آن که تعلم آن مستلزم نواختن به نحو حرام نباشد، ولی در مواردی همانند موارد مذکور در سؤال که مظانّ مفسده باشد و احتمال عقلایی وقوع در فساد وجود داشته باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۴۹»

رقص و پایکوبی جوانان در اعیاد و میلاد معصومین علیهم السلام چه صورت دارد؟

جواب: علاوه بر این که بر حسب روایتی از نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مطلق رقص منع

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۳

شده، در مجالس منسوب به ائمه این کار نیز موهن است.

«سؤال ۳۵۵۰» نواختن آلات موسیقی و یا گذاشتن نوارهای موسیقی چه سنتی و غیر سنتی در مساجد و تکایا در اعیاد و میلاد معصومین علیهم السلام چه صورت دارد؟

جواب: مسجد محل مخصوص عبادت است و کارهایی که جنبهٔ عبادی نداشته باشد در مسجد مناسب نیست و اگر آلات موسیقی مناسب با مجالس لهو باشد جایز نبوده و حرام است.

«سؤال ۳۵۵۱» آیا در اسلام موسیقی حلال و حرام وجود دارد؟ ملاک تشخیص کدام است؟

جواب: هر آواز و صدایی که مناسب با مجالس لهو و طرب باشد در اسلام ممنوع و حرام است

«سؤال ۳۵۵۲» در مناسبت های شاد، مثل اعیاد و عروسی ها مسلمانان بعضی از مناطق، تعدادی از اسب سواران را جمع کرده و بز یا گوساله ای را ذبح می کنند و جسد آن را در میدان شهر در نقطه ای معیّن قرار می دهند و اعلام می کنند هر کس توانست این جسد را بردارد و در این مسیر خاص سه دور بچرخاند و در دور آخر آن را به این نقطهٔ خاص پرتاب کند برندهٔ مسابقه است و حیوان ذبح شده مال اوست. اینان یقین دارند که در چنین مسابقه ای با مخاطرات سختی مواجه خواهند شد از جمله سقوط از اسب، قرار گرفتن زیر سم اسب های دیگر، برخورد با کوه، سقوط از کوه و ... با این شرایط، آیا شرکت

در چنین مسابقه ای جایز است؟ و اسلام این مسابقه را حلال می داند؟

جواب: بازی مورد سؤال اگر در آن عادتاً احتمال عقلایی ضرر مهم و غیر قابل تحمل باشد، جایز نیست؛ و در غیر این صورت اشکال نـدارد. و در صورت جواز، گرفتن جایزه و حیوان ذبح شده و مانند آن در صورتی برای برنده حلال است که از طرف فرد یا افرادی غیر از اسب سواران باشد.

«سؤال ۳۵۵۳» در بعضی روستاها مسابقاتی از قبیل: جنگ خروس ها یا جنگ سگ ها به راه انداخته و صاحبان آنها بر سر آنها شرط گذاری می کنند؛ آیا این شرط گذاری حلال است یا حرام؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۴

جواب: اصولًا این گونه کارها کار درستی نیست؛ و اگر شرط بندی کنند جایز و مشروع نیست.

«سؤال ۳۵۵۴» آیا سبق و رمایه در خودروهای جدید و تفنگ های شکاری جایز است؟

جواب: جواز مسابقه با شـرط بندی نسبت به تفنگ و هر ابزار جنگی که در دفاع و جنگ کارآیی داشته باشد بعید نیست و در ماشـین های جدید، مسابقهٔ بدون شرط بندی و با اطمینان از عدم تضرر جسمی و روحی مانعی ندارد، هرچند اگر شخص ثالث یا دولت جوایزی اهدا کند اشکال ندارد.

« سؤال ۳۵۵۵» نظر حضـرت عـالی در مـورد پـاسور چیسـت؟ در مـوردی کـه از آن فقـط برای سـرگرمی اسـتفاده کنیم تکلیف چیست؟

جواب: اگر پاسور عرفاً از آلات قمار محسوب باشد بازی با آن حتی بدون برد مالی محل اشکال است.

«سؤال ۳۵۵۶» دلایل استفاده نکردن از شطرنج را از نظر شرع بیان فرمایید؟

جواب: در اخبار وارده از ائمهٔ اطهار علیهم السلام که ظاهراً به حدّ تواتر است و با تعبیرات بسیار تند از

آن نهی شـده است. فقـط اگر فرضـاً در سـطح جهانی از آلت قمار بودن به طور کلی خارج شـده باشـد می توان گفت: مانعی ندارد. به علاوه این قبیل امور معمولًا انسان را از کارهای مهم و اساسی باز می دارد.

«سؤال ۳۵۵۷» بـازی کردن بـا شـطرنج، پـاسور، بیلیـارد چه مسـتقیم و چه غیر مسـتقیم (از طریق رایانه) و نگاه کردن، همکاری کردن، یاد دادن و یاد گرفتن این بازی ها چگونه است؟

جواب: بازی با هر وسیله ای که وضع آن برای قمار است جایز نیست هرچند بنابر احتیاط به قصد سرگرمی و بدون شرط بندی باشد، ولی وسایلی که فعلًا در نظر مردم وسـیلهٔ قمار محسوب نمی شوند بازی با آن ها مشـروط به آن که همراه با شـرط بندی نباشـد، اشـکالی نـدارد و هر کاری که کمک به بازی با آلات قمار و یا تشویق به آن محسوب گردد اشـکال دارد و تشـخیص مصـادیق بـا خود مکلفین است و این مسـأله در بـازی های کامپیوتری نیز صادق است و اگر وضع آن برای قمار کردن باشـد و معمولًا با

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۵

آن قمار می شود، بازی با آن اشکال دارد.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۳۱۵

«سؤال ۳۵۵۸» یکی از ورزش هایی که قبل از انقلاب رواج داشت (بیلیارد) است و چون در آن برد و باخت بود بعد از انقلاب این ورزش ممنوع شـد، امـا با گـذشت زمان این ورزش از آلت قمار خارج و به یک ورزش و تفریـح سالم درآمـده است؛ آیا فعالیت مراکزی که در آن ها این گونه فعالیت ها انجام می گیرد اشکال شرعی دارد؟

جواب:

به طور کلی آلات و ادواتی که برای قمار ساخته شده اند بازی با آنها ولو بدون برد و باخت مالی باشد محل اشکال است، ولی اگر به نظر عرفی در سطح جهانی از آلت قمار بودن خارج شده است و فقط برای ورزش فکری بدون برد و باخت از آنها استفاده می شود اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۵۹» آیا بازی کردن با نرم افزارهای کامپیوتری، بازی هایی که آلت قمار محسوب می شوند بدون قصد برد و باخت و تنها برای سرگرمی حرام است؟

جواب: بازی کردن خود شخص به تنهایی دلیلی بر حرمت آن نداریم، ولی بازی کردن با دیگری با صدق وسیله قمار بر آن اشکال دارد هرچند مالی ردّ و بدل نشود.

«سؤال ۳۵۶۰» در برخی از ورزش های رزمی، مثل کاراته، تکواندو و ... ممکن است ورزشکار بداند که در این ورزش آسیب خواهد دید؛ آیا با توجه به علم به ضرر، چنین ورزشی جایز است؟

جواب: اگر اضرار به نفس صدق کند جایز نیست.

«سؤال ۳۵۶۱» حضور داوران زن برای مسابقات ورزشیِ مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مستلزم نگاه به بدن مرد نامحرم یا مفسده ای مانند تهییج و تحریک شهوانی باشد، اشکال دارد.

«سؤال ۳۵۶۲» مدتی است که مسؤولین ورزشی، قصد راه اندازی ورزش کشتی بانوان را دارند؛ آیا بنده به عنوان خبرنگار، حق توسعه و ترویج این رشته برای بانوان در مطبوعات را دارم؟

جواب: اگر اشاعهٔ خبر و ترویج آن رشته، موجب فحشا و حرام دیگری نباشد مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۶

«سؤال ۳۵۶۳» استفاده از مواد نیرو زا برای ورزشکاران چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر قابل توجه برای بدن یا تقلب در مسابقه و تضییع حق

دیگری باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۶۴» اخیراً برخی از افراد در محافل و مجالس گوناگون برای سرگرمی با جوک گفتن و تمسخر اقوام مختلف، موجب خنده و یا موجب ناراحتی عده ای می شوند؛ آیا از باب مسرور کردن مؤمن است یا از باب غیبت و آزار مردم؟

جواب: اگر جوک و شوخی مستلزم هتک حرمت یا ناراحتی افراد بشود جایز نبوده و حرام است.

«سؤال ۳۵۶۵» نظر جناب عالی را در مورد استفاده از اینترنت و قانون محدودیت آن چیست؟

جواب: چند روز پیش نیز از کانادا در رابطه با «اینترنت در ایران» از من سؤال شده بود و من جواب دادم. این جانب که اینک بیش از هشتاد سال دارم، به یاد دارم هنگامی که بچه بودم تازه رادیو در ایران پیدا شده بود و بسیاری از بزرگان و افراد علاقه مند به دین و اخلاق، آن را تحریم می کردند و می گفتند: موجب فساد جامعه می شود؛ ولی به تدریج در همه یا اکثر خانه ها و محافل پیدا شد و جنبهٔ عمومی پیدا کرد و تحریم ها بی اثر، بلکه نتیجهٔ معکوس داشت؛ زیرا

«الانسان حریص علی ما منع

؛ انسان بر آنچه منع شود حریص می شود». سپس نوبت به «تلویزیون»، «ویدئو» و بعد به «ماهواره» و اینک به «اینترنت» رسیده است و قشرهایی از جامعه با آنها مخالفت می کنند و در این جهت اصرار دارند؛ غافل از این که اگر چه از این آلات و ابزار بسا در کارهائی سوءاستفاده می شود، ولی در تربیت جامعه و پیشرفت علم و فرهنگ و اخلاق و آگاهی و اقتصاد نیز بهره های بسیاری از آنها برده می شود.

این که با ابزار و آلات مفید مبارزه کنیم کار غلطی است و اثر معکوس

دارد. ابزار و آلات که گناه ندارنـد و مبارزه با آنها یک حرکت غیر علمی و قسریِ موقت است و با وسعت ارتباطات جهانیِ امروز و استقبال جهـان از آنهـا تحریمشان چیزی جز شکست و عقب مانـدگی در پی نـدارد، بلکه بایـد آنها را توسعه داده و تکمیل کرد. البته

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۷

لازم است دانشمندان، نخبگـان و رهبران جامعه آنها را در مسیر صحیح قرار داده و برایشان برنامه های خوب و سازنـده و با ارزش تهیه کنند و نیز در راه پیشرفت علم، فرهنگ و بالا بردن سطح آگاهی مردم و منافع مادّی و معنوی جامعه آنها را به کار گرفته و با تبلیغات صحیح و عاقلانه- و نه آمرانه و خشونت بار- جامعه را متوجه سوءاستفاده ها کننـد و اگر کسانی علناً و در خارج از منازل شخصی سوء استفاده می کننـد جلوی آنها را بگیرند. از همهٔ نعمت های الهی ممکن است سوء استفاده شود، آیا ما باید با همهٔ نعمت های خداوند- به بهانهٔ سوءاستفاده از آنها- مبارزه کنیم و آنها را تحریم کنیم؟!

«سؤال ۳۵۶۶» در سایت جناب عـالی جوابیه ای مبنی بر نظر آن جنـاب در مورد استفاده از ماهواره و اینترنت مشاهـده کردم. حـال بـا توجه به در نظر گرفتن سن و سـال و مجرد و متأهـل بودن افراد، آیا حکم آن تفاوت دارد؟ و آیا موسیقی مطلقاً حرام است؟ و نگاه به فیلم های زننده برای افراد میان سال که آثار سویی برایشان ندارد جایز است یا نه؟

جواب: مـاهواره و اینترنت با رادیو و تلویزیون تفاوت ندارنـد؛ همـهٔ این آلات، هم برنامـهٔ حلال دارنـد و هم برنامـهٔ حرام؛ باید فرهنگ دینی را در جامعه

تقویت کرد تا سوء استفاده نکنند. تحریم آلات دردی را دوا نکرده، بلکه افراد را حریص تر می کند.

از همهٔ نعمت های الهی ممکن است سوء استفاده شود، آیا می توانیم مثلًا خرید و فروش انگور یا کشمش را تحریم کنیم چون ممکن است برخی افراد با آنها مشروب درست کنند؟! و پیر و جوان و متأهل در این حکم تفاوت ندارند.

ضمناً هر موسیقی حرام نیست؛ در خصوص غنا نهی صریح وارد شده و آن هر صدا و آهنگی است که مهیّج شهوت جنسی بوده و یا تعادل عقل را برهم زند.

فیلم های زننده اگر مشاهدهٔ آنها موجب وقوع در حرام از قبیل استمناء یا زنا و امثال اینها گردد جایز نیست و بالاخره با وسعت ارتباطات جهانی، تحریم آلات دردی را دوا نمی کند.

«سؤال ۳۵۶۷» برخی از جوانان از نوارها و فیلم های مبتذل استفاده کرده و می گویند ما به موارد خلاف آن توجه نداریم؛ آیا مورد تحریک قرار نگرفتن و عدم استفاده از موارد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۸

خلاف شرع و عرف می تواند دلیل کافی باشد؟

جواب: استماع صدا و آوازِ لهوی که مناسب مجالس فسق و فجور باشد مطلقاً حرام است چه کسی را تحریک بکند یا تحریک نکند، مثل شراب که حرام است چه کسی مست بشود یا در اثر اعتیاد مست نشود و همچنین است دیدن فیلم هایی که موجب فساد یا ارتکاب گناه می شود.

«سؤال ۳۵۶۸» خواندن کتاب هایی که دارای لطایف و مطالب شهوت آمیز باشد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تحریک آمیز و منجر به خلاف شرع باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۶۹» آیا عکس برداری و فیلم برداری توسط موبایل های جدید که مجهز به دوربین هستند بدون اجازه از اشخاص اشکال دارد؟ و

اگر رضایت داشته باشند چه حکمی دارد؟

جواب: با وجود شاهد حال بر رضایت، مانعی ندارد و گرنه محل اشکال است بویژه در صورت منع طرف.

«سؤال ۳۵۷۰» کارت هایی معمول شده که بر روی آن عکس های ورزش کاران و یا وسایل نقلیه چاپ شده است و بچه ها با آنها قمار بازی می کنند؛ آیا این کارت ها مالیت دارند و آیا از بین بردن آنها جایز است و آیا جلوگیری از بازی با آنها واجب است؟

جواب: آلاتی که برای قمار ممحّض است شرعاً ملکیت ندارند و اتلاف آنها واجب است و ضمان آور نیست، ولی آلات مشترکه چنین نیست و بجاست به منظور عدم اعتیاد فرزندان، از استفادهٔ آنها جلوگیری شود.

«سؤال ۳۵۷۱» در برخی از مجالس شادی، مثل عروسی و ...؛ بعضی از متشرعین از آلت موسیقی استفاده نکرده و به جای آن بر روی میز می کوبند و برخی هم کف می زنند؛ آیا این عمل منعی دارد؟

جواب: کف زدن و روی میز کوبیدن در جلسه عروسی اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۷۲» خواندن مطالب جنسی در اینترنت چه حکمی دارد؟ آیا ما می توانیم بعد از ازدواج برای ترغیب زن از فیلم های جنسی استفاده کنیم؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۱۹

جواب: خواندن و یا دیدن مطالب مذکور در صورتی که موجب وقوع در حرام و یا فسادی مانند بی رغبتی به همسر خود، اختلال ذهن و پریشانی خاطر گردد جایز نیست و معمولاً هم مطالب مزبور خالی از چنین مفاسدی نیست.

هنرها

«سؤال ۳۵۷۳» امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی، مظاهر گوناگون از تمدن و هنر را در اشکال مختلف مثل نمایش، فیلم و تصویر برای بشریت به وجود آورده است. اصولاً نظر اسلام با چنین

پیشرفتی که به طور کلی زندگی اجتماعی امروزه را متحوّل و با اعصار گذشته متمایز ساخته است چیست؟

جواب: تجربه نشان داده که اثر نمایش و فیلم و تصویر در افکار عمومی و تربیت جامعه از گفتار و نوشتار به مراتب بیشتر است. و به تعبیر دیگر، مشاهده و احساس معمولًا بیش از تفکر و تعقل در جامعه اثر محسوس دارد. دین مقدس اسلام هرچند بر حسب رعایت مصالح و اهداف آفرینش انسان، برای زندگی بشر معیارهایی را مشخّص کرده، به گونه ای که روش و رفتار او در زندگی با تکامل روحی و سعادت ابدی اش سازگار و یا در تضاد نباشد، ولی هیچ گاه شکل خاصی را برای زندگی ترسیم نکرده است؛ هنر نیز یکی از نیازها و جلوه های زندگی است که در ساخت انسان ها و شکوفایی استعدادهای درونی آنان نقش بسزایی دارد و با پیشرفت علم و تکنیک و تغییر شرایط زمانی، مکانی و محیط اجتماعی طبعاً تکامل در جلوه های هنر نیز ضرورت خود را نشان می دهد. اسلام با تنوّع و تفنّن در اشکال و مظاهر زندگی مخالف نیست؛ بلکه با تکامل علم و تکنیک هماهنگ بوده و گرنه نمی توانست خاتم ادیان الهی باشد.

ملاک حرمت غنا

«سؤال ۳۵۷۴» غنا به چه چیزی اطلاق می شود و فلسفهٔ حرام بودن آن چیست؟

جواب: از غنا و از استعمال آلاتی که مناسب مجالس لهو و فحشاست اجتناب

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۰

کنید. مقصود از غنا غلطاندن صدا در گلوست به گونه ای که این کیفیت انسان را معمولًا از حالت عادی خارج کرده که زیاد طرب انگیز و یا زیاد غمبار است و مجرد خوب بودن صدا اشکال ندارد و به

نظر این جانب غنای زن مغنّیه در شب عروسی برای خصوص زنان مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۷۵» گفته می شود حضرت عالی در مورد غنا نظرتان این است که غنا یک امر محتوایی است و اگر چیزی خوانده شود که محتوای بدی داشته باشد حرام است. در غیر این صورت آیا اگر با همان آواز خوانده شود و لهو نباشد حلال است؟

جواب: بر حسب آنچه از برخی اخبار مسأله استفاده می شود و بعضی از بزرگان به آن فتوا داده اند، حرمت غنا در اثر بطلان و لهو بودن محتوای کلام و مقارنات خارجی آن است نه کیفیت صدا، ولی بنابر احتیاط واجب از هر صدایی که تُن و زیر و بم آن محرک شهوات و مناسب مجالس فسق، لهو و رقص باشد، اجتناب شود و در صورت شک مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۷۶» گوش دادن به سازهای موسیقی در صورتی که نه تنها مفسده ای بر آن بار نشده، بلکه پس از گوش دادن به آن باعث یاری مستمندان، عیادت بیماران، زیارت اهل قبور و ... می شود چه حکمی دارد؟

جواب: هر موسیقی حرام نیست اگر موسیقی مناسب مجالس لهو، فسق و فجور و یا موجب تحریک شهوانی و یا عدم تعادل عقلی انسان نشود گوش دادن به آن مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۷۷» در مورد حرمت موسیقی و غنا فرموده اید: در جایی حرام است که شهوت انگیز باشد و در برخی موارد معیار را در مفسده انگیز بودن آن قرار داده اید.

پرسش این است که:

الف: مقصود از شهوت انگیز چیست؟ آیا صرف این که شنونده از موسیقی لذت برده و یا این که او را به رقص درآورد مصداق شهوت انگیز است و یا مقصود این است که شنونده تحریک جنسی شود؟

ب: اگر

موسیقی صرفاً شهوت انگیز باشد، اما هیچ مفسده ای به دنبال نداشته باشد مثل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۱

این که زن و شوهر شنوندهٔ آن باشند و یا این که راننده در نیمه شب هنگام رانندگی بدان گوش می دهد، آیا باز حرام است؟

ج: خیلی از موسیقی های شهوت انگیز برای مرتبهٔ اول و دوم و حداکثر تا مرتبهٔ سوم برای شنونده مؤثر است، اما از مرتبهٔ چهارم به بعد در شنونده از آن جهت هیچ اثری ندارد و صرفاً نوعی سرگرمی برای او محسوب می شود؛ در این صورت آیا گوش دادن به چنین موسیقی برای دفعات اول حرام است یا به طور مطلق گوش دادن بدان حرام می باشد؟

جواب: هر نوع آواز، آهنگ و موسیقی که عرفاً مناسب مجالس فسق، فجور، لهو و لعب باشد که طبعاً برای نوع مردم محرک شهوت شناخته می شود، حتی اگر برای فرد خاصی نه تحریک کننده و نه موجب مفسده و تنها سرگرمی او باشد، اشکال دارد و نیز اگر مضمون آن مشتمل بر مضامین باطل، دروغ و اهانت باشد، ولی اگر عرفاً مناسب مجالس لهو و لعب شمرده نشود و مشتمل بر مضامین باطل و فاسد نیز نباشد حرام نیست، مگر آن که برای فردی به نحوی تحریک کننده باشد که او را در معرض فساد قرار دهد که در این صورت برای او حرام است و صرف لذت بردن موجب حرمت نمی شود.

«سؤال ۳۵۷۸» در مورد رقص و موسیقی و این که نباید انجام شود دلیل های قانع کننده ای می خواهم، که واقعاً چرا این عمل، یعنی رقص نباید باشد؟ چون فکر می کنم هر چیزی بستگی به نیت انسان از انجام عملی دارد، حال آن عمل رقصیدن باشد

یا همان لباس پوشیدن ساده؟

جواب: خوبی و بـدی هر چیزی بسـتگی به نیت انسان نـدارد. بعضـی چیزها ممکن است اصولًا دارای مفاسد اجتماعی یا فردی باشـد که شـارع مقـدس از آن جهت آنها را حرام یا مکروه کنـد، مثلًا بـدی قتل نفس، تهمت، غیبت و امثال اینها متکی به نیت انسان نیست. موسیقی اگر از آن نوع باشد که مهیّج شهوت جنسی و موجب فساد اخلاق و تباه شدن عقل و شرافت انسان باشد برای فرد و جامعه ضـرر دارد و دین از آن منع کرده است و اگر از این نوع نباشـد ضـرری نـدارد و قهراً حرام هم نخواهـد بود. حرمت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۲

رقص به طور مطلق دلیل قطعی ندارد، فقط مطابق روایتی معتبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی فرموده است؛ لذا در غیر مورد رقص زن برای شوهر احتیاط در ترک آن است.

«سؤال ۳۵۷۹» آموزش موسیقی های آرام بخش و یوگا و کلاسیک حلال است یا حرام؟

جواب: هر موسـیقی حرام نیست، موسیقی هایی که محرک جنسی است یا انسان را از حال عادی و عقلانیت خارج می کند به گونه ای که نمی توانـد خود را کنترل کنـد حرام است. در عین حـال خودتـان را به موسـیقی عادت ندهیـد که شـما را از همهٔ کارهای مفید باز می دارد و وقت خود را بیشتر صرف مطالعهٔ کتب ارزنده کرده و بر علم و دانش خود بیفزایید.

«سؤال ۳۵۸۰» نظر خود را در مورد آواز زن چه با موسیقی و چه بدون موسیقی و در مجالس طرب و غیر طرب بیان فرمایید؟

جواب: صدای زن اگر عادی باشد و تهییج آمیز نباشد

شنیدن آن مانعی ندارد.

غنای زن نیز در مجلس عروسی برای زنان در صورت عدم حضور مردان طبق حدیث معتبر مانعی ندارد.

«المغنیه التی تزفّ العرائس»

حضرت زهرا و حضرت زینب کبرا علیهما السلام در میان مردان سخنرانی کردند.

«سؤال ۳۵۸۱» خواندن اشعار توسط مداحان اهل بیت در مورد صفات و بیان سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام با لحن موسیقایی (و نه همراه با موسیقی) همراه با دست زدن مستمعین چه حکمی دارد؟

جواب: خواندن با لحن اگر غنا نباشد و مناسب با مجالس لهو و دانس نباشد اشکال ندارد و مجرد دست زدن نیز حرام نیست.

«سؤال ۳۵۸۲» این جانب در یک آموزشگاه مشغول آموزش دف می باشم؛ آیا آموزش آن برای این جانب اشکال دارد؟ البته پدرم از عمل من ناراضی است، بفرمایید وظیفهٔ من چیست؟

جواب: استعمال دف اشکال دارد. بنابراین از یاد دادن و یاد گرفتن آن هم باید خودداری شود و آزار و اذیت پدر و مادر حتی در مورد کارهای حلال و مباح هم حرام است چه رسد به حرام.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۳

«سؤال ۳۵۸۳» در منزل ما هر ساله مراسمی زنانه هست که خانمی می آید و همراه دف زدن از اهل بیت می خواند و مجلس نورانی ای است. می خواستم بدانم آیا اشکال دارد؟ البته هیچ مردی نیست و گوش نمی دهد.

جواب: خواندن زن برای زنان اگر غنا نباشد اشکال ندارد، ولی دف زدن محل اشکال است. در حدیثی وارد شده که: «ملائکه داخل نمی شوند در اتاقی که در آن شراب یا دف یا طنبور یا نرد باشد و دعای آنان مستجاب نشده و برکت از آنان برداشته می شود».

«سؤال ۳۵۸۴» خواندن مولودی همراه دست زدن و ... چه حکمی

دارد؟ و آیا در مساجد جایز است این گونه مولودی ها خوانده شود؟

جواب: اماکن مذکوره مخصوصاً مساجد، محل عبادت و خضوع در پیشگاه باری تعالی است و با کف زدن مناسبت ندارد گرچه کف زدن به خودی خود اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۸۵» موسیقی و مجالس مولودی که با دست زدن همراه است و نیز مجالس عزاداری که باعث از خودبی خود شدن می شود؛ همچنین صوفی گری ها و شطرنج چه احکامی دارند؟

جواب: تشکیل مجالس مولودی و مدیحه خوانی با نغمه هایی که مشتمل بر غنا نباشد و دست زدن در آن مجالس مانعی ندارد و تشکیل مجالس عزاداری نیز اگر مشتمل بر غنا و آلات لهو نباشد اشکال ندارد. برخی کارهای باطل و صوفی گری در کتاب و سنّت مبنا و اساسی ندارد و در اخبار کثیره از شطرنج نهی شده است، مگر این که فرض کنیم به طور کلی در جهان از آلت قمار بودن خارج گردیده و در حقیقت موضوع عوض شده باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۴

مسائل معاشرت

«سؤال ۳۵۸۶» برای مسلمانانی که در خارج از ایران (مثلًا کانادا) زندگی می کنند، پایبندی به قوانین کشور محل سکونت تا چه حدّ ضروری است؟ برای مثال با عدم اظهار قسمتی از درآمد به دولت می توان مالیات کمتری پرداخت کرد؛ آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکال دارد، مخصوصاً اگر به نام اسلام و مسلمان ها باشد؛ گرچه اظهار واقع واجب نیست و قوانینی که در جهت نظم و عدم اختلال جامعه وضع شده است باید رعایت شود و علاوه بر آن نباید طوری عمل شود که مسلمانان در مظان اتهام و توهین قرار گیرند.

«سؤال ۳۵۸۷» این جانب کارمند پزشک قانونی ام و در مرکزی که ما مشغول

به کاریم یک نفر از آقایان هست که می توانـد معاینـهٔ جسد و کالبد شـکافی را انجام دهد و در اتاق تشـریح، مجبور به بسـتن در، یا قفل کردن آن می باشیم. حضور یک خانم کارمند با یک پزشک مرد و یک جسد در اتاق چه حکمی دارد؟

جـواب: در فرض سـؤال، تصـدّی زن برای تشـریح جسـد مرد نـامحرم در غیر موارد ضـرورت جـایز نیست و اجتمـاع زن و مرد نامحرم هم در جای خلوت که در بسته یا جایی که رفت و آمد نباشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۸۸» کسانی که از نظر مالی به حدّ فقر شدید رسیده اند؛ آیا می توانند از شخصیت های دولتی خارجی نظیر امریکا یا افراد ایرانی (فراریـان از ایران، مثـل خواننـده هـا و سـرسپردگان زمـان شـاه) کمـک بخواهنـد بـا این که در ایران ممکن اسـت مددجویان فراوانی یافت شود؟

جواب: اگر کارهای خلاف شرع نباشد مانعی ندارد، ولی باید مصالح جامعه و کشور رعایت شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۵

«سؤال ۳۵۸۹» ارتباط و دوستی پسر و دختری که قصد ازدواج دارند چه حکمی دارد؟

و اگر شخصـی مقلـد مرجعی باشـد که نکـاح معاطاتی را جایز می دانـد، طبق فتوای این مرجع آیا روابط دختر و پسـر در مورد فوق حلال است؟

جـواب: دوسـتی قبـل از ازدواج غالبـاً خـالی از خطر و اشـکال نیسـت. بله، مجرد ملاقـات و صـحبت به منظـور به دست آوردن موافقت اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۹۰» اختلـاط و گردش جوانـان فامیـل (پسـر و دخـتر) بـا یکـدیگر که ممیزنـد چگونه است؟ اگر موجب جلب توجه دیگران و سوء ظن گردد و آنها را در محل تهمت قرار دهد چگونه است؟

جواب: گردش با نامحرم اگر مستلزم خلاف شرع و مفسده باشد

جایز نیست.

«سؤال ۳۵۹۱» آیا رابطۀ دوستی بین یک پسر و دختر که واقعاً قصدشان ازدواج با یکدیگر در آینده است و به همین قصد با یکدیگر دوست شده اند محل اشکال است؟

جواب: قبل از اجرای صیغۀ عقد ازدواج «رابطه» تنها با رعایت مقررات شرعی جایز است؛ ولی می توانند برای اجتناب از محذور ارتکاب حرام، با رعایت مصالح و احتیاطاً با اذن پدر دختر به عقد موقت همدیگر درآیند و نیز می توانند ضمن عقد، رابطۀ خود را محدود به شرایط و حدود خاصی کنند. البته در صورتی که به عقد موقت همدیگر درآیند، اگر قبل از پایان مدت آن، بخواهند به عقد دائمی همدیگر درآیند، ابتدا مدت باقی مانده را شوهر ببخشد و سپس به عقد دائم درآیند.

«سؤال ۳۵۹۲» لطفاً بفرمایید حکم «چت» بین مرد و زن نامحرم که امروزه معمول شده چیست؟

جواب: چت کردن مرد و زن نامحرم اگر همدیگر را نبینند و یا نشناسند، ارتباط آنان با یکدیگر دربارۀ مسائل اخلاقی و جنسی نباشد و نیز موجب تحریک و تهییج شهوانی یا سُست شدن کانون خانواده و یا در معرض اتهام قرار گرفتن نباشد مانعی ندارد؛ و اگر همدیگر را ببینند و بشناسند علاوه بر شرایط مذکور باید حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کنند و نگاه به قصد لذت و یا محرک نباشد.

«سؤال ۳۵۹۳» حکم چت کردن با دیگران چگونه است؟ اگر چت کردن با دختران هم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۶

دانشگاهی باشد در مورد وقایع روز مره اجتماعی و یا مسائل درسی و یا حتی بحث های دیگر چه اشکالی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب اسلامی و پرهیز از امور محرک و مهیّج جنسی

و عدم ترتب فساد، مانعی ندارد و همچنین است مکالمات و مباحثات حضوری.

«سؤال ۳۵۹۴» آیا رابطهٔ پسر با دختر از طریق اینترنت صحیح است؟

جواب: رابطهٔ علمی و سؤال و جواب با حفظ حجاب اسلامی و عدم ترتّب فساد بر آن مانعی ندارد و اگر چت و مشاهدهٔ یکدیگر در کار نباشد حجاب هم لازم نیست.

«سؤال ۳۵۹۵» آیا پسری می تواند دوست دختر داشته باشد؟

جواب: اگر دوست گرفتن به معنای داشتن ارتباط نامشروع یا ارتباطی که زمینهٔ عمل نامشروع و فساد است و یا موجب اتهام به آن گردد، جایز نیست.

«سؤال ۳۵۹۶» معمولًا در دانشگاه ها دختران با صورت های آرایش کرده و لباس های نامناسب حضور می یابند. تکلیف ما پسران در برخورد با آنها چیست؟

جواب: باید از نظر کردن عمدی به آنان اجتناب شده و حتی الامکان از راه های مؤثر به آنها تذکر داده شود ولی نه بگونه ای که به لجاجت منجر گردد.

«سؤال ۳۵۹۷» لطفاً بفرمایید نظر اسلام در مورد عشق نوجوانی چیست چون من با دختری آشنا شده ام و قصد ازدواج با ایشان را دارم و پدر و مادرم به خاطر این که من هنوز ۱۶ سال دارم با این ازدواج مخالفند و رابطهٔ من با این دختر چه حکمی دارد؟

جواب: در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده:

«من حق الولد علی والده أن یعلّمه الکتابه و السباحه و الرمایه و ان لایرزقه الّا طیّباً و أن یزوّجه إذا بلغ» «۱»

از حقوق اولاد بر پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیر اندازی یاد بدهد و جز روزی حلال به او ندهد و هنگام بلوغ، وسایل ازدواج او را فراهم کند.

شما به یک نحو ولو به وسیلهٔ دوستان به مادر و پدرتان خواسته های درونی خویش را بفهمانید ان شاءاللّه خداوند وسایل ازدواج شما را فراهم کند. دوست داشتن و علاقه به دختری

---

(۱)- کنز العمّال، ج ۱۶، ص ۴۴۳، ح ۴۵۳۴۰- ۴۵۳۴۵ و ص ۴۵۷، ح ۴۵۴۱۶.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۷

خاص، گناه نیست؛ بلکه حاکی از لطافت روحی انسان است، ولی معاشقه با دختر نامحرم و تماس با او جایز نیست و باید وسیلهٔ ازدواج با او را فراهم کرد.

«سؤال ۳۵۹۸» اگر حرفی را که بین قائل و شنونده معلوم است پشت سر کسی زده شود که اگر بشنود باز هم ناراحت می شود؛ آیا غیبت محسوب می شود؟

جواب: اگر موجب بدبینی شنونده باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۹۹» اگر جوانی به قصد زیارت امام هشتم علیه السلام به مشهد مشرف شود، ولی همراه وی دختری است نامحرم که ابایی ندارد از این که دست به دست یکدیگر بزنند و از این قبیل کارها؛ آیا سفر آنها سفر معصیت به شمار می رود؟

جواب: اگر هدف از سفر تنها زیارت یا امر مباح دیگری باشد و اعمال نامشروع انگیزهٔ سفر نیست در این صورت سفر، سفر معصیت نیست هرچند اعمال نامشروع به حرمت و شنائت خود باقی است بویژه در سفری که برای زیارت انجام شود.

«سؤال ۳۶۰۰» سفر کردن زن بدون شوهر به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در صورتی که امنیت بر طریق حاکم بوده و محرمی در معیت زن نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد مگر مستلزم مفسده ای باشد.

«سؤال ۳۶۰۱» حکم رفت و آمد، غذا خوردن و نماز خواندن در منزل دوست یا فامیل نزدیکی که مشروب می خورد و

یا مشروب در منزلش هست چگونه است؟

جواب: از غذا خوردن در سر سفره ای که مشروب در آن وجود دارد نهی شده است، ولی وجود مشروب در منزل موجب حرمت غذا خوردن در آن نیست در صورتی که یقین به نجاست و آلوده شدن غذا نداشته باشید و نماز خواندن نیز اشکال ندارد، ولی اگر رفت و آمد با چنین شخصی موجب تشویق و جرأت او در انجام حرام باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۶۰۲» معاشرت با افرادی که منکر بعضی از ضروریات دین هستند مثلًا به موسیقی غنایی گوش می دهند، اما نماز می خوانند و روزه می گیرند چه حکمی دارد؟

جواب: صرف گوش دادن به موسیقی غنایی موجب انکار ضروری دین نیست و معاشرت با وی به امید ارشاد و هدایت او اشکالی ندارد، بلکه مطلوب است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۸

«سؤال ۳۶۰۳» شخصی در ماه مبارک رمضان- العیاذ باللّه- به خدا توهین کرده و قرآن را به زمین کوبیده و به مسجد توهین می کند؛ آیا معاشرت با چنین شخصی جایز است؟

روزه اش چگونه است و وظیفۀ خانمش چیست؟

جواب: اگر از روی عصبانیت است و قصد جدّی ندارد کافر نیست و اگر منکر اسلام و قرآن است کافر است و زنش باید از او جدا شود.

«سؤال ۳۶۰۴» شوهر این جانب معتاد بوده و ترک کرده است و الآن نماز و روزه هایش را به جا نمی آورد. در صورتی که خدا را قبول دارد و مسلمان است وظیفۀ زناشویی من چه می شود؟

جواب: زناشویی با او اشکال ندارد، ولی سعی کنید به هر نحو ممکن و مؤثر امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید.

«سؤال ۳۶۰۵» در میان عزاداران سیدالشهدا علیه السلام

ممکن است خانم هایی با صدای بلند گریه و عزاداری کنند؛ آیا شنیدن صدای آنها اشکال دارد؟

جواب: اگر صدای آنها تحریک آمیز نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۰۶» شخصـی از بسـتگان همسـرم از راه حلال و غیر حلال، کسب درآمـد می کنـد. از طرفی ما علم داریم به این که اگر به وی تـذکر داده شود علاوه بر این که کارهای خلاف خود را که تاکنون مخفی نگاه داشـته علنی سازد و از طرف دیگر ممکن است ارتبـاط خـانوادگی و حتی ارتبـاط همسـرم بـا من به وخـامت بگـذرد و اگر قطع رابطه شود ضـرر غیر قابـل جبران متوجه ما خواهد شد. در این صورت وظیفهٔ ما چیست؟

جواب: در صورتی که قطع ارتباط مضر باشـد، ارتباط مانعی نـدارد و آنچه را برای پـذیرایی در اختیار شـما قرار می دهنـد در صورتی که شما یقین به حرمت عین آن ندارید استفاده از آن مانعی ندارد، از کجا که از اموال حرام او باشد.

«سؤال ۳۶۰۷» آیا جهان گردان غیر مسـلمان مجازند در کشور اسلامی از مشروبات الکلی، گوشت خوک و سایر اقلامی که از نظر مذهبشان جایز است بدون تظاهر و در مجلس خصوصـی اسـتفاده کنند؟ در صورت جواز آیا مسلمانان می توانند این قبیل اجناس را به آنها بفروشند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۲۹

جواب: جلوگیری از استفادهٔ آنان از این گونه اشیا به طور خصوصی و بدون تظاهر لازم نیست، ولی فروش آنها به آنان اشکال دارد.

«سؤال ۳۶۰۸» من در یک مؤسسهٔ ژاپنی مشغول به کارم و رئیس ما هم یک فرد ژاپنی است و در اکثر اوقات با ایشان هستم. با توجه به این که ایشان کافر است مسألهٔ شرعی مراوده و رفتار و برخورد با

ایشان چگونه است؟

جواب: برخورد با ایشان مانند سایر انسان ها باید با اخلاق خوب و پسندیده باشد و اگر اهل کتاب- یهودی، یا مسیحی و یا زرتشتی- باشد و از شراب و خوک و سایر نجاسات اجتناب می کند به نظر این جانب پاک است و گرنه در خورد و خوراک، البته به نحو عاقلانه اجتناب کنید.

«سؤال ۳۶۰۹» برای تربیت فرزندانی تواناتر و آگاه تر تجربه جهانی نشان داده است که آموزش مهارت های زندگی در سنین کودکی به خصوص در مقاطع سنی دبستان و راهنمایی می تواند به پیشگیری از آسیب های اجتماعی در بزرگسالی (از جمله اعتیاد، ایدز و سایر مشکلات ناشی از رفتارهای پر خطر) منجر شود. با توجه به تأکید اسلام بر آموزش و نقش پر اهمیت سنین خردسالی، جایگاه این آموزش ها در مذهب ما چیست؟

روحانیون و ائمهٔ جماعات چه نقشی در این خصوص می توانند داشته باشند؟

جواب: تلاش در پیشگیری از مفاسد، وظیفهٔ همگان بویژه مسؤولین تعلیم و تربیت جامعه است و آگاه کردن مردم در زمینه های مذکور نیز از دوران نوجوانی لازم است، ولی باید متناسب با سن و ظرفیت و ادراک آنان باشد به گونه ای که مستلزم بدآموزی نباشد.

«سؤال ۳۶۱۰» در یکی از کشورهای اروپایی که هر روز از طریق رسانه ها علیه اسلام تبلیغ می شود تعدادی از ایرانیان، انجمنی تشکیل داده اند تا مراسم مذهبی را اجرا کنند.

متأسفانه مسؤولین انجمن در این گونه مراسم از کسی که در مجالس رقص و عیش و نوش در کاباره ها و قمارخانه خوانندگی می کند به عنوان مداح اهل بیت علیهم السلام بهره می گیرند.

بفرمایید وظیفهٔ شرعی مسؤولین انجمن در مورد بهره مندی از شخص مذکور چیست؟

و وظیفهٔ ما را نیز مشخص فرمایید؟

رساله استفتاءات

(منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۰

جواب: اگر شخص مذکور با ارشاد و منطق صحیح قابل هدایت است لازم است او را راهنمایی کرده و حتی الامکان او را از انجام امور غیر مشروع منصرف کنید و در غیر این صورت دعوت از او برای مداحی اهل بیت علیهم السلام موجب وهن دین و برخلاف اهداف اهل بیت علیهم السلام است. همچنین شرکت در مراسم دینی امری لازم است، ولی باید با بیان اصول معارف و اخلاق و احکام اسلامی و خواندن کتاب های نافع و مفید باشد و از هر چه موجب وهن دین و سُستی اعتقاد نسل جوان می گردد اجتناب شود و در این مسیر از قلّت یار و تمسخُر اغیار نهراسید. کلام مولا امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه را مورد توجه قرار دهید:

«ایها الناس لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقلّه أهله ...»

در راه هدایت به جهت کمی رهروان آن وحشت نکنید؛ ان شاء اللّه سالم و موفق باشید.

«سؤال ۳۶۱۱» در صورتی که در خارج از کشور و در کشوری که اکثریت با غیر مسلمانان است میهمان یک مسلمان سنّی باشیم؛ آیا استفاده از غذای گوشتی میزبان جایز است؟ و آیا اصولًا تحقیق در مورد نحوۀ تهیۀ گوشت در این میهمانی لازم است؟

جواب: اگر میزبان شما مسلمان است هرچند سنّی باشد تحقیق لازم نیست، حمل بر صحت کنید، مگر این که بدانید او گوشت حرام تهیه کرده است.

«سؤال ۳۶۱۲» در مجالسی که در خارج از ایران است و معمولًا مشروبات الکلی نوشیده می شود و اگر دعوت میزبان ردّ شود پیامدهای سیاسی، مانند سردی مناسبات و یا القای آن و تفویت مصالح سیاسی و ... را به

دنبال دارد؛ آیا این موارد از عناوین تزاحم است و ملاک ترجیح چیست؟

جواب: با احراز ضرورت عرفی، این مورد مثل سایر موارد تزاحم بوده که لازم است جانب اهم رعایت شود، البته حتی الامکان باید سعی شود با توجیه میزبان، جلسه به شکلی تنظیم شود که میز متمایزی که خالی از مشروب الکلی باشد ترتیب دهند که عرفاً حضور بر سر آن حضور بر سر میز شراب محسوب نگردد.

«سؤال ۳۶۱۳» در برخی از ضیافت های رسمی برخی از شرکت ها خصوصاً در مواردی که دیپلمات ها در آن شرکت می کنند معمولًا مشروبات الکلی روی میزها قرار می دهند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۱

حضور در این ضیافت ها چه حکمی دارد؟ و چنانچه میزهای دارای مشروبات از میزهای بدون مواد الکلی جدا باشد چه حکمی دارد؟

جواب: حضور مسلمان بر سر سفره یا میزی که مشروبات الکلی در آن وجود دارد به گونه ای که وی یکی از اهل آن سفره یا میز محسوب شود جایز نیست و به طور کلی در غیر موارد ضرورت، نفس حضور در این قبیل مجالس گرچه بدون حضور بر سر چنان سفره یا میز است مناسب با شأن مسلمان نیست و چنانچه میزی که مشروب الکلی بر روی آن قرار ندارد به طوری متمایز باشد که عرفاً حضور بر سر آن، حضور بر سر میزی که مشروبات الکلی در آن قرار دارد محسوب نشود اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۶۱۴» آیا دست دادن مسلمان با غیر مسلمان در مواقع ضروری حرام است؟

جواب: دست دادن مرد مسلمان با مرد غیر مسلمان یا زن مسلمان با زن غیر مسلمان به خودی خود و بدون مفسده و بدون این که در معرض تهمت

قرار گیرد مانعی نـدارد و دست دادن زن مسـلمان با مرد غیر مسـلمان به هیچ وجه جایز نیست و دست دادن مرد مسـلمان با زن غیر مسـلمان نیز جایز نمی باشد، مگر در موردی که حرجی بوده و ضـرورت عرفی داشـته باشد و ترک آن موجب وهن دین و مـذهب گردد و مفسـده ای از قبیل قصد ریبه وتلذذ نیز در پی نداشـته باشد که در این صورت به مقدار ضـرورت جایز است و حتی الامکان اگر از روی لباس یا دستکش باشد بهتر است.

«سؤال ۳۶۱۵» دست دادن به مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مفسده نداشته باشد و یا با قصد ریبه نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۱۶» حکم دست دادن به زنان ذیل چه حکمی دارد؟

الف: زن یائسه.

ب: زن کریه المنظر.

ج: زن مجنون.

د: زن اهل ذمّه.

ه: زن کافرهٔ غیر اهل کتاب.

و: زن مُسلم لاابالی (اجباراً یا بدون قصد التذاذ).

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۲

ز: زنی که در حکم خواهر رضاعی است.

ح: دختران غیر ممیّزه و نابالغ.

جواب: (الف تا و) هر گونه تماس بدنی به هر زن نامحرم در حال اختیار جایز نیست چه با قصد لذت باشد یا بدون آن.

(ز) کسی که با وجود شرایط رضاع به انسان محرم گشته است در لمس و نظر، حکم سایر محارم را دارد.

(ح) تماس با بدن دختر غیر ممیز و نابالغ در صورتی که به قصد لذت نباشد مانعی ندارد.

نگاه و لمس

«سؤال ۳۶۱۷» فقها فرموده انـد نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است. بفرمایید چه جاهایی از بدن مرد برای زن نامحرم حرام نیست؟

جواب: نگاه کردن زن به هیچ قسمت از بدن مرد نامحرم جایز نیست، مگر

سر و صورت و آن قسمت از دست که معمولًا مردها آن را نمی پوشانند.

«سؤال ۳۶۱۸» در صورتی که زن مسلمانی که اعتقاد به فروعات اسلام (نماز، روزه، اصل حجاب و ...) دارد، ولی در محیطی رشد کرده و زندگی می کند که به خاطر رشد در آن محیط و فرهنگ، هنگامی که مرد نامحرم با وی صحبت می کند اگر به او نگاه نکند (نگاه بدون قصد ریبه) و یا با وی مصافحه نکند زن آن را موجب وهن به خود می داند در این صورت نگاه و یا مصافحه با وی چه حکمی دارد و تشخیص ضرورت در نظر یا مصافحه با چه کسی است؟

جواب: عدم مسّ و عدم نظر به اجنبیه برای حرمت و احترام اوست. اگر او این حرمت را برای خویش قائل نیست، بلکه عدم نظر و عدم مصافحه را بی احترامی به خود می داند در این صورت با عدم قصد التذاذ و عدم حصول آن، مصافحه مانعی ندارد. و عرفِ محل ملاک است.

«سؤال ۳۶۱۹» آیا دیدن تصاویر و فیلم های مستهجن اینترنتی از روی کنجکاوی و یا به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۳

انگیزه آشنایی با مظاهر تمدن غربی جایز است؟

جواب: اگر دیدن فیلم ها موجب وقوع در فساد و تحریک جنسی حرام و انجام گناه نباشد و صاحبان آنها شناخته شده نباشند اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۲۰» من عکس یک خانم نامحرم را که ازدواج نکرده بدون اجازه اش دیدم.

عکس در حدّ کاملًا بی حجاب بود. قصد من از این امر داشتن یک دید کلی برای زندگی آینده ام بود، یعنی به احتمال خیلی زیاد با این خانم ازدواج می کنم. می خواستم ببینم این کار گناه بوده یا نه؟ اگر بوده

چرا؟

جواب: اگر انسان قصد ازدواج با خانمی را داشته باشد می تواند محاسن او را برای پسندیدن نگاه کند و در عین حال اگر گناهی رخ داده باشد خداوند ارحم الراحمین است و با توبه مشکل حلّ می شود.

«سؤال ۳۶۲۱» سونوگرافی که زنان باردار برای دانستن مذکر و مؤنث بودن جنین انجام می دهند اگر توسط پزشک مرد انجام گیرد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مرد نامحرم انجام دهد یا عورت زن دیده شود جایز نیست، مگر در موارد ضرورت و نیاز به سونوگرافی مذکور برای معالجه و امثال آن باشد.

«سؤال ۳۶۲۲» پوشاندن میل (النگو) و یا انگشتری توسط مرد به دست زن نامحرم در صورتی که حائلی مانند دستمال و یا غیره وجود داشته باشد چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که همراه با تحریک شهوانی یا در معرض فساد باشد.

پوشش و حجاب

«سؤال ۳۶۲۳» آیا مسألهٔ حجاب که در قرآن آمده مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و حجاب را امری اختیاری در نظر گرفته بودند، همانند آنچه در کشورهای عربی مرسوم است؟

جواب: بر حسب آیهٔ شریفهٔ ۳۱ سوره نور و اخبار معتبر از اهل بیت علیهم السلام وجوب حجاب برای خانم ها امری واضح و روشن است؛ ولی اکراه زن ها بر رعایت و اجبار

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۴

آنان وجهی ندارد، البته از باب نهی از منکر با رعایت شرایط آن از جمله احتمال تأثیر مثبت و عدم تأثیر منفی، بر هر کسی امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛ همان طور که در موارد خاصی که فتنهٔ اجتماعی بر کشف حجاب مترتب شود حاکمیت می تواند اقدام نماید و تشخیص

آن بر عهده اهل خبره عادل و متعهد است.

«سؤال ۳۶۲۴» من به دنبال دلیل قانع کننده در مورد حجاب زنان هستم. می خواهم بدانم چرا موهای یک زن نباید دیده شود؟

جواب: بر حسب حدیث معتبر بین شیعه و سنّی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای بعد از وفات خویش مردم را به «ثقلین»، یعنی کتاب خدا و عترت خویش ارجاع داده است و فرموده است:

«ان تمسکتم بهما لن تضلّوا»

و ما در آیهٔ ۳۱ سوره نور می خوانیم: «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» پس زنان از اظهار زینت خویش نهی شده اند و موی زن از زینت های او محسوب است آنچه استثنا شده در روایات عبارت است از صورت و کفین و قدمین؛ بزنطی از حضرت رضا علیه السلام سؤال کرد: آیا مرد می تواند به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمودند:

نمی تواند، مگر این که زن از قواعد نساء- پیرزن- باشد. گفتم: خواهر زن با زن غریبه یکسان است؟ فرمودند: آری. بالاخره استفاده می شود که زن باید همهٔ بدن خویش جز وجه و کفین و قدمین را از اجانب بپوشاند و در این جهت از لحاظ فقهی تردیدی نیست. بدن زن جوان دارای ارزش است و مردم عاقل اشیای نفیس و با ارزش را از چشم طمعکاران می پوشانند و استثنای وجه، کفین و قدمین نیز در اثر ضرورت زندگی بوده است که تفصیل آن در نامه نمی گنجد.

«سؤال ۳۶۲۵» بنده به اتفاق دو دخترم در فرانسه زندگی می کنیم. در فرانسه از دختران محجبه ممانعت به عمل می آورند. امسال به خاطر ممانعت از ورودشان با روسری مجبور شد

که به مدرسهٔ ایرانی سفارت برود از طرفی دختر بنده حجاب کاملی ندارد، یعنی روسری اش کاملًا تمام موهای سرش را نمی پوشاند و متأسفانه من هر چه تلاش کردم نتوانستم حجابش را کامل کنم از طرفی بعد از دبیرستان، نوبت دانشگاه خواهد بود و در آن جا کاملًا بدون حجاب وارد دانشگاه می شوند. وظیفه بنده چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۵

جواب: بالاخره حجاب اسلامی را لازم است زنان و دختران رعایت کنند و آیهٔ ۳۱ سورهٔ نور بر این امر دلالت دارد و اگر انسان نتواند در جایی موازین اسلامی را رعایت کند باید از آن جا مهاجرت کند.

«سؤال ۳۶۲۶» با توجه به سختگیری های برخی کشورهای اروپایی نسبت به رعایت حجاب بانوان مسلمان، خواهشمند است وظیفهٔ مسلمانان را در این کشورها و همچنین دیگر کشورهای اسلامی بیان فرمایید؟

جواب: اصل حجاب یکی از ضروریات دین اسلام است که برای حرمت زنان تشریع شده و عقلًا هر زن مسلمانی حق دارد به احکام شریعت خود پایبند باشد.

ممانعت از این حق نیز از سوی هیچ کس به خصوص مدّعیان آزادی و دمکراسی عین ظلم و سلب آزادی است. وظیفهٔ مسلمانان و دولتمردان آنها در این زمینه دفاع از حق بانوان مسلمان و استرداد آن در مجامع بین المللی است.

«سؤال ۳۶۲۷» حدّ حجاب شرعی چه مقدار است؟ آیا جیوب به روسری های امروزی اطلاق می شود یا اندازهٔ آن بزرگ تر است؟ در ضمن از پوشیدن شلوار لی و مانتو و روسری توسط خانم خویش راضی نیستم، ایشان می گویند: این حجاب شرعی است و نیاز به رضایت شوهر نیست. همچنین استفاده از عطر ملایم و آرایش بسیار کم در بیرون از خانه چه حکمی دارد؟

جواب:

زن اگر به جز صورت و دست ها تا مچ و بنابر احتیاط قدم ها را بپوشاند و احتیاطاً برجستگی های بدن را نیز نمایان نسازد، کافی است. نوع لباس نیز نباید تحریک کننده باشد و مناسب است بیش از مقدار شرعی، سختگیری نکنید تا منتهی به اختلاف و احیاناً طلاق و مانند آن نشود و استفاده از عطر نیز اگر به قدری خفیف باشد که موجب جلب توجه نامحرم نشود اشکالی ندارد.

« سؤال ۳۶۲۸» آیا صورت بانوان که امروزه عموماً به صورت طبیعی نیست (مثل اصلاح و آرایش ابروها، اصلاح موهای صورت و رنگ کردن ابرو یا کرم های براق کننده یا سفید کننده که در عرف جامعه جا افتاده است) بیشتر از حدّ وجه و کفین نیاز به پوشش دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۶

جواب: پوشاندن صورت و دست ها تا مچ اگر به قصد نشان دادن به مردها و لذت بردن نباشد، لازم نیست، ولی ظاهر کردن آنچه در نظر عرف آرایش و زینت محسوب شود در برابر مردها جایز نیست. اصلاح ابروها نیز اگر در حدی باشد که عرفاً زینت محسوب نشود پوشاندنش لازم نیست.

« سؤال ۳۶۲۹» خانمی است که ظاهری مردانه دارد و صدایش هم مردانه است و لباس های مردانه می پوشد حتی چهره و اندامش مانند خانم ها نیست، ولی واقعاً خانم است و فرزند نیز دارد؛ آیا ما باید به او نگاه نکنیم؟

جواب: ممکن است زنی از نظر قیافه و صدا به مردان شباهت داشته باشد و وضع حمل فرزند بهترین دلیل بر زن بودن مورد سؤال است. و احکام و تکالیف زنان را باید رعایت کند.

«سؤال ۳۶۳۰» اجباری بودن حجاب در جامعه از نظر اسلام

چگونه است؟

جواب: در دین اکراه نیست، ولی اگر بی حجابی ملازم با پوشش تحریک آمیز و مخّل به عفت عمومی باشد لازم است از آن جلوگیری شود.

«سؤال ۳۶۳۱» عمل جراحی زیبایی اندام اکنون در سراسر دنیا مرسوم است این گونه جراحی ها گرچه به ندرت برای سلامت جسم ضرورت دارند، اما در بسیاری از موارد عوارض جانبی داشته و به ندرت باعث مرگ طرف می شوند، با این وجود بسیاری از خانم ها با تحمل هزینهٔ سنگین آن با تمام وجود حاضرند خود را به تیغ جراحی بسپارند، چرا که احساس می کنند بخشی از قسمت ظاهری بدن آنان همچون بینی یا سینه ها یا شکم حالت غیر طبیعی دارد و از این بابت دچار ناراحتی روانی می شوند. این خانم ها اگر دختر باشند احساس می کنند با شرایط موجود، شوهر مورد علاقهٔ خود را نخواهند یافت و اگر متأهل باشند در مقابل شوهر خود احساس کمبود می کنند اینان بر این باورند که با انجام جراحی فوق، از این مشکل رهایی خواهند یافت و به محض مراجعهٔ به پزشکان مربوطه، پزشک بدون سؤال از علت تن دادن به این عمل پر خطر آمادهٔ انجام عمل می شود. سؤال این است که پزشک، قبل از آگاهی از ضرورت این عمل آیا مجاز است این عمل را انجام دهد؟ و در صورت ضرورت، آیا پزشک مرد مجاز است که این عمل را انجام دهد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۷

جواب: شریعت مقدس اسلام، شریعت سمحهٔ سهله است و بر حسب کتاب، سنّت و حکم عقل، ضرورت عرفی رافع حرمت محرمات است. البته به مقدار رفع ضرورت و هرچند عمل زیبایی در صحت و سلامت جسم مریض مؤثر نباشد،

ولی ممکن است عدم اجرای آن موجب مرض روانی غیر قابل تحمل باشد. در صورت اقتضای نظر و لمس اجنبی بجاست پزشك حرمت اصل عمل را به جهت این امور به مریض تذکر دهد و اگر از گفتار مراجعه کننده احراز کرد که واقعاً گرفتار واهمهٔ روانی غیر قابل تحمل شده است جایز است گفتار او را حمل بر صحّت کند و در صورت انحصار علاج در آن، انجام به مقدار ضرورت مانعی ندارد و با عدم وجود پزشك هم جنس، عمل جنس مخالف نیز مانند سایر موارد معالجه مانعی ندارد، ولی انجام آن با احراز عدم ضرورت عرفی محل اشکال است.

تراشیدن ریش

«سؤال ۳۶۳۲» تراشیدن صورت با ماشین های سه تیغه به طوری که سیاهی ریش محو نشود، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید عرفاً صدق ریش کند، پس از ته زدن آن لازم است اجتناب شود.

«سؤال ۳۶۳۳» دلیل این که تراشیدن ریش حرام است چیست؟

جواب: با توجه به این که در روایات از تراشیدن ریش نهی شده است و مشهور بین فقها و نیز سیرهٔ عملی متدینین بر عدم جواز و ترک آن است، فتوا به جواز آن مشکل است و باید احتیاط کرد.

« سؤال ۳۶۳۴» زایل کردن موهای زیر چانه با لیزر و یا دستگاه های دیگر، آیا حرام است؟ جاهای دیگر بدن به جز ریش چگونه است؟

جواب: ازاله موهای سایر بدن غیر از ریش به هر وسیله باشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۶۳۵» من از ریش متنفرم چون ریش من طوری است که خیلی کم پشت و اگر آن را از ته نزنم خیلی بد قیافه می شود؛ آیا این عمل من مکروه یا حرام است؟ اصلًا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳،

فلسفهٔ ریش در اسلام چیست؟

جواب: این تعبیر شما: «من از ریش متنفرم» تعبیر خوبی نیست همهٔ انبیا و اولیای الهی دارای ریش بودند و در حدیث وارد شده: حضرت آدم علیه السلام پس از اتمام خلقتش گفت:

«یا رب زدنی جمالًا»

خدایا بر جمال من بیفزا؛ پس صبح کرد در حالی که خدا ریش سیاهی برای او خلق کرد، گفت: خدایا این چیست؟ خطاب شد:

«هذه اللحیه زیّنتک بها أنت و ذکور ولدک الی یوم القیامه» «۱»

این ریش است تو را و اولاد مذکر تو را تا روز قیامت به آن زینت دادم». ریش واقعاً زینت مردان است بویژه نسبت به پیرمردها و بنابر احتیاط واجب مردها باید از تراشیدن و ته زدن آن پرهیز کنند. البته صدق ریش کافی است و لازم نیست بلند باشد و تُنُک بودن آن مجوّز تراشیدن آن نمی شود.

«سؤال ۳۶۳۶» تراشیدن ریش و اجرت ریش تراشی و نشستن سر سفره ریش تراش چه حکمی دارد؟

جواب: تراشیدن ریش و اجرت گرفتن برای آن خلاف احتیاط است، ولی نشستن سر سفرهٔ ریش تراش اشکال شرعی ندارد.

«سؤال ۳۶۳۷» نظر حضرت عالی دربارهٔ شارب و بلندی آن چیست؟

جواب: کراهت دارد، زیرا در بعضی روایات از آن نهی شده است.

مسائل متفرقه پوشش و حجاب

«سؤال ۳۶۳۸» آیا استعمال طلای زرد (ترکیبی از طلاـ و مس) و همچنین طلای سفید (ترکیبی از طلا و نیکل) حرام است یا خیر؟ و آیا زینت به فلز گران بها مثل پلاتین که دو برابر قیمت طلاست حرام است یا خیر؟

جواب: در حکم مذکور بین طلای زرد و طلای سفید فرقی نیست فقط زینت کردن به طلاـ برای مرد حرام است و زینت به سایر فلزات حرام نیست.

---

(۱)- بحارالانوار،

ج ۱۱، ص ۱۷۲، ح ۱۸.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۳۹

«سؤال ۳۶۳۹» آرایش کردن مردان همانند زنان (استفاده از ژل و یا گذاشتن موی بلند و ...) آیا اشکال دارد؟

جواب: چنانچه برای غیر از همسر موجب تهییج و تحریک و فساد بوده یا به گونه ای باشد که تشبّه به زنان محسوب شود جایز نیست، بلکه عمل مذکور زیبنده و سزاوار پسر و مرد مسلمان نیست.

«سؤال ۳۶۴۰» حکم پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چیست؟

جواب: مانعی ندارد.

« سؤال ۳۶۴۱» ما در خارج از کشور برای شرکت در مراسم رسمی دانشگاه مثل جشن فارغ التحصیلی با لباس رسمی باید شرکت کنیم و باید کروات بزنیم می خواستم بدانم در این خصوص نظری یا فتوایی دارید؟

جواب: پوشیدن لباس های رسمی و کراوات اگر لباس معمولی در آن جا شمرده شود و عنوان تشبّه به کفّار بر آن صادق نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۴۲» ساعتی که در آن مقداری طلا به کار رفته آیا در غیر نماز، حرام است یا حلال؟

جواب: برای مرد تزیّن به طلا جایز نبوده و نماز نیز با آن صحیح نیست، ولی وجود طلا با مرد اگر مخفی باشد مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۰

مسائل پزشکی

پیوند اعضا

«سؤال ۳۶۴۳» اگر بر فرض، علم به قدری پیشرفت کند که بتوانند سر یک نفر را به بدن دیگری پیوند زنند؛ آیا زن و اولاد و مایملك او به صاحب سر می رسد یا صاحب بدن؟

جواب: هویّت و تشخّص هر انسانی به نفس و روح اوست، پس با فرض این که چنین عمل انجام گیرد، شناخت شخصیت واقعی فرد مورد عمل موقوف بر شناخت ادراکات و حالات روحی اوست و طبعاً تمام سر و بدن

پیوند شدهٔ جدید، مربوط به همان روحی است که از این طریق شناخته شده است. روح در مرحلهٔ اول به مغز که در سر است تعلق گرفته و به واسطهٔ آن به بدن مرتبط است، پس از نظر علمی ظاهراً تشخیص هویّت به ملاک سر است واللّه العالم.

« سؤال ۳۶۴۴» اهدای اعضای بدن مرده چه حکمی دارد؟ آیا بر وارث مرده نیز لازم است که اذن بدهد یا وصیت شخص متوفی کفایت می کند؟ آیا اجازه گرفتن از شوهر برای اهدای اعضای بدن زن کفایت می کند؟

جواب: اگر با تشخیص اهل خبرهٔ متعهد، ثابت شود که مفهوم عرفی «مرده» بر او صدق می کند، حکم سایر اموات را دارد؛ یعنی اگر وصیت کرده باشد یا نجات دیگران متوقف بر اهدای عضو او باشد جدا کردن اعضای او برای پیوند دیگران مانعی ندارد و اجازهٔ شوهر یا پدر و مادر نیز تأثیری ندارد.

«سؤال ۳۶۴۵» چندی پیش تصمیم گرفتم اعضای بدنم را پس از مرگ اهدا کنم، می خواستم بدانم آیا این کار جایز است یا خیر؟

جواب: وصیت مذکور به این نحو که وصیت کند پس از مرگ در مواردی که حفظ جان مسلمانی متوقف بر اهدای عضو باشد، اعضای او را اهدا کنند مانعی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۱

تلقیح

«سؤال ۳۶۴۶» زوجینی که تمایل به استفاده از خدمات درمان ناباروری از طریق لقاح خارج رحم را دارند باید نمونهٔ مایع منی زوج با تخمک زن را در محیطی که ویژه این کار است با حضور یکدیگر اخذ و به گروه پزشکی تحویل دهند. با توجه به این که نمونه منی هر فرد برای لقاح با تخمک زوجه خود او استفاده

می شود جهت رفع شبهۀ تحویل منی شخص اجنبی به گروه پزشکی؛ آیا صرف اظهار و اقرار زوجین بر اصالت نمونۀ منی مذکور و تعلق آن به زوج کفایت می کند یا مرکز برای این منظور تجسس کند؟

جواب: اگر زوجین ظاهرالصلاح باشند و سابقه اتّهام نداشته باشند اقرار آنان حجت است.

«سؤال ۳۶۴۷» اگر زوج فاقد نطفه بوده و زوجه سالم باشد؛ آیا صحیح است که از زن و شوهر دیگری اسپرم و تخمک گرفته شود و پس از لقاح در آزمایشگاه، جنین حاصله به رحم زن اول انتقال یابد؟ و حکم فرزند به وجود آمده چیست؟ آیا حلال زاده است؟

جواب: قرار دادن جنین حاصله در رحم زن شوهردار محل اشکال است و بر فرض وقوع، فرزند حلال زاده است، ولی فرزند مرد و زن صاحب نطفه بوده و فرزند زن صاحب رحم و شوهرش نیست و نسبت به محرمیّت با آن دو احتیاط رعایت شود.

«سؤال ۳۶۴۸» زن و شوهری بچه دار نمی شوند، پزشک معالج آنها می گوید: اگر اسپرم و تخمک زن و شوهری را بگیرند و در خارج از رحم ترکیب کنند و در آزمایشگاه پرورش دهند زمانی که استعداد بقا پیدا کرد، جنین را در داخل رحمِ زنِ نابارور قرار داده، آن گاه جنین رشد کرده و به دنیا می آید بر این اساس پزشک هم پیشنهاد چنین عمل را به این زوج داده است؛ آیا این عمل جایز است؟ و بر فرض انجام این عمل فرزندی که به دنیا می آید متعلق به چه کسی است؟

جواب: اگر تخمک زن و اسپرم شوهر که در خارج رحم ترکیب شده اند به قدری رشد کرده که از حالت اولیه خارج شده

و به حالت جنین تبدیل شده باشند آن گاه به رحم زن دیگری منتقل شوند مانعی ندارد، مشروط بر این که در طول عملیات مذکور

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۲

از کارهای حرام نظیر نگاه و لمس کردن عورت نامحرم خودداری گردد، مگر این که بچه دار شدن زوج نازا ضروری باشد؛ به عنوان مثال: نداشتن بچه موجب جدایی آنان شود یا مشکلات غیر قابل تحملی برای آنان فراهم آورد که در این موارد باید به مقدار ضرورت اکتفا شود و به نظر این جانب پدر و مادر نسبی بچه، صاحبان تخمک و اسپرمند و زنی که بچه در رحم او پرورش یافته در غیر احکام محرمیّت و ازدواج، مادر او محسوب نمی شود و در احکام محرمیّت و ازدواج احتیاط شود.

«سؤال ۳۶۴۹» اگر نطفۀ خانمی که به عقد موقت شخصی درآمده را در رحم زن دائمی آن مرد قرار دهند فرزند متعلق به چه کسی است؟

جواب: عمل مذکور اگر ملازم با عمل حرامی نباشد یا ضرورت عرفی در بین باشد مانعی ندارد و خانم اول صاحب تخمک، مادر فرزند است و خانم دوم که فرزند در رحم او پرورش یافته به لحاظ این که همسر پدر فرزند است به فرزند محرم است، ولی به لحاظ این که او هم ممکن است به حسب واقع در نظر شرع مادر فرزند محسوب شود، باید در محرمیّت و ازدواج فرزند نسبت به بستگان دیگر زن دوم احتیاط شود.

«سؤال ۳۶۵۰» در خصوص اهدای اسپرم، نظر شرعی شما چگونه است؟ حال آن که برای اهدای جنین، هم قانون گذار در این خصوص اجازه داده است و هم برخی مراجع تقلید.

جواب: نقل اسپرم مرد اجنبی به رحم اجنبیه

محل اشکال است و بر فرض نقل، بچه تابع صاحب اسپرم بوده و بچه او محسوب است، ولی ترکیب اسپرم مرد با تخمک همسرش در خارج رحم و سپس نقل آن به رحم همسر ذاتاً بی اشکال است، ولی چون مستلزم مشاهده و لمس عورت نامحرم است در جایی جایز است که بچه دار شدن آنان به حد ضرورت رسیده باشد.

کاشتن جنین در رحم زوجه

«سؤال ۳۶۵۱» کاشتن جنین مرد با دستگاه پزشکی در رحم زوجهٔ خودش چه حکمی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۳

جواب: اگر مستلزم امر حرامی از قبیل مشاهدهٔ عورت نباشد یا ضرورت داشته باشد اشکال ندارد، مثل این که از راه دیگر بچه دار نمی شوند و بچه نداشتن آنان موجب از هم پاشیدن زندگی آنان باشد.

قصور پزشک

«سؤال ۳۶۵۲» حکم ضرر و زیان جسمی و مالی که بر اثر اعمال ناخواسته و اتفاقی و گاهی به علت تازه کار بودن پزشک ها متوجه بیمار می شود (گرچه هیچ قصد عمدی در کار نباشد و گاهی پزشک تشخیص درست می دهد، اما به دلیل تازه بودن داروها که هر روز نوع جدیدی وارد بازار می شود و هنوز امتحان خود را پس نداده خسارتی وارد می شود) چیست؟

جواب: هر گونه ضرر و نقصی که به جهت معالجهٔ اشتباهی از ناحیهٔ دکتر به مریض وارد شود، دکتر ضامن است.

مرگ مغزی

«سؤال ۳۶۵۳» آیا مرگ مغزی، مرگ محسوب می شود؟

جواب: با مرگ مغزی در حالی که قلب کار می کند، مرگ حتمی محقّق نیست.

«سؤال ۳۶۵۴» با توجه به این که عامل بیماری ایدز به صورت ویروس در بدن ممکن است سال ها بماند برای جلوگیری از ابتلای مرد مسلمان به بیماری غیر قابل علاج ایدز، استفاده از وسایل پیشگیرانه با تأثیر ثابت شده (مانند کاندوم) در مورد زن با عقد موقت چه حکمی دارد؟

جواب: تمهیدات لازم برای پیشگیری نه تنها اشکالی ندارد، بلکه در موارد احتمال عقلایی خطر و ضرر مُهم برای خود و دیگران احتیاط لازم است، بلکه در موارد ناآگاهی طرف مقابل اگر نسبت به ارشاد او کوتاهی شود و او مبتلا گردد بسا موجب ضمان است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۴

مسائل ازدواج و زناشویی

نیاز به ازدواج

«سؤال ۳۶۵۵» اگر دختر یا پسری احساس نیاز به ازدواج داشته باشند؛ آیا بر عهدهٔ پدر و مادر است که وسایل ازدواج را فراهم کند یا خود فرد باید اقدام کند؟

جواب: وظیفهٔ همه است که اقدام کنند، البته در حدّ قدرت و امکانات و پدر و مادر مصلحت دختر و پسر را در نظر بگیرند.

«سؤال ۳۶۵۶» معنای احتیاج داشتن به همسر را بیان بفرمایید؟

جواب: معنای نیاز به همسر این است که اگر ازدواج نکند به گناه و فساد می افتد و یا موجب حرج و مشقت می شود.

شرایط ازدواج

«سؤال ۳۶۵۷» اگر مردی با زنی عمل منافی عفت انجام دهد؛ آیا راهی هست تا بتواند با دختر او ازدواج کند؟

جواب: اگر عمل زنا با مادر دختر قبل از ازدواج با دختر باشد و آن زن هم خالهٔ زانی باشد دختر او بر زانی حرام است و اگر زانیه عمهٔ زانی یا زن دیگری (غیر از عمه و خاله) باشد بنابر احتیاط واجب دختر آنها بر زانی حرام است و در مورد احتیاط رجوع به غیر با رعایت الأعلم فالأعلم مانعی ندارد.

«سؤال ۳۶۵۸» زنی دارای یک فرزند پسر است، زن ادّعا می کند که فرزند پسرش از زنا به وجود آمده و زمانی نطفه منعقد شده که شوهر نزدش نبوده و مرد زانی هم این ادّعا را قبول دارد، ولی شوهر زن ادّعای زن را بی اساس می داند؛ آیا این پسر می تواند با دختر مرد زانی ازدواج کنند؟ و آیا قاعدهٔ

«الولد للفراش»

شامل حال اینها می شود؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۵

جواب: در مفروض سؤال، اگر پسر و دختر یقین ندارند و یا از راه معتبر برای آنان ثابت نشده که هر

دو فرزنـد یـک نفر و از نطفـۀ او می باشـند ازدواج آنـان مـانعی نـدارد و مجرد اعلام مادر برای آنان حجت شـرعی نیست و با احتمال این که پسـر از نطفۀ شوهر زن باشـد قاعـدۀ فراش جاری است و ولـد به شوهر زن ملحق است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

اکراه در ازدواج

«سؤال ۳۶۵۹» شخصی با اجبار فامیل با دختر عمۀ خود ازدواج می کند و بعد از گذشت چند سال و داشتن یک فرزند هنوز به همسر خود علاقه پیدا نکرده و با دختر دیگری دوست است؛ آیا این کار حرام است؟

جواب: اگر ازدواج با اکراه و زور بوده باطل بوده و اگر ناچاراً و از روی، روی در بایستی راضی شده نباید موافقت کرده باشد و حالا هم باید یا با هم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند یا با رضایت از هم جدا شوند و اگر ارتباط نامشروعی با دختر یا زن اجنبی برقرار کرده حرام است.

ولایت پدر در امر ازدواج

« سؤال ۳۶۶۰» اگر پـدر رضـایت به ازدواج دختر ندهـد و دختـر بـدون اذن پـدر ازدواج کنـد، آیـا نزدیکی بین این دو نفر زنا محسوب می شود؟

جواب: ازدواج با دختر باکره، دائم باشـد یا موقت؛ بنابر احتیاط واجب بایـد با اذن پـدر یا جـدّ پـدری دختر باشد، مگر این که طرفین کفو یکدیگر باشند و ازدواج به مصلحت باشد و پدر یا جدّ لجاجت کنند که در این صورت اذن آنها لازم نیست.

«سؤال ۳۶۶۱» در میان ما عشایر، بدین صورت صیغۀ عقد جاری می شود:

این گِلال و آن گِلال عقد فلانی به فلانی حلال؛ آیا این عقد صحیح است؟

جواب: با توجه به اهمّیت مسألۀ ازدواج، بنابر احتیاط لازم، عقد ازدواج مطابق آنچه در رساله های عملیه ذکر شده انجام شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۶

«سؤال ۳۶۶۲» مردی دارای دو زن بوده است؛ آیا زن دوم این مرد با شوهر نوۀ زن اول محرم است؟

جواب: در فرض سؤال، دختر پسر شوهر، خودش اولاد شوهر است و شوهرش داماد شوهر است، ولی چون داماد زن دوم

نیست محرم نیست.

ازدواج صغیره

«سؤال ۳۶۶۳» اگر مردی دختر صغیره ای را با اذن اولیای دختر به عقد پدر یا جد پدریش یا مادریش درآورد؛ آیا محرمیّت برای این مرد حاصل شده است؟

جواب: اگر مدت را به قدری قرار دهند که استمتاع جنسی کودک ممکن باشد عقد صحیح و محرمیّت حاصل است.

«سؤال ۳۶۶۴» شخصی برای سرپرستی لقیط (فرزند صغیر یا صغیره ای که پدر و جد پدری او معلوم نیست) می خواهد صیغهٔ محرمیّت بخواند با توجه به این که مشهور بین اصحاب این است که حاکم شرع ولایت در نکاح ندارد؛ آیا اجازه ساقط است یا صیغهٔ عقد باطل است؟ و آیا در صحت عقد صغیر و صغیره، عدم مفسده کفایت می کند و یا باید رعایت مصلحت شود؟

جواب: باطل است و باید عقد به اذن ولیّ و بنابر احتیاط به مصلحت کودک باشد.

«سؤال ۳۶۶۵» دختر بالغی که ادّعا می کند قیّم از طرف پسر بچهٔ ۸ ساله است با همان پسر عقد دائم می خواند؛ آیا عقد صحیح است؟ و آیا پسر از دختر که زن او شده ارث می برد؟

جواب: عقد دختر بالغه برای صغیر در صورتی صحیح است که به مصلحت صغیر باشد و از طرف، ولی شرعی انجام گیرد و مجرّد ادّعا کافی نیست و در فرض انجام عقد به صورت صحیح احکام ارث بین آنها جاری می شود.

نکاح سید با غیر سیده

«سؤال ۳۶۶۶» یکی از معضلات بزرگ و خطرناك در برخی از مناطق کشور ما

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۷

(افغانستان) این است که سادات دختران خود را به غیر سادات تزویج نمی کنند، اما در عوض ازدواج مرد سید به زن غیر سید را بدون اشکال می دانند. و دلیل این عمل خود را جایز نبودن

پریدن سگ به روی گوسفند می دانند؛ حال سؤال این است که چگونه با این سادات باید برخورد شود؟

جواب: با این که احترام سادات محفوظ است، ولی مسلمانان همه نزد خدا محترم اند و ازدواج مرد مسلمان غیر سید با دختر سید بی اشکال است، انتظار می رود برادران دست از تندی های غیر مشروع بردارند. و مرد مسلمان را با سگ تشبیه نکنند، عثمان سید نبود و با اجازهٔ شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با دو دختر آن حضرت ازدواج کرد.

نکاح در عدّه

«سؤال ۳۶۶۷» دختری نامزد مرد جوانی بوده است و برای رعایت مسائل شرعی، خودشان صیغهٔ عقد را خوانده بودند و جوان از راه دُبر با دختر نزدیکی می کرده است و بعد از مدتی از هم جدا می شوند و دختر که جاهل بوده و نمی دانسته این آمیزش هم عدّه دارد در زمان عدّهٔ شرعی به عقد دائم جوان دیگری درآمده و فعلًا بعد از چند سال زندگی متوجه شده است، حکم او چیست؟

جواب: چون عقد دختر باکره بنابر احتیاط باید به اذن پدر یا جدّ پدری او باشد، در فرض سؤال، اگر عقد اول بدون اذن آنان بوده، عدّه نگاه داشتن او نیز مبنی بر احتیاط است و عقد دوم در عدّه احتیاطی واقع شده است، لذا بنابر احتیاط باید هم زن را طلاق دهد وهم دیگر با او ازدواج نکند.

عقد فضولی

«سؤال ۳۶۶۸» این جانب ده ساله بودم که شخصی به خواستگاری من آمد و پدرم هم بدون اجازهٔ من و به اجبار به او وکالت داد تا صیغهٔ عقد موقت را خودش بخواند به شرط این که بعداً ازدواج دائم کنم. اکنون شوهر، مدت هشت سال است که به دلیل شرارت و

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۸

زورگویی فراری است با توجه به این که اصلًا تماس با این جانب نداشته و صرفاً شنیده ایم که او صیغهٔ عقد موقت را جاری ساخته و همچنین هیچ گونه توافق نامه یا مدرکی در خصوص شرایط عقد موقت از قبیل مهریه وجود ندارد؛ آیا من می توانم ازدواج مجدد کنم؟

جواب: اگر واقعاً در صدق و کذب و وقوع عقد شک دارید، شرعاً محکوم بر عدم وقوع عقد است و اگر فرضاً عقد موقت باشد و

مهریه یا مـدت، مشـخص نشـده باشد عقد موقت باطل است، ولی در صورتی که او به وکالت از شـما و پدرتان مدت و مهر را معیّن کرده است عقد صـحیح می باشد به شرط این که شما و یا پدرتان تعیین مهر و مدت را بر عهدهٔ او گذاشته باشید و گرنه تعیین او فایـده نـدارد و عقد باطل است و در صورت صـحّت عقد، فرضاً اگر می دانید مدت کمتر از هشت سال بوده است در مفروض سؤال، مدت آن تمام شده و چون دخول واقع نشده عدّه نیز ندارد و شما می توانید ازدواج کنید و اگر مدت آن بیش از هشت سال بوده است باید صبر کنید تا تمام شود.

ازدواج با خنثای مشکل

«سؤال ۳۶۶۹» ازدواج با خنثا آیا اشکال شرعی دارد؟

جواب: اگر خنثای مشکل باشد اشکال دارد.

«سؤال ۳۶۷۰» رابطهٔ جنسی مرد بـا یـک فرد دو جنسـی (کسـی که کاملًا شبیه زنان است ولی آلت جنسـی مردان را دارد) چه حکمی دارد؟

جواب: اگر زن بودن او ثـابت شود مثل این که ماننـد زنان عادت می شود یا از مجرای زنانه ادرار می کنـد ازدواج با او مانعی ندارد و گرنه محل اشکال است.

«سؤال ۳۶۷۱» حکم خنثای مشکل چیست؟

جواب: مسأله دارای سه فرض است: ۱- از یکی از دو فرج به طور دوام و یـا غـالب بول می کنـد که در این حـالت محکوم به حکم صـاحب فرجی است که بول از آن دائماً یا غالباً خارج می شود. ۲- از هر دو بول می کنـد، اما از یکی زودتر خارج می شود که در این فرض محکوم به حکم صاحب فرجی است که بول از آن زودتر خارج می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۴۹

۳- بول

وی از هر دو بـا هم خـارج می شود، امـا از یکی دیرتر بنـد می آیـد که در این حالت محکوم به حکم صاحب فرجی است که بول از آن دیرتر بند می آید.

نکاح با لا ابالی

«سؤال ۳۶۷۲» بعضـی افراد به طور تفریحی نماز می خواننـد و مـدّعی انـد: «چون ما معیارهای انسانی، اخلاقی و اجتماعی را به خوبی رعایت کرده و در زندگی با وجدان و شرافت برخورد می کنیم و نیز از گناه دوری می کنیم، ضرورتی در نماز خواندن نمی بینیم و برایمان مهم نیست و اگر قرار باشد نماز، یک خط قرمز برای فحشا و منکر بوده و عامل ارتباط با خدا باشد ما همهٔ اینها را رعایت می کنیم و بدون نماز هم با زبان دل به خدا نزدیک می شویم»؛ آیا این افراد مسلمان تلقی می شوند؟ و آیا می توان با آنها ازدواج کرد؟

جواب: افراد مذکور در سؤال، کافر نیسـتند؛ بلکه مسلمانانی جاهل و یا بی مبالات تلقی می شوند. باید با منطق و ارشاد مستدل بـا آنـان صـحبت شود و ازدواج بـا آنـان اشـکالی نـدارد و اگر افرادی بـا صـداقت و حق طلب باشـند می توان به آنان در امور اجتماعی اعتماد کرد مشروط بر این که این ارتباط باعث تأیید وی و بی دینی نشود.

ازدواج با غیر مسلمان

«سؤال ۳۶۷۳» با این که در آیـهٔ پنجم سورهٔ مائـده آمده است که غذای اهل کتاب و نکاح با زنان آنان برای مسـلمان ها حلال است، پس چه شده است که بسیاری از فقها نکاح دائم با زنان اهل کتاب را دارای اشکال می دانند؟

جواب: اسـتفاده از غذای اهل کتاب مانند حبوبات اشکالی ندارد، اما دلیل فتوا یا احتیاط نسبت به ترک نکاح دائم با زنان آنان روایاتی است که به وسـیلهٔ آنها عموم آیهٔ قرآن تخصـیص زده می شود؛ از جمله می توانید به «وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۳۳، ابواب مایحرم بالکفر، باب ۱» مراجعه کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۰

«سؤال ۳۶۷۴» در

آیـهٔ پنجم سورهٔ مبارکـهٔ مائـده خداونـد ازدواج و نکـاح بـا زنان پارسای اهل کتاب را در صورت پرداخت مهریه مجاز دانسته است. حـال بر چه اساس در فقه امامیه تنها ازدواج موقت با این زنان مجاز شـمرده شـده است؟ آیا در این آیه به ازدواج موقت اشاره ای شده است؟

جواب: آیـهٔ شـریفه ظـاهراً اطلاق دارد، ولی با توجه به تعبیر «أُجُورَهُنَّ»* در آیه و شـهرت بین فقها احوط عـدم ازدواج دائم با اهل کتاب است.

«سؤال ۳۶۷۵» ازدواج یک فرد مسـلمان با فرد بهایی چه حکمی دارد؟ و به طور خاص آیا ازدواج (موقت یا دائم) مرد مسلمان با زن بهایی مجاز است؟

جواب: بهایی نه مسـلمان است و نه اهل کتاب آسـمانی بنابراین ازدواج با او صحیح نیست نه دائم و نه موقت، مگر این که فرد بهایی مسلمان شود و بعد ازدواج کند.

شرط ضمن عقد

«سؤال ۳۶۷۶» زنی هنگـام عقـد نکاح شـرط کرده که اگر شوهرش به هر دلیل شـش ماه از وی جـدا شـد او وکیل است که از شوهرش جـدا شود. پس از سه ماه از عقـد نکاح شوهر تصادف کرده و شـش ماه است که درک و فهم خود را از دست داده، اما دکترها حال وی را رضایت بخش می داننـد؛ آیا این زن می توانـد از همسـرش جـدا شود؟ و آیا می تواند بعد از بخشـیدن مهریه آن را باز پس گیرد؟

جواب: مورد تصادف و مریضی غیر از موردی است که در عقد شرط شده، بنابراین نمی تواند به وکالت عمل کند. و اگر مهر را در مقابل جدا شدن بخشیده باشد، می تواند باز پس گیرد.

«سؤال ۳۶۷۷» خانمی در زمان عقد نکاح شرط کرده است که علاوه بر

مهریه، شوهرش برای او خانه ای نیز بخرد و نصف آن را به او تملیک کند، اما قبل از اجرای شرط، طلاق اتّفاق افتاده است تکلیف شرط چیست؟

جواب: ظاهراً شرط مذکور جزء و متمم مهر است و طبعاً پس از طلاق و قبل از دخول، سهم زوجه تنصیف می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۱

«سؤال ۳۶۷۸» اگر در عقد دائم زن شرط کند که شوهر دخول نکند؛ آیا این شرط نافذ و واجب العمل و صحیح است؟

جواب: ظاهراً صحیح است.

«المؤمنون عند شروطهم»

. «سؤال ۳۶۷۹» آیا زن می تواند در ضمن عقد نکاح شرط کند که طلاق به دست زن باشد؟

جواب: در فرض مذکور اگر منظور این است که اختیار طلاق، با زن باشد شرط باطل است، ولی عقد اشکالی پیدا نمی کند و اگر منظور آن است که زن وکیل مرد در طلاق باشد، شرط صحیح است و اگر او را وکیل بلاعزل کرده است پس از عقد، شوهر حق رجوع و عزل او را ندارد و زن می تواند مطابق شرطی که کرده است خود را به وکالت از شوهر طلاق دهد. برای توضیح بیشتر به مسأله ۲۵۹۹ توضیح المسائل رجوع کنید.

«سؤال ۳۶۸۰» دختری به این شرط ازدواج می کند که شوهر او را از درس خواندن در حوزهٔ علمیهٔ قم منع نکند. شوهر این شرط ضمن عقد را می پذیرد، اما بعد از این که ازدواج می کند شوهر، زوجه را از درس خواندن منع می کند. زوجه به این دلیل عقدش را فسخ کرده است؛ آیا شرعاً درست است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال که شوهر به شرط خود عمل نکرده است، هرچند گناهکار است، ولی زوجه حق ندارد خود را طلاق دهد،

مگر این که شوهر در ضمن عقد، زوجهٔ خود را وکیل کند که اگر شوهر به شرط مورد نظر عمل نکند زوجه می تواند به وکالت از شوهر، خود را طلاق دهد که در این صورت زوجه می تواند خود را طلاق دهد.

«سؤال ۳۶۸۱» یکی از مهاجرین افغانستانی به خاطر مشکلات امنیتی در سال ۱۳۸۰ به کشور دانمارک پناهنده و در آنجه ساکن شد. وی در همان سال خانوادهٔ خود را به دانمارک دعوت کرد و قبل از رفتن خانواده اش اجازه داد که دخترش با یکی از مهاجرین دیگر به شرط این که داماد به دانمارک رفته و آن جا زندگی کند ازدواج کند. دختر هم به شرط زندگی مشترک در دانمارک ازدواج را پذیرفت و عقد ازدواج دائم به شرط زندگی مشترک در دانمارک خوانده شده است. بعد از رفتن خانواده و دختر قانون مهاجرت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۲

دانمارک تغییر کرده و اکنون دختر خانم نمی تواند شوهرش را دعوت کند و شوهر هم نمی تواند به آن کشور برود. آنان مدت پنج سال است که بلاتکلیف مانده اند؛ آیا دختر خانم می تواند عقد ازدواج را فسخ کند؟

جواب: وفای به شرط ضمن عقد نکاح هرچند در صورت تمکن لازم است، ولی تخلف از آن موجب حق فسخ نکاح نمی شود و در فرض مذکور که زوج تمکن عمل به شرط را ندارد تکلیفی نسبت به آن نداشته و بجاست طرفین به نحوی تفاهم کنند.

«سؤال ۳۶۸۲» در سند رسمی ازدواج دائم بین زوجین، ضمن عقد خارج لازم چند شرط گنجانده شده است، مثلًا شرط شده که: «با توجه به شاغل بودن زوجه کلیهٔ درآمد زوج و زوجه به صورت مالکیت اشتراکی مصرف

یا پس انداز گردد». حال اگر حقوق زن افزایش داشته باشد؛ آیا وفای به این شرط لازم الاجراست؟

جواب: هر گونه شرط که مخالف شرع و یا مغایر با مقتضای عقد نباشد اگر در ضمن عقد ازدواج ذکر شده باشد لازم العمل است.

«سؤال ۳۶۸۳» ازدواجی انجام شده بدون هیچ قید و شرطی، ولی موقع ثبت؛ یعنی چند روز بعد شرطی به آن اضافه شده و در دفتر ثبت شده است؛ آیا این شرط لازم الاجراست؟

جواب: شرایطی که در ضمن عقد نکاح قید نشده باشد لازم الاجرا نیست؛ ولی اگر مرد آن شرط اضافی را پذیرفته است لازم است بر طبق آن عمل کند.

مهریه و شیربها

«سؤال ۳۶۸۴» در عقد شرعی ام فقط میزان مهریه را ذکر کرده اند، ولیکن مطلبی دربارهٔ «عندالمطالبه» یا «عندالقدره» ذکر نکرده اند و شهود هم امضا کردند. سؤالم این است که از نظر شرعی تکلیفم نسبت به پرداخت مهریهٔ همسرم چیست؟

جواب: اگر مهر موجّل نباشد حال است و زوج باید عندالمطالبه بپردازد و زوجه در ابتدا می تواند زفاف را متوقف بر پرداخت مهر کند.

«سؤال ۳۶۸۵» ازدواجی صورت پذیرفته که زوجین به دلیل نقصان عقل هیچ، اراده ای

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۳

از ازدواج نداشته اند به جز مصلحتی که پدرانشان برای آنها در نظر گرفته بودند به طوری که بعد از ۲۴ سال هنوز زوجه باکره است. با توجه به این مورد مذکور در صورتی که زوج قصد طلاق داشته باشد چه مقدار باید مهریه و نفقه پرداخت شود؟

جواب: اگر پدر زوج و پدر زوجه مصلحتشان را در ازدواج آنها دیده اند اشکال نداشته چنانچه اگر در حال حاضر هم مصلحت آنان را در طلاق ببینند طلاق اشکال ندارد، ولی نفقه

و نصف مهر را زوجه با اصل عقد طلبکار شده و نصف دیگر مهر را اگر دخول واقع نشده طلبکار نیست.

«سؤال ۳۶۸۶» پـدری موقع ازدواج فرزندش یک دانگ از منزل مسـکونی خود را به مهر عروس خود کرده است. پسـران دیگر برای همسـران خود از پـدر تقاضای یک دانگ منزل را دارنـد در حالی که پـدر توانایی بخشـش یک دانگ برای هر کدام از پسران را ندارد.

وظیفهٔ او در قبال عروس های آینده اش چیست؟ و آیا می تواند منزل خود را بفروشد؟

جواب: مهر زن بر عهـدهٔ شوهر است و پـدر داماد یا دیگری هم می توانـد آن را از ناحیـهٔ شوهر بدهد، ولی واجب نیست. البته بهتر است بین فرزنـدان تبعیض نباشـد و در مفروض سؤال که پـدر مالک پنج دانگ خانه است حق دارد آن را بفروشد و برای عروس او که مالک یک دانگ است حق شفعه ثابت بوده و اگر بخواهد بجاست که پدر به او بفروشد.

«سؤال ۳۶۸۷» اگر دختر و پسـری بخواهند با هم ازدواج کنند و هر دو بر سر مهریه توافق داشته باشند و تمامی مهر بر ذمّهٔ زوج باشـد، ولی پـدر داماد موافق نباشـد و برای این که پـدر داماد مانع ازدواج نشود در مراسم عقـد مقـدار مهریه را موقع خوانـدن صیغهٔ عقد، کمتر ذکر کنند، ولی در قباله همان مقدار مورد توافق قبلی ثبت گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اشـکال نـدارد، ولی ملاک در مهریه مبلغی است که عملًا صـیغه بر آن جاری شـده است نه آنچه بعداً در قباله ثبت می شود. البته اگر زوج غیر از مهریه، وعده ای به زوج داده است بنابر احتیاط باید به آن وفا نماید.

«سؤال ۳۶۸۸» شخصی

مهریهٔ زن خود را نود سکه قرار داده است و موقع عقد از قیمت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۴

سکه بی خبر بوده و نود سکه را معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان در عقدنامه ذکر کرده اند در حالی که قیمت سکه ها موقع عقد نُه میلیون تومان بوده است؛ آیا داماد در صورت طلاق باید نود سکه را بپردازد یا معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان را؟

جواب: اگر قیمت سکه ها در موقع عقد یک میلیون و پانصد هزار تومان بوده و بعداً گران شده داماد نود سکه را بدهکار است، ولی اگر قیمت بالاتر بوده و آنها نمی دانسته اند به طوری که اگر می دانستند به چنین مهریه ای رضایت نمی دادند و اکنون هم معلوم شده که مهریه عروس این مقدار بر حسب شأن او نبوده، داماد نسبت به مبلغ مهر خیار غبن دارد و می تواند مهریه را بر حسب شأن بپردازد.

« سؤال ۳۶۸۹» این جانب شش ماه است که ازدواج کرده ام و همسرم مهریه اش را طلب کرده که پرداخت آن برای بنده مقدور نیست و مدت آن نیز معیّن نشده و همسرم هم حقوق مرا مراعات نمی کند. وظیفه ام چیست؟

جواب: اگر برای مهریه مدت معیّن نشده، زن حق دارد قبل از گرفتن مهریه از نزدیکی شوهر و سایر استمتاعات جلوگیری کند، خواه شوهر قدرت پرداخت مهر را داشته باشد یا نه، ولی اگر قبل از گرفتن مهریه، راضی به نزدیکی شوهر شده و نزدیکی با رضایت او انجام گرفته، زن دیگر نمی تواند به جهت مهریه از نزدیکی و استمتاعات جلوگیری کند و در هر حال شوهر مهریه را بدهکار است. البته در موارد مهریه های بسیار سنگین که زوجه در

حـال عقـد می دانـد زوج قادر به پرداخت یکبارهٔ آن به این زودی ها نیست، نمی توانـد تمکین خود را متوقف بر دریافت همهٔ مهریه نماید، هرچند در ضـمن عقد به طور صـریح شرط مهلت نشده باشد. بلکه همین که زوج به طور متعارف هرچند به طور اقساطی و در حد توان شروع به پرداخت مهریه نماید زوجه نمی تواند بیش از حد متعارف تمکین را به تأخیر بیندازد، مگر آن که محرز شود زوج بنای بر پرداخت بقیه مهریه را ندارد.

«سؤال ۳۶۹۰» حکم شیربها چیست؟ و آیا برای دامادی که مجبور است آن را پرداخت کند اشکال شرعی دارد؟

جواب: شیربها پولی است که زوج به اطرافیان و یا پدر زوجه می دهد و اگر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۵

پرداخت آن به عنـوان مهریه باشـد متعلـق به زوجه خواهـد بـود که در واقع به همسـر داده شـده و اشـکالی نـدارد. در غیر این صورت اگر اجبار کردن شوهر به پرداخت آن باشد جایز نیست، ولی با رضایت مانعی ندارد.

« سؤال ۳۶۹۱» نظر حضـرت عـالی در مـورد شـیربهایی که شـوهر بـا طیب نفس و یـا صـرفاً برای راه افتـادن امر ازدواج به اقوام عروس می دهد چیست؟ و آیا پس از ازدواج می تواند رجوع کند و آن را پس بگیرد؟

جواب: با فرض سؤال، شـیربها اشـکال ندارد و در صورتی که عین، باقی باشد و نزدیکان هم رَحِم داماد نباشـند رجوع اشـکال ندارد.

«سؤال ۳۶۹۲» چنـد سال پیش بنـده با یکی از همکاران خود ازدواج کردم و پس از چنـد ماه متوجه شدم که وی باکره نیست، اما برای حفظ آبرو از مسأله و بیان آن صرف نظر کردم. الآن پس از چند سال که من

بازنشسته شده ام و قصد عزیمت از تهران به شهرستان خود را دارم، خانم من مهریهٔ خود را به اجرا گذاشته است؛ آیا من به همسرم بابت مهریه بدهکارم؟

جواب: نصف مهر به مجرد عقد و نصف دیگر آن بعد از دخول مستقر شده و شوهر آن را به زن بدهکار می شود و عقد ازدواج به جهت باکره نبودن دچار اشکال نمی شود. بله، چنانچه در ضمن عقد هرچند به نحو ضمنی شرط بکارت شده باشد شوهر حق دارد نسبت به مهر چون زن باکره نبوده تفاوت را کسر کند.

«سؤال ۳۶۹۳» آیا مرد می تواند مهریه را به قدری سنگین بگیرد که توان پرداخت آن را ندارد؟ و اگر چنین عقدی صورت بگیرد، آیا مضر به عقد نخواهد بود؟

جواب: از نظر شرعی عقد اشکالی ندارد، ولی اخلاقاً بلکه عقلًا کار صحیحی نیست.

«سؤال ۳۶۹۴» پدر شوهر این جانب در زمان عقد (سال ۱۳۶۸) مهریهٔ مرا یک دانگ خانه که مبلغ دویست هزار تومان قیمت داشت قرار داد، اما چون منزل فاقد سند بود در قباله، آن را دویست و پنجاه هزار تومان نوشتند. فعلًا منزل به فروش رفته و پدر شوهر همان مبلغ را به من پرداخت کرده است؛ آیا من مبلغ یک دانگ را طلبکارم یا مبلغ یاد شده را؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۶

جواب: اگر عقد ازدواج روی یک دانگ خانهٔ معیّن خوانده شده و گفته شده که قیمت آن دویست و پنجاه هزار تومان است شما مالک یک دانگ خانه بوده اید که بدون اجازهٔ شما حق فروش هم نداشته اند و اگر اجازه داده اید بفروشند یک ششم از پول فروش منزل فروش رفته را طلبکارید و اگر عقد

روی دویست و پنجاه هزار تومان خوانـده شده شـما پول طلبکارید؛ منتهی در زمان پرداخت، بنابر احتیاط واجب باید با حساب تورّم از سال ۱۳۶۸ تا زمان پرداخت، ارزش آن به قیمت روز پرداخت شود.

«سؤال ۳۶۹۵» آیا شـخص دیگری غیر از زوج می توانـد مهریه را بر عهده بگیرد؟ مثلًا پدر زوج آنچه که تقبّل می کند آیا مهر است؟ ثانیـاً: آیـا پرداخت آن بر عهـدهٔ زوج است یا پـدرش؟ و ثالثاً: اگر پـدر زوج متعهـد شود که یک دانگ منزل را به مبلغ یک میلیون تومان به عروس بدهد؛ آیا یک دانگ را بدهکار است یا مبلغ یک میلیون را؟

جواب: اگر پدر بخشـی از مهر را از ناحیهٔ فرزند قبول کند مانعی ندارد و پدر باید به تعهد خویش عمل کند و باید یک دانگ را به نام عروس خویش بکنـد. و اگر یک دانگ خانه، مورد تعهد پدر زوج بوده است همان یک دانگ را بدهکار است به هر قیمتی که باشد.

« سؤال ۳۶۹۶» اگر در نکـاح دائـم مرد پیشـاپیش شـرط کنـد کـه در صـورتی حاضـر بـه ازدواج اسـت که چیزی به عنـوان مهر نپردازد، بلکه زن چیزی هم پرداخت کنـد، مثلًا اتومبیل خود را به نام او سـند بزند و زن هم موافقت کند. در صورت توافق، آیا عقد صحیح است؟ و آیا به مهرالمثل برگشت می کند؟

جواب: در فرض سؤال، عقد اشـکال ندارد و بر عهدهٔ مرد چیزی نیست، مگر این که طلاق بدهد که در این صورت- در فرض عدم دخول- باید چیزی به او بدهد هرچند کمتر از مهرالمثل باشد و اگر دخول واقع شده باشد مهرالمثل را به او بپردازد.

«سؤال ۳۶۹۷» خانمی که

شوهرش از دنیا رفته و مقداری از مهریه اش بر ذمّهٔ شوهر بوده با وجود این که آنها طفل صغیر هم داشته اند، ولیّ قهری به فروش اموال مرحوم مبادرت کرده، آیا نباید مهریهٔ عروس خود را پرداخت می کرد و این امر جزء امور ولایت وی نیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۷

جواب: ولیّ طفل وظیفه دارد بدهکاری های متوفی را از اموال او بپردازد و از جمله مهریهٔ عروس را باید بدهد و وصایای متوفی را نیز اگر بیشتر از ثلث مال نباشد انجام دهد و باقی مانده مال طفل صغیر و پدر و مادر متوفی و همسر او می باشد.

«سؤال ۳۶۹۸» در یک مراسم عقد، پدر زوج متقبّل مهریه ای می شود که عبارت است از یک ملک با چند ساعت آب، اما در محضر به آنها می گویند مهریه بر عهدهٔ شوهر است نه پدر شوهر و لذا پدر زوج به فرزندش می گوید: «آب و زمین را به پسرم می فروشم و وجه آن را نقداً دریافت می کنم»؛ لکن آب و ملک و خانه تحویل فرزند نمی شود. پس از چند سال زن درخواست مهریه می کند پدر شوهر می گوید: من به تو چیزی بدهکار نیستم و آنچه به فرزندم فروختم وجهی در مقابلش دریافت نکرده ام اکنون پدر از دنیا رفته است؛ لطفاً بفرمایید: عروس این خانواده چگونه می تواند مهریهٔ خود را از ورثهٔ پدر یا فرزند دریافت کند؟

جواب: در مفروض سؤال، آب و زمین مذکور در صورتی ملک عروس است که به عنوان مهریه در عقد نکاح قید شده باشد هرچند به خاطر محذور قانونی در قباله ذکر نشده باشد، ولی اگر مهریه در عقد نکاح بر ذمّهٔ شوهر قرار داده شده عروس

ملـک و آب طلبکـار نیست و پـدر اگر ملـک و آب را به فرزنـد فروخته است در مقابـل پولی، ملک و آب مال فرزنـد است و فرزنـد پول را بدهکار است و اگر ملک و آب را به فرزند هبه کرده است شـرط صـحت هبه قبض است؛ پس اگر تحویل پسـر نـداده هبه ثـابت نیست و جزء ترکه محسوب است و در صورت شک، بجاست ورثه با پسـر مصالحه کرده و یا به قاضـی جامع الشرایط مراجعه کنند.

«سؤال ۳۶۹۹» شخصـی پس از شش ماه که از عروسی وی گذشته است به بهانهٔ این که من نمی دانستم که تو قبل از ازدواج با من به عقـد شـخص دیگری درآمـده ای، تمایلی به ادامـهٔ زنـدگی با خانم خود را ندارد. در حالی که به نظر زوجه شوهرش از این امر اطلاع داشـته است. حال آیا زوج می تواند عقد را فسخ کند، یا طلاق باید صورت گیرد؟ و اگر طلاقی صورت گرفت زوجه تمام مهر را طلبکار است؟

جواب: در مفروض سؤال که هم بستر شده اند و دخول انجام شده است زن تمام

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۸

مهر را از شوهر طلبکار است.

«سؤال ۳۷۰۰» در یک قبالـهٔ ازدواج آمـده: «زوجه، صـرفاً عین خانـهٔ مسـکونی را صاحب است» و به تبع آن پدر زوج در زمان حیـات خـود از منـافع ملـک مزبور بهره برده است و سـپس پـدر زوج فوت کرده است. اولًا: بـا توجه به این که زوجه تـاکنون مالک عین ملک بوده؛ آیا شرعاً می تواند اجرت المثل یک دانگ عین ملک خود را مطالبه کند.

ثانیاً: اگر شارع در پرداخت اجرت المثل نظر مساعد دارد با توجه به آیات ۴ سورهٔ نساء و

۲۳۷ سورهٔ بقره که پرداخت مهریه بر عهـدهٔ زوج است پرداخت اجرت المثل عین ملک بر عهـدهٔ چه کسـی است، زوج یا سایر ورثهٔ پدر زوج؟

جواب: عبارت مذکور دو احتمال دارد.

۱- زوجه مالک عین یک دانگ است نه قیمت آن فقط.

۲- زوجه مالـک عین یـک دانـگ است نه منـافع آن؛ پس عین مسـلوبهالمنفعه، مهر قرار داده شـده است. در فرض اول، زوجه اجرت یک دانگ از پدر زوج و هر متصـرف دیگر را طلبکار است، مگر این که به تصـرف آنان راضی بوده که مجاناً تصرف کننـد و در فرض دوم، چیزی طلبکـار نیست و اگر قرائن، شاهـد یکی از دو احتمـال باشـد طبق آن عمل شود و اگر نه مصالحه کننـد، ولی ظـاهراً مقصود فرض اول بوده است و بعیـد است عین مسـلوب المنفعه را مهر قرار دهنـد و در صورت ادامـهٔ نزاع و عدم تصالح به حاکم شرع مراجعه شود.

«سؤال ۳۷۰۱» برخی از فقها مهریـهٔ به نرخ روز را خلاف شـرع می داننـد و معتقدنـد که عین مهریه باید پرداخت شود و مهریه، شامـل حـال نرخ تـورّم و مسائـل اقتصـادی نمی شود در حـالی که طبق قـانون فعلی، مهریه به نرخ روز محاسـبه می شود، حکم شرعی چیست؟

جواب: مهریه اگر زمین یا از نقـدین یا کالا باشـد زن عین آن را طلبکار است، ولی اگر پول های کاغذی باشد، چون آنها ذاتاً ارزش ندارنـد و ارزش آنهـا به اعتبـار و قـدرت خریـد آنهاست، لـذا بنابر احتیاط واجب بایـد ارزش آنها در زمان عقـد منظور گردد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۵۹

«سؤال ۳۷۰۲» این جانب ۱۶ سال پیش زمینی را که مبلغ دویست هزار تومان ارزش داشت را فروخته و پول آن

را به پسـرم دادم تا با آن کسب و کار و تجارت کند، ولی پسـرم آن را به عنوان وجه القبالهٔ همسـرش قبول کرد. متأسفانه موقع عقـد، پرداخت قباله را بر عهـدهٔ این جانب گذاشـتند. اکنون بعد از گذشت ۱۶ سال پسـرم می گویـد: همان مبلغ دویست هزار تومان را به تو می دهم و وجه القباله را تو باید پرداخت کنی. حال من در مورد حل این مسألهٔ مهم چه باید بکنم؟

جواب: اگر مهریهٔ عروس را پدر بر عهده گرفته، پرداخت پول به پسـر او را بری ء الذمه نمی کند، مگر این که به عروس گفته شود و او قبول کنـد. پس اگر عروس خبر نـدارد و قبول نکرده است عروس مهریه را از پـدر به قیمت روز طلبکار است و پسـر پولی را که از پدر گرفته اگر هبه نبوده است باید به پدر بدهد و اگر ارزش پول سقوط کرده است نسبت به مقدار تفاوت بنابر احتیاط واجب باید پدر را راضی کند.

ازدواج موقت و اذن ولیّ

«سؤال ۳۷۰۳» چنانچه دختری که دارای رشـد جسـمی و فکری لازم بوده و صـلاح خود را تشـخیص می دهـد بخواهد به عقد موقت پسـر یا مردی درآید با شـرط ضـمن عقدی که دخول واقع نشود، حال اگر پدر حضور داشـته باشد، ولی راضی به چنین امری نباشـد، یا خود دختر مایل نباشـد که موضوع عقـد را با پـدرش در میان بگذارد؛ آیا جاری کردن صـیغهٔ شـرعی وجاهت شرعی دارد یا خیر؟

جواب: مسـأله مورد اختلاف است و بنـابر احتیاط واجب در دختر باکره، استیـذان از پـدر دختر لازم است، عقـد دائم باشـد یا موقت و شرط عدم دخول بکنند یا نه، مگر این که دختر تمایل شدید داشته باشد

و طرف کفو او باشد، ولی پدر بی جهت کار شکنی و لجبازی می کند که در این صورت عقد بدون اذن او صحیح است.

«سؤال ۳۷۰۴» شخصی زنی را به مدت کوتاهی به ازدواج موقت خود در می آورد. در اثنای مدت، زن می گوید که آبستن است و پس از چند ماه هم دختری به دنیا می آید. زن ادّعا می کند که این فرزند از شوهر قبلی است، چون شباهت زیادی به فرزندان شوهر اول

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۰

دارد و با این ادّعا فرزند را بزرگ و حتی شوهر می دهد، اما شوهر دوم زن، خود را پدر آن فرزند می داند حتی به فرزند هم پیشنهاد آزمایش خون داده، اما فرزند می گوید که اگر روشن شود آبرویش می رود، لذا فرزند از تمام حقوق خود نسبت به شوهر دوم مادرش گذشته است، وظیفهٔ شوهر دوم در قبال این مسأله چیست؟

جواب: به سبب شباهت، قیافه و امثال آن نسب شرعاً ثابت نمی شود و در مفروض سؤال در صورتی که از زمان آمیزش شوهر دوم تا زایمان زن، حداقل شش ماه گذشته باشد، بچه شرعاً متعلق به شوهر دوم بوده و احکام نسب بین آنها جاری است و در این صورت چون دختر ربیبهٔ شوهر اول است به او نیز محرم است.

«سؤال ۳۷۰۵» دختری که دوبار عمل شنیع زنا را انجام داده و هر بار پردهٔ بکارت خود را ترمیم کرده است، آیا ازدواج موقت با این دختر بدون اذن پدر اشکال شرعی دارد؟

لازم به ذکر است این دختر در غیر ازدواج موقت باز ممکن است دنبال عمل شنیع سابق خود برود.

جواب: بنابر احتیاط واجب، اذن پدر یا جدّ پدری در

صحّت عقد دختر باكره معتبر است و با زوال بكارت به واسطه زنا نيز بنابر احتياط اذن آنان لازم است و بهتر است دختر مشكل خود را با پـدر به طور مسـتقيم يا غير مسـتقيم در ميان گذارد و رضايت او را جلب كند و فرضاً دختر اگر ازدواج موقت يا دائم نكنـد به حرام مى افتـد و پـدر يا جدّ پدرى بهانه تراشـى يا سـختگيرى بيجا كرده و اجازه نمى دهند در اين صورت اجازهٔ آنها لازم نيست.

«سؤال ۳۷۰۶» در ازدواج مـوقتِ دخـتر بـاكره، در صـورتى كه يقين داشـته باشـيم هيـچ گـونه دخـولى صورت نمى گيرد و در صورتى كه احتمـال بـدهيم پـدر دختر با آن موافقت نمى كنـد؛ آيا باز هم اجازهٔ پـدر را شـرط مى دانيـد؟ و اگر دختر از پـدر اجازه نگرفت، آيا عقد باطل است يا خير؟

جواب: در عقـد دختر بـاكره بنـابر احتياط واجب بايـد رضايت پـدر تحصـيل گردد، مگر اين كه دختر نياز داشـته و طرف كفو باشد و پدر بى جهت لجبازى مى كند كه در اين صورت اذن پدر يا جدّ لازم نيست.

رساله استفتاءات (منتظرى)، ج ۳، ص: ۳۶۱

«سؤال ۳۷۰۷» اگر پسرى بخواهد دخترى را به عقد موقت خود در آورد، در حالى كه پدر دختر براى مدت نامعلومى به خارج از كشور سـفر كرده و از لحاظ قانونى در محضر وكالت نامهٔ رسمى به همسر خود- جهت ازدواج دخترش- داده باشد، آيا هم چنان اذن پدر لازم است و يا اين كه اذن مادر كفايت مى كند؟

جواب: در صورت دست رسـى به پـدر هرچند به وسـيله نامه يا تلفن، بنابر احتياط از او اسـتجازه شود و در مفروض سؤال، اگر وكالت دادن به مادر در اجازهٔ مطلق و

شامل عقد موقت نیز باشد اجازهٔ او کافی است.

«سؤال ۳۷۰۸» اگر مردی زنی را به مدت سه ماه به ازدواج موقت خود در آورد، ولی پس از یک ماه زن تقاضای بخشش مدت باقی مانده را کند، آیا مرد باید تمام مهریهٔ مقرره را بپردازد یا مهریه تقسیط می شود؟

جواب: مرد باقی ماندهٔ مدت را ببخشد و مهریه را بر مدت سه ماه تقسیط کند.

«سؤال ۳۷۰۹» ازدواج با زن فاحشه چه حکمی دارد؟ در صورتی که قصد دخول نباشد چطور؟

جواب: اشکال دارد، مگر این که توبه کرده باشد.

«سؤال ۳۷۱۰» دختر و پسری بدون رضایت پدر و مادر قرار ازدواج می گذارند و در محّلی عقد موقت را از روی کتاب می خوانند؛ پس از چندی متوجه می شوند: به جای عقد موقت عقد دائم خوانده اند. سؤال این است که جاری کردن صیغهٔ عقد موقت بین دختر و پسر در صورتی که مفسده ای برای دختر نداشته باشد و با شرط این که رابطهٔ جنسی هم در کار نباشد بدون رضایت پدر و مادر چه حکمی دارد؟

جواب: اگر طرفین معنای کلماتی را که خوانده اند نمی دانسته اند و قصد انشای زوجیت دائم نداشته اند عقد دائم واقع نشده است و فعلًا حکم خاصی بر آنان مترتب نیست، مگر این که دخول واقع شده باشد هرچند از عقب که در این صورت باید زن عدّه نگه دارد و اگر آن دو کفو هم و به یکدیگر علاقه دارند بجاست خانواده آنان لجاجت نکنند و پدر دختر اجازه دهد و در صورت کفو بودن و علاقه آنان اگر پدر لجاجت می کند اجازه او لازم نیست و می توانند عقد دائم را به وسیلهٔ اهل علمِ وارد، جاری کنند.

رساله استفتاءات (منتظری)،

«سؤال ۳۷۱۱» آیا یک مرد مسلمان می تواند با زنی که مسلمان نیست و ده سال با یک مرد دیگر بدون ازدواج با هم زندگی کرده اند و حالا یک ماه است که از هم جدا شده و معلوم نیست که دوباره با هم زندگی کنند ازدواج موقت کند؟

جواب: اگر زن مذکور ده سال با مردی به عنوان زن و شوهر زندگی کرده هرچند صیغهٔ عربی نخوانده باشند زن و شوهرند و ازدواج متعه با او جایز نیست، ولی اگر ده سال را با یکدیگر به عنوان زنا و عمل نامشروع زندگی کرده اند متعهٔ او مانعی ندارد، به شرط این که مسلمان، یا یهودی، یا مسیحی و یا زرتشتی باشد و اگر هیچ دینی ندارد اول از او بخواهید با گفتن شهادتین مسلمان شود و سپس با او ازدواج کنید. در عقد متعه، باید هم مهر و هم مدت مشخص شوند، و کوشش کنید اگر از راه حلال نشد سراغ حرام نروید مخصوصاً اگر شوهردار باشد. لازم است مسلمان در راه صحیح صبر و استقامت داشته باشد.

«سؤال ۳۷۱۲» آیا برای ازدواج موقت با اهل کتاب لازم است تمام شرایط و ویژگی های امر ازدواج را برای زوجه تشریح کنیم؟ و آیا پس از پایان مدت ازدواج آنان نیز باید عدّه نگه دارند؟ و اگر بدانیم که او پس از ازدواج با ما و پایان مدت ازدواج موقت، عدّه نگه نخواهد داشت ما چه تکلیفی داریم؟

جواب: باید بداند اقدام به نکاح مشروع می کند و نیز علم به مدت و مهریه داشته باشد. ولی اگر شما (یا دیگری را به طور مطلق وکیل کند که آن طور که صلاح

می دانید) او را به نکاح مشروع در آورید، کافی است. بنابر احتیاط آنان نیز مکلّف به فروعند و باید عدّه نگه دارند و در هر صورت در عدّه نمی توان با آنان ازدواج کرد و اگر بعد از مدت عدّه نگه نداشت شما تکلیفی ندارید.

«سؤال ۳۷۱۳» زنی به عقد موقت مردی درآمده به مدت ۹۹ سال و پس از چهار سال زندگی با یکدیگر زن مرد را رها کرده و به عقد مرد دیگری درآمده و پس از ۵ ماه از شوهر دوم حامله شده؛ آیا عقد دوم باطل بوده است؟

جواب: اگر مرد مدت عقد منقطع را نبخشیده باشد عقد اول باقی بوده و عقد

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۳

بعدی باطل است، ولی اگر زن به مرد بگوید تو را نمی خواهم و مرد هم به عنوان این که از این به بعد زن من نیستی قبول کند، زن می تواند بعد از نگه داشتن عدّه به دیگری شوهر کند.

«سؤال ۳۷۱۴» مدتی قبل قصد ازدواج موقت کردم، اما چون مخفی بود خودمان صیغه را جاری کردیم و بنابراین شد تا زمانی که شوهر مناسبی برای من پیدا شود با هم محرم باشیم؛ اما چون احتمال دادم که ممکن است شوهر پیدا شود و باید عدّه هم نگه دارم طبیعی است که مدتی طول بکشد از زوج خواستم مدت زمان اضافی آن را ببخشد. حالا در رسالۀ شما دیده ام که اگر مدت معیّن نشود عقد دائم می شود. بفرمایید: آیا عقد صحیح بوده و چگونه می توان مشکل را حلّ کرد؟

جواب: اگر با توجه به معنا و قصد انشا عقد را خوانده باشید در فرض سؤال بنابر احتیاط با اجرای

طلاق و عدّهٔ طلاق از هم جدا شوید و پس از انقضای عدّه اگر مایل بودید باز ازدواج کنید.

«سؤال ۳۷۱۵» آیا در قرآن به متعه و صیغه اشاره شده است؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام زنی به صورت صیغه داشته اند؟

جواب: ظاهر آیهٔ ۲۴ سوره نساء متعه است و جواز متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمهٔ اطهار علیهم السلام مورد تردید نیست هرچند خود آنان انجام نداده باشند.

موانع ازدواج

«سؤال ۳۷۱۶» آیا بیماری ایدز قبل از ازداوج، مانع نکاح و بعد از ازدواج، باعث فسخ آن می شود؟

جواب: این بیماری به خودی خود مانع از صحّت نکاح و یا سبب انفساخ عقد نیست و در صورت جهل مرد از ابتلای زن هم، جواز فسخ عقد محل اشکال است، ولی می تواند او را طلاق دهد و در عکس آن نیز جواز فسخ محل اشکال است و زن می تواند به حاکم شرع مراجعه کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۴

موارد فسخ عقد

«سؤال ۳۷۱۷» شخصی پس از این که یک ماه از عقد ازدواجش گذشته، تصادف کرده، بسیار مصدوم شده و چند رگ از اعصابش قطع شده و علاوه بر آن عقل وی نیز زایل شده است. در صورتی که دخول نشده باشد، آیا زوجه می تواند از جانب شوهر خود را طلاق دهد؟

جواب: در مفروض سؤال اگر شوهر عقل را از دست بدهد زن حق دارد عقد ازدواج را به هم زده و فسخ کند بدون این که مهر را طلبکار باشد.

«سؤال ۳۷۱۸» دختری در زمان عقد، بیماری خود را کتمان کرده و زوج از آن بی اطلاع بوده است و این بیماری هم برای فرزند آیندهٔ آنها ضرر داشته است، لذا زوج در دوران عقد از این بیماری اطلاع پیدا کرده و زوجهٔ دیگری اختیار می کند. زوجهٔ اول بعد از ازدواج دومِ همسر خود، تقاضای طلاق می کند؛ آیا این زوج باید مهریهٔ زن اول خود را پرداخت کند یا بیماری، باعث عدم پرداخت می شود؟

جواب: اصل عقد اشکال ندارد، ولی نسبت به مهر اگر مهر چنین زنی با وصف مریضی کمتر از آن است که در عقد خوانده شده زوج حق دارد

مهر را کسر کند.

«سؤال ۳۷۱۹» زنی نمی دانسته که جنون یکی از مواردی است که حق فسخ عقد را به دنبال دارد و بعد از این که فهمید شوهرش دارای جنون است به دلیل عدم علم به مسأله، مدت هشت سال با وی زندگی کرده و الآن فهمیده که حق دارد بدون طلاق از وی جدا شود. این زن از چه زمانی باید عدّه نگه دارد؟

جواب: اگر مسألهٔ خیار را نمی دانسته می تواند از همان موقع که می فهمد نکاح را فسخ کند و عدّه هم از موقع فسخ حساب می شود.

تمکین و نشوز

«سؤال ۳۷۲۰» اگر زوجه از تمکین و حقوق زوج امتناع کند، مگر در صورت پرداخت مهریه و از سویی زوج نیز برای زن فرش، طلا و جواهرات و ... خریده باشد در صورتی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۵

که شوهر راضی به استفادهٔ زن از وسایل فوق نباشد، آیا نماز زوجه اشکال شرعی دارد؟

جواب: در صورتی که زن ناشزه نباشد و از تمکین به شرط ادای مهر ابا ندارد و اثاث مذکور به عنوان نفقه در اختیار او قرار گرفته تصرف و نماز او در آنها بی اشکال است، ولی چنانچه قبلًا تمکین کرده باشد نمی تواند به خاطر عدم دریافت مهریه مانع استمتاع زوج شود و در هر حال زوج، مهریه را بدهکار است.

«سؤال ۳۷۲۱» در صورتی که هیچ گونه شرطی مبنی بر اختیار سکونت زوجه در ضمن عقد نکاح قید نشده باشد، آیا زوجه بدون مصلحت و اجازهٔ شوهرش حق سکونت در جای دیگر را دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، حق انتخاب مسکن با زوج است.

«سؤال ۳۷۲۲» همسر این جانب به دلایل واهی از این جانب اطاعت نکرده و در حقوق

زناشویی نیز تمکین نمی کند؛ خانه را ترک کرده و به منزل پدر خود رفته و من با مراجعات زیاد هم نتوانستم او را باز گردانم؛ آیا در صورتی که ترس از گناه داشته باشم می توانم ازدواج مجدّد کنم؟ و اگر در ضمن عقد نکاح شرط شده باشد که ازدواج دوم صورت ندهم، آیا می توانم به شرط عمل نکنم؟

جواب: اگر کسی به واسطهٔ نداشتن همسر در کنار خود به گناه می افتد می تواند، بلکه واجب است ازدواج کند و انتخاب همسر دوم جایز است، ولی در هر صورت همهٔ جوانب امر از جمله حقوق همسر را باید مراعات کند و اگر در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری همسر اول را وکیل کرده اید که در صورت ازدواج دوم بتواند خود را مطلّقه کند طلاق او با فرض ثبوت وکالت از ناحیهٔ شما صحیح است.

«سؤال ۳۷۲۳» اگر زوج بخواهد زوجه را به منزل مادر خود ببرد به طوری که برادران شوهر هر کدام کلید جداگانه ای داشته باشند و بدون اذن و اجازه وارد منزل مشترک بین زوج و دیگر برادران می شوند؛ آیا زوجه می تواند منزل مُجزّا از شوهر طلب کند؟

جواب: در صورتی که زن ناشزه نیست و از شوهر اطاعت می کند نفقهٔ او بر شوهر واجب است و از جمله مسکن او باید عرفاً مستقل و مناسب با زندگی او باشد و در فرض مذکور، منزل مناسب نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۶

«سؤال ۳۷۲۴» آیا به محض خروج زن از منزل و ترک زندگی زناشویی و اثبات عدم تمکین از سوی دادگاه، زن استحقاق نفقه را از دست می دهد؟ یا از زمان اجرای حکم عدم تمکین،

زن دیگر مستحق نفقه نیست؟

جواب: به مجرد ناشزه شدن زن، نفقه اش منتفی شده، ولی هر خروج از منزل و ترک زندگی، ممکن است موجب نشوز نشود و عذر شرعی در کار باشد.

«سؤال ۳۷۲۵» دختر و پسری عقد ازدواج خوانده اند و دختر در منزل پدر است و هنوز زفاف صورت نگرفته. آیا برای مسافرت و خروج از منزل پدر، اذن زوج برای زوجه شرط است یا خیر؟ و آیا نفقه بر زوج واجب خواهد بود؟

جواب: اگر زن برای زفاف حاضر باشد، ولی زوج او را به خانهٔ خود نمی برد و نفقه هم نمی دهد خروج او از منزل مشروط به اذن زوج نیست و همچنین است اگر دختر با پدر و مادر خود زندگی کرده و پدر و مادر بنای مسافرت دارند و زندگی دختر به تنهایی در منزل موجب عسر و حرج باشد. نفقه هم در صورتی بر زوج واجب است که زن حاضر باشد تمکین کامل کند و نیز به خانهٔ زوجه برود.

«سؤال ۳۷۲۶» اگر زنی به حکم دادگاه به تمکین و انجام وظایف زناشویی محکوم شده باشد، ولی به هیچ وجه تمکین نکند و در حال نشوز باقی بماند و از دادگاه تقاضای عسر و حرج کند، آیا دادگاه می تواند حکم طلاق صادر کند؟ اگر مرد هنوز از طلاق دادن امتناع کند و در محضر حاضر نشود، آیا دادگاه می تواند نماینده به محضر بفرستد و زن را طلاق دهد؟

جواب: زن ناشزه گناهکار بوده و مستحق نفقه نیست و دادگاه باید او را به اطاعت وادار کند و طلاق در اختیار مرد است و حاکم شرع بدون تحقیق و احراز امتناع مرد از ادای حقوق

زن و لجاجت او، حق طلاق ندارد.

محرميّت

«سؤال ۳۷۲۷» این جانب به علت نداشتن فرزند، پسری ۵/ ۴ ساله از ادارهٔ بهزیستی برداشته تا او را بزرگ کنم. بفرمایید راه محرمیّت این فرزند نسبت به همسر و خانوادهٔ پدرم چگونه است؟ و اگر این بچه از راه نامشروع باشد حکم آن چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۷

جواب: در مفروض سؤال، راهی برای محرمیّت پسر مذکور با همسر و خانوادهٔ پدرتان نیست، زیرا رضاع در فرزند بیش از دو سال فایده ای ندارد و از راه نکاح مادر و جدّه همسر نیز چون توقف به دخول دارد محرمیّت حاصل نمی شود و در این جهت فرزند مشروع و غیر مشروع تفاوتی ندارند.

«سؤال ۳۷۲۸» در مورد ولایت پدر و جدّ پدری بر دختر باکرهٔ عاقلهٔ رشیده در انجام ازدواج؛ آیا سقوط ولایت با مطلق دخول، در حدّ استقرار تمام مهر بر ذمّهٔ زوج، حاصل می شود؟ یا این که منوط است به تحقّق زوال بکارت؟ و همچنین آیا وطی در دبر زوال و سقوط ولایت پدر و جدّ پدری را بر عقد ازدواج ایجاب می کند؟ و اگر زنی دارای پردهٔ بکارت از نوع حلقوی و دارای اتّساع باشد به نحوی که دخول، منجر به ازالهٔ بکارت نشود، آیا با تحقّق دخول به نحو متعارف (به نحوی که در زنان دیگر منجر به ازاله می شود) ولایت ساقط خواهد شد یا خیر؟ و آیا اشتراط وجود صفات کمالی از جمله بکارت در ضمن عقد نکاح و سلب آن در زوجه برای زوج ایجاد خیار فسخ می کند؟

جواب: قاعده، اقتضا می کند که بالغهٔ رشیده همان گونه که در معاملات آزاد و صاحب اختیار است در

نکاح نیز آزاد باشد، ولی بر حسب اخبار کثیرهٔ متعارضه نسبت به باکره، احتیاط استیذان از او و از پدر یا جدّ پدری است و هرچند «دخول» در برخی روایات ذکر شده، ولی اولًا: دخول منصرف به ازاله بکارت است و ثانیاً: آنچه در اکثر روایات استثنا شده عنوان «ثیبوبت» است آن هم ثیبوبتی که در اثر شوهر داری پیدا شده باشد و او شوهر داری را تجربه کرده باشد نه اینکه از طریق جستن و یا زنا حاصل شده باشد و به وطی در دبر، ثیبوبت محقق نمی شود، زیرا معنای ثیبوبت، زوال بکارت از طریق شوهر است. ولی در هر حال در سه سؤال اول چنانچه عرفاً بکارت باقی باشد یا به غیر دخول شوهر زائل شده باشد احتیاط لازم است و در مورد شرط ضمن عقد نکاح- حتی در موارد تدلیس- ثبوت حق فسخ محل اشکال است.

«سؤال ۳۷۲۹» مرد و زنی در عقد موقت و در مدت آن اتفاق نظر دارند، اما در تعداد روزهای آن اختلاف دارند و همچنین در این که مدت ذکر شده و یا ذکر نشده اختلاف دارند؛ آیا حرف مرد مقدم است یا زن؟ و اگر عقد آنها دائم شده با توجه به متواری شدن مرد تکلیف زن چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۸

جواب: با توافق هر دو در اصل نکاح، شوهر که مدّعی ذکر مدت می باشد مدّعی است و طبعاً حق قسم با زن است که منکر ذکر مدت در عقد است و اگر غرض، متعه بوده، اما مدت در ضمن عقد ذکر نشده مشهور می گویند: عقد به دائم منقلب می شود، ولی مسأله خالی از اشکال نیست

و احتیاط در طلاق و اعادۀ صیغۀ متعه است. در مفروض سؤال دوم، زن به حاکم شرع مراجعه کند اگر نفقۀ زن را پدر شوهر یا دیگری قبول کند زن باید صبر کند و اگر نفقۀ او را نمی دهند حاکم تا چهار سال مدت معیّن می کند تا تفحص کنند که اگر شوهر پیدا شد باید زن صبر کند و اگر پیدا نشد ولیّ شوهر و یا حاکم شرع او را طلاق می دهد و زن احتیاطاً عدۀ وفات نگه می دارد و اگر زن یقین کند شوهرش مرده است پس از عدّه وفات می تواند شوهر کند.

«سؤال ۳۷۳۰» اگر مردی زن خود را طلاق دهد و زن با مرد دیگری ازدواج کند و از او دختری پیدا شود؛ آیا این دختر بر مرد اول محرم است؟

جواب: اگر بین زوجه و زوج اول دخول صورت گرفته باشد محرم است.

«سؤال ۳۷۳۱» زنی فوت کرده است و دختر او از مرگ مادر اطلاع نداشته و با مردی ازدواج می کند؛ آیا شوهر به میّت مَحرم می شود و می تواند جسد زن را ببیند؟

جواب: ادلّۀ محرمیّت از شمول بعد از مرگ انصراف دارد و استصحاب عدم محرمیّت، جاری است.

«سؤال ۳۷۳۲» این جانب به دلیل این که از همسر اوّلم بچه دار نمی شدم فرزندی را از ادارۀ بهزیستی قبول کردم و خواهرم او را شیر داده است تا به من محرم شود بعد از یک سال شوهرم فوت کرد و ازدواج مجدد کردم و یک فرزند دختر از شوهر دوم دارم. در ضمن شوهر دوم من سه فرزند داشت دو پسر و یک دختر. مسألۀ محرمیّت این پنج فرزند با من و شوهر چگونه خواهد بود؟

جواب: در مفروض

سؤال، شما خالهٔ رضاعی فرزند خوانده بوده و دختر شما دختر خالهٔ اوست و دختر خاله محرم نیست. پسر خواندهٔ شما با فرزندان شوهرتان نیز محرمیّت ندارد، ولی دختر شما و فرزندان شوهرتان با هم محرمند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۶۹

«سؤال **۳۷۳۳**» اگر اسپرم و تخمک زن و شوهری را در رحم زنی که بارور می شود قرار دهند و این زن هیچ نسبتی با زن و شوهر نداشته باشد اگر شیری در پستان این زن به وجود آید و فرزند را شیر دهد؛ آیا نسبتی بین زن و شوهر با این بچه ایجاد می شود؟ و آیا محرمیّت حاصل می شود؟ و اگر محرمیّتی حاصل نمی شود راه حل شرعی این مسأله چیست؟

جواب: در فرض مذکور، با توجه به این که شیری که در پستان زن آماده شده ناشی از حاملگی توسط شوهر آن زن نیست موجب محرمیّت نمی شود، ولی چون که در رحم این زن نموّ کرده و انبات لحم و شدّ عظم پیدا نموده محتمل است از باب اولویت از رضاع، زن حکم مادر بچه را پیدا کند ولی قطع به این معنی مشکل است و زن و شوهر نازا برای اطمینان بیشتر می توانند پس از به دنیا آمدن بچه او را به یکی از بستگان نزدیک خود که به واسطهٔ شیر خوردن از آن زن، بچه به آنها محرم می شود بدهند تا با شرایط مقرّر او را شیر دهد؛ ولی ظاهراً بچه فرزند صاحبان اسپرم و تخمک محسوب است.

«سؤال **۳۷۳۴**» آیا مرد می تواند به دلیل نازا بودن همسر دائمش زنی را صیغه کند و تخمک این زن با اسپرم خودش مخلوط شود و جنین حاصله

به رحم زن دائمی منتقل شود و در صورت جواز، اگر بچه پسر باشد؛ آیا زن دائم، زن پدر او محسوب و به او محرم است؟

جواب: عمل مذکور، چون مستلزم کارهای حرام از قبیل نگاه و لمس عورت نامحرم است جایز نیست، مگر این که زندگی برای زن و شوهر به حالت عسر و حرج رسیده باشد و در مفروض سؤال زن دائم چون زن پدر پسر می باشد با او محرم است.

«سؤال ۳۷۳۵» اگر دختر صغیری با شوهر عمهٔ خود ازدواج موقت کند- برای محرمیّت مادر نوزاد با شوهر عمه- در حقیقت این دختر صغیر، زن پدرِ پسر عمه های خود است.

اگر خواهر بزرگ تر این دختر صغیر بخواهد با یکی از پسر عمه های خود ازدواج کند؛ آیا می توان گفت خواهر این دختر خالهٔ ناتنی برای پسر عمه اش است؟ و آیا ازدواج این دو با هم چه حکمی خواهد داشت؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۰

جواب: در مورد بحث، فقط زن پدر بودن این دختر برای فرزندان آن مرد تحقق می یابد که هیچ کدام نمی توانند با خود این دختر (صغیره) ازدواج کنند، ولی ازدواج فرزندان آن مرد با خواهران آن صغیر اشکال ندارد.

«سؤال ۳۷۳۶» پدری برای سهولت در رفت آمد شوهر خواهرش به منزلشان و برای ایجاد رابطهٔ محرمیّت شوهر خواهر با همسرش، دختر نوزاد خود را به عقد موقت (مثلًا یک ساعته) وی که شوهر عمهٔ اوست در آورده و پس از انقطاع مدت مذکور، چنین نتیجه و استنباطی صورت گرفت که همسرش به شوهر خواهرش محرم شده است، آیا این دختر به فرزندان ذکور شوهر عمهٔ خویش محرم است؟ و آیا مادر نوزاد می تواند در کنار

شوهر خواهرِ شوهر خود و فرزندان آن بدون داشتن حجاب شرعی ظاهر شود؟

جواب: عقد موقت دختر نوزاد اولًا: باید به مصلحت دختر باشد و ثانیاً: به مدت یک ساعت محل اشکال است، بلکه بنابر احتیاط واجب باید مدت را به گونه ای قرار دهند که دختر به حدّ استمتاع از او برسد؛ پس بنابر فرض مذکور، صحت عقد نوزاد محل اشکال است؛ ولی اگر شرایط موجود باشد، یعنی عقد به مصلحت فرزند باشد و مدت آن در جهت استمتاع کافی باشد احکام آن برای همهٔ فرزندان پدر (شوهر عمه) جاری است و مادر نوزاد نیز بر شوهر عمه محرم خواهد بود.

«سؤال ۳۷۳۷» زن و شوهری مدت ۲۵ سال از هم دور بودند. در این بین زن با مرد دیگری عمل زنا انجام داده و بعداً معلوم شده که زمان انجام عمل زنا شوهر فوت کرده بوده است؛ آیا پس از عدّهٔ وفات می توانند آن دو با هم ازدواج کنند؟

جواب: در فرض سؤال، که زنا بعد از فوت زوج و قبل از شروع عدهٔ وفات بوده است بنابر احتیاط واجب آن زن با آن مرد، حرام ابدی است و نمی توانند با هم ازدواج کنند.

«سؤال ۳۷۳۸» خانمی هستم که به دلیل این که بچه دار نمی شدم فرزندی را بزرگ کردم اکنون او به سن بلوغ رسیده و برای این که با ما محرم شود به عقد مادر بزرگ خود در آوردم، ولی متأسفانه مادر بزرگ فوت کرده و دخولی هم صورت نگرفته است؛ آیا با همان عقد او محرم شده است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۱

جواب: در مفروض سؤال، چون مقاربت حاصل نشده دختران مادر بزرگ و نوه های او به

آن پسر محرم نشده اند.

«سؤال ۳۷۳۹» اگر زن و شوهری که بچه دار نمی شوند یک فرزند دختر را از ادارهٔ بهزیستی قبول کنند بعد از این که فرزند بزرگ شد از چه راهی به شوهر آن زن محرم می شود؟

جواب: برای ایجاد محرمیّت بهترین راه این است که بچهٔ شیرخواره را بگیرند و بدهند به خواهر یا مادر یا زن برادر هر یک از زن و شوهر تا به مقدار لازم به او شیر بدهند، ولی اگر زمان شیر خوارگی گذشته باشد راهی برای محرمیت به نظر نمی رسد.

«سؤال ۳۷۴۰» بوسیدن روی مادر زن و همین طور بوسیدن مادر زن، داماد خود را چه حکمی دارد؟ و اگر مادر زن بدون روسری نزد داماد خود رفت و آمد کند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بدون لذت و ریبه و یا بدون احتمال وقوع در گناه باشد مانعی ندارد.

حکم عزل

«سؤال ۳۷۴۱» آیا عزل کردن به یکی از روش های (عزل به صورت طبیعی، کاندوم، کپسول کاشتنی زیر پوست، استفاده از دستگاه داخل رحم، مصرف قرص خوراکی و استفاده از ژل یا داروی اسپرم کُش) که معمولًا بدون ضرر است اگر با رضایت زوجین باشد چه حکمی دارد؟ در صورتی که یکی از زوجین ناراضی باشد چطور؟

جواب: جلوگیری از بارداری به وسیلهٔ عزل و منع از استقرار نطفه در رحم و به طور کلی به وسیلهٔ روش های بی ضرری که مانع انعقاد نطفه شود، با رضایت زوجین مانعی ندارد، ولی بدون رضایت شوهر جز در مواردی که بار داری برای زوجه ضرر دارد، اشکال دارد و عزل بدون رضایت زوجه در عقد دائم کراهت دارد. در هر حال استفاده از وسایل مذکور در صورتی که

باعث از بین رفتن نطفه پس از استقرار و انعقاد در رحم شود اشکال دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۲

کنترل جمعیت

«سؤال ۳۷۴۲» بنده زنی ۳۳ ساله ام که سه فرزند دارم و در آخرین زایمان، صاحب فرزندان دوقلو شده ام و دیگر توانایی بارداری ندارم. می خواستم بدانم، آیا از بیم این که دوباره باردار شوم می توانم لولهٔ خود را ببندم یا خیر؟ با عنایت به این نکته که می دانم هیچ کاری بدون اذن خدا نمی شود.

جواب: اگر باردار شدن شما موجب مرض سخت و غیر قابل تحمّل باشد عمل مذکور مانعی ندارد و گرنه محل اشکال است.

«سؤال ۳۷۴۳» مسأله کنترل جمعیت و کنترل موالید به لحاظ فقه سیاسی چه حکمی دارد؟

جواب: در مواردی که ازدیاد جمعیت به نحو کنترل نشده موجب مشکلاتی در جامعه باشد و جامعه ظرفیت تحمّل آن را نداشته باشد دولت می تواند با اعمال روش های تشویقی و مانند آن جمعیت را کنترل کند. البته باید در این موارد، همهٔ جوانب از جمله تقلیل احتمالی جامعه تشیّع در قبال جوامع دیگر مدّ نظر قرار گیرد.

وطی به شبهه

«سؤال ۳۷۴۴» اگر مردی زن خود را به طلاق بائن مطلّقه کند و در ایام عدّه با او وطی به شبهه کند حکم مسأله چیست؟

جواب: اگر به اشتباه و به خیال این که زن غیر مطلّقهٔ اوست با او وطی کند گناه نکرده و احکام وطی به شبهه در مورد او جاری است.

مسائل ناباروری

«سؤال ۳۷۴۵» اگر مردی دچار معضل ناباروری شد به طوری که زوج مطلقاً اسپرمی جهت بارورسازی تخمک زوجهٔ خود نداشت؛ آیا می تواند عمل اهدای اسپرم انجام دهد؟ به این معنا که از اسپرم مرد دیگری استفاده و سپس به زن منتقل کند؟ و آیا می توان

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۳

به عنوان قدر دانی به مرد اهدا کنندهٔ اسپرم مالی بخشید؟

جواب: به نظر این جانب عمل مذکور که ترکیب «اسپرم» مرد اجنبی با تخمک زوجه مرد نابارور می باشد محل اشکال است و بر فرض وقوع؛ فرزند متولّد از آن، فرزند مرد نابارور نیست، بلکه ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است.

نفقه

«سؤال ۳۷۴۶» هرگاه مردی با زنی ازدواج کند، اما به جهت اختلاف قبل از زفاف وی را طلاق دهد، آیا علاوه بر مهریه، مخارج لباس و نفقهٔ بعد از عقد و قبل از زفاف به عهدهٔ زوج می آید؟

جواب: به مجرد عقد احکام زوجیت بر طرفین بار است، ولی غالباً قبل از زفاف توافق در کار است و در این صورت بعداً نمی توانند ادّعا کنند.

«سؤال ۳۷۴۷» این جانب همسر خود را طلاق داده ام، ولی از او دو فرزند دارم که اولی ۱۷ و دیگری ۱۰ ساله است که نزد مادرشان زندگی می کنند؛ آیا نفقهٔ هر دو فرزند بر من واجب است؟ و یا فقط نفقهٔ پسری که ده ساله است؟

جواب: فرزند چه بالغ و چه غیر بالغ چه دختر یا پسر در صورت نیاز، نفقه او بر عهدهٔ پدر و پدران او به ترتیب هر کدام نزدیک ترند واجب است، پس پدر بر جدّ و جدّ بر پدر جدّ مقدمند و اگر هیچ یک نباشند یا نتوانند یا ندهند

بر مادر واجب است.

«سؤال ۳۷۴۸» این جانب با شوهر خود مدت ۱۳ سال زندگی کردم و در این مدت همسرم با این که امکانات مالی داشت از دادن نفقه و خوراک و پوشاک به من و فرزندانم دریغ می کرد و با مشاجرات لفظی مرا آزار می داد، لذا تصمیم گرفتم که مهریهٔ خود را بذل کرده و از وی طلاق بگیرم؛ اما خود من در دوران عقد با پول خودم زمینی خریده و سه دانگ آن را به همسرم داده، ولی هنوز آن را به اسم او نزده ام؛ آیا می توانم آن را به نام وی نزنم با این که دادگاه هم آن را جزء اموال من محسوب کرده است؟ و آیا می توانم خرج و مخارج و نفقه را در این مدت ۱۳ سال از وی طلب کنم؟

جواب: اگر زوجه از زوج کراهت داشته و حاضر به زندگی با او نبوده، طلاق او به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۴

نحو خلع است و در مفروض سؤال، اگر طلاق به صیغهٔ خلع واقع شده مهریه ای را که زوجه به زوج در برابر طلاق بخشیده ملك زوج بوده و تصرف او در آن مانعی ندارد و اگر سه دانگ زمین را به شوهر خود هبه کرده و تحویل او هم داده اید نمی توانید پس بگیرید هرچند به اسم او نکرده باشید، ولی اگر او هنوز تحویل نگرفته به ملکیت او در نیامده است. در ظرف ۱۳ سال هم آنچه را شما از اموال خود برای شوهر و فرزندان خرج کرده اید اگر به قصد مجان بوده نمی توانید مطالبه کنید، اما نفقهٔ شما که بر عهدهٔ زوج بوده اگر شما نبخشیده اید می توانید آن را مطالبه

کنید. و همچنین آنچه را که شما خرج شوهر و اولاد کرده اید اگر به قصد قرض بوده می توانید مطالبه کنید و کارهایی که در منزل برای او انجام داده اید اگر به قصد مجان نبوده می توانید به مقدار متناسب از وی وجه مطالبه کنید.

«سؤال ۳۷۴۹» آیا مخارج ازدواج پسر و جهیزیهٔ دختر از نفقات واجب است و باید پدر تأمین کند؟

جواب: تابع عرف محل است و اگر نیازمند باشند جزء نفقه محسوب است.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۳۷۴

«سؤال ۳۷۵۰» همسر متوفی از زمان فوت شوهر مرحومش در اثر بارداری تا زمان وضع حمل به مدت یک صد و نود و یک روز تحت مراقبت های ویژهٔ پزشکی قرار داشته و این اقدامات مستلزم هزینه گردیده است. آیا پرداخت کننده، حق مطالبهٔ هزینه های فوق را از ولیّ قهری خواهد داشت که اموال متوفی در ید اوست؟

جواب: بر حسب اخبار وارده و مشهور فقها مخارج زن آبستن بعد از مرگ شوهر بر عهدهٔ خود زن بوده و این قول مطابق احتیاط است، مگر این که کبار ورثه با رضایت از سهم خودشان کمک کنند.

«سؤال ۳۷۵۱» شخصی فوت کرده و فرزند صغیری داشته که فردی به مدت هفت سال نفقهٔ او را متحمل شده است؛ آیا سرپرست کودک، حق مطالبهٔ هفت سال نفقهٔ وی را دارد؟ و از این پس چگونه باید مخارجات طفل تأمین گردد؟

جواب: کسی که مخارج صغیر را متحمل شده اگر با اجازهٔ ولیّ شرعی یا حاکم شرع یا عدول مؤمنین خرج کرده و قصد مجان نداشته می تواند از ولیّ یا قیّم او

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۵

کند و اگر صغیر اموالی دارد آنها می توانند از اموال او بردارند.

«سؤال ۳۷۵۲» با توجه به عوارض زندگی ماشینی و شیوع بیماری های روانی از جمله افسردگی، چنانچه زن برای تمدید و حفظ اعصاب و یا دیدار خانواده اش که در شهر و یا کشور دیگری ساکنند نیاز به سفر داشته باشد؛ آیا تأمین هزینهٔ این سفر بر مرد واجب است؟

جواب: اگر عرفاً جزء معالجهٔ زوجه و مداوای او محسوب گردد تأمین هزینهٔ آن بر عهدهٔ زوج می باشد و بالاخره موارد مختلف است.

«سؤال ۳۷۵۳» چنانچه زوجه از پولی که شوهر به عنوان نفقه داده، در نفقهٔ خود صرفه جویی کند (البته هیچ گونه کسری در ارتباط با تهیهٔ خوراک و پوشاک خود و فرزندانش نگذارد) و مقداری از نفقه اش به صورت ذخیره و پس انداز باقی بماند؛ آیا مالک این مقدار پس انداز، زوجه است؟ و می تواند هر گونه دخل و تصرفی در آن بکند؟

جواب: آنچه زوجه بر زوج حق دارد انفاق بر زوجه است نه تملیک نفقه به وی؛ پس اگر پولی را به زوجه بدهد برای صرف در نفقه است، ولی به ملک زوج باقی است مگر این که معلوم شود به وی تملیک کرده است که در این صورت در اختیار اوست.

«سؤال ۳۷۵۴» آیا تأمین مخارج دارو و درمان نیز جزء موارد نفقهٔ زوجه محسوب می شود؟

جواب: مخارج متعارف معالجه و مداوا بر عهدهٔ زوج است، مگر این که خارج از معالجات متعارف باشد.

«سؤال ۳۷۵۵» مادری که پیر و ناتوان گشته و حتی زمین گیر شده؛ آیا فرزندان پسر موظف به نگه داری او بوده؟ یا دخترها نیز در نگه داری او سهیمند؟

اگر فرزندی توان مالی آن را نداشت وظیفه چیست؟

جواب: سرپرستی و تأمین مخارج مادر با همهٔ فرزندانی است که امکان مالی دارند و فرقی بین پسر و دختر نیست و فرقی هم بین این که کدام بیشتر ارث برده یا مال بیشتری دارد با کسی که مال کمتر دارد یا ارث کمتری برده، نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۶

حق حضانت

«سؤال ۳۷۵۶» حقیر دو فرزند دختر نوجوان دارم، در صورت طلاق همسرم، آیا باید آنها را به او واگذار کنم؟ چون ایشان معتقدند آنها دخترند و شرایط خاص خود را دارند که باید در صورت طلاق، دختران به مادر واگذار شوند؟

جواب: حق حضانت دختران پس از هفت سال با پدر است و نباید در تربیت آنها کوتاهی شود یا موقعیّتی پیش آید که آثار سوء در تربیت آنان داشته باشد.

«سؤال ۳۷۵۷» اجازه از حاکم شرع در حضانت لقیط به چه نحوی است؟ آیا وجوبی است؟

جواب: اجازه گرفتن از حاکم شرع در حضانت لقیط به نحو احتیاط مستحب و در امور مالی واجب است.

«سؤال ۳۷۵۸» آیا حضانت، حق کودک است؟ یا حق پدر و مادر؟ و یا هر دو؟ و در صورت تعارض حق کودک با حق پدر و مادر، کدام حق مقدم است؟

جواب: حضانت شدن، حق کودک است و حضانت کردن نیز هم حق پدر و مادر و هم وظیفهٔ آنهاست. حق کودک به هیچ وجه ساقط نمی شود، اما پدر و مادر می توانند از حق حضانت خود صرف نظر کنند، ولی نمی توانند نسبت به نگه داری و تربیت فرزند کوتاهی کنند.

«سؤال ۳۷۵۹» آیا حضانت فرزند لقیط (فرزندی که پدر و جد پدری وی معلوم نیست) ایجاد

حقی علیه وی می کند؟

جواب: می توان مخارجی را که صرف او شده و در شأن او بوده است پس از بلوغ از او مطالبه کرد.

«سؤال ۳۷۶۰» کسی که بچه ای را برداشته تا او را بزرگ کند؛ آیا حق دارد او را رها کند؟

بویژه در صورتی که بچه در معرض تلف باشد و کسی سرپرستی او را قبول نمی کند؟

جواب: اگر کودک در معرض تلف باشد واجب است انسان او را برداشته و حفظ کرده و مخارجش را تأمین کند تا به حدّ بلوغ رسیده یا پدر و مادر و یا بستگان او پیدا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۷

شوند، گرچه لازم نیست انسان مخارج کودک را از اموال خود و به طور مجانی پرداخت کند، بلکه اگر کودک مال دارد می تواند از آن با اجازهٔ حاکم شرع صالح و یا از زکوات و کمک مردم خیّر صرف کند و یا اگر از مال خود صرف می کند با عدم قصد مجان پس از بلوغ کودک از او مطالبه کند.

«سؤال ۳۷۶۱» آیا حاکم شرع یا نمایندهٔ او می تواند لقیطی یا بچهٔ پرورشگاهی را با شرایطی که به مصلحت کودک است- اعم از مسائل مالی، تربیتی، حضانت و سرپرستی- به صورت عقد لازم به شخصی واگذار کند؟ و اگر ممکن نیست به چه دلیل؟

جواب: واگذاری سرپرستی در موارد مزبور به صورت عقد لازم با شرط ضمن عقد لازم یا شرط خارج از عقد هرچند از سوی حاکم شرع باشد محل اشکال است؛ ولی به صورت عقد وکالت که عقدی جایز است، مانعی ندارد که حاکم شرع کسی را وکیل کند که سرپرستی طفل را به عهده گیرد و وی

هم بپذیرد. البته اگر در شرایطی مصلحت کودک ایجاب کند حاکم شرع می تواند این وکالت را در ضمن عقد لازم، مانند بیع، اجاره و صلح به عنوان شرط قرار داده و به این طریق به آن لزوم بخشد و قدر متیقّن از ولایت بر لقیط، سرپرستی او به نحو مباشرت یا اذن و وکالت از ناحیهٔ حاکم است؛ ولی ولایت بر واگذاری به نحو لازم و غیر قابل فسخ دلیلی ندارد.

«سؤال ۳۷۶۲» برای کسی که لقیطی (فرزندی که پدر و مادر او معلوم نیست) را برداشته است، کدام حق ثابت است؟

جواب: کسی که لقیطی را بر می دارد وظیفه دارد او را حفظ و حضانت کند.

همچنین می تواند با در نظر گرفتن مصلحت و حق کودک و بنابر احتیاط با اذن حاکم شرع حق حضانت خود را اسقاط کرده و اگر بخواهد در مقابل آن نیز چیزی دریافت کند، و در این صورت اگر فرد شایستهٔ دیگری حضانت کودک را درخواست کرد در این زمینه حق حضانت متعلق به اوست.

«سؤال ۳۷۶۳» فرزند شش ماهه ای است که پدر، مادر، پدر بزرگ مادری و پدری خود را در یک حادثه از دست داده، ولی مادر بزرگ ها، عموها و دایی های این کودک خردسال در قید حیاتند؛ کدام یک از ورّاث جهت احراز قیمومیت این طفل مقدم ترند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۸

جواب: با نبود پدر، جدّ پدری و وصی آنها قیمومت صغیر در رابطه با دارایی او با حاکم شرع است و حاکم شرع باید شخص مورد اعتمادی را قیّم قرار بدهد و در مفروض سؤال، حضانت فرزند با مادر بزرگ پدری است و احوط نظارت عموهاست.

«سؤال ۳۷۶۴» آیا در

نگه داری دختر ۹ ساله و پسر ۵ ساله، اولویت با مادر فرزند است یا جدّ پدری؟ و همچنین اگر قیّم کودکی عموی ایشان باشد و بین قیّم و مادر فرزند در مصلحت محل سکونت فرزند، اختلاف باشد کدام مقدم است؟

جواب: در نبود پدر، حق حضانت با مادر است و قیّم و جدّ پدری در غیر حضانت، مصلحت فرزند را باید در نظر بگیرند و در اموال و شؤون دیگر، مثل ازدواج و سکونت در محلی، نظر قیّم و جدّ پدری معتبر است.

«سؤال ۳۷۶۵» بچه ای در حادثهٔ آتش سوزی منزل، پدرش را از دست داده است. وی چند عمو، عمه، خاله و دایی دارد؛ آیا لازم است قیّم داشته باشد؟ و اگر کسی کاری برای وی انجام داده چه حکمی دارد؟ و کدام یک از عمو، عمه، خاله و دایی اولویت در سرپرستی او دارند؟

جواب: بنابر احتیاط اگر کسی از او نگه داری نمی کند، بر اقوام و اقارب لازم است از او نگه داری کنند و اگر در معرض تلف باشد حفظ او بر دیگران نیز واجب است و در هر صورت اگر خود فرد محجور، مال دارد می توانند از مالش با اجازهٔ ولیّ، یا قیم و یا حاکم شرع، صرف او کنند و اگر مال ندارد از بیت المال یا از مردمان خیّر کمک بگیرند. و در فرض مذکور که پدر یا جدّ پدری یا کسی که پدر یا جدّ پدری به عنوان قیّم بعد از خود، تعیین کرده اند، وجود ندارد ولایت بر اموالش با حاکم شرع یا کسی است که او تعیین می کند و بدون اذن قبلی یا اجازهٔ بعدی او تصرفات در اموالش

نافذ نیست، مگر تصرفاتی که برای حفظ او لازم بوده و امکان اجازه از حاکم شرع نبوده است.

«سؤال ۳۷۶۶» آیا جدّ مادری، ولیّ طفل محسوب می شود؟

جواب: جدّ مادری طفل ولیّ شرعی او نیست، مگر این که ازناحیهٔ حاکم شرع منصوب شده باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۷۹

عقیقه

«سؤال ۳۷۶۷» آیا گوسفند عقیقه را می توان به امور خیریه اهدا و بین بیماران تقسیم کرد؟

جواب: گوسفند عقیقه را می توانند به مؤسسه تحویل دهند و مؤسسهٔ خیریه گوشت آن را پخته و یا نپخته بین فقرا تقسیم کند.

مسائل متفرقهٔ ازدواج

«سؤال ۳۷۶۸» آیا ازدواج شیعه با اهل سنت مشکلی دارد؟

جواب: ازدواج مرد شیعی با دختران اهل سنت بی اشکال است.

«سؤال ۳۷۶۹» دلیل حرمت زنا و دستوراتی که اسلام در رابطه با مسائل جنسی داده چیست؟

جواب: اختلال و فروپاشی نظام خانواده و اخلال در نسب و سایر مفاسدی که مترتب بر زناست، حکمت حرمت آن می باشد.

«سؤال ۳۷۷۰» در اواخر سورهٔ نور آمده: که بر زنان سالخورده ای که دیگر امید زناشویی و آمیزشی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند بدون آن که زینتی را آشکار کنند، به نظر این جانب براساس این آیه زنانی که به سن یائسگی می رسند دیدن موهای آنها اشکالی ندارد و لازم نیست آنها مو و حتی قسمت هایی از بدن خود را بپوشانند و آنچه برای آنها زینت محسوب می شود طلا و جواهرات آنهاست.

نظر جناب عالی در این باره چیست؟ در حالی که از نظر عقلی همچنین زنانی دیگر جذبه ای ندارند و مورد توجه قرار نمی گیرند آیا جز این است؟

جواب: مقصود از (القواعد من النساء) در آیه مورد اشاره، زنانی هستند که سن ازدواج و رغبت در آنان گذشته است و دیگر مورد رغبت نمی باشند؛ بنابر این، آیهٔ مذکور زنانی را که به سن یائسگی رسیده اند، ولی هنوز مورد رغبت می باشند و امید به ازدواج نیز دارند شامل نمی شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۰

«سؤال ۳۷۷۱» خواهشمند است بیان فرمایید در صورتی که یک مرد بخواهد

با زنی ازدواج موقت کند و صیغه عقد را خودش به نیابت از هر دو طرف (خودش و آن زن) بخواند، این کار با چه کیفیتی باید باشد؟ و آن صیغه به چه مضمونی است؟

جواب: این که مردی زنی را برای خود عقد کند خلاف احتیاط است، یا زن دیگری را وکیل کند و یا خود زن صیغه را به عربی، با توجه به معنای آن بخواند و مرد قبول کند و در صورت عدم تمکن از وکیل و عربی خواندن، خود زن صیغه را به فارسی بخواند.

«سؤال ۳۷۷۲» دختر باکره ای با پسری عقد نکاح دائم منعقد کرده و هنوز در دوران عقد بسر می برند و عروسی نکرده اند، اما چندین مرتبه با همدیگر به مسافرت رفته و در هر مرتبه نیز به مدت حداقل یک هفته در یک مکان بوده اند پس از مدتی زوجه مدّعی گردیده که به لحاظ خلوت کردن و انجام مواقعه با زوج بکارتش زایل گردیده، ولی زوج منکر این ادّعاست. حال با توجه به قاعدهٔ فقهی

«البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر»

، آیا می توان گفت که زوجه باید بر ادّعای خود دلیل ارائه کند؟ و آیا می توان به اصل ظاهر استناد کرد و چنین گفت که چون زوج عنین نبوده و زوجه نیز باکره بوده و زوجین نیز چند مرحله با یکدیگر بوده و خلوت کرده اند؛ بنابراین زوج مرتکب ازاله بکارت شده باشد و این زوج است که باید دلیل بر عدم ازالهٔ بکارت بیاورد؟

جواب: چنانچه نزاع در بکارت فعلی باشد، یعنی بعد از توافق بر باکره بودن زوجه در حال عقد و نیز تحقق تماس جنسی، نزاع در این است

که در اثر تماس جنسی، بکارت زایل شده یا نه، می توانند از طریق شهادت زنان و یا رجوع به پزشک خبره، واقع امر را روشن کنند و چنانچه نزاع تنها در این است که اساساً دخولی صورت گرفته است (تا استحقاق تمام مهر ثابت شود) یا نه، زوجه مدّعی است و باید دخول را ثابت کند و گرنه قول زوج با قسم مقدم است و چنانچه نزاع در این است که زمان عقد، بکارت بوده است و بعداً زایل شده و یا از همان زمان بکارت نبوده است، در این فرض زوج مدّعی است و باید عدم بکارت در زمان عقد را ثابت کند و گرنه قول زوجه با قسم پذیرفته می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۱

«سؤال **۳۷۷۳**» این جانب سه سال پیش به خواستگاری دختر دایی خود رفته و پس از موافقت وی، عقد موقت برای آشنایی بیشتر به مدت دو ماه با وی بستم. در این مدت من علاوه بر خرید شیرینی و لباس برای او، مادر، خواهران و دیگر بستگانش، مبلغ دو میلیون تومان برای خرید کامپیوتر و دیگر لوازم به وی پرداخت کرده ام. الآن پس از گذشت سه سال مرا جواب کرده و قصد ازدواج با من را ندارد؛ آیا من حق دارم تمام پول های نقد و اجناسی را که داده ام پس بگیرم؟ آیا پدر دختر (که در بعضی از موارد مثل خرید کامپیوتر و ... اطلاعی نداشته است) ضامن است؟

جواب: اشیایی که هبه شده اگر عین آنها باقی است و طرف هم ذی رحم نباشد هبه کننده، حق دارد آنها را پس بگیرد و در مورد سؤال، چون دختر دایی

است اشیای هبه شده را نمی توانید برگردانید، مگر این که نبخشیده باشید و فقط در اختیار او قرار داده باشید. در ضمن با فرض سؤال که پدر در جریان نبوده مسؤولیتی ندارد و ضامن نیست.

«سؤال ۳۷۷۴» این جانب ده سال پیش با مرد جوانی ازدواج کرده و با هم به خارج از کشور رفتیم و یک سال بعد به علت ناسازگاری، بدون طلاق از هم جدا شدیم و دو سال به همین منوال گذشت تا این که با جوانی ایرانی آشنا شدم و با او ازدواج کردم. البته در آن جا ازدواج به صورت ازدواج مسیحی بود و چند سال با او به همین صورت زندگی کردیم تا این که پلیس شوهر دوم را به دلیل این که مجوّز ماندن نداشت اخراج کرد و پس از یک سال شوهر اول مرا طلاق داد و من هم به ایران آمدم و با شوهر دوم ادامه زندگی دادیم. الآن فهمیدم که ازدواج دوم اشکال داشته بفرمایید چه کنم؟

جواب: در مفروض سؤال که ازدواج دوم با مراسم مسیحیت انجام گرفته است اگر آن ازدواج، قبل از طلاق از شوهر اول واقع شده و دخول محقّق شده بنابر احتیاط واجب شما برای شوهر دوم حرام ابدی شده اید و پس از نگه داشتن عدّه می توانید با مرد دیگری ازدواج کنید و اگر آن ازدواج بعد از طلاق و عدّهٔ آن واقع شده بنابر احتیاط صیغهٔ نکاح را دوباره طبق مراسم اسلامی انجام دهید و برای یکدیگر حلال می باشید.

«سؤال ۳۷۷۵» اگر دختر باکره ای بدون این که مدخول بها واقع شود سه طلاقه شود؛ آیا این دختر برای ازدواج مجدد با شوهر قبل نیاز به محلّل دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)،

جواب: اگر شوهر پس از هر ازدواج بـا دختر، او را طلاق داده است؛ پس از طلاق سوم اگر در مرتبۀ چهـارم بخواهـد بـا آن دختر ازدواج کند به محلّل با شرایط آن نیاز است هرچند شوهر دخول نکرده باشد.

«سؤال ۳۷۷۶» این جانب زنی هستم که دوازده سال است از همسرم به علت مشاجرات جدا زندگی می کنم بدون این که طلاقی بین ما جاری شده باشد در ضمن هیچ نفقه ای در این دوازده سال پرداخت نکرده است. مراتب را به دادگاه اطلاع داده ام و دادگاه تمام مهریه این جانب را از شوهرم گرفته است. چند روز پیش با زنی آشنا شدم و او مرا با مردی آشنا ساخته و یک عقد موقت خوانده ایم و متأسفانه آمیزش نیز انجام داده ایم و می خواهیم که بعداً عقد دائم بخوانیم؛ آیا عمل ما اشکال شرعی داشته است؟

جواب: ازدواج زن شوهردار یا زنی که در عدّه طلاق باشد باطل و حرام است و اگر دخول هم واقع شده باشد حرمت ابدی بین زن و مرد دوم حاصل شده و باید از هم جدا شوند و ندانستن مسأله یا اشتباه کردن موجب تغییر حکم شرع نمی شود، ولی اگر دخول واقع نشده و مسأله را و یا در عدّه بودن را نمی دانسته اند حرمت ابدی نیست و می توانند بعد از اجرای صیغۀ طلاق و اتمام عدّۀ طلاق با هم ازدواج کنند.

«سؤال ۳۷۷۷» همان گونه که در احادیث بر بازی و ملاعبه بین زن و شوهر قبل از دخول سفارش شده نشان می دهد که اسلام بر لذت بردن زن و شوهر در هنگام جماع تأکید دارد. حال پس چرا در بعضی روایات از صحبت

کردن بین زن و شوهر در هنگام جماع نهی شده در حالی که ممکن است این صحبت کردن نیز لذتی را برای زن و شوهر به همراه داشته باشد؟

جواب: روایات دال بر نهی از تکلم هنگام جماع ناظر به حال دخول و جماع است، چون ممکن است مانع از التذاذ باشد، ولی روایات دال بر ملاعبه مرد و زن و عدم تعجیل در جماع ناظر به مقدمات عمل قبل از جماع است.

«سؤال ۳۷۷۸» اگر زنی مرده باشد و شوهر او را از روی شهوت ببوسد و یا با او جماع کند، آیا حرمتی دارد؟ در این زمینه به نصّی برخورد نکرده ایم و به حکم استصحاب هم نباید اشکالی داشته باشد. نظر حضرت عالی چیست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۳

جواب: محل اشکال بوده و مخالف سیرهٔ متشرعه است و جماع هتك محسوب می شود.

«سؤال ۳۷۷۹» کلمات معصومین و یا پوسترهایی که از ائمهٔ اطهار بر در و دیوار نصب است؛ آیا عمل زناشویی در مقابل آن اشکال دارد؟

جواب: اگر بی حرمتی نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۷۸۰» شخصی دچار لغزش گردیده و پس از ازدواج با زنی العیاذ باللّٰه با مادر او هم بستر گردیده است؛ آیا ارتکاب این معصیت موجب بطلان عقد نکاح او با دختر آن می گردد؟

جواب: در فرض سؤال، نکاح دختر اشکال پیدا نمی کند.

«سؤال ۳۷۸۱» شخصی که سرپرستی لقیط یتیمی را بر عهده دارد، در مواردی که باید از عدول مؤمنین اجازه بگیرد نحوهٔ استیذان چگونه است و باید از چند نفر اجازه بگیرد؟

و آیا خود او که مؤمن و عادل است می تواند با رعایت مصلحت لقیط، برای او عقدی را منعقد سازد؟

جواب: احوط تعدّد و رعایت

شرایط حاکمیت در عدول مؤمنین است و با عدم دسترسی به حاکم شرع و مراعات مصلحت و شرایط لقیط می تواند وی را به عقد دیگری درآورد.

«سؤال ۳۷۸۲» چرا ختنه بر مردها واجب شده؟ در حالی که خدا ما را با این خلقت آفریده است؟

جواب: ما با دلیل قطعی می دانیم که تشریع احکام دین از طرف شارع حکیم به طور گزاف نبوده و در متعلق آن احکام، مصالح و مفاسدی است که چه بسا برای ما روشن نیست و در بعضی ادلّهٔ احکام به بعضی از آن مصالح و مفاسد اشاره شده است.

مثلًا در مورد ختنه چنین آمده است: موجب سرعت رشد گوشت کودک و طهارت و پاکیزگی آن می باشد. «۱»

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۳۴، ابواب احکام الاولاد، باب ۵۲، ح ۴.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۴

و این که بچه، ختنه نشده متولد می شود موجب آن نیست که حکم ختنه کردن تشریع نشود، کما این که بچه هنگام تولد، ناف او به ناف مادرش متصل است و سپس باید قطع شود و اگر قطع نشود موجب فسادهایی برای او و مادرش می باشد. همچنین ناخن ها و موهای انسان هنگام تولد، بزرگ نیست و به تدریج بزرگ شده و توسط انسان کوتاه می شود، در صورتی که خداوند قدرت داشت که ناخن ها و موها را به شکلی بیافریند که به میزان خاصی ثابت باشد و رشد نکند.

«سؤال ۳۷۸۳» با توجه به رشد و گسترش بیماری ایدز، آیا آموزش جنسی برای جوانان و نوجوانان جایز است؟

جواب: اگر به نحو وقیحانه و مبتذل نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۷۸۴» خانمی که حدود یازده ماه قبل همسرش از دنیا رفته الآن فرزندی به

دنیا آورده که زن معتقد است از شوهرش می باشد. بفرمایید حکم این ولد چیست؟ آیا جواب آزمایش D -N -A حجّیت دارد؟ و آیا قیافه شناسی در این مورد جایگاهی دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، که امکان الحاق فرزند به پدر وجود دارد گفتار مادر حجّت است و ولد متعلق بفراش است و قیافه و شباهت به پدر و آزمایشات ملاک نیست.

«سؤال ۳۷۸۵» اگر زانی دخول کند، ولی انزال پس از خارج کردن آلت صورت گیرد و جذب رحم زانیه شود فرزند حاصل از آن چه صورتی دارد؟ و اگر زانی به دبر زن دخول کند و پس از اخراج ترشحات منی، جذب قُبل زانیه گردد و وی حمل بردارد فرزند حاصله چه صورتی دارد؟

جواب: در هر دو فرض، فرزند ملحق به آنان می باشد و احکام ولد بر او مترتب است، ولی ظاهراً ارث نمی برد، زیرا جمله:

«الولد لغيّه لا يرث»

شامل او می شود چون ولد در اثر زنا حاصل شده است.

«سؤال ۳۷۸۶» اگر زانیه باکره از زانی بخواهد که به قدری دخول شود که ازالهٔ بکارت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۵

نشود، ولی زانی عمداً یا سهواً ازالهٔ بکارت کرد، آیا زانیه مستحق ارش البکاره یا چیز دیگری است؟ در صورت نبودن بیّنه، قول کدام یک مسموع است؟ و اگر موقع دخول ازاله نشود، ولی موقع وضع حمل ازاله شود، آیا زن مستحق چیزی است؟

جواب: در مفروض سؤال، مرد ضامن مهرالمثل باکره است و در صورت اختلاف ظاهراً قول زن مقدم است، زیرا سقوط مهر متوقف بر اذن زن است و اصاله عدم الاذن جاری است. همچنین در مفروض سؤال، حمل و در نتیجه زوال بکارت به دنبال

آن، مستند به مرد است، مگر این که جذب منی به خواست زن باشد و یا با توجه در دفع آن کوتاهی کند؛ ولی احوط تصالح است.

«سؤال ۳۷۸۷» اگر در اثر ملاعبهٔ زوج با زوجهٔ باکره، بدون این که دخول شود و قصد انزال باشد منی زوج سهواً جذب رحم زوجه شده و حمل بردارد؛ آیا زوجه مستحق همه مهریه است؟ و در فرض استحقاق نصف، آیا ارش بکارت هم طلبکار است؟

جواب: در مفروض سؤال، ظاهراً زوجه مستحق همهٔ مهر است، زیرا در اثر تولد بچه بکارت زایل می شود. بر این معنا برخی روایات دلالت دارد بدین مضمون که مردی با همسر خود همبستر شد و زن بلافاصله با دختری باکره مساحقه کرد و نطفه به رحم آن دختر منتقل شد، امام مجتبی علیه السلام فرمودند: مهر دختر باکره بر عهدهٔ آن زن است، زیرا در اثر خروج بچه بکارت آن دختر زایل می شود؛ «۱» ولی احوط نسبت به مازاد بر نصف مهر در مفروض سؤال، تصالح است چون دخول واقع نشده است.

«سؤال ۳۷۸۸» اگر اجنبیّه بر اثر ملاعبه و تحریک اجنبی، موجب انزال وی شود و منی با میل زن یا سهواً جذب رحم زن گردد، فرزند حاصله چگونه خواهد بود؟ و اگر زن باکره باشد و وضع حمل کند با ازالهٔ بکارت، آیا مستحق ارش ازالهٔ بکارت است؟

جواب: با فرض تعمّد زن و مرد در ملاعبه و ادامهٔ آن تا نزول منی، هرچند فرزند ملحق به آنان است، ولی ثبوت توارث بین فرزند و آنان محل اشکال است و اگر جذب منی با رضایت زن باشد چیزی طلبکار نیست، ولی اگر مستند به مرد باشد

و زن راضی نباشد مهرالمثل باکره ثابت است.

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۸ و ۱۶۹، ابواب حدّ السحق، باب ۳، ح ۱ و ۳.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۶

مسائل طلاق

[اجرای صیغه طلاق غیابی]

«سؤال ۳۷۸۹» در صورت غایب بودن زوج و درخواست زوجه برای طلاق، اگر دادگاه غیاباً حکم طلاق را صادر کند نحوۀ اجرای صیغۀ طلاق چگونه است؟

جواب: در غیاب شوهر در صورتی که در عقد، شرط شده باشد که زوجه وکالتاً خود را از طرف زوج طلاق دهد، طبق شرط می تواند عمل کند و اگر خود زن صیغۀ طلاق را اجرا می کند بگوید: «من قبل زوجی انا طالق» و اگر دیگری از طرف زن صیغه را اجرا می کند بگوید: «من قبل فلان زوجه فلان هی طالق» و به جای فلان اول، نام زن و به جای فلان دوم، نام شوهر را ببرد، ولی اگر شرط نشده و زوج مفقود گردیده است با شرایطی که در مسألۀ ۲۷۹۶ توضیح المسائل نوشته شده است، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد و صیغۀ آن چنین است: «زوجه فلان طالق»، و به جای فلان، نام شوهر را ببرد.

«سؤال ۳۷۹۰» اگر مردی به زوجۀ غیر مدخولۀ خود برای مطلّقه کردنش وکالت دهد، نوع طلاق و نحوۀ اجرای صیغه طلاق چگونه است؟

جواب: زن به وکالت از طرف شوهر، خودش را با شرایط مقرره طلاق می دهد و این طلاق، طلاق بائن است، که احکام و نحوۀ صیغۀ آن در توضیح المسائل ذکر شده است.

«سؤال ۳۷۹۱» پسری با دختری طرح دوستی ریخته و قرار ازدواج گذاشته اند. پدر دختر با ازدواج مخالفت کرده و به خاطر مخالفت پدر، دختر و پسر فرار کرده و به

شهر دیگری رفته اند. پدر برای حفظ آبرو و مسائل حلال بودن دخترش با پسر در غیاب آنها عقد ازدواج را جاری کرده است، اما پس از چندی دختر متوجه می شود که پسر دارای زن و فرزند بوده و وی را فریفته؛ لذا به خانه برگشته است و فعلًا پیدا کردن پسر هم ممکن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۷

نیست تا طلاق آنها را جاری کنند؛ آیا حاکم شرع می تواند آنها را طلاق دهد؟

جواب: اگر پدر دختر، بدون استجازه از دختر عقد خوانده و دختر آن را اجازه نکرده ازدواج محقّق نشده است و اگر با اذن یا اجازه دختر و پسر عقد واقع شده تا مدت چهار سال پس از مراجعه به حاکم شرع باید نسبت به پسر تحقیق و تفحّص انجام شود و سپس ولیّ دختر و اگر نشد حاکم شرع دختر را طلاق دهد.

«سؤال **۳۷۹۲**» زنی به دادگاه مراجعه کرده و درخواست طلاق کرده است و دادگاه حکم طلاق را به این مضمون صادر کرده است: «زوجه از طرف خود تعداد چهار عدد سکۀ طلا بذل و از طرف زوج وکالتاً قبول بذل کرده و حق دارد صیغۀ طلاق خلع را جاری کند و زوج الباقی مهریه را بپردازد (۱۷۰ سکه)» و زوج به این رأی دادگاه اعتراض کرده است؛ آیا صیغۀ طلاق بدون اجازه و رضایت زوج قبول است؟ و آیا زن حق دارد از طرف خودش بذل کرده و از طرف مرد وکالتاً قبول کند؟ و در این صورت آیا مهریۀ زن به ذمّۀ مرد است؟

جواب: در فرض سؤال، زن حق طلاق ندارد و علی فرض که در عقد شرط شده

باشد طلاق خلعی نیست، مگر این که زوج اختیار طلاق خلع و حتی وکالت در قبول بذل را به همسرش داده باشد.

«سؤال ۳۷۹۳» زنی متوجه می شود که شوهرش همسر دومی اختیار کرده است، لذا به دادگاه شکایت کرده است. زن دوم هم متوجه شده و او هم به خاطر این که از همسر اول اطلاع نداشته از وی شکایت می کند. شوهر می گوید طلاق نمی دهم، اما چون اجبار است زن دوم را آزاد کردم و همین جمله را نوشته و امضا کرده است و دو نفر هم شاهد بوده اند که وی گفته که زن دوم را طلاق دادم؛ آیا این شهادت و همچنین آن نوشته، حکم طلاق را دارد؟

جواب: نامه مذکور طلاق محسوب نیست، ولی اگر دو نفر شاهد عادل گواهی دهند که زوج اذن داده تا صیغه طلاق از ناحیهٔ او به وکالت از او جاری شود می توان با احراز سایر شرایط طلاق که در توضیح المسائل ذکر شده زوجه را طلاق داد.

«سؤال ۳۷۹۴» آیا در استماع صیغهٔ شرعی طلاق، معرفی زوجین، به شهود شرط است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۸

و یا این که صرف استماع عدلین کفایت می کند؟ ولو این که شهودِ عدلین، زوجین را ندیده و نشناسند؟

جواب: باید به طوری بشناسد که اگر بعداً اختلافی پیش آمد و نیاز به شهادت شهود پیدا شد بتوانند شهادت بدهند که مثلًا ما شاهد بودیم که فلان مرد زنش را که فلان شخص است طلاق داد.

«سؤال ۳۷۹۵» در صورتی که زن به دروغ متوسل شود و با ادّعای دروغ بتواند به طور غیابی بدون حضور و رضایت شوهر طلاق خود را بگیرد؛ آیا این طلاق باطل است یا نه؟

و آیا

مهریهٔ او بر عهدهٔ شوهر است؟

جواب: اختیار طلاق در دست شوهر است، مگر در موارد خاصی که حاکم شرع جامع الشرایط تشخیص دهد زندگی آنان دیگر میسّر نیست و شوهر لجبازی می کند؛ نه حاضر به زندگی و نه به طلاق است در این صورت حاکم شرع بسا طلاق را به مصلحت دانسته و در صورت عدم طلاق ولیّ شرعی شخصاً طلاق می دهد و تفصیل مسأله در کتب فقهی مسطور است و اگر مرد با زن همبستر شده است همهٔ مهریه را بدهکار است.

«سؤال ۳۷۹۶» شوهر این جانب به جرم کلاهبرداری و خوردن مال مردم، محکوم به زندان گردیده و مدت هفت سال است که در زندان است و چون بعضی از طلبکاران درخواست یوم الأداء کرده اند و گفته اند تا اموال را ندهد از زندان بیرون نیاید؛ معلوم نیست چه وقت همسرم از زندان خلاصی پیدا می کند و او مالی هم ندارد تا بتواند قرض خود را پرداخت کند. در ضمن، من و فرزندانم دچار عسر و حرج از بابت تهیه خرج و مخارجیم که به دادگاه مراجعه کردیم، ولی متأسفانه همسرم حاضر به طلاق نشده است و توان گرفتن وکیل هم برایمان مقدور نیست؛ آیا می توانم با وجود اختیار طلاق در شرط ضمن عقد، خود را مطلّقه کنم؟

جواب: با فرض سؤال، که در عقد ازدواج وکالت شما برای طلاق در صورت زندانی شدن و یا نفقه ندادن شرط شده، شما الآن وکالت دارید و می توانید خود را وکالتاً از طرف شوهر مطلّقه کنید و اشکالی ندارد و نیازی به اجازهٔ شوهر نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۸۹

«سؤال ۳۷۹۷» در مادهٔ ۱۱۳۰ قانون مدنی مسألهٔ عسر و

حرج زوجه مطرح شده که در صورت اثبات توسط زوجه در دادگاه صالحه، حاکم شرع می تواند زوج را به طلاق اجبار کند و در صورت میسّر نبودن برای اجبار زوج به استناد به برداشت فقهی

«الحاکم ولیّ الممتنع»

زن طلاق داده می شود. لطفاً بفرمایید موارد عسر و حرج زن از دیدگاه اسلام چیست؟ و چگونه باید توسط زن ثابت شود؟

جواب: عسر و حرج به حسب مفهوم هر گونه مشقت و سختی است که عادتاً برای شخص، قابل تحمل نبوده و صدق آن بر مصادیق خود با دید عرفی و نوع مردم است و اثبات آن نیز مانند سایر موضوعات از طریق اقرار، شهادت شهود و قسم می باشد.

«سؤال ۳۷۹۸» زنی بدون اجازهٔ شوهر به منزل پدرش رفته و وقتی شوهرش قصد بازگرداندن او را داشته، نزدیکان زن دور او را گرفته و درخواست طلاق کرده اند و روحانی محل را آورده و طلاق را جاری می سازند. شوهر به این طلاق رضایت نداده و چندین بار به منزل پدر خانم خود مراجعه کرده تا او را بازگرداند، اما موفق نشده است؛ آیا طلاق با این شرایط صحیح است؟

جواب: طلاق بدون اذن شوهر صحیح نیست و بر فرض صحّت، رجوع شوهر طلاق را برهم می زند.

طلاق غیابی

«سؤال ۳۷۹۹» این جانب با زنی از اقلیت های مذهبی آشنا شده و پس از این که وی به دین اسلام مشرف شد با او ازدواج کردم و دارای دو فرزندیم حالا پس از چند سال وی خود را طلاق غیابی داده و با دو فرزند من ترک منزل کرده و شنیده ام که به دین خود برگشته و در حال آموزش مذهب ارمنی به دو فرزند من است. لطفاً بفرمایید

وظیفهٔ این حقیر در قبال این عمل همسرم چیست؟

جواب: از خصوصیات قضیهٔ شخصی شما اطلاع ندارم، ولی به طور کلی حق طلاق از آنِ شوهر است جز در موارد استثنا، مثل زمانی که در ضمن عقد لازم، زن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۰

وکیل در طلاق باشد، یا شوهر مفقود الأثر شده و به حاکم رجوع شود و یا به هیچ وجه حاضر نیست نفقهٔ زن را بدهد. فرزندان نیز اگر بالغ و رشید باشند تحت ولایت پدر و مادر نیستند و کسی حق ندارد آنان را تحت تربیت غیر اسلامی قرار دهد یا مانع ارتباط آنان با پدر یا مادرشان شود و در صورت منع یا مزاحمت می توانید به محکمهٔ صالح قضایی مراجعه فرمایید؟

«سؤال ۳۸۰۰» در رسالهٔ حضرت عالی و تمام مراجع عظام شیعه ذکر شده که طلاقی که در آن مرد مجبور باشد و یا به هیچ وجه رضایت ندهد باطل است؛ آیا طلاقی که با استناد به مادهٔ ۱۱۳۰ بدون حضور و رضایت مرد غیاباً داده می شود، از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: طلاق باید به اختیار مرد باشد، ولی اگر مرد در ادای نفقه کوتاهی کرده و از آن سرباز زد، خواه عدم پرداخت نفقه موجب عسر و حرج برای زن باشد یا نباشد، به درخواست زن، حاکم شرع جامع الشرایط ابتدا مرد را مجبور به پرداخت نفقه کرده و اگر از آن امتناع ورزید او را مجبور به طلاق می کند و در صورتی که حاضر به طلاق نشد خود حاکم شرع زن را طلاق می دهد و اگر از سوی مرد، چه به واسطهٔ عدم پرداخت نفقه یا غیر آن، عسر و حرج

برای زن به وجود آید، به طوری که مرد زن را تحت آزار و شکنجهٔ جسمی یا روحی شدید و غیر قابل تحمّل به حسب عادت، قرار دهـد و تمـام حقوق او را تضـییع کنـد و نتوان او را بـا هر گونه اجبـار و تمهیـدی از آن عمل بازداشت، به درخواست زن، حاکم شـرع جامع الشـرایط ابتـدا مرد را مجبور به طلاق کرده و اگر وی از آن امتناع ورزید خود حاکم شـرع زن را در حضور مرد در صورت امکان و در غیر این صورت غیاباً طلاق می دهد.

وکالت در طلاق

«سؤال ۳۸۰۱» اگر مردی به همسر خود وکـالت بدهـد مبنی بر این که «هر موقع نیـاز باشـد بـدون نیاز به حضور زوج، خود را مطلّقه کرده و زوجه نیز مهر و نفقه را در حق زوج بـذل کنـد». حال اگر زوج اظهار کند که از روی عصـبانیت به شـما وکالت دادم یا بگوید از فعل

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۱

خود پشیمان شده ام؛ آیا این گونه الفاظ موجب سقوط و بی اعتباری و زوال وکالت خواهد شد؟

جواب: اگر در ضـمن عقـد لازم (اعم از عقـد ازدواج یا عقـد لازم دیگر) شـرط وکالت بلاعزل کرده باشد زوج حق رجوع از وکالت را ندارد، ولی اگر در وکالت نامه قید بلاعزل نشده باشد یا وکالت در ضـمن عقد لازم نباشد، پس از رجوع و پشـیمان شدن زوج و ابلاغ آن به زوجه، وکالت باطل می شود. البته اگر زوجه مهر و نفقهٔ خود را مشروط به داشتن حق وکالت بلاعزل در طلاق بذل کرده است، با رجوع زوج از وکالت، زوجه نیز می تواند مهر و نفقه خود را مطالبه کند و اگر بخشش آن در

قبال گرفتن حق وکالت در طلاق نبوده، حق رجوع ندارد.

«سؤال ۳۸۰۲» اگر زوجه ادّعا کند که زوجش به او تفویض وکالت کرده که خود را مطلّقه کند؛ آیا قولش در این خصوص حجت شرعی است؟ یا این که اثبات صحت ادّعایش منوط به فحص و تحقیق است؟

جواب: اگر تفویض وکالت، مورد نزاع زوجین باشد زوجه باید وکالت خود را از طریق معتبر شرعی مثل شهادت دو شاهد عادل، اثبات کند.

«سؤال ۳۸۰۳» شوهر این جانب مدت ۱۴ سال مرا رها کرده و مفقود شده بود، لذا من مجبور شدم به دادگاه شکایت کنم و حکم پرداخت نفقه از سوی دادگاه اعلان شد. بعد از آن معلوم شد او در زندان است (به دلیل اعتیاد). من هم پیش یک حاج آقا روحانی رفته تا طلاق مرا جاری سازد و سپس با شخص دیگری ازدواج کرده ام؛ آیا ازدواج دوم ما از نظر شرعی دارای اشکال است؟

جواب: اگر از سوی شوهرتان وکالت داشته اید که خود را طلاق دهید یا بر اثر عدم انفاق و استنکاف زوج از طلاق و یا عسر و حرج شدید، حاکم شرع جامع الشرایط به شما اختیار داده باشد که خود را طلاق دهید طلاقی که با شرایط موجود در توضیح المسائل، داده شده صحیح است و چنانچه پس از آن طلاق، عدّۀ لازم را نگه داشته اید عقد بعدی شما نیز صحیح است و اگر طلاق به یکی از طرق مذکور نباشد صحیح نیست و هنوز همسر مرد اولید. بنابراین در صورتی که مرد دوم می دانسته شما شوهر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۲

دارید و شما را عقد کرده یا نمی دانسته و پس از عقد با شما

نزدیکی کرده شما برای همیشه بر مرد دوم حرامید و نیز اگر طلاق به طور صحیح واقع شده، ولی قبل از تمام شدن عدّه، ازدواج کرده اید و نزدیکی نیز واقع شده است برای همیشه بر او حرام می باشید. همچنین است اگر نزدیکی واقع نشده، ولی شما یا او می دانسته اید که در عدّه قرار دارد و ازدواج در عدّه، حرام است. در ضمن، مدتی که زن باید عدّه نگه دارد در مسأله ۲۷۸۳ توضیح المسائل آمده است.

«سؤال ۳۸۰۴» زن و شوهری بر اثر اختلاف به محکمه مراجعه کرده و مدت دو سال مراحل قانونی دادگاه سپری و نهایتاً زوج محکوم شده است. در حال حاضر زوج فراری است و دادگاه حکم طلاق صادر کرده است؛ آیا در غیاب زوج می توان صیغهٔ طلاق جاری ساخت؟

جواب: در مورد شوهر مفقود باید به مقام صالح قضایی مراجعه و قاضی چهار سال به زوج مهلت می دهد و اگر بعد از جستجو پیدا نشد خود قاضی زن را طلاق می دهد و اگر در عقد ازدواج شرط وکالت به عهدهٔ زوجه شده باشد- که در صورت مفقود شدن یا نفقه ندادن به مدت شش ماه زن بتواند خود را مطلّقه کند- صحیح است و زن می تواند با گرفتن وکیل خود را مطلّقه کند و در غیر این صورت طلاق صحیح نیست.

«سؤال ۳۸۰۵» شخصی مدت ده سال است از منزل خارج شده و تاکنون برنگشته است و امیدی به بازگشت وی نیست وظیفهٔ زوجهٔ او چیست؟ و در صورتی که احتیاج به طلاق داشته باشد، آیا حتماً باید حاکم شرع وی را طلاق دهد؟

جواب: اگر زن یقین پیدا کرد که شوهرش از دنیا رفته

است بایـد عـدّهٔ وفات نگه دارد و بعد می تواند شوهر کند و اگر یقین به وفات شوهر ندارد یا باید صبر کند و یا باید به حاکم شرع مراجعه کند و پس از مراجعه، حاکم شرع چهار سال تحقیق و تفحص می کند و پس از تفحّص، ولیّ شخص مفقود را وا می دارد که زن را طلاق دهد و اگر ولیّ ندارد خودش طلاق می دهد و پس از انقضا می تواند شوهر کند و بنابر احتیاط، عدّه وفات که چهار ماه و ده روز است بگیرد و بالاخره باید به حاکم شرع مراجعه شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۳

طلاق خلع

«سؤال ۳۸۰۶» خانمی با بذل مهریه از شوهر خود طلاق خلع گرفته است؛ آیا این خانم در موقع بذل مهریه می تواند حق رجوع به ما یَبذَل را از خود اسـقاط کند؟ بر فرض صـحت اسـقاط، چنانچه دوباره پشـیمان شود، آیا حق دارد مجدداً به ما بَذَل رجوع کند یا خیر؟

جواب: جواز رجوع زوجه به فـدیه در طلاـق خلع ظـاهراً از بـاب حکـم است، نظیر جواز رجوع در هبه و معلوم نیست حق قـابل اسقاط باشد.

احکام عدّه

«سؤال ۳۸۰۷» علت مدت عدّه چیست؟ آیا اطمینان از حامله نبودن، نافی زمان عدّه است؟

جواب: قانون خدا کلی است برای زنی که یائسه نشده عدّه لازم است هرچند بدانیم آبستن نمی شود.

«سؤال ۳۸۰۸» دختر باکره ای بدون اذن پدر با پسری به صورت عقد موقت، ازدواج کرده و همبستر نیز شده اند و قبل از پایان عـدّه با شـخص دیگری با اذن پـدر ازدواج دائم کرده است؛ آیا نگه داشـتن عدّه در فرض مسأله لازم است (چون ازدواج قبلی بدون اذن پدر بوده) و آیا در صورت لزوم عدّه، چند روز باید عدّه نگه می داشت؟

جواب: هرچنـد بنابر احتیاط واجب عقـد باکره بایـد با اذن پـدر باشد، ولی در فرض سؤال پس از انقضا یا بخشـش مدت، لازم است عـدّه نگه دارد و عـدّهٔ عقد موقت با فرض همبستر شدن، گذشـتن دو طهر یا دو حیض- هر کدام بیشتر است- می باشد و اگر عادت نمی شود گذشتن چهل و پنج روز از هنگام انقضای مدت یا بخشش آن است.

«سؤال ۳۸۰۹» اگر رحم زن را بردارنـد که یقینـاً دیگر بچه دار نشود؛ آیـا بـاز هم بایـد عـدّه نگه دارد و یـا مثل زن یائسه عـدّه ندارد؟

جواب: احوط

عدّه نگه داشتن است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۴

«سؤال ۳۸۱۰» دوشیزه ای بدون اذن پدر به عقد موقت مردی در می آید و از دُبر دخول واقع می شود و پس از مدتی پدرش برای آن دوشیزه خواستگاری پیدا می کند و چون قصد ازدواج دائم داشته، شوهر مدت باقی مانده را به دوشیزه می بخشد و سپس به عقد دائم شوهر دوم در می آید و بدون این که عدّه نگه دارد تاکنون دو سال است با او زندگی می کند و چون زن از روی جهالت این عمل را انجام داده وظیفهٔ فعلی او چیست؟

جواب: در مفروض سؤال، بنابر احتیاط واجب زن باید از مرد جدا شود و احتیاطاً صیغه طلاق را نیز با رعایت شرایط طلاق جاری کنند و پس از جدا شدن، عدّه نگه دارد و سپس به دیگری شوهر کند و لازم نیست علت این کار را برای دیگران نقل کند.

«سؤال ۳۸۱۱» امروزه برخی از خانم های متدین نیاز به ارضای جنسی و تأمین نیازهای اقتصادی خود دارند با توجه به پیشرفت علم و فن آوری، با پیشگیری های زیاد می توان آنچه را در رحم است تشخیص داد؛ لطفاً بفرمایید چگونه ممکن است مدت عدّه را تحفیف داد؟

جواب: مقام زن بالاتر از این است که به منظور تأمین معاش، خود را در اختیار مردان متعدد بگذارد و باید احکام و دستورات شرع کاملًا رعایت بشود.

«سؤال ۳۸۱۲» آیا زنا عدّه دارد؟

جواب: اگر زن آبستن شده باشد عدّه ندارد، ولی اگر آبستن نشده بنابر احتیاط عدّه نگه دارد.

لعان

«سؤال ۳۸۱۳» آیا در نکاح منقطع، زوج می تواند نفی ولد کند؟ و آیا قاعده فراش در این مورد جاری است؟

جواب: قاعدهٔ فراش جاری

است و ولد شرعاً به او ملحق است، هرچند ظاهراً لعان جاری نیست و به مجرّد نفی، ولد نفی می شود. هرچند در صورت شک حق نفی ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۵

«سؤال ۳۸۱۴» اگر مردی همسر خود را ملاعنه کند؛ آیا زن می تواند مهریهٔ خود را طلب کند؟ و آیا مرد در ملاعنه حق رجوع دارد؟ و آیا می تواند صیغهٔ مجدد بخواند؟

جواب: لعان در حکم فسخ است و مهریه ارتباطی به فسخ یا لعان ندارد و به مجرد عقد و دخول، زن مهریه را طلبکار شده و پس از لعان حرمت ابدی ثابت است و ازدواج مجدد به هر صورت باطل و حرام است.

«سؤال ۳۸۱۵» در باب لعان اگر مردی همسر خود را ملاعنه کرد؛ آیا صیغهٔ نکاح باطل می شود؟ یا زن مطلّقه می گردد و در صورت دوم، آیا از نظر قانونی زن مطلّقه شده، یا این یک حکم شرعی است؟ و نفقه و ارث او چگونه خواهد بود؟

جواب: پس از تحقق لعان نکاح فسخ می شود و زن حرام ابدی می شود، و از این پس نفقه و ارث ثابت نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۶

مسائل حقوق

حقوق والدین

«سؤال ۳۸۱۶» این جانب دارای هشت فرزندم که یک سال پیش فرزند بزرگ تر من بر اثر ورشکستگی به زندان افتاد و من برای نجات وی یک زمین ۲۷۰ متری خود را فروختم و او را از زندان نجات دادم. اکنون هفت فرزند دیگرم هر کدام به همان مقدار از من در خواست کرده اند؛ آیا آنان چنین حقی را دارند؟

جواب: در فرض سؤال، فرزندان دیگر، حقی به شما ندارند و شما مالک ملک خود بوده و اختیار داشته اید به هر

کس بخواهید بدهید و کسی حق اعتراض ندارد.

«سؤال ۳۸۱۷» این جانب از کودکی مورد بی مهری پدرم قرار گرفته و تاکنون نیز مرا آزار داده است. البته من نیز متقابلًا او را اذیت می کنم. او خود را از جناح راست دانسته و می گوید: تو باید بسیجی شوی و چون من کتب شریعتی، بازرگان و سروش را می خوانم مرا از خود طرد کرده است. لطفاً بفرمایید چگونه با پدرم برخورد کنم؟

جواب: در حدیثی از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده:

«من حقّ الولد علی والده أن یعلّمه الکتابه و السباحه و الرمایه و أن لا یرزقه إلّاطیّباً و أن یزوّجه إذا بلغ» «۱»

از حقوق اولاد بر پدرش این است که او را نوشتن، شنا کردن و تیراندازی یاد داده و به او روزی حلال و پاک بدهد و پس از بلوغ برای او زن بگیرد. پدر شما نباید شما را طرد کرده و باید با شما محبّت کند، ولی شما هم از پدر قهر نکنید، سعی کنید محبّت او را به دست آورید و او را به نحوی وادار کنید تا به زندگی شما توجه کند. ترک ازدواج، علاوه بر این که موجب افسردگی و بی حوصلگی شماست شما را نسبت به جامعه و کائنات

---

(۱)- کنز العمّال، ج ۱۶، ص ۴۴۳، ح ۴۵۳۴۰- ۴۵۳۴۵ و ص ۴۵۷، ح ۴۵۴۱۶.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۷

بدبین کرده و زندگی شما را تباه می کند. اخلاق اسلامی اقتضا دارد که شما احترام پدر را حفظ کنید. البته او هم حق تحمیل به شما را ندارد، ولی باید ساخت. شما به او نزدیک شوید و در برخی کارها به او

کمک کنید تا او در رفتار خود تجدید نظر کند.

«سؤال ۳۸۱۸» اگر پـدری فرزنـد خود را به انجام اعمال مسـتحبی یا ترک فعل مسـتحبی یا انجام فعل مکروه امر کند، در کدام یک از صور، اطاعت لازم است؟

جواب: پیروی از امر پـدر و مـادر در غیر انجـام کارهـای حرام و ترک کارهای واجب عینی بنابر احتیاط لازم است، و مخالفت آنان اگر موجب آزار و اذیت و بی احترامی شود حرام است.

«سؤال ۳۸۱۹» آیا می توان فرزندی را برای جرم و جنایتی که پدر مرتکب شده بازخواست کرد؟

جواب: قـال اللّه تعالی: «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى» «۱»* جبران جنایت پـدر بر عهدهٔ فرزند نیست، ولی خوب است در صورت امکان مخصوصاً بعـد از وفات پـدر، فرزند برای رهایی پدر از اشـتغال ذمّه اقدام کند، زیرا این کار بزرگ ترین خدمت به پدر است.

حقوق زوجین

«سؤال ۳۸۲۰» فلسفهٔ عدم تساوی حقوق زن و مرد چیست؟

جواب: زن و مرد هر دو انسان بوده و دارای حقوق مشترک لازم المراعاتند و به لحاظ تفاوت نسبی در ساختار وجودی این دو صنف که حکمت بالغهٔ خداوند علیم و حکیم آن را ایجاب کرده است، هر کدام جایگاه ویژه ای را در سطح خانواده و جامعه دارنـد که طبعاً از این جهت بـا توجه به مصالـح حیـات سـالم و مـترقی در برخی از امور، احکـام خاصـی را دارا می باشـند. به تعبیری دیگر بعضی از وظایف سنگین از زنان برداشته شده است.

«سؤال ۳۸۲۱» خانم این جانب در دانشگاه، انگلیسی درس می دهد و من راضی به این

---

(۱)- سورهٔ انعام (۶): آیهٔ ۱۶۴.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۸

کار نیستم؛ آیا کم درآمد بودن این جانب می تواند دلیل ایشان

برای کار باشد؟ در ضمن ایشان به واسطهٔ دلایلی که پیش خود ایشان مستحکم است از تمکین سر باز می زند (از جمله کار دارم، توان تمکین ندارم، درس دارم و ...). آیا این دلایل شرعی است؟

جواب: کم بودن درآمد شوهر، انگیزهٔ مهمی برای اشتغال همسر است؛ لذا در صورتی که درس دادن خانمتان مستلزم مفسده و مشکلاتی نیست مناسب است سختگیری نکنید؛ تا هم ایشان بتواند با شغل مورد علاقهٔ خود به جامعه خدمت کند و هم کمک به اقتصاد خانواده شود. از سویی از جمله حقوقی که مرد شرعاً بر عهدهٔ همسرش دارد تمکین است و بر او واجب است در مواردی که ضرر یا مشقت شدیدی برای او ندارد از شوهر تمکین کند و درس، کلاس و مانند آن عذر محسوب نمی شود و مناسب است شما در موقعیت مذکور به حداقل لازم در تقاضای تمکین اکتفا کنید و ایشان نیز با تمهید مقدّمات و تنظیم اوقات و حتی در صورت لزوم معالجه، فرصت و توان لازم را فراهم آورد.

«سؤال ۳۸۲۲» اگر بیرون رفتن زن باعث ناراحتی بیجای شوهر شود؛ آیا باز هم واجب است که بیرون نرود؟ چون تمام کارهای منزل از نظافت و پخت و پز گرفته تا تمام کارهای دیگر را خانم انجام می دهد، ولی شوهر باز برای بیرون رفتن ناراحت است.

بفرمایید تکلیف حقیر چیست؟

جواب: با این که کار کردن زن در منزل او واجب نیست در عین حال زندگی زن و شوهر وقتی شیرین و با صفا می شود که با هم توافق کنند و به همدیگر سختگیری نکنند.

«سؤال ۳۸۲۳» آیا شوهر حق دارد بدون رضایت زن وطی در دُبر کند و

در صورت عصبانیت همسر، وظیفهٔ این جانب چیست؟

جواب: شوهر چنین حقی را ندارد، مگر با رضایت زن و شما می توانید مانع شوید.

«سؤال ۳۸۲۴» اگر زنی از پولی که شوهر برای مخارج خانه می دهد مجلس روضه یا ختم انعام و امثال اینها بگیرد، آیا جایز است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۳۹۹

جواب: با کسب اجازه و رضایت شوهر اشکال ندارد.

«سؤال ۳۸۲۵» آیا فرد مسلمان می تواند از هزینهٔ خود برای مصرف همسر غیر مسلمانش مشروبات الکلی تهیه کند؟

جواب: خیر، تهیهٔ آن اشکال دارد.

«سؤال ۳۸۲۶» امروزه می گویند در امر ازدواج و هنگام زندگی، مرد و زن باید با عقل و هم فکری زندگی کنند، ولی حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «هر مردی که کارهایش را زنی تدبیر کند ملعون است» چگونه این دو کلام قابل جمع است؟

جواب: اولًا: فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام «۱» ناظر به امور مهم و سیاسی است و الّا در بسیاری از امور زن ها آشناتر بوده و مشورت با آنها نه تنها اشکال ندارد، بلکه لازم است، به خصوص در امور مربوط به زندگی مشترك وتدبیر امور منزل و حضانت اولاد و ثانیاً: مقصود از تدبیر در حدیث این است که مرد در کارهایش هیچ نقشی نداشته باشد و به طور کلی پیرو و تابع زن باشد.

«سؤال ۳۸۲۷» گفته می شود: از حقوق شوهر بر عهدهٔ زن این است که زن نمی تواند بدون اجازهٔ شوهر از منزل بیرون برود، مگر در حال ضرورت. بفرمایید ضرورت یعنی چه؟

جواب: ضرورت دو نوع است یکی ضرورت شرعی است که رعایت آن واجب است، مثل انجام فریضهٔ حج و یاد گرفتن احکام شرعی، دیگری ضرورت عرفی است، مثل نیاز مریض

به مراجعهٔ به پزشک، بنابراین در دو مورد فوق اجازهٔ شوهر لازم نیست.

«سؤال ۳۸۲۸» آیا نماز خواندن اول وقت بهتر است یا رسیدگی به شوهر؛ یعنی غذا آوردن و ...؟ همین طور دعا بعد از نماز و تسبیحات واجب تر است یا رسیدگی به شوهر؟

جواب: غذا آوردن برای شوهر از واجبات و شرایط ازدواج نیست، ولی اگر موجب نزاع و درگیری شود سزاوار است رعایت شود.

---

(۱)- کافی، ج ۵، ص ۵۱۸.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۰

«سؤال ۳۸۲۹» فردی با اتومبیل همسر خویش تصادف و آن را به صورت آهن پاره ای مبدل و خود نیز مرحوم شده است؛ آیا نباید خسارت وارده به اتومبیل را جزء دیون متوفی محسوب و آن را تعمیر و به همسر متوفی مسترد گردانند؟ و آیا اصلًا همسر حق مطالبهٔ خسارت را ندارد؟ و آیا اطرافیان شرعاً حق داشته اند هفت سال تمام اتومبیل مزبور را ضبط کرده و همسر و فرزند متوفی را بدون وسیله نقلیه بگذارند؟ نظر شرع مقدس در این رابطه چیست؟

جواب: اگر همسر به رضایت خود اتومبیل را در اختیار شوهر قرار داده شوهر ضامن نیست، مگر این که از مقداری که همسر رضایت داده تعدّی کرده و یا در حفظ اتومبیل کوتاهی کرده و یا از ابتدا شرط ضمان شده باشد هرچند شوهر تعدّی یا کوتاهی هم نکرده باشد و اگر شخص ثالثی خسارت وارد کرده او ضامن است و در صورت نزاع باید به محکمه شرعی مراجعه شود.

«سؤال ۳۸۳۰» رضایت شوهر تا چه اندازه در امور زندگی دخیل است؟ زیرا همسرم و مادرشان معتقدند: چون مراجع تقلید مردند، همیشه حکم به نفع مردان داده و حقوق بانوان

را تضییع می کنند؟

جواب: فتوای مراجع، حاصل استنباط آنان از آیات قرآن و سنت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمۀ اطهار علیهم السلام است. زن نباید بدون اجازۀ شوهر از خانه خارج شود و باید خود را برای لذت جنسی مرد آماده کرده و از آنچه موجب نفرت اوست خودداری کند و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. در بعضی روایات آمده است:

اگر شبی بر زن بگذرد و شوهرش از او غضبناک باشد خدا نماز او را قبول نمی کند تا آن که رضایت شوهر را به دست آورد «۱»، ولی شوهر حتی الامکان باید با همسر خود مدارا کرده و موجبات بدبینی او به دین و اختلال در روابط را فراهم نکند.

«سؤال ۳۸۳۱» آیا زوجۀ دائمی می تواند بدون اجازه شوهر از داروهای ضد بارداری استفاده کند و اگر استفاده کرد؛ آیا عمل زوجه به خاطر اتلاف نطفه دیه دارد؟

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۱

جواب: استفادۀ زوجه از داروهای ضدّ بارداری یا جلوگیری از حامله شدن بدون اذن زوج محل اشکال است، مگر این که مریض بوده و علاج او منحصر در عمل مذکور باشد و استفاده از دارو دیه ندارد، ولی بعد از انعقاد نطفه و استقرارش در رحم، اسقاط آن حتی با اذن شوهر جایز نیست و دیه دارد، مگر این که بارداری برای او ضرر مهم یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد.

«سؤال ۳۸۳۲» اگر زن هنگام خروج از منزل که قصد رفتن به مسجد را دارد عطر بزند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به منظور حرام و یا مستلزم حرام نباشد اشکال ندارد.

«سؤال

۳۸۳۳» بـا توجه به فرمودهٔ حضـرت زهرا علیهـا السـلام: برترین صـفت برای زن این است که مردان نـامحرم او را نبیننـد و او نیز مردان نامحرم را نبیند؛ اکنون فعالیت زنان در جامعه توصیه می شود این دو چگونه قابل جمع است؟

جواب: بـا رعـایت عفّت و حجـاب و اخلاـق اسـلامی و عـدم ارتکاب حرام یا مقدمـهٔ حرام اشـکال نـدارد، بلکه در اموری که مربوط به زنان است لازم است و مطابق آنچه از کتاب و سـنت اسـتفاده می شود: بهتر است زنان در غیر موارد ضرورت و لزوم در اجتماعاتی که نامحرم وجود دارد ظاهر نشوند.

«سؤال ۳۸۳۴» خانم بنـده معمولًا با ماشـین رانندگی می کند و به پدر ایشان نیز اطلاع داده ام که راضـی به این امر نیسـتم، ولی ایشان اعتنایی نمی کنند؛ آیا شرعاً مسؤولند؟

جواب: رانندگی زن با رعایت موازین شـرعی اشکالی ندارد و مناسب است ایشان را از رانندگی با رعایت حجاب و شؤون زن مسلمان منع نکنید.

«سؤال ۳۸۳۵» با توجه به آیـهٔ ۳۴ سورهٔ نساء که مردان به خاطر تعهـدات مالی که دارنـد سـرپرست زنانند. اگر زنی خود دارای تمکن مالی باشد و نیازی به نفقهٔ مرد نداشته باشد باز هم تحت اختیار مرد است؟

جواب: سـرپرستی به معنـای مـدیریت خـانواده از لوازم عقـد ازدواج بـا احکام و شـرایط اسـلامی آن است و ربطی به اسـتقلال اقتصادی زن در اموال خود ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۲

«سؤال ۳۸۳۶» اگر مردی خود تمـام علوم اسـلامی و احکـام را بدانـد، آیـا بر زن او واجب است که برای یادگیری این علوم به بیرون از خانه برود؟

جواب: اگر تمام مسائل مورد نیاز زن را شوهر در منزل تأمین کند

و بیرون رفتن زن برای امر واجبی نباشد اجازهٔ شوهر لازم است.

«سؤال ۳۸۳۷» لطفاً در مورد حقوق شرعی زنان توضیح دهید؛ آیا در اسلام زنان محکوم به بردگی نیستند؟ چون مردان، حاکم بر زنان بوده و همه کاره اند، آیا اسلام بین زن و مرد تبعیض قائل نشده است؟

جواب: به نظر اسلام هیچ گاه زنان محکوم به بردگی نبوده، بلکه آنان نیز همانند مردان انسانند و در انسان بودن هیچ تفاوتی بین آنان وجود ندارد و تمام مزایا و حقوقی که یک انسان دارد زنان نیز باید دارا باشند و معنای آیهٔ شریفهٔ «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ ...» سلطه داشتن مردها بر زن ها و به بردگی گرفتن آنان نیست، بلکه به معنای این است که از طرفی سنگینی و سختی زندگی را باید مردها تحمل کنند تا زن ها قوام و آسایش داشته باشند. از طرف دیگر در زندگی زناشویی خداوند حقوقی برای زن ها و مردها بر یکدیگر مقرر کرده است و چنین نیست که فقط مردها حقوقی بر زن ها داشته باشند. مردها اگر حقوق زن ها را تأمین نکردند حاکم شرع می تواند آنان را مجبور کند تا حقوق زنان را تأمین کنند. مردها حق ندارند همسران خود را به کار کردن در منزل مجبور کنند، البته زن ها نیز باید متقابلًا حقوق همسران خود را تأمین کنند و بعید نیست گفته شود حقوق زن و شوهر در برابر یکدیگر است. بنابراین زمانی که یکی از آنان بدون عذر موجّه از ادای حق دیگری امتناع کند دیگری نیز بتواند از ادای حق او امتناع کند. همچنین کمال و تکامل هر یک از زن و مرد به دیگری وابسته است

و نظام اجتماعی بشر بدون هر کدام ناقص خواهد بود.

در رابطه با حقوق زن و مرد می توانیـد به مسائل: ۲۶۱۲- ۲۶۱۵ و ۲۶۲۲ و ۲۶۲۴ توضیح المسائل و نیز رسالهٔ حقوق این جانب مراجعه کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۳

حقوق فرزند

«سؤال ۳۸۳۸» آیا حاکم شرع می تواند به شخصی که بچه ای برداشته است ولایت بدهد؟

جواب: در صورتی که کودک، پـدر و مادر و یا جـدّ پـدری ندارد حاکم شـرع صالح می تواند در محدوده ای که صـلاح می بیند سرپرستی و ولایت او را به دیگری واگذارد.

«سؤال ۳۸۳۹» آیا انسان به علت داشـتن بچـهٔ زیاد یا شـدت فقر می توانـد بچـهٔ خود را به کسـی که بچه نـدارد واگـذار کند و ولایت و حق حضانت را از خود ساقط کند؟ اخذ وجه در مقابل دادن بچه چه حکمی دارد؟

جواب: می توانـد از حق حضـانت خود صـرف نظر کنـد و ادارهٔ فرزنـد را به دیگری بسپارد و اخـذ وجه در مقابـل حضانت و تربیت بچه چه از سوی سرپرستی جدید و چه از سوی پدر و مادر مانعی ندارد، ولی ولایت پدر و مادر باقی است و ساقط نمی شود.

«سؤال ۳۸۴۰» آیـا والـدین می تواننـد به بهانـهٔ این که فرزنـدان پسر به سن قانونی رسـیده انـد از دادن نفقه و مخارج زنـدگی استنکاف کنند؟

جواب: فرزند، واجب النفقه بوده و در صورت نیاز باید پدر مؤونه او را تأمین کند و سن و سال مدخلیّت در این امر ندارد.

«سؤال ۳۸۴۱» دختری ۱۴ ساله به بلوغ شرعی و رشد عقلی رسیده و از لحاظ رشد عقلی دارای گواهی از دادگاه اسلامی است و به علت وجود رفتار تبعیض آمیز والدین، قصد دارد از پدر و مادر جدا شده و با

برادر خود که وی نیز بالغ و عاقل و دارای صلاحیت علمی نیز هست زندگی کند و متأسفانه پدر به این امر اجازه نمی دهد؛ آیا اذن پدر و مادر در این مورد شرط است؟

جواب: دختر و پسری که به رشد عقلی رسیده اند در غیر مورد ازدواجِ دختر، اختیار زندگی و محل آن با خودشان است.

«سؤال ۳۸۴۲» اگر پدر خرج فرزندان را ندهد، آیا فرزندان مجازند بدون اجازهٔ پدر از اموال او برای خرج خود مالی بردارند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۴

جواب: اگر فرزند واجب النفقهٔ پدر باشد و نیاز داشته باشد و نتواند نیاز خود را برطرف کند و پدر هم نفقه ندهد می تواند از مالش به مقدار نفقهٔ واجب استفاده کند.

«سؤال ۳۸۴۳» این جانب در سال ۱۳۴۲ دو دانگ از یک خانهٔ قدیمی را به فرزندم وکالتاً و ولایتاً صلح کردم به امید این که روزی مورد صلح را به من برگرداند. به همین امید ۵ سال بعد محل مورد صلح را خراب کردم و با صرف هزینهٔ زیاد محل را به یک مجموعهٔ تجاری مسکونی تبدیل کردم بعداً که از وی درخواست بازگرداندن مورد صلح را کردم امتناع ورزید و با امتناع وی، این جانب قبول کردم مورد صلح که دو دانگ از همان خانهٔ قدیمی است متعلق به وی بماند و بقیهٔ زمین و کل ساختمان به ملکیت من برگردانده شود. اکنون سؤال این است با توجه به این که پسر این جانب سال ها از محل انتفاع برده، آیا اجرت المثل باید بپردازد یا خیر؟ و آیا هزینه های انجام شده را بایستی به قیمت روز بپردازد؟

جواب: اگر از سوی شما نفع رساندن به فرزند به قصد تبرع و

مجّانی بوده و یا فرزند در مدت انتفاع از آن به آن نیاز داشته چیزی به شما بدهکار نیست، ولی اگر به قصد تبرع و مجّانی نبوده و فرزند هم به آن نیاز نداشته است یا زاید بر نیازش بوده است به قیمت امروز به شما بدهکار است، ولی بجاست به مقتضای ابوّت و بنوّت با یکدیگر مصالحه کرده و رضایت یکدیگر را تحصیل کنید.

«سؤال ۳۸۴۴» پسر تا وقتی که ازدواج نکرده تحت قیومیت پدر زندگی می کند. حال اگر کار کرد و پول به دست آورد؛ آیا این پول ملک خودش است یا تعلق به پدرش دارد؟

جواب: اجرت کار هر کس متعلق به خود اوست، ولی اگر صغیر یا سفیه و تحت تکفل پدر باشد پدر می تواند اجرت کار او را صرف نفقه و نیازهای خود او کند.

حقوق معنوی

«سؤال ۳۸۴۵» اگر کتابی را از کسی امانت گرفته ایم، کپی کردن تمام یا بخشی از آن بدون اجازۀ صاحب کتاب به شرطی که خسارت به کتاب وارد نشود چه حکمی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۵

با توجه به این که مالک کتاب فقط مالک کاغذ و مادۀ آن است نه مالک محتوای کتاب.

جواب: در صورت عدم رضایت صاحب کتاب، جایز نیست، ولی اگر شاهد حال بر رضایت او و به این گونه تصرّفات داشته باشید مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۴۶» با توجه به قیمت سرسام آور برخی از کتاب ها و نرم افزارها و قانون حق چاپ و تکثیر، آیا استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و کتاب ها مجاز است؟ و در این حکم بین مسلمانان و غیر مسلمانان آیا تفاوتی است؟

جواب: ملکیت و حق از امور اعتباری عقلاست و نرم افزارهای کامپیوتری و حق التألیف و

حق الاختراع و امثال اینها نزد عقلا ارزش مالی دارنـد و طبعاً موجب حق ملکیت می شوند و او حق محدود کردن آنها را دارد. به علاوه اگر در ضـمن عقد لازم، عدم تکثیر شـرط شود عمل به شرط لازم است و استفاده از تکثیرهای ناروا جایز نیست و در این حکم بین مسـلمانان و غیر مسـلمانانی که محارب نیسـتند تفاوتی نیست. لازم است مسـلمانان متعهد در ایجاد این قبیل آثار سبقت گیرند تا استفادهٔ آنها در جیب کفّار نریزد.

«سؤال ۳۸۴۷» آیا اسـرار تجاری مال محسوب می شوند یا خیر؟ و اگر توسط غیر به طریق نامشـروع تحصیل شده و از این بابت موجب خسـارت شود، آیا خسارت وارده قابل مطالبه است؟ و آیا در صورت افشای اسـرار، وی مرتکب خیانت در امانت شـده است؟

جواب: مالیت و ملکیت و حق، امور عقلایی می باشند و شرع نیز- جز در مواردی که برای جامعه ضرر کلی داشته باشند- آنها را امضـا کرده است. عقلاـ برای امور فکری و معنوی و ابتکـاری و از جمله اسـرار تجاری، مالیت و ارزش قائل بوده و معامله بر آنها بلامانع است و افشا و نشر آنها بدون اذن مالك و صاحب آنها غصب محسوب شده و موجب ضمان است و اگر در ضمن معامله عدم افشا شرط شده باشد مشتری حق افشا ندارد.

«سؤال ۳۸۴۸» حاکمیت و مالکیت معنوی مخترعین، مکتشفین، هنرمندان و اهل فکر و قلم، نسبت به مصنوعات فکری، هنری و مخترعاتشان که تا حدودی نسبت به آنها تسلّط

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۶

و مالکیت دارند، از چه سنخ و تا چه حدودی است؟

جواب: ملکیت و همچنین حق- که مرتبهٔ ضعیف

ملکیت است- از امور خارجی تکوینی نیستند، بلکه از امور عقلایی می باشند که براساس یک رشته واقعیت های خارجی اعتبار می یابند و چه بسا شرایط زمانی و مکانی در اعتبار آنها نقش داشته باشند. بالاخره در عصر ما حق اختراع، حق کشف، حق تألیف، حق طبع و امثال اینها از حقوق معتبر نزد عقلاست و در مشروعیت این قبیل امور عرفی و عقلایی، عدم ردع و منع از ناحیهٔ شارع کافی است و تجاوز به این حقوق از ناحیهٔ دیگران جایز نیست.

«سؤال ۳۸۴۹» اگر شخصی یک عدد سی دی کامپیوتر را- که از نظر حقوقی حق رایت او را نداشت- به ما هدیه داد، آیا ما می توانیم از آن استفاده کنیم؟

جواب: اگر شک داریم که طرف، کار خلافی انجام داده یا نه می توانیم حمل بر صحت کنیم، ولی اگر می دانیم بر خلاف حق، سی دی ای که تکثیر آن ممنوع است را رایت کرده، تصرف در آن جایز نیست و باید رضایت صاحب اصلی را به دست آورد.

«سؤال ۳۸۵۰» کپی برداری از طرح های ابتکاری که بر اثر آن خسارت به مبتکر وارد شود چه حکمی دارد؟

جواب: به نظر این جانب حق طبع در موارد تألیف و حق بهره برداری از اختراعات و ابتکارات برای مؤلفین و مخترعین محفوظ است و بدون اجازه آنان استفاده به وسیلهٔ تکثیر اشکال دارد.

«سؤال ۳۸۵۱» در دانشگاه مرسوم است که دانشجویان در برخی از دروس خود پروژه هایی را می گیرند که بعضاً از دیگران و یا از کتب آنها استفاده می کنند، دریافت مزد در قبال آن چگونه است؟

جواب: اگر منظور از دادن پروژه به دانشجو آزمایش استعداد و لیاقت او باشد، ارائهٔ نوشته دیگران

به نام خود تقلّب محسوب است و جایز نیست و نویسنده نیز به تقلّب و دروغ کمک کرده است.

«سؤال ۳۸۵۲» آیا مهندسین کارخانه ها می توانند از ارائهٔ دانش خود به نیروی کارگر،

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۷

خودداری کرده و آنها را در جهل نگه دارند تا درآمد آنها به سبب رشد علمی زیادتر نگردد؟ و آیا کارخانه ها می توانند از انتقال علوم و فنون خود به جامعه و شرکت های دیگر بخل ورزند تا انحصار علوم و فنون در دست خودشان باشد؟

جواب: خودداری و ممانعت از انتقال علم و فنّ و ارتقای آن به خودی خود حرام نیست، ولی مذموم و ناپسند است.

«سؤال ۳۸۵۳» آیا به دست آوردن رمز عبور ایمیل سایر افراد (هک) و تغییر این رمز جایز است؟

جواب: جایز نیست.

حقوق کارگران و کارمندان

« سؤال ۳۸۵۴» بعضی از کارخانجات و شرکت های صنعتی، کارگران را از برخی مزایای قانون کار محروم می کنند و از پرداخت نقدی بعضی مزایا و ایجاد تسهیلات لازم خودداری می کنند؛ آیا این عمل موافق قوانین شرع است؟

جواب: اگر استخدام کارگر مبنی بر رعایت قوانین کار باشد تخلف از آنها جایز نیست و باید کارفرما آنها را رعایت کند.

« سؤال ۳۸۵۵» قراردادهای اضطراری که کارگر برای تأمین معاش و کسب اشتغال، مجبور به پذیرش آنهاست اگر با سوء استفادهٔ کارفرما همراه باشد، آیا هیچ ضمانی بر عهدهٔ کارفرما نمی آورد که به نوعی کارگر را استثمار کند؟

جواب: هر گونه معامله ای که براساس موازین شرعی و رضایت طرفین انجام گیرد صحیح است، گرچه اجحاف و بی انصافی نسبت به یکدیگر به خصوص به طرف ضعیف سزاوار نبوده و شرعاً و عقلًا نکوهیده است.

«سؤال ۳۸۵۶» آیا صرف افزایش نیروی کار، این حق

را به کارفرما می دهد که مزد کمتری بپردازد و یا باید حق عادلانهٔ کارگر را براساس بازدهی و بهره وری او پرداخت کند؟

جواب: افزایش نیروی کار نیز عادتاً موجب کاهش دستمزد کارگر می گردد، ولی

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۸

باید معاملهٔ عادلانه، یعنی براساس موازین شرع و مورد رضایت طرفین باشد و اجحاف و بی انصافی در آن روا نیست.

«سؤال ۳۸۵۷» اگر کارفرما هزینهٔ آموزش کارگر را بپردازد بازدهٔ بیشتری که در پی می آید آیا از آنِ کارفرماست؟ یعنی کارفرما، چون هزینهٔ آموزش کارگر را پرداخت کرده، آیا مالک دانش و مهارت کارگر می شود؟ و اگر کارگر کارش را که نزد کارفرما آموزش دیده به کارگر دیگری انتقال بدهد، آیا کارفرما نوعی حق (مثل حق سرقفلی) پیدا می کند که باید از نفر اول یا نفر دوم دریافت کند؟

جواب: کسی مالک مهارت و دانش دیگری نمی شود، هرچند اگر هزینهٔ آموزش او را به درخواست وی و بدون قصد مجانیت بپردازد، می تواند آن را از او مطالبه کند؛ همان طور که اگر شخص آموزش دیده در عقد لازمی مانند عقد اجاره متعهد شود که پس از آموزش، مدت مشخص با حقوق معینی برای کارفرما مثلًا کار کند باید به تعهد خود عمل کرده و نمی تواند بدون رضایت او برای دیگری کار کند.

«سؤال ۳۸۵۸» قراردادها باید بر چه اساسی تدوین گردند؟ آیا ممکن است در قراردادی فقط منفعت کارگر یا کارفرما در نظر گرفته شده ویک طرفه باشد؟

جواب: قراردادهایی که با رعایت شرایط شرعی از جمله رضایت و عدم اکراه طرفین تنظیم می گردد غیر عادلانه نیست و اگر زمینه به گونه ای باشد که یک طرف قرارداد از روی اضطرار

هرچند بدون اکراه به آن تن دهد منصفانه هم نیست.

«سؤال ۳۸۵۹» اگر برای شخصی مسلّم است که شخص و یا مؤسسه و یا شرکت دولتی و یا غیر دولتی حق وی را به تمامه ادا نمی کند؛ آیا می تواند به نحوی حق خود را به صورتی که متوجه نشوند استنقاذ کند؟ یا این که در کارها کوتاهی کند و به مقدار پولی که می دهند کار انجام دهد؟

جواب: اگر شرعاً طلبکار باشد اشکال ندارد، ولی تشخیص آن مشکل است.

«سؤال ۳۸۶۰» بنده در یک محیط نظامی مشغول به کارم. یکی از مسؤولین ما کارهای شخصی و امور مربوط به خانوادهٔ خود را به صورت دستورات اداری و با لحن آمرانه به ما امر می کند؛ انجام این قبیل کارها از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ در ضمن ایشان از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۰۹

اموال بیت المال استفادهٔ شخصی می کند و به دلیل ارتباط خانوادگی با ایشان، خوردن و آشامیدن در محیط منزل ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: تا جایی که ممکن است عمل غیر را حمل بر صحّت کنید و اگر سوءاستفاده و خلاف مشخص و محرز باشد اطاعت در آنها جایز نیست و موجب ضمانت است و نسبت به اموال خانهٔ طرف در صورت شک، حمل بر مالکیت و صحت کنید و با علم به حرمت، تصّرف جایز نیست و با زبان لیّن و دوستانه مسائل را تذکر دهید و اگر نتیجه نداد شما دیگر تکلیف ندارید، مگر این که بتوانید به بالاترها تذکر دهید. به ایشان تذکر دهید که تصّرفات ناحق در بیت المال عمومی با اختلاس و دزدی از دیگران تفاوت ندارد.

حقوق شهروندی

«سؤال ۳۸۶۱» خواستم بدانم رعایت قوانین جمهوری اسلامی

واجب یا لازم است؟ چرا؟

جواب: رعـایت قوانین و مقررات که برای حفـظ نظم اجتمـاعی وضع شـده است لازم است و عـدم رعایت آنها موجب هرج و مرج در جامعه و موجب تضییع حقوق دیگران می شود.

«سؤال ۳۸۶۲» گاهی از سر غفلت و جهالت، نسبت های ناروا به یک جمع یا فرد از زبان انسان جاری می شود، آیا برای طلب مغفرت باید رضایت آنها را جلب کرد یا خیر؟

جواب: اگر جلب رضایت مشکل است و موجب بدبینی می شود طلب مغفرت و استغفار کافی است.

«سؤال ۳۸۶۳» استفاده از تسهیلات ورود فرزندان اعضای هیأت علمی به دانشگاه شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بر خلاف قوانین و مقررات کشور نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۶۴» تقلب کردن در امتحانـات و ضـایع کردن حق شـاگردان برتر و به تبع آن گرفتن پست هـای دولتی از این راه چه حکمی دارد؟ و حقوقی که گرفته می شود آیا حلال است یا حرام؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۰

جـواب: در این که تقلّب در امتحانـات و ضـایع کردن حق دیگران خلاـف و مـوجب فسق است شـکی نیست، ولی اگر دارای شرایط استخدام در واقع باشد حقوق گرفتن اشکال ندارد.

«سؤال ۳۸۶۵» در حال حاضر افرادی به دلایل مختلف به ویروس بیماری ایـدز آلوده شده اند. بعضاً مشاهده شده است که این افرادِ آلوده از جـامعه طرد شـده، از مـدرسه اخراج شـده و از حق انسان بودن و روابط انسانی- اجتماعی محروم می شونـد. نظر حضرت عالی در خصوص این افراد چیست؟

جـواب: بیمـاری مـذکور مجـوّز طرد و محرومیت افراد از حقوق فردی و اجتمـاعی نیست و حفـظ و حرمت آنـان لاـزم است و اهانت و هتک حرمت آنان جایز نیست گرچه لازم است در

تماس با دیگران هم از جانب خود بیمار و هم از جانب متولیان مدارس و اجتماعات در حدّ لازم جانب احتیاط رعایت شود.

«سؤال ۳۸۶۶» در قوانین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اگر به حیثیت افرادی به وسیلهٔ تهمت، افترا و ... لطمه وارد شود نسبت به کسی که اقدام به هتک حیثیت کرده، جریمه های نقدی و زندان به نفع هتک شونده در نظر گرفته اند. اگر چنین جریمه هایی در قانون قرار داده شود اشکال دارد؟

جواب: وضع جریمه های باز دارنده زیر نظر حاکم شرع جامع الشرایط از باب تعزیر با استفاده از نظر کارشناسان مربوطه مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۶۷» اگر کسی از طریق رسانه های عمومی آبرویش با تهمت و افترا و نسبت دروغ و هتک حیثیت انسانی ریخته شود؛ آیا به صرف اعلان برائت فرد هتک شده و اعلان آن در رسانه ای عمومی (که معلوم نیست به همه مطلعین برسد) کفایت می کند یا باید تمامی تبعات به وجود آمده از بین برود؟

جواب: علاوه بر این که بنای عقلا بر لزوم جبران است، متفاهم از ادلّهٔ حرمت هتک ایذای مؤمن این است که هتک و ایذا هم حدوثاً و هم بقاءً حرام است، لذا در مواردی که می تواند از استمرار هتک جلوگیری کرده و هتک را جبران کند، ترک آن حرام است. بنابراین باید حتی المقدور لطمات وارده که مستند به فعل اوست را جبران کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۱

«سؤال ۳۸۶۸» اگر شخصی مورد تهمت، افترا، نسبت دروغ و هتک حیثیت قرار گیرد و این امر، به خودی خود تبعاتی در جامعه داشته باشد، مثلًا به کسی که تهمت دزدی یا اختلاس و ... زده می شود اگر چه ممکن است از

سوی مجله اعلان برائت شود و در رسانه ای هم اعلان گردد، لکن در جامعه و بویژه بازار تجارت، با این گونه افراد مانند سابق معامله نمی شود، بلکه مدت ها زمان می برد تا فرد به اعتبار اوّلیه اش برگردد؛ آیا محکمه می تواند علیه هتک کننده جریمه ای نقدی به نفع هتک شونده در نظر بگیرد؟ آیا کسی که آبرویش مورد تعرض قرار گرفته می تواند ادّعای خسارت مادی کند؟

جواب: در فرض اول، حاکم شرع جامع الشرایط می تواند به عنوان تعزیر و پیش گیری از هتک حرمت اشخاص، فرد مذکور را محکوم به جریمهٔ مالی کند و در فرض دوم، اگر از ناحیهٔ هتک حیثیت، ضرری مالی متوجه هتک شونده گردد به گونه ای که عرفاً ضرر، منتسب به وی باشد باید جبران کند و در غیر این صورت دلیلی بر ضمان مالی علاوه بر جبران لطمهٔ وارده بر حیثیت و آبرو نداریم.

«سؤال ۳۸۶۹» آیا جلوگیری از دیوانه یا حیوانی که قصد ضرر به دیگران و یا اموال آنها را دارد لازم است؟

جواب: جلوگیری از تضییع مال دیگران در حدّ قدرت لازم است.

«سؤال ۳۸۷۰» قانونی طرح شده که هر کسی که در بسیج به مدت سه سال فعالیت کند چند ماه از خدمت سربازیش کسر می گردد، لذا بسیاری از کسانی که پارتی دارند و فرزندشان یا اصلًا در بسیج فعالیت نداشته و یا مدت بسیار کوتاهی فعالیت داشته با نامه ای سه ماه خدمت فرزند خود را کسر می کنند؛ آیا از نظر شرعی چنین عملی جایز است؟

جواب: عمل مذکور علاوه بر این که ممکن است موجب تضییع حقوق دیگران گردد، نوعی تقلّب و دروغ محسوب است و جایز نیست.

«سؤال ۳۸۷۱» اگر کسی به خاطر محبّت به ائمهٔ

اطهار علیهم السلام فامیل خود را به نام یکی از ائمه اطهار علیهم السلام منتسب کند، مثل سجادی یا حسینی و یا ... در حالی که خودش از سادات نیست، آیا اشکال شرعی دارد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۲

جواب: در مفروض سؤال، قرار دادن فامیل هایی که عملًا و عرفاً مخصوص سادات است برای غیر سادات در صورتی که موجب خلط انسان و شهرت افراد غیر سید در آینده به سیادت گردد محل اشکال است، مگر این که قرینه ای ضمیمه گردد که اشتباه را بر طرف کند.

«سؤال ۳۸۷۲» جدّ دوم این جانب در افغانستان توسط یکی از ظالمین دستگیر و به همراه ۱۸ نفر از افراد خانواده به قتل رسیده و سپس تمام اموال او تصاحب شده است.

این شخص ظالم اموال و زمین های جدّ ما را به دیگران بخشیده است. آیا من می توانم به آن افراد، اعلان عدم رضایت کنم و یا زمین های خود را از آنها پس بگیرم؟

جواب: کسی بدون رضایت مالک نمی تواند در ملک او تصرف کرده و تصرف او حرام و ضمان دارد و فروش و واگذاری آن نیز بدون اذن مالک، نافذ و صحیح نیست.

البته اگر زمین ها موات بوده و با شرایطش تحجیر نیز نشده بوده، ملک کسی است که آن را احیا و آباد کرده است و در هر صورت به حسب ظاهر کسی مالک محسوب می شود که زمین ها را فعلًا به عنوان مالک در تصرف خود دارد، مگر آن که خلافش ثابت شود و در صورت نزاع شخصی باید به قاضی و حاکم شرع جامع الشرایط رجوع شود تا طبق موازین قضا حکم کند.

«سؤال ۳۸۷۳» استفادۀ شخصی از وسایل مستهلک و یا اوراق

باطله اداره که دیگر در اداره کارایی ندارند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر دیگر به کار اداره نمی خورند و قابل فروش هم نباشند اشکال ندارد.

حقوق همسایه

«سؤال ۳۸۷۴» دو سالی است که همسایه ای بسیار مذهبی پیدا کرده ایم که به هر مناسبتی همهٔ اقوام و فامیل و همشهریان خود را جمع می کند و علاوه بر این که کوچه و خیابان بر اثر ترافیک وسایل نقلیهٔ آنها بند می آید صدای بلندگوی آنها همهٔ اهالی کوچه را آزار می دهد و هر صبح و شام با بلندگو اذان می گوید، بفرمایید در کجای اسلام چنین مراسمی با این اوصاف وارد شده است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۳

جواب: چون اذان برای اعلام عمومی مؤمنین نسبت به اوقات است بجاست مؤمنین تحمّل کنند، البته نباید صدای اذان موجب ایذای همسایگان شود صدای روضه ها، مداحی ها و قرآن خواندن ها هم نباید به گونه ای بلند باشد که مزاحم همسایه ها گردد، چون مزاحمت همسایه ها بویژه مریضان، خلاف شرع بیّن است.

خداوند همهٔ ما را به وظایف شرعی خویش آشنا گرداند.

حقوق اقلیت های مذهبی

«سؤال ۳۸۷۵» آیا بهایی ها باید حقوقی برابر با مسلمین و یا پیروان سایر ادیان (اهل کتاب) داشته باشند؟

جواب: بهایی ها کتاب آسمانی ندارند تا حکم اهل کتاب بر آنان بار شود ولی مانند سایر شهروندان انسانند و کسی حق ندارد بدون ارتکاب جرمی مزاحم آنان شود.

حق مالکیت

«سؤال ۳۸۷۶» متأسفانه در بعضی از شهرها بالاجبار آب پمپاژ چاه ها و آب قنات ها با هم مخلوط شده و بعضی از کشاورزان، دیگر زمین مزروعی ندارند چون تمام آن زمین ها تبدیل به منازل مسکونی شده اند و طبق تصمیم کمسیون قنوات- آب مورد نظر- بین بقیه تقسیم و در عوض از آنها مالیات قنات گرفته می شود. حکم دینی آن بر حسب این که خرده مالکان زیادی هم وجود دارد، برای آنان که فعلًا استفادهٔ کشاورزی می کنند چگونه است؟

جواب: کسانی که زمین های خود را فروخته اند و خانه شده اگر از آب قنوات سهم داشته اند و نفروخته اند مالکیت آنان باقی است که باید به آنان واگذار شود، یا از آنان استجازه شود و یا اعراض آنان محرز گردد و بالأخره نیاز به یک اعلان عمومی دارد.

«سؤال ۳۸۷۷» آیا مالکیت ماشین آلات عظیم چند میلیاردی می تواند در اختیار یک فرد باشد؛ یعنی آیا نظام صحیح اقتصادی امکان انباشت ثروت های بسیار عظیم را به یک فرد می دهد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۴

جواب: به طور کلی مالکیت فرد بر آنچه از راه شرعی و حلال و بدون تعدّی به حقوق دیگران به دست می آورد و واجبات مالی، مثل خمس و زکات را نیز می پردازد مشروع است، گرچه حاکمیت صالح و جامع الشرایط می تواند بنا به ضرورت های جامعه و مصالح آن، مالکیت در امور خاصی را به نحوی

تحت کنترل خود درآورد.

گفتنی است: انباشت ثروت های بسیار عظیم در قبال فقیر شدن قشر ضعیف از جامعه، نشانۀ ضعف نظام اقتصادی و مدیریت آن است.

«سؤال ۳۸۷۸» شخصی مالک صحرای علف زاری با این خصوصیت است که آب ریزۀ این علف زار از قریۀ دیگری غیر از قریه ای که دارای صحراست می باشد و دلیل مالکیت مالک هم معلوم نیست. تنها چیزی که معلوم است این است که مالک فعلی یک قرن مالک آن است و دیگران هم تا به حال هیچ اعتراضی نداشته اند. اکنون افراد قریه که با مالک علف زار در آن قریه زندگی می کنند مدّعی هستند که باید علف زار بین آنان تقسیم شود؛ آیا چنین حقی را دارند یا آن شخص مالک کل علف زار است؟

جواب: در مفروض سؤال، افراد قریه ای که مالک در آن زندگی می کند حقی نسبت به آن علف زار ندارند، مگر این که مدرک شرعی بر عدم مالکیت مالک فعلی و دالّ بر مالکیت افراد قریۀ مذکور وجود داشته باشد.

«سؤال ۳۸۷۹» چشمه ساری است که پایین آن زمین های زراعی از آن مشروب می شوند در مسیر آب این چشمه سار برخی از مردم درختانی کاشته اند. فعلًا صاحبان زمین های مزروعی می گویند: کاشت این درختان باعث کم شدن آب می شود و باید درختان را قطع کنید. در این صورت وظیفه صاحبان درختان چیست؟

جواب: هرچند آب چشمه سارها متعلق به صاحبان زمین های پایین است، ولی صاحبان درخت ها چون از قدیم بوده دارای یک مرتبه سلطه و ید می باشند و قطع آنها جایز نیست، مگر این که ثابت شود آنها را بدون اذن صاحبان چشمه ها کاشته اند که غاصبند.

«سؤال ۳۸۸۰» درختی در مرز دو زمین کاشته شده و از آب و خاک و

هوای آن مکان مشترک استفاده و رشد و نمو کرده است؛ آیا یکی از شرکا حق استفاده به تنهایی را دارد یا نه؟ بر فرض که از آن استفاده کند، آیا مشغول الذمه به بقیه شریک ها می باشد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۵

جواب: اگر بدون اجازه، درخت را در ملک مشترک کاشته باشد ثمرهٔ آن مال خود اوست، ولی باید اجارهٔ زمین را به شرکا بپردازد و یا آنها رضایت بدهند و اگر با اجازهٔ شرکا بوده است استفاده از آن باید با رضایت آنها باشد.

احقاق حقوق

«سؤال ۳۸۸۱» دروغ گفتن برای احقاق حق چه حکمی دارد؟

جواب: دروغ گفتن یکی از گناهان کبیره است، ولی اگر احقاق حق انسان متوقف بر آن باشد و مستلزم ورود خسارت ناحق بر دیگری نشود در این صورت به مقدار ضرورت اشکال ندارد.

«سؤال ۳۸۸۲» در برخی از محاکم و دادگاه ها در مواردی، پس از رسیدگی قاضی به پروندهٔ متّهم، حقی برای خواهان پیدا می شود، آیا گذشتن از حق در مقابل درخواست وجه، مشروع است؟

جواب: گذشت از حق ثابت بلاعوض یا در مقابل عوض معیّن مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۸۳» در اوایل انقلاب، قطعه زمین کوچکی خریدم که طبق نقشهٔ شهر سازی و شهرداری و دارای سند شش دانگ و تفکیکی و سایر مراحل قانونی بود. چندی بعد ادارهٔ منابع طبیعی، زمین های اطراف از جمله زمین مرا تصرف کرد و شرایطی قرار داد، از جمله این که اگر کسی از مالکان زمین ها منزل شخصی نداشته باشد بهای زمینش که تصرف شده را می دهد. در حالی که من یک منزل کوچک کمتر از صد متری دارم- می خواستم بدانم- آیا می توانم برای احقاق حق خود دروغ بگویم

که منزلی ندارم تا بتوانم بهای زمین غصب شده ام را بگیرم؟

جواب: برای رسیدن به حق خود بدون این که دروغ گفته یا مخالفت با ضوابط اداری کرده باشید می توانید خانه خود را به همسر یا فرزندانتان ببخشید یا صلح کنید.

«سؤال ۳۸۸۴» بعضی افراد در محاکم به سوگند دروغ متوسل شده و حقی و یا حقوقی را ضایع می کنند سپس درصدد جبران بر می آیند؛ آیا با پرداخت کفاره، گناهان فرد خاطی با توجه به حق و نا حقی که صورت گرفته بخشیده می شود؟ و آیا جزا و کیفری در دنیا

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۶

متوجه فرد خاطی می شود؟ آیا معاشرت با این افراد جایز است؟

جواب: قسم دروغ برای به حق جلوه دادن ناحق گرچه کفاره ندارد، ولی از گناهان کبیره است و موجب ضمان نیز می باشد، شخص خاطی باید از آن توبه کرده و حقی را که بر اثر آن تضییع گردیده تدارک کند و حاکم شرع نیز می تواند اگر مصلحت بداند او را تعزیر کند. همچنین با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر- که در توضیح المسائل مشروحاً ذکر شده- باید با آنان برخورد شود.

«سؤال ۳۸۸۵» اگر وکیل یا مشاوری برای رفع خصومت، مقداری از حق الوکالهٔ خود را نگرفته و گذشت کند و این در حالی باشد که در زندگی خود مشکلات مالی نیز دارد؛ آیا شرعاً اجازهٔ گذشت دارد یا از حقوق زن و فرزند وی بوده و موجب ضمان است؟

جواب: اگر احقاق حق در رفع خصومت، موقوف بر گذشت مبلغی باشد اشکال ندارد.

حقوق اتباع خارجی

«سؤال ۳۸۸۶» آیا مسلمان می تواند آن دسته از اموال جهان گردان غیر مسلمان را که نزد مسلمین ارزش و

مالیتی ندارد (مثل شراب) تلف کند؟

جواب: جواز آن مشکل است.

«سؤال ۳۸۸۷» آیا زنان جهان گرد و غیر مسلمان می توانند بدون پوشش اسلامی در جامعه اسلامی تردد کنند؟

جواب: در صورتی که عدم رعایت حجاب اسلامی مستلزم تضییع حقوق اکثریت جامعهٔ اسلامی باشد، حاکم اسلامی می تواند آنها را ملزم کند.

« سؤال ۳۸۸۸» آیا می توان اختیارات و حقوق اهل ذمّه را به جهان گردان غیر مسلمان تعمیم داد؟ در صورت عدم امکان تعمیم، جهان گردان بر کدام عنوان فقهی قابل انطباق بوده و چه اختیارات و محدودیت هایی در کشور اسلامی دارد؟

جواب: اگر به مقررات تعیین شده از سوی حاکمیت اسلامی عمل کنند به حسب موارد مختلف، مستأمن یا معاهد و یا ذمّی محسوب می شوند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۷

مسائل نذر و قسم

«سؤال ۳۸۸۹» آیا نذر به نام اولیای الهی و معصومین علیهما السلام بدون خواندن صیغه ای که دلالت بر اسمای جلاله و متبرکه باشد منعقد می شود؟

جواب: نذر صیغهٔ خاص دارد که در توضیح المسائل بیان شده است در غیر آن صورت، نذر نبوده و عمل به آن هم واجب نیست.

«سؤال ۳۸۹۰» اگر چیزی نذر شخصی شده و هنگام عمل به نذر، او خیلی ناراحت شده و به هیچ وجه آن را قبول نمی کند؛ آیا نذر ساقط شده؟ یا تبدیل به نذر دیگری شده است؟

جواب: اگر به هیچ وجه نمی توانید وارد ملک او کنید تکلیف ساقط است.

«سؤال ۳۸۹۱» مردم به مناسبت عاشورا و تاسوعای حسینی نذوراتی دارند، آیا می توانند نذورات خود را به انجمن های خیریه اهدا کنند تا بین بیماران و ... تقسیم شود؟

جواب: اگر نذر مطلق برای امور خیریه باشد اشکال ندارد، ولی اگر نذر شرعی برای کار مخصوصی باشد باید مطابق نذر عمل

شود.

«سؤال ۳۸۹۲» با وجودی که امروزه همه جا برق وجود دارد مخصوصاً در حرم امامزاده ها؛ آیا صحیح است که مثلًا چند شمع نذر امام زاده کنیم؟

جواب: در شرایط فعلی این گونه نذرها رجحان شرعی ندارد.

«سؤال ۳۸۹۳» اگر کسی نذر کند در محرّم لباس سیاه بپوشد؛ آیا واجب است به این نذر عمل کند حتی در نماز که لباس سیاه پوشیدن کراهت دارد؟

جواب: تابع نیت نذر کننده است که در نماز هم بپوشد یا فقط در غیر نماز بپوشد و کراهت لباس سیاه به عنوان عزاداری برای امام حسین علیه السلام معلوم نیست.

«سؤال ۳۸۹۴» اگر کسی نذر کند که پس از برآورده شدن حاجتش هر هفته به حرم

حضرت معصومه صلی الله علیه و آله و سلم رفته و زیارت بخواند و فعلًا انجام این عمل برای وی مشکل است؛ آیا راهی برای ادا نکردن این نذر وجود دارد؟

جواب: مشکل بودن، مجوّز ترک نیست، ولی اگر امکان نداشت اشکال ندارد.

«سؤال ۳۸۹۵» اگر کسی نذر کند که پس از برآورده شدن حاجتش به مسجد جمکران رفته و نماز امام زمان بخواند، اتفاقاً حاجتش برآورده شده و نماز را در مسجد خوانده، ولی در رکعت دوم و سجده آخر فقط یک بار سبحان اللّه گفته باشد؛ آیا باید نماز را اعاده کند؟

جواب: اگر نذر کرده به کیفیت مخصوص که نوشته شده انجام دهد باید به همان کیفیت انجام دهد و اگر اشتباه کرده باید دوباره انجام دهد.

«سؤال ۳۸۹۶» آیا در تحقق نذر صیغۀ خاص و یا ذکر خاصی لازم است؟ مثلًا اگر نذر کنیم و بگوییم: «۴۰ انعام» آیا این نذر تحقق یافته است؟

جواب: در

تحقق نذر، نیت کافی نیست و لازم است صیغهٔ آن به زبان آورده شود.

«سؤال ۳۸۹۷» اگر زن قبل از ازدواج نـذری کنـد که موجب محـدودیت حقوق شوهر شود مثلًا در هفته یک یا چنـد روز روزه بگیرد یـا در هر سال یا ماه به سـفر زیارتی برود و در موقع عقـد هم تـذکر داده نشـده باشـد، بعـد از شوهر کردن، تکلیف او با شوهر و تکلیف شوهر با او چیست؟

جواب: نذر زوجه هرچند قبل از ازدواج واقع شده باشد باید در مقام عمل مرجوح نباشد، پس اگر بعد از ازدواج مانع اسـتمتاع زوج شـود مرجـوح می گردد، مگر این که زوج آن را تنفیـذ کنـد؛ بلکه اگر نـذر مـوجب خروج زوجه از خـانه برای غیر امور واجبه باشد احوط تحصیل اذن زوج است و بالاخره رحجان، در زمان ادای نذر ملاک است نه زمان خواندن صیغهٔ آن.

«سؤال ۳۸۹۸» اگر انسـان نـذر کنـد که در صورت برآورده شـدن حـاجتش، مثلًا به مـدت شـش مـاه، هر روز دو رکعت نمـاز مسـتحبی بخواند و بعد که حاجتش برآورده شد نذرش را ادا کند، اما دو روز در این میان از روی غفلت و سـهواً کوتاهی کند و دو رکعت نماز را نخواند، چه باید کند؟ آیا کفاره یا روش جبرانی هست؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۱۹

جواب: در فرض مذکور باید احتیاطاً نماز آن دو روز را قضا کند. البته اگر نذرش مقید به وقت معیّن نبوده و قصدش این بوده است که شـش ماه نماز پشت سـر هم باشـد به نحوی که حتی به علت غفلت بین آنها فاصـله نیفتـد، در این صورت اگر نذرش دارای شرایط باشد باید

از اول شروع کرده و طبق نذر عمل کند.

«سؤال ۳۸۹۹» شخصی نذر کرده یک گوسفند ذبح کند و بر همین اساس گوسفند را می خرد، ولی قبل از ادای نذر، گوسفند می میرد و مُردن گوسفند بدونِ افراط و تفریط بوده است. آیا برای تحقق نذر لازم است گوسفند دیگری خریده شود؟ یا همان گوسفند اوّلی جهت ادای نذر کفایت می کند؟

جواب: اگر متعلّق نذر، گوسفند خاصی نبوده، بلکه مطلق گوسفند بوده است، مردن گوسفند خاص، موجب سقوط نذر نمی شود و باید گوسفند دیگری را تهیه و ذبح کند.

«سؤال ۳۹۰۰» این جانب نذر کرده بودم که یک سال تلویزیون تماشا نکنم، اما نذرم را شکستم و در این یک سال تلویزیون تماشا کردم؛ آیا باید برای همهٔ موارد یک کفاره بپردازم یا برای هر بار دیدن تلویزیون یک کفاره نیاز است؟

جواب: اولًا: نذری صحیح است که نام خدا در آن ذکر شده باشد بدین گونه که بگوید: «لِلّهِ عَلیَّ ان لا انظر الی التلویزیون» یا به فارسی بگوید: «از برای خداست بر من که به تلویزیون نگاه نکنم» پس اگر نام خدا را به زبان نیاورده اید عمل بر طبق آن واجب نیست.

ثانیاً: بر فرض تحقق، نذر صحیح تابع قصد نذر کننده است، اگر قصد او ترک اولین نگاه بوده نگاه های بعد حرام نیست و کفاره ندارد و اگر قصدش ترک هر نگاهی بوده برای هر نگاهی کفاره واجب است.

« سؤال ۳۹۰۱» این جانب چند سال پیش تصمیم گرفتم که حداقل تا عید سیگار نکشم و نذر کردم که اگر تا عید سیگار کشیدم فلان مبلغ را که مبلغ زیادی هم هست به عنوان جریمه پرداخت کنم بعد از عید چند بار

سیگار کشیدم و به دنبال آن شک کردم که آیا نذر من مربوط به عید سال اول بوده یا عید سال بعد و هر بار که می خواستم سیگار بکشم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۰

احساس گناه کرده و خود را به شدت سرزنش می کردم. دفعه بعد نذر کردم که تا سه سال دیگر سیگار نکشم و باز مبلغ سنگینی را به عنوان جریمه برای هر بار تخلف معیّن کردم و در این بین چند مرتبه تخلف کرده ام و اکنون از قضیه بسیار متأثر و مضطرب بوده، زیرا نه توان پرداخت جریمه ها را دارم و از طرفی تکلیف سنگین در پرداخت جریمه ها را به عهده دارم. سؤال اول این است: در مورد اول شک دارم که تا عید اول نذر کرده ام یا عید بعدی را هم شامل می شود تکلیف چیست؟ و سؤال دوم این که اگر توان پرداخت موارد نذر را نداشته باشم، آیا نذر ساقط می شود؟ نکتۀ مهم این است که در تمام موارد صیغۀ نذر را جاری کرده ام.

جواب: در فرض سؤال که نذر کرده اید و صیغۀ مخصوص آن را هم خوانده اید که برای هر نوبت سیگار کشیدن فلان مبلغ را بدهید باید به نذر خود عمل کنید و نسبت به زیاد و کم آن که آیا عید امسال را گفته اید یا عید سال بعد را، چون بعد از عید امسال را شک دارید تکلیف نسبت به سال بعد را ندارید و این که قدرت پرداخت مبلغ سنگین را ندارید موجب سقوط تکلیف نمی شود و باید هر وقت توانستید انجام دهید.

«سؤال ۳۹۰۲» تعدادی از عاشقان حضرت سیدالشهدا حدود ۲۷ سال قبل بر آن شدند تا ظهرهای عاشورا برای

عزاداران نهار تهیه کرده و مقرر کردند: در صورت تأمین نشدن اعتبارات آن توسط نذورات مردم، خود افراد مبلغ بدهی را به نسبتی بین خود تقسیم و پرداخت کنند و چند سالی به این صورت عمل شد. به مرور زمان، نذورات مردم به حدّی رسید که علاوه بر افزایش کمیت و کیفیت آن، مقداری گوشت، روغن و ... اضافه می آید که آن محله، ظرفیت افزایش آن را ندارد. حال با این وصف از محضر حضرت عالی استیذان می کنیم، آیا ما مجاز به فروش اجناس اضافی هستیم تا:

الف: مایحتاج مصرفی دیگر از قبیل برنج و ... را تهیه کنیم.

ب: مایحتاج سرمایه ای از قبیل دیگ، بشقاب، قاشق و ساختمان سازی برای این کار هزینه کنیم.

ج: به صورت نقدینگی برای سال های آتی نگه داری کنیم.

د: مقدار باقی ماندهٔ گوشت، درب منازل به صورت نذری توزیع گردد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۱

جواب: به طور کلی مصرف نذورات تابع کیفیت نذر می باشد، بنابراین در مفروض سؤال، اگر از قرائن معلوم شود که قصد آنان مقیّد به صرف در خصوص ظهر عاشورا نبوده، بلکه منظور اطعام عزاداران حسینی است می توانید عین مازاد را در شب یا شام عاشورا صرف اطعام آنان کنید و اگر معلوم شود قصد آنان و کیفیت نذر مقیّد به محل خاص نبوده می توانید در ظهر عاشورا در محل دیگری صرف اطعام کنید، ولی اگر احتمال خصوصیت در ظهر عاشورا در محل خاص داده شود و نمی توانید عین آن را برای سال بعد نگه دارید آن را بفروشید و قیمت آن را همان سال و اگر نشد در سال بعد در ظهر عاشورا صرف اطعام کنید و توزیع

آن درب منازل ظاهراً نظر نـذر کننـدگان را تأمین نمی کنـد و اگر نـذورات نباشد و هبه باشد برای صـرف آن در موارد دیگر باید از اهدا کنندگان اجازه گرفت.

«سؤال ۳۹۰۳» چنـان که به نیت نـذر، جمله ای بگـوییم که بـا قـالب و صـیغهٔ قسم منطبـق است، آنچه واقع شـده چیست؟ و چه تکلیفی متوجه شـخص است؟ توضیح این که این جانب سال ها قبل با نیت و قصد نذر چنین گفته و نوشته ام: و اللّه و باللّه اگر فلان شود در هر هفته و تا موقع توان جسـمی نماز شب بخوانم؛ اکنون متوجه شده ام آنچه بر لسان من جاری شده و نوشـته ام، صیغهٔ قسم بوده نه نذر. بنابراین چنانچه در برخی موارد یک هفته بگذرد و نماز شب من قضا شود چه تکلیفی دارم؟

جواب: در فرض سؤال، که نیت نذر کرده و نام خدا را بر زبان جاری کرده و به شـکل قسم بوده است، بنابر احتیاط حکم قسم را دارد.

«سؤال ۳۹۰۴» در رساله آمده که اگر کسی قسمش را بشکند یا باید سه روز روزه بگیرد یا باید ده فقیر را اطعام کند. حال اگر کسـی بخواهـد به حکم دومی عمـل کنـد می توانـد به جـای آن هزینـهٔ نقـدی طعـام ده فقیر را به مرجع تقلیـد بدهـد که او به صلاحدید خود آن را هزینه کند یا به فقرا بدهد؟

جواب: کفـارهٔ مخـالفت بـا قسم، اطعام ده فقیر یا پوشانـدن ده فقیر یا آزاد کردن یک بنـده است و پول کافی نیست؛ ولی جایز است پول را به دیگری بدهد و او را وکیل کند که ده فقیر را اطعام یا بپوشاند، و می تواند مرجع تقلید یا فرد مطمئن دیگری را

وکیل نماید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۲

«سؤال ۳۹۰۵» قسم دادن کسی را برای رأی گرفتن چه حکمی دارد و اگر کسی مجبور شد به قرآن یا دیگر مقدسات قسم بخورد، آیا عمل کردن به آن گناه است؟

جواب: اگر رأی دادن صحیح و لازم باشد بدون قسم باید رأی بدهد و اگر صحیح نباشد نباید قسم بخورد و اگر قسم بخورد هم اثری ندارد و با فرض اجبار عمل نکردن گناه ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۳

مسائل احیای زمین های موات

«سؤال ۳۹۰۶» آیا زمین موات تحت قباله و سند در می آید؟

جواب: زمین موات- بدون احیا- قابل تملک نیست هرچند با تحجیر و کارهای مقدماتی مانند دیوار کشی حق تقدم دارد. ولی به مجرد ثبت رساندن و سند نویسی زمین، مالکیت و حق تقدم محقق نمی شود. در این زمینه می توانید به مسألهٔ ۲۸۵۹ توضیح المسائل مراجعه فرمایید.

«سؤال ۳۹۰۷» شخصی سال های پیش مقداری زمین داشته که در آن کشت و زرع می کرده و الآن حدود پنجاه سال است که آن را رها کرده و خود به سرزمین دیگر کوچ کرده است در حالی که هیچ وارث سببی و نسبی از خود به جا نگذاشته و هیچ سفارشی هم نسبت به زمین ها نکرده است. از این رو شخص دیگری اقدام به احیای زمین کرده و آن را با خرج خود آباد و مقداری هم از زمین های اطراف به آن افزوده است.

فعلًا اهالی آبادی ادّعا می کنند که این زمین نه از شخص اول و نه از شخص دوم است، بلکه متعلق به آبادی است و باید بین اهالی تقسیم شود. در این زمینه حکم مسأله چگونه است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر صاحب اصلی

زمین از آن اعراض کرده است کسی که آن را احیا کرده مالک آن شده است و اهالی قریه حق تعرض نسبت به آن را ندارند.

زمین های دیگر را که آن شخص احیا کرده اگر موات بوده و از حریم و لوازم آبادی نبوده نیز مالک شده است و یدِ فعلی او و ورثه اش امارهٔ ملکیت بوده و مزاحمت آنان جایز نیست.

«سؤال ۳۹۰۸» اگر کسی زمینی را احیا کند؛ آیا مالک زمین می شود؟ یا نوعی اختصاص و اولویت ایجاد می شود؟ و اگر احیا کنندهٔ زمین موات، سال ها از کشت و زرع زمین

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۴

صرف نظر کند؛ آیا به صرف احیای اولیه، مالکیت زمین برای تمامی نسل ها در اختیار خاندان او باقی می ماند؟ و یا مالکیت (یا اختصاص) مادام الاحیاست؟

جواب: احیای زمینی که بالاصاله موات بوده است موجب مالکیت احیاگر و پس از او ورثهٔ وی، نسبت به کارکرد خود که همان حیات و آبادانی زمین است می گردد، ولی مالکیت آنها نسبت به اصل و رقبه محل اشکال است، از این رو اگر زمین را بدون علت موجهی معطل گذارند تا دوباره موات گردد دیگران نیز حق احیا نسبت به آن می یابند و در این حال چه بسا حاکم جامع الشرایط می تواند زمین را به دیگران واگذار کند.

«سؤال ۳۹۰۹» در کشور افغانستان دولت زمین های مواتی را به افرادی فروخته، یا تملیک می کند. از طرفی برخی افراد ادّعا می کنند که صاحب زمین های فوقند؛ آیا می شود از این زمین ها استفاده کرده و آنها را تصرف کرد؟

جواب: زمین های مواتی را که دولت و حکومت در اختیار افراد قرار می دهد تصرف در آنها مانعی ندارد و مدّعیان سابقهٔ

ملکیت باید دعوای خویش را اثبات کنند و مجرّد ادّعا مثبت حق نیست.

«سؤال ۳۹۱۰» قطعه زمینی چند سال پیش توسط پدر این جانب، تصرف، احیا و محصور گردیده است. در اطراف آن هم زمین هایی شور و لم یزرع و سنگلاخی فراوان وجود دارد. اخیراً افرادی پیدا شده اند که ادّعای مالکیت آنها را دارند و اسناد دست نویس قدیمی هم در دست آنهاست. از سویی برخی ادّعا می کنند که این زمین ها وقف حضرت ابا عبداللّه علیه السلام بوده، اما در ادارهٔ اوقاف ثبت نشده است. لطفاً بفرمایید: آیا زمین از صاحب سند است یا وقف و یا از آن کسی است که آن را آباد کرده؟

جواب: زمین های موات که در حریم شرعی زمین محیاه نباشند ملک شخص خاصی نیست، هرچند برای آن سند صادر کرده باشند و وقف نسبت به آنها باطل است و زمین های احیا شده و حریم شرعی آنها، متعلق به احیا کننده ها و مالکین آنهاست و دیگری حق مزاحمت ندارد و طبعاً مالک شرعی می تواند ملک خود را وقف کرده یا به دیگری منتقل کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۵

مسائل غصب

«سؤال ۳۹۱۱» اگر کسی یا کسانی اموالی را غصب کنند؛ آیا صاحبان ملک در صورت بسته شدن طرق دیگر، حق دفاع از ملک و مال خویش را دارند؟ آیا در این مورد

«من قُتل دون ماله فهو شهید»

جاری است؟

جواب: هر کسی حق دارد از مال و ملک خویش به نحو عاقلانه و با تدبیر و انتخاب بهترین راه، دفاع کند ولو بلغ ما بلغ.

«سؤال ۳۹۱۲» این جانب چند سال پیش مغازهٔ خویش را در قالب قرارداد متضمن «رهن و اجاره» با قید و صراحت و

تأکید بر باز پرداخت همان مبلغ دریافتی اولیه (مال الرهن) در زمان تخلیه، تحویل مستأجر داده و متعاقب آن قراردادهای دیگر تنظیم و تمدید گردید. اکنون چند سال است که قرارداد تمدید نشده و مستأجر بدون رضایت این جانب از تخلیهٔ آن خودداری و از پرداخت اجاره بها امتناع ورزیده است. پس از شکایت طرف مقابل به دادگاه، افزایش سن این جانب را مطرح کرده در حالی که سن ربطی به نیاز این جانب ندارد. بفرمایید: ابقای مستأجر در مغازه و همچنین رابطهٔ «سن» و «نیاز» چه مدرکی دارد؟

جواب: آنچه را که انسان بدون قید و شرط اجاره کرده است باید پس از پایان مدت اجاره به صاحبش برگرداند و اگر مالك راضی به تجدید اجاره نباشد نمی توان او را به زور وادار به تجدید اجاره کرد و تصرف و عدم تخلیه بدون تجدید اجاره، غصب و موجب ضمان است و نیاز و سن، موجب جواز تصرف در ملك غیر نیست و اگر در عقد اجاره، شرطی اخذ شده باید طبق شرط عمل شود.

«سؤال **۳۹۱۳**» اگر امام جماعت اقدام به غصب تولیت مسجد کند، آیا شرط عدالت برای او جاری است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج **۳**، ص: **۴۲۶**

جواب: متولّی شرعی به تولیت باقی است و مزاحمت او توسط هر کس که باشد جایز نیست، مگر این که از صلاحیت بیفتد و حاکم شرع جامع الشرایط او را عزل کند و عمل امام جماعت را در صورت شك باید حمل بر صحت کرد.

« سؤال **۳۹۱۴**» در سال **۱۳۵۴** شرکت برق منطقه، **۲۰** عدد دَکَل برق در زمین های کشاورزی ما زد و در همان زمان با نارضایتی و شکایت ما مواجه شد. برای رفع خصومت

به ما گفتند که برای کشاورزی هیچ گونه مشکلی وجود ندارد و زیر آنها می توانید کشاورزی کنید و زمین ها مال شماست؛ اما اکنون این منطقه که در محدودهٔ شهر قرار گرفته و می خواهند در آن خانه بسازند، به ۲۰ نفر که دَکل در زمین های آنها وجود دارد اجازه ساخت و ساز نمی دهند و از طرفی ادارهٔ برق حاضر نیست معادل زمینی که غصب کرده در جای دیگر زمین و یا پول آن را بدهد. تکلیف ما در این خصوص چیست؟

جواب: هر گونه گرفتن ملک اشخاص یا تصرف در آن و یا ممانعت از بهره برداری متعارف و مشروع از آن از ناحیهٔ هر کسی که باشد بدون رضایت و اذن مالک جایز نیست و ضمان آور است و بر فرض که در گذشته بدون رضایت مالکین مقداری از اراضی آنها جهت نصب دکل های برق تصرف شده است، تحصیل رضایت مالکین برای بقای دکل ها لازم است و اگر شهرداری هم بخواهد حتی برای کارهای عام المنفعه از اراضی مذکور بهره برداری کند باید رضایت مالکین را تحصیل کند.

«سؤال ۳۹۱۵» اگر کسی از عطر غصبی استفاده کند و با آن نماز بخواند اشکال دارد؟

جواب: با فرض بقاء عطر نماز خواندن با آن محل اشکال است چون به حرکات صلاتی متحرک می شود.

«سؤال ۳۹۱۶» چند نفر در یک جوی آب شریکند، یکی از شرکا از آب این جوی برای چرخاندن آسیاب استفاده می کرده و فعلًا می خواهد علاوه بر استفاده از آب برای آسیاب، برای تولید برق نیز استفاده کند؛ آیا بدون جلب رضایت شرکای دیگر می تواند این کار را انجام بدهد؟

جواب: هر گونه تصرف در آب و ملک مشترک

باید با رضایت و اجازۀ همه مشترکین باشد و الّا غصب و حرام است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۷

«سؤال ۳۹۱۷» شخصی قطعه زمین مواتی را که کنار قبرستان بوده تصرف و آن را فرش و موزاییک کرده و به عنوان قبرستان اختصاصی، فرزند خود را نیز در آن جا دفن کرده است. اخیراً فرزند شهیدی را با تعدادی از شهدای جنگ تحمیلی با اجازۀ شهرداری در آن محل دفن کرده اند، ولی شخصی که آن زمین را فرش و موزاییک کرده می گوید: من راضی نیستم و زمین من غصب شده است مستدعی است فتوای حضرت عالی بیان شود.

جواب: اگر زمین مزبور موات بوده و به وسیلۀ دیوار کشی و موزاییک کردن به قصد تملک احیا شده ملك محیی بوده و تصرف در آن بدون اجازۀ او غصب است و دفن اموات بدون اجازۀ مالك جایز نیست و اگر زمین مزبور، حریم و محدودۀ قبرستان بوده هرچند در آن میّت دفن نمی شده تصاحب آن فرد درست نبوده و در این صورت دفن اموات و شهدا در آن اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۱۸» امام جماعتی در مسجدی به مدت چند سال اقامۀ نماز جماعت می کرده و سپس از این مسجد به مسجد دیگر منتقل شده، منتهی خانۀ مسجد قبلی را به عنوان دفتر کار خویش انتخاب کرده است. لازم به توضیح است که مسجد قبلی نیاز مبرم و ضروری به آن خانه دارد. ولی شخص نامبرده به هیچ وجه حاضر به تخلیۀ آن منزل نشده است. آیا شخص نامبرده ضامن اجاره است یا بر ذمّۀ وی چیزی نیست؟

جواب: اگر خانۀ مذکور برای امام مسجد مزبور ساخته شده است امام مسجد، پس

از انتقال به مسجد دیگر باید خانه را تخلیه کند و تصرف در آن جایز نیست.

«سؤال ۳۹۱۹» با فرض پـذیرش مالکیت معنوی از قبیل: حق تکثیر، تصـنیف و ...؛ آیا در صورت عدم رعایت این گونه حقوق، افراد بعدی نیز غاصب به شـمار می روند؟ مثلًا اگر کتابی افست شده باشد برای کسـی که در این کار دخالت نداشـته انتفاع از نسخه مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چه صـدق عنوان غصب بر انتفاع مـذکور قابل تأمل است، ولی چون اگر انتفاع مـذکور صورت نگیرد معمولًا برای متخلّف انگیزه ای برای تضـییع حقوق باقی نمی ماند، به این لحاظ انتفاع دیگران به نحوی معاونت در گناه متخلّف است، پس بدون اجازهٔ مالک معنوی احوط ترک انتفاع است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۸

«سؤال ۳۹۲۰» خـانه هـایی که دولت از دیگران گرفته و آنهـا را در معرض فروش قرار می دهـد چه حکمی دارد؟ آیا غصب و عبادت در آن باطل است؟

جواب: اگر دولت با صاحبان ملک به توافق رسـیده باشد و یا ملک با حکم حاکم شـرع جامع الشـرایط مصادره گردیده اسـت محکوم به غصبیت نیست و در فرض شـک نیز تصـرف دولت و تملیـک آن محکوم به صـحت است، مگر اینکه صـاحب قبلی ملک، اظهار نارضایتی کند که جلب رضایت او لازم است.

«سؤال ۳۹۲۱» در زمان ظاهر شاه در افغانسـتان دولت تصمیم گرفت که شهر جدیدی احداث کند، لذا بخشی از زمین هایی که ممکن است از مردم- خصوصاً اهل سـنت- بود غاصـبانه گرفته شـد و از این فرصت بعضـی از اهالی خصوصاً شـیعیان اسـتفاده کرده و به خرید زمین ها از دولت اقدام کردند و در آن زمین ها منزل و مسجد ساختند. اکنون

که مدت زمان زیادی از آن مسأله گذشته است وظیفه چیست؟ آیا می توان از زمین ها و مساجد استفاده کرد؟

جواب: اگر در رضایت صاحبان اراضی مذکور شک دارید یا می دانید راضی نبوده اند باید به نحوی رضایت آنان یا ورثهٔ آنان فراهم شود.

«سؤال ۳۹۲۲» اگر نخی از پردهٔ کعبه توسط حاجی کنده شود و با آن طواف کند؛ آیا به نماز و طواف او ضرر خواهد زد و آیا غصب محسوب می شود؟

جواب: کندن نخ از پردهٔ کعبه اشکال دارد، ولی اگر نمی دانسته که اشکال دارد، نماز و طوافش صحیح است.

«سؤال ۳۹۲۳» در زمان رضا شاه شخصی که نتوانسته بود مالیات بدهد، یک قطعه زمین از زمین هایش را ادارهٔ مالیات به عنوان مالیات تصرف کرده و سپس شخصی آن را از دولت (ادارهٔ مالیات) خریداری کرده است و او هم پس از چند سال آن را به شخص دومی فروخته و خریدار هم به پدر این جانب فروخته است حالا ـ پدر این جانب به رحمت ایزدی پیوسته است؛ آیا زمین، عنوان غصب دارد؟ یا معاملات انجام شده صحیح بوده است؟

جواب: زمین ظاهراً ملک کسی است که با ادّعای مالکیت بر آن تسلط دارد، مگر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۲۹

این که ثابت شود از مالک آن غاصبانه و بدون رضایت گرفته شده است. بنابراین در فرض مذکور اگر ثابت شود در آن زمان غاصبانه از مالک گرفته شده است باید به مالک یا وارث فعلی او برگردانده شود و در این صورت فروش آن نیز صحیح نیست و باید پولی را که از بابت آن گرفته اید به صاحب پول برگردانید. البته در صورتی که بدانید مالک یا وارث از زمین

اعراض کرده اند حق تصرف دارید.

«سؤال **۳۹۲۴**» در برخی از هتل ها وسایلی در اختیار مسافران قرار می دهند از قبیل خودکار، شامپو، صابون و ... آیا برداشتن آنها پس از تمام شدن مدت اقامت در هتل اشکال دارد؟

جواب: چیزهایی مثل صابون و شامپو که برای مصرف افراد داده می شود، چنانچه پولی که از مسافران گرفته شده در قبال مصرف آن باشد بیرون بردن آنها جایز نیست؛ اما اگر پول آنها تماماً دریافت شده خواه شما استفاده کنید و خواه نکنید بیرون بردن آنها اشکالی ندارد. همچنین برداشتن اشیایی که اطمینان داشته باشید صاحب هتل از آن اعراض کرده و یا به برداشتن آن رضایت دارد، اشکال ندارد.

«سؤال **۳۹۲۵**» بر روی قبوض آب نوشته شده: «نصب پمپ به صورت مستقیم بر روی شبکه، غیر مجاز بوده و پیگرد قانونی دارد.» کسی که پمپ نصب کرده، با این که پول آب مصرفی را کاملًا پرداخته و از آب برای وضو، غسل و ... استفاده کرده است؛ آیا نماز و روزه او اشکال دارد؟

جواب: اگر منع نصب پمپ از ناحیۀ مالکین آب و تأسیسات آن است نصب آن و استفاده از آبی که به وسیلۀ پمپ به دست می آید جایز نیست و طبعاً وضو و غسل با آب غصبی خواهد بود و دادن پول آن را جبران نمی کند. اگر ممکن است منبع تهیه کنید که شب ها پُر شود و روز از آب آن استفاده کنید و یا با متصدیان و مسؤولین تفاهم کنید.

«سؤال **۳۹۲۶**» محلی است سبز و خُرم و دارای درختان مثمر و غیر مثمر که از چشمه های موجود در محل سیراب شده و منبع این چشمه ها یکی است. اخیراً

بعضی از متنفذین از طریق حفاری و اکتشاف می خواهند راه آب را عوض کرده و به محل خود ببرند و در نتیجه همهٔ این محل و درختان بی آب خواهند ماند؛ آیا اگر موفق شوند و آب

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۰

به محل دیگر برود اهالی محل دوم می توانند از آب برای شرب، غسل و وضو استفاده کنند؟

جواب: در مفروض سؤال، عمل مذکور غیر مشروع و استفاده از آب مغصوب بدون اذن صاحبان آن حرام و موجب ضمان بوده و وضو و غسل از آن باطل است.

«سؤال ۳۹۲۷» کسی که زمین دیگران را بدون رضایت مالک غصب کرده و در آن احداث بنا کند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که فرد مذکور با علم و آگاهی به عدم رضایت مالک، احداث بنا کرده مرتکب گناه گردیده است و چنانچه مالک زمین به فروش یا مبادله آن راضی نشود و عین زمین خود را مطالبه کند فرد غاصب باید ساختمان را خراب کرده و زمین را به حالت اول برگردانده و تحویل صاحبش بدهد و اگر اشتباهاً اطمینان به رضایت مالک داشته و احداث بنا کرده است باید با مالک زمین مصالحه کنند.

«سؤال ۳۹۲۸» کسانی که قسمتی از ملک آنها در طرح خیابان واقع شده و مالک با این که راضی نیست، اما اقدام به اخذ سند برای بقیهٔ ملک خود می کند؛ آیا اقدام او اعراض از قسمتی از ملک خود است؟ و اگر اعراض محسوب نشود، آیا متصرف (شهرداری) ضامن مال تلف شده است؟

جواب: هر گونه تصرفی در ملک دیگران بدون تحصیل رضایت آنان غصب و حرام است، ولی در مفروض سؤال که معمولًا در عوض

مقدار ملک واقع شده در طرح، تسهیلات و افزایش قیمت بقیهٔ ملک قرار دارد و ظاهر حال و قرائن رضایت مالک است تصرف در ملکِ واقع در طرح در جهت مربوطه مانعی ندارد، مگر این که احراز گردد مالک راضی به تسلیم آن نبوده است.

«سؤال ۳۹۲۹» در تقسیم اراضیِ قبل از انقلاب، دولت شاه اراضی یکی از اربابان را غصب کرد و مقداری از آن را به من دادند و من هم پول آن را به حساب دولت واریز کردم فعلًا هم مسکونی شده و ورثهٔ آن ارباب را نمی شناسم و معلوم نیست زنده اند یا مرده تا آنها را راضی کنم. وظیفهٔ من چیست؟

جواب: چون مصادرهٔ زمین به حکم مجتهد جامع الشرایط نبوده و رضایت مالک

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۱

نیز به دست نیامده باید رضایت مالک و در صورت فوت او رضایت وارثین او را تحصیل کنید و اگر به هیچ نحو ممکن نباشد باید قیمت زمین را از طرف مالکش به فقرا صدقه بدهید.

« سؤال ۳۹۳۰» با زیاد شدن جمعیت و توسعهٔ شهرها، شوراهای شهر و شهرداری ها و مردم توافق می کنند که زمین های کشاورزی که در مجاورت شهر واقع شده و همهٔ مردم در مالکیت آنها سهیمند را به وسیله طرح یک پارچه کردن یا طرح تغییر کاربری برای جلب منفعت بیشتر مورد استفاده قرار دهند و با این کار و خدمات دولت، زمین ها مرغوبیت و قیمت بیشتری پیدا کرده و قابل سکونت می شوند و با توافق انجام شده، سی درصد آن را شهرداری ها برای خیابان هایی که نیاز دارند می گیرند که در نتیجه، ممکن است زمین هر شخصی جابجا و مقداری کمتر شود، ولی

با اجرای این طرح و مرغوبیت ایجاد شده کمبود زمین او، بلکه به طور مضاعف جبران می گردد. سؤال این جاست که در این طرح ها نوعاً نمی شود رضایت همهٔ مالکین را فراهم کرد و بعضاً افراد ناراضی هستند؛ آیا رضایت همه شرط است؟ یا اگر شورای شهر که نمایندهٔ همهٔ مردمند و اجرای این طرح ها هم به صلاح مردم باشد حکمی صادر کرد قابل اجراست؟ و به رضایت مالکین نیازی نیست؟

جواب: اگر زمین بین عدّه ای مشترک است، تصرف و اجرای طرح در آن بدون اذن و رضایت همهٔ مالکین جایز نیست، ولی در صورتی که طرح مفید و عام المنفعه باشد شایسته است مالکین با آن مخالفت نکنند و رضایت همه را جلب کنند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۲

مسائل لُقطه

«سؤال **۳۹۳۱**» حکم اشیایی که پیدا می کنیم چیست چه ارزشی داشته باشد و چه نداشته باشد؟

جواب: چیزی را که انسان پیدا می کند به آن لقطه گویند. اگر به مقدار یک درهم قیمت داشته باشد باید از صاحبش جستجو کند تا یک سال اگر صاحبش پیدا نشد یا اصلًا از اول معلوم است که صاحبش پیدا نمی شود باید آن را به فقیر صدقه بدهد، ولی اگر از درهم کمتر باشد برای خودش بردارد اشکال ندارد.

«سؤال **۳۹۳۲**» این جانب مقداری طلا و جواهرات در مرز افغانستان پیدا کرده و به مسؤولین اردوگاه بین مرز هم خبر دادم و یک بار هم از تلویزیون استان هرات پیدا شدن آن را اعلام کرده ام. وظیفهٔ این جانب نسبت به آن چیست؟ آیا می توانم مخارجی را که متحمل شده ام از آن کسر کنم؟

جواب: در فرض سؤال اگر از پیدا شدن صاحب طلاها مأیوس باشید باید به حاکم

شرع مراجعه کنید که اگر اجازه داد آنها را از طرف صاحبش به فرد مستحق صدقه بدهید و از این جهت که شما برای پیدا کردن صاحبش مخارجی متحمّل شده اید چیزی طلبکار نیستید، ولی اگر برای نگه داری آن مستلزم مخارجی شده اید آن را طلبکارید و می توانید کسر کنید.

«سؤال ۳۹۳۳» اگر انسان مال مسروقه را پیدا کند و صاحب اصلی مال را نشناسد؛ آیا می تواند این مال را در امور خیریه همچون مساجد و حسینه ها صرف کند؟

جواب: در مفروض سؤال، مال مسروقه حکم لقطه را دارد، پس واجب است در جاهایی که احتمال پیدا شدن صاحبش را می دهد تا یک سال معرفی کند و چنانچه پس از یک سال معرفی، صاحبش پیدا نشد، می تواند آن را تملک کند، به قصد این که

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۳

اگر صاحبش پیدا شد عین آن را و اگر تلف شده عوض آن را به او بدهد و نیز می تواند آن را برای صاحبش نگه داری کند، ولی بهتر است با اجازهٔ حاکم شرع آن را از طرف صاحبش صدقه دهد و اگر صاحب آن پیدا شد و به صدقه راضی نشد عوض آن را به صاحبش بدهد و مقصود از صدقه ظاهراً دادن آن به فقرا از مؤمنین است و بنابر احتیاط به غیر سادات بدهد.

«سؤال ۳۹۳۴» فردی مقداری پول با مواد مخدّر پیدا کرده و یقین دارد اگر آن پول را به صاحبش برگرداند صرف مواد مخدّر و یا وسایل انحراف جوانان می کند؛ آیا مثل لقطه (مال پیدا شده) باید آن را به صاحبش برگرداند؟ اگر جواب منفی است با آن پول چه باید بکند؟

جواب: در

فرض مذکور اگر بداند در اختیار گذاردن پول، موجب ارتکاب کار حرام خواهد شد و هیچ راهی برای جلوگیری از آن نداشته باشد نباید پول را در اختیار او بگذارد، بلکه باید آن را به صورت امانت حفظ کند تا در زمانی که احتمال دهد صرف کار حرام نمی شود در اختیار او بگذارد.

«سؤال ۳۹۳۵» ساعتی در یک تاکسی از مسافران جا مانده و معلوم نیست از کدام مسافر است و صاحب آن را نمی شناسم، وظیفه چیست؟

جواب: اگر از پیدا شدن صاحب مال مأیوسید، احوط آن است که با اذن حاکم شرع آن را از طرف صاحبش صدقه بدهید و اگر خود شما استحقاق دارید مجازید به عنوان صدقه قبول کنید.

«سؤال ۳۹۳۶» شخصی نگهبان کارخانه ای بوده و مقداری از اموال کارخانه را با اجازهٔ صاحب آن به منزل خود برده است. اکنون کارخانه ورشکست شده و صاحب آن هم فراری است و هیچ گونه دسترسی به صاحب آن وجود ندارد؛ آیا نگهبان می تواند در آن مال تصرف کند؟

جواب: در فرض این که رساندن مال به مالکش ممکن نیست، احوط آن است که با اذن حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه بدهید و اگر خود شما استحقاق دارید مجازید به عنوان صدقه قبول کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۴

اموال مجهول المالک

«سؤال ۳۹۳۷» اگر فردی مالی را غصب کند در حالی که می داند آن مال یا از علی است یا از حسن، گر چه احتمال این که از علی باشد بیشتر است، آیا آن مال مجهول المالک است و باید با اجازه مجتهد صدقه داده شود؟

جواب: در مفروض سؤال که مالک مردد بین دو نفر یا چند نفر معین باشد باید

با مراجعه به آنها مالک واقعی را تشخیص داد و رضایت او را جلب کرد.

«سؤال ۳۹۳۸» در پایگاه های حراست دریایی در منطقهٔ شمال در اثر تعقیب و گریز و درگیری بین مأموران دولتی و قاچاقچیان دریایی در بعضی موارد اقلامی از قاچاقچیان باقی می ماند که فاسد شدنی است تکلیف این گونه اقلام چیست؟ و در این صورت آیا استفاده از آنها جایز است؟

جواب: اگر امکان دارد باید به صاحبانش تحویل گردد و الّا مصرف کرده و پول آنها را از جانب صاحبان آن به فقیر صدقه بدهند.

«سؤال ۳۹۳۹» چند سال قبل مقداری کتاب که اکثراً تاریخی و ... به وسیلهٔ گمرک مصادره و به حراج گذاشته شده و بعضاً مردم آنها را خریداری و حتی برخی از آنها به کتابخانه ها اهدا شده است؛ چون کتاب ها مجهول المالک و پیدا کردن مالکین هم میسر نیست، لطفاً وظیفهٔ این جانب را بیان فرمایید؟

جواب: اگر پیدا کردن مالک شرعی کتاب ها مقدور نباشد برحسب مستفاد از روایات حکم آن صدقه دادن از جانب مالک است، پس بجاست برخی از آقایان که نیاز دارند به عنوان صدقه قبول کنند و به اختیار خود به کتابخانه های عمومی اهدا کنند.

«سؤال ۳۹۴۰» اجناسی که توسط شهرداری بخاطر سدّ معبر از مردم جمع آوری شده به آنان عودت داده نشده و جهت مصرف زندانیان و معلولین، تحویل زندان و بهزیستی می شود. با توجه به این که صاحبان اجناس ناراضی بوده و برای امرار معاش به ناچار از طریق سدّ معبر اقدام به دست فروشی می کنند مصرف این گونه اجناس برای زندانیان و معلولین چه حکمی دارد؟

جواب: اگر صاحبان آنها را نمی شناسند با اجازهٔ حاکم شرع از طرف آنها به فقیر

صدقه بدهند و زندانیان و معلولین نیز اگر فقیر باشند می توانند از آنها استفاده کنند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۵

مسائل سربریدن و شکار حیوانات

«سؤال ۳۹۴۱» با توجه به آیهٔ ۱۲۱ سورهٔ انعام، علمای شیعه اعتقاد دارند که گوشت باید حتماً ذبح اسلامی باشد و نام خدا قبل از ذبح گفته شود. در این آیه هیچ صحبتی از گوشت نشده و این در مورد هر چیزی می تواند باشد نه گوشت، چرا باید حتماً قبل از کشتن دام و طیور، اسم خداوند آورده شود؟ چرا نمی توان گفت که حتی اگر موقع تناول غذا و یا طبخ گوشت هم نام خداوند آورده شود قبول است؟

با توجه به آیهٔ ۵ سورهٔ مائده، طعام اهل کتاب بر مسلمانان حلال است. البته با توجه به مطالعاتی که بنده داشتم علمای شیعه بر این باورند که این طعام شامل گوشت نمی شود، اما عده ای از علمای اهل تسنن می گویند که گوشت را هم شامل می شود فقط باید قبل از طبخ به آن «بسم اللّه الرحمن الرحیم» بگوییم. در ضمن با توجه به این که آیهٔ فوق مدنی بوده و آیهٔ ۱۲۱ سورهٔ انعام مکّی است به نظر من چون این آیه بعد از آیهٔ ۱۲۱ سورهٔ انعام آمده است می توان گفت که اگر محدودیتی در قبل از این آیه در مورد تناول غذای اهل کتاب وجود داشته این محدودیت برداشته شده است.

هدف من از بیان این سؤال این است که مسلمانانی چون من که در کشورهای غیراسلامی زندگی می کنند (کشورهایی که اهل کتابند) آیا می توانند از گوشت و مرغ مغازه ها خریده و قبل از طبخ «بسم اللّه الرحمن الرحیم» گفته و استفاده کنند؟ این یک مسألهٔ

بسیار بغرنجی برای این گونه افراد شده است.

جواب: از نظر شیعه همان گونه که قرآن کریم منبع احکام الهی است سنّت معصومین علیهم السلام که شامل: گفتار، کردار و تقریر آن بزرگواران است، علاوه بر این که شارح و مبیّن آیات قرآن است خود نیز از منابع دیگر احکام الهی است و آنچه از مجموع کتاب و سنّت به دست می آید آن است که حلال بودن حیوان، مشروط به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۶

شرایطی است که تفصیل آن در رسالۀ توضیح المسائل ذکر شده، و یکی از آن شرایط، بردن نام خداوند قبل از ذبح است و بر فرض عدم اشکال در ذابح بودن اهل کتاب، احراز سایر شرایط در ذبیحۀ آنان مشکل است و باید اجتناب شود.

«سؤال ۳۹۴۲» هنگام ذبح اگر گوسفند به گونه ای خوابانده شود که سینه آن رو به قبله نباشد، ولی خون آن به سمت قبله بیرون بریزد؛ آیا برای رو به قبله بودن ذبیحه کافی است؟

جواب: هنگام ذبح باید سینه و شکم گوسفند رو به قبله باشد و ریختن خون به طرف قبله معتبر نیست.

«سؤال ۳۹۴۳» شخصی سر حیوانی را که در معرض تلف بوده در تاریکی شب می برد، بعد از آن شک می کند که آیا حیوان در وقت ذبح زنده بوده یا نه و با توجه به تاریکی شب علامتی دال بر زنده بودن حیوان مشاهده نکرده، آیا این حیوان پاک و حلال است؟

جواب: در مفروض سؤال، محکوم به حرمت است و از آن اجتناب شود.

«سؤال ۳۹۴۴» اگر گرگ چهار رگ از رگ های گوسفند را پاره کرده باشد و گوسفند هنوز زنده است چه باید کرد؟

جواب: چنانچه چهار رگ گوسفند

قطع گردیده که خواهی نخواهی خواهد مرد گوسفند حرام گردیده و قابل ذبح نیست.

«سؤال ۳۹۴۵» آیا ذبح اسلامی یک موضوع اقتصادی نبود؟ چه فرقی بین گوشت و میوه است؟ میوهٔ مسیحی را می شود خورد؛ ولی گوشتی که ذبح کنندهٔ آن مسیحی باشد را نمی خورند؟ حتی اگر ذبح کننده مسیحی باشد، ولی با روش اسلامی ذبح شده باشد؟

جواب: ذبح اسلامی دستوری بهداشتی و معنوی برای انسان است. در مورد شرایط ذبح در تمام ادیان الهی- کم و بیش- شرایطی برای حلیت ذبح تعیین شده است؛ به عنوان مثال در شریعت حضرت موسی صلی الله علیه و آله و سلم در تلمود آمده است: باید با چاقو و قطع چهار رگ اصلی و اعصاب باشد، حتی آمده است: در هنگام ذبح باید حمد خدا را به شکل معیّن انجام دهد. یکی از شرایطی که در اسلام برای ذبح وجود دارد و در ذبح بسیاری از غیر مسلمانان بویژه مسیحیان رعایت نمی گردد، ذکر خدا در هنگام ذبح است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۷

در قرآن آمده است: «وَ لا تَأْكُلُوا مِمّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ» «۱» (از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است نخورید) و البته قیاس ذبح به میوه صحیح نیست، میوه عمل طبیعت است، اما ذبح، عمل انسان است.

«سؤال ۳۹۴۶» اگر پرنده ای ماهی را از آب بگیرد و انسانی آن را از پرنده بگیرد؛ آیا خوردن آن حلال است؟ و همین طور خوردن ملخ چه حکمی دارد؟

جواب: اگر زنده به دست انسان برسد و سپس جان بدهد حلال است و همین طور است ملخ.

«سؤال ۳۹۴۷» آیا خوردن گوشت طاووس حلال است؟

جواب: طاووس از

مسوخ بوده و گوشت آن حرام است.

«سؤال ۳۹۴۸» خوردن لابستر یا شاه میگو چه حکمی دارد؟ با توجه به این که شاه میگو در بسیاری از رستوران ها و فروشگاه های ایران عرضه شود؟

جواب: حلال است.

«سؤال ۳۹۴۹» اخیراً خرید و فروش کوسه ماهی که گاهی به آن «کولی» هم گفته می شود در بازار رایج شده است و می گویند طبق نظر کارشناسان کوسه ها هم نوعی فلس ریز که قابل رؤیت با چشم غیر مسلح نیست دارند؛ آیا فلس دار بودن باید ملموس برای همه باشد؟ یا اگر با چشم مسلح هم دیده شود کفایت می کند؟ و اگر فلسی که با چشم مسلح دیده، با فلس های معمولی ماهی ها فرق کند و به صورت میخکی باشد کافی است؟

جواب: تعیین موضوع شأن فقیه نیست، اگر واقعاً فلس دارد هرچند با چشم عادی دیده نشود حلال است و معیار داشتن فلس است و در صورت شک باید احتیاط شود.

«سؤال ۳۹۵۰» این جانب چندین سال است که مسلمان شده و به مذهب شیعه اعتقاد پیدا کرده ام؛ ولکن مسأله ای ذهن مرا و ذهن دوستی که در مورد مذهب شیعه تحقیق می کند به خود مشغول کرده و آن دلیل حرام بودن ماهی بدون فلس است، زیرا:

---

(۱)- سورهٔ مائده (۵): آیهٔ ۱۲۱.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۸

۱- شهید ثانی در «مسالک» و مقدس اردبیلی در «مجمع الفائده و البرهان» در حرمتشان تشکیک کرده اند.

۲- صاحب «جواهر» می گوید، قول به حرام بودن ماهی بدون فلس در نهایت ضعف است.

۳- علامه حلّی در کتاب «مختلف الشیعه» می گوید: هیچ دلیلی از احادیث بر حرمت ماهی بدون فلس به دست نیامد.

۴- در برخی از رساله های عملیه چنین آمده است: خوردن ماهی بدون فلس

جایز است و دلیل آن پس از ملاحظهٔ تعارض ادلّهٔ دالّ بر حرمت و حلیت، قاعدهٔ اصاله الحلّ است که پس از تعارض ادلّه باید به این قاعده رجوع شود.

۵- حضرت عالی فرموده اید: دلیل بر حرام بودن ماهی بدون فلس، اجماع فقهاست.

من چگونه این استدلال را به برادران شیعه و سنّی عرضه کنم و بگویم اجماع فقهای شیعه بر خلاف آیهٔ شریفه: «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ ...» (برای شما صید دریا و طعام آن حلال شد در حالی که آن دو، متاع شماست) فتوا به حرمت صید دریا داده است؟ گذشته از این که اجماع منقول حجت نیست و اجماع محصل آنان وجود ندارد! چگونه در این موضوع با وجود روایات متناقض، اجماع فقها بر خلاف ظاهر آیهٔ شریفه فوق حجت است؟

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

رساله استفتاءات (منتظری)؛ ج ۳، ص: ۴۳۸

جواب: ۱- فقهای اهل سنت، تمام انواع ماهی ها را حلال می دانند، بلکه عدّهٔ زیادی از آنان غیر از ماهی، تمام حیوانات دریایی را نیز حلال دانسته اند ولکن اجماع فقهای شیعه، غیر ماهی از حیوانات دریایی را حرام دانسته و مشهور آنان ماهی بدون فلس را نیز حرام می دانند و اخبار معتبر زیادی که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده و نمی توان از آنها چشم پوشید دلالت بر آن دارد. کلمات شیخ طوسی در این مسأله متهافت است و صاحب جواهر از کسانی است که اصرار بر حرمت دارد، او پس از اشاره به روایاتی که دلالت بر حرمت دارد، متعرض نقل بعضی روایات شده که دلالت بر حلال بودن ماهی بدون

فلس دارد و سپس می گوید: «شکی نیست که تمام ادلّهٔ دالّ بر حلال بودن ضعیف است، زیرا روایات دال بر حرمت که نصند اگر فرضاً متواتر نباشند ولکن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۳۹

مضمون آنها قطعی است، زیرا اولًا: از نظر کمّی زیادند، ثانیاً: یکدیگر را تأیید می کنند و متعاضدند و ثالثاً: این گونه روایات در کتب اربعه و غیر آن در مورد ماهی جرّی و غیره وارد شده است.» نامبرده پس از ذکر تمام روایات دال بر حرمت می گوید:

«با وجود این همه روایات و به علاوهٔ شهرت عظیم، بلکه اجماع منقول در کلمات فقها شک و وسواس در حکم به حرام بودن جایی ندارد خصوصاً در مثل زمان ما که تقریباً حرام بودن ماهی بدون فلس ضروری مذهب شمرده می شود، پس وسوسهٔ بعضی فقهای متأخر چیز غریبی است» «۱» به هر حال مقتضای روایات معتبر زیادی که از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده این است که ماهی بدون فلس حرام است. شهرت قطعی و اجماع منقول نیز مؤید این روایات بوده و مقصود از لفظ «کراهت» که در بعضی روایات ذکر شده است کراهت اصطلاحی بین فقها نیست، بلکه مقصود همان حرمت است و روایاتی که دلالت بر حلال بودن می کند را باید حمل بر تقیه کرد، زیرا در آن روزگار سیاه، ائمهٔ ما علیهم السلام در این گونه مسائل که نظرشان بر خلاف نظر فقهای حکومت وقت بود چاره ای جز تقیه نداشتند. در روایت آمده:

«خذ بما اشتهر بین اصحابک ودع الشاذّ النادر لانّ المجمع علیه لاریب فیه؛ «۲»

آنچه بین اصحاب و همفکرانت شهرت دارد را بگیر و آنچه

شاذّ و طرفداران کمی دارد را واگذار، زیرا آنچه را همه می گویند شکی در آن نیست» و نیز

«خذ بما خالف العامه فانّ الرشد فی خلافهم؛ «۳»

آنچه را مخالف عامه است بگیر، زیرا حق در مخالفت با آنان است»؛ و در بسیاری از مسائل، فقهای حکومت های جور مطابق امیال حاکمان وقت فتوا می دادند، از این رو امامان ما می فرمودند: حق و رشد در مخالفت با نظر آنان است و خودشان در بعضی مواقع که چاره ای نبود به خاطر مصلحت حفظ شیعه تقیه می کردند.

---

(۱)- جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۵۰.

(۲)- عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۲۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۳، ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۵.

(۳)- الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۲، ح ۴۲.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۰

۲- دلیل مسأله، منحصر به اجماع نیست، بلکه روایات زیادی از ائمۀ اطهار علیهم السلام- که در بین آنها روایات صحیح نیز وجود دارند- بر حرمت ماهی بدون فلس دلالت دارد که می توانید به کتاب «وسائل الشیعه، کتاب الاطعمه والاشربه، ابواب الاطعمه المحرمه، باب ۸ و ۹» مراجعه کنید. با وجود چنین روایاتی بر فرض که آیۀ شریفۀ مذکور در سؤال، اطلاق داشته باشد باید به وسیلۀ این روایات تقیید شود. تقیید مطلقات قرآن و تخصیص عمومات آن با روایات صحیح در بحث اصول الفقه اثبات شده است و حجت بودن روایات صادره از ائمۀ معصومین علیهم السلام در حدیث ثقلین که بین شیعه و سنّی متواتر است تصریح شده است، در این حدیث شریف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عترت را در عرض

کتاب خدا قرار داد و امت خود را امر کرد که به آن دو تمسک جویند؛ پس این روایت به طور قطع بر حجت بودن اقوال و گفته های عترت دلالت می کند. تفصیل این بحث در این مختصر نمی گنجد. «۱»

«سؤال ۳۹۵۱» در بعضی از کشتارگاههای اسلامی که مقررات ذبح اسلامی مانند گفتن بسم اللّه و ... اجرا می گردد گاهی ذبح حیوانات به دلیل این که به وسیلهٔ دستگاه و در حال حرکت و دوران و چرخش صورت می گیرد در حال سر بریدن حیوان پشت به قبله قرار می گیرد؛ آیا در چنین صورتی گوشت آنها حلال است یا حرام؟

جواب: باید حیوان در حال ذبح شدن رو به قبله باشد، ولی اگر مجریان ذبح مسلمان باشند و اظهار کنند: شرایط ذبح را رعایت کرده ایم برای مشتریان اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۵۲» اگر کارشناسان حیوانات دریایی بگویند که کوسه ها دارای فلس ریز هستند که قابل رؤیت با چشم عادی نیست، ولی فلس دارند؛ آیا نظر آنها برای دیگران حجّت است یا تحصیل اطمینان لازم است؟

جواب: اطمینان یا شهادت دو مرد عادل لازم است.

---

(۱)- مشروح این موضوع در کتاب معظم له به نام «از آغاز تا انجام در گفتگوی دو دانشجو»، ص ۱۷۲ ذکر شده است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۱

مسائل خوردنی ها و آشامیدنی ها

«سؤال ۳۹۵۳» تخم مرغ هایی که ظاهر آن سفت نشده، همچنین تخم مرغ هایی که از شکم مرغ بعد از ذبح شرعی به دست می آیند در حالی که زرد رنگند آیا پاکند؟ خوردن آنها چه حکمی دارد؟

جواب: پاک بوده و خوردنشان هم اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۵۴» آیا طوطی و بلبل حلال گوشتند؟

جواب: به غیر از پرندگانی که چنگال دارند و بنابر احتیاط واجب انواع کلاغ

و هدهد، بقیه حلالند.

«سؤال ۳۹۵۵» اگر یکی از حیوانات حلال گوشت مثل شتر، بز، گوسفند و یا گوساله از شیر سگ تغذیه کند حکم آن حیوان چیست؟

جواب: اگر بره یا بزغاله از شیر خنزیر بخورد به حدی که گوشت و استخوان آن محکم شود، از آن بره و نسل آن باید اجتناب شود. ولی اگر مقدار کمی بخورد گوشت آن کراهت دارد و با هفت روز استبراء کراهت آن برطرف می شود و اگر تغذّی از شیر سگ باشد دلیلی بر حرمت آن و نسل آن نیست و حکم طهارت و حلّیت جاری است هرچند احتیاط خوب است.

«سؤال ۳۹۵۶» اگر در کشور خارجی، غیر مسلمانی برای انسان غذای حلال (مثل ماهی) درست کند (مثلًا رستوران ها که هم ماهی دارند و هم گوشت خوک و حرام)؛ آیا آن غذا حرام است؟ چون بالاخره دست آشپزی که مسلمان نیست با غذا تماس پیدا خواهد کرد؟

جواب: اگر ماهی فلس دار باشد و اطمینان دارید هرچند توسط غیر مسلمان زنده از آب گرفته شده است و در خارج از آب مرده است (نه در آب) و آشپز غیر مسلمان از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۲

اهل کتاب باشد- که به نظر این جانب ذاتاً پاکند- و از نجاسات عرضی، مانند شراب، خوک و امثال آنها اجتناب کنند و یقین به ملاقات ماهی با نجاسات ندارید خوردن آن مانعی ندارد.

«سؤال ۳۹۵۷» این جانب و خانواده ام در خارج از کشوریم و هزینۀ عزاداری و پذیرایی مناسبت هایی چون محرم و ... توسط ایرانی های مقیم آن جا تأمین می گردد و فی الجمله مطمئنیم گاهی درآمد آنان از طریق غیر شرعی و حرام تأمین می گردد. با توجه به آن که

امکان تمایز بین منابع مالی میسر نیست، خواهشمند است نسبت به خوردن غذاها و نذورات راهنمایی بفرمایید؟

جواب: اگر یقین به حرام بودن غذایی که در اختیار شما می گذارند ندارید برای شما اشکال ندارد و تحقیق لازم نیست.

«سؤال ۳۹۵۸» ما در کشور ژاپن زندگی می کنیم و از بازار مسلمین مواد غذایی خود را می خریم؛ آیا ذبیحهٔ آنها که اکثراً از اهل سنّتند اشکال دارد؟ ذبیحهٔ اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: ذبیحهٔ اهل کتاب برای ما حرام است، و اگر از مسلمان ذبیحه ای را خریدیم که او گفت به نحو حلال ذبح شده، یا احتمال دادیم به طریق شرعی ذبح شده، محکوم به حلیت است و استفاده از آن اشکالی ندارد. اکنون که یخچال و فریزر وجود دارد بهتر است ذبیحهٔ حلال تهیه و در فریزر برای مدتی ذخیره شود و بالاخره لازم است برادران و خواهران مسلمان موازین اسلامی را رعایت کنند.

«سؤال ۳۹۵۹» این جانب به یک بیماری مبتلا شده ام و دکترهای ایرانی داروهایی که تجویز کرده اند اثر بخشی آن بسیار کم است، اما اطبای افغانستان مقدار یک گرم و یا دو گرم تریاک در روز تجویز کرده اند استفادهٔ آن چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال، مصرف تریاک به مقدار ضرورت اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۳

مسائل وصیت

«سؤال ۳۹۶۰» شخصی مقداری از خانهٔ خود را به یکی از فرزندان انتقال داده و بعد از وفات وی در مقدار مابقی شبهه ای ایجاد شده که آیا باید آن را به همان فرزند بدهند یا از بقیهٔ ورثه است؟ لذا ورثه آن را به همان فرزند می بخشند، ولی بعداً معلوم می شود که میّت آن قسمت از منزل را

برای مخارج خود گذاشته است؛ آیا ورثه چنین حقی را داشته اند یا خیر؟

جواب: هبهٔ سایر ورثه در مورد ابهام بعد از آن که حقیقت مسأله کشف و معلوم شده که آن مقدار مورد وصیت برای مخارج خود مورّث بوده اثری ندارد و باید آن مقدار صرف مخارج مورّث بشود.

«سؤال ۳۹۶۱» آیا انسان می تواند وصیت کند که بعد از وفاتش، او را در ملک شخصی خود- بر فرض مثال قسمتی از باغ- دفن کنند؟

جواب: از نظر شرع اشکال ندارد، ولی رعایت قوانین کشوری در مورد دفن اموات لازم است.

«سؤال ۳۹۶۲» پدر این جانب قطعه زمینی را که ثلث اموال وی بوده را به عنوان مسجد قرار داده و وصیت کرده که ورثه آن را به مسجد اختصاص دهند، اما در اطراف این مسجد دو مسجد دیگر هم وجود دارد که فاصلهٔ هر کدام کمتر از ۲۰۰ متر است؛ آیا می شود این قطعه زمین را به چیز دیگری غیر از مسجد تبدیل کرد؟

جواب: به وصیت باید عمل شود و وجود مساجد دیگر، موجب ترک عمل به وصیت نیست خانهٔ خدا هر چه بیشتر بهتر.

«سؤال ۳۹۶۳» از پدر این جانب- که روحانی سرشناس بوده- دو وصیت نامه باقی مانده است که در یکی از آنها آمده: «آنچه از مردم طلب دارم بعد از وصول باید به فقرا داده

شود» و در وصیت نامهٔ دیگری آمده: «هر چه پول از هر که طلب دارم بعد از وصول باید به مجتهد داده شود. خدا را فراموش نفرمایید».

بعد از وفات ایشان ۳۴ از طلب های وصول شده بین ورثه تقسیم شده و یک چهارم آن هنوز باقی است و وصول نشده است

علاوه بر این که ورثهٔ ایشان از لحاظ درآمد در حدّ بسیار پایین و مستحقند، لذا درخواست می شود که راه حلّی برای این مسأله تعیین شود که تکلیف طلب های وصول شده و وصول نشده را معیّن فرماید؟

جواب: از وصیت ایشان ظاهر می شود که آنچه از افراد طلب داشته اند طلب شخصی نبوده، بلکه بابت وجوه شرعیه بوده است که باید به مجتهد پرداخت گردد.

بنابراین تقسیم ورثه بیجا بوده است و بالاخره ظاهراً نصف از مطالبات سهم امام و نصف دیگر سهم سادات است؛ نسبت به سهم امام آن اگر ورثه واقعاً نیاز داشته اند نسبت به تصرف آنان اجازه می شود، ولی نسبت به نصف دیگر که سهم سادات است باید ورثه آنها را به سادات فقیر بپردازند تا بری ءالذمه شوند.

«سؤال **۳۹۶۴**» مرحوم مادر این جانب با این که اهل نماز و روزه بوده، اما وصیت کرده که ده سال نماز و روزه برایش قضا کنند و ما تا یاد داریم ایشان اصلًا نماز و روزه شان ترک نشده است؛ آیا اجازه می فرمایید همان مبلغ را صدقه بدهیم؟

جواب: اگر برای مورد وصیت ثلث مال کافی نباشد بنابر احتیاط باید از سهم ارث وارث های غیر صغیر برداشته شود و شما چه می دانید شاید به نظر خودش شبهه ای در کار بوده و باید به وصیت عمل شود.

«سؤال **۳۹۶۵**» به شخصی قبل از این که از دنیا برود گفته می شود که وصیت کن؛ می گوید: فرزند بزرگ من که از اهل علم است و خودش وقوف کامل به مسائل دارد، هر جور صلاح می داند عمل کند؛ آیا این یک نوع وکالت است یا وصیت؟ و آیا پسر بزرگ تر می تواند برای وی خیرات دهد؟

جواب: وکالت بعد از مرگ

معنا ندارد و اگر گفته باشد که پسر بزرگ تر هر طور صلاح می داند عمل کند. پسر بزرگ تر می تواند ثلث مال را برای پدر خیرات بدهد و صحیح است و آن وصیت است نه وکالت.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۵

«سؤال ۳۹۶۶» شخصی وصیت کرده که منزل قدیمی اش به مسجد تبدیل شود، لذا بعد از وفاتش منزل او خراب شده تا به عنوان مسجد ساخته شود، اما شهرداری با عنوان مسجد بودن موافقت نمی کند؛ آیا می توان به اسم ساخت منزل پروانه گرفت و سپس آن را حسینیه یا مسجد کرد؟ لازم به ذکر است که صیغهٔ مسجدیّت روی آن خوانده نشده است؟

جواب: اگر می دانید مقصود از وصیت مسجد قرار دادن عین همان منزل نیست، بلکه مقصود به کار بردن ارزش مالی آن برای مسجد هرچند در جای دیگر بوده است، یا این که هرچند مقصود مسجد قرار دادن عین منزل بوده، ولی به هیچ وجه عمل به آن ممکن نیست، می توانید قیمت منزل را برای ساختن مسجد در محل دیگری مصرف کنید، ولی اگر عمل به وصیت هرچند به طریقی که مرقوم فرموده اید ممکن است باید طبق وصیت عمل کنید و همهٔ ملک مسجد شود و لازم نیست مسجد گنبد و بارگاه و مناره داشته باشد، ممکن است به صورتی شبیه به ساختمان منازل اطراف خود، قابل استفاده برای مراسم دینی و اقامهٔ جماعت باشد.

«سؤال ۳۹۶۷» شخصی در زمان حیات خود بنا داشته زمینی را جهت ساخت مدرسه واگذار کند پس از وفات ایشان ورثه به این امر راضی نیستند، آیا می شود آن را به امر دیگری غیر ساخت مدرسه اختصاص داد؟

جواب: بنا داشتن و قصد و

نیت کردن فرد تا عملی انجام نشده باشد اثر ندارد، ولی اگر وصیت کرده باشد نسبت به ثلث مال نافذ است و باید بدون تغییر و تبدیل عمل شود.

«سؤال ۳۹۶۸» حدود پنجاه سال پیش در یک قطعه زمینی که مساحت آن ۵۰۰ متر بوده کشاورزی می شده، اما از خود آبی نداشته است. موصی به وارث خود وصیت می کند که از خودتان بر روی آن آب بگذارید و یک سوم از درآمد آن را در خانه یا جای دیگر روضه بگیرید. اکنون این زمین و اطراف آن به خانه تبدیل شده است و عملًا کشت و زرعی در آن صورت نمی گیرد و اصلًا محصولی ندارد. با این وصف آیا می توان ثلث زمین را فروخت و به مصرف روضه خوانی رساند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۶

جواب: در فرض سؤال، زمین را به اجاره بدهید و مال الاجاره را به مصرف روضه خوانی برسانید.

«سؤال ۳۹۶۹» شخصی هنگام وفات وصیت می کند که ثلث اموال او را خرج مراسم سوم، هفته، سال و ... کنند، لذا پس از برگزاری مراسم سال از همین یک سوم هم باز مقداری زیاد آمده است؛ آیا می توان مال باقی مانده را برای کمک به فقرای فامیل خودش به مصرف برسانند؟

جواب: اگر منظور موصی این باشد که تمام ثلث مال او را خرج او کنند بقیه را در فرض سؤال باید در هر امر خیری که صلاح بدانند مصرف کنند.

«سؤال ۳۹۷۰» شخصی از دنیا رفته است و از وی سه پسر و هشت دختر باقی مانده است. آن مرحوم در زمان حیات املاکی را بر جای گذاشته، اما ده سال آخر از کار افتاده

بوده و همسر ایشان به خاطر تربیت و سرپرستی فرزندان و پرستاری شوهر زحمات زیادی متحمّل شده و شوهر هم او را به عنوان وصی معیّن کرده است. تمام دختران در زمان حیات آن مرحوم و سپس بعد از فوتش سهم الارث خود را به پسران بخشیده اند و حتی آن را امضا کرده اند و پسران هم پذیرفته اند، ولی فرزند صغیر میّت به علت صغیر بودن هنوز امضا نکرده است. طبق وصیت پدر به فرزند صغیر باید دو برابر دیگر پسران داده شود، اما دو برادر به این امر راضی نیستند. سؤال این است: آیا فرزند صغیر مثل دو برادرش ارث می برد و یا طبق وصیت پدر باید عمل شود؟ و آیا مادر (همسر متوفی) غیر از سهم الارث می تواند چیزی از ماترک بردارد؟ و در آخر این که مخارج دفن و کفن پدر، به عهده کیست؟

جواب: مخارج کفن و دفن در حدّ متعارف از اصل ترکه برداشته می شود و اگر بیش از آن خرج شود بدهی ناشی ازآن بر عهدۀ کسی است که خرج کرده است یا کسی که به درخواست او چنین مخارجی انجام شده است و همسر متوفی نسبت به زحماتی که در حال حیات شوهر کشیده است اگر تبرعاً بوده نمی تواند از ترکه بردارد، ولی اگر چیزی برای خانه از مال خود خریده است و به ملک شوهر درنیاورده است، در ملک او باقی است. نسبت به سهم صغیر، وصیت تنها در حدّ ثلث نافذ است

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۷

و بیش از آن نافذ نیست، ولی نسبت به سهم سایر ورثه اگر وصیت را قبول کرده باشند باید طبق وصیت

عمل شود و طبق ظاهر وصیت مذکور، ماترک باید بین پسران به نحوی که وصی صلاح می داند تقسیم شود و وصی (مادر) بیش از حق الارث خود و نیز حق الزحمهٔ اجرای وصیت را مالک نیست، مگر با هبه و صلح سایر ورثه.

«سؤال ۳۹۷۱» میتی مقداری از املاک خود را به عزاداری اختصاص داده و بقیهٔ آن را ورثه بین خود تقسیم کنند. متأسفانه ورثه ابتدا اموال خود را تقسیم کرده و سپس مازاد را به عزاداری اختصاص داده اند؛ آیا این عمل که منافی وصیت میّت است اشکال شرعی دارد؟

جواب: عمل به وصیت، مقدم بر تقسیم ارث است و اگر خلاف عمل شده باید از نو کلیهٔ ترکهٔ میّت به قیمت روز قیمت گذاری و ثلث آن به مصرف معیّن شده برسد.

«سؤال ۳۹۷۲» شخصی قبل از رفتن به حج در آخرین وصیت نامه اش که ۱۶ سال قبل از وفاتش بوده نوشته: به فرزند اول خود یک دانگ منزل برای این که آن را به قباله همسر خود کند و به فرزند صغیرش نیم دانگ داده شود. بعد از مراجعت از حج، فرزند اول را همسر داده و فرزند صغیر هم در زمان حیات پدر، بزرگ شده است. الآن فرزند اول ۱۵ سال است ازدواج کرده و فرزند صغیر میّت به سن بلوغ رسیده است وظیفهٔ ورثه در قبال تقسیم ارث چگونه است؟

جواب: چون وصیت به نیم دانگ به خاطر صغیر بودن ایشان انجام شده و در حین مرگ پدر، صغیر نبوده اند اعتبار وصیت سابق نسبت به زمان فوت، محرز نیست و وصیت هایی که قبل از سفر حج انجام می شود معمولاً برای بیان تکلیف در فرض مردن در حج

است.

«سؤال ۳۹۷۳» شخصی دارای مادر، خواهر و یک زن است. ایشان وصیت کرده که بعد از وفاتش اموالش وقف مدرسهٔ علمیه باشد؛ آیا وصیت وی نافذ است؟

جواب: در فرض سؤال، دو ثلث مال بین ورثه تقسیم می شود- زن ۱۴ از غیر زمین و بقیه مال مادر است- و یک ثلث را باید طبق وصیت وقف کنند. این تقسیم در صورتی است که زن و مادر به وصیت رضایت ندهند، اما اگر به مفاد وصیت رضایت دهند

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۸

عمل به وصیت اشکال ندارد و همهٔ اموال متعلق به حوزهٔ علمیه است.

«سؤال ۳۹۷۴» شخصی قبل از وفاتش دو وصیت نامه نوشته است که اولین وصیت نامه بدون تاریخ است و طبق شواهد و قرائن پیداست که آن را اول نوشته و دارای امضاست و یک وصیت نامه هم بدون امضا و دارای تاریخ بوده که از شواهد و قرائن پیداست که چند روز قبل از وفاتش نوشته است؛ اما یکی از ورثه که وصیت نامه به نفعش بوده آن را به جای مرحوم امضا کرده و می گوید: مرحوم خودش به من گفت که آن را امضا کنم.

کدام یک از این دو وصیت نافذ است؟

جواب: اگر دو شاهد عادل شهادت دهند یا اطمینان حاصل شود که نوشتهٔ دوم مانند نوشتهٔ اول از سوی متوفی و به عنوان وصیت نوشته شده است هرچند خود او آن را مهر یا امضا نکرده باشد در این صورت اگر بین وصیت دوم با وصیت اول تنافی وجود داشته باشد وصیت دوم در بخشی که با وصیت اول ناسازگار است بر وصیت اول مقدم است و در آنچه با هم تنافی ندارند

هر دوی آنها معتبرند.

«سؤال ۳۹۷۵» پدری از دنیا رفته و دو اولاد صغیر از او باقی مانده است. شخص متوفی زمین کشاورزی و دو فرزندش را به برادرش سپرده و سفارش می کند تا سن بلوغ از فرزندان صغیرش مراقبت و محافظت کند. برادر متوفی به وصیت عمل کرده، اما وقتی فرزندان به سن بلوغ رسیدند اظهار می دارد که برادرش زمین را به وی هبه کرده است؛ آیا این وصیت صحیح بوده؟ و سخن برادر متوفی مبنی بر هبه مسموع است؟

جواب: اگر از طریق شرعی ثابت نشود که ایشان زمین را برای برادرش وصیت کرده است طبق احکام ارث به ورثهٔ او می رسد و اگر وصیت نیز ثابت شود تنها در حدّ ثلث اموال او صحیح است و نسبت به بیش از آن نافذ نیست، مگر فرزندان پس از بلوغ آن را امضا کنند و نیز اگر ثابت شود که وصیت به حبس زمین کرده است، یعنی وصیت کرده که تا زمان بلوغ فرزندان به فروش نرسد، باید به وصیت عمل شود. البته در فرض مذکور، عمو می تواند مخارجی را که بدون قصد مجانیت صرف آنان کرده است از آنان مطالبه کند یا از منافع زمین مذکور بردارد.

«سؤال ۳۹۷۶» شخصی فوت کرده و در وصیت نامهٔ خود یک نفر را ناظر و دیگری را

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۴۹

وصی و شخص ثالثی را ولیّ صغار قرار داده است، اما شخص ناظر قبل از موصی وفات کرده است؛ آیا وصی و ولیّ بدون ناظر مجازند به وظیفهٔ خود عمل کنند؟

جواب: اگر ناظر تنها ناظر بر صحّت و حسن اجرای وصیت باشد و رأی ونظر او هیچ نقشی

در نحوۀ عمل به آن نداشته باشد، موت او موجب عمل نکردن به وصیت یا تأخیر در آن نمی شود و اگر ناظر به عنوان صاحب رأی و نظر بوده که باید در عمل به مفاد وصیت با او مشورت و نظر او را کسب و جلب کرده، در این صورت چنانچه موصی به موت ناظر، علم و توجه داشته است و با این حال ناظر دیگری را تعیین نکرده است، در عمل به وصیت پس از او نیز، وجود ناظر لازم نیست و اگر به موت او علم و توجه نداشته است باید عمل به وصیت وی زیر نظر حاکم شرع جامع الشرایط یا کسی که او تعیین کند، انجام گیرد. گرچه در دو فرض قبل نیز بهتر است عمل به وصیت زیر نظر حاکم شرع مذکور یا وکیل او انجام گیرد.

«سؤال ۳۹۷۷» شخصی وصیت کرده که از ماترک او مبلغی به عنوان خمس پرداخت شود. ورثه به وصی میّت می گویند: سهم هر یک از ما را پرداخت کنید ما خودمان نسبت به سهممان خمس آن را می پردازیم؛ آیا ورثه چنین حقی را دارند؟ و آیا انجام چنین کاری برای وصی جایز است؟

جواب: وصی باید طبق وصیت عمل کند و ورثه حق ممانعت ندارند.

«سؤال ۳۹۷۸» از مرحوم پدرم یک وصیت بر جای مانده و در آن آمده: «مهریۀ عروس ها را رد کرده ام، اما تمام و کمال نبوده است و پنج باب مغازه هم وقف حضرت عباس باشد»؛ ولی وصیت نامه، فاقد امضا، تاریخ و اثر انگشت است. در ضمن یک عدد مغازه ها را قبل از فوتش فروخته است و چیز دیگری غیر از همین چهار مغازه به

ارث گذاشته نشده است. چگونه باید به این وصیت عمل شود؟

جواب: اگر با نشانه های خط و یا چیز دیگر اطمینان داشته باشید که این وصیت از مرحوم پدرتان است باید طبق آن عمل کنید و مهریه ها را هم اگر واقعاً نداده باید از اصل مال داده شود و وصیت پدر نسبت به چهار مغازۀ باقی مانده به اندازۀ ثلث آن نافذ و در مازاد بر ثلث نیازمند اجازۀ ورثه است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۰

«سؤال ۳۹۷۹» شخصی وصیت کرده که: «بعد از فوت، ثلث مالم را خرج تعزیه داری و ادای دیون و خیرات کنند»؛ ولی موقع وصیت، نه خودش و نه شخصی که متصدی انجام وصیت بوده نمی دانستند که ثلث مال او چقدر است. فعلًا که او فوت کرده معلوم شده ثلث مال او خیلی بیشتر از ادای دیون و تعزیه داری است؛ آیا ورثه می توانند اموال را تقسیم کنند بعداً هر کسی خواست برای خیرات چیزی بدهد؟

جواب: عمل به وصیت مقدم بر هر کار است، به خصوص که ادای دیون هم وصیت شده و باید طبق وصیت به همان طور که نوشته شده عمل کنند.

«سؤال ۳۹۸۰» پدرم وصیت می کند: «همه اختیارات ماترک در دست همسرش (مادر این جانب) باشد هر طوری که خواست بین ورّاث تقسیم کند، یا حتی اگر بخواهد به یک نفر بدهد و یا خودش همه را تصرف کند». با توجه به چنین وصیت نامه ای اگر همۀ ورّاث وصیت نامه را امضا و قبول کنند و فقط یکی از ورّاث صغیر باشد؛ آیا بعد از فوت پدر، مادرم می تواند فقط سهم صغیر را به صغیر بدهد و بقیۀ ماترک را خودش

تملك کند؟

جواب: در مفروض سؤال که وصیت را وارثین امضا کرده اند همسر او نسبت به همهٔ مال- غیر از مال صغیر- اختیار دار است و نسبت به سهم صغیر- وصیت- تا مقدار ثلث نافذ است و در صورت نزاع مرجع رسیدگی قاضی شرع است.

«سؤال ۳۹۸۱» اگر یکی از ورثه یا غیر ورثه، مبلغی برای مخارجات میّت بدهد که بعداً در قبال آن از یک سوم مال میّت دریافت کند و میّت چیزی جز ملک و یا زمین ندارد. در موقع فروش ملک و یا زمین، ترقی قیمت در زمین پیدا شده، آیا وی حق دارد که به مقدار زمین و متراژ آن از ورثه پول بگیرد؟ و یا همان مبلغ داده شده را از فروش آن ملک بگیرد؟

جواب: اگر مبلغ مذکور را به عنوان قرض داده است، نمی تواند بیش از آن را مطالبه کند و اگر شرط کرده است که طلب خود را از ثلث اموال میّت بردارد باید طلب خود را از ملک مورد نظر به قیمت فعلی مطالبه کند، ولی اگر مبلغ مذکور را به درخواست وصی و یا همهٔ ورثه صرف امور میّت کرده است به شرط آن که ثلث را تملک کند می تواند ثلث را بدون ملاحظهٔ قیمت، تملک کند.

«سؤال ۳۹۸۲» شخصی در حال سفر به کربلا وصیت کرده که تمامی مایملک من از

منقول و غیر منقول دو حصّه شود یک حصّه اش از خودم باشد و یک حصّه اش را نیز دو قسمت کنید یک قسمت از آن را به دخترم که در حال حیات است داده و یک قسمت دیگر را به فرزندان پسر آن دختری

که فوت شده بدهند. خود موصی در همین سفر کربلا درگذشته است و همسفر او وصیت نامه اش را در وطن به دخترش ابلاغ کرده است. در ابتدا دختر به وصیت پدرش کاملًا راضی شده و قبول کرده و بعد از مدتی وصیت پدر را ردّ و به آن عمل نکرده است؛ آیا کدام یک از این دو مورد میزان شرعی دارد؟ آیا وصیت پدر در اموال نافذ است یا ردّ وصیت توسط این دختر بعد از قبول کردن وصیت پدرش؟

جواب: وصیت تا ثلث مال، صحیح است و نسبت به زاید اجازهٔ ورثه لازم است و پس از اجازه حق برگشت ندارند، مگر این که جاهل به مسأله باشند و گمان کرده باشند وصیت را به هر نحو باشد باید امضا کرد و حق ردّ آن را ندارد که در این صورت بعید نیست پس از آگاهی مختار در اجازه و ردّ باشند.

«سؤال **۳۹۸۳**» شخصی در مرض موت است و بیشتر مایملک خود را به یک وارث خود هبه کرده و شرط می کند که موهوب له بعد از مردن واهب، حج به جا بیاورد و موهوب له بعد از مردن واهب، پس از چندین سال بدون عذر حج به جا نیاورده و از طرفی حج هم به گردن واهب، واجب نبوده و ورثهٔ دیگر هم هبه را فسخ کرده و قبول نکرده اند. موهوب له هم بدون این که حق سایر ورثه را پرداخت کند از دنیا رفته و فعلًا مال موهوب را ورثه های او تصرف کرده اند. آیا به جا آوردن این حج لازم است؟ و اگر لازم باشد چه کسانی آن را به جا آورند؟ و آیا ورثه های واهب که هبه را فسخ

کرده اند در اموال موهوب ذی حقند؟

جواب: اگر موهوب له مالی را که به او هبه کرده انـد در زمان حیات واهب از او تحویل نگرفته باشد هبه صـحیح نیست و اگر تحویل گرفته و به شـرط عمل نکرده بنابر احتیاط ورثهٔ او حج را انجام دهند، مگر این که حج شرط شده زمان مشخصی داشته یا مباشرت موهوب له برای انجام آن در نظر واهب بوده باشد که در آن انجام نگرفته باشد که در این صورت ورثهٔ واهب خیار تخلّف شـرط داشـته و می تواننـد هبه را فسـخ کننـد و مال هبه شده را طبق سـهام شـرعی به ارث ببرند و احتیاطاً حجی برای او انجام دهند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۲

«سؤال ۳۹۸۴» پـدرم در زمان حیاتش چنـدین بار فرمودنـد: «بعد از فوت من بیشتر از پانصد هزار تومان خرج نکنید»، اما بعد از فوت ایشان حـدوداً هفت میلیون تومان خرج کردنـد. وقتی از برادران خود سؤال کردم گفتند که پانصد هزار تومان خرج یک وعده غذا هم نمی شود. در ضمن پدرم به یکی از برادرانم بیش از دویست میلیون تومان و به دیگری صد میلیون و به من فقط یک میلیون بخشیده است. سؤال این است: آیا من باید به خاطر خرج هایی که شده سهم خود را بپردازم؟

جواب: آنچه بیش از مقداری که میّت وصیت کرده است، خرج مراسم او شود بر عهدهٔ کسی است که آن را خرج کرده است یا به دستور او خرج شده است و مقداری را نیز که وصیت کرده است اگر در حدّ ثلث اموال او باشد ابتدا از اموال او برداشته و سپس ارث تقسیم گردد و اگر

بیش از ثلث باشد نیز با قبول ورثه، نافذ و لازم است.

بنابراین در فرض مـذکور اگر محرز نشود که به بیش از ۵۰۰ هزار تومان وصـیت کرده است شما در مورد بیش از آن تکلیفی ندارید.

«سؤال ۳۹۸۵» وصـیت میّت که در یـک سوم اموال او نافـذ است، آیـا فقـط مربوط به اموال موجود زمان مرگ است؟ یا شامل اموالی هم می شود که بعد از مرگ به ملکیت میّت می گردد (مثل طلب ها، کرایهٔ منزل، ثمرهٔ درخت و ... که بعد از مرگ به ملکیت میّت برمی گردد).

جواب: وصیت به نحو مزبور، ثلث مشاع همهٔ اموال مانده از میّت را شامل می گردد؛ بنابراین، مطالبات میّت نیز پس از وصول، جزء مـاترک است و همچنین میـوه هـا و زراعت او که هنوز وقت برداشت آن نرسـیده است در صورتی که تـا وقت برداشت و طبق وصیت، تقسیم نشده باشد محصول آن مانند دیگر نمائات آن از جملهٔ ترکه است.

«سؤال ۳۹۸۶» میّت ده سـال نمـاز و روزه وصـیت کرده است، امـا تمـامی ورثه مایلنـد که پـانزده سال نماز و روزه برای او داده شود؛ آیا پانزده سال نماز داده شود بهتر است و یا مقدار اضافی در امور خیریه مصرف گردد؟

جواب: اگر می دانیـد بیش از مقـدار وصـیت نماز و روزهٔ قضا به ذمّـهٔ میّت نیست، مبلغ بیش از مقـدار وصـیت را با توافق ورثه بهتر است به مصرف خیرات برسانید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۳

مسائل ارث

«سؤال ۳۹۸۷» اگر دختر ۳۵ از ۱۶ ماترک را به ارث ببرد، کل ارث دختر بیش از ۱۲ می شود که در قرآن به طور صریح آمده، که دختر ۱۲ ارث می برد؛ آیا می شود به دختر

بیش از آنچه در قرآن آمده ارث داد یا نه؟ و آیا این مخالف دستور قرآن نیست؟ چون آنچه را که خدا دستور داده ۱۲ از ارث بوده و نه بیشتر.

جواب: در ارث، یک قسمت فریضه است و یک قسمت از باب ردّ پرداخت می گردد اگر از میّت، پدر و مادر و یک دختر باقی باشند فریضه هر کدام از والدین ۱۶ و فریضهٔ دختر نصف مال است طبعاً ۱۶ باقی می ماند که بین آنها به نسبت سهام تقسیم می شود و نام آن «ردّ» است، در نتیجه به هر یک از والدین ۱۵ مال و به دختر ۳۵ می رسد و این از مسلّمات فقه شیعه است.

«سؤال ۳۹۸۸» در رابطه با تقسیم ارث اشاره کرده بودید به «باب ردّ» که یکی از مسلمات شیعه است. مستدعی است توضیحی بفرمایید که از چه هنگام «باب ردّ» در شیعه وارد شده و به چه دلیل؟ و اگر ممکن است کتابی را در این رابطه معرفی کنید.

جواب: تفصیل در نامه نمی گنجد و به طور اجمال وجوب ردّ و باطل بودن تعصیب «۱» از مسلمات فقه شیعه است و احدی از علمای شیعه تعصیب را که مذهب

---

(۱)- تعصیب از ریشه و مادهٔ عصبه است؛ یعنی خویشان مذکر میّت که بی واسطه یا با واسطهٔ مرد بامیّت نسبت داشته باشند. مورد تعصیب جایی است که مال میّت از سهام وارثان زیادتر باشد، اهل سنت می گویند: «زاید بر آن به عصبهٔ میّت داده می شود»، ولی علمای شیعه می گویند: «زاید بر سهام به وارثان صاحب سهم داده می شود». از باب مثال اگر وارث میّت، منحصر به مادر او و یک دختر باشد مال

میّت دوازده قسمت شده، نصف آن به دختر و یک ششم آن به مادر می رسد و ثلث باقی مانده- چهار قسمت دیگر- به نسبت ارث مادر و دختر میّت به آنها داده می شود؛ یعنی سه قسمت مال دختر و یک قسمت مال مادر است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۴

اهل سنت است قبول ندارد. در این رابطه می توانید به باب ۸ از موجبات ارث «وسائل الشیعه» و اوایل کتاب الفرائض از «شرایع الاسلام»، نوشتهٔ محقق حلّی مراجعه کنید که ایشان می فرماید: «فإن کان الوارث ذا فرض أخذ نصیبه، فإن لم یکن معه مساوٍ، کان الردّ علیه ...».

«سؤال ۳۹۸۹» شش برادر با هم شریک و از اموال مساوی برخوردار بوده اند. یکی از برادرها که هیچ زن و فرزندی هم ندارد مدت ۳۰ سال است گمشده و هیچ اثری از او وجود ندارد و احتمالًا فوت کرده باشد؛ آیا پنج برادر دیگر می توانند اموال و سهم او را بین خود تقسیم کنند؟ چون ورثه ای دیگر غیر از این پنج برادر ندارد؟

جواب: تا یقین به مرگ فرد مفقود شده پیدا نکنند باید اموال او را تحت نظر حاکم شرع نگه دارند و اگر یقین به مرگ او پیدا کردند بین ورثه تقسیم کنند.

«سؤال ۳۹۹۰» آیا فرزندان پسر فوت شده از مادر بزرگ و یا پدر بزرگ خود با وجود فرزندان دیگر ارث می برند؟ اگر می برند به چه مقدار؟

جواب: اگر فرزند فوت شده قبل از پدر یا مادر خود از دنیا رفته باشد با وجود فرزند دیگری برای آنها، فرزندان شخص فوت شده از پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود ارث نمی برند. برای تفصیل بیشتر به توضیح المسائل مباحث ارث

مراجعه کنید.

«سؤال ۳۹۹۱» دوستم از من مقداری پول طلب داشت و متأسفانه او فوت کرده و دو نفر عمو به عنوان ورثه دارد و قبل از این که من طلب آن دو عمو را بدهم یکی از آنها فوت کرده و از او یک پسر باقی مانده است؛ آیا بدهکاری خود را به یک عمو و پسرِ عموی فوت شده بدهم؟ و یا فقط به عموی باقی مانده پرداخت کنم؟

جواب: به محض فوت طلبکار، طلب او به ورثهٔ او که دو نفر عمو هستند منتقل شده؛ پس الآن عمو و فرزند برادرش مالک طلبند.

«سؤال ۳۹۹۲» پدرم قبل از فوتش اتومبیل خود و یک باغ را به نام مادرم کرده است.

اعضای خانواده قیمت باغ را ۶۰ میلیون تومان تخمین می زنند. در ضمن یک مغازه، یک منزل و ۱۷ میلیون تومان پول از او باقی مانده که دو دانگ از منزل را به مادر و دو دانگ دیگر را به یکی از برادرانم بخشیده است و مادرم ادّعا می کند: پدرتان ۶ میلیون از آن را

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۵

در بیمارستان به من بخشیده است و احتمال این که مادرمان دروغ بگوید زیاد است.

چگونه این اموال را تقسیم کنیم؟

جواب: هبهٔ ایشان در صورتی صحیح است که در حال حیات تحویل داده شده باشد و اگر تحویل نداده است اثری ندارد. البته سزاوار است ورثه با رضایت خود مبلغی را به مادر بدهند خصوصاً اگر بدانند پدر چنین قصدی داشته است و اگر منظور پدر نیز وصیت بوده، چنانچه اثبات شود که چنین وصیتی کرده است و مجموع وصیت او در حدّ ثلث اموال او بوده باید به آن

عمل شود و زاید بر ثلث با اذن همهٔ ورثه صحیح است و در هر صورت در هر دو مسأله در مورد نزاع شخصی، باید به حاکم شرع جامع الشرایط رجوع شود.

«سؤال ۳۹۹۳» چرا از ناحیهٔ پدر بزرگ و مادر بزرگ به نوه های صغیری که پدر و مادرشان زودتر فوت کرده است ارث تعلق نمی گیرد؟ در حالی که کمک به ایتام مورد سفارش شدید قرآن و احادیث است؛ آیا معیار در ارث، فقر ورثه و یا قرب به میّت است؟ در کجای قرآن چنین حکمی وارد شده است؟

جواب: معیار در ارث، فقر ورثه نیست، بلکه قرب به میّت است و ولد به میّت اقرب از ولد ولد است، اخبار وارده بر این معنا دلالت دارند و آیهٔ شریفه: «وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللّهِ»* نیز دلالت دارد.

«سؤال ۳۹۹۴» شخصی به یکی از ورّاث خود وصیتی مازاد بر ثلث کرده و وارث هم وصیت را قبول کرده است، اما متأسفانه آن وارث قبل از این که به وصیت عمل کند از دنیا رفته است و حالا نوبت وراث طبقه دوم رسیده که آنها آن وصیت زاید بر ثلث را قبول ندارند؛ آیا مال مورد وصیت به طبقهٔ دوم وراث می رسد؟

جواب: اگر وارث طبقهٔ اول که وصیت را قبول کرده بعد از فوت موصی از دنیا رفته است قبول او نافذ است و از ترکه میّت به مقدار وصیت وی به طبقهٔ دوم ورثه منتقل نمی شود.

«سؤال ۳۹۹۵» اگر شخصی تنها وارثش زوجه باشد و حق شفعه ای به ارث گذارد و امام المسلمین نخواهد سه چهارم خود را اجرا کند؛ آیا زن می تواند تمام حق را اجرا کند،

یعنی ۳۴ را به ارث ببرد؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۶

جواب: چون اخذ به شفعه خلاف قاعده است، ارث بردن آن محل خلاف بوده و روایات در آن متعارض است و تفصیل در نامه نمی گنجد.

«سؤال ۳۹۹۶» آیا استثنای وارده بر آیهٔ «أُولُوا الْأَرْحامِ»* در خصوص کیفیت توریث بین پسر عموی ابوینی و پسر عموی ابی را قابل سرایت به عمهٔ ابی و یا به طور کلی سایر شقوقی که ذکر فرموده اند می دانید؟

جواب: آیهٔ شریفهٔ مذکور مربوط به ارث است و در مواردی که حکم به تقدیم برخی از خویشان شده، مانند تقدیم برادر ابوینی بر ابی یا تقدیم ابن عم ابوینی بر عمّ ابی در حقیقت شارع مقدس تبیین مصداق «اولی» در آیه را کرده است و ما طبعاً از باب تعبّد باید عمل کنیم و تفصیل در نامه نمی گنجد.

«سؤال ۳۹۹۷» شخصی پدر آبرومندش را در ملأ عام دوبار کتک زده است. پدرش از این غصه و ناراحتی فوت کرده است؛ آیا این فرزند از پدر ارث می برد؟

جواب: اگر مرگ پدر صد در صد مستند به پسر نیست پسر ارث می برد.

«سؤال ۳۹۹۸» شخصی در اول جنگ با کمونیست ها در افغانستان دستگیر می شود و چند ماه بعد یکی از دختران وی فوت می کند. اکنون از شخص دستگیر شده خبری نیست؛ آیا دختر از پدر ارث می برد یا پدر از دختر ارث می برد؟ در ضمن همسر وی نیز ازدواج کرده، آیا ازدواجش صحیح است؟

جواب: تا یقین به فوت آن فرد دستگیر شده پیدا نکنند باید او را زنده به حساب آورند. بنابراین اگر تا موقع فوت دختر، یقین به مرگ پدر حاصل نشده باشد پدر وارث

دختر است و باید اموالش حفظ شود و زن هم اگر یقین به مرگ شوهر حاصل کرده ازدواجش صحیح است والّا خیر.

«سؤال ۳۹۹۹» این جانب ۵ پسر و ۴ دختر دارم که به درخواست برادر خانمم یک فرزند دختر و یک فرزند پسر خود را به آنها دادم تا آنها که بچه ای نداشتند آن دو را بزرگ کنند.

اکنون برادر خانمم و همسرش (دایی و زن دایی دو بچه) فوت کرده اند، آیا فرزندان من که بزرگ شدهٔ آنهایند، از آنان ارث می برند؟ در ضمن آنها برای فرزند دختر من شناسنامه به اسم خود گرفته اند؛ آیا این دو فرزند از من هم ارث می برند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۷

جواب: فرزند از پدر و مادر واقعی خود ارث می برد و سرپرست بودن و اسم در شناسنامه نوشتن اثری ندارد. چنانچه محرمیّت هم تابع فرزند واقعی است و اگر دایی بخواهد مالی به آن دو فرزند برسد باید در حیات خود به آنها ردّ کند و یا وصیت کند از ثلث ترکه به آنها بدهند.

«سؤال ۴۰۰۰» در سال ۱۳۷۱ به ایثارگران در صورت تمایل، یک حلقهٔ چاه واگذار می کردند که این جانب با توجه به آزاده بودن و برادرم به خاطر جانبازی و پدرم به عنوان پدر شهید به همراه چند نفر دیگر از درخواست کنندگان مجوز یک حلقه چاه بودیم و موفق به اخذ مجوز شدیم، اما پس از انصراف پدر و عدم تمایل برادران، این جانب سهم پدر را با رضایت و به صورت توافقی به همراه تمام هزینه ها پرداخت کردم. پدرمان در سال ۷۸ مرحوم شدند. الآن که چاه مذکور با مخارج زیاد دارای ارزش شده، برادران و

خواهران آن را جزء ارث پـدری دانسـته و مـدّعی تقسـیم سـهم پدرنـد، لذا با عنایت به این که در این مدت این جانب متحمل مخارج زیادی شده ام تکلیف شرعی را بیان فرمایید، آیا این جزء ارث قرار دارد؟

جواب: چاه، ملـک کسـانی است که مخـارج آن را پرداخته انـد و حق حفر چـاه و مجوز آن گرچه مـالیت دارد و پـدر در آن شریک بوده و قابل ارث است، ولی با فرض اثبات اعراض عملی یا قولی پدر از آن، موضوعی برای ارث باقی نمی ماند.

«سؤال ۴۰۰۱» خانمی فوت کرده و پنجاه عدد سکهٔ بهار آزادی مهریه اش در ذمّهٔ شوهرش به همراه جهیزیه ای که پدر برای او خریـده است و مقـداری طلاـ و زیور آلاـت از او باقی مانـده است و دلیلی بر این که شوهر مهریـهٔ وی را پرداخت کرده وجود نـدارد؛ چـون قطعه زمینی بوده که هنوز به اسم او نشـده است؛ آیـا علاـوه بر اموال شخصـی، ورثـهٔ او از مهریـهٔ او هم ارث می برند؟ و چه کسانی ارث می برند؟

جـواب: هر سه مورد جزء ترکـهٔ آن مرحومه است و بایـد بین ورثه طبق قـانون ارث اسـلامی تقسـیم شود، مگر این که دلیلی بر خلاف آن ثابت شود و در مفروض سؤال، هم پدر و مادر و هم شوهر و فرزند به دنیا آمده ارث می برند. پدر و مادر هر کدام ۱۶ و شوهر ۱۴ و بقیه مال فرزند است.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۸

«سؤال ۴۰۰۲» شخصـی وصـیت می کنـد که تمـام مایملکش را به تنها فرزنـدش بدهنـد، اما پس از یک ماه از فوت وی فرزند دیگرش به دنیا می آید؛ آیا وصیت وی نسبت به فرزند اولش نافذ است؟

جواب: وصیت

موصی نسبت به ثلث نافذ است و دو ثلث باقی مانده متعلق به همهٔ ورثه است؛ حتی بچه ای که بعداً به دنیا می آید که هر کدام سهم خود را طبق قانون ارث اسلامی می برند.

«سؤال ۴۰۰۳» قطعه زمینی در سال ۱۳۶۴ شمسی بین وارثین تقسیم و سهم هر کدام مشخص شده و بر همان اساس، تقسیم نامه تنظیم و به امضای همهٔ چهار برادر رسیده است. سال بعد یکی از وارثین مقداری از سهم خود را فروخته و قسمتی را به فرزندان خود مصالحه کرده است. اکنون که تصمیم به ثبت ملک گرفته شده، مشخص گردیده که مقداری از جلوی زمین در حریم جاده قرار گرفته و دو قطعه زمین که قبلًا در ردیف دوم قرار داشته اکنون در نبش قرار گرفته است و تعدادی از وارثین اصرار بر تقسیم مجدد آن داشته و اظهار می دارند چون در ملک تصرف صورت نگرفته و برخی از قطعه ها مرغوب تر شده قابل برگشت است. عمل به تقسیم سال ۱۳۶۴ که آن زمان مورد توافق همه بوده است چه حکمی دارد؟ و آیا نیاز به تقسیم مجدد از لحاظ شرعی دارد؟ قطعه زمین هایی که فروخته و یا واگذار شده در صورت تقسیم مجدد چه حکمی دارند؟

جواب: در فرض مذکور که همهٔ شرکا تقسیم مذکور را قبول کرده اند بعداً هیچ کدام نمی توانند تقسیم را به هم بزنند، مگر آن که ثابت شود تقسیم اشتباه بوده و مثلًا در همان زمان تقسیم، قسمتی از ملک در حریم جاده و غیر قابل استفاده بوده است و در صورتی که اشتباه ثابت شود، باید براساس قرعه با رضایت همهٔ اطراف مجدّداً تقسیم صورت بگیرد و

معاملاتی که قبلًا یکی از شرکا روی قسمتی از ملک انجام داده است اگر آن قسمت از ملک، سهم شریک دیگری گردیده، فضول و غیر نافذ است و صحت آن تابع اجازهٔ مالک است و در صورت نزاع باید به قاضی جامع الشرایط رجوع شود تا فصل خصومت کند.

«سؤال ۴۰۰۴» آیا کسی می تواند فرزند یا برخی از فرزندانش را از ارث محروم کند؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۵۹

جواب: محروم کردن وارث از ارث صحیح نیست و وارث سهم خود را طلبکار است. البته اگر منظور این است که ماترک به سایر ورّاث داده شود وصیت محسوب می شود و همراه با سایر اقلام وصیت تا ثلث نافذ است، ولی دو ثلث از ماترک باید بین همهٔ ورّاث تقسیم شود.

«سؤال ۴۰۰۵» آقایی ازدواج کرده و ثمرهٔ این ازدواج یک پسر بوده است. متأسفانه بعد از مدتی این ازدواج به طلاق منجر شده و پسر به اروپا سفر می کند. اکنون که پدر فوت کرده خبر مرگ فرزند هم رسیده است. زن ادّعا می کند که وارث تمام اموال آن دو است؛ چون با فوت پدر به پسر منتقل شده و سپس به مادرش رسیده است، اما متأسفانه تاریخ فوت فرزند معلوم نیست و احتمالًا قبل از پدر فوت کرده باشد. لطفاً بفرمایید تقسیم ارث چگونه می باشد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر تاریخ مردن پدر فقط معلوم است، به مقتضای استصحاب حیات پسر تا آن تاریخ، ارث به پسر می رسد و از او به مادرش منتقل شده است و اگر تاریخ مردن هیچ کدام معلوم نیست پدر و پسر هر دو از یکدیگر ارث می برند؛ بدین گونه که مال پدر به

پسـر منتقل شده و از او به مادرش و اگر پسر غیر از این ارث مالی داشته است به پدر و مادرش منتقل شده است، نظیر آنچه در میراث غرقی و مهدوم علیه با جهل به تاریخ وفات آنها وارد شده است.

«سؤال ۴۰۰۶» شخصی فوت کرده و از وی سه پسر و مقداری اموال منقول و غیر منقول باقی مانده است. دو پسر بزرگ تر ادّعا می کننـد: پـدر، برادر سـوم را از خـودش نفی کرده است مبنی بر این که مادرشـان بـا شـخص دیگری غیر از شوهرش ارتبـاط نامشـروع داشـته و پس از یک سال که پسـر هم به دنیا آمده شوهر اول متوجه ارتباط نامشروع شده و زن را طلاق داده و زن با شوهر دوم ازدواج می کند و از آن مرد سه پسر به دنیا می آورد که همهٔ آنها شبیه همین فرزند سوم شوهر اولند. شوهر اول هم نفی ولد و یا لعان نکرده است، لطفاً تقسیم ارث را نسبت به فرزندان شوهر اول بیان فرمایید؟

جواب: در مفروض سؤال، پسـر سوم نیز شرعاً ملحق به شخص متوفی و فرزند وی محسوب بوده و در ارث پدر شریک است و در صورت عدم ثبوت زنای مادر با

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۰

شخص ثالث، ازدواج او با شـخص ثالث محکوم به صّحت است، ولی اگر مادر خودش می داند که زنا واقع شده ازدواج او با زانی صحیح نیست و باید جدا شود.

«سؤال ۴۰۰۷» بیست سال پیش اموال شخصـی که از دنیا رفته بود بین ورثهٔ آن مرحوم که همگی بالغ بودند تقسیم گردید و به امضای ورّاث رسید. در زمان این تقسیم نامه یکی از

دخترهـای آن مرحوم ازدواج نکرده بود، لـذا بـدون این که ذکری از جهیزیه به میان بیایـد دو قطعه زمین کوچک به وی تعلق گرفت مشـروط بر این که ده هزار تومان به بقیـهٔ ورثه پرداخت کنـد. پس از چندی بعضـی از ورّاث کمک کرده و مقداری از جهیزیه را تهیه کردند. اکنون که بیست سال از تقسـیم ارث گذشته، برخی از ورثه یک قطعه زمین از زمین های وی را تصرف کرده انـد بـا این اسـتدلال که «ما دو قطعه زمین به تو دادیم که خودت جهیزیه تهیه کنی و حالا که جهیزیه ات را ما تهیه کرده ایـم، یـک قطعـه زمین از مـاست، علاـوه بر این که آن ده هزار تومـان سـابق را هنـوز پرداخت نکرده ای»؛ امـا دخـتر به این امر رضایت نداده و می گوید: «جهیزیه را به قیمت روز به شـما باز پس می دهم، اما زمین از خودم باشد». لطفاً نظر شرع مقدس را در این خصوص بیان فرمایید؟

جواب: چنانچه در فرض مـذکور، سایر ورثه مازاد بر سـهم الارث دختر کوچک تر را به او بخشـیده انـد و زمین مذکور نیز در اختیار او قرار گرفته باشـد آن زمین مانند مقداری که در مقابل مبلغی به او تملیک کرده اند ملک او خواهد شد و چنانچه بعداً برای او جهیزیه بخرنـد نمی تواننـد بـدون اجـازهٔ او زمین را عوض آن تملّـک کننـد هرچنـد انگیزهٔ آنـان از هبـهٔ مـذکور تأمین جهیزیهٔ او بوده است، مگر آن که ثابت شود بخشش آنان مشروط به شرطی بوده است که در این صورت پس از تخلف شرط، حق فسخ هبه را دارند و در هر صورت چنانچه جهیزیه را به درخواست صریح یا ضمنی او بدونِ قصد مجانیت خریده اند

پول آن را از او طلبکارند و بنابر احتیاط واجب او باید به میزان ارزش فعلی با آنان مصالحه کند و همچنین ده هزار تومانی را که به سایر ورثه بدهکار است، اگر در پرداخت آن کوتاهی کرده، احتیاطاً به ارزش فعلی با آنان مصالحه کند و بهتر، بلکه احتیاط آن است که در اصل مسأله نیز با آنان مصالحه کند و در صورت نزاع در مسألهٔ شخصی باید به قاضی جامع الشرایط رجوع شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۱

«سؤال ۴۰۰۸» شخصی در سال ۱۳۶۷ بنا به گفته ارتش مفقودالاثر شده و پدرش در سال ۷۲ فوت کرده است. سال ۷۵ بنیاد شهید اعلام کرده که همهٔ مفقودالاثرها را شهید اعلام کنید؛ آیا این شهید از پدرش ارث می برد یا خیر؟ و آیا مادر و برادرش از شهید ارث می برند؟

جواب: تا موقعی که مرگ کسی حتمی و یقینی نشده باید او را زنده حساب کنند و ورّاث او از او ارث نمی برند و خود او از پدر و مادر اگر قبل از یقینی شدن فوت او فوت شده باشند ارث می برد.

«سؤال ۴۰۰۹» همسر این جانب سال گذشته فوت کرده که قسمتی از ماترکش کارخانه آجر فشاری است که در آن معدنی جهت تأمین خاک مخصوص آجر وجود دارد، لکن در حال حاضر خاک مخصوص آن تمام شده است؛ آیا در تقسیم ماترک برای این جانب از معدن سهمی وجود دارد؟

جواب: اولًا: با فرض تمام شدن خاک مخصوص، معدن ارزش ندارد و ثانیاً: معدن در حکم زمین بوده و ارث بردن زن از زمین محل اشکال است، ولی با داشتن اولاد از شوهر بنابر احتیاط زن را راضی

كنند.

«سؤال ۴۰۱۰» پدری دارای دو پسر و یک دختر بوده. پسر ارشد این شخص با این که دارای زن و فرزند بوده هم چنان با پدر زندگی کرده و در کارهای کشاورزی و فعالیت های دیگر به پدر کمك می کرده و پسر کوچك تر به مقتضی سن کم در فعالیت های کشاورزی حضور مؤثری نداشته است. بعد از فوت پدر به خاطر صمیمیتی که بین دو برادر بوده هیچ گونه تقسیم ملکی صورت نگرفته و پسر ارشد در طی چندین سال به کشت و زرع در آن زمین ها ادامه داده و حتی زمین آباد نشدهٔ او را آباد کرده است.

تا این که بعد از فوت پسر ارشد، تعدادی از ورثهٔ وی ادّعای شراکت پدرشان را با پدر بزرگشان کرده و می گویند: چون پدر ما با پدرش زندگی کرده و در خانهٔ او بوده و با او کشاورزی می کرده، لذا املاك او ابتدائاً باید به صورت شراکتی با پدر تقسیم شود. تقسیم اراضی به چه نحو است؟ و آیا ادّعای شراکت مسموع است؟

جواب: شریک بودن پسر با پدر مشروط بر این است که پسر مجاناً برای پدر کار

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۲

نکرده باشد و بین آنان هم قراردادی منعقد شده باشد که سهم هر یک چقدر باشد یا مرسوم باشد در محل که در چنین مواردی حق پسر چقدر و حق پدر چقدر است و زمینی که در زمان حیات پدر آباد نشده متعلق به همهٔ ورثه بوده و پسر ارشد بدون اجازه از سایر ورثه حق نداشته است در آن تصرف کند. بالاخره هر چه را پدر تا موقع مرگ مالك بوده متعلق به همهٔ ورثه است،

زمین باشد یا خانه یا هر چیز دیگر.

«سؤال ۴۰۱۱» شخصی در اثر تصادف فوت کرده است و بنده مدت یک سال تلاش کردم تا دیهٔ آن مرحوم را گرفته، اما هنوز نتوانسته ام به ورثه پرداخت کنم؛ آیا می توانم حق الزحمهٔ خود را از روی دیه برداشت کنم؟

جواب: دیه متعلق به ورثهٔ آن مرحوم است و باید هر چه زودتر تحویل آنها شود و اگر با اجازهٔ همهٔ آنها در اختیار شما باشد باید طبق دستور آنها عمل کنید.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۳

مسائل قضاوت

شرایط و صفات قاضی

« سؤال ۴۰۱۲» شرایط حاکم شرع واجد الشرایط از نظر شرع کدام است؟ آیا یک قاضی دادگاه عمومی حاکم شرع واجد الشرایط محسوب می شود؟

جواب: قاضی- علاوه بر بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، مرد بودن، طهارت مولد و بنابر احتیاط واجب مجتهد بودن، بلکه بنابر احتیاط اعلم بلد یا منصوب بودن از طرف اعلم- باید رشید نیز باشد، یعنی بتواند با کارشناسی و ادراک صحیح از موضوعات و شرایط و اوضاع موجود و لحاظ مصالح و مفاسد معقول و مقبول، حکم شرعی را صادر کند، و در این صورت او حاکم شرع محسوب است.

«سؤال ۴۰۱۳» آیا قاضی غیر شیعه می تواند برای شیعیان حکم صادر کند؟

جواب: قضاوت قاضی غیر شیعی برای شیعه نافذ نیست، ولی اگر در مورد خاصی استنقاذ حق شیعی جز از راه قضاوت غیر شیعی ممکن نباشد بعید نیست مانعی نداشته باشد.

«سؤال ۴۰۱۴» آیا مجتهد جامع الشرایط می تواند اختیار صدور حکم راجع به حدود را به شخص غیر مجتهد واگذار کند؟ و آیا اقرار به جرمی که موجب حدّ است نزد حاکم غیر مجتهد حدّ را ثابت می کند؟

جواب: قال امیر المؤمنین علیه السلام لشریح:

«یا

شریح قد جلست مجلساً لایجلسه إلّا نبیّ أو وصیّ نبیّ أو شقیّ».

«۱» به نظر این جانب قاضی و از جمله قاضی در حدود باید مجتهد عادل باشد و

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۷، ابواب صفات قاضی، باب ۳، ح ۲.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۴

تفویض آن به غیر مجتهد عادل و شهادت و اقرار نزد غیر او اعتبار ندارد و ما قول نداده ایم که هر چه گناه انجام می شود قطعاً باید بر مرتکب آن حدّ جاری شود. از هزار مورد یکی هم ثابت شود و حدّ جاری گردد برای عبرت دیگران کافی است. ضمناً برای تفصیل بیشتر مسأله می توانید به جلد دوم دراسات فی ولایه الفقیه صفحهٔ ۱۵۳ به بعد مراجعه فرمایید.

«سؤال ۴۰۱۵» در دادگاه ها رشد اشخاص باید توسط دادگاه احراز شود با این استدلال که «واگذاری تشخیص امر به ولیّ طفل ممکن است موجب ضررهای غیر قابل جبرانی به طفل شود» و از سوی دیگر تراکم پرونده ها در دادگاه ها و نیز تعداد افرادی که نیاز به احراز رشد دارند موجب عسر و حرج برای طرفین (دادگاه و طفل) می شود، برای رفع این مشکل، آیا می توان مثلًا ۱۸ سالگی را امارهٔ رشد قرار داد؟ به این معنا که رسیدن به این سن به معنای رشید بودن شخص فرض شود؟

جواب: رشد بچه باید احراز شود و در مورد شک، استصحاب عدم رشد جاری است.

«سؤال ۴۰۱۶» هرگاه شخصی مرتکب جرمی که مجازات آن اجرای حدّ است بشود و برای قاضی محرز گردد که وی به سبب اشتغال به شغل و یا حرفهٔ معیّن و یا اقامت در محل های معیّن، احتمال ارتکاب مجدّد وی به همان

جرم زیاد باشد؛ آیا قاضی می تواند او را علاوه بر اجرای حدّ به منع از اشتغال و یا حرفۀ معیّن محکوم کند؟ حکم مسأله نسبت به جرائم مستلزم قصاص نفس و یا قصاص عضو و موارد دیگر چگونه است؟

جواب: جلوگیری از جرم و جنایت از مهمترین وظایف و شؤون حاکمیت مشروع است و چنانچه این امر منحصراً متوقف بر تحدید حقوق بعضی افراد باشد حاکمیت صالح می تواند به طور موقت و با اکتفا به قدر ضرورت، پس از ملاحظۀ کارشناسان بی طرف و متدین و تمام ملاحظات عقلایی از جمله در نظر گرفتن آثار و تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی آن، اقدام به تحدید حقوق افراد کند و این حکم در مورد جرائم مستلزم قصاص واضح تر است، زیرا عنوان دفاع از امنیت جامعه را نیز پیدا می کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۵

خطای قاضی

«سؤال ۴۰۱۷» اگر آمر و مأمور قانون هر دو در اجرای امری اشتباه کرده و بر آن اصرار ورزند و هر دو هم جاهل به غیر قانونی بودن آن باشند، آیا پرداخت دیه و یا ضمان مالی از بیت المال مخالف موازین شرع است؟ در هر صورت حدود مسؤولیت کیفری و مدنی هر کدام را بیان فرمایید؟

جواب: ظاهراً در فرض مذکور که آمر و مأمور هر دو جاهلند و در جهل خود قاصر و معذورند، ضمان بر بیت المال است.

«سؤال ۴۰۱۸» اگر مرجعی حکم به مهدورالدم بودن شخصی دهد و ما آن حکم را عادلانه ندانیم؛ آیا نباید به آن حکم عمل شود؟ یا این که باید بگوییم آن مرجعی که چنین حکمی داده لابد به وظیفۀ شرعیش عمل کرده و اطاعت امرش واجب است؟

جواب: اگر

کسی به خطای حاکم شرع در تشخیص موضوع یا خود حکم یقین کرد و یا در موارد دماء احتمال چنین خطایی را بدهد شرعاً نمی تواند حکم وی را در این زمینه اجرا کند.

«سؤال ۴۰۱۹» هرگاه آمر قانون به غیر قانونی بودن امر خویش علم داشته و لکن مأمور اجرای حکم جاهل به آن باشد و جهل و اشتباه او قابل قبول باشد؛ آیا الزام مأمور جاهل به پرداخت دیه و یا ضمان مالی خلاف موازین شرعی است به جهت این که در این فرض، سبب اقوا از مباشر است؟ و آیا می توان مأمور را مبرا از مسؤولیت کیفری و مدنی دانست؟

جواب: صرف جهل یا مأمور بودن، رافع ضمان نیست؛ ولی چنانچه دستور و رأی آمر برای مأمور حجّت شرعیه محسوب می شده است ظاهراً ضمان بر آمری است که عالم به غیر شرعی بودن عمل است، همان طور که اگر مأمور جاهل به آثار مترتبه بر عمل خود بوده است و آمر عالم بوده است، ظاهراً عمل، مستند به آمر عالم است نه به مأمور جاهل و در هر صورت با فرض جهل قصوری، کیفر ثابت نیست.

«سؤال ۴۰۲۰» شخصی در یک مشاجره به قتل رسیده و قاتل فرار کرده است. پس از

چندی فردی خود را به عنوان قاتل معرفی کرده و دادگاه حکم قتل وی را صادر و سپس اعدام شده است. پس از اعدام وی شخص دیگری ادّعا می کند که کسی که اعدام شده قاتل نبوده و خود وی قاتل است. لطفاً بفرمایید آیا قاضی مقصر است؟ و آیا عمل قاتل معدوم انتحاری بوده؟ و آیا نفر دوم باید دیه

بدهد یا اعدام شود؟

جواب: قاضـی حکم اول تقصـیر نـدارد و ضامن هم نیست و اگر شـرعاً ثابت شود که دومی قاتل است حکم قصاص یا دیه در مورد او جاری است.

مسائل اقرار و شهادت

«سؤال ۴۰۲۱» در جرائم تعزیری آیـا شـهادت زنـان در محـاکم مـورد قبول است؟ و حـدّ نصـاب شـهادت زنـان در اثبـات جرم تعزیری باید به چه تعداد باشد؟

جواب: تعزیرات، مانند حدودند و در حدود جز در موارد خاصه شهادت زنان پذیرفته نیست.

«سؤال ۴۰۲۲» با توجه به این که شـهادت و قسم به عنوان یکی از ادلّـۀ اثبات غیر قابل انکار مطرح بوده، آیا شـنیدن شـهادت و قسم نزد قاضـی صادر کننـدۀ رأی موضوعیت داشـته یا از باب تحصـیل علم و یقین برای قاضـی صادر کنندۀ رأی است؟ و اگر موضوعیت داشته حضرت عالی چه راهکاری را پیشنهاد می فرمایید؟

جواب: قسـمی که مسقط حق و دعواست، قسمی است که به قسم دادن خود قاضی انجام شود. در مورد شهادت در امور مالی، شهادت بر شـهادت نافـذ است در صورتی که دو نفر عادل به شـهادت شاهـد اصل شـهادت دهنـد؛ ولی در حدود، شـهادت بر شهادت نافذ نیست و باید شاهدها نزد خود حاکم و قاضی شهادت دهند.

«سؤال ۴۰۲۳» اگر بنا باشد که هرگاه چهار نفر جمع شده و شهادت به زنای شخصی بدهند و قاضی هم حکم به رجم کند، آیا این مسأله ظالمانه نیست؟

جواب: آنچه قابل توجه می باشـد این است که شـرایط شـرعی اثبات حـدّ زنا- اعم از محصن و غیر محصن- آن قدر سـخت و دقیق است که انسـان مطمئن می شود هـدف شـارع مقـدس، حفـظ عفت عمومی جـامعه و توجه دادن افراد به اهمیت این گناه بوده

رساله

استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۷

است نه این که می خواسته است به سرعت این حدّ اجرا شود و لذا شرایط آن را سخت و دقیق مقرر کرده است به نحوی که به ندرت همهٔ آن شرایط جمع می شوند، مثلًا از جملهٔ شرایط آن در مورد ثبوت زنا با بیّنه، رؤیت عمل زنا (کالمیل فی المکحله) توسط چهار مرد عادل است و نه اطلاع آنان از این عمل از راه های دیگر و در مورد ثبوت آن با چهار مرتبه اقرار، باید اقرار در حالی طبیعی، بدون ترس، اکراه و امثال آن و در حضور قاضی شرع جامع الشرایط بوده و در زندان نباشد. بدیهی است چنین شرایطی بسیار نادر خواهد بود.

در مورد رجم اگر با اقرار با شرایطی که ذکر شد ثابت شود، زانی و زانیه باید بتوانند در حال رجم فرار کنند و اگر فرار کردند نباید تعقیب شوند. لذا در جریان «ماعز بن مالک» که با اقرار او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زنای محصنه اش ثابت شد، هرچند آن حضرت مایل نبودند اثبات شود و از این رو پس از هر اقراری روی خود را به طرف دیگر بر می گرداندند تا شاید او از ادامهٔ اقرار منصرف شود، «ماعز» هنگام اجرای حدّ فرار کرد و شخصی در بین راه به او حمله کرد و سرانجام مردم او را گرفتند و کشتند. هنگامی که خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید بسیار ناراحت شدند و فرمودند: چرا او را رها نکردید؟

و سپس فرمودند: اگر او گناه خود را ظاهر نمی کرد و توبه می کرد برای او بهتر بود و آنگاه

دیه او را از بیت المال پرداخت کردند. «۱»

«سؤال ۴۰۲۴» کسی در سن کودکی چیزی را دیده و در سن بزرگ سالی شهادت به آن می دهد؛ آیا چنین شهادتی صحیح است یا نه؟

جواب: چنانچه هنگام مشاهدهٔ آن چیز، ممیّز بوده باشد شهادتش دربارهٔ آن در زمان بلوغ با دارا بودن سایر شرایط پذیرفته است.

«سؤال ۴۰۲۵» اگر کسی با فریب کاری و رشوه، سند ملکی را به نام شخصی زده و آن را ثبت کرده باشد و سپس خودش در دادگاه اعتراف به عمل خود کند؛ آیا اعتراف او کافی و صحیح است؟ و برای ثابت شدن مالکیتِ مالک اصلی، آیا گواهی دو شاهد کافی است؟

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۱۰۰، ابواب حدّ زنا، باب ۱۵.

جواب: برای اثبات مالکیت مالک، نیاز به شهادت دو شاهد عادل و یا اعتراف خود غاصب لازم است.

«سؤال ۴۰۲۶» آیا شهادت دو زن به تنهایی می تواند مثبت ادّعایی مبنی بر ثبوت رابطهٔ زوجیت تلقی گردد؟

جواب: در صورت اختلاف و نزاع در اصل تحقق نکاح، شهادت دو زن فقط برای اثبات آن کافی نیست، مگر این که حاکم شرع یقین پیدا کرده و بر حسب علم خود حکم کند.

«سؤال ۴۰۲۷» شخصی نخست به نفع یک طرف شهادت می دهد، و نام او در فیصلهٔ شرعی ذکر شده است و طبق شهادت او فیصلهٔ شرعی نوشته می شود. اکنون بعد از بیست و پنج سال می گوید که شهادت قبلی من دروغ بوده و می خواهد به نفع طرف مقابل شهادت دهد. آیا چنین شخصی از نظر شرعی «عادل» شمرده می شود، و شهادت بعدی او- به نفع طرف مقابل- پذیرفته است یا خیر؟

جواب:

مجرد رجوع شاهد و ادّعای کذب در شهادتش، تا وقتی که این مطلب برای محکمهٔ صالحه ثابت نگردیده باعث باطل گردیدن فیصلهٔ شرعی اوّل نمی گردد.

بله، اگر شاهد معتقد است که در شهادت اوّل دروغ گفته، بر طبق عقیدهٔ خود باید خساراتی را که به واسطهٔ شهادتش به طرف مقابل وارد گردیده است جبران نماید. اما اگر برای حاکم شرع به طریقی غیر از اقرار شاهد ثابت گردد که وی هنگام شهادت اوّل دروغ گفته است، حکم اوّل نقض گشته و وی تعزیر می گردد؛ و در این صورت اگر چیزی که بر آن شهادت داده است باقی باشد به صاحبش برگردانده می شود و اگر تلف شده باشد شاهد باید خسارت وارده به صاحبش را جبران نماید و شهادت چنین فردی در موارد دیگر مورد قبول نخواهد بود؛ مگر این که توبه نموده و خود را اصلاح نماید و عدالتش ثابت شود، در این صورت در موارد دیگر غیر از این دعوا می تواند شهادت دهد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۶۹

هزینهٔ دادرسی

«سؤال ۴۰۲۸» در صورتی که حاکم شرع حکم به توقیف اموال فردی کرد با توجه به این که شاکی آن متحمل ضرر و زیان در رسیدن به مالش از جمله هزینهٔ دادخواست، کرایه، و ... گردیده؛ آیا جایز است از اموال متشاکی بدون صورت جلسه کردن جهت تقاص، مالی را به اندازهٔ ضرر و زیان و یا کمتر از آن بردارد؟

جواب: مخارجی را که شاکی برای اقامهٔ شکایت و اثبات دعوا متحمل می شود نمی تواند از طرف مقابل دعوی بگیرد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۰

مسائل حدود و تعزیرات

[جایگزین کردن مجازات]

«سؤال ۴۰۲۹» آیا در حدود می شود مجازاتی را جایگزین کرد یا خیر؟

جواب: موارد حدود مشخص است و تغییر و تبدیل جایز نیست، مگر این که مسألهٔ اهمّی در کار باشد.

حدّ زنا

«سؤال ۴۰۳۰» آیا بین فردی که مبتلا به ایدز است و به عنف به زنی تجاز می کند با کسی که از روی رضایت زن با او زنا می کند در این قضیه تفاوت است یا خیر؟

جواب: حکم زانی به عنف اعدام است و اگر زن بر اثر انتقال بیماری به او کشته شود و زانی قصد قتل او یا علم به کشته شدن او داشته باشد قتل عمدی محسوب و مستلزم قصاص است و با فرض رضایت زن اگر او علم به بیماری زانی داشته باشد و با

این حال اقدام کرده و راضی شده باشد خون او هدر است.

«سؤال ۴۰۳۱» نحوۀ اجرای حکم سنگسار چگونه است؟ آیا فاصلۀ پرتاب و اندازه و مقدار سنگ در روایات مشخص شده است؟

جواب: در دستور رجم در روایات فرموده اند:

«بأحجار صغارٍ»

با سنگ های کوچک و اگر زنا از راه اقرار ثابت شده باشد- نه از راه شهود اربعه- شخص مقرّ پس از خوردن یک سنگ حق فرار دارد و باید امکان فرار داشته باشد و نباید تعقیب شود.

«سؤال ۴۰۳۲» ملاک مسافرت در احصان چیست؟ آیا مقصود مسافت شرعی است یا عرفی و آیا مسافرت کوتاه مدت موجب خروج احصان زوجین است به عبارت دیگر، آیا سفر در عدم احصان موضوعیت دارد و یا نفس سفر، حاکی از عدم تمکن است؟

همچنین اگر به قصد انجام زنا به مسافرت برود، آیا محصن است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۱

جواب: مسافرت موضوعیت ندارد. ملاک، غایب

بودن همسر و عدم تمکن از تمتع از اوست. سفر نیز اگر به نحوی باشد که عرفاً بگویند همسرش فعلًا دراختیار او نیست و اگر بخواهد نمی تواند از او متمتع شود، محصن نیست که البته نسبت به افراد و امکانات متفاوت است، بنابراین اگر به طور کلی مسافرت او مجموعاً یکی دو ساعت بیشتر طول نمی کشد، مانع صدق احصان نیست، ولی اگر قدری دور شود که عرفاً بگویند فعلًا دسترسی به همسر ندارد، نمی توان حکم به رجم کرد. هرچند بتواند با هواپیما و مانند آن ظرف چند ساعت خود را به همسرش برساند و در موارد شبهه در مفهوم و یا در مصداق باید احتیاط شود و در این فرض نیز چنانچه ملاک فوق محقق نشود هرچند مسافرت به قصد نامشروع باشد باید احتیاط شود و نمی توان حکم به رجم کرد.

«سؤال ۴۰۳۳» خانمی ادّعا می کند که فرزند ۳ ساله اش از نطفهٔ شخص ثالثی غیر از شوهر اوست و شخص ثالث ادّعای خانم و هر گونه عمل و رابطهٔ جنسی را به شدت انکار می کند. با توجه به آزمایشات ژنتیکی به عمل آمده صحت ادّعای خانم ثابت است.

در مورد حدود شرعی و مسائل ملحق به آن، چه وظیفه ای داریم؟

جواب: حدّ شرعی مربوط به حاکم شرع است، اگر در محکمهٔ شرعی زنا ثابت شد حاکم شرع حدّ را جاری می کند و لازم نیست افشا شود تا به حاکم شرع برسد، بلکه اگر توبه کنند خدا قبول می کند و فرزند ملحق به شوهر است

«الولد للفراش»

، مگر این که آزمایش ها موجب یقین قطعی شدند. در عین حال حفظ بچه لازم بوده و اتلاف او جایز نیست و نفقهٔ بچه

بر عهدهٔ پدر اوست و اگر پدر استنکاف می کند و اجبار ممکن نیست بر عهدهٔ مادر اوست.

«سؤال ۴۰۳۴» چرا حضرت علی علیه السلام جوانی را که در مصر لواط کرده بود رها کرد و حدّ شرعی بر وی جاری نساخت؟

جواب: قضیه مزبور، در منبع معتبری یافت نشده؛ ولی به طور کلی چنانچه امری که موجب حدّ گردد به اقرار ثابت شده باشد امام می تواند مجرم را عفو کند.

«سؤال ۴۰۳۵» آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی را رجم کرده است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۲

جواب: رجم کردن زن و مرد یهودی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در بعضی تواریخ وارد شده است قطعی نیست و از جهاتی قابل خدشه است، اما مطابق بعضی روایات به دستور پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم حکم رجم در مورد افراد دیگر اجرا شد از جمله:

الف: ماعز بن مالک که در وسائل الشیعه، باب ۱۵ از ابواب حدّ زنا ضمن دو روایت ذکر شده است.

ب: در نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷ کلامی از امیر المؤمنین علیه السلام خطاب به خوارج آمده است:

«... و قد علمتم أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم رجم الزانی المحصن ثمّ صلّی علیه ...»

. ج: در دو مورد توسط امام صادق علیه السلام رجم دو نفر به پیامبر نسبت داده شده است:

یکی وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۶۲، ح ۵:

«رجم رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم و لم یجلد»

. و دیگری در مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۰، ح ۲۷:

«لما رجم رسول اللّه الرجل فی الزنا ...».

رجم در قرآن

«سؤال ۴۰۳۶» در بعضی از

کشورهای اسلامی، رجم زانی اجرا می شود، آیا این مسأله که در قرآن نیامده است نباید در جوامع بزرگ و رو به رشد ترک شود؟

جواب: مسأله رجم هرچند در قرآن ذکر نشده است، لکن روایات معتبر زیادی از ائمۀ معصومین علیهما السلام در این رابطه وارد شده است که نمی توان از آنها اغماض کرد. «۱»

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم طبق روایت متواتر ثقلین که از طریق شیعه و سنّی نقل شده است عترت خود را «عدل» قرآن و یکی از دو «ثقل» قرار داده و فرموده اند:

«إنّی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی» «۲»

بنابراین سُنت و عترت، همچون قرآن حجّت است و می توان با روایات معتبر منقول از ائمه علیهم السلام کلیات و عمومات و اطلاقات قرآن را تفسیر یا تخصیص و یا مقیّد کرد. آیات مربوط به زنا در قرآن هرچند به نحو کلی و عام

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۶۱- ۷۴ و ۹۸- ۱۰۳، ابواب ۱- ۴ و ۱۴ و ۱۵، ابواب حدّ زنا.

(۲)- الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۳؛ الامالی، شیخ مفید، ص ۱۳۵؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۰؛ کنزالعمّال، ج ۱، ص ۱۸۶ و ج ۵، ص ۲۹۰؛ مسند ابی یعلی، ص ۲۹۷؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۴۵، ۵۱ و ۱۳۰.

ذکر شده و شامل محصن و غیر محصنند، ولی اشکالی ندارد که توسط روایات معتبر، آنها را تخصیص زد. همان گونه که بسیاری از احکام نماز، روزه، حج و سایر امور دینی به تفصیل در قرآن ذکر نشده است و از طریق روایات معتبر ائمۀ معصومین علیهم السلام به دست می آید. البته

اگر اجرای حکم رجم یا بعضی حدود دیگر در زمانی منشأ عوارض منفی در جامعه شود و مثلًا موجب وهن مذهب و بدبینی مردم- هرچند در بعضی مناطق دنیا- به اصل مذهب گردد به عنوان ثانوی باید اجرای آن موقتاً متوقف شود و همزمان فلسفهٔ حدود و احکام الهی با زبان روز و منطق و استدلال تبیین گردد.

حدّ سرقت

«سؤال ۴۰۳۷» آیا بعد از اجرای حدِ قطع انگشتان سارق می توان به وسیلهٔ وسایل و تجهیزات پزشکی انگشتان سارق را پیوند زد؟

جواب: در مفروض سؤال، جواز پیوند دست سارق محل اشکال است. بلی اگر قطع دست به خاطر قصاص عضو باشد با رضایت طرفی که برای او قصاص شده جواز پیوند بعید نیست.

«سؤال ۴۰۳۸» آیا اجرای مجازات اعدام توسط چوبهٔ دار الزاماً باید در ملأ عام انجام گیرد؟

جواب: منوط به نوع جرم و صلاحدید حاکم صالح قضایی جامع الشرایط است.

احکام محارب

«سؤال ۴۰۳۹» منظور از مهدورالدم کیست؟ و در حال حاضر شرایط آن چیست؟

جواب: مهدورالدم کسی است که خون او احترام نداشته و بدین لحاظ کشتن وی موجب قصاص و ثبوت دیه نیست. البته معنای مهدورالدم بودن این نیست که هر کسی حق تعرض نسبت به او را داشته باشد. قاتل، مهدورالدم است، ولی در عین حال قصاص او حق اولیای میّت است و بنابر احتیاط باید به اجازهٔ حاکم شرع

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۴

جامع الشرایط باشد. ساب النبی و الائمه علیهم السلام مهدورالدم است، ولی بنابر احتیاط به اجازهٔ حاکم شرع باشد وگرنه هرج و مرج لازم می آید.

«سؤال ۴۰۴۰» آیا زنان را می توان به اتهام محاربه تحت تعقیب قرار داد؟ در صورت مثبت بودن جواب؛ آیا صدور حکم اعدام یا چوبهٔ دار یا تبعید جایز است؟

جواب: به صرف اتهام محاربه نمی توان کسی را مورد مجازات یا حتی تحت تعقیب و بازجویی آزار دهنده قرار داد، مگر این که مصالح مهمتر جامعه اسلامی به نظر کارشناسان امین و بی طرف در معرض تهدید و خطر جدّی باشد که در این صورت به قدر ضرورت، تحقیق دربارهٔ آن

توسط مرکزی مستقل و آزاد از گرایش های جناحی، برای بررسی و کشف واقعیت جایز است، ولی صدور حکم مجازات باید طبق ضوابط قضایی و در محکمهٔ آزاد با داشتن حق دفاع متهم و با حکم حاکم جامع الشرایط باشد و بر فرض ثبوت محاربه، فرقی بین زن و مرد در حکم آن نیست و احکام و مجازات های متفاوت محاربه که در سورهٔ مائده، آیهٔ شریفهٔ ۳۳ ذکر گردیده به ضمیمهٔ آیهٔ شریفه: «وَ جَزٰاءُ سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِثْلُهٰا» «۱» و نیز اعتبار عقلی و عقلایی متناسب با نوع جرم است که حاکم جامع الشرایط پس از تشخیص جرم و نوع آن و رعایت همهٔ مصالح دربارهٔ آن حکم می کند. بدیهی است رعایت مصلحت و احتیاط بویژه نسبت به زنان که در تصمیمات و بنیهٔ روحی و جسمی ضعیف ترند اولی و اوجب است.

«سؤال ۴۰۴۱» اهل ریبه به چه کسانی اطلاق می شود؟

جواب: اهل ریبه گروه هایی هستند که به فساد، فتنه، فسق و تجاوز به حقوق مردم شهرت داشته و دارای تشکیلات سرّی یا غیر سرّی بوده و از سوی حکومت مشروع، صالح و عدل، مورد شک و اتهام بوده و آن را در معرض خطر قرار می دهند، مانند گروه خوارج نسبت به حکومت امام علی علیه السلام. بنابراین نمی توان هر فرد یا گروه مخالف را جزء اهل ریبه شمرد.

---

(۱)- سورهٔ شوری (۴۲): آیهٔ ۴۰.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۵

احکام مرتد

«سؤال ۴۰۴۲» نظر جناب عالی در مورد ارتداد و حکم قتل مرتد چیست؟ و اصلًا مرتد به چه معناست؟

جواب: مرتدّ کسی است که پس از پذیرش اسلام آن را انکار کند و مجرّد پیدایش شکّ و تردید در برخی مسائل،

ارتـداد نیست و لازم است انسـان تحقیـق و سؤال کنـد تـا شـبهات او برطرف گردد. در قرآن کریم برای شـخص مرتـد حـدّی مشـخّص نشده، ولی بر حسب اخبار وارده از ناحیهٔ فریقین نسـبت به مسـلمان زادهٔ مرد که علناً اسلام را انکار کند احکامی بیان شده از جمله:

۱- زن او از او جدا می شود. ۲- مال او به وارث مسلمانش منتقل می گردد.

۳- با ثبوت ارتداد نزد حاکم شرع حاکم او را اعدام می کند، ولی ظاهراً قدر متیقن از مورد این احکام صورتی است که طرف با علم به حقّانیت اسلام از روی عناد آن را انکار کند که از آن به کفر جحودی تعبیر می شود.

«سؤال ۴۰۴۳» آیا حکم ارتداد برای شخصی که به سبب آن که از پدر و مادری مسلمان به دنیا آمده مسلمان نامیده می شود و پس از آن که به سنی رسید که بتواند تحقیق کند و بعد از تحقیقات خود به دینی غیر از اسلام برسد نیز صادق است؟

جواب: اگر اعراض او از اسـلام از روی عناد و جحد و لجاجت با اسـلام نباشد، بلکه در مرحلهٔ تحقیق و مطالعه و در اثر ضعف اطلاعـات و تحقیقـات خود و یـا به گمـان خود در اثر ضـعف دلایل مربوط به اسـلام، به دین دیگری گرایش پیـدا کنـد حکم ارتـداد بر او جاری نیست و حکم ارتـداد در جایی است که حقانیت دین مقـدس اسـلام برای او ثابت و روشن باشد و از روی عناد و جحد و لجاجت با حق، دین دیگری را انتخاب کند.

«سؤال ۴۰۴۴» آیا اجرای حکم ارتداد توسط افراد غیر مسؤول مستوجب قصاص است؟

جواب: اگر فردی بدون مراعات ضوابط شرعی کسی

را که واقعاً ارتداد او شرعاً

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۶

ثابت شده است بکشد گرچه قصاص نمی شود، ولی حاکم صالح جامع الشرایط می تواند او را به جهت اختلال در نظم اجتماعی تعزیر کند.

«سؤال ۴۰۴۵» آیا خروج از اسلام و گرایش به یکی از ادیان الهی نیز مشمول ارتداد است؟ و با وجود بحث ارتداد، اسلام چه جایگاهی را برای آزادی عقیده و بیان قائل است؟

جواب: در اسلام اندیشه و اندیشیدن آزاد است، بلکه بر تعقل و تفکر در مبدأ و معاد و نیز مبانی و متون دینی و اعتقاد و پیروی آگاهانه از شریعت الهی سفارش اکید گردیده است و تفکر و تحقیق که امکان آن یک امر تکوینی و خدادای است در محدودهٔ این امور و نیز امور دیگری که تکامل فرد یا جامعهٔ انسانی منوط بر آن است، آزاد و مشروع، بلکه مورد ترغیب قرار گرفته است. بنابراین اگر کسی پس از پذیرش اسلام در حقانیت آن تردید کرد به صرف تردید و حتی رسیدن به نتیجه دیگری از طریق تحقیق و ادلّه ای هرچند نادُرست، نمی توان وی را مشمول حکم ارتداد دانست، ولی کسی که حقانیت اسلام را دریافته است و با این حال از آن علناً روی گردانده و تظاهر به خروج خود می کند و در حقیقت با اسلام، عناد و لجاج ورزیده و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را نفی کرده مرتد محسوب می شود. برای توضیح بیشتر می توانید به رسالهٔ توضیح المسائل و استفتائات جلد دوم اثر این جانب مراجعه کنید.

«سؤال ۴۰۴۶» آیا کشتن افرادی که با تبلیغات برای دیگر ادیان تلاش می کنند که مسلمین را از

دین اسلام خارج کنند، مباح است؟ و اگر جایز نیست، وظیفهٔ مسلمین در قبال این افراد چیست؟

جواب: افراد غیر مسلمان در کشور اسلامی حق حیات و استفاده از مواهب طبیعی را دارند. دین امر تحمیلی نیست و هیچ گاه با اکراه اعتقاد به دست نمی آید، ولی حق ندارند متعرض دین و اعتقادات مسلمین شوند، این خود از مصادیق تجاوز به حقوق دیگران است و باید حاکم اسلامی جلوی این تجاوز را بگیرد؛ اما کشتن، موارد و شرایط خاصی دارد که بیان آنها در نامهٔ مختصر نمی گنجد و جلوگیری از تجاوز، متوقف به کشتن متجاوز نیست.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۷

«سؤال ۴۰۴۷» من سال هاست که در آلمان زندگی می کنم و چندین سال است که دین خود را عوض کرده ام و مسیحی شده ام می خواهم به ایران برگردم، ولی نمی دانم چه چیزهایی برایم پیش می آید. لطفاً بنویسید که این کار چه مجازاتی برای من دارد و این که چه کاری می توانم بکنم؟

جواب: شما کار خلافی انجام داده اید، اسلام خاتم ادیان الهی و اکمل آنهاست و حضرت عیسی علیه السلام خود به آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بشارت داده است، شما به دین اسلام برگردید و روابط خود را با خدا محکم کرده و به دستورات اسلام عمل کنید و لازم نیست نسبت به تغییر دین خود با احدی صحبت کنید خداوند ارحم الراحمین است، شما مانند یک فرد مسلمان متعبّد به کشور خویش باز گردید. فقط به بهانه ای عقد ازدواج خویش با همسرتان را- اگر همسر دارید- تجدید کنید و لازم نیست داستان را برای عاقد بیان کنید.

«سؤال ۴۰۴۸» مردی با شکستن شیشه

و شکستن قفل، وارد منزلی شده که در آن زن شوهر داری در غیاب همسرش زندگی می کرده است و اقدام به تجاوز در حدّ غیر زنا کرده و مقداری جراحت نیز به زن وارد کرده است؛ آیا می توان مورد فوق را مشمول حکم محارب دانست و حکم لُص (دزد مهاجم) را بر این شخص جاری ساخت؟

جواب: این که در برخی از روایات بر «لُص» عنوان محارب اطلاق شده است بدین معناست که اگر در زمان تجاوز او دفع وی به طریقی جز قتل امکان نداشت در این صورت حکم محارب را دارد و قتل او در آن حال جایز و مهدورالدم است، ولی اگر در آن هنگام، دفع او با عملی کمتر از قتل ممکن بود یا این که پس از تجاوز بازداشت شد بدون این که قتلی مرتکب شده باشد در این صورت اجرای حکم محارب مشکل است، ولی ضامن خسارت و جراحات وارده می باشد و حاکم شرع نیز می تواند او را تعزیر کند و اگر مرتکب یکی از موجبات حدّ شرعی شده باشد حدّ بر او جاری می شود.

«سؤال ۴۰۴۹» آیا افراد منحرف عضو طالبان، القاعده و دیگر گروه های تروریستی که وجهۀ دین اسلام را خراب می کنند، حکم مرتد را دارند و نجسند؟

جواب: این قبیل افراد منحرف بوده، ولی مرتد نیستند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۸

مسائل قصاص و دیات

قسامه

«سؤال ۴۰۵۰» آیا صدماتی از قبیل سیاه شدن، تورّم، دررفتگی مفاصل با قسامه قابل اثبات است یا خیر؟

جواب: ثبوت دلیل قسامه در جروح مطابق قول مشهور و مستفاد از صحیحۀ یونس «۱» است، ولی اطلاق صحیحه، نسبت به صدماتی از قبیل موارد مذکور در سؤال مشکل است.

«سؤال ۴۰۵۱» در صورتی

که در قسامه تعداد افراد به پنجاه نفر نرسد فتوا چیست؟

جواب: هرچند در قسامه با نبودن پنجاه نفر- بنابر مشهور- پنجاه قسم بین افراد موجود تقسیم می شود، ولی اثبات این حکم از اخبار وارده در باب قسامه مشکل بوده و احوط ترک قصاص است و گذشت اولیای مقتول نزد خدای متعال محبوب و موجب اجر اخروی خواهد بود.

«سؤال **۴۰۵۲**» شخصی به قتل رسیده و قاضی پرونده مورد را «لوث» تشخیص داده و به اولیای دم اخطار کرده است تا پنجاه نفر از بستگان نسبی خود را برای اجرای مراسم «قسامه» در موعد مقرّر در دادگاه حاضر کنند. با توجه به این که اولیای دم و خویشان آنها کمتر از پنجاه نفرند حکم مسأله را بیان فرمایید؟

جواب: در قسامه پس از تحقق «لوث»، یعنی امارات و نشانه هایی که موجب اتهام متهم به قتل است برای اثبات قتل عمد باید پنجاه مرد و در قتل شبه عمد و خطا، بیست و پنج مرد از کسانی که نسبت به مقتول شناخت دارند قسم یاد کنند و لازم

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۵۹، ابواب دعوی القتل، باب ۱۱، ح ۲.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۷۹

نیست از خویشان مقتول باشند، هرچند در قتل شبه عمد و خطا نیز احوط قسم خوردن پنجاه مرد است و معرفی اولیای دم دخالت ندارد و اگر افراد قسامه در طرف مدّعی یا مدّعی علیه به اندازه پنجاه مرد نباشند بنابر مشهور می توانند پنجاه قسم را بین افراد موجود توزیع کنند؛ ولی اثبات این امر در قتل نفس محل اشکال است و خویشاوندی دو طرفهٔ یک نفر موجب تعدد قسم او نمی شود و در

باب دماء احتیاط مطلوب است. بالاخره قدر متیقن از قسامه، قسم خوردن پنجاه مرد است و برای تفصیل بیشتر می توانید به رسالۀ توضیح المسائل این جانب صفحه ۵۸۹ «راه های اثبات قتل» مراجعه فرمایید.

دیۀ قتل

«سؤال ۴۰۵۳» راننده ای در اثر بی احتیاطی تصادف کرده و در اتومبیل او مسافری بوده که فوت کرده است. متأسفانه راننده و ماشین بیمه نبوده اند تا ادارۀ بیمه؛ دیۀ شخص فوت شده را پرداخت کند. در این صورت چه کسی باید دیه را پرداخت کند؟

جواب: در فرض سؤال، دیه به عهدۀ راننده است.

«سؤال ۴۰۵۴» شخصی هنگام تمیز کردن اسلحۀ شکاری خود بدون این که قصدی داشته باشد همسر خود را به قتل می رساند. دادگاه ایشان را به پرداخت دیه محکوم کرده است. البته ایشان یک دختر و سه پسر دارد و پدر و مادر ایشان هم زنده اند به هر کدام چه مقدار تعلق می گیرد؟

جواب: دیۀ مقتول یکی از چند چیز است: الف: یک صد شتر، ب: دویست رأس گاو. ج: یک هزار گوسفند، د: دویست حلّۀ یمانی، ه: یک هزار دینار طلا، و: ده هزار درهم نقره که انتخاب حق قاتل است تا یکی از آنها یا با توافق اولیای دم پول یکی از آنها را بدهد. تقسیم این بین ورثۀ مذکور در سؤال، طبق قانون ارث اسلامی است که هر یک از پدر و مادر یک ششم و بقیۀ را هفت قسمت کنند و به هر پسری دو سهم و هر دختری یک سهم تعلق می گیرد و چون شوهر قاتل است ارث بردن او محل اشکال است و بهتر است با سایر ورثه مصالحه کنند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۰

«سؤال ۴۰۵۵» آیا انتقال ارادی

ویروس ایدز قتل عمد است؟ چنانچه فردی با علم به بیماری خود و مسری بودن و کشنده بودن آن و با قصد و نیت انتقال آن ویروس، عملی انجام دهد که موجب سرایت بیماری گردد چه حکمی خواهد داشت؟ و آیا بین عمد و غیر عمدی بودن آن تفاوت است؟ و اگر اتفاقاً ویروس در قربانی کارگر نیفتد و فرد بیمار شود، ولی فوت نکند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مجنی علیه به بیماری شخص انتقال دهندهٔ ویروس، علم نداشته باشد و انتقال دهندهٔ آن با قصد کشتن او یا با علم به این که ویروس، کشندهٔ اوست اقدام به چنین عملی کند و در اثر آن مجنی علیه کشته شود، قتل عمدی بوده و مجوّز قصاص است و در غیر این دو صورت، عمد نیست و احکام شبه عمد یا خطا مترتب است و در فروض مذکور در صورت کشته نشدن مجنی علیه انتقال دهندهٔ ویروس ضامن خسارت های ناشی از عمل خود است.

«سؤال ۴۰۵۶» اگر قاتل بعد از اقرار با شرایط آن، قبل از اجرای حکم، قتل را انکار کند، آیا حکم قصاص ساقط شده و به دیه مبدل می شود یا دیه هم ساقط است؟

جواب: طبق ظاهر روایت «ابن ابی عمیر عن جمیل بن درّاج عن بعض اصحابه» «۱» پس از رجوع مقرّ از اقرار خود به قتل، حکم قصاص ساقط است و بر فرض که آن روایت (به لحاظ بعض قرائن از جمله ذکرش در باب حدود کتب روایتی و فقهی و تفسیر کلمهٔ «القتل» که در آن روایت ذکر گردیده به «سبب القتل» توسط برخی از فقها) دارای اجمال باشد، باز لزوم احتیاط در دماء مقتضی سقوط

قصاص است، ولی به هر صورت دیه که عدل قصاص است بنابر احتیاط ساقط نمی شود.

«لایبطل دم امرئ مسلم».

«سؤال ۴۰۵۷» فردی با تفنگ شکاری عمداً و از فاصله ای نزدیک به طرف دیگری شلیک کرده است و در اثر اصابت گلوله های متعدد به دست مجنی علیه، پزشکان ناگزیر دست وی را قطع کردند. فعلًا مجنی علیه اصرار بر قصاص دارد. آیا قصاص باید با همان اسلحه باشد یا با اسلحه مشابه نیز می تواند قصاص صورت گیرد و اگر قصاص با مقداری

---

(۱)- الکافی، ج ۷، ص ۲۲۰، ح ۶.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۱

نقیصه و یا زیاده صورت گرفت چه باید کرد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر جانی قصد اسقاط ید مجنی علیه را داشته و یا غالباً چنین عملی به قطع ید می انجامد مجنی علیه می تواند به قطع ید جانی قصاص کند و گرنه نسبت به قطع ید شبه عمد محسوب است و قصاص جایز نیست و قصاص باید به وسیله ای باشد که موجب هلاکت نفس یا زیادهٔ جرح یا تلف عضو دیگری نشود و به آلتی قابل کنترل باشد مثل سکّین پس قصاص به تیراندازی جایز نیست و در موارد شبهه، قصاص جاری نیست و

«الحدود تدرأ بالشبهات»

شامل قصاص نیز می شود. بجاست در مورد سؤال، مجنی علیه به دیه اکتفا کند

«العفو عند کرام الناس مقبول»

. «سؤال ۴۰۵۸» شخصی به وسیلهٔ یک اسلحهٔ شکاری تیری شلیک کرده که ساچمه های آن به دست راست طرف مقابل اصابت کرده و پس از معالجات فراوان دست وی قطع می گردد؛ آیا کسی که دست را قطع کرده (پزشک) باید دیه آن را پرداخت کند یا کسی که شلیک کرده است؟ آیا فرد مجنی علیه می تواند قصاص

کند؟

جواب: در مفروض سؤال، قصاص محل اشکال است، چون اصابت به دست مجنی علیه مورد قصد تیرانداز نبوده است و دیهٔ قطع دست بر عهدهٔ پزشک نیست، بلکه چون دیهٔ قطع یک دست نصف دیهٔ کامل است که از یک بیستم دیهٔ کامل بیشتر است، از این جهت دیه در فرض سؤال اگر به هیچ وجه قصد اصابت به او را نداشته و مقصر نبوده است بر عهدهٔ عاقلهٔ جانی است وگرنه بر عهدهٔ خود جانی می باشد.

«سؤال ۴۰۵۹» با توجه به این که قاتل نسبت به اولیای دم، مهدورالدم فرض می شود، آیا اولیای دم برای قصاص قاتل نیاز به اذن ولیّ امر یا نمایندهٔ او دارند و در صورتی که این اذن داده نشود تکلیف چیست؟

جواب: بنابر احتیاط اولیای دم نمی توانند بدون اجازهٔ حاکم شرع جامع الشرایط قصاص کنند و اگر بدون اجازهٔ او اقدام کردند، حاکم شرع می تواند در صورت مصلحت آنان را تعزیر کند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۲

آمریت در قتل

«سؤال ۴۰۶۰» فردی مرتکب قتل عمد شده و در تحقیقات، مشخص شده که با آمریت و دستور صریح شخص دیگری مرتکب قتل شده است. در صورتی که مباشر در حال استیصال و اکراه و اجبار، مرتکب قتل شده باشد حکم شرعی دربارهٔ دستور دهنده (آمر) چیست؟

جواب: اگر مقتول مسلمان عاقلی باشد که به ناحق کشته شده است و آمر به قتل عاقل و بالغ باشد حکم او زندان ابد است، مگر این که عرفاً مباشر قتل نسبت به آمر- همانند بچه و دیوانه- آلت و ابزار قتل محسوب شود و قتل عرفاً به آمر مستند گردد که در این صورت اولیای مقتول می توانند با اجازهٔ حاکم شرع

آمر را قصاص کنند و در عین حال احتیاط در دماء بجاست.

قتل شبه عمد

«سؤال ۴۰۶۱» مردی بـا همسـرش مشاجره کرده و از آن جا که همسـرش جلو ایشان قرار گرفته او را هُل داده و اتفاقاً سـرش به دیـوار می خـورد و علی الظـاهر بی هوش می شود شوهر به تصور این که زنش فوت کرده برای صـحنه سـازی که وانمود کند کسـی او را به قتل رسانده سـیمی را به گردن او می بندد. بعداً توسط پزشـکی قانونی اعلام می شود که مرگ همسـر ناشـی از خفه شـدن است. با توجه به این حقیقت که شوهر زمان بسـتن سـیم یقین داشـته که همسـرش مرده است و در واقع بر جسد بی جان سیم را بسته است، آیا قتل مذکور عمد محسوب می شود یا شبه عمد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر احراز شود که زوج پس از ضـربه زدن یقین به مرگ زن پیـدا کرده و از اول قصد کشـتن او را نداشته قتل مزبور شبه عمد است و گرنه حکم عمد را دارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۳

قتل عمد

«سؤال ۴۰۶۲» برادر دامـادم که بـا فرزنـدم از قبل اختلافاتی داشـته ناگهان در جلو درب مغازهٔ دامادم با چاقویی که از قبل تهیه کرده بـود یـک جراحت عمیق به قلب و دیگری به پشت فرزنـدم وارد و او را به قتـل می رسانـد و متواری می گردد. قاتـل در دفاعیـات خود گفته است: مقتول زنجیر داشت و من از خود دفـاع کردم. تـاکنون دو مرتبه دادگـاه هـای بـدوی، حکم قصاص قاتـل را صادر کرده انـد، ولی شـعبهٔ دیوان عالی کشور با اسـتناد به کتاب تحریرالوسـیله مرحوم امام خمینی گفته است: قاتل از دفاع مشروع تجاوز کرده و باید دیه مقتول را بپردازد و به ضمان تمسک کرده است. منظور از ضمان چیست؟

و با توجه به نظر اکثریت فقهای عظام مبنی بر انحصار و اختصاص قاعدهٔ روایی (درأ حدود با شبهه در حقوق اللّه مانند زنا و نظائر آن) آیا قاعدهٔ مذکور نسبت به قصاص که حق الناس است هم جاری است؟

جواب: ضمان در این موارد اعم از ضمان مالی و قضایی بوده و بر حسب موارد متفاوت است و به طور کلی اگر مرتکب قتل عمد گردد مستحق قصاص است، مگر آن که ثابت شود مقتول در حال تهاجم به او بوده و در مقام دفاع از خود اقدام به عمل مذکور کرده است که در این صورت دیه و قصاص ثابت نمی شود، بلکه اگر قرائن و شواهد بر این مطلب گواهی دهند باز قصاص محل اشکال است. البته اگر ثابت شود که قاتل مراعات الاسهل فالاسهل را نکرده است و با وجود آن که می توانسته از راه دیگری از خود دفاع کند، اقدام به کشتن او کرده است، در این صورت باز ضامن است، ولی با توجه به احتمال اطلاق ادلّهٔ دفاع، مهدور و هدر بودن خون مهاجم، مطابق قاعدهٔ «درأ» که ظاهراً شامل این موارد نیز می شود، جواز قصاص محل اشکال است و احتیاط در گرفتن دیه و مصالحه است.

«سؤال ۴۰۶۳» بر اساس مادهٔ ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی: «اگر کسی به قتل شخصی اقدام نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند، ولیّ دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیّر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۴

هر دو را مطالبه کند.» حال سؤالی که مطرح است این است که: اگر

دو نفر به نام های «الف» و «ب» اقرار به قتل عمدی شخصـی نمایند و اولیای دم نیز دو نفر به نام های «ج» و «دال» باشند که فرد «ج» که یکی از اولیـای دم است، خواسـتار قصـاص شـخص «الف» باشـد و فرد «دال» نیز که یکی دیگر از اولیـای دم می باشـد خواسـتار قصاص شـخص «ب» می باشد. با توجه به قانون فوق الذکر و دیگر مواد قانون مجازات اسلامی نظر به این که در این مورد ماده قانونی ندارد، از نظر فقهی چگونه باید حکم داد؟

جواب: در فرض علم اجمالی به بطلان یکی از دو اقرار، اولیای دم همان طور که نمی تواننـد مجتمعاً هر دو را قصاص نماینـد، نمی توانند عده ای از آنها یکی و عدهٔ دیگری فرد دوّم را قصاص نمایند، بلکه قصاصِ یکی از آن دو نیز بدون احراز صدق او محلّ اشـکال است؛ ولی همـان طور که از صـحیحهٔ زراره که در تعارض شـهادت و اقرار وارد شـده است، «۱» و نیز از بعضـی روایات دیگر استفاده می شود در این گونه موارد اولیای دم می توانند از هر دو بالمناصفه دیه بگیرند.

دیهٔ قتل

«سؤال ۴۰۶۴» در تسبیب در اتلاف نفس، وضـعیت دیه چگونه است؟ و به عهدهٔ چه کسـی است؟ و چه عنوانی می توان بر آن نهاد؟ و اگر عنوان خطای محض را بر آن قرار دادیم آیا می توانیم عاقله را مسؤول پرداخت دیه بدانیم؟

جواب: تسبیب در اتلاف نفس موضوعیت نـدارد. موضوع احکـام قصـاص و دیه، قتـل است و اگر اسـتناد قتـل به فردی بـدون واسطه یا با واسطه، عرفاً محقق شود قصاص یا دیه به حسب شرایط ثابت می شود و از این جهت قتل مباشری تفاوتی با قتل غیر مباشری

یا بالتسبیب نـدارد؛ و اتلاف نفس، عنوانی غیر از قتل نـدارد و فقها عنوان خاصـی برای آن قرار نداده اند، و قتل و به طور کلی اتلاف را به مباشری و تسبیبی تقسیم کرده اند، و بعید نیست ضمان کسی که به طریق عمومی ضرر می زند و در نتیجه

---

(۱)- وسائل الشیعه، کتاب القصاص، ابواب دعوی القتل، باب ۵، حدیث ۱.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۵

کسـی تلف می شود نیز به همین عنوان برگردد؛ و در مواردی هم که قتل، خطای محض به نحو تسبیبی تصویر شود مثل موارد مباشری، عاقله ضامن است.

«سؤال ۴۰۶۵» پـدر این حقیر به طور عمـد و به وسـیلهٔ اسـلحه به قتل رسـیده است. حـدود ده سال بعـد، متهم به قتل اقرار کرده است و پس از صـدور حکم قصاص از سوی دادگاه، ما اولیای دم مقتول با متهم مصالحه کرده و رضایت داده ایم. اکنون پس از گذشت قریب به ۲۵ سال از حادثـهٔ قتل به دلایلی برای ما اولیای دم و بسـیاری از اهالی محل، ثابت گردیـده که متهم مورد نظر، معـاون و یـا دیـده بان در قتل بوده و قاتل واقعی پـدرمان شـخص دیگری است که از یک سو چنانچه ما اولیای دم جهت احقـاق حق خـود اگر بخواهیم علیه قاتـل واقعی شـکایت کنیم به احتمـال قوی جانمـان به خطر خواهـد افتـاد و قاتـل واقعی یا بسـتگانش دست به جنایت دیگری خواهنـد زد و از سوی دیگر چنانچه قاتل واقعی بـدون محاکمه و مجازات شـرعی و قانونی رها شود هم باعث اخلال در نظم جامعه یا خوف و بیم تجرّی مرتکب قتل دیگران خواهد بود و هم موجب تضییع حق ما

اولیای دم خواهد شد؛ لذا با توجه به عرایض فوق الذکر از نظر شرعی تکلیف ما در مقابل جنایت انجام شده توسط قاتل واقعی چیست؟

جواب: هر تکلیف موقوف به داشتن قدرت و نبودن خطر است و در فرض سؤال که اقدام برای پی گیری قتل، خطر قابل توجه دارد تکلیف ساقط است.

«سؤال ۴۰۶۶» شخصی زن حامله با بچۀ ۹ ماهه را به قتل رسانده و طفل او هم سقط شده است؛ آیا قاتل دیه بدهکار است و یا باید قصاص شود؟

جواب: اگر قتل، خطای محض باشد عاقلۀ قاتل باید دیۀ مادر و طفل را بپردازند و چنانچه شبه عمد باشد خود قاتل دیۀ آنها را بدهکار است و در صورتی که قتل عمدی باشد قصاص قاتل به خاطر بچه محل اشکال بوده و لکن قاتل دیه او را بدهکار است و قصاص او به خاطر زن بودن هم متوقف بر این است که مابه التفاوت زن و مرد را به قاتل که مرد است بدهند و در تعیین خصوصیات لازم است به محاکم قضایی مراجعه شود.

«سؤال ۴۰۶۷» اگر ضارب، ضربه ای به کسی بزند و در چند جای بدن شکستگی پدید آید و سپس موجب مرگ مغزی شود، آیا یک دیۀ (کامل) بدهکار است یا دیۀ چند عضو؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۶

جواب: با مرگ، شکستگی ها و جراحاتی که موجب مرگ شده اند زاید بر اصل دیه کامل، دیه ندارند؛ ولی اگر موجب مرگ نشوند هر کدام دیۀ خود را دارند.

«سؤال ۴۰۶۸» مردی در معبر عمومی به منظور پیش گیری از ورود حیوانات به ملک خود اقدام به گذاشتن اشیای خطرناک به صورت عدوانی می کند و تصور او این

است که در این مسیر افراد رفت و آمد نمی کنند. بعد از گذشت مدتی فردی از آن مکان عبور کرده و بر اثر برخورد با این موانع می میرد؛ آیا در این مورد دیه باید پرداخت شود؟ بر فرض ضمان، مسؤول پرداخت خود شخص است یا عاقلهٔ او؟

جواب: در مفروض سؤال، قتل شبه عمد بوده و موجب ثبوت دیه بر خود شخص است.

«سؤال ۴۰۶۹» اگر ولیّ دم غایب باشد چه از حیث مکانی که امکان دسترسی به او وجود نداشته باشد و چه به گونه ای که نتواند در ادارهٔ امور خود تصرف کند؛ آیا باید منتظر ماند تا زمان حضور شخص غایب و یا این که حاکم شرع به عنوان «ولیّ من لا ولیّ له» اقدام می کند؟ و اگر حاکم اقدام کند آیا اختیارات او همان اختیارات ولیّ دم- از قبیل:

قصاص، عفو معوّض و عفو مجانی- است؟

جواب: اگر ولیّ دم، منحصراً فرد غایب باشد باید تا زمانی که بتواند در امور خود تصرف کند، صبر کنند؛ ولی اگر بعضی از اولیای دم، حاضر و بعضی غایب باشند باید به مسأله ۳۲۳۶ توضیح المسائل عمل شود و اگر ولیّ دم منحصر به غایب مفقود الأثر باشد تا زمانی که احتمال حیات و زنده بودن او می رود، دلیلی بر ولایت حاکم شرع بر حق قصاص یا گرفتن دیه نیست.

«سؤال ۴۰۷۰» اگر اولیای دم به صغیر و مجنون منحصر بوده و ولیّ قهری هم نداشته باشند و ولیّ قهری وصی تعیین نکرده باشد، آیا ولیّ امر مسلمین یا حاکم شرع به عنوان ولیّ آنها شرعاً حق اقدام دارد؟ یا این که تا زمان بلوغ صغیر و افاقهٔ مجنون باید منتظر بماند؟ و

آیا حاکم شرع حق عفو مجانی را دارد؟ و یا این که تنها حق قصاص و عفو معوض را دارد؟

جواب: حاکم شرع در فرض مذکور حق قصاص ندارد، بلکه باید صبر کند تا صغیر بالغ شود و مجنون افاقه پیدا کند، مگر در صورتی که مصلحت صغیر در گرفتن

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۷

دیه باشد که در این صورت حاکم شرع می تواند با قاتل در گرفتن دیه توافق کنند و صغیر در این صورت پس از بزرگ شدن حق قصاص ندارد و همین طور است اگر احتمال افاقهٔ مجنون نباشد که حاکم شرع در گرفتن دیه طبق مصلحت عمل می کند.

«سؤال ۴۰۷۱» چنانچه شخصی به علت حادثه ای آتش گرفته که منجر به فوت وی گردد و قبل از فوت در بیمارستان اعلام کند که از هیچ کس شکایتی ندارد، آیا اولیای دم حق قصاص (در فرض قتل عمد) یا مطالبه دیه (در فرض قتل شبه عمد و خطای محض) را خواهند داشت؟

جواب: مجرّد اعلام عدم شکایت اثر ندارد، ولی اگر مجنی علیه پس از تحقّق جنایت و قبل از فوت، جانی را از قصاص و دیه عفو کند، اقدام به قصاص یا اخذ دیه از ناحیه اولیای مجنی علیه محل اشکال بوده و احوط تصالح است.

پرداخت دیه در ماه های حرام

«سؤال ۴۰۷۲» شخصی چاهی را در مسیر عمومی عدواناً در ماه حرام حفر کرده و عابر پیاده در ماه حرام در آن چاه افتاد است؛ آیا تغلیظ دیه شامل آن می شود؟ بر فرض تغلیظ دیه، ضابطه تغلیظ چیست؟ معیار، زمان کندن چاه (در ماه حرام) است و اتلاف نفس، یا صِرف وقوع حادثه در ماه حرام، ولو این که سبب در ماه

غیر حرام ایجاد شده باشد کدام یک موجب تشدید دیه می شوند؟

جواب: براساس ظاهر برخی از روایات معتبر ملاک در تغلیظ دیه، زمان وقوع قتل است و در مفروض سؤال، جزء اخیر سبب فاعلی برای قتل، چاه کنده شده از قِبَل جانی است و چاه در ماه حرام ثابت و باقی بوده و موجب قتل در ماه حرام شده است.

بخشش دیه

«سؤال ۴۰۷۳» در صورتی که اولیای دم مایل به اخذ و صرف دیه نباشند؛ آیا عفو از دیه اقرب به تقواست یا اخذ و حواله آن جهت بسیج و مسجد؟

جواب: عفو بهتر است، مگر در موردی که عفو موجب تجرّی جانی شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۸

قصاص اهل کتاب

«سؤال ۴۰۷۴» لطفاً نظر مبارک خود را در مورد قصاص اهل کتاب و برابری آن با قصاص مسلمانان بیان فرمایید؟

جواب: اگر غیر مسلمان، مسلمانی را به قتل برساند، قصاص خواهد شد و بر حسب فتوای مشهور فقهای شیعه امامیه اگر مسلمان، غیر مسلمانی را بکشد قصاص نمی شود، ولی علاوه بر پرداخت دیهٔ غیر مسلمان حاکم شرع می تواند او را تعزیر و محکوم به مجازات متناسب کند، ولی اگر مسلمان به قتل غیر مسلمان عادت دارد پس از پرداخت تفاوت دیه می توان او را قصاص کرد.

دیهٔ اعضا و جراحت

«سؤال ۴۰۷۵» اگر دیهٔ مجموع صدمات وارده بر زن بیشتر از ثلث دیهٔ کامل باشد، ولی دیهٔ هر کدام از صدمات کمتر از ثلث دیهٔ کامل باشد آیا دیه تنصیف می شود؟

جواب: در صورتی که با یک ضربه، جنایات مختلف صورت پذیرد به مقتضای صحیحهٔ ابان، «۱» تنصیف می شود، ولی در صورتی که با ضربات متعدد باشد، جنایت ناشی از هر ضربه جداگانه ملاحظه می شود.

«سؤال ۴۰۷۶» این که دیهٔ صدمهٔ وارده بر بدن زن که بیشتر از یک سوم دیهٔ کامل باشد تنصیف می گردد مخصوص دیه است یا شامل ارش هم می شود؟

جواب: چنانچه مقدار ارش، به تناسب با اعضایی که دیهٔ مقدّره دارند محاسبه شود، تنصیف شده و به عبارت دیگر متناسب با دیهٔ زن معیّن می شود؛ ولی چنانچه براساس مخارج درمان محاسبه شود، تنصیف نمی شود.

«سؤال ۴۰۷۷» برای شکستگی استخوان های کف دست یا استخوان های مُچ، ارش تعلق می گیرد یا دیه دارد؟

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۳۵۲، ابواب دیات الاعضاء، باب ۴۴، ح ۱.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۸۹

جواب: طبق نظر مشهور، دیهٔ شکستگی هر کدام در صورتی که بدون عیب

معالجه شود، هشتاد دینار است و روایات نیز در این مورد ابهام دارد، لذا باید احتیاطاً مصالحه کنند.

«سؤال ۴۰۷۸» اگر مضروب با خوردن یک ضربه- علاوه بر بریدگی- مقداری از بدن از سر گرفته تا گردن و شانه و بازویش سیاه شود؛ آیا ضارب یک دیه بدهکار است یا بیشتر؟

جواب: در فرض مذکور باید علاوه بر دیهٔ بریدگی یا سیاه شدگی صورت، دیهٔ بریدگی و سیاه شدگی بدن را نیز بپردازد و احتیاط این است که برای هر عضو دیهٔ جداگانه بپردازد.

«سؤال ۴۰۷۹» اگر کسی با یک زنجیر به بدن دیگری بزند و ده نقطه سیاه شود که جمعاً مقدار سیاه شدگی دو سانتی متر مربع می شود و اگر با یک چوب به صورت وی بزند یک ناحیه از صورت به مساحت پنجاه سانتی متر مربع سیاه شود، در دو مورد فوق چه مبلغی دیه تعلق می گیرد؟

جواب: در فرض اول، ظاهراً یک دیه است که مقدار آن نصف دیهٔ سیاه شدگی صورت است و در فرض دوم با فرض این که بیش از مقدار سیلی است، احتیاطاً علاوه بر دیهٔ سیاه شدگی صورت، برای مقدار زاید، ارش نیز بپردازد.

«سؤال ۴۰۸۰» در ایام کودکی یکی از هم شاگردی هایم به من حمله ور شد و با سیم برق بر صورت من زد که خون زیادی از چشم من جاری شد و علاوه بر این که از درس دور ماندم پول زیادی برای درمان آن خرج کردم، اما تاکنون چشم من بهبود نیافته، بلکه اخیراً چشم پزشکان از بهبودی آن قطع امید کردند. بفرمایید ضارب چه مقدار باید دیه بپردازد؟

جواب: در فرض سؤال، ضارب نصف دیهٔ کامل؛ یعنی پنجاه شتر

به شما بدهکار است و صغیر یا کبیر بودن در اصل دیه دخالت ندارد، ولی اگر ضارب صغیر بوده دیه به عهدهٔ عاقله است.

«سؤال ۴۰۸۱» چنانچه با یک ضربه هر دو پلک و اطراف چشم سیاه شود؛ آیا یک دیه تعلق می گیرد یا بیشتر؟

جواب: در صورتی که از نظر مساحت در حدود ضربهٔ سیلی و مانند آن باشد یک

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۰

دیه تعلق می گیرد که دیهٔ آن شش دینار است و نسبت به بیش از این مقدار، بنابر احتیاط ارش ثابت است.

«سؤال ۴۰۸۲» شخصی کارگر یک شرکت آجر زنی بوده است که در حین کار کردن دست چپ وی به زیر دستگاه رفته و موجب قطع انگشتان و بی حرکت ماندن دست او شده است؛ آیا کارگر مستحق دیه از صاحب کارگاه است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر دستگاه آجر زنی عیب نداشته و کارگر در عمل مقصر بوده است دیه طلبکار نیست و اگر دستگاه عیب داشته و کارگر نمی دانسته و صاحب کار می دانسته است بگونه ای که عرفاً ایجاد خسارت به او مستند است دیهٔ انگشت بر عهدهٔ اوست و اگر علاوه بر قطع انگشت، انگشتان دیگر نیز شَلَل و نقص پیدا کردند دیهٔ شَلَلی را نیز بدهکار است و دیه شَلَل دو ثلث دیهٔ کل عضو است. برای اثبات لازم است به حاکم شرع جامع الشرایط مراجعه شود.

«سؤال ۴۰۸۳» الف: آیا پرداخت ارش مانند دیه مؤجل است یا فوری؟ و در صورت تأجیل، مهلت پرداخت در موارد عمد و شبه عمد و خطای محض چگونه است؟

ب: آیا در صدمات وارده بر بدن، حکم دیه یکی است که در زن اگر به ثلث

برسد به نصف برمی گردد؟

جواب: الف: دیـهٔ جراحات خطایی اگر بیش از ثلث باشـد و نیز دیهٔ قتل خطایی به اقساط سه ساله پرداخت می شود و ارش نیز حکم دیه را دارد.

ب: دیهٔ زن تا ثلث دیه با دیهٔ مرد مساوی است و در زاید بر ثلث، دیهٔ زن نصف دیهٔ مرد است.

«سؤال ۴۰۸۴» در ماه های حرام دیهٔ قتل اضافه می شود، آیا دیه جرح نیز همین طور است؟

جواب: در دیه بر جرحِ اعضای بدن، دلیلی بر تغلیظ در ماه های حرام نداریم و در موارد شک، اصل اقتضای برائت می کند.

«سؤال ۴۰۸۵» اگر شخصـی هنگام رانندگی، بر خلاف مسـیر حرکت کند و اتفاقاً تصادف کرده و دچار نقص عضو گردد؛ آیا به آن دیه تعلق می گیرد؟

جواب: دیه، دائر مدار نسبت سبب نقص عضو به شخص بوده و ارتباطی به

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۱

چگونگی راه نـدارد. بنابراین اگر خودش باعث تصادف شده باشد، دیه به عهدهٔ کسـی نیست، ولی اگر دیگری باعث تصادف شده دیه به عهدهٔ دیگری است.

«سؤال ۴۰۸۶» آیـا محکوم علیه این اختیار را دارد که از قاضـی بخواهـد قطع عضو توسط پزشک انجام شود و عضو خودش را بفروشد (حتی بدون اجازهٔ مجنی علیه در قصاص)؟

جواب: با رضایت محکوم علیه اشکالی ندارد.

«سؤال ۴۰۸۷» اگر زیبایی زنی با پاشیدن اسید از بین برود؛ آیا معالجه و ترمیم شرعاً لازم است؟ تا چه حد؟

جواب: ترمیم و رفع عیب و نقص تـا حـد امکـان واجب است و دیه یا ارش را بایـد بپردازد هرچنـد مخارج معالجه کمتر از آن باشد و اگر مخارج معالجه بیش از دیه یا ارش باشد مازاد را نیز باید بپردازد، یا

عملًا اقدام به معالجهٔ او کند.

دیهٔ جنین

«سؤال ۴۰۸۸» جنینی که مبتلا به ایدز است؛ آیا دیه به آن تعلق می گیرد؟

جواب: تعلق می گیرد.

«سؤال ۴۰۸۹» سقط جنین در ماه هشتم چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست و قتل نفس محسوب است و دیه هم دارد.

«سؤال ۴۰۹۰» این جانب به علت نادانی و زیاد بودن فرزندانم، جنین چهار ماهه را سقط کردم. بعد از این مسأله، روزگار بر من سخت و سخت تر شده و الآن مستأجر و امورات زندگی ام به سختی طی می شود؛ آیا دیه بر ما واجب است؟ و اگر واجب است چه کسی باید دیه را بگیرد؟ و اگر توانایی پرداخت آن را نداشته باشیم چه کار باید بکنیم؟

جواب: اگر همسر شما جنین را سقط کرده دیه را به شما بدهکار است و اگر شما هم شرکت داشته اید دیه بر طبق طبقات ارث مال سایر ورثه است، در عین حال اگر ورّاث گذشت کنند اشکال بر طرف شده و سقط کننده باید توبه کند.

«سؤال ۴۰۹۱» سال ها قبل خانمی با توافق شوهرش یک بچه چهار ماهه را سقط کرده اند. آن زمان ۶ پسر و دو دختر داشته اند. اکنون شوهرش فوت کرده است و دو فرزند وی هم

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۲

به فیض شهادت نائل شده اند که یکی از آنان دارای زن و یک فرزند است. این خانم اکنون تصمیم گرفته دیهٔ آن بچه سقط شده را بپردازد. چگونه باید آن دیه را تقسیم کند؟

جواب: در فرض سؤال، زن علاوه بر دیه، کفارهٔ قتل را هم باید بپرازد، البته اگر جنین چهار ماهه بوده و روح در آن دمیده شده باشد؛ و چون شوهر موافق بوده دیه به

او نمی رسـد و باید بین ورثهٔ طبقهٔ دوم (برادران، خواهران، جدّ و جدّه) تقسـیم شود و هر کدام از برادران و خواهران که فوت شده اند سهم آنها بین ورثهٔ خود او تقسیم می شود.

«سؤال ۴۰۹۲» دختری از راه ملاعبهٔ نامشروع با پسری بدون این که دخولی صورت بگیرد آبستن شده و پس از سه هفته متوجه می شود و به پزشک مراجعه کرده و پزشک پیشـنهاد سقط جنین سه هفته ای را داده و بعد با آمپول، جنین را سقط می کند. با توجه به این موضوع دیه چقدر و توسط چه کسی باید پرداخت شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر رابطهٔ پسـر و دختر به تصور این که زن و شوهر شـده انـد نبوده است دیـهٔ جنین، شـانزده درهم شرعی نقره و یـا یک و شـش دهم مثقال شـرعی طلاست و بایـد کسـی که مسـتقیماً و بالمباشـره جنین را سـقط کرده آن را به حاکم شـرع جامع الشـرایط بپردازد؛ ولی اگر پسـر و دختر تصور کرده اند برای همدیگر حلال شده اند دیهٔ جنین، بیست مثقال شرعی طلای سـکه دار اسـت که بایـد به ورثه پرداخت شـود. البته آن کسـی که جنین را ساقـط کرده خـودش از ارث محروم است.

«سؤال ۴۰۹۳» چنانچه به بیماری لاعلاج و نقص عضو بسـیار مهم جنین، یقین حاصل گردد؛ آیا با رضایت والدین امکان سقط جنین است؟

جواب: اسـقاط جنین پس از دمیـدن روح در آن، قتل نفس محسوب شـده و جایز نیست و قبل از دمیدن روح نیز محل اشـکال است، مگر در صورتی که برای مادر ضرر معتنابهی داشته و معالجهٔ مادر منحصر در اسقاط آن باشد.

«سؤال ۴۰۹۴» آیا می توان جنین مبتلا به ایدز را سقط کرد؟ چه قبل از

دمیده شدن روح در آن و چه بعد از آن؟

جواب: بعد از تعلق روح جایز نیست و قبل از تعلق روح محل اشکال است، مگر در شرایطی خاص.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۳

«سؤال **۴۰۹۵**» اگر فرضاً در روستایی همهٔ افراد، طی قراردادی پیشاپیش نسبت به حق قصاص خود متقابلًا گذشت کنند (در قتل خود و یا یکی از افرادی که آنها، ولی دم اویند) و به دیه رضایت دهند و پس از طی چند سال یکی از افراد آن روستا توسط فردی به قتل برسد. حال اگر قاتل، مقتول و اولیای دم از امضا کنندگان قرارداد باشند، آیا اجرای قرارداد الزامی است و باید به دیه اکتفا شود و یا این که قرارداد باطل است؟

جواب: قصاص گرچه برای اولیای دم به عنوان حق ثابت است و آنها نیز می توانند آن را پس از قتل، اسقاط کنند، ولی جواز قصاص که حکمی شرعی است حق اللّه تعالی بوده که برای ممانعت از تجرّی بر قتل و حفظ دماء در اجتماع تشریع گردیده و اسقاط آن مستقیم یا غیر مستقیم جایز نیست.

به عبارت دیگر: گرچه پس از وقوع قتل، اولیای دم می توانند حق قصاص خود را نادیده بگیرند، ولی اسقاط این حق قبل از وقوع قتل که مستلزم بر طرف شدن حکم شرعی جواز قصاص است بویژه در سطحی گسترده، منافی با جعل و تشریع چنین حکمی بوده و معقول به نظر نمی رسد.

به بیانی دیگر: قدر متیقن از جواز عدم اعمال حق قصاص، موارد پس از وقوع قتل است، ولی برای مازاد بر آن، دلیلی در دست نیست و اطلاق آیهٔ شریفه: «وَ لَكُمْ فِي الْقِصاصِ حَياةٌ»

«۱» و آیـهٔ شـریفه: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکَمُ الْقِصَاصُ» «۲» در غیر آن موارد محکّم و جـاری است. علاـوه بر این که در آیـهٔ شـریفهٔ اوّلی، خطاب «لکم» که یک خطاب عام اجتماعی است مشـعر بر این است که جواز قصاص در اجتماع مایـهٔ حیات است و امری که در آن حیات است سـلب آن موجب ممات است. به هر صورت مشـروعیت چنین قراردادی، محل اشکال بوده و بر فرض تحقق چنین قراردادی، قصاص پس از آن خلاف احتیاط است.

---

(۱)- سورهٔ بقره (۲): آیهٔ ۱۷۹.

(۲)- سورهٔ بقره (۲): آیهٔ ۱۷۸.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۴

مسائل دَین

«سؤال ۴۰۹۶» فردی که از دنیا رفته، اگر کسـی مراجعه کنـد و ادّعای طلب از ایشان را داشـته باشـد و لو این که مراجعه کننده پدر متوفی بوده و هیچ گونه مدرک و شهودی نداشته باشد؛ آیا باید مبلغ مورد درخواست را به او پرداخت کرد؟

جواب: مـدّعی طلب بایـد طلب خویش را اثبـات کنـد و مجرّد ادّعا حتی از ناحیـهٔ پـدر و خویشان او کافی نیست و در صورت نزاع باید به محکمهٔ شرعی مراجعه شود.

«سؤال ۴۰۹۷» در زمان جوانی، یعنی بین ۱۵ تا ۱۷ سالگی چون با عمویم همسایه بودیم و همیشه در منزل آنها رفت و آمد می کردم مقـداری از پول هایی را که به من می داد برای خودم خرج می کردم و ایشان اطلاعی نداشت و حالا به خاطر این که از ایشـان حیـا می کنم و ایشـان به ما اعتماد داشـتند، جرأت بیان این مطلب را نـدارم و بارها به صورت سربسـته از ایشان حلالیت گرفته ام، ولی نمی دانم حقشان را ادا کرده ام؟ در این خصوص مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: اگر

به مقـداری که می دانیـد به ایشـان بدهکاریـد در امـوال ایشـان قرار دهیـد هرچنـد ایشـان متوجه نشود و یـا به نحوی از ایشـان حلالیت بطلبیـد که شامل موارد مـذکور نیز شود، مثلًا به مناسـبتی بگوییـد: آنچه بر گردن من داریـد حلال کنیـد و ایشان قبول کند کافی است.

«سؤال ۴۰۹۸» شخصی ادّعای مبلغ شش میلیون تومان طلب از فرد دیگری را کرده و به دادگاه شکایت کرده است. بدهکار در دادگـاه و در حضور قاضـی به بـدهی خود اقرار کرده است. دادگـاه هم حکم بـازداشت صـادر کرده و زمـان حضور وکیـل و دادرسـی مجـدد را به تاریخ ۱۹/ ۱۰/ ۷۷ تعیین کرده است، ولی متأسـفانه شـخص بـدهکار در تاریـخ ۲/ ۵/ ۷۷ فـوت کرده و بعضی از اطرافیان بدهکار در حضور طلبکار بدون حضور یا اطلاع همسر

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۵

متوفی جلسه ای برقرار و تقاضای بخشـش شـش میلیون تومان را کرده اند. شـخص طلبکار چک مبلغ دو و نیم میلیون تومان را بخشـیده و یک و نیم میلیون تومان آن را گرفته و باقی مانـده دو میلیون تومان را یک برگه عندالمطالبه دریافت کرده و اکنون هفت سال است که دیگر برای وصول اقـدامی انجام نداده است. یادآوری می شود که متوفی به حدّ کافی اموال برای پرداخت مطالبات افراد از خود دارد و فرزند یتیم و همسـر متوفی و دیگر وراث نیز مسـتحق به اعانه و بذل و بخشـش نیسـتند؛ آیا از نظر شرع مقـدس ورثه مکلف به پرداخت کلیـهٔ مبلغ فوقند، یا باید هر چه دارندهٔ چک عنایت کرده و بخشـیده مفت دانسـته و قبول کنند، یا از طریق دیگری باید عمل کنند؟

جواب: اگر مدیون

بودن متوفی شرعاً اثبات شود باید دین از اصل مال او برداشت شود، مگر این که طلبکار مقداری را گذشت کند که به مجرد ابراء دین ساقط می شود.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۶

احکام زیارات و عزاداری

«سؤال ۴۰۹۹» در سال های اخیر ابهاماتی در مورد سندیت و یا محتوای زیارت عاشورا مطرح شده است به نحوی که برخی معتقدند: بخش هایی از آن زیارت نامه که به لعن برخی افراد اختصاص دارد از معصوم علیه السلام نرسیده است. مستدعی است نظر خود را در این مورد و بحث سند حدیث ذکر کنید.

جواب: عمدهٔ مضامین زیارت عاشورا و از جمله لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و غاصبین حق آنان، در کلمات معصومین علیهم السلام و نیز در دعاها و از جمله دعای صحیفهٔ سجادیه (دعای ۴۸) و نیز در زیارت های دیگر ذکر گردیده است و خود آن زیارت نیز در کتب معتبر مذکور بوده و خواندن آن به امید ثواب مانعی ندارد، بلکه مطلوب است. البته در کتاب «کامل الزیارات» به جای قسمت هایی از آن زیارت که حاوی لعن برخی اشخاص است عباراتی دیگر می باشد. در قرآن کریم و بسیاری از ادعیه و زیارات، افراد کافر، ظالم، منافق، کتمان کنندهٔ حقیقت، آزار دهندهٔ خدا و رسول و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام و ... به طور عموم مورد لعن قرار گرفته اند. در این رابطه می توانید به کافی، ج ۳، ص ۱۸۹، ح ۳ و ۴ و قرب الاسناد، ص ۵۹، ح ۱۹۰ و تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۲ چاپ اعلمی، بیروت مراجعه کنید.

مراد و معنای «لعن» نفرین است، یعنی درخواست عذاب الهی و دوری از رحمت خداوند برای

کسانی که مورد لعن قرار می گیرنـد و خود آنها به خاطر کفر، ظلم و ماننـد آن زمینـهٔ دوری خود از رحمت خداوند و شـمول عذاب الهی را فراهم کرده اند و به این لحاظ هرچند لعن، ظاهراً و به حسب دلالت مطابقی در قالب نفرین و به صورت «انشاء» و درخـواست دور بودن از رحمت الهی است، امـا به حسب حقیقت و دلالـت الـتزامی «اخبـار» از واقعیـتی است که همـان دور بودن کافر، ظالم و مانند آنها از رحمت

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۷

حق تعالی است و همین دوری از رحمت است که در آخرت به صورت هایی متناسب با عقائـد و ملکات نفسانی ملعونین بروز و ظهور می کنـد و در حقیقت، لعن افرادی که در قرآن، کلمـات معصومین علیهم السـلام، دعاهـا و زیـارت هـا مورد لعن قرار گرفته اند کاشف از آن است که آنان زمینه و صـلاحیت شـمول رحمت الهی بر خود حتی رحمت هدایت را از بین برده اند و گرنه لعن به معنـای درخـواست دور بودن رحمت خداونـد از آنـان به گونه ای که هـدف لعن کننـده از لعن در خواست عـدم شمول رحمت، حتی رحمت هدایت و تطهیر از گناهان نسبت به ملعوین باشد آن هم از سوی خداوند رحمان و رحیم و اولیای او که مظهر رحمت واسعهٔ اویند، وجه معقول و مقبولی ندارد و بالاخره لعن کسانی که ظلم و تعدّی کرده و راه هدایت خود را مسدود کرده اند نه قبح عقلی دارد و نه منع نقلی. واللّه العالم.

«سؤال ۴۱۰۰» مدتی است که شایعه ای بین مردم پخش شده است که علما گفته اند:

زیارت عاشورا را به خاطر حفظ وحدت بین مسلمانان در مجالس،

مساجد و یا به صورت گسترده برگزار نکنیم. لطفاً نظر خود را در این مورد بیان فرمایید؟

جواب: از شایعهٔ مذکور اطلاعی ندارم و خواندن زیارت عاشورا در هر حال به قصد ثواب و بدون آن که از آن استفادهٔ سیاسی شود مطلوب است.

«سؤال ۴۱۰۱» نظر حضرت عالی در مورد زیارت ناحیهٔ مقدسه چیست؟

جواب: برای زیارت ناحیهٔ مقدسه چند زیارت از ناحیهٔ بزرگان نقل شده و خواندن هر یک از آنها به قصد رجا بی اشکال است و قصد ورود لازم نیست.

«سؤال ۴۱۰۲» اگر شخصی در عزاداری امام حسین علیه السلام بر اثر گریه از خود بی خود شده و به سر و صورت خود بکوبد، آیا از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: اگر به حدّ اضرار به نفس نرسد یا از روی اختیار نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۴۱۰۳» نظر حضرت عالی در رابطه با مداحی های مرسوم چیست؟

جواب: مدح و مرثیهٔ ائمهٔ اطهار علیهم السلام باید همراه با ذکر فضائل و مصائب واقعی آن بزرگواران و به دور از سخنان و حرکات توهین آمیز نسبت به منزلت و اهداف آنها باشد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۸

«سؤال ۴۱۰۴» در جامع السعادات و همچنین در معراج السعاده آمده که «آنچه بنده را از مرتبهٔ صبر بیرون می برد بی تابی و جزع کردن، بر سر و سینه زدن، جامه چاک کردن، تغییر لباس و خوراک دادن و ... است» و در رساله آمده: بعضی از این کارها کفاره هم دارد. حال سؤال این است: آیا در عزاداری برای امام حسین علیه السلام این کارها را می توان انجام داد و یا استثنایی در کار است؟

جواب: سینه زدن و تغییر لباس در عزاداری امام حسین علیه السلام نوعی همدردی با اهل

بیت علیهم السلام و شعار است، و جزع برای حضرت اباعبدالله علیه السلام استثناء شده است.

«سؤال ۴۱۰۵» روش برخورد اهل بیت علیهم السلام با سایر فرق اسلامی چگونه بوده است؟

جواب: اهل بیت علیهم السلام با منطق قوی و علمی و بدور از اهانت و سرزنش به سایر فرقه ها از قرآن و سنت دفاع کرده و مطالب باطل آنان را با استدلال به قرآن و سنت و عقل به طور منطقی رد می کردند.

«سؤال ۴۱۰۶» قمه زنی چه حکمی دارد و آیا ذاتاً حرام است؟

جواب: به طور کلی، عزاداری برای امام حسین علیه السلام باید در جهت تعظیم آن حضرت و تعمیق ولایت و محبت آن حضرت در قلب ها گردد؛ قمه زدن ذاتاً حرام نیست، ولی اگر برای شخص قمه زننده ضرر قابل توجه داشته باشد یا در شرایط خاصی موجب وهن مذهب و قداست و عظمت امام حسین علیه السلام باشد باید آن را ترک کرد.

«سؤال ۴۱۰۷» برخی از برادران موقع عزاداری لباس های خود را هم بیرون می آورند؛ علاوه بر این که ممکن است عزاداری را از حالت اولیهٔ آن خارج کنند؛ آیا این عمل اشکال شرعی دارد؟

جواب: اگر در معرض دید نامحرم باشد اشکال دارد و اگر از عرف عزاداری خارج نشود اشکال ندارد.

«سؤال ۴۱۰۸» علم هایی که در روزهای عزا مثل روز عاشورا حمل می شود و برخی به شکل صلیب است رمز و نماد چه حرکتی است؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۴۹۹

جواب: چون در حال حاضر حکایت از صلیب ندارد و علامت دستهٔ عزاداران است برداشتن آن اشکال ندارد.

«سؤال ۴۱۰۹» آیا به کار بردن کلماتی چون سگ حسین و ...؛ همچنین به صورت هروله چرخیدن و

بالا و پایین پریدن و ... برای عزاداری امام حسین علیه السلام جایز است؟

جواب: اگر موجب هتک و توهین بوده و خارج از نزاکت و شأن عزاداری باشد اشکال دارد.

«سؤال ۴۱۱۰» اخیراً در برخی از مساجد هیأت هایی تشکیل شده و جوانان را ترغیب می کنند که مثل گروه علی اللّهی ها یا شیوخ کردستان سر می جنبانند و با هم زمزمه می کنند که من سگ حسینم و من سگ حسینم و یا انا عبد الرقیه ...؛ آیا شرع مقدس چنین مسائلی را اجازه می دهد؟

جواب: مداحی و مرثیه سرایی برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باید به نحو معقول و مناسب با شؤون آن بزرگواران باشد و موجب وهن و برداشت غیر صحیح از دین و مذهب نباشد و چنین تعبیراتی مناسب تعالیم مکتب اهل بیت علیهم السلام نبوده و طبعاً مرضی خدا نیست.

«سؤال ۴۱۱۱» اگر سخنران یا خطیب در ایام عزای حسینی مطالبی را به عنوان زبان حال بگوید، آیا اشکال دارد؟

جواب: اگر بر آن مطالب، کذب در گفتار صدق کند اشکال دارد.

«سؤال ۴۱۱۲» در تاریخ آمده که شب عاشورا امام حسین علیه السلام به اصحاب فرمود:

«وضو بسازید و غسل کنید و جامه های خود را بشویید که کفن های شما خواهد بود»، حال سؤال این است که چرا آب را برای بچه ها ذخیره نکردند و چه غسلی انجام دادند؟

جواب: معلوم نیست وضعیت آب قبل از درگیری آن طور که روضه خوانها می گویند باشد، هرچند در هنگام درگیری و شهادت اصحاب مضیقهٔ آب بوده باشد.

« سؤال ۴۱۱۳» حکم تمثال هایی از ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً حضرت علی و امام حسین علیهما السلام و حضرت اباالفضل ... و نصب آن در

تکیه ها و معابر عزاداری چگونه است؟

جواب: اگر توهین آمیز نباشد اشکال ندارد.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۰۰

مسائل متفرقه

«سؤال ۴۱۱۴» با توجه به تصریح قوانین جاری مبنی بر لزوم مقاوم سازی ساختمان ها و تصریح کارشناسان مبنی بر این که خسارت جانی و مالی زلزلهٔ شهرستان بم ناشی از عدم توجه به مسائل کارشناسانه در انتخاب زمین و مقاوم سازی بوده است و با توجه به این که کارشناسان زلزله می گویند: شهرستان قم در نزدیکی گسل ها و منطقه پر خطر زلزله واقع شده است لطفاً اعلام فرمایید که آیا ساختن ساختمان در این گونه شهرها بدون توجه به مسائل کارشناسی و عدم انجام اقدامات لازم در مقاوم سازی بنا جایز است؟

جواب: با احتمال عقلایی به وجود خطر جانی احتیاط لازم است.

«سؤال ۴۱۱۵» آیا صرف افزایش تقاضای یک کالا این حق را به عرضه کننده می دهد که قیمت آن کالا را افزایش دهد؟

جواب: افزایش تقاضا عادتاً زمینه ساز افزایش قیمت است، ولی سزاوار است حال متقاضی رعایت شده و به او اجحاف و بی انصافی نشود.

«سؤال ۴۱۱۶» آیا از منظر اسلام کارهای فکری و مدیریتی و اجرایی، مثل تدریس، وکالت، سفارت، مدیریت، شرکت ها و ... می توانند با ارزش تر از کارهای دستی چون کار در مزرعه، کارخانه، معادن و ... باشد در حالی که پاداش یک ساعت کار فکری ده ها برابر پاداش یک ساعت کار دستی است؟

جواب: ارزش معنوی کار منوط به نیت افراد است، ولی ارزش مادی و اقتصادی آن با شرایط بازار و نیاز جامعه تعیین می گردد.

«سؤال ۴۱۱۷» من برای تحصیل در خارج از کشور زندگی می کنم و این جا در انجمن اسلامی دانشجویی عضو شده ام. این انجمن برای تأمین نیازهای

خود معمولًا از

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۰۱

نمایندگان ولیّ فقیه پول می گیرد و از آن برای برگزاری نشست و شرکت در اردو استفاده می کند. پول دریافت شده به دلار است و مبالغ بسیار زیادی را شامل می شود. مثلًا برای شرکت در یک نشست اعضای انجمن و خانواده آنها در پاریس یا لندن برای دو یا سه روز، بیش از بیست میلیون تومان هزینه دارد و برای هر شهر هم مبلغی پرداخت می شود.

در واقع فقط فایده تفریحی دارد و نتیجهٔ خاصی از این نشست ها حاصل نمی شود. من دو بار در این نشست ها شرکت کردم؛ هرچند که جنبه تفریحی و دوست شدن ایرانی ها در غربت بسیار از نظر روحی نشاط بخش است، ولی بعد احساس کردم شاید مصرف این پول در این راه درست نباشد؛ چون می شود با پول هایی به این مبلغ در ایران کارهای بهتری کرد؛ مثلًا مدرسه، مسجد و ... ساخت و بسیاری از خانواده های نیازمند را تحت پوشش قرار داد؛ آیا مجاز است که با این پول در این گونه جلسات شرکت کنیم؟

جواب: نفس تجمع و تشکل دانشجویان ایرانی و هم بستگی آنان به نفع اسلام و کشور است و صرف بودجه در این راه اشکال ندارد، منتهی تذکر بدهید از تبذیر و اسراف پرهیز گردد.

«سؤال ۴۱۱۸» لطفاً بفرمایید رو به قبله خوابیدن که مستحب است چگونه باید باشد؟

آیا باید پاها رو به قبله باشد یا سینه انسان؟

جواب: مانند محتضر، پاها را رو به قبله کند به گونه ای که هنگام برخاستن رو به قبله باشد.

«سؤال ۴۱۱۹» برای کسانی که با روحانیون مخالفند چه توصیه ای دارید؟

جواب: الگوی اسلام، رفتار، گفتار و افکار ناصواب من آخوند

و امثال من نیست، بلکه الگوی آن پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام می باشند که مهبط نزول وحی الهی و مفسران صائب و معصوم پیام حق تعالی هستند. جوانان و غیر جوانان باید با متون اصلی اسلام، یعنی قرآن کریم و روایات صحیح و نیز سیرهٔ قطعی معصومین علیهم السلام آشنا گردیده و آنها را ملاک سنجش حق و ناحق قرار دهند نه این که رفتار و گفتار و فکر غیر معصومانه را میزان حقانیت شریعت اسلامی بپندارند.

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۰۲

«سؤال ۴۱۲۰» بعضی از مراجع تقلید، تسخیر جنّ و احضار ارواح در مورد کسی که ضرر زدن به او شرعاً حرام نباشد را جایز می دانند، نظر حضرت عالی چیست؟ بنابراین آیا استفاده از این فنون غریبه برای مقاصد حق و مشروع و از جمله ضرر زدن به مخالفین حق جایز است یا نه؟

جواب: بنای شرع مقدس در امور مردم عمل بر مجرای طبیعی و عادی است و برای برخورد با مخالفین حق و امثال آنها راه کارهای لازم عقلی و عقلایی مثل گفتگو و مناظره را ارائه و مورد توجه قرار داده است، بنابراین جواز خروج از راه های متعارف و احضار ارواح برای مقاصد مذکور- به خصوص با توجه به این که تشخیص موضوعِ مخالف حق و شخصی که ضرر زدن به او جایز است بسیار دشوار و به حسب اختلاف شرایط ازمنه و امکنه و افراد متغیر است- محل تأمل و اشکال است؛ زیرا ممکن است حقوق محترمی تضییع گردد.

«سؤال ۴۱۲۱» در اطراف برخی از جانمازها اسمای متبرک، آیات قرآن و کلمات قصار ائمه علیهم السلام منقوش است

و متأسفانه گاهی نمازگزاران در مساجد بدون توجه از روی آن راه می روند؛ آیا وظیفه ای متوجه صاحب آن است؟

جواب: اگر در معرض پا گذاشتن دیگران روی آیات و اسمای متبرکه باشد صاحب آن نباید از آن استفاده کند.

«سؤال ۴۱۲۲» مخالفتِ استخارهٔ با قرآن و یا تسبیح چه حکمی دارد؟

جواب: مخالفت با استخاره حرمت شرعی ندارد، ولی از بعضی روایات استفاده می شود که مخالفت با آنچه به واسطهٔ استخاره مشخص شده است انسان را دچار رنج و زحمت می کند. رجوع شود به وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷۰، ابواب صلاه استخاره، باب ۲، حدیث ۳.

«سؤال ۴۱۲۳» مخالفت با نتیجهٔ قرعه که برای امر مشکلی انجام شده چه حکمی دارد؟

جواب: مسأله دارای صور گوناگونی است، پس اگر انجام قرعه در کارهای شخصی و برای رفع تحیّر خودش بوده مخالفت با آن، حرمت شرعی ندارد و اگر در

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۰۳

مورد حقوق افراد بوده، مثلًا برای افراز اموال شرکت، که دو یا چند نفر شریک بر قرعه توافق کنند، مخالفت یکی از آنها بدون رضایت دیگری جایز نیست و اگر در مواردی بوده که شرع، حکم به قرعه کرده، مثل مسألهٔ گوسفند موطوء از یک گله، در این موارد نیز نمی توان با آن مخالفت کرد.

«سؤال ۴۱۲۴» در صورتی که موبایلی که تمام قرآن در آن ذخیره شده باشد در داخل توالت بیفتد و امکان خروج آن نباشد تکلیف چیست؟

جواب: موبایل و مانند آن هرچند قرآن در آنها ذخیره شده باشد، ولی به ذخیره شده ها خطوط قرآن صدق نمی کند، ولی اگر فرضاً، عرفاً توهین به قرآن صدق کند باید در صورت امکان، آن را از

توالت خارج کرد.

«سؤال ۴۱۲۵» چنانچه شخصی به دلیل ابتلاـ به بیماری لاعلاـج، زندگی با زجر و شکنجه ای داشته باشد به گونه ای که وابستگی به دیگران و پذیرش تحقیر مراقبین و ... هر لحظه فشار سنگین تر از مرگ را بر او وارد می کند و بهبودی جزئی هم غیر ممکن باشد؛ آیا می تواند مباشرتاً یا با مساعدت دیگران از جمله اطبا خودکشی کند؟

جواب: قتل نفس حتی در صورت مذکور جایز نیست، باید در برابر شدائد و سختی ها صبر کنید و طبعاً اجر بی حساب، نصیب شما خواهد شد، «إِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسَابٍ».

«سؤال ۴۱۲۶» معنای سلام بر زنده ها دعا بوده و سلامتی آنها را خواستن است، لطفاً بفرمایید سلام بر اموات و سلام بر انبیا معنایش چیست؟

جواب: سلام، احترام و دعاست و برای میّت هم اشکال ندارد و معنای سلامتی هم اعم از جسم و روح است.

«سؤال ۴۱۲۷» لطفاً نظر خود را در خصوص توزیع اقلام بهداشتی نظیر: سرنگ، سر سوزن، پنبه الکل و دیگر ادوات مصرف مواد مخدّر به صورت تزریقی برای حداقل جلوگیری از انتقال ایدز و بیماری های منتقله از راه خون در بین این گروه از معتادین که یا نمی توانند یا نمی خواهند ترک کنند بفرمایید؟

رساله استفتاءات (منتظری)، ج ۳، ص: ۵۰۴

جواب: توزیع اقلام بهداشتی بین آنان مانعی ندارد، بلکه وظیفهٔ مسؤولین و متصدّیان امور است که علاوه بر سعی در معالجهٔ معتادین و تشویق آنان بر ترک، با تمهیدات لازم از گسترش بیماری های مهلک جلوگیری کنند. البته باید به نحوی عمل شود که تسهیل بر ادامهٔ عمل آنان محسوب نگردد.

«سؤال ۴۱۲۸» کشت تریاک چه حکمی دارد؟ و آیا پول آن موجب استطاعت و متعلق

خمس است؟

جواب: تریـاک دارای منـافع مشترک بین حرام و حلاـل است و کشت آن برای منـافع حلاـل مـانعی نـدارد و برای منفعت های حرام جایز نیست و اگر کشت آن برای منفعت های حلال باشد هم موجب استطاعت و هم متعلق خمس است.

«سؤال ۴۱۲۹» حکم استعمال مواد مخدّر، همچون تریاک و هروئین و نظایر اینها چیست؟

جواب: اسـتعمال مواد مخـدّر قوی و مضـر نظیر حشـیش و هروئین حرام است، اما مثل تریاک، در صورتی که مضـر باشد جایز نیست، امـا صـرف اسـتعمال بـدون اعتیاد، دلیلی بر حرمت آن نـداریم، به خصوص اگر در بعضـی موارد غرض عقلایی در بین باشد. بلی در صورتی که خوف اعتیاد و زمینهٔ ضرر رساندن آن در کار باشد، بنابر احتیاط از استعمال آن، نیز اجتناب شود.

«سؤال ۴۱۳۰» حکم استعمال دخانیات خصوصاً سیگار چیست؟

جواب: استعمال هر گونه دخانیات اگر ضرر قابل توجه داشته باشد جایز نیست.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

